

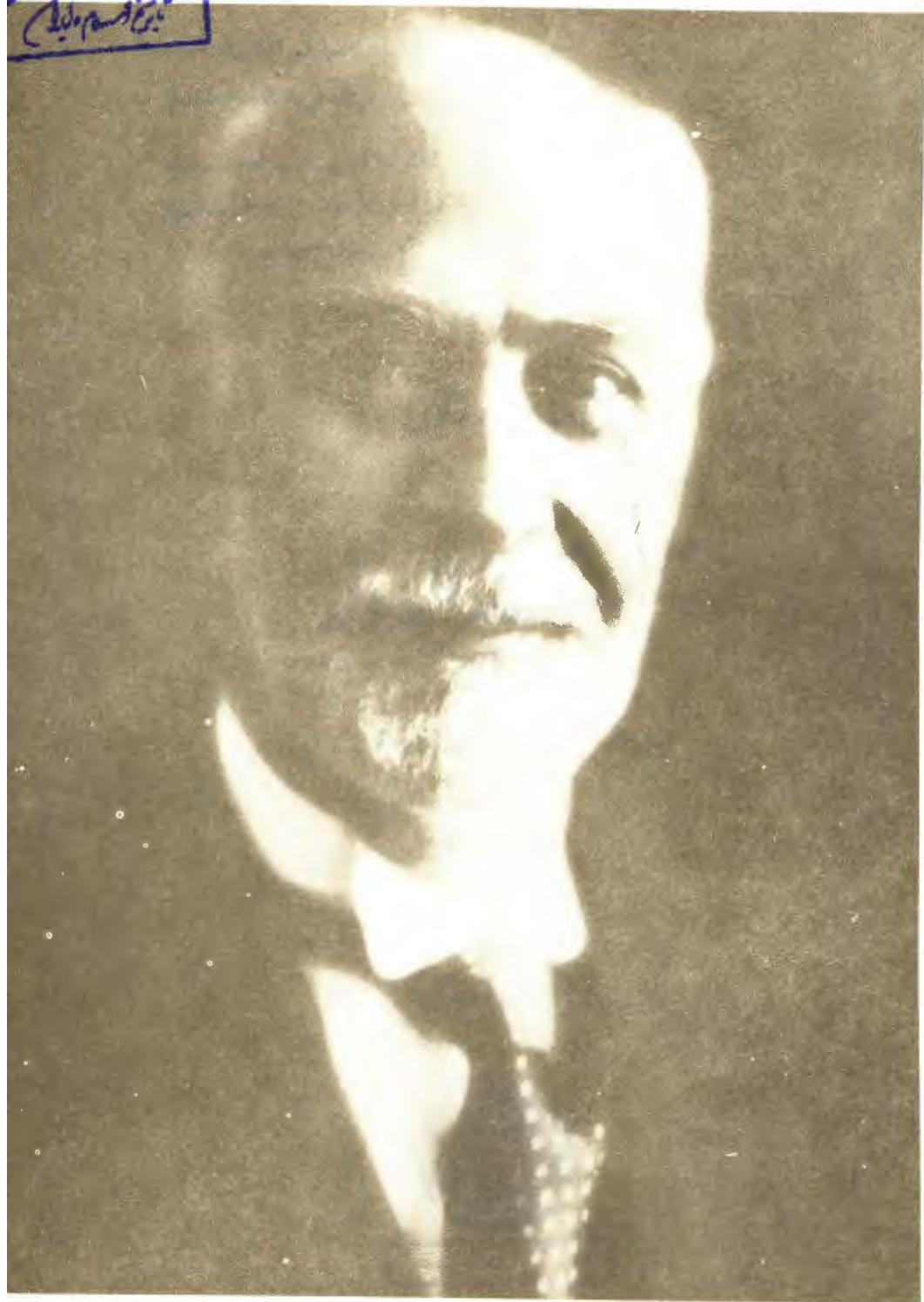
فرستادگان و محیط سیاسی و زندگانی
میرالدوله «سرناس»
پیش



کاش
استانی یادگار



پیر محمد حسن خان



لازلت تكتب في التاريخ مجتهداً
حتى رأيتك في التاريخ مكتوباً
تاريخ كتابي است كه متاسفانه
آدمی بایستی از وسط آن شروع
کند: ویل دورانت

محیط‌سیاسی و زندگانی

مشیرالدوله⁹

(حسن پیرنیا)

نگارش:

باتسانی پاریزی



دنیای کتاب

انتشارات دنیای کتاب - تهران

✱ محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (پیرنیا)

✱ نوشته: باستانی پاریزی

✱ چاپ ۱ دوم: بهار ۱۳۶۱

✱ چاپ پاپا

✱ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

✱ حق چاپ محفوظ

ترجمه احوال

حسن پیرنیا

بقلم آقای باستانی پاریزی

دبیردانشکده ادبیات

شانزده سال پیش در یکی از روزهای اواخر تابستان ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیلات عازم تهران بودم. قسمت عمده کویر لوت را از کرمان و رفسنجان تا اردکان و عقدا پشت سر نهاده به آبادی رسیدم که نایین خوانندش، این آبادی شهری است ولی کوچک و دهی است اما بزرگ. با این نام نا آشنا نبودم، حداقل شهرت عبای معروف آنرا در کتابها خوانده بودم، و بعضی رجالش را بنام شناخته بودم، مسافرت ما با اتومبیل باری بود و من و رفیق همکلاسم بر فراز اتومبیل جای داشتیم و حرارت جوانی و تحصیل بهر حال گرممان داشت. ازدور گنبدی که بود در این شهر بنظر آمد و همسفران گفتند، مقبره پیری است در نایین، و دیگری گفت مقبره جد خانواده مشیرالدوله و پیرنیا هاست. و مراد میدهد!

من که سه جلد کتاب ایران باستان و ایران قدیم پیرنیا را دیده و اجمالا خوانده بودم و مراد دل از تاریخ ایران قدیم یافته بودم سخنش را تصدیق کردم. سالها ازین سفر گذشت، در دوره دانشکده بارها کتاب ایران باستان را زیر و رو کردم، اما اطلاع مفصلی از احوال مؤلفش بدست نیاوردم. گاه گاه در بعضی کتب تاریخ معاصر یا جراید بنام های مشیرالدوله یا مؤتمن الملک که کلمه پیرنیا بدنبالش می آید بر میخوردم ولی هیچیک متضمن شرح حالی از این دو نبود.

امسال که ایران باستان تجدید چاپ میشد، قرعه فال بنام من آمد که سطوری چند در باب مردی، که بعقیده شخصی خود او را بزرگترین رجل سیاسی و اخلاقی و فرهنگی معاصر می شناسم، بقلم آرم. این کار البته از حد چون منی خارج بود، چه بسیار کسان بودند که شایستگی بیشتر و اطلاعات مفصلتر از من داشتند، ولی شیفتگی و علاقه من به سرگذشت این داهیة قرن بیستم ایران، پای گستاخی را پیش آورد:

ایران باستان

همه در خورد وصال تو ومن از همه کم
همه حیران جمال تو و من از همه بیش

نگارش ترجمه بزرگان عصر، خصوصاً کسی که چند دوره نمایندگی مجلس داشته و چهار بار بمقام صدارت مملکت رسیده و بیست بار در کابینه های مختلف وزیر بوده و هم اکنون بیش از ربع قرن ازوفات او نگذشته است، کاری دشوار است. چه اصولاً تاریخ این ایام هنوز در عین بیطرفی و بی غرضی به رشته تحریر درنیامده، بسا از بازیگران صحنه های آن، هنوز حیات دارند و طبعاً خاکسترشبهات از چهره عقاید و آراء بر کنار نرفته و غرضها و کینه ها و اوهام و تصورات از آئینه دلها زدوده نشده است، پس چگونه توان بر احوال کسی بی غرضانه آگاه شد که حدود بیست و پنج سال عمر خود را در کشاکش بزرگترین حوادث عصر گذرانده و در تحولات بزرگ کشور بحق عنصری مؤثر بوده است.

باهمه این احوال به مصداق مالایدرک کله لایترک جله، بقدر قدرت خود دست بدین مهم یازیدم، و شرح حالی تاحدی مختصر از مرحوم حسن خان پیرنیا مشیرالدوله و پدرش میرزا نصرالله خان تهیه کردم که هر چند ناقص است ولی بهر حال گوشه ای از یک دوران کوتاه از تاریخ ایران را - که اتفاقاً پر از حوادث و پیش آمدهای مهم و سهمگین است - دربردارد.

مرحوم مشیرالدوله درپیدایش مشروطیت، در ماجراهای محمد علی شاه و مشروطه خواهان، در اعتراض به قرارداد ۱۹۰۷، در لغو قرارداد ۱۹۱۹، در ختم قضایای خیابانی و جنگل و اعاده آذربایجان، در وقایع کوتای ۱۲۹۹، و در قضایای جمهوریت، همه جا دخیل و وارد و عضو مؤثر بوده و همه جا جانب مردم و عامه و در عین حال رعایت حق و حقیقت و انصاف و حفظ آرامش را می گرفته است. شخصیت مافوق عادی و قابل قبول او در بین اشراف و هم طبقات متوسط، باعث میشد که در بیشتر مسایل عنوان حکم و واسطه داشته باشد. در پیدایش فرهنگ جدید و ایجاد مدرسه علوم سیاسی و حقوق و همچنین ایجاد دادگستری جدید ایران سهم اکبر از آن اوست و باهمه اینها نگارش سه جلد ایران باستان مقام و حق او را تابدان پایه بالامیبرد که حق فردوسی

وشاهنامه برملت ایران، با کمی تسامح، با آن تفاوت زیادی ندارد.

اینک باتوجه باین مراتب، به ترجمه حال او و خاندانش می پردازیم:

پیر نائین در شهر نائین - بیست فرسنگی اصفهان و سی و پنج فرسنگی یزد - زیارتگاهی است بنام مصلی، که امروز مراد و مرجع

اهالی نائین است و مردم را بدان اعتقادی است.

درین بارگاه عارفی روی درنقاب خاک کشیده که «میر عبدالوهاب» نام داشت و «درویشی بی خویش و عارفی حقیقت اندیش بود»^۱. حاجی عبدالوهاب از عرفای سلسله نوربخشیه بود که خلافت را از میر محمد تقی شاهی یافته بود.^۲

محمد حسن کوزه کنانی (آذربایجانی)، با پدرش رجبعلی از اوایل عهد قاجاریه از تبریز به یزد و سپس به نائین آمدند. محمد حسن خدمت پیر را دریافت و مرید او شد، و مقاماتی دریافت.

آقا محمد پسر حاج عبدالوهاب که در حیات پدر در گذشته بود سه دختر داشت که یکی را پیر^۳ به مرید خود حاج محمد حسن کوزه کنانی داد. پیر بسال ۱۲۱۲ هـ در گذشت و در نائین مدفون شد و خلافت و لقب او به حاجی محمد حسن رسید و این همان حاجی محمد حسن است که زمان عبور عباس میرزا نایب السلطنه و پسرش محمد میرزا از نائین برای فرونشاندن انقلابات کرمان (۱۲۴۵)^۴، هنگامی که محمد میرزا قلیانی چاق، کرد و در خانقاه بدست حاجی داد، پیر دعایش کرد و

۱ - زین العابدین شیروانی، بستان السیاحه، ذیل لغت نائین

۲ - حاجی نایب الصدر شیرازی، طرایق الحقایق ص ۹۶

۳ - کلمه پیر که در اول بسیاری از امکنه مقدس ایران آمده است (مثل پیر جاسوس و پیر حمزه و پیر بکران و پیر تاکستان و پیر داود و پیر جمال و پیر علمدار و پیر بنه و ...) به معنای مقدس و پاک است و حتی کلمه کتل پیرزن نیز که در فارس است، به معنای کتل زن مقدس باید باشد نه زن پیر و مقصود از آن فرشته ناهید بوده است.

درین باب رجوع کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان «ابنیه دختر در ایران، مجله باستانشناسی شماره ۲۱، ص ۱۳۳

۴ - تاریخ کرمان مصحح نگارنده ص ۳۸۲

اورا پادشاه آینده خواند ، «در حضور والا کنایه^۱ و در غیاب صراحة^۲ به پادشاهی محمدشاه اشارت کرد.»^۱

حاج محمد حسن نود و چهار سال مرحله زندگی طی کرده در سنه ۱۲۵۰ مرحوم شده ...^۲ و این عمارت مصلی که امروز مزار اوست بدستور محمد شاه پس از یافتن مقام سلطنت ، ساخته شده است.^۳

آقامحمد پسر پیر عبدالوهاب ، دو پسر نیز داشته که یکی را نام ابوطالب بود و ازین پسر ، پسر محمد نام پدید آمد و این محمد پدر میرزا نصرالله خان نائینی معروف است که مشیرالدوله لقب داشت و پدر حسن پیرنیا بود .

باید گفته شود که اولاد دختری پیر ، به پیرزاده شهرت دارند.^۴ و اولاد پسر او به پیرنیا ، و اصلاً این خانواده را در نایین خانواده مصلائی ها گویند.

اگر خاک هم برمیکنید ، پای تل بلندی بکنید.

مشیرالدوله بزرگ
نصرالله خان در اوایل عمر از نایین جلای وطن کرده و با سه سرمایه بزرگ بتهران آمد ، سرمایه او از پشت کار و همت مردم یزد ، زرنگی و هوش اهل اصفهان و قناعت و بردباری و حوصله مردم خور و بیابانک مایه میگرفت ، نایین در میان این سه ناحیه معروف ایران واقع است.

میگویند مدتی به کتابت تحصیل معاش میکرده ، بعد در اداره میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله (آصف الدوله) نوکری پیدا کرد که تقریباً ماهی به دوسه تومان مواجب خدمت میکرد تا زمانیکه میرزا سعید خان مؤتمن الملك وزیر امور خارجه میشود میرزا نصرالله خان هم آن اوقات داخل وزارت امور خارجه شده و پس از مدتی

۱ - روضة الصفا ، جلد قاجاریه ذیل وقایع ۱۲۴۶ ،

۲ - صدر بلاغی حاشیه تاریخ نایین ، ص ۱۲۴

۳ - هدایت ، خاطرات و خطرات ، ص ۲۰۴

۴ - معروف ترین آنان حاجی پیرزاده نایینی است ، رك: ایرج افشار ، ادوارد برون

و حاجی پیرزاده ، یغما ، ۷ : ۴۲۰

ترجمه احوال مشیرالدوله

که در آن اداره خدمت میکند، مرحوم ابراهیم خان نایب‌الوزاره به کارگذاری مهمام خارجه آذربایجان مأمور و میرزا نصرالله هم بسمت منشی گری او به تبریز میرود و در آنجا متأهل میشود و دختر حاجی میرزا تقی آجودان کارگذاری را [که مادر حسن پیرنیا باشد] اختیار میکند. و بعد از فوت نایب‌الوزاره به تهران مراجعت میکند.^۱

او در ابتدا دروزارت لشکرسمت محاسب و سررشته‌داری داشت، رفته‌رفته پیش میرفت تا مورد توجه اتابک قرار گرفت، میرزا علی اصغر خان سرانجام وزارت لشکر را باو ارزانی داشت، در زمانیکه وزارت مخازن عسکری بامعیرالممالک بود او وزارت لشکر را داشت و بودجه مخازن توسط وی تصویب و امضاء میشد.^۲ در ۱۳۱۴ فرمانفرما وزارت جنگ را بشرط قبول وزارت لشکر مشیرالدوله، پذیرفت.^۳ در ابتدای کار وزارت خارجه (۱۲۹۹) لقب مصباح‌الملکی داشت و در ۱۳۰۸ به مشیرالملک ملقب شد. بعد از قتل ناصرالدین شاه محسن خان مشیرالدوله که وزارت خارجه را داشت و برای استعلاج به فرنگ رفته بود درپاریس درگذشت. درین وقت اتابک، میرزا نصرالله خان را از وزارت لشکر به وزارت خارجه آورده و درماه ربیع الثانی سال ۱۳۱۷ وزارت خارجه و لقب مشیرالدوله را باو سپردند.^۴

۱- ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۴

۲- در باب روابط اتابک و مشیرالدوله گویند: مشیرالدوله تا آنجا مورد اطمینان بود که مهر اتابک در دست او بود و نامه‌های او را به مهر میرساند و سپس مهر را در کیسه گذارده به اتابک میداد. روزی پس از رفتن مشیرالدوله از منزل اتابک، تلگرافی آوردند که قرار بود اتابک مهر کند، صدراعظم کیسه را به دکتر احیاءالملک شیخ داد که باز کند و تلگراف را مهر نماید، او بادم خویش مهر را مرطوب ساخت و بر کاغذ چسباند، ولی پس از مهر کردن بخنده افتاد، اتابک گفت حکیم چرا بیخودی میخندی؟ دکتر جواب داد، برای اینکه مهر آقا را چسباندم ولی اثر مهر مشیرالدوله را میخوانم! معلوم شد مشیرالدوله پس از مهر کردن نامه‌ها، مهر خود را در کیسه نهاده و مهر اتابک را همراه برده بود.
(دوستعلی معیرالممالک، یغما: ۹: ۲۷۵).

۳- ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۴

۴- مستوفی، زندگانی من، ص ۹۸، تاریخ بیداری ص ۴۴۵، تاریخ نایین ص ۱۵۴

رسم بخشیدن القاب در آن دوران چنین بود که دیواری فرومیرخت و گودالی

پرمیشد!

مشیرالدوله بزرگ در این ایام بود که انقلاب مشروطیت ایران بمرحله نهایی و **آزادیخواهی** رسیده صورت ظهور و بروز می یافت و آزادیخواهان و احرار از گوشه و کنار سر بلند کرده آزادی و عدالت میخواستند، البته دربار و اطرافیان مستبد مظفرالدین شاه که عین الدوله رأس آنان بود چون دیواری قطور ولی از خشت و خاک در برابر امواج پرصدا و پر جوش و خروش مشروطیت ایستاد و البته بی نتیجه ماند. پس از عزل اتابک و عزیمتش به صوب حجاز عین الدوله صدر اعظم شد، در همان روزهایی که عین الدوله در برابر علماء و مشروطه خواهان ایستاده و کوس لمن الملکی میکوفت و تجار و علماء به قم مهاجرت کرده بودند، نصرالله خان مشیرالدوله رل میانجی را داشت، و حتی «مقرر شد که مشیرالدوله با جمعی از رؤسای تجار روانه قم شده علماء را برگردانند و به مشیرالدوله و کالت تام میدهند که از طرف دولت هرقراری که صلاح بداند با علماء بدهد و هر گونه اقدامی لازم باشد بنماید، و او آماده رفتن میشود که در همین حال (بقول معروف گاه باشد که کودکی هم به غلط تیری به هدف بزند) تلگراف از تبریز از طرف ولیعهد به توسط مشیرالدوله به شاه میشود حاصلش آنکه بخاطر یک نفر [عین الدوله] نمیشود چشم از سلطنت پوشید، بالنتیجه شاه برای عزل اتابک حاضر میشود و او در ۷ جمادی الاول ۱۳۲۴ استعفا نمود^۱، البته استعفای او عادی نبود، عین الدوله در برابر حریفها پایداری میکرد و استعفا نمیکرد و سرانجام بعنوان اعتراض به مبارک آباد رفت. روزی ناصرالملک و مشیرالدوله که از طرف شاه حامل پیامهای سخت بودند به قهر به خانه او رفته مجبور به استعفا میش کردند، مشیرالدوله بجای او وزیر اعظم و سپس صدراعظم شد.^۲

روز چهارشنبه دهم جمادی الآخر ۱۳۲۴ هجری بود که بازارها بسته شد و

۱ - حیات یحیی، ج ۲ ص ۷۶ و ۷۸

۲ - رجال عصر ناصری، یغما، ۹: ۲۸۵

ترجمه احوال مشیرالدوله

محصلین مدارس در سفارت انگلیس چادر زدند و در همین حال مردی که سوار قاطر بود وارد سفارتخانه شد و گفت «مردم مژده دهید که عین الدوله معزول گردید.» باری منصب صدارت را دادند به مشیرالدوله که سی سال قبل منشی نظام السلطنه بود و مواجب او در ماه سه تومان بود^۱.

مشیرالدوله اول کاری که کرد، دست به آزادی مجبوسین سیاسی زد. توضیح آنکه میرزا آقای اصفهانی از مجلس کلات تلگرافی بدین مضمون به مشیرالدوله مخابره کرد:

دیدنی که خون ناحق پروانه شمع را
چندان امان نداد که شب را سحر کند

مشیرالدوله گفت از اعلیحضرت شاه استدعا میکنم که مجبوسین را مرخص نمایند. با روحیه حریت دوستی که مشیرالدوله داشت و با روابط صمیمانه و کریمانه‌ای که میان او و شاه بود. چند روز بعد فرمان مشروطیت را از مظفرالدین شاه گرفت^۲ و از علما که از تهران خارج شده بودند درخواست مراجعت کرد و سپس طی اعلامیه‌ها و لوایحی مردم را به تشکیل مجلس و انجام انتخابات و رعایت اصول دموکراسی امیدوار و مطمئن ساخت^۳ و همه اینها بکمک فرزنداناش خصوصاً حسن خان صورت گرفت که مفصلاً درین باره سخن خواهیم گفت.

روزیکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۴، بواسطه نزاعی که بین مجدالدوله و امیر بهادر شده بود در مجلس صدراعظم، و به شرف صدارت بر خورده بود لذا صدراعظم در مقام

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۵۸

۲- روابط مظفرالدین شاه با مشیرالدوله بسیار حسنه بود و بسا اوقات شوخیهایی مناسب نیز فیما بین می‌آمد، معیر الممالک مینویسد:

روزی مظفرالدین شاه وضو می‌ساخت و درین هنگام مشیرالدوله در کنارش ایستاده بود، شاه انگشتی زمردی درشت و عالی که در دست داشت از انگشت در آورده به مشیرالدوله داد و او هم بلافاصله تعظیم عظیمی بعمل آورد و انگشتی را بوسیده و در انگشت کرد و گفت: خداوند سایه مبارک قبله عالم را از سرخانه زاد خدمتگزار کوتاه نفرماید !!

۳- برون، انقلاب ایران ص ۱۲۱

استعفا برآمد و مراتب را حضور شاه عرض کرد، اعلیحضرت متغیر شد، و فرمود آنچه صلاح دانید معمول و اجرا دارید، وزیر دربار را چه باین مذاکرات!

روزشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تهیه مجلس را می بینند که فردا در عمارت باغ گلستان در حضور اعلیحضرت منعقد گردد^۱. اولین دولت قانونی مشیرالدوله در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تشکیل شد.

مشیرالدوله بزری مظفرالدینشاه در خزان سال ۱۳۲۴ هـ در گذشت. مشیرالدوله و محمدعلیشاه مثل بسیاری از وزرای پیر، دل نابخواه تاج بر سر محمدعلیشاه مغرور جوان گذاشت و حال آنکه قلبش بدین سلطنت گواهی نمیداد^۲. شواهد و امارتی هست که مشیرالدوله بگفتار و عمل در لقی کردن اساس سلطنت او بی تأثیر نبوده است:

دختر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (مادر آقای جمشید مفخم) در چند ماه قبل از صدارت پدرش، خواب دیده بود که پدرش از در وارد شده تاجی در دست دارد و میگوید: «تاج محمد علی میرزا است بایدالساعه بروم بر سر او بگذارم» دختر متوجه میشود که تاج را از برف ساخته اند و بپدر میگوید، نگاهی کرده جواب میدهد: «برای مدتی که او بر سر تخت میماند کافی است» این خواب را من [مستوفی] از پیرنیا شنیده ام^۳.

و باز گویند روز تاجگذاری (۵ ذیحجه ۱۳۲۴) مشیرالدوله تاج را پیش و پس بر سر شاه گذارد و توجه نکرد، ولی شاه خود متوجه شده تاج را بر گرداند و عده ای این را خوشی من ندانستند، و هم گویند که محمدعلیشاه به مشیرالدوله گفت تاج کیانی چرا اینقدر سنگین است؟ (محمدعلیشاه بعلت سنگینی تاج مجبور شد که آنرا بهر دو دست نگاه بدارد و پس از چند دقیقه تاج را برداشت و بجای آن کلاه

۱- تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۵۱۳ و ص ۵۵۰

۲- جمله «ای شه بدبخت» تاریخ جلوس اوست.

۳- عبدالله مستوفی، زندگانی من، ج ۲، ص ۲۴۲

ترجمه احوال مشیرالدوله

رسمی را بر سر گذاشت)^۱. مشیرالدوله جواب داد : « قربان ، برای سر شما سنگین است » !

باری مشیرالدوله همچنان بصدارت برقرار بود تا آنکه محمد علیشاه اتابک را از اروپا احضار کرد ، میرزا نصرالله خان تمارض کرد و از کار خارج شد.^۲ احتمال می رود که سبب کناره گیری او ناتوانی او در جلوگیری از خودسری شاه و سیاست همنافی وطنخواهانه او در بر انداختن مجلس که بهر قیمت ، ولو با مداخله اجنبی ، درپیش گرفته بوده باشد^۳ (محرم ۱۳۲۵ = ۱۷ مارس ۱۹۰۷). کابینه بی رئیس الوزراء تشکیل شد. (اتابک هنوز در فرنگ بود)

سراسپرینگ رایس به سر ادوارد گری در گزارشی (۲۸ مارس ۱۹۰۷)

مینویسد:

در هفدهم همین ماه مشیرالدوله صدراعظم معزول گردید، کاشیها در حق وی بی- اندازه سعایت می نمودند و بشاه همچو فهمانیده اند که تمام اشکالات و زحماتی که آن اعلیحضرت دچار شده است همانا نتیجه ضعف صدر اعظم و طرفداری اوست از ملت. فردای آنروز مشیرالدوله از طهران به عمارت ییلاقی خود حرکت کرده و خیال دارد پس از چندی عازم اروپا شود .

پسر ارشدش ملقب به مشیرالملک (حسن پیرنیا) ازین ببعد سفیر پترزبورگ نخواهد بود و همراه پدر خویش که محترماً نفی بلد میشود خواهد رفت و دومین پسرش مؤتمن الملک در طهران توقف خواهد نمود .

روز ۲۱^{۱۳۳۰} وزیرای جدید معرفی شدند ، مجدداً شاه به امین السلطان که هنوز در سوئیس بود تلگراف کرد که عازم تهران شود.^۴ و او در ۲۷ ربیع الاول پس از ملاقات با سران روسیه، از اروپا وارد ایران شد.

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۸۸، کتاب آبی گزارش ۱۳ ژانویه ۱۹۰۷

۲- خاطرات و خطرات ص ۲۰۳

۳- براون، انقلاب ایران ص ۱۴۵

۴- کتاب آبی ص ۵۹

مرحوم مخبر السلطنه هدایت می نویسد : «اتابك برای تشکیل کابینه مرا نزد نصرالله خان مشیر السلطنه فرستاد که وزارت خارجه قبول کند، رفتم ، درویشی نکرد» .

روز امضای قرارداد ۱۹۰۷ (= ۲۱ رجب ۱۳۲۵)^۱ اتابك بقتل رسید .
مرحوم هدایت گوید : من واتابك باتقی زاده و امین الضرب وسید عبدالله و صنیع الدوله نشسته در اصلاحات مذاکره می کردیم اتابك برخاست و باتفاق سید عبدالله رفتند، چند دقیقه فاصله شد. خواستیم حرکت کنیم، امین الضرب جلو گرفت و گفت : اتابك را زدند. اندکی تأمل کرده از در دیگر رفتیم^۲.

مر ۴ مشیرالدوله قتل امین السلطان به گلوله عباس آقای تبریزی ، استعفای بزرگ سعدالدوله را از ریاست مجلس پیش آورد ، مجلس در ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۷ احتشام السلطنه را بریاست خود برگزید. سه روز بعد (جمعه ۴ شعبان ۱۳۲۵، ۱۴ سپتامبر ۱۹۰۷) نصرالله خان مشیرالدوله که بدریاست وزراء نامزد شده و از همکاری با سعدالدوله سر باز زده بود، ناگهان در محیط پرازسوء ظنی فوت کرد^۳ و در همان روز سعدالدوله بوزارت خارجه منصوب شد.

میگویند محمدعلیشاه در مقام انتقام برآمده از جهت اینکه وی روی خوشی به سلطنت محمد علیشاه نشان نمی داد او را مسموم نمود^۴ و عجباً که سرنوشت امیر کبیر

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ، محمود محمود ص ۲۰۶۵ ، فکر آزادی ، ص ۲۶۸

۲ - گزارش ایران، ج ۴ ص ۳۹

۳- معیرالمالك فوت مشیرالدوله را دریغما (۹ : ۲۹۶) بسال ۱۳۲۸ ضبط کرده است که مسلماً اشتباه است .

۴- برون، انقلاب ایران ص ۱۲۲ و ۱۵۸ ، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۸

ترجمه احوال مشیرالدوله

وقائم مقام و اعتمادالدوله (ابراهیم خان) هم قبل از او بهمین نحو بود و گویی این سنتی بود در خاندان حکومتی قجر .

در چهارم شعبان ۱۳۲۵ مشیرالدوله بدون سابقه کسالت در رستم آباد شمیران فوت میکند، تصور میشود که اورا مسموم کرده باشند، چه در روز مزبور علاءالدوله رستم آباد مهمان بوده باهم ناهار می خوردند، بعداً صدراعظم به اندرون رفته بفاصله کمی حالش بهم خورده یکساعت از شب رفته وفات میکند.^۱

وزیر مختار انگلیس در ایران، اوضاع را طی گزارشی چنین مینویسد :

از قلهك، ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

«اوضاع بدتر گردیده و بی نظمی مملکت بواسطه مردن اتابك افزایش یافته است . . . درین تازگی هیئتی مشیرالدوله را ملاقات و بوی تکلیف پذیرفتن شغل نموده ، مشارالیه از قبول آن امتناع می داشت، مگر اینکه پول باو برسانند و میگفت هرگز مسئولیت خطرناك استقرار از خارجه را به عهده نخواهد گرفت».^۲

جریان مرگ ناگهانی مشیرالدوله در مجلس نیز منعکس شد و گفته گوهایی پیش آمد. بدنیست عیناً از گزارشهای مجلس نقل شود.

در جلسه پارلمانی شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۵ میرزا ابوالحسن خان از رئیس مجلس پرسید :

– جناب مشیرالدوله مرحوم شده اند؟

احتشام السلطنه رئیس – بلی

ابوالحسن خان – این مرد یکی از رجال بزرگ خیرخواه ملت بود. ممکن است تحقیق شود که باحال خود مرده است؟ امروز بر مجلس لازم است که هر کس از رجال بزرگ و غیره که وجود آن برای ملت فایده داشته باشد و فوت شود تحقیق شود که بحال طبیعی فوت شده یا خیر .

رئیس ساکت ماند.

رئیس التجار – جناب رئیس در باب فوت مشیرالدوله چه فرمودید ؟

رئیس – ممکن است الآن با تلفن تحقیق شود .

۱- از تاریخ خطی شریف . بنقل از تاریخ مشروطیت ایران محمدحسن سراج

ادیب هروی ، ص ۹۷

۲- کتاب آبی ص ۱۶۱، از مکتوب سراسپرینگ رایس به سراداردگری

ایران باستان

چند نفر از طرف مجلس برای تحقیق معین شود .
حاج امین‌الضرب - اینطور خوب است که بوسیلهٔ تلفن اسامی طبایبی
که در آنجا بودند معلوم شود تا درصدد تحقیق بر آیند.
در جلسه بعد از ظهر محقق‌الدوله گفت : در جواب تلفون مجلس، جناب
مؤمن‌الملک خیلی اظهار تشکر و امتنان نموده گفتند دیروز مبتلا به مرض
قولنج شده بعد از آن سگته رو داد ، دکتر انگلیسی آوردیم که تشخیص دهد
چه بوده ، فعلا درامازاده صالح بطور امانت گذاشته شده است .
(از مذاکرات مجلس)

چنین بود سرگذشت مردی، که در جوانی به پسران خود گفته بود: «یکشب
مرحوم حاج محمد حسن جد خود را در خواب دیدم که یک کیسه بمن داد و گفت
نصرا لله، دین کیسه هر چه هست متعلق بتو می‌باشد، کیسه را باز کردم ، دیدم سه
عدد مهر در آن کیسه است، که یکی مهر وزارت لشکر می‌باشد و دیگری مهر وزارت
خارج و دیگری مهر صدارت....

«ناظم الاسلام گوید: مشیرالدوله در زمان صدارتش بخوبی سلوک نمود، ظلمی
نکرد، کسی را معدوم نکرد و خانه‌ای را آتش نزد ، وطن فروشی ننمود ، با خارجه
نساخت، و آثار بدی در عالم نگذارد . مشیرالدوله از اولین اشخاص مؤسسه است که
سراپردهٔ مشروطیت را بلند نمودند!.

او را در امامزاده صالح تجریش شمیران بخاک سپردند .

باری چو فسانه می‌شوی ای بخرد افسانهٔ نیک شو ، نه افسانهٔ بد

حسن پیرنیا

تحصیلات در اوائل سال ۱۲۹۱ هـ ق (۱۲۵۲ شمسی) در خاندان نصرالله خان مشیرالدوله، پسری پا بدنیا نهاد که حسن نام گرفت. و دو سال بعد از او پسری دیگر آمد که حسین نامیده شد. میرزا نصرالله خان به تربیت این دو فرزند علاقه بسیار داشت و چون خود مردی آزاده و مترقی و فضیلت دوست بود، از ابتدا بفکر تحصیل فرزندان افتاد و بهمین سبب در اوان خردی وسایل تحصیل آنان را فراهم کرد. تحصیلات مقدماتی فارسی و عربی را حسن خان از معلمین سر خانه فرا گرفت که از آن میان شیخ لطفعلی نامی که در مدرسه مروی طلبه بود، بخواهش آقا ادبیت و عربیت به حسن می آموخت.

حسن و حسین و برادر خردسال دیگرشان علمی پس از آنکه بمقدمات زبان و ادب آشنایی یافتند، از طرف پدر عازم تحصیل اروپا شدند. حسن به روسیه و حسین و علی بپاریس رفتند و هنوز سن زیادی نداشتند، بقرار اظهار آقای داود پیرنیا پسر حسن خان مشیرالدوله، درین وقت حسن ۱۴ سال داشت. مستوفی گوید نصرالله خان وقتی که مصباح الملک و رئیس اداره روس بود سه پسر خود حسن و حسین و علی را برای تحصیل باروپا فرستاده بود^۱، و چون بسال ۱۳۰۸ از مصباح الملکی به مشیرالملکی تغییر لقب یافته بنابراین حد اکثر تا این سال (که ۱۷ سالگی حسن خان) میشود بایستی او را به خارج فرستاده باشند.

موقعی که حسن عازم مسکو بود، بدستور ناصرالدین شاه، که حسودان تحریک کرده بودند، در انزلی متوقف گردید. پدرش که آن زمان عضو وزارت خارجه بود

۱- شش مشیرالدوله، ایرج افشار، جهان نو؛ اشعار جاویدان پارسی امیرمسعود سپهرم، رجال مشهور صدر مشروطیت، یغما: ۵۱۶، درین رساله که ظاهرأ در ۱۳۳۶ تألیف شده گوید سن او (حسن خان) بیش از چهل سال است و بنابراین تولد او در همین حوالی باید اتفاق افتاده باشد.

ب توسط امین السلطان مجدداً وسایل حرکت آنها را فراهم کرد.^۱

حسن در مسکو به مدرسه «کادکسی کرپوس» که مدرسه‌ای نظامی بود وارد شد. حسین درپاریس در پلی تکنیک بکار پرداخت.

علی پسر زینا و برارنده او در اروپا مسلول شد و بدرود زندگی گفت.^۲
دوستعلی خان معیر الممالک گوید:

میرزا علی خان، در سال هزار و نهمصد مسیحی (= ۱۳۱۹ هـ.) که نگارنده [معیر الممالک] درپاریس بود دوباره به ناها رمنزل آمد، جوانی بود براستی خوش قامت، خوش صورت و خوش صحبت و بانهایت جدیت سرگرم تحصیل، در سن بیست و چهار سالگی به بیماری سل درپاریس درگذشت.^۳

حسن خان تحصیلات نظامی و سپس تحصیلات حقوقی خود را در دانشکده حقوق مسکو تمام کرد و پس از اتمام تحصیلات بسمت وابسته سفارت ایران در پترزبورغ تعیین شد.

در ۱۳۱۷ که پدرش به مقام وزارت خارجه رسید، پسر خود حسن خان را از پترزبورغ احضار کرد و او را منشی خود کرد، سپس بامقام ریاست کابینه وزارت خارجه و هم چنین منشی مخصوص صدراعظم، لقب مشیرالملکی نیز باو داده شد.^۴
تأسیس کابینه و هم چنین آرشیو وزارت خارجه از اقدامات اوست.

مدرسه علوم سیاسی کارا کتر و شخصیت بارز میرزا حسن خان مشیرالدوله را باید در قانون دانی و قانون شناسی و قانون پرستی اودانست. این مرد بزرگ در هر حال و در همه مراتب، حداکثر کوشش خود را بکار می برد که رعایت اصول و قوانین بشود، و بسا که این حدت و شدت اود در مراعات اصول، موجبات انتحار سیاسی او را فراهم میکرد.

۱- شش مشیرالدوله، جهان نو، ۲: ۱۱

۲- زندگانی من ج ۲، ص ۹۹

۳- رجال عصر ناصری، معیر الممالک، یغما، ۹: ۲۸۶

۴- زندگانی من ج ۲ ص ۹۹، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۶

ترجمه احوال مشیرالدوله

او با تحصیلات عالی که در حقوق کرده بود بخوبی متوجه اهمیت قانون و اثر اصول و پرنسپ در اجتماعات و ترقی ملل شده بود، بهمین علت، روزیکه پابایران گذاشت، متوجه شد که باید مرکز و کانونی برای تعلیم اصول و مبانی حقوق بشری فراهم آید و مکتبی باز شود که مردم ایران را به قانون دانی و حق و حد گذاری وادار کند.

برای انجام اینکار متوسل به مقام و شخصیت پدر خود - نصرالله خان - که او هم بنوبه خود مردی اصولی و قاعده دان بود، شد. مرحوم مستوفی گوید :

تأسیس مدرسه سیاسی اثر فکر میرزا حسن خان مشیرالملک پسر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله است.

پسر و پدر در نزد صدراعظم و شاه محسنات این اقدام را جلوه گرساخته فرمانی صادر کردند و چهار هزار تومان سالیانه برای مخارج این مدرسه از تفاوت عمل معدن فیروزه خراسان برقرار نمودند. مشیرالملک برنامه این مدرسه را تنظیم کرده گرما گرم مشغول تعیین معلم و مکان مدرسه شده و اعلان پذیرفتن داوطلب را منتشر کرد.

افتتاح رسمی مدرسه سیاسی در نیمه شعبان ۱۳۱۷ مطابق ۲۸ آذر ماه مقرر گشت. عده ای از طرف نصرالله خان مشیرالدوله برای عصر این روز دعوت شده بودند.^۱

ریاست مدرسه ابتدا بامشیرالملک بود و بعد از سفر او به پترزبورگ (۱۳۲۰)، بابرادرش میرزا حسین خان پیرنیا که از پترزبورگ به تهران آمده بود. مخیر شد مدرسه سیاسی در حقیقت پایه و مرکز اساسی مدرسه حقوق و بالاخره دانشکده حقوق امروزی است که کسی نمی تواند منکر اثر آن در تحول فکری و قضائی اجتماع امروزی ایران باشد.

اثر معجز آسای این مدرسه در همان ایام، یعنی پس از شش هفت سال در ایران

برای تنظیم وجهت یابی انقلاب مشروطیت و اداره و بهره‌برداری از آن بزودی نمودار شد. مرحوم ناظم الاسلام می‌نویسد:

« علت همراهی مشیرالدوله به مشروطه ، بر حسب عقیده نگارنده ، تأسیس مدرسه مبارکه سیاسی بود، پس از افتتاح مدرسه سیاسی و اقدام مشیرالدوله [نصرالله-خان] به ترقی آن مدرسه ، امور مدرسه با میرزا حسن خان مشیرالملک و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک بود و این دو شخص عالم متمدن علاوه بر معلومات و تحصیلات ایشان، فضلاء و دانشمندان مملکت اطراف آن را گرفته از خارج هم ممد و اعانت از آنها شد تا کار بجایی رسید که هوئخواهان حریت از اطراف عالم چشم باین دونفر عالم انداخته و نجات اهل ایران را منحصر باقدام این دونفر دانسته و این دونفر هم الحاق کوتاهی نکردند ... جمع شدن فضلاء و علماء در مدرسه سیاسی باعث شد که مشیرالدوله متنفر شد از استبداد و همراه شد باملت تا بمقصد خود رسید.^۱»

حسن خان مشیرالدوله خود درین مدرسه حقوق بین‌الملل درس می‌داد . دوره مدرسه سیاسی ابتدا چهار سال بود و بعداً اضافه شد . مرحوم محمد-حسین فروغی ذکاء‌الملک نیز جزء مدرسین بود و بعدها ریاست مدرسه نیز باو سپرده شد.

مشیرالدوله در سفر دوم مظفرالدین شاه باروپا (۱۳۲۰هـ) بعنوان سفارت مشیرالدوله مترجم با شاه به فرنگ رفت.^۲ و پس از مراجعت شاه بسمت سفیر ایران در پترزبورغ تعیین شد.

اوبا وجود حادثات سن ، سفارت پترزبورغ را در کمال موفقیت پشایان رساند، «منزل او در سفارت بود. از وقتی که به سفارت پترزبورغ مأمور شده قدغن کرده بود که مطلقاً القاب را در کارت های خود بکار نبرند ، چنانکه خودش هم در کارت خود، خود را میرزا حسن خان وزیر مختار ایران معرفی میکرد ... او در کار

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ، ص ۴۴۶

۲- زندگانی من ، ص ۱۰۹

ترجمه احوال مشیرالدوله

سفارت خود را خیلی خونسرد نشان میداد ، او برای سفارت پترزبورغ خیلی جوان و حتی از نایب سفارت مشاور الممالک علیقلی خان انصاری پنج شش سال جوانتر بود روسی را خوب میدانست و با امپراطور بزبان مادری او (روسی) حرف میزد و امپراطور هم به روسی جواب میگفت و حال آنکه با دیگران بزبان فرانسه حرف میزدند .^۱

در همین ایام سفارت او بود که مظفرالدین شاه بخيال سفر سوم بفرنگ افتاد و طبعاً طبق معمول راه او از ^{طرب} روسیه بود .

« عید و بهار ۱۳۲۳ رسید ، شاه بخيال فرنگ افتاد ، مشیرالملک (حسن خان پیرنیا) تلگراف دریافت نموده تا باد کوبه به استقبال رفت . در اوایل ژوئیه تلگراف شد که شاه به پترزبورغ میآید ، در ژوئن وارد شد .

شاه سفر خود را در اروپا به پایان رسانید و در بازگشت او از طریق روسیه ، مشیرالدوله باز تا سرحد شاه را بدرقه نمود ، او درین سفر سخت مورد توجه شاه قرار داشت : « هدیه ای نیز به شاه داد که يك آلبوم جلد نقره مینا کاری بود ، وقتی که شاه خواست آلبوم را بگشاید ، یکی از فضولهای درباری گفت : « قربان ، آلبوم عکس ندارد ! » شاه هم متوجه بی ادبی او شده گفت : « تو میدانی من برای چه آلبوم را میخواهم باز کنم ؟ ، برای اینست که میخواهم شرح پذیرائی مشیرالملک را در حاشیه آن بنویسم ، قلم و دوات بمن بدهید » .

درباری بی ادب به خبط خود متوجه شده عقب رفت ، شاه شرحی در حاشیه یکی از صفحات آلبوم را نوشت و آنرا بست .^۲

يك هفته بعد از بازگشت مظفرالدین شاه ، مشیرالملک بموجب اجازه نامه ای که در هنگام التزام رکاب (تا سرحد ایران) تحصیل کرده بود ، پس از بازگشت به

۱- زندگانی من ص ۱۲۵ و ۱۴۶ و ۱۷۷

۲- زندگانی من ص ۱۸۸

پطرزبورع ، بعد از ده بیست و روز مرخصی بایران رفت.^۱

مشروطیت و مشیرالدوله
ورود حسن خان مشیرالملک مصادف بود با سال‌های پر
تشنج انقلاب مشروطیت ایران که نسیم تجدید و حریت ،
امواج آزادی طلبی و مساوات‌جویی را به سواحل رژیم حکومتی ایران رسانده
و خفتگان ۲۵۰۰ ساله این دیار را که در بامداد مشروطیت چشم مالیده و منتظر تابش
اشعه خورشید آزادی بودند، امیدواری تازه می‌بخشید .

مشیرالملک با تحصیلات عالی در حقوق و افکار بلند آزادی طلبی، در کار پدر-
که صدراعظم بود و خود نیز با آزادی طلبان مماشاة و حتی همراهی داشت- دخالت و
کمک کرد . ناظم الاسلام می‌نویسد :

از مشیرالدوله دو پسر که میرزا حسن خان مشیرالملک و میرزا حسین خان
مؤمن‌الملک باشند بایک دختر از او باقی مانده است که در واقع این دو پسر در حسن
تربیت و تمدن ممتاز و مشار بالبنان و محسود امثال و اقران هستند ، در واقع از
مشیرالدوله دو چین بزرگ و سترگ باقی مانده؛ یکی تمول فوق‌العاده است که بیشتر
بواسطه همراهی‌های امین‌السلطان و در زمان ریاست او تحصیل کرد^۲ و دیگر این دونفر
اولاد است که الحق والانصاف اسباب نیکنامی پدرشان هستند و دانشمندانی که زحمت
برای تحصیل مشروطیت و سلطنت ملی میکشیدند هر گز منتظر و متوقع نبودند که
باین زودی باین نتیجه و این ثمر برسند بلکه مقدمات را برای ده سال بعد ترتیب
میدادند ، مردم هم که در سفارتخانه بودند در آخر امر دولت قانونی را تقاضا

۱- زندگانی من ۲۲۲ و ۲۲۴

۲- نصرالله خان مشیرالدوله مردی آرام و بی‌آزار بود ، از پیرزاده شنیدم که وقتی
او از میدان نائین می‌گذشته است ، یکی از اخلاف حاجی عبدالوهاب در بالاخانه مشرف
به میدان نشسته بوده‌اند، می‌فرماید این جوان نزد خدا يك کروور نصیب دارد . در موقع وفات
شاید بیش از اینها مکنت داشت . (خاطرات و خطرات ص ۲۰۴)

ترجمه احوال مشیرالدوله

مینمودند، درین اثنا بر حسب علم و اطلاعی که پسرهای مشیرالدوله داشتند لفظ کنستی توسیون^۱ را در فرمان و دستخط مظفرالدین شاه مندرج ساختند و پس از رسمیت و اطلاع به سفراء، کاراز دست در باریها خارج شد.^۲

نخستین کسیکه واژه کنستی توسیون را بزبان آورد مرحوم میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله بود.^۳

در ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ بود که فرمان مشروطیت صادر و در ۱۸ شعبان مجلس شوری تشکیل شد و بقول مرحوم کسروی:

«در مجلس اول، نمایندگان گردآمده و صنیع الدوله را رئیس، وثوق الدوله را نایب رئیس یکم و امین الضرب را نایب رئیس دوم برگزیدند. چون میبایست نظامنامه داخلی نوشته شود، کسانی از نمایندگان را برای نوشتن آن نامزد گردانیدند. درین میان قانون اساسی نیز نوشته میشد، گویا مشیرالملک و مؤتمن-الملک پسران صدراعظم (مشیرالدوله نصرالله خان) آنرا می نوشتند، یا بهتر بگوئیم ترجمه میکردند^۴.»

درباره کلمه «گویا» ی مرحوم کسروی باید اضافه کنیم که این امر مسلم بوده است و مرحوم پیرنیا در تدوین قانون اساسی نه تنها دست داشته بلکه در کن اعظم شمرده میشده است. مرحوم ملک زاده مینویسد:^۵

«از آزادیخواهان جمعی از اشخاص مطلع مانند صنیع الدوله، مخبر السلطنه، مشیرالملک، محتشم السلطنه، بعضی نظامنامه های انتخابات ملل دیگر را ترجمه و تعدیل کرده نظامنامه انتخاباتی ترتیب میدهند ولی بدو اشکال: برمیخورد: یکی از طرف رؤسای روحانی و دیگر از جانب رجال مستبد درباری که ولیعهد باطناً در رأس

۱- Constitution

۲- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۴۶

۳- برون، انقلاب ایران ص ۴۹۹

۴- کسروی، تاریخ مشروطیت ایران، ص ۱۷۰

۵- تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۲ ص ۱۸۷

ایران باستان

آنها است . نقطه نظر روحانیون این است که از بابیه‌های ناصرالدین شاهی یعنی منورالفکران و بی اعتقادان به روحانی نمایان کسی داخل مجلس نشود ، نقطه نظر رجال مستبد اینست که قوای مملکت فقط در تحت اراده شاه باشد و تجزیه نگردد . »

ناظم الاسلام مینویسد :

« در قضایای مشروطیت با توجه به موقعیت سلطنت و قدرت درباریان ، مشیرالدوله بزرگ و پسرانش (حسن و حسین) دل عاقلانه و بسیار زیر کانه‌ای را اجرا میکردند و کوشش داشتند که از طرفین (دربار و مردم) اقدامی شدید و غیر عادی نشود . روز شنبه ۱۳ جمادی الاخری ۱۳۲۴ ، هنگامیکه مردم در سفارت انگلیس متحصن بودند ، دو ساعت از شب گذشته میرزا حسین خان پسر کهتر مشیرالدوله دستخطی آورد در سفارتخانه که مجلس را افتتاح میکنیم ، اما در طهران ~~فقط~~ نه در سایر بلدان ، . . . تجار و کسبه گفتند ما چنین مجلسی لازم نداریم ، مجلس باید حاکم مطلق باشد و شعوبات آن در تمام بلدان و دهات دایر باشد . . . روز بعد دستخط را عوض کردند ، دستخط صادر شد که مجلس به تصویب و میل علماء اعلام تشکیل شود .

و باز گوید : متحصنین در ۱۷ جمادی الاخری رفتند به نیاوران تا در رستم آباد که مزرعه مشیرالدوله صدراعظم است با خود صدراعظم مذاکره نمایند ، مشیرالدوله و پسرش مشیرالملک و محتشم السلطنه آنجا بودند ، در باب مجلس شوری مذاکره بود ، صدراعظم میگفت که شوری باید اسلامی باشد و آقا سید حسین برو جردی گفت شورای ملی باید باشد ، صدراعظم گفت من شورای ملی نمیدهم ، آقای سید حسین گفت ، به قوه ملت شورای ملی را می گیریم ، پس از مذاکرات نباشد آقایان با مشیرالملک و محتشم السلطنه در مجلسی دیگر نشسته گفتگو کنند ، پس از مذاکرات نتیجه این شد که مجلس شورای ملی باشد .

عصر روز پنجشنبه ۱۸ جمادی الاخری ۱۳۲۴ ، مشیرالملک پسر بزرگتر

ترجمه احوال مشیرالدوله

صدراعظم با جناب آقا میرزا محمد صادق و جمعی دیگر از صاحبقرانیه آمدند
بشهر و وارد به سفارتخانه شدند و رفتند در چادر بزرگ تجار. مشیرالملک در مجلس
جلوس نمود، جناب آقا سید عبدالحسین واعظ رفت بالای منبر و اظهار مراحم
والطاف اعلی حضرت را به مردم نمود... بعد مشیرالملک رفت روی صندلی فرمان
اعلی حضرت شاهنشاه را قرائت نمود. و دستخطی را که کاشف از عفوا و اغماض متحصنین
بود بعد قرائت کرد.

تاریخ دستخط مشروطیت در هجدهم بود ولی محض اینکه مطابق باشد باروز
تولد شاهنشاه، تاریخ آنرا در چهاردهم نوشتند.^۱
مرحوم مستوفی آرد:

«مشیرالملک و برادرش مؤتمن الملک از راه تدارک لوایح قانون اساسی و
متمم آن خیلی به پیشرفت مشروطه کمک کردند، شاید گراین دوپر نبودند همان
آزادی طلب‌های دو آتشه هم نمیدانستند چه باید کرد.^۲»
و مرحوم هدایت گوید:

«صنیع الدوله، محتشم السلطنه، میرزا حسنخان و میرزا حسین خان پسران
میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و من بنده در ۲۱ ج ۲ ۱۳۲۴ از طرف مشیرالدوله
دعوت شدیم برای تنظیم نظامنامه در رستم آباد نشستیم، نظر بمقتضیات وقت صلاح رادر
انتخابات طبقاتی دیدیم و مدلول دستخط هم همین بود.^۳»
و هم او آرد:

در جمادی الاخره ۱۳۲۴ قمری صنیع الدوله، محتشم السلطنه، مشیرالملک،
(مشیرالدوله) مؤتمن الملک و نگارنده [مخبر السلطنه هدایت] معین شدیم نظامنامه
انتخابات را بنویسم، .. در نظامنامه قرار شد شصت نفر از تهران انتخاب شوند و

۱- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۴۶۶ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۲

۲- زندگانی من ج ۲، ص ۳۲۸

۳- گزارش ایران، بخش ۴، ص ۱۰

ایران باستان

شصت نفر از ولایات ... نظامنامه به دستخط رسید و به نیرالدوله حاکم طهران داده شد اجرا کند، هی هفته گذشت اقدامی نشد. . مشیرالملک را ملاقات کردم گفتم چه شد؟ گفت حاکم نظامنامه را نمی فهمد، گفتم چه خواهید کرد؟ گفت حاشیه خواهم نوشت. گفتم اگر نظامنامه را نمی فهمد حاشیه را نخواهد فهمید.^۱ و باز گوید من گفتم، من در حاشیه خواهم نشست و هر جا توضیح خواست باو خواهم داد!

در همین ایام محمد علی شاه نیز به تهران آمده بود و مشیرالدوله و پسران در ملاقاتهای با ولیعهد و اعضاء مجلسین قانون اساسی را که «مرحوم میرزا نصرالله خان در مرض موت بامضای شاهانه رسانیده بود»^۲ به امضای محمد علی شاه مغرور و جوان نیز رسانیدند.

مرحوم کسروی گوید:

در اول ذیقعد و ولیعهد بتهران رسید و ازسوی آزادخواهان و دیگران پیشواز باشکوهی بجا آمد، و ازسوی مجلس نمایندگان برای گفتن «خوش آمد» به پیش او رفتند، و چون از همان روزهای نخست شاه او را جانشین گردانیده خود را کنار کشید، ازینسوی محمد میرزا هنوز خود را نیازمند پشتیبانی بهبهانی و طباطبایی میدید، گفتگو درباره قانون اساسی همچنان پیش میرفت، محمد علی میرزا، حاجی محتشم السلطنه و مشیرالملک پسر مشیرالدوله صدراعظم را ازسوی خود به مجلس فرستاد که بیایند و درباره برخی از بندها گفتگو کنند و اینان نیز بیشتر در زمینه مجلس سنا گفتگو کردند و هر چه بود آنرا بپایان رساندند. در ۱۴ ذی قعد قانون به صحنه شاه و سپس ولیعهد رسید.^۳

مرحوم بهار در باب تنظیم نظامنامه انتخابات گوید:

۱- خاطرات و خطرات ص ۱۸۹

۲- تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۰۲

۳- تاریخ مشروطیت کسروی ص ۱۸۷

ترجمه احوال مشیرالدوله

نظامنامه انتخابات بار اول در ۳۰ رجب ۱۳۲۴ توسط انجمنی مرکب از تربیت شدگان مانند میرزا حسن خان مشیرالملک و مرتضی قلیخان و صنیع الدوله و مخبر السلطنه و مخبرالملک و عده دیگر مبنی بر انتخابات طبقاتی تهیه شد.^۱

مشیر الدوله
و قرارداد ۱۹۰۷
با فوت مظفرالدین شاه، تاجگذاری محمدعلیشاه بدست نصرالله خان مشیرالدوله آنطور که گفتیم صورت گرفت و: بتوقيع برزده عون الهی محمدعلی خاتم پادشاهی حسن خان مشیرالملک، برای اعلام مراسم تاجگذاری پادشاه جدید به کشورهای اروپائی سفر کرد، او در ماه رجب ۱۳۲۵ در کابینه مشیر السلطنه بوزارت عدلیه منصوب شده بود. بقول مستوفی:

« ماه دوم بهار [۱۳۲۵] رسید، رفتن مشیرالملک به سفارتهای فوق العاده [برای اعلام تاجگذاری] سرگرفت^۲. مرحوم مستوفی نیز درین سفر به همراه مشیرالدوله بود، ابتدا به روسیه رفتند و سپس به برلن و از آنجا به لندن. در انگلستان مشیرالملک با سراداردگری وزیر خارجه انگلیس ملاقات کرد. در همین ایام بود که قرارداد ۱۹۰۷ معروف بین روسیه و انگلستان در باب تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ در شرف تکوین بود.

توضیح آنکه بر اثر بهم خوردن موازنه سیاسی بین کشورهای اروپائی و قوی شدن اتحاد دولتهای آلمان و اتریش و ایتالیا، فرانسه بفکر افتاد که بین روسیه و انگلستان قرارداد مودتی پیش آورد که خود نیز از آن طرفی ببرند، بدینجهت در سال ۱۹۰۶ موقعیکه در الجزایر يك کنفرانس بین المللی منعقد بود، در اوقات غیر رسمی فاصله بین جلسات، میان نمایندگان روس و انگلیس

۱- تاریخ احزاب سیاسی ص ۶

۲- زندگانی من ج ۲ ص ۲۷۷.

ایران باستان

واسطه شده و برای عقد قرارداد معروف ۱۹۰۷ دلالی کردند .

مشیرالملک ازطرف امپراطور انگلستان ادوارد هفتم نشان سن ژرژ دریافت داشت و بحضور امپراطورباریافت و ناهاری نیز با امپراطور انگلستان صرف کرد . درین ناهار سمت راست شاه سرادوارد گری و سمت چپ او مشیرالملک نشست . مشیرالملک ده روز درلندن بود و درباب قراردادهم گفتگو هایی کرد ولی موضوع قرارداد ۱۹۰۷ چیزی نبود که مشیرالملک قدرت جلو گیری از وقوع آنرا داشته باشد ، درحکم قضای آسمانی و حادثه انجام شدنی بود و میبایست موازنه سیاسی اروپا فراهم شود. العبدیدبر والحق یقدر، وحق دراین ایام ظاهراً باتوپ کروپ بود.^۱

۱- این قرارداد سخت مورداعتراض ملیون ایران قرار گرفت وهمانست که مرحوم

بهاردرباب آن قصیده معروف خود را گفت واینک چند بیت ازآن:

سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری

سخنی از من بر گو سر ادوارد گری

کای خردمند وزیری که نیروورده جهان

چون تو دستور خردمند و وزیر هنری

.....

تو بدین دانش، افسوس که چون بی خردان

کردی آن کار که افسوس جزا زوی نبی

بر گشودی در صد ساله فرو بسته هند

بر رخ روس و نترسیدی از در بدری

اندر آن عهد که با روس بیستی زین پیش

غبنها بود و ندیدی تو ز کوته نظری

انگلیس آن ضرری را که ازین پیمان برد

تو ندانستی و داند بدوی و حضری

سد بس معتبری ایران بد در ره هند

و ه که برداشته شد سد بدین معتبری

باد نفرین به لجاجت که لجاجت برداشت

برده از کار و فرو بست رخ برهنری

بیست و چهار

ترجمه احوال مشیرالدوله

مشیرالملک از لندن به کاله رفت و سه روز آنجا ماند و سپس به پاریس آمد و بحضور آرماند فالیر رئیس جمهور فرانسه باریافت و نشان لژیون دونور درجه اول با حمایل دریافت کرد . پس از هشت روز توقف در پاریس برای استفاده از مرخصی و آبهای معدنی به اسپانیا رفت و آنگاه به پطرزبورغ بازگشت.^۱

در همین ایام (حوالی رمضان ۱۳۲۵) در پطرزبورغ خبر مرگ میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدرش باورسید و بتهران احضار شد.

کابینه مشیرالسلطنه نیز در همین وقت سقوط کرد و میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ (۲۶ اکتبر ۱۹۰۷ ، آبان ۱۲۸۶) رئیس الوزراء شد و هیئت دولت خود را معرفی کرد . درین کابینه میرزا حسن خان بوزارت خارجه رسید و لقب پدرش یعنی مشیرالدوله باو داده شد. مؤتمن الملک وزیر تجارت بود ، تمام اعضای کابینه باستثنای وزیر داخله (آصف الدوله) از ایرانیان تجدد پروری بودند که تحصیلات عالیه نموده و هر کدام یک یا دو زبان اروپائی میدانستند.^۲ در همان روز های اول وزارت بود که اعلان قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس در تعیین دو منطقه نفوذ در ایران از طرف سفارتین روس و انگلستان به وزارت خارجه ایران رسید .^۳

مشیرالدوله جوابی منطقی به مراسله سفارتین داد که موجب رضایت عمومی آزادیخواهان شد . مفاد این جواب در کتاب آبی درج شده است و چنین است.^۴

ترجمه مراسله مشیرالدوله

به مستر مارلینگ وزیر مختار انگلیس در ایران:

(۲۵ رمضان ۱۳۲۵ = ۲ نوامبر ۱۹۰۷)

۱- زندگانی من ج ۲ ص ۲۷۷ و ۳۱۸

۲- کتاب آبی ص ۲۲۴

۳- زندگانی من ، ص ۳۴۹

۴- کتاب آبی ص ۲۳۲ ، اطلاعات ماهانه فروردین ۱۳۳۲

ایران باستان

مراسله آن جناب مورخه ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ حاوی و متضمن سواد قسمتی از قرارداد منعقد بین دولتن انگلیس و روس راجع بایران و مشتمل بر يك مقدمه و پنج ماده بود عز و صل بخشید . در جواب با کمال توقیر اظهار میدارم و خاطر نصفت مظاهر آن جلالتمآب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرارداد فوق الذکر چون مابین دولتن انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرار داد فقط تعلق به خود دولتن مذکوره که امضای آن را نموده اند خواهد داشت و دولت ایران نظر به استقلال تامه ای که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجه هر قسم قرارداد منعقد فیما بین دو یا چند دولت دیگر راجع بایران بوده باشد کاملاً و مطلقاً مصون و آزاد میداند و در خصوص مناسبات و روابط دوستانه خود با دول متحابه برای تشیید و استحکام مبانی و داد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هر گونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود . اما راجع به قروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ منقصتی تعهدات مربوط به قرارداد آن قرضه را مرعی خواهد داشت .

مشیرالدوله

با جواب وزیر خارجه و اعتراض بسیاری که از طرف جراید و ملیون ایران نسبت بآن بعمل آمد ، این قرارداد سوء اثری در اذهان عمومی بجای گذاشت که اولیای دولت انگلستان ناچار در مقام رفع و رجوع آن برآمدند .

این مراسله (مراسله مشیرالدوله به مستر مارلینگ ، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵) از بزرگترین آثار مشیرالدوله است و مخصوصاً برای آنکه وزیر خارجه را مجبور به پس گرفتن این سند سیاسی مهم نمایند ، مشیرالدوله متن مراسله جوابیه را به تمام سفارتخانه های مقیم تهران قبلاً فرستاده بوده است .^۱

وزیر مختار انگلستان در ایران ضمن نامه ای کوشش داشت که سوء تفاهم در باب قرارداد ۱۹۰۷ را رد کند، او در جواب مشیرالدوله نوشت :

۱- عباس اسکندری ، کتاب آرزو ، ص ۱۹۸

۲۶ رجب ۱۳۲۵ = ۵ سپتامبر ۱۹۰۷

بدوستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قرارداد فیما بین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتین در ایران و تقسیم این مملکت فیما بین آنها خواهد بود، خاطر جناب اشرف ارفع مسبوق است که مذاکرات فیما بین روس و انگلیس بکلی طور دیگر است، چرا که جناب مشیرالملک درین اواخر بطرز بورغ و لندن رفته و مذاکراتی که با وزیر امور خارجه انگلیس نموده باید راپورت داده باشند، جناب سرادارد گری مفاد مذاکراتیکه با جناب مشیرالملک داشته اند... بدوستدار اطلاع داده اند، جناب سرادارد گری اطلاع میدهد که بجناب مشیرالملک اظهار داشته اند که ایشان و موسیو ایزولسکی (نخست وزیر روسیه تزاری و امضاء کننده پیمان ۱۹۰۷) در دو نکته اصلی به هم کاملاً متفقند، یکی اینکه: هیچیک از دولتین در امور ایران مداخله نخواهند کرد مگر صدمه بمال و جان رعایای آنها وارد آید، و دیگر اینکه مذاکرات در باب قرار داد فیما بین روس و انگلیس نباید برخلاف تمامیت و استقلال ایران بوده باشد... در حقیقت چنانکه موسیو ایزولسکی برای مشیرالملک توضیح کرده اند هر دو وزیر کاملاً در خصوص مداخله نکردن موافق بوده و جای شبهه باقی نگذاشته اند. ۱۴

اما همانطور که اشاره کردیم این قرارداد بین دو دولت قوی بسته شده و نقض آن از طرف ایران ممکن نبود. چنانکه چندی بعد قشون روس باستناد آن نواحی شمالی ایران را اشغال کرد و بهر حال بحث در باب آن مطلبی است که از موضوع ما خارج است.

نماز واستخاره در ناصرالملک نتوانست انتظارات محمدعلی شاه را بر آورد، خدمت سیاست چه اعضاء این کابینه اغلب از آزادیخواهان بودند و طبعاً مخالف نظریات شاه. شاه بفکر اسقاط کابینه افتاد، جالبترین نکته ای که درین مورد میتوان در تاریخ مشروطیت یافت، استخاره ای است که محمد علی شاه در این باب نمود و البته استخاره راه نداد و موجب ابقای کابینه شد، گرچه بعداً دولت خود کنار رفت.

محمدعلیشاه در کارها اعتقاد باستخاره داشت و حتی در باب توپ بستن مجلس هم بعدها استخاره کرد، بهر حال در مورد اسقاط ناصرالملک، محمدعلیشاه نظر خود را نوشته دریا کتی گذاشت و آنرا نزد مرحوم آقاسید ابوطالب مجتهد زنجانى فرستاد و جواب گرفت. باید گفته شود که استخاره‌های محمد علی‌شاه در کتابچه‌ای ضبط شده و در آن کتابچه تصریح شده است که «این استخاره‌ها که درین کتابچه جمع شده تمام خط محمدعلی‌شاه و جوابها خط مرحوم آقاسید ابوطالب مجتهد زنجانى است»^۱.

بسم الله الرحمن الرحيم، پروردگارا، اگر من این چهار نفر وزیر را از شغل‌های ذیل: ابوالقاسم خان ناصرالملک را از وزارت مالیه معزول کنم، غلامرضا خان را^۲ از شغل وزارت داخله معزول کنم، حسن خان^۳ را از شغل وزارت خارجه معزول کنم، خان باباخان^۴ را از وزارت عدلیه معزول کنم، صلاح من است استخاره خوب بیاید والا فلا، یادلایل المتحیرین، یا الله
محمد علی

جواب در روی پاکت چنین مرقوم است: «ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیاه، برای کارهای عادی هیچ حسنی ندارد، اقسام گرفتاری و وحشت را فعلا دارد، لکن برای اظهار قدرت و گرفت و گیر و تمیز نیکوکار و بدکار و مجازات هر یک گویا بد نباشد با زحمت فوق العاده، والعلم عندالله، مقدم و مؤخر آیه حشرون نشر مجازات است، قلب مبارک همایونی مرآت است، بهتر درین نیت اقدام نفرمودن است.»

اما روابط شاه و ناصرالملک با این استخاره هم ترمیم نیافت، همکلاس لرد کرزن که بهر حال خود را از همه رجال دستگاه محمدعلی بالاتر میدانست و بالاتر از آن اینکه پشتیبانی قوی چون انگلستان داشت، تن به رضای شاه در نمیداد و پافشاری داشت که عده‌ای از اطرافیان عامی و مستبد شاه بر کنار شوند.

در همین ایام بود که زنان ناصرالدین‌شاه هم بعنوان اعتراض قطع مستمریه‌ای خود در مجلس ^{مجلس}تخت اختیار کردند. ناصرالملک در ۱۸ ذی‌قعدة استعفا داد.

- ۱- مقاله آقای احمد توکلی، مجله یادگار سال ۵، شماره ۸ و ۹
- ۲- آصف الدوله، ۳- مشیرالدوله پیرنیا ۴- مهدیقلی هدایت مخبر السلطنه
- ۵- قرآن مجید، سوره مریم آیه ۷۲

ترجمه احوال مشیرالدوله

محمدعلیشاه دوز بعد او را احضار کرد و بیاد دشنام گرفت و دستور داد او و وزرایش را در اطاق حاجب الدوله زندانی نمایند، آنگاه دستور داد باو قهوه قجری بدهند، ناصرالملک بنماز پرداخت و نمازش چندان طول کشید که سفیر انگلیس شخصاً بدربار آمد و بعنوان اینکه ناصرالملک از دربار امپراطور نشان دارد او را از کشتن نجات داد.^۱

این دستگیری در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ (دی ماه ۱۲۸۶) صورت گرفت، شاه، ناصرالملک را به زنجیر انداخت و حتی دستور قتل او و بعضی وزرایش را داد ولی با وساطت سفارت انگلستان از خونس در گذشت و در ۱۶ دسامبر او را به رشت تبعید کرد و بالاخره هم در ۱۹ دسامبر او را عفو نمود.^۲ ناصرالملک میخواست مستمری و حقوق های گزافی که به اعضای خانواده سلطنتی و درباریان داده میشد قطع شود.^۳ چنین بود صلح و آشتی پادشاهی که حکومتش بیش از دو سال آنهم آشفته نبائید، به تفی روشن از پفی خاموش! شب عاشق بود و صبح فارغ!! این اولین خطری بود که از مشیرالدوله در گذشت.

من قانون اساسی را برای مملکت میخواهم
نه مملکت را برای قانون اساسی. مشیرالدوله

مشیرالدوله و قانون
شخصیت مشیرالدوله را در قانون دانی او باید جست، او سرپیشرفت ایران را در اصلاح دادگستری میدانست.

تحصیلاتش در حقوق بود، روزیکه بایران آمد مدرسه علوم سیاسی را بهمین جهت پی افکند.^۴ او شیفته عدالت بود. روزیکه برای اعلام تاجگذاری محمدعلیشاه به لندن رفت، پس از دریافت نشان ها و ملاقات با وزیر خارجه و سایر تشریفات، وقتی از او سؤال کردند که از نقاط دیدنی لندن و مجامع مهم آن کجا را جزء برنامه کوتاه مدت او بگذارند، او بلافاصله گفت میل دارد در یکی از جلسات

۱ - اطلاعات ماهانه، خرداد ۱۳۲۷

۲ - کتاب آبی ص ۲۳۳ و ۲۶۲ - تاریخ ایران سایکس ج ۲ ص ۵۷۹، ۴ - اطلاعات ماهانه، آذرماه ۱۳۳۰ مقاله آقای افشار تحت عنوان تاریخچه مدرسه سیاسی

محاکمات شرکت کند. مرحوم مستوفی مینویسد:

« يك روز به اصرار مشیرالملک به محاکم جنایی رفتیم، او میخواست محاکم جزائی را تماشا کند... قاضی با کلاه گیسی و جبه ابریشمی مشکی زیر نیم طاقی جلوس کرده بود، دو نفر معاون قاضی طرفین او، ... جناب سفیر کبیر (مشیرالملک) قدری انگلیسی میدانست و از مذاکرات چیزی دستگیرش میشد ... مشیرالملک سه ساعت بعد از ظهر باز آمد، معلوم شد دارلینگ قاضی اول شهر لندن بعد از ختم محاکمه و معرفی شدنش به سفیر کبیر از ایشان دعوت کرده است و باهم ناهار خورده اند... مشیرالملک میگفت سر ناهار از دارلینگ پرسیدم در قانون انگلیسی مجازات اعدام هم هست؟ جواب گفت: خوشبختانه بلی!»

مشیرالدوله از او ان کار خود متوجه نقص دستگاه قضایی ایران شده بود و همه جا مطالعات خود را برای بهبود این اوضاع ادامه میداد.

مشیرالدوله روزی بوزارت داد گستری ایران رسید که تازه حدود بیست سال از پیدایش نام عدلیه در دستگاه دولتی میگذشت، آنهم عدلیه‌ای که خود میبایست بحضور شاهزادگان برود، نه آنکه آنان به پیشگاهش روی نهند! توضیح آن اینست:

در ماه صفر ۱۲۹۹ قمری از دیوانخانه عدلیه احضاریه‌ای برای یکی از شاهزادگان درجه اول صادر شد که فوری به عدلیه بیاید و جواب شاکیان را بدهد، او زیر احضاریه نوشت «من به عدلیه نمی‌آیم، عدلیه اگر کاری دارد پیش من بیاید!» ناصرالدین شاه بعد از این جریان در تاریخ ۱۲ صفر دستخطی به مستوفی الممالک صدرالعظم نوشت که حاکی از مطلبی تاریخی است:

«جناب آقا، نظم دیوانخانه عدلیه و گذشتن عرض عارضین این است که دیوانخانه اعظم اقتدار داشته باشد و از جمله تسلط دیوانخانه آن است که هر کس را احضار بدیوانخانه میکنند بلا استثناء باید فوری بدون هیچ عذری حاضر بشود. حتی اگر خود شما را هم احضار کند باید حاضر شوید، تا چه رسد بدیگران،

ترجمه احوال مشیرالدوله

نمی آیم یعنی چه؟ بسیار غلط است. حکم سختی الآن به معزالدوله بدهید و در روزنامه اعلان و نشر نمایند که هر کس احضار شود و نیاید سیاست خواهد شد.^۱ تشکیلات عدلیه در زمان ناصرالدین شاه بنام دیوانخانه اعظم بود و قوانینی داشت که موسوم به «کتابچه دستورالعمل دیوانخانه اعظم» بود و در ۱۲۷۹ صادر شده بود. در اواخر ۱۳۲۴ ق، (پیش از مشروطیت) محاکمی بطور ناقص تشکیل میشد، که بنام محکمه ملی، محکمه نقدی و محکمه جزاء خوانده میشد، در غوغای انقلاب نارضایی مردم از عدلیه موجب شد که تشکیلات عدلیه را بهم زنند و پیرم ارمنی رئیس شهربانی با قوه نظمیه در عدلیه را بست و عده ای از اعضای عدلیه را از محاکم به زندان منتقل ساخت و عدلیه همچنان تعطیل بود تا در نوبت اول وزارت مشیرالدوله مجدداً به تصدی مرحوم مشارالسلطنه دایر شد و محاکم عدلیه با تغییر اعضاء تشکیل گردید.

«در سال ۱۳۲۷ پس از فتح تهران و تشکیل کابینه ولی خان سپهدار اعظم، مشیرالدوله وزیر عدلیه گردید و درین موقع برای اصلاح عدلیه (بخیاال خود) يك عده از قضاة را بدون محاکمه برخلاف قانون اساسی از عدلیه خارج کرد و این عمل مخالف توقع مردم از مشیرالدوله بود^۲». این یکی از مواردی بود که مشیرالدوله اصول را برای بهبود وضع داد گستری زیر پا گذاشت. آقای صدرالاشراف درباره تجدید حیات عدلیه و رفرم مشیرالدوله در داد گستری ایران مینویسد:

«در سال ۱۳۲۸، در کابینه سپهسالار (مقصود همان سپهدار است) مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و از مجلس و رئیس دولت اجازه خواست که تا ششماه در منزل بنشیند و قوانین و تشکیلات و اصول محاکمات را تدوین نماید. مجلس و دولت با این تقاضا موافقت کردند، مشیرالدوله بخاندرفت و اداره امور عدلیه را به

۱- مجله اطلاعات ماهانه: ۱۰۳، مهر ۱۳۳۵ ص ۶

۲- مجله یغما، رجال صدر مشروطیت، سال ۵: ۵۱۶

ایران باستان

مجدد السلطان محمد صدرمعاون وزات عدلیه سپرد.

سپس آقای صدرالاشراف گوید: مشیرالدوله بعد از چندماه قانون تشکیلات و قانون اصول محاکمات را نوشت و تقدیم مجلس کرد، قانون تشکیلات از تصویب گذشت ولی قانون اصول محاکمات با مخالفت شدید علمای طراز اول مواجه شد. ناچار اینجانب (حسن صدر، صدرالاشراف) که با مرحوم مشیرالدوله دوستی داشتم و هنگام تنظیم قانون اصول محاکمات اغلب طرفشورا واقع میشدم به ملاقات مرحوم سید حسن مدرس رفتم که فعال و شاخص هیئت علماء بود و موفق شدیم نظر او را جلب کنیم، بدین ترتیب که مشیرالدوله موافقت کرد هشت ماده پیشنهادی علماء طراز اول در ابتدای قانون نوشته شود و پس از آن قانون در کمیسیون عدلیه تصویب و سپس بطور چهاردیواری از مجلس گذشت، این قانون در سال ۱۳۲۹ بتصویب رسید.

مرحوم مشیرالدوله متوجه شد که برای تغییر اصول محاکم ایرانی احتیاج به مشاوره خارجی دارد. این بود که بدستور اومسیو «آدلف پرنی» مستشار فرانسوی با استخدام ایران در آمد، او تا سال ۱۳۰۵ در دادگستری ایران بود و سالیانه ده هزار تومان حقوق و مبالغی فوق العاده داشت^۱ تا کارها را سر و صورت دهد. قانون جزا بوسیله پرنی نوشته شد.

باری در همان سال ۱۳۲۸ بود که مشیرالدوله در مجلس برای عدلیه تقاضای بودجه مستقل و مخصوص نمود و این خود از تحولاتی شگرف دادگستری ایران است، زیرا تا آن ساعت قضات مسلماً برای اعاشه خود ناچار بودند از طرفین دعوی مبالغی وصول کنند و این گونه دادگستری و قضاوت البته بی شباهت به دادگستری دیوان بلخ نبود و معمولاً کارها را از ته خراب میکرد!

در مورد ایستادگی مرحوم مدرس باید اضافه کنیم که این مخالفت موجب قهر مشیرالدوله و نرفتن او به مجلس و وزارت دادگستری گردید ولی صدرالاشراف و

۱- از سخنرانی آقای گلشایمان در رادیو ایران. تابستان ۱۳۴۰

ترجمه احوال مشیرالدوله

و میرزا مرتضی قلیخان نائینی نایب رئیس مجلس وساطت کردند و بالاخره آئین دادرسی مدنی تصویب شد. البته حمایت مرحوم امام جمعه ازین اقدام مشیرالدوله خودعامل دیگری بود برای تصویب آن.

صدراالاشراف کیفیت این کشاکش روحانیت و قضاوت را، که درحقیقت مشیرالدوله میخواست دادگستری را از چنگ آنان رهایی دهد، چنین مینویسد: مرحوم مدرس ازطرف هیئت طرازاول مشروطیت، هشت ماده که در اول کتاب محاکمات حقوقی ابتدائی نوشته شده پیشنهاد کرد که اگر این هشت ماده را مشیرالدوله قبول و ضمیمه قانون بکند بآن قانون رأی خواهند داد. مفاد مذکور بطور اجمال عبارت از این است که موضوعات مورد اختلاف را سه قسم کرده: موضوعات شرعیه، ازقبیل اختلافات راجع به نکاح و طلاق و نسبت و وقفیت و ملکیت و نصب و قیام و حکم به افلاس و اختلافات حقوقی که فتاوی علماء دراصل حکم مختلف باشد که منحصرأ باید محاکم شرعی رسیدگی نمایند؛ موضوعات عرفیه از قبیل اختلافات راجع به مالیات و امتیازات دولتی و امثال آنها که محکمه عدلیه رسیدگی میکند؛ موضوعات مشترک که یعنی غیر از موضوعات شرعیه و عرفیه بشرطی که شرعی و عرفی بودن آن مشتبّه نباشد که اگر مشتبّه باشد باید بمحاضر شرع رجوع شود، و درین قسم هم اگر متداعین ابتدأً تراضی برسیدگی محکمه عدلیه بکنند محکمه رسیدگی میکند والا باید بمحاضر شرع رجوع شود.

مشیرالدوله نسبت به بعضی از مواد هشت گانه بخصوص ماده ۱۴۸ که مفاد آن اینست: «در غیر موضوعات شرعیه تراضی متجاکمین نسبت به رسیدگی محکمه عدلیه شرط است و بدون تراضی متجاکمین محکمه عدلیه حق رسیدگی ندارد و باید ارجاع بمحضر شرع بکند» جداً ایستادگی و مخالفت کرد ولی بالاخره چون چاره و پیشرفت قانون را منحصر در قبول کلیه مواد دید ناچار تسلیم شد و باین ترتیب قانون دادرسی مدنی بتصویب مجلس رسید.

مشیرالدوله در خلوت میگفت که با وجود مواد پیشنهادی علماء مخصوصاً ماده ۱۴۸، قانون اصول محاکمات که تراضی متداعین برای رسیدگی محکمه

ایران باستان

عدلیه شرط شده، محاکم عدلیه موقعیت شایسته‌ای نخواهند داشت و دول خارجه نسبت باتباع خودشان در ایران تمکین ازین محاکم نخواهند کرد و بالاخره بفکر اورسید که علماء را واداره تعیین علماء لایق قضاوت یعنی مجتهدین جامع الشرایط بکند و از من [صدرالاشراف] خواست که با علماء طراز اول مذاکره شود که علماء درجه اول اشخاصی را که لایق قضاوت شرعی هستند بمحاکم عدلیه معرفی کنند. من این مطلب را اظهار کردم ولی اختلاف نظر علماء بقدری زیاد بود که در مدت شش ماه حتی یکنفر را هم بوزارت عدلیه معرفی نکردند!

مشیرالدوله در آن موقع ابلاغی برای محاکم صادر کرد که چون مراجع شرعی برای محاکمه معین نشده، محاکم عدلیه نباید محاکمات را معوق بدارند و تا مراجع شرعی معین نشده خود محاکم رسیدگی کنند و حکم بدهند،.. بالاخره پس از مدتی مرحوم آقا سید محمد یزدی با تصویب آقایان علما ریاست محکمه شرعی را قبول کرد.^۱

مشیرالدوله بعد از کودتای محمد علیشاه چون مغضوب بود از دستگاه وزارت دادگستری محترمانه استعفا کرد، ولی پس از فتح آزادیخواهان و بعد از عود مشروطیت مجدداً وزیر عدلیه شد و چون تا آن تاریخ نه قانونی برای تشکیلات عدلیه و نه آئین دادرسی موجود بود و نه اعضاء عدلیه حقوق مرتبی داشتند وزارت عدلیه مانند زمان استبدادی صدی ده از قیمت محکوم به از محکوم و صدی پنج از محکوم علیه میگرفت و ازین درآمد هر چند ماه یک دفعه مبلغی ناقابل به اعضاء محاکم میدادند. مشیرالدوله در سال ۱۳۲۸ قمری در مجلس شورای ملی عنوان کرد که مجلس باید بودجه‌ای برای حقوق اعضاء محاکم و ادارات عدلیه تصویب کند و باو مهلت بدهند تا قانون تشکیلات عدلیه را تهیه کند.

باید دانست که مشیرالدوله در کابینه ناصرالملک (اردیبهشت ۱۲۸۸) و در

۱- صدرالاشراف: خاطراتی از دادگستری، سالنامه دنیا، ۱۸: ۲۷۸ و ۲۸۳

ترجمه احوال مشیرالدوله

کابینه دوم و سوم سپهدار (آذر ۱۲۸۸ تا اردیبهشت ۱۲۸۹) و کابینه چهارم سپهدار (اسفند ۱۲۸۹) و کابینه اول و دوم صمصام السلطنه بختیاری (مرداد ۱۲۹۰) سمت وزارت عدلیه را داشت و در همین مدت نسبتاً طولانی وزارت خود بود که توانست شالوده عدلیه جدید را که تا زمان مرحوم داور با قدرت بکار می‌پرداخت بریزد. مشیرالدوله در زمان داور که به فکر اصلاح عدلیه پرداخت از داور حمایت بی‌دریغ می‌کرد و ثبات‌آورا در تحول داد گستره‌تری مورد تأیید قرار میداد. اغلب داور در امورات گستره‌تری بامر حوم مشیرالدوله مشورت داشت و این مشورت چه با ملاقات شخصی و چه بوسیله آقای داود پیرنیا فرزند مشیرالدوله که آن روز در خدمت داد گستره بود صورت می‌گرفت.

در موقع انحلال عدلیه [بهمن ۱۳۰۵] داور کمیسیونی برای اصلاح قوانین عدلیه ترتیب داد. اعضای کمیسیون عبارت بودند از مرحوم مشیرالدوله، مرحوم منصور السلطنه عدل، میرزا احمد خان شریعت زاده، آقای دکتر محمد مصدق و آقای صدرالاشراف. در جلسه اولی که برای رسمیت کمیسیون در اطاق وزیر تشکیل شد، مشیرالدوله بریاست کمیسیون و صدرالاشراف به نیابت ریاست و منصور السلطنه و شریعت زاده بعنوان منشی انتخاب شدند و قرارداد جلسات بعد در منزل مشیرالدوله تشکیل شود.^۱

اقدام داور البته تند بود ولی بکمک صدرالاشراف و مشیرالدوله بالاخره توانست محاکمی نسبتاً آبرومند ترتیب دهد، در انتخاب قضات مشیرالدوله همیشه سفارش میکرد که قضات باید از زمره اعلی علم انتخاب شوند تا آنکه علماء متنفذ نتوانند بر آنها ایراد بگیرند و احکام محاکم را موهون بشمارند. آقای مختاری در باب اصلاحات قضائی مشیرالدوله گوید^۲:

«حسن پیرنیا از دانشمندان درجه اول و دکتور در حقوق و استاد در عمل و تجربه

۱- سالنامه دنیا، ۲۸، ۸۴

۲- تاریخ بیداری ایران، حبیب‌الله مختاری، ص ۴۱۹

ایران باستان

بود ، نامبرده با سیاست آرام و متین ، کاملاً با اوضاع و اخلاق و روحیات ایرانیها آشنا و از نفوذ طبقات روحانی با اطلاع بود . بتدریج با ملایمت اوراق و قوانینی را تنظیم نمود و پس از ملاقاتهای دوستانه با مجتهدین با نفوذ روحانی و مذاکرات لازمه و حک و اصلاح هر یک از مواد و تطبیق آنها با قوانین شرع و ضمناً با مذاکرات با وکلای مجلس و جلب نظر آنها و با دخالت دادن جمعی از اشخاص طبقات روحانی در رأس محاکم و مراحل قضایی بطریقی که انقلابی رخ ندهد ، مراحل قانونی قضایی را از ابتدائی و استیناف و دیوان کشور و دادستانی تشکیل داد و امورات را بجریان انداخت . مشارالیه با وجود تمام این تدابیر و بکار بردن سیاستهای عاقلانه باز گاهگاه بمشکلات برخورد مدتی از کار کناره گرفته و پس از چندی مجدداً منصوب و دنباله عملیات خود را میگرفت .

ضمناً جمعی از اشخاص عالم بحقوق را جمع و در مراحل قضائی جا داد و باینطریق پس از سالها سازمانی در وزارت دادگستری پیدا شد ، مراحل سه گانه قضائی صورت اداری گرفت و پاره که بدایت مدعی العمومی (دادستانی) را تشکیل و دارالوکاله های حقوقی را رسمیت داد و اداره اجرا را تأسیس نمود .

مرحوم مشیرالدوله برای اولین بار در ایران قضاوت دودرجه ای را باب کرد و موجب شد که دادگاههای بدوی و استیناف بوجود آید . او همیشه مراقب اوضاع عدلیه بود ، وقتی خبر محکومیت نصره الدوله فرمانفرما را به شش ماه زندانی شدن شنید و دادنامه دادستان را خواند ، به رئیس عدلیه پیغام داده بود که البته نصره الدوله شاید گناهان زیادی داشت ، ولی باین دادنامه و این محکومیت ، شمانصره الدوله را محکوم نکردید ، بل دادگستری ایران را درانظار خارجیان محکوم نمودید ، او بارها میگفت که چراغ عدلیه در اوایل عمر مشروطه خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود .

وقتی که مشیرالدوله سکنه کرد ، مرحوم رضاشاه روزی به عیادت او رفت و از ترقیات ایران گفتگو بمیان آمد ، مشیرالدوله در عین بیماری وضعف

ایران باستان

و عجز از صحبت ، باز رو به رضاشاه کرد و گفت ، مهمتر از همه این ترقیات تأمین قضایی است و اگر این امر صورت پذیرد ، بقا و دوام این ترقیات تضمین شده است . او روزی در مجلس شوری ، نظر خود را در باب قانون درین جمله معروف خلاصه کرده :

« قانون را نباید عصبانی کرد ، ناهین قضایی بسته به حتمی الاجراء بودن قانون است ، نه شدت آن . »

نکته شایان تذکر اینست که مشیرالدوله بهر حال قانون را برای مملکت میخواست و این بود که همیشه نحوه اجرای قانون را بیش از ماهیت آن مورد دقت قرار میداد ، مرحوم بهار گوید :

« این حقیقت را بنام تاریخ باید گفت که مرحوم مشیرالدوله ، بر خلاف برادرش مؤتمن‌الملک ، در کیفیت اجرای قوانین هر چند با مدلول ظاهری آن مخالفت داشته باشد گاهی جرئت غریبی از خود بخرج میداد ، در اوایل مجلس چهارم ، روزی مرحوم حاج آقای شیرازی قبل از دستور بر ضد کارهای خلاف قانون صدور دوره فترت با نهایت حرارت نطقی ایراد کرد ، این نطق مبتنی بر این بود که باید رئیس‌الوزراءهای ایام فترت که بخلاف قانون اساسی کارهایی کرده‌اند محاکمه شوند . »

مشیرالدوله آنروز در ردیف و کلاء بود و در آخرین صف پشت بدیوار جای داشت و طوری از نطق حاج آقا عصبانی شد که بی اختیار سیگاری از قوطی بیرون آورد و آتش زد و بفور آنرا خاموش نمود و بعد از ختم نطق که طولانی بود رئیس مجلس تنفس داد . مشیرالدوله در اطاق متصل باطاق جلسه فریادش بلند شد و در ضمن انتقاداتی که از ناطق میکرد گفت :

« من قانون اساسی را برای مملکت میخواهم نه مملکت را برای قانون اساسی ؛ و هر گاه پای صلاح مملکت در میان باشد من قانون اساسی را زیر پا لگد میکنم . »^۱

ایران باستان

عمت فواضله البریه فالنقی شکر الغنی و دعوة المسکین
ساس الامور فلیس تخلی رغبة من رهبة و بسالة من لین

بزن گاه دوم توبه گرگ

باری ، روابط محمد علی شاه و مردم و مجلس روز بروز
تیره تر میشد ، درین بزن گاه^۱ تاریخ مشروطیت نیز شخصیت
مشیرالدوله ، بچشم میخورد ، این شخصیت همه جا
صورت میانجی در میان قوه قاهره و هیجان عامه داشته است ، زیرا روحیه و مقام او
واعتمادی که هم مردم و هم دستگاه دولت به صلاح اندیشی و کفایت و بی غرضی او
او داشته اند ، موجب میشد که طرفین او را به حکمیت و میانجیگری قبول کنند .
نمایندگان مجلس که متوجه وخامت اوضاع شده بودند و بهر حال غضب شاه را
خطری برای مشروطیت میدیدند ، در ذیقعد ۱۳۲۵ بکمک مشیرالدوله نامه ای در
باب رفتار محمد علی شاه به رئیس مجلس فرستادند ، و در حقیقت بدست اوزنگوله را
به گردن گریه بستند ، یعنی اقدامات مشیرالدوله موجب آن شد که در ۱۷ ذیقعه
محمد علی شاه سوگند نامه ای امضاء کرد و به مجلس فرستاد . واقعاً این کار

۱- اصطلاح بزن گاه را در تاریخ مشروطیت تعمداً بکار برده ایم : در جاده های
کوهستانی که سابقاً کاروانیان همیشه در معرض هجوم دزدان بودند ، معمولاً نقاط
خاصه ای هست- مثل بریدگی رودخانه در سرپیچ راه و جاده یادداشتها « پوزه کوه »
و پناه سنگهای ضخیم یا درختان بزرگ- که دزدان در پشت این مکان پناه میگرفتند و
کاروان بی خبر از هر جا بمحض آنکه درین دره یا پیچ و خم قرار میگرفت از چهار
طرف صدای « کورشو » دزدان بلند میشد . جائیکه نه پای رفتن بود و نه قدرت بازگشتن .
کاروانیان هم دستها بالا کرده و بروی خاک میافتادند و دزد مال و کالا را آنچه میخواست
می برد و بکوه میزد . این محل های اختصاصی را در جاده ها « بزن گاه » یعنی جایی که
دزد کاروان را می زند ، می نامیدند . مثل اینکه در طی مسیر تاریخ مشروطه ایران نیز چنین
بزن گاههایی بوده است و تشبیه بلا مشبه نباشد . پیغمبر دزدان ، این جای را همه جا
« لور گاه » (به ضم لام و فتح واو) آورده است : « به نانت نه ، بجانت قسم که در هیچ
لور گاهی نشده که از ذکر ت خاموش شوم و هیچ بزن گاهی نرفتم که فراموش کنم . »
(آثار پیغمبر دزدان ، مصحح نگارنده ، چاپ دوم ص ۲۹)

ترجمه احوال مشیرالدوله

مشیرالدوله بس ارزنده بود ، که در حکم پنجه گرگ را در پوست گردو گذاشتن است ، هر چند هم صورت توبه گرگ را داشت.

محمد علی شاه چنین قسم خورد :

«باین کلام الله مجید قسم یادمی کنیم که اساس مشروطه و قوانین اساسی را کلیه در کمال مواظبت حمایت و رعایت کنیم . لیلۀ ۱۷ ذیقعدۀ ۱۳۲۵».

مشیرالدوله بلافاصله برای اینکه دنیا را از نتیجه کار مشروطیت ایران - که آنروزها تبلیغاتی در خارج علیه آن شد بوده - آگاه کند، این تلگراف را به دنیا مخابره کرد :

«اختلافیکه بین ملت و دولت پیدا شده بود بحمدالله بخوبی رفع شده، اعلیحضرت همایونی درمجلس شورای ملی با امضای قرآن مجید حفظ مشروطیت را مطابق قانون اساسی متعهد شدند ، اطمینان بعمل آمد ، کابینه جدید مسئول رفع اختلافات شد . »
مشیرالدوله

محمد علی شاه قرآن را مهر کرده و بعنوان وثیقه به مجلس فرستاده بود . در چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۶ کابینه نظام السلطنه تشکیل شد و مشیرالدوله وزیر خارجه آن بود ، این کابینه چندی نپائید و در ۸ جمادی الاول ۱۳۲۶ کابینه احمدخان مشیر السلطنه روی کار آمد و مشیرالدوله وزیر علوم آن بود ، مرحوم دولت آبادی در باب مشکلات وزارت علوم مشیرالدوله مینویسد:

« روز شنبه دوازدهم جمادی الثانی ۱۳۲۶ میرزا حسنخان مشیرالدوله وزیر علوم شده میخواهد بیاید اعضاء و اجزای دارالفنون و کارکنان معارف باو معرفی معرفی شوند، اگر چه میدانم بااوضاع حاضر از مشیرالدوله برای معارف کاری ساخته نیست و او درین تنگنا قدمی برای معارف نمیتواند بردارد ، با وجود این میروم . مشیرالدوله میآید، معرفی اجزای دارالفنون و مدرسه نظام و رؤسای معارف صورت میگیرد. معلمین از نرسیدن حقوق خود شکایت میکنند ، شاگردان دارالفنون و

مدرسه نظام جمع شده از بی درسی شکوه مینمایند ، بالاخره معلوم میشود معلمین دارالفنون و اجزاء نه هزار تومان طلب دارند ، نگارنده [یحیی دولت آبادی] آهسته به مشیرالدوله میگوید اگر بخواهید وزیر علوم باشید این مبلغ را اگر چه بقرض باشد بپردازید . . . قول میدهد که اینکار را بکند ، منهم اجزای معارف را از مساعدت مشیرالدوله امیدوار میکنم.^۱

این آخرین هیئت دولت اول مشروطیت بود که به مجلس معرفی شد ، زیرا بحران و اختلاف میان شاه و مجلس کم کم به حد اعلای خود رسید. مرحوم کسروی مینویسد: «از ۲۱ ج ۱۳۲۶۱ مشیرالدوله و مؤتمن الملك به میانجی گری میپرداختند ولی هر دوی را از خود خشنود میخواستند مشیرالدوله و مؤتمن الملك و نیزالدوله به مجلس می آمدند و ازینسوی مستشارالدوله و ممتازالدوله و دیگران با آنان می نشستند و گفتگوها میکردند ولی نتیجه ای نمی بیوسید!»^۲

باید بگوئیم بر خلاف نظر مرحوم کسروی ، مشیرالدوله رل میانجی داشت و طبعاً نمیخواست که از یکطرف کار به بریدن رشته مذاکرات بکشد چنانچه مورد مهر کردن قرآن از طرف محمد علی شاه واقعاً کار بزرگی بود. ولی چنانکه خواهیم دید ، در اینجا نیز بالاخره وساطت مشیرالدوله بجایی نرسید ، مشیرالدوله حق داشت که طرفین را رعایت کند ، زیرا خوب میدانست که اگر از طرف شاه رشته مذاکرات گسیخته شود حکومت لیاخوفها و امیر بهادرها زمام را بدست خواهد گرفت و اگر از طرف مردم انقلابی پدید آید ، پایان کار عوام معلوم نیست ، یا بالعکس معلوم است کز آن چه زاید! زیرا همیشه در حاشیه مرده بادها و زنده بادها ، شمشیر دیکتاتورها می درخشد و در پایان کار بالا میروند و همه را درو میکند دولت آبادی مینویسد:

روزی یکی دومرتبه وزراء یعنی صنیع الدوله و مشیرالدوله و مؤتمن الملك

۱- حیات یحیی ، ج ۲ ، ص ۲۹۳

۲- کسروی ، تاریخ مشروطیت ، ص ۶۰۴

ترجمه احوال مشیرالدوله

(وزیر تجارت) به مجلس آمده در کمیسیون صلح صحبتی میدارند و میروند و عمده نظر کمیسیون اصلاح اینست که سه نفر تبعید شده یعنی علاءالدوله و سردار منصور و جلالالدوله را بر گردانند.^۱

درین بازی، سفارت روس بیش از هر جا تکاپو میکرد خصوصاً با سفارت انگلیس در مذاکره بود که آن سفارت را به همراهی خود و یاری با محمدعلیشاه همراه کند، و کار دخالتش تا بدانجا رسید که سفیر روس با وزیر خارجه ایران مشیرالدوله چنین گفتگو کرد: «موسیو دهارت ویک M Hartwig سفیر روس به خانه وزیر خارجه وارد گردید، سفیر روس گفت: جان شاه در خطر است، این ملیون چکار بکار نو کران شخص اعلیحضرت بویژه امیر بهادر جنگ دارند. کارانچمنها و ملیئون بدینجا کشیده که همه آرزوشان بر کناری شاه است، اگر چنین واقعه ای رخ نماید روسیه ناگزیر به پای درمیانی بوده و انگلستان نیز پشتیبانی خواهد نمود. مارلینگ و ابسته سفارت انگلیس نیز این معنی را تصدیق نمود.

حسنخان مشیرالدوله پنج روز قبل ازین وقایع از کار کناره گیری کرده بود. ولی تا تعیین تکلیف بکارها رسیدگی میکرد، باری مشیرالدوله بسوی مجلس شتافت و گزارش امر را بر رئیس مجلس داد. روز بعد (چهاردهم خرداد ۱۲۸۷ = ۴ ج ۱۳۲۶) شاه بباغ شاه رفت.^۲

آقای تقی زاده گوید: در دوم جمادی الاولی سفیر روس و انگلیس از شمیران بوزیر امور خارجه مشیرالدوله تلگرافی بزبان فرانسه فرستادند که باید او را ببینند و در آنجا گفتند برای مذاکره اوضاع فعلی است که بنظر ما وحشت انگیز می آید و وقتی که آمدند بالحن بسیار تهدیدآمیز اخطار کردند که اگر ملیون برخلاف شاه اقدامی کرده و موقع او را بخطر بیندازند روسیه مداخله میکند. مشیرالدوله بلافاصله قبل از پذیرایی آن دوتا مأمور سیاسی خارجی همان روز به مجلس آمده و

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۷۹

۲- براون، انقلاب ایران، ص ۲۰۲، ۲۰۳

تقاضای فوری مذاکره با رئیس مجلس و کمیسیون خارجه که مستشارالدوله و من [تقی زاده] هم عضو آن بودیم نمود و ما را بجملة دعوت به مجلس کردند و حکایت او را شنیدیم و بسیار نگران و متوحش شدیم ، آن بود که شاه از شهر بیرون رفت و مشغول جمع آوری اردو شد و انجمن ها قصد مقابله نمودند ، ما بآنها نصیحت دادیم که اقدام تجاوزی نکنند و البته درین نصیحت همه عقلا و البته رئیس مجلس ممتازالدوله و مشیرالدوله موافق بودند .^۱

پرونده سازی
امیر بهادر و استعفای
مشیرالدوله

در گزارش مرحوم ادوارد براون خواندیم که پنج روز قبل از گفتگوهای سفارت روس و انگلستان در باب طرفداری از محمد علیشاه ، مشیرالدوله استعفا کرده بود ، بدنیست علت این استعفا را بدانیم ، وجه بهتر که عین نوشته های یکی از رجال بزرگ آن عهد را که هنوز هم از شیوخ قوم است ، یعنی جناب صدرالاشراف ، درین باب نقل کنیم . آقای حسن صدر مینویسد:

در ۱۳۲۶ قمری اوضاع مملکت بحال استبداد درآمد ، در آن وقت مشیرالدوله وزیر عدلیه و برادرش مؤتمن الملک وزیر فرهنگ (؟) بود ، چون این دو برادر از عناصر مشروطه خواه بودند ، اطرافیان محمد علیشاه زمینه محاکمه ای^۱ برای توهین این دو برادر فراهم کردند . چون آن محاکمه موجب استعفای ایشان شد اختصاراً آنرا نقل میکنیم :

موضوع محاکمه عبارت بود از ادعاء یکنفر سرهنگ به مبلغ هشت هزار تومان علیه آنها ، باستناد نوشته ای از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدر آنها ، و حاکی از طلب سرهنگ از پدر ایشان.

محکمه در باغشاه به ریاست مشیرالسلطنه صدراعظم و عضویت امیر بهادر جنگ و سپهسالار و وزیر افخم وزیر دربار و من (صدرالاشراف) و شاهزاده مؤیدالسلطنه تشکیل شد و مشیرالدوله و مؤتمن الملک در مقابل هیئت محکمه نشستند.

۱- خطابه آقای تقی زاده در باشگاه مهرگان ، ص ۶۰

ترجمه احوال مشیرالدوله

مدعی سند خود را بدست امیر بهادر جنگ داد و او بدست مشیرالسلطنه صدراعظم و او بدست دیگران داد تا بدست من رسید. سند به مهر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله بود، ولی بدقت که ملاحظه کردم استنباط شد که دردو جای سند علامت دست خوردگی است، یکی در اسم داین، و یکی در مبلغ. ولی چیزی نگفتم و سند را رد کردم تا سند را دادند بدست مشیرالدوله و مؤتمن الملک. آن دو نفر یا ساختگی سند را ملتفت نشده یا شده چیزی نگفتند. مشیرالسلطنه که رئیس محکمه بود از آن‌ها جواب خواست. آن‌ها گفتند: ما ازین سند اطلاع نداریم ولی هر چه محکمه حکم کند اطاعت داریم.

مشیرالسلطنه بعد از چند دقیقه سکوت مجلس، از اعضاء رأی خواست. هیچ کدام از اعضاء به ملاحظات سیاسی اظهاری نکردند. امیر بهادر جنگ با بیانی ملامت آمیز به مدعی علیهما گفت: بگوئید این نوشته از پدر شما هست یا نه؟ آن‌ها همان جواب اول را دادند.

مشیرالسلطنه بمن گفت شما از احکام شرع بهتر مطلع هستید، تکلیف چیست؟ من گفتم عقیده من اینست که باید دست این سرهنگ را برید! برای آنکه با يك نوشته تقلبی بدو وزیر مملکت ادعای واهی در چنین مجلسی اقامه کرده است.

امیر بهادر جنگ که شالوده این محکمه را اوریخته بود بشدت بر آشفته و گفت شما باید تقلب نوشته را اثبات کنید. من نوشته را جلو آفتاب گرفته به يك اعضاء نشان دادم و همه فهمیدند، حتی خود امیر بهادر هم فهمید و نوشته را گرفته پاره پاره کرد و مجلس برهم خورد. مشیرالدوله و مؤتمن الملک در همان مجلس استعفاي خود را نوشته به مشیرالسلطنه دادند.^۱

بدین طریق کار مشیرالدوله بادر بار محمد علی شاه يك رویه شد و معلوم شد که:

ایران باستان

دیگر به پیام و نامه بر ناید کار

شمشیر دو رویه کار یکرویه کند

و همانطور که میدانیم این خشم و کینه امیر بهادر و محمد علیشاه يك بار مشیرالدوله را تا مرحله توقیف برد و بار دیگر تا مرحله طناب انداختن در باغشاه آورد .

مذاکرات بنیجه نمیرسید ، شاه از مجلسیان آزرده شده
و حرارت سیاست بالا میرفت ، ناگهانی دستخطی بدین شرح
به مشیرالسلطنه رئیس الوزراء فرستاد :

تیرها بسنگ
میخورد

«جناب اشرف مشیرالسلطنه ، چون هوای تهران گرم بود و تحملش
بر ما سخت بود ، ازین رو به باغشاه حرکت فرمودیم ، پنجشنبه چهارم
جمادی الاولی ، عمارت باغشاه .»

معلوم شد که گرمای هوا بهانه برای کوفتن مجلس است . ملیون نیز در
مجلس متحصن شدند و آنجا را سنگر خود ساختند ، باز ارتباط و میانجی گری
مشیرالدوله قطع نمیشد ، چه از دیکتاتوری عوام و خواص هر دو پرهیز داشت ،
اما کارازدو طرف بشدت وحدت کشید . مرحوم کسروی گوید :

روزهای ۲۱ و ۲۲ جمادی الاولی ، مجلس بنام میانجی گری نهائی برپاشد و
و گفتگوهای میانه آن بادر بار بنمایندگی مشیرالدوله و مؤتمن الملك میرفت .
اما نتیجه بخش نمی بود ، روز ۲۲ جمادی الاولی ، محمد علیشاه این تلگراف را به
شهرستانها فرستاد :

« این مجلس برخلاف مشروطیت است ، هرکس من بعد از فرمایشات
ما تجاوز کند ، مورد تنبیه و سیاست سخت خواهد بود . محمد علی شاه .»

شب آن روز مشیرالدوله و مؤتمن الملك بمجلس آمده آگاهی دادند که شاه
در بر انداختن مجلس پافشاری میکند^۱

ترجمه احوال مشیرالدوله

در همین ایام عده‌ای از روحانیون نیز به باغشاه رفته ، محمد علیشاه را در مخالفت با مشروطه تأیید کردند و او را چنان مغرور ساختند که چنین اعلامیه‌ای صادر کرد :

« بسمه تعالی ، آقایان علماء اعلام ، حال که بعقیده شما مجلس باقواعد اسلامی منافی است و حکم بحرمت مشروطه داده‌اید ، ما هم بالمره و بطور قطع منصرف شدیم و مطمئن باشید که دیگر مجلس عنوان نخواهد شد ! »

مشهور است که حاج شیخ فضل الله نوری چون از باغشاه بخانه برگشت بمردم گفت « الساعه از باغشاه میآئیدیم و فاتحه مشروطه را برچیدیم ! »
مجلس در برابر دربار ایستادگی میکرد ، شاه مصمم به امحاء مشروطیت شد ، مرحوم دولت آبادی واپسین روز مجلس را چنین بازگویی کند :

« قدری از شب میگذرد ، صنیع الدوله و مشیرالدوله با حالت پریشان وارد شده میروند آخر باغ بهارستان با هیئت رئیسه مجلس خلوت میکنند ، یکی از وکلاء دست صنیع الدوله را گرفته و میگوید چه شد؟ صنیع الدوله دست خود را بسختی رها کرده میگوید چگونه میتوانم نتیجه را اینجا بشما بگویم .

یکی از مجاهدین بمشیرالدوله میگوید شما بیائید ، نه آن وزیر که حالش معلوم است (مرادش صنیع الدوله است زیرا مردم نوعاً از صنیع الدوله بواسطه خصوصیتی که با امیربها در جنگ نموده است خوب نمیگویند) .

قدری فاصله مؤتمن الملک هم آمده به حوزة آنها وارد میشود ، خلاصه آمدن این سه نفر معلوم میدارد که دستشان بشاه نرسیده خبر خوش نیاورده اند ... من [یحیی] مینویسم بمشیرالدوله که اگر خبری دارید بمن بدهید ، برنده کاغذ جواب زبانی آورد که فردا صبح معلوم میشود ... آنشب را بسر برده صبح زود مصمم رفتن به بهارستان میشوم که صدای توپ بلند میشود.^۱

غوغای توپ بستن مجلس و حبس و زجر آزادیخواهان و قتل آنان درباغشاه و مظالم قزاقان روسی، چیزی نیست که بتوان درین مختصر از آن بحث کرد، فقط باید گفت آنچه را مشیرالدوله از آن میترسید و بارها برای عدم وقوع آن رل میانجی را بازی میکرد، پیش آمده بود.

بعد از کودتای محمد علیشاه همه احرار و آزادگان و اشخاص منورالفکر بیاغشاه کشانده شدند و بسیاری بقتل آمدند که جریان آنرا باید در تواریخ خواند. بطوریکه آقای داود پیرنیا فرزند مشیرالدوله اظهار میدارد: درین قضایا، سربازان امیربهادر، مشیرالدوله و مؤتمن الملک را نیز بیاغشاه کشانده بودند و حتی دستورطناب انداختن آنان نیز داده شده بود، ولی عضدا الملک شیخ قاجار خود را بیاغشاه رسانده بمحمد علیشاه گفت مشیرالدوله دامادمن است^۱، چطور دستور میدهی اورا طناب بیندازند؟ و سپس خود یک شب درباغشاه برابر چادر توقیفگاه مشیرالدوله خوابید تا موفق به نجات دادن او از باغشاه شد. این جریان خود دلیل براین است که مرحوم مشیرالدوله در مذاکرات خود با محمد علیشاه همه جا جانب مردم را داشته است و همین عوامل موجب بغض محمد علیشاه شده بود که کار را تا بدینجا کشاند.

سروصدای مردم ایران از اکناف و اطراف بلند شد، قشون آزادیخواهان از تبریز و بختیارپها از اصفهان متوجه پایتخت گشتند و تخمی را که احرار کاشته بودند بشمر رساندند. ظهیرالدوله «صفا» بعد از به توپ بسته شدن خانه اش چه خوب گفته بود:

بعرض شاه رسان ای صبا ز قول صفا	که ای شهنشه دوران و جانشین کیان
مگر بعرض حضور تو نارسانده کسی	که گندمی که نمایند زیر خاک نهان
نخست چونکه شود، سبز لاغراست و تنک	چانکه می نپسندند زارع و دهقان

۱- در باب این بستگی خانوادگی بعداً سخن خواهیم گفت.

ترجمه احوال مشیرالدوله

برای مصلحت دهفت ، یله سازد	گله به مزرعه که خدای ده ، چوپان
لگد کنند و چرند آنچه گندم و سبزه است	چنانکه بائر و دائر شود همه یکسان
چوبگنزد دوسه روزی از آن، همان گندم	بروید از نو و سرسبز زان شود بستان
ستبر پنجه زند ، هفت سنبل آرد بار	چنانکه وعده نموده خدان در قرآن

بکاشت ملت بیچاره تخم آزادی	ز بعد بندگی قرنهای بی پایان
چو سرزخاک بر آورد ، امر فرمودی	به مردمی همه اهریمنان بدایمان
که خاک مجلس و مسجد همه دهند بیاد	کشند مردم مظلوم را زیر و جوان
به يك اشاره که از روی خواهش نفس است	خراب گشت بسی خانه های بی گنهان

شها ، چراندی اگر سبز حاصل ملت	بهوش باش که رویاندش خدای جهان
یکی لطیفه نغز این بود که خانه ما	هزار ذرع بود فی المثل به حیث مکان
ولی به مملکت ماتو چون شهنشاهی	ترا بود به مثل خانه کشور ایران
خراب گرد و ویران، تو مرده یا زنده	بقول عام : کشیدم برات خط و نشان
زبان درازی شد خسروا ببخش مرا	بکن هر آنچه دولت خواست، خا به آبادان

ستارخان و باقرخان از تبریز و قشون بختیاری از اصفهان و سپهدار از گیلان متوجه تهران شدند .

پس از آنکه محمدعلیشاه از حرکت مجاهدین رشت بسمت کرج اطلاع حاصل کرد تلگرافی بشرح زیر بمحمدولی میرزا سپهدار مخابره نمود :

« محمد ولی ، محض فوق نمک بحرانی تو بدولت ، ترا از شؤونات دولتی خارج ، و املاک ترا خالصه نمودیم . از باغشاه ، محمدعلیشاه . »

محمدولی خان تنکابنی هم در جواب چنین تلگراف کرد :

« باغشاه ، الحمدلله که ازین ننگ خارج شدم ، و در املاک من هم هیچکس قدرت دخالت نخواهد داشت . »^۱

قشون تهران را محاصره کرد ، روز ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۷ یعنی درست یکسال پس از رها شدن گلوله های توپ لیاخوف ، قشون آزادیخواهان از

ایران باستان

دروازه‌های شمالی تهران وارد پایتخت شده یکسر بمجلس شورای ملی رفته و در آنجا مستقر شدند .

شاه به‌زرگنده‌بسفارت روش رفت و بالاخره بروسیه فرار کرد .

فانجان ، سلطان احمد میرزا پسر محمد علی شاه را بسلطنت برداشتند و چون صغیر بود عضدالملک را که شیخ قاجار محسوب میشد بنیابت او برگزیدند . چندی بعد شاه مخلوع از روسیه متوجه ایران شد و باسترآباد وارد گشت ولی این بار نیز از قشون دولتی شکست خورده بروسیه بازگشت^۱ .

در همین سال‌ها بود که دو حزب انقلابی و اعتدالی در ایران پیدا شد و بعد از افتتاح مجلس بنام دموکرات عامیون واجتماعیون اعتدالیون خود را معرفی نمود . مقامات مشیرالدوله درین سالها چنین بوده است :

در ربیع‌الاول ۱۳۲۹ که سپهدار نخست‌وزیر شد ، مشیرالدوله وزارت عدلیه داشت . در کابینه مجدد او که در ۲۰ اسفند ۱۲۸۹ (۲۲ رجب ۱۳۲۹) تشکیل شد مشیرالدوله وزیر عدلیه بود ، سپس در کابینه صمصام‌السلطنه که در مرداد ۱۲۹۰ (۲۹ رجب ۱۳۲۹) تشکیل شد باز مشیرالدوله سمت وزارت عدلیه و سپس وزارت علوم و اوقاف ، همچنین در کابینه علاء‌السلطنه ، (۱۲۹۱) سمت وزیر علوم و اوقاف را داشت .

مجلس دوم در اواخر ۱۳۲۹ بسر آمد و ناصرالملک که

مشیرالدوله و
بیطرفی ایران
درین وقت نایب‌السلطنه مقتدر ایران بود دیگر انتخابات را تجدید نکرد و سه سال و کسری ناصرالملک زمامدار مطلق

۱- محمد علی شاه در ۹ رمضان ۱۳۴۳ در سان‌ریو (ایتالیا) بمرض قلب درگذشت .

احمد شاه از پاریس خود را بر جنازه پدر رسانید و بطریق مسلمانی تفسیل و تکفین شد . در وقت حمل جنازه کوچه‌های جلو راه مملو از تماشاچی بود ، اعلیحضرت سلطان مخلوع عثمانی هم برای تسلیت به خانه شاه رفت . (جبل‌المتین ، سال ۳۳ : ش ۱۰)

ترجمه احوال مشیرالدوله

بود^۱، تا اینکه بر اثر وخامت اوضاع جنگ و قدرت بختیاری‌ها، ناصرالملک بفرنگستان رفت. در همین وقت انتخابات نیز انجام گرفت. حدس قریب بیقین اینست که ناصرالملک در این مسافرت متوجه وضع وخیم تهران شده و خصوصاً از طرف بختیاریها که قدرت تام یافته بودند مقام سلطنت را در خطر میدید و بهمین دلیل باروپا مسافرت کرد بدون آنکه از نیابت سلطنت استعفا داده باشد و باین حساب چند سالی کودتای حتمی الوقوع آتی‌ها بتأخیر انداخت، چه قدرت بختیاری درشؤون ایران کار را بجایهای باریک کشانده بود. مرحوم دولت آبادی درباره سفر او مینویسد:

«ناصرالملک پاریس رفته در آنجا اقامت کرد بی آنکه از نیابت سلطنت استعفا داده باشد. کابینه تهران بتصویب سردار اسعد براو سخت گرفت که یا استعفا بدهد و یا مراجعت نماید، دو وزیر مختار خود را هم در پاریس و لندن مأمور کردند جواب جدی از او بگیرند، اما او نه قبول رفتن کرد و نه استعفا داد و تا اینوقت که من [یحیی دولت آبادی] این شرح حال را مینویسم (غره ربیع الثانی ۱۳۳۱، مارس ۱۹۱۳) درپاریس متوقف است و کار نیابت سلطنت را با مکتوب و تلگراف میکند. مجلسی هم در تهران بریاست سردار اسعد تشکیل شده بعنوان نظر نمودن در نظامنامه انتخابات که هیچ رنگ ملیت در آن دیده نمیشود و معین است برای پیشرفت اغراض اشخاص است.

سردار اسعد پس از یأس از ناصرالملک اسباب فراهم آورد که سعدالدوله میرزا جوادخان را از ژنو بایران آورده او را نایب السلطنه نماید، این بود که تلگرافاً او را بتهران خواست، و اوزر روسیه بتهران وارد شد. ولی بختیاریها متوجه شدند که اگر سعدالدوله مسلط شود دست آنها را بکلی کوتاه خواهد کرد، صمصام السلطنه تمکین نکرد و مسأله نیابت سلطنت اوسرنگرفت^۲.

۱ - مؤدبانه ترین دیکتاتورهای را در ایران ناصرالملک کرده است! او تحصیل کرده انگلستان بود، گویند در حکومت کردستان وقتی مقصری را پیش او میآوردند میگفت «این آقا را بیرید با کمال احترام چوب ببندید!» (تاریخ مردوخ ج ۲ ص ۲۳۱)

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۲۱

احمد شاه در ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ رسماً تاجگذاری کرد .

در همین ایام جنگ بزرگ بزرگ اول جهانی در گرفت . مستوفی الممالک ۱۸ روز بعد از شروع جنگ اول کابینه خود را تشکیل داد و در بدو کار چون مجلس تعطیل بود برای اتخاذ رویه دولت با برخی از رجال مجرب و بصیر مشورت نمود ، مخصوصاً ساعت‌ها با مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک در خلوت نشسته و با تصویب ایشان با صدور فرمان ذیل از طرف شاه مبادرت ورزید^۱ :

« نظر باینکه درین اوقات متأسفانه بین دول اروپا نایره جنگ مشتعل است... درین موقع دولت ما مسلک بی‌طرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید ۱۲۰۰ ذی‌حجه ۱۳۳۲ = اول نوامبر ۱۹۱۴ . اما این بی‌طرفی مثل بسیاری از بی‌طرفی‌ها دیری نپائید .

بهر حال کابینه مستوفی الممالک نتوانست ادامه پیدا کند .

اولین کابینه

روزی پنجمشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ (۱۱ مارس ۱۹۱۵) بنابه

مشیرالدوله

دستور شاه، مؤتمن‌الملک از فراکسیون‌ها رای تمایلشان را

را پرسید، عموماً یعنی از ۷۵ نفر عده حاضر، ۷۵ رأی بمشیرالدوله دادند. ساعت ۸ شب شاه مشیرالدوله را خواسته مأمور تشکیل کابینه کرد . مشیرالدوله مستقیماً از دربار بدیدن مستوفی الممالک رفت. سپس یکشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ساعت ۴ بعد از ظهر وزراء خود را معرفی کرد:

مشیرالدوله نخست وزیر و وزیر جنگ

معاون‌الدوله وزیر امور خارجه .

مستشارالدوله وزیر امور داخله .

حکیم‌الملک وزیر معارف .

ذکاء‌الملک وزیر عدلیه .

۱- مورخ‌الدوله سپهر، مردان بزرگ، سالنامه دنیا، ۱۸: ۸۶

ترجمه احوال مشیرالدوله

مشار السلطنه وزیر مالیه .

نصر الملك وزیر پست تلگراف و تجارت

اولین مشکل دولت مسأله دخالت روس و انگلستان از طرفی و توقعات آلمانها بود و درین میان میبایستی تکلیف اختیارات مستشاران بلژیکی که گمرک را در اختیار داشتند نیز تعیین شود .

مورخ الدوله سپهر گوید :

« دوشنبه ۱۵ مارس ۱۹۱۵ (۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳) ، ساعت ۴ بعد از ظهر فن کاردرف شارژ دافر آلمان باتفاق نگارنده در قصر ابیض بملاقات مشیرالدوله رفتیم ، فن کاردرف اظهار داشت باید بایران تبریک بگویم که شخص دانشمند وطنخواهی مثل شما مقام ریاست وزراء را قبول نموده اید. مشیرالدوله صمیمانه تشکر کرد و اصلاحاتی که در نظر گرفته شرح داد : در مالیه میبایستی اول تنسیقاتی داد و دیوان محاسبات را منعقد ساخت ، پس از آن قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ (قانون اختیارات مستشاران بلژیکی) را لغو نمود ، اما چون دوام این قانون و اختیارات بلژیکی ها بحال مملکت مضر است صبر را جائز ندانسته مصمم شده ام در جلسه فردا لایحه موقتی به مجلس پیشنهاد کنم مبنی بر اینکه قانون ۲۳ جوزا فوراً لغو شود و بجای آن کمیسیونی مرکب از ۳ الی ۵ نفر از طرف مجلس منتخب گردد که حق تفتیش در عایدات و مخارج را داشته باشند .

درباب مرکزیت قوای دولت در ولایات مشیرالدوله گفت باید ابتدا نیروی ژاندارمری و نظمیه را توسعه داد و استعداد نظامی در هر یک از شهرها داشت تا دولت بتواند بیطرفی خود را محفوظ دارد .

فن کاردرف اشاره بقضیه توقیف لیستمان و واسموس نمود .

مشیرالدوله اظهار تأسف بی نهایت کرده وعده جبران آن را داد و ضمناً گفت دیروز تلگرافی داشتم که اهالی شیراز ورود مسیو و اسموس را با شغف و مسرت استقبال کرده اند .

بنجاه و یک

در جلسه ۴شنبه ۱۷ مارس بالاخره مجلس شورای تانصف شب جلسه را ادامه داد
قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ را نقض کرد^۱.

این کابینه تا دهم اردیبهشت ۱۲۹۴ ادامه پیدا کرد ولی قوامی نیافت و کار به
عین الدوله سپرده شد، مرحوم دولت آبادی گوید:

میرزا حسن خان مشیرالدوله کابینه را مرکب از اشخاص مناسبی تشکیل داد.
مشیرالدوله از اشخاص تحصیل کرده و تربیت شده این عصر است، مرد کار آگاه و
اداره کننده است ولیکن جرئت و جسارتش بقدر کافی نیست، یا آنکه احتیاط و
محافظه کاریش زیاد است. اما این کابینه جوان در ابتدای تشکیل تصادف کرد با
فشار تازه ای از طرف روسها که قشون جدیدی بسرحد انزلی وارد کردند، و به
تجاوز از آنکه از طرف مغرب از عثمانیان شد و عده ای قشون بقصر شیرین فرستادند.
کابینه مشیرالدوله سعی کرد که عثمانیان را برگرداند، اما آنها قصدشان این بود
که مددی بقوه آلمانی-عثمانی که در ایران تشکیل میشود بدهند و بدینجهت
بازگشت خود را موکول به تخلیه قشون روس و انگلیس از ایران نمودند.

مردم طرفدار آلمان بودند، مشیرالدوله میخواست از این احساسات استفاده
کرده وسیله ای فراهم آورد که اقساط قروض دولت را بدو همسایه شمالی و جنوبی
در مدت جنگ نپردازد و ازین راه تدارک قشونی بگیرد، ولی روس و انگلیس که
قشون ایران را منحل شده میدانستند، همراهی نکردند، مجلس هم آنطور که
باید همراهی نکرد (بملاحظه دموکراتها)، کم جرئتی خودش هم دخالت کرد و
مشیرالدوله بعد از دوماه استعفا داد و بکنار رفت و جوادخان سعدالدوله کاندید شد
ولی مخالفت مردم موجب شد که عین الدوله را بدین سمت برگزیدند.^۲

مورخ الدوله سپهر درین باب مینویسد^۳:

۱- سالنامه دنیا، ۱۸: ۸۲

۲- حیات یحیی ص ۲۸۶-۲۸۷

۳- ایران در جنگ بزرگ ص ۱۶۳

عصر شنبه ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ یکی از درباریان مقرب سلطان
احمدشاه که در جمعیت مخفی آلمانی عضویت دارد دوان
دزدی که نسیم را بدزد ، دزد است

دوان خود را از قصر فرح آباد بتهران رسانیده بنگارنده
[مورخ الدوله سپهر] چنین گفت که ساعت سه و نیم بعد از ظهر مارلینگ وزیر مختار
انگلیس و باخ شازردا فروروسیه ، بدون اجازه قبلی متفقاً حضور شاه شرفیاب شدند و
در تحت جبر و فشار و تهدید ، شاه را مصمم داشتند که بعزل مشیرالدوله و نصب سعدالدوله
و بستن مجلس و توقیف جراید و اخراج صاحب منصبان سوئدی و طرد دیپلوماتهای
آلمانی و عثمانی از ایران مبادرت کند ، ضمناً علاوه کرد که درین ساعت مشیرالدوله
و مؤتمن الملک در فرح آباد حضور شاه هستند.

نگارنده پس از شنیدن این خبر بمنزل رئیس ژاندارمری در خیابان اسلامبول
رفتم و در آنجا اکثر افسران سوئدی را گرد آورده مشورت کردیم ، بعضی از
افسران سوئدی میگفتند با قوه قهریه همین امشب شاه را دزدیده بخارج خواهیم
برد ... بالاخره پس از مشاوره ، کاردرف شازره دافر آلمان و عاصم بیک سفیر عثمانی
با صد نفر سوار ژاندارم به فرح آباد رفتند که جبراً حضور شاه شرفیاب شوند . بعد
از نصف شب رسیدند ، موثق الدوله وزیر دربار از صدای هیاهو سراسیمه از خواب پرید
و با پای بی جوراب و زیرشلواری آنها را پذیرفت و مجبور شد برود و شاه را از خواب
بیدار کند ، این دو نماینده بالاخره موفق شدند نقشه کودتای متفقین را نقش بر
آب کنند ولی در باب اینکه مجدداً مشیرالدوله رئیس الوزاء بشود شاه زیر بار نرفت ،
یعنی گفت خود او [مشیرالدوله] دیگر قبول نخواهد کرد . بالاخره در شخص عین الدوله
توافق حاصل شد و فردای آن روز دستخط ریاست وزرایی اوصادر گردید .

حکومت عین الدوله نیز دیری نپائید و مجدداً بحران شروع شد . غروب
پنجشنبه ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۵ میرزا محمد صادق طباطبائی و شاهزاده سلیمان میرزا بملاقات
مشیرالدوله در رستم آباد شمیران رفتند و اظهار داشتند که باتفاق آراء مجلس باریاست

وزرائی شما موافقت کرده است، مشیرالدوله در جواب گفت بهتر است مجلس سیاست خارجی خود را معین کند تا من از روی همان سیاست اعضاء کابینه را تعیین نمایم، آیا مقصود تعقیب بیطرفی حقیقی است مثل کابینه سابق من و کابینه مستوفی الممالک، یا بیطرفی متمایل بروس و انگلیس مثل کابینه عین الدوله؟

بعد از افطار، اعلیحضرت مشیرالدوله را بقصر صاحبقرانیه احضار و ریاست وزراء را باو تکلیف کرد. مشیرالدوله برای عرض جواب قطعی دوروز مهلت خواست. روز شنبه ۲۴ ژوئیه، چهارده نفر از فراکسیونهای مختلف انتخاب شدند که بروند و از مشیرالدوله خواهش کنند در تشکیل کابینه تسریع نماید.

روز شنبه ۲۷، هیئتی از وکلاء نزد مستوفی الممالک بهونک رفته و هیئت دیگری در مجیدیه شاهزاده عین الدوله را ملاقات و اصرار نمودند هر دو داخل کابینه مشیرالدوله شوند و قرار شد هر سه نفر یعنی مشیرالدوله و مستوفی الممالک و عین الدوله در صاحبقرانیه حضور شاه شرفیاب شده در آنجا تکلیف کابینه را معین کنند. معلوم شد بالاخره توافق سه نفری بمستوفی الممالک شده است زیرا در مراجعت، مشیرالدوله مراسله ای بمؤتمن الملك رئیس مجلس نوشت که در جلسه خصوصی قرائت شد مبنی بر اینکه از ریاست وزراء استعفا دارم ولی حاضرم در کابینه ای که مستوفی الممالک تشکیل دهد عضویت اختیار نمایم.^۱

مستوفی الممالک در ۱۷ اوت ۱۹۱۵ (= شوال ۱۳۳۳) هیئت دولت خود را معرفی کرد، ولی مشیرالدوله در کابینه قبول عضویت ننمود. مستوفی از آن جنت - مکانهایی است که درباره اش میتوان گفت: ولد وزیراً و مات وکیلاً، چه او در ۱۱ سالگی بوزارت رسید آنهم وزارت دارایی، و بقیه عمر را هم اغلب در صدارت و کالت و ریاست و بالاخره «آقایی» گذراند و با قافا معروف بود. در همین کابینه بود که مسأله تغییر پای تخت پیش آمد.

ترجمه احوال مشیرالدوله

قشون آلمان در مشرق و غرب فتوحاتی داشت و دمکراتها در ایران جانی گرفته دولت موقت تشکیل دادند و قصاید وحید دستگردی که میگفت :

ازپروس است که ژنرال هنرور خیزد مرد از لندن و پاریس کجا برخیزد

خیزد اما همه مادام مدوشیک و قشنگ

بر در و بازار خوانده میشد، بانکهارا چاپیدند و قشون انگلیس را در فارس و کرمان شکست دادند. کار بجائی رسید که سپاهیان روس از قزوین به پایتخت تهران روی آوردند. مرحوم مشیرالدوله درین جریان نیز اقدامی کرده و موجبات آنرا فراهم ساخت که پایتخت تغییر داده نشود مرحوم دولت آبادی گوید:

روز هفتم محرم ۱۳۳۴، بر اثر گذشتن قوای روس از تبریز و نزدیک شدن آنها به تهران تصمیم بان انتقال پایتخت از تهران باصفهان گرفته شد، اثاثیه سلطنتی برای نقل و تحویل دادن پایتخت جمع آوری شد. از طرف شاه بدربار لندن و پطرو گراد تلگراف شد که چون بدون ملاحظه و بدون جهت قشون روس بطرف پایتخت من می آید لازم دانستم پایتخت خود را تغییر دهم. منبعد عر اتفاقی بیفتد دولت ایران مسؤول نخواهد بود.

نماینده روس و انگلیس خواهش کردند که شاه حرکت خود را به تعویق اندازد، شاه نپذیرفت^۱، مجلسی مرکب از مستوفی الممالک و مشیرالدوله و مؤتمن الملک و عین الدوله و سپهبدار تشکیل و نتیجه این شد که شاه حرکت نکند و قشون روس به ینگی امام بر گردد و دولت باد و سفیر داخل مذاکره بشود. پیش خانه شاه را که حرکت کرده بود بر گردانیدند.^۲

۱- مسیو «اتر» وزیر مختار روس به احمد شاه گفته بود اگر پایتخت را تغییر دهید تلگراف خواهیم کرد که محمدعلی شاه یا شاع السلطنه به تهران بیایند. (یکصد و پنجاه سال سلطنت، ص ۱۴۱) (ایران در جنگ بزرگ ص ۲۳۹)

۲- حیات یحیی ج ۲ ص ۲۹۴، ۲۹۵

ایران باستان

در کابینه‌های سالهای بعد نیز مشیرالدوله سمت‌هایی داشت: در کابینه‌ء علاء السلطنه که از ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ (شعبان ۱۳۳۵) تا آبان ۱۲۹۶ ادامه یافت مشیرالدوله وزیر جنگ بود، همچنین در کابینه‌ء عین‌الدوله (از آبان تا دی ۱۲۹۶) وزارت جنگ را داشت. در کابینه‌ء بعدی مستوفی‌الممالک که از ۴ دی ۱۲۹۶ تا اردیبهشت ۱۲۹۷ ادامه یافت بازو وزیر جنگ بود.

این ایام بحرانی‌ترین روزهای تاریخ ایران است که سیاست خارجی و وضع آشفته داخلی موجبات فراهم آمدن کودتای ۱۲۹۹ را فراهم میکرد. يك توجه به عمر کوتاه دولت‌ها که بسیار مستعجل بودند میرساند که اداره و نظم و نسق امور از هم پاشیده است و متأسفانه احمدشاه نیز که خود بسن کفایت رسیده بود و دیگر نایب‌السلطنه‌ای نداشت، از عهده جبران این شکستگی برنمی‌آمد.

هست هفتاد و دو علت در بدن از کشهای عناصر بی رسن
علت آید تا بدن را بگسلد تا عناصر همدگر را واهد

کابینه و ثوق‌الدوله صفحه‌ء تاریخ ایران را ورق زد.
و ثوق‌الدوله نخست وزیر شاعر معروف ایران که خود
می‌گفت:

بزن گاه سوم
قرارداد ۱۹۱۹

با عقل مجرّد نبری راه به مقصود

اینجاست که دیوانگئی نیز بیاید

يك دیوانگی سیاسی کرد و دست بعقد قراردادی زد با انگلستان که گفتگوی فراوان در ایران پدید آورد. کابینه و ثوق‌الدوله بعد از سقوط اجباری کابینه صمصام‌السلطنه (پس از آنکه شاه متوجه خطر بختیاری شد و از دربار به صمصام‌السلطنه تلفن شد که شما دیگر وزیر نیستید و استقامت شما در برابر شاه عواقب وخیم دارد^۱)، در ماه مرداد ۱۲۹۷ (= شوال ۱۳۳۶) روی کار آمد و دو سال دوام

ترجمه احوال مشیرالدوله

کرد . مسافرت احمد شاه بفرنگستان در عمر همین کابینه صورت گرفت و ظاهراً برای آن بود که موافقت او با قرارداد جلب شود : این قرارداد برتری مسلم سیاست انگلستان را بر روسیه در ایران ممکن میساخت ، علاوه بر آن نفوذ خارق العاده آن دولت را در امور داخلی ایران فراهم میکرد . چه خوب گفتند بود د کتر افشار مدیر مجله آینده که تا ایران ضعیف است یکی از دو سیاست ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ بر او حکمفرما خواهد بود : سیاست ۱۹۰۷ عبارت است از تقسیم ایران سیاستاً یا اقتصاداً ، و پلنیک ۱۹۱۹ مبنی است بر تفوق و استیلای یکی از دول همسایه معناً یا عملاً . وثوق الدوله این قرارداد را بست^۱ و سپس انتخابات را شروع نمود .

مرحوم بهار گوید : « قرارداد ۱۹۱۹ که آقای وثوق الدوله با انگلیس بشرط پذیرفته شدن در مجلس (بعد از نطق احمد شاه در مجلس ضیافت پادشاه انگلیس) بسته بود ، در ایران مورد بحث شد و هر طبقه و حزبی چه تندرو و چه کندرو بقرارداد مزبور حمله میکرد .^۲ »

نتیجه این قرارداد این بود که مالیه و قشون ایران زیر نظر معلمین و فرماندهان انگلیسی قرار گیرند و قشون متحدالشکل شده ژاندارم و قزاق بیک صورت درآید .^۳ دو نفر یکی بنام آرمیتاژ اسمیت برای مالیه و یکی ژنرال دیکسن برای اداره قشون بایران وارد شدند .

بعد از انتشار مواد قرارداد ، درجراید تحریکات شدیدی بر ضد وثوق الدوله شد و جمعی از دموکراتها و سایر آزادیخواهان که مرکزشان گاهی خانه حاج امام جمعه خویی و گاهی منزل مرحوم سید حسن مدرس بود شبنامهها و مقالات شدیدالاحنی بر ضد دولت منتشر ساختند و گفته شد که سلطان احمد شاه نیز با آنها

۱- این قرارداد در ذی القعدة سال ۱۳۳۷ = دسامبر ۱۹۱۹ بسته شده بود .

۲- تاریخ احزاب سیاسی ، ص ۳۰

۳- احمد شهر یور گوید افسران انگلیسی تصمیم داشتند که در قشون ایران از درجه سلطانی بیالا باید انگلیسی باشد و ایرانیان تارتبه نایب اولی بالاتر نباید ترفیع یابند .

ایران باستان

همداستان است. گفته شد که شاه برای امضای قرارداد حق الزحمه می‌خواهد و صریح می‌گوید که شما پول گرفته‌اید و امضاء کرده‌اید، من که پولی نگرفته‌ام چرا امضا کنم؟

اختلاف میان وثوق‌الدوله و شاه‌نیزبالا گرفت، در اوایل سال ۱۳۳۸ شاه مصمم شد به سفر فرنگستان برود و در لندن بود که از تصدیق قرارداد سر باز زد و گفت: «مملکت من کشوری دموکراسی است، باید این قرارداد بمجلس شورای ملی ارجاع شده به‌صحنه برسد». گویند، بعد از این شب ناصرالملک که در اروپا بود به شاه گفته بود: «کار خودت را ضایع کردی»^۱.

درباز گشت شاه از سفر، سروصدای مخالفین قرارداد بلند شده بود، با ورود شاه و بلند شدن طنین «مرده باد وثوق‌الدوله» در خیابانها، کابینه وثوق‌الدوله مستعفی شد و او بفرنگستان سفر کرد و قصیده لامیه معرف خود را ساخت:

بگذشت در حیرت مرا بس ماهها و سالها

«بر اثر هیجان عمومی، وثوق‌الدوله تاب مقاومت نیاورده از تهران بجانب اروپا رهسپار می‌گردد، میرزا حسنخان مشیرالدوله که وجهه ملی دارد بامر شاه کابینه تازه را تشکیل می‌دهد، مشیرالدوله در مازندران علاقه ملکی دارد و از افتادن این ایالت بدست مجاهدین و بلشویکها علاوه بر خسارتهای نوعی و مملکتی بیم خسارت شخصی را دارد، این است که بفوریت حاکمی از بستگان خود بدانجا می‌فرستد و استراسلسکی رئیس قزاقخانه را با اردوئی از قزاق مأمور مازندران می‌سازد تا معلوم باشد که جنگ باروس نیست»^۲.

وثوق‌الدوله قسمتی از انتخابات را انجام داده بود و البته این مجلسی بود که میبایست قرارداد را تصویب کند، در این موقع بحرانی بود که شاه از مشیرالدوله برای

کابینه دوم
مشیرالدوله

۱- تاریخ احزاب سیاسی ص ۳۶، ۳۸

۲- حیات یحیی، ج ۲ ص ۱۴۵

تشکیل دولت دعوت کرد .

انگلیس ها ضدیت علنی با ریاست وزرای شخص محبوب وطن پرست و با احتیاطی مثل مشیرالدوله نکردند ، مشیرالدوله هم که بدون هیچ گرفت و گیر آنهم درچنین موقعی زیر بارمسئولیت رفت بجهت همین اوضاع واحتمال توانائی برای خدمت بکشوربود^۱.

مشیرالدوله در ۱۳ دی ماه ۱۲۹۹ (۱۸ شوال ۱۳۳۸) کابینه خود را تشکیل داد ، و دراین کابینه بود که مصدق السلطنه آنروزود کتر محمد مصدق امروز وزارت عدلیه داشت . اعضاء کابینه عبارت بودند از:

مشیرالدوله رئیس الوزراء

حشمت الدوله وزیر داخله .

مکشار السلطنه وزیر خارجه .

مصدق السلطنه وزیر عدلیه .

وثوق السلطنه وزیر جنگ .

مخبر السلطنه وزیر مالیه .

نیر الملك وزیر پست و تلگراف .

اعتلاء السلطنه وزیر فواید عامه .

حکیم الملك وزیر معارف .

مؤتمن الملك و مستوفی الممالك سمت وزیر مشاور را داشتند .

ده روز از عمر کابینه گذشت ، در ۲۸ شوال ، مشیرالدوله اعلام داشت که : قرارداد موقوف الاجراء خواهد ماند تا وقتی که به رأی مجلس شورای ملی عرضه شده تصویب گردد . آقای مکى مینویسد: باسقوط وثوق الدوله ، مشیرالدوله که از رجال شریف ایران بود روی کار آمد ، در کابینه مشیرالدوله ابدأ صحبتی از اجرای مواد قرارداد ۱۹۱۹ درین نبود ، بعلاوه مشیرالدوله برای آنکه نه قرارداد را تکذیب و نه تصدیق

ایران باستان

کرده باشد، آرمیتاژ اسمیت رئیس هیئت مستشاران انگلیسی را که در دوره وثوق الدوله وارد تهران و در وزارت دارائی مشغول کار شده بود برای اینکه از کار برکنار کرده باشد بنام اینکه باید اختلافات بین ایران و کمپانی نفت جنوب مرتفع شود، روانه لندن نمود که بآنجا رفته دعای ایران را مطرح و مطالبات را دریافت نماید و باو گفته بود امیدوارم درین مأموریت موفق شوید و خدمتی بایران بنمائید تا ملت ایران خدمتی از شما ببیند و من هم بتوانم بعداً از شما پشتیبانی نمایم^۱. خلاصه اینکه اجرای مواد قرارداد دائماً بموانع بر میخورد. انگلیسها برای این قرارداد یکصد و سی هزار لیره خرج کرده بودند که ازین مبلغ دویست هزار تومان به وثوق الدوله و صد هزار تومان به نصرت الدوله و صد هزار تومان به صارم الدوله وزیر مالیه وقت و مقداری هم بین مدیران جراید موافق تقسیم کردند^۲.

مشیرالدوله سپس بفکر افتاد که چگونه ۳۹ نفر نمایندگان انتخاب شده زمان وثوق الدوله را با قرارداد مخالف کندی یعنی بالشکریزید به جنگ معاویه برود! بدین جهت بتاريخ ششم اسد ۱۲۹۹ بیانیه ای راجع بتجدید انتخابات صادر و در آن تأکید کرد که انتخابات را ادامه خواهد داد، منتهی در آن این جمله را که

۱- زندگانی سیاسی احمد شاه، ص ۹۹

۲- مرحوم دهخدا در حاشیه نسخه ای از کتاب زندگانی احمد شاه که در کتابخانه شخصی خودشان بوده است بخط خود نوشته اند: «این از باب جراید: ۱- ذین العابدین دهنما (شیخ العراقین زاده) ۲- سید محمد تدین، ۳- ملک الشعراء بهار، ۴- سید ضیاء الدین، ۵- یک نفر تاجر سیاسی که بعدها وکیل دماوند شد و فعلاً نامش را فراموش کرده ام (گویا کسرائی)، ۶- علی دشتی مدیر شفق بودند، از پول مزبور به شش نفر فوق داده نشد، بآنها در آنوقت که روسیه انقلابی در بلوکوس بود و ایران هم صدور مال التجاره را بدانجا قدغن کرده بود بایشان اجازه صدور مقداری کثیر خواربار و کفش داده شد و آنها آن اجازه نامه ها را در بازار طهران به تجار فروختند و هر کدام چند هزار تومانی بدست آوردند که تدین خانه شهری و تجریش را از آن پول خرید و ملک الشعراء خانه شهری خرید.

امضاء (علی اکبر دهخدا) »

صورت تهدید به وکلای انتخاب شده داشت گنجانید :

«در حوزه‌هایی که تا امروز وکیل معین کرده‌اند مراجعه‌ای به آراء اهالی که حق انتخاب کردن دارند خواهد شد، هرگاه اهالی حوزه‌های مذکوره انتخابات گذشته را تقویت نمودند مجلس شورای ملی با همان وکلاء منتخبه حاليه وعده دیگری که از امروز به بعد انتخاب میشوند افتتاح خواهد گردید. ولی در نتیجه آراء عموم چنانچه معلوم گردد که مردم از انتخابات گذشته رضایت ندارند حکم خواهد شد که نسبت به وکلاء انتخاب شده تجدید انتخابات بعمل آید.»
(حسن مشیرالدوله رئیس‌الوزراء)

این بیانیه کنایه‌دار موجب شد که وکلای منتخب اعلامیه‌ای صادر نموده مخالفت خود را با قرارداد اظهار داشتند.

مرحوم مستوفی در باب خدمات مشیرالدوله در این کابینه گوید:

مشیرالدوله از پانزده سال پیش تا این وقت همواره یکی از ارکان سیاست دولت بوده و در اکثر کابینه‌های دوره مشروطه شرکت کرده و یکی دوبار هم رئیس‌الوزراء شده و طرف اعتماد عامه بود و رجال کشور همگی بدانش و تجربه او معتقد بودند و نظریات سیاسی او را تصدیق داشتند.

مشیرالدوله در هیچیک از کابینه‌هایی که تشکیل کرده است بقدر این کابینه کم دوام خود کار نکرده است ... مشیرالدوله توانست بانگلیسی‌ها حالی کند که اجرای قرارداد بدون تصویب مجلس شورای ملی عملی مخالف قانون داخلی و مراسم بین‌المللی است ... آزادی مطبوعات و موقوف شدن جاسوسی نیز بیشتر بوجاهت کابینه افزود. مشیرالدوله در احضار تبعید شدگان قرارداد هم اقدام کرد و آقایان محتشم‌السلطنه و مستشارالدوله و ممتازالدوله و حاج معین‌التجار بوشهری بتهران مراجعت کردند.^۱

قرارداد ۱۹۱۹، ایران را منقلب کرده بود، در مازندران و گیلان میرزا

کوچک خان زعیم جنگلیان بقول مرحوم بهار در پسیخان پسوخو کرده بود ، خیابانی در خیابان های تبریز دم از استقلال آذربایجان میزد ، چاه کوتاهی و تنگستانی ها عرصه را بردولتیان و ژاندارم ها و انگلیسها تنگ کرده بودند و تعهد دولت ایران در برابر قرارداد و ضمناً مخالفت باطنی شاه همه اینها مشکلاتی بود که حوصله و تدبیر و شخصیت قابل اعتنائی مخالف و موافق مشیرالدوله میتوانست گره آنرا بگشاید .

مرحوم هدایت در خاطرات خود مینویسد:

« این کابینه دوشغل شاغل دارد ، یکی کار متجاسرین رشت که قوای قزاق متوجه آن حدود است ، یکی کار قیام تبریز . جنگل رسماً با دولت می جنگد و مسأله ازمخالفت با قرارداد تجاوز کرده^۱ انگشت بلشویکی هم در کار آمده است و از باد کوبه آتش فتنه را باد میزنند، اسطراسلسکی با قوای قزاق مأمور جلو گیری شد . شیخ محمد خیابانی اسرار مگوئی در دل دارد ، بصراحت پول میخواهد و بکنایت منع تعیین حکومت برای آذربایجان» .

مشیرالدوله از همان روزهای اولیه زمامداری با قیامی های آذربایجان وارد مبادله تلگراف گشته و موقوف الاجرا ماندن قرارداد و آزادی مطبوعات را متذکر شده افتتاح مجلس را وعده داد و آنها را دعوت کرد که کسری و کلای خود را زودتر تعیین کرده بمرکز بفرستند . . . « مشیرالدوله منتظر بود که قیامیها از این اقدامات دولت قدرشناسی کرده مساعدت نمایند، ولی آقایان دست از حرفهای سربالای سابق برنداشته بترکی گفتن خود ادامه دادند. ۲ »

۱- کوچک خان در تلگرافی علت طفیان خود را گوید : ... کاینه وثوق الدوله میگوید محض استفاده شخصی باید مملکت را در بازار لندن به ثمن بخش بفروشیم . . . (ایران در جنگ بزرگ ص ۳۸۸)

۲- زندگانی من ، ج ۳ ، ص ۱۷۵

ترجمه احوال مشیرالدوله

تاریخ، هر غوغایی را که بر پا میشود، اگر موفقیت حاصل
کند نهضت نام میگذارد و اگر شکست یابد، غائله!

خیابانی که بود ؟ شیخ محمد پسر حاجی عبدالحمید تاجر خامنه‌ای (متولد ۱۲۹۷) که در سال ۱۳۲۷ بوکالت مجلس هم رسیده بود برضد حکومت وقت (وثوق الدوله) که معاهده با انگلیس بسته سیاست را در مماشات دیده بود اعلان عصیان نموده و قیام یک ^{قسمت} مهم ایران یعنی آذربایجان را پدید آورد. طرفداران خیابانی نام آذربایجان را آزادی ستان نهاده و قونسول آلمان را محاصره کرده و بقتل آوردند و مجاهد ترتیب دادند و درصدد قطع علاقه با دولت مرکزی برآمدند. زمام شهر شش ماه در دست آنها بود. البته ابتدای این قیام که صورت مخالفت با قیام داد داشت مورد توجه عامه بود و نهضتی بشمار میرفت ولی پس از آنکه صحبت از مجزّا شدن آذربایجان پیش آمد، قضیه‌ای بود که طبعاً میبایست بنفع ایران فیصله پذیرد. برای این منظور، حاج مخبر السلطنه هدایت که وزیر دارایی کابینه مشیرالدوله بود بحکومت آذربایجان منصوب شد.

مرحوم هدایت مینویسد:

«سلیمان میرزا وسید کمره‌ای در طهران سنگ قیام بسینه میزنند، یک بیست هزار تومان و یک پانزده هزار تومان برای خیابانی فرستاده شد، لیکن کفاف کی دهد این باده‌ها بمستی ما .. همه روزه گفتگو از حکومت تبریز است .. با سابقه‌ای که من بمردم تبریز و مردم آنجا بمن داشتند میدانستم که از برای رفتن من به تبریز اشکالی ندارد. در فرستادن پول قدری تأمل شد، خیابانی به وثوق السلطنه تلگراف کرد که اگر فلانی تنها بیاید چه مضایقه، من داوطلب شدم، سه شنبه ۷ ذیحجه تحریر شد، پنجشنبه ۹ حرکت کردم.^۱»

سپس جریان غائله را چنین مینویسد:

۲۸ ذیحجه به عالی قاپوی تبریز رفتم. شرحی نوشتم بخیبانی که حاضر با

ایران باستان

شما کارکنم ، بهاءالسلطان که مکتوب مرا برده بود برگشت و گفت خیابانی در منزل نبود ، منزل او را هم چاپیده اند. راپرت قضیه را تلگرافی به طهران دادم ، مشیرالدوله باورنمی کرده است ، حق داشته ، چه آواز دهل از دور اهمیتی دارد. ارکارهای بد خیابانی محاصره قنسول آلمان بود که درهمان محاصره قنسول کشته شد .

روز دیگر بچه ای به پست قزاق اطلاع میدهد که خیابانی در فلان خانه در زیر زمین است... مبادله تیرتفنگ می کنند ، خیابانی کشته میشود ، يك تیر بپایش خورده بود ، يك تیر بسرش ، که شاید خودش زده بود ... حامیان قیام در مجلس حمله به مشیرالدوله آوردند ، معزی الیه از قنسول فرانسه کیفیات را پرسیده بود ، وی رفتار مرا تصدیق کرده و در مجلس دفاع کرد.^۱

قتل خیابانی در بین احرار و آزادیخواهان نمایش خوبی نداشت و اغلب بدون توجه بکنه مطلب از آن اظهار نفرت میکردند .
دکتر شفق مینویسد:

مهدیقلی خان مخبر السلطنه حاکم آذربایجان شد و غفلة شیخ را بدست قزاقان روس دستگیر کرده و روز ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۹ او را در خانه همسایه گلوله باران کردند و جسدش بدست او باش افتاد.^۲
و عارف گوید :

کسم بشهر نبیند ، شدم بیابان گرد
ز غصه کلنل و ز غم خیابانی .
مرحوم هدایت مینویسد :

اقلیت مجلس حامی قیام بودند ، مشیرالدوله در محظور واقع شد و من در دادن گزارش واقعه به تهران غفلت کرده بودم ، وثوق الدوله و مشیرالدوله هر دو

۱- گزارش ایران ، ج ۴ ص ۲۶۴ و ۲۶۵

۱- دیوان عارف ص ۲۲۲

ترجمه احوال مشیرالدوله

اسمشان حسن است . ملك الشعراء بهار در ترجیع بندی گوید:

كشت آن حسن از بهر وطن گر دوسه كاشی

كشت این حسن احرار وطن را چو مواشی

نظر به بی خبری از کیفیات حادثه و نظر به شکرانه از سهم ناز شصت قرارداد ۱۹۱۹ طغیان قلم آقای ملك مغنفر است.^۱

اما، چنانکه گفتیم، رفع این غائله از اقدامات مهم مشیرالدوله پیرنیاست و او بتدبیر و تنهائی همان کاری را کرد که بیست و پنج سال بعد قوای ایران به پشتیبانی سازمان ملل متحد و دولتهای امریکا و انگلستان بانجام آن توفیق یافتند. مرحوم مشیرالدوله طی نطقی که در جلسه ۱۴ سنبله ۱۳۰۰ (سوم محرم ۱۳۴۰) قمری نمود نظر خود را که در حقیقت مبین روح ایران خواهی او و توجه بتمامیت استقلال ایران است، چنین بیان میکند:

«... در جریده طوفان شرحی راجع به مرحوم خیابانی مندرج بود که قسمتی از آن راجع به کابینه بنده است و لازم میدانم بعضی توضیحات را برای اطلاع آقایان عرض کنم... تلگرافاتی که مکرر در مکرر با حضور تمام اعضاء کابینه و در مدت یکماه با مرحوم خیابانی و اعضاء هیئت قیام کننده بعمل آمده... معلوم میدارد صریحاً به ما میگفتند که ما والی نمیپذیریم، از مرکز میخواهیم که بکار آذربایجان دخالت نکنند، ولی هر قدر پول میخواهیم بدهند، بدیهی است که آقایان نمایندگان تصدیق مینمایند که رژیم مشروطیت یعنی همان رژیمی که مرحوم خیابانی بقول هوای خواهانش اجرای آن را از کابینه ما میخواست، همان رژیم آیا به يك هیئت دولتی اجازه میدهد که اصل مرکزیت و تجزیه ایران را قبول کند؟ ما گفتیم آذربایجان جزء لاتیجزای ایران است. مخصوصاً میدانم والی ما که وارد شد باندازه ای حوصله و بردباری کرد که هیچکس منتظر نبود... دولت جد و جهد میکرد که مسأله به مسالمت بگذرد... زیرا آنها همه تبعه داخله و ایرانی بودند، والی هم نهایت جد و جهد را بخرج داد که بمسالمت بگذرد ولی

ایران باستان

موفق نشد ... آذربایجانی که خود را همیشه دست راست و قوی هیکل ایران دیده ، آذربایجانی که عادت کرده همیشه جوی های خون برای حفظ حدود و ثغور ایران ، برای حفظ قومیت و ملیت ایران ، جاری کند ، باین حرفهای مشعشع گول نمیخورد ، تاریخ سه هزار ساله ایران آذربایجان را با ایران چنان ممزوج کرده است که بهیچ وجه قابل تجزیه و انفکاک نیست . شخص عاقل و مآل اندیش میداند که فقط سعادت مندی آذربایجان در پرتو اتحاد و جزء ایران بودن است . آذربایجانها گول این حرفها را نمیخورند و میدانند که اگر آذربایجان از ایران مجزا شود قائم بالذات نخواهد بود ، دیر یا زود جزء این یا آن خواهد شد : من و کابینه رزرای من در مجلس شورای ملی در پیشگاه کلام الله مجید قسم یاد کرده بودیم که اصول مشروطیت را حفظ کنیم . قسم برای این نبود که ملوک الطوائفی درین مملکت تأسیس کنیم ، پس ما بوظیفه خودمان رفتار نموده ایم ، حالا هر چه میخواهند بگویند . »

این سخنان را مشیرالدوله روزی گفت که قبل از او دیگری آذربایجان را «عضو فلج» و «شقاقلوس ایران» خوانده بود .

بدین وجه ، قضیه آذربایجان فیصله می یابد ، هر چند مشیرالدوله براساس روحیه خود نمی خواست کار بقتل خیابانی بکشد و بهمین علت در مقدمات امر همه گونه آمادگی خود را برای مذاکرات دو جانبه اعلام داشته بود ، ولی دنباله قضایا بجایی رسید که با تهدید والی (مخبر السلطنه) کار باقتل خیابانی پایان یافت . اما چاه کوتاهی ها ، از ۱۳۳۳ یعنی از زمان جنگ و پیشرفتهای آلمان دست بطغیان زده بودند ، جنبه ملی بودن این طغیان از قیام خیابانی بیشتر بود ، اینها که دهاتی و روستائی پاك بودند ، فقط برای راندن انگلیسها قیام کرده بودند ولی صحبت از تجزیه نبود ، مشیرالدوله متوجه این موقعیت آنها بود و حتی هنگامی که شیخ حسینخان چا کوتاهی در جنگ با پلیس جنوب (S.P.R) در کابینه مشیرالدوله مقتول شد (شوال ۱۳۳۸) ، تلگراف تسلیتی از طرف رئیس الوزراء بخانواده مشارالیه مخابره گردید.^۱

۱- حسین مکی ، کودتای ۱۲۹۹ ج ۱ ، ص ۲۲

ترجمه احوال مشیرالدوله

ولی بالاخره با قتل شیخ حسین و یارانش ، این غائله پایان یافت و از فارس نیر خبر آمد که دشتستان بهار است زمین از خون احمد لاله زار است و جنوب نیز بدنبال شمال آرام شد .

اما قضایای جنگل : بدستور مشیرالدوله قوای قزاق در ذی قعدة ۳۸ بطرف مازندران و گیلان رفتند و جنگلی ها را نیز عقب نشانند و رشت را تصرف کردند ، ولی بالاخره از قوای روسیه که در این نواحی پراکنده بودند شکست خوردند . مشیرالدوله هیئتی را برای حل و تسویه قضیه میرزا کوچک خان برشت فرستاد ولی این هیئت هم کاری نتوانست کرد .

قزاق خانه در دست روسها بود ، شکست قزاق ها گفته میشد

نتیجه سستی و خیانت افسران روس بوده است ، انگلیس ها

استعفا
مشیرالدوله

بدولت مشیرالدوله پیشنهاد کردند استاروسلسکی روسی را از

فرماندهی قزاقخانه برکنار سازد ، مشیرالدوله این پیشنهاد را نپذیرفت و تصمیم بمقاومت و مخالفت کرد . دیپلماسی بریتانیا در صدد مخالفت با کابینه برآمد و به شاه فشار آورد که مشیرالدوله را مجبور باستعفا سازد.^۱ گفته میشد که اعزام مشاور الممالک با آن عجله بمسکو و اصرار دولت در ایجاد روابط حسنه با دولت ^{روس} اسباب نگرانی انگلیس شده بود.^۲ مشیرالدوله در «تله‌روباہ گیری» حسن روابط با شمال افتاده بود.

توضیح مطلب اینست که بعد از آنکه وثوق الدوله با عقد قرارداد ۱۹۱۹ در بست ایران را به بیع قطع فروخت ، مشیرالدوله بفکر ترمیم روابط همسایه عصبانی شمالی افتاد و صلاح دانست که روابط دوستانه خود را با دولت جدید روسیه ^{ساکت} (شوروی) برقرار نموده باب مراوده را مفتوح نماید ، براین منظور از طرف مشیرالدوله بدو^۱ به میرزا اسحق خان مخم الدوله پیشنهاد

۱- کودتای ۱۲۹۹ ج ۱، ص ۳۱

۲- تاریخ احزاب سیاسی، ص ۶۴

شد که بمسکو رفته با کمیسر خارجه شوروی مذاکراتی بنماید و زمینه قرارداد مودتی را فراهم سازد ولی مشارالیه قبول نکرد. سپس از طرف مشیرالدوله تلگرافاً بمشاورالممالک انصاری که در اسلامبول بود پیشنهاد شد که بمسکو برود، او بدقفاً رفته و پس از دریافت دستورات مشیرالدوله بمسکو عزیمت نمود.^۱

این حسن روابط، همسایه دجلت جنوبی رانگران ساخت و کوشش کرد که پای دولت مشیرالدوله را در پوست گردو بگذارد.

گفته میشد شاه دو یا سه دفعه بمشیرالدوله تکلیف کرده استعفا دهد و مشیرالدوله اخذتصمیم قطعی را موکول بنظر هیئت وزیران ساخته است. در مجلس مبعوثان انگلیس اعتراض شد که بچه مناسبت بدولت ایران از طرف بانک شاهنشاهی مساعده داده میشود. این بزرگترین ضربه بود، دولت مشیرالدوله را میخواستند نقره داغ کنند. این قضایا هفت ماه قبل از وقوع کودتای ۱۲۹۹ اتفاق افتاد.

آقای مکی از قول سید جلیل اردبیلی (که ازو کلای دوره‌های اولیه مجلس و آزادیخواه و عضو هیئتی بود که از طرف مشیرالدوله برای حل قضایای میرزا کوچک خان برشت رفته بود) میگوید:

یکهفته قبل از سقوط کابینه، اردبیلی از طرف مشیرالدوله احضار گردید، مشیرالدوله او و یکتنر دیگر از اعضاء را بمنزل خود میخواند و آنها را قسم میداد که تا اوزنده است مطلبی را که افشا خواهد کرد بکسی نگویند. آنگاه بسته کاغذی بایشان نشان داده میگوید: پست میان بوشهر و شیراز که متعلق بانگلیسها بوده است سرقت شده و کاغذها را دزدان ریخته‌اند، ژاندارم‌ها کاغذهایی را که بین راه ریخته شده بود بطهران فرستاده‌اند، در ضمن این کاغذها نامه مفصلی از نایب السلطنه هندوستان خطاب بسفارت بریتانیاست که حاوی نقشه کلی راجع بایران است که يك حکومت قوی روی کار بیاورند و قشون منظمی ایجاد کنند.. و راه آهنی از شمال

ترجمه احوال مشیرالدوله

بجنوب کشیده شود. مشیرالدوله پس از آنکه نامہ را خواند کلیه کاغذها را دربخاری افکنده سوزاند.^۱

پدید آید نشان از بامدادان

چو خواهد بود روز برف و باران

شاید مشیرالدوله هم از تدارکات مقدماتی کودتا بوئی برده و حساب عاقبت کار را کرده و بموجب عادت و رویه خود - که هر وقت افکار داخلی و خارجی را مخالف مصلحت ایران میدید خود را برکنار میگرفت - این بار

بوی کودتا
به مشام میرسد

هم به بهانه خستگی و احتیاج باستراحت جا خالی کرده باشد.^۲

لرد کرنز وزیر خارجه انگلیس درنطقی که درهمین سال (۱۷ نوامبر ۱۹۲۰، عقرب ۱۲۹۹) در مجلس اشراف انگلستان کرد در باب مشیرالدوله گوید:

« وثوق الدوله که مؤسس قرارداد بود ازکار افتاده، کابینه جدید در تحت ریاست شخصی که مشهور به مشیرالدوله و معرف آن چیزی است که من نمیتوانم فرض کنم آن یک چیز منفی یا مخالف محسوب میشود و شاید بالاتر معرف و نماینده دسته ملیون بتوان نامید بروی کارآمده و سیاست او تقریباً تا درجه ای با سیاست سلف خود مخالفت دارد، کابینه مشیرالدوله ترجیح داد که اجرائیات مقدماتی معاهده ای را که اکنون برای شما شرح دادم تا تصویب مجلس به عهده تعویق اندازد.» مستوفی درین باب گوید:

« کابینه مشیرالدوله در سوم ماه عقرب ۱۲۹۹ (= ۱۴ صفر ۱۳۳۹) استعفا کرد.

خود مشیرالدوله میگفت از کار خسته شده و احتیاج باستراحت دارد. مردم سبب این استعفا را عقب نشینی بی دلیل آتریاد رشت تا «آقا بابا» که دست خارجی در

۱- کودتای ۱۲۹۹، ص ۳۰

۲- زندگانی من، ج ۳ ص ۱۹۲

آن بخوبی پیدا بود، حدس میزدند و ضمناً قطع سیصد و پنجاه هزار تومان ماهیانه مساعدۀ معمولی را که انگلیسها از زمان کابینه وثوق الدوله بایران میدادند در این استعفا بی دخل نمیدانستند.

مشیرالدوله از نظر لرد کرزن دو گناه نبخشیدنی مرتکب شده بود، یکی متوقف ساختن اجرای قرارداد و تدارك الغای آن بطور غیر مستقیم در مجلس شورای ملی آیندۀ ایران، و دیگری فرستادن سفیر برای ایجاد روابط ایران و شوروی. بعد از رفتن مشیرالدوله، نصفه روزی اسم فرمانفرما در دهنها میگذشت. اگر مشیرالدوله زنده بود سبب این کناره گیری بی موقع را میپرسیدم، که خود را برای چه روز کشور میخواستی ذخیره کنی؟ جنابعالی رفتید که کی جای شما را بگیرد؟ مستوفی الممالك که با وجود شهامت ذاتی پر حرف و کم کار و مهممل بود؟ یا فرمانفرمای آپاردی پاچه ور مالیده که اگر برای خواندن فاتحه سر گور پدرش میرفت تا چندتا سقط پاره به جیب نمیزد بر نمیگشت؟ یا سپهسالار خلعتبری عصبانی که بهیچ صراطی مستقیم نبود؟ یا بالاخره سپهدار اعظم گیلک بیچاره بی سواد بی حواس که حتی املائی لقب خود را هم نمیتوانست در خاطر بسپارد و در نوشتجات اداری اعظم را «اعزم» میکرد.^۱ هدایت گوید: «مشکلات مشیرالدوله را خسته کرده کناره میجوید و سپهدار رشتی روی کار میآید، احمدشاه از اول مربی خوبی پیدا نکرد، ناصرالملک باو گفته بود تا میتوانی بفکر تأمین آتیه باش، این مردم بار را به منزل نمیرسانند.»^۲ غافل از آنکه:

هر که شاه آن کند که او گوید

حیف باشد که جز نکو گوید

اما کابینه سپهدار نیز نتوانست کارها را بپایان برساند، شاه دستور تشکیل جلسۀ مشاوره ای داد و در این جلسه نخست وزیران سابق و رجال عمده شرکت میکردند. مقصود این بود که با بررسی اوضاع راه حلی پیدا کنند.

۱- زندگانی من ص ۱۸۵-۱۹۵-۲۳۱

۲- گزارش ایران، ج ۴، ص ۲۶۹

ترجمه احوال مشیرالدوله

در ماه جدی ۱۲۹۹ خورشیدی ، اعیان و رجال و شاهزادگان جلساتی تشکیل دادند که اولین جلسه در منزل صمصام السلطنه و جلسه دوم در منزل عین الدوله و جلسه سوم در منزل مشیرالدوله تشکیل شد . درین جلسات در باب آشتی و وخامت اوضاع گفتگوها کردند . پس از ختم جلسه سوم ، کابینه سپهدار در ۲۴ جدی ۱۲۹۹ استعفا داد . در همین وقت قوای روسیه نیز در انزلی باقی ماندند .

صدارت را به مستوفی الممالک پیشنهاد کردند و پذیرفت .

روز ۲۹ جدی ۱۲۹۹ احمدشاه مشیرالدوله را بدربار احضار کرد و تشکیل کابینه را باو تکلیف کرد ولی او باز زیر بار نرفت .

مجدداً تکلیف کابینه به سپهدار اعظم شد و بالاخره در ۲۸ دلو ۱۲۹۹ کابینه خود را

معرفی کرد^۱.

بگو به عقل منه پا بر آستانه عشق

که عشق در صف دیوانگان سپهدار است

این کابینه بیش از چند روز دوام نگرفت ، روز اول حوت ۱۲۹۹ از ینگی امام به هیئت دولت خبر رسید که عده ای از قزاق ها بسر کردگی رضاخان سرتیپ با چهار ارا به توپ و مقداری تجهیزات از قزوین حرکت کرده و روز ۲۹ دلو به ینگی امام وارد شده و روز اول حوت بطرف مرکز حرکت کردند . دستور امیر نظام وزیر جنگ و حتی تلفن شاه نتوانست آنها را بازگشت دهد ، صبح روز ۳ حوت این عده در نزدیک «شهرنو» بیرون دروازه قزوین تهران اردو زدند .

سربازان ، نیمه شب سوم حوت بشهر وارد شده باتبانی بار و سبای ژاندارم در میدان مشق موضع گرفتند و حوالی سحر صدای شلیک توپ بلند شد .

فردا صبح مردم این جمله را در اعلامیه ای با امضای «رضا» بر درو دیوار شهر خواندند :

۱- زندگانی احمدشاه ، ص ۲۴۳

«... حکم میکنم که مردم فقط صلاح کشور و وطن را در نظر گرفته خود را برای خدمتگزاری آماده کنند. کاظم خان را بحکومت نظامی معین میکنم، متخلفین سخت مجازات میشوند...»

عصر روز چهارم حوت مردم سید ضیاءالدین طباطبائی را دیدند که در اتومبیل ریاست وزراء نشسته است.

بدین طریق تاریخ ایران فصل جدیدی با حروف درشت بخود گرفت.

مرحوم مستوفی در باب کیفیت روی کار آمدی سید ضیاء مینویسد:

در موقعی که سید ساقط شد و محبوسین از حبس نجات یافتند برای استمالت آنها مردم دسته دسته بدیدارشان میرفتند، حاجی حسین آقای امین الضرب (مهدوی) یکی از محبوسین بود، من نظر بسابقه دوستی .. بدیدار او رفتم، مرحوم مهدوی ملایم و با ادب و مردم دار و بنابر این مجلس او درین شب از مجلس اکثر آزادشدگان پر جمعیت تر بود. وارد حیاط که شدم مرحوم مشیرالدوله هم از راه رسید و با هم وارد مجلس شده من و ایشان پهلوی هم اتفاق افتادیم .. مشیرالدوله گفت من هیچ جا نرفته حتی شاه را هم تا امروز (درفرح آباد) ملاقات نکرده بودم. گفتم واقعاً از شاه نپرسیدید چه شد که ایشان دستخط ریاست وزرایی سید ضیاءالدین را امضاء کردند؟ گفت حاجتی پرسش نداشت، خود ایشان [شاه] بدون سؤال گفتند: سید آمد اینجا دستش را بکمرش زد و با سماجت و تشرقه نظامی دستخط ریاست وزرایی خود را گرفت و رفت! ۱.

این کابینه، که کابینه سیاه خواندندش، تا خرداد ۱۳۰۰ یعنی حدود چهار ماه دوام داشت و عده ای از رجال من جمله قوام السلطنه را نیز در خراسان توقیف کرده بود. مشیرالدوله با این کابینه و اصولاً با سید ضیاءالدین روی خوش نداشت و گرچه جزء توقیف شدگان هم نبود ولی با دولت نیز نظر مساعد ابراز نمیکرد، حتی در جشنی که در شب بیستم حمل ۱۳۰۰ از طرف دربار تشکیل شد «میگویند از مستوفی

و مشیرالدوله ومؤتمن الملك که دعوت بعمل آمده بود حاضر نشده بودند^۱
مرحوم دولت آبادی مینویسد :

«سید ضیاءالدین با سه نفر از رجال اولی مملکت هیچگونه ستیزگی نمیکند:
مستوفی الممالک، مشیرالدوله و مؤتمن الملك؛ چونکه وجهه ملی دارند و مناسبات
آنها هم با انگلستان دوستانه است بی آنکه نوکر بوده باشند».

در اردیبهشت ۱۳۰۰ مسعود کیهان وزیر جنگ سید ضیاء نیز استعفا داد و
رضاخان رئیس دیویزیون قزاق بعنوان سردار سپه بوزارت جنگ منصوب شد.

روز چهارم جوزای ۱۳۰۰ (۱۷ رمضان ۱۳۳۹) از طرف شاه (که به سید ضیاء
تکلیف استعفا کرده بود و او نپذیرفته بود) این دستخط صادر شد :

«نظر به مصالح مملکتی، میرزا سید ضیاءالدین را از ریاست وزراء منقل
فرمودیم و مشغول تشکیل هیئت وزراء جدید هستیم ... شاه»

در همین حال از طرف شاه، ریاست وزرائی به مشیرالدوله تکلیف
قهر وزیرانه

شد ولی از طرف مشارالیه پاسخ منفی داده شد. باین معنی
که جواب داده بود «هنوز مرکب دستخط شاه خشک نشده که رجال ایران را
نالایق معرفی کرده بود»^۲

شهاب الدوله ملک آراء گوید : وقتی کابینه سید ضیاءالدین سقوط کرد احمدشاه
برای تعیین رئیس الوزراء جدید به مطالعه پرداخت. به مستوفی الممالک و

۱- کودتای ۲۹۹، ج ۱، ص ۱۷۴

۲- حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۴۴

۳- اشاره به دستخط شاه است که در ۴ حوت به ایالات بخشنامه شده بود پدین
مضمون : «در نتیجه غفلت کاری و لاقیدی زمامداران دوره های گذشته که بی تکلیفی
عمومی و تزلزل امنیت و آسایش را در مملکت فراهم نموده ... باقتضای استعداد و لیاقتی
که در جناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم ایشان را بمقام ریاست وزراء انتخاب
فرمودیم . شهر جمادی الاخر ۱۳۳۹، شاه»

مشیرالدوله تکلیف زمامداری شد، لکن نپذیرفتند، سرانجام پس از شور و مطالعه قرار بر این شد که **قوام السلطنه**، زندانی پادگان عشرت آباد، زمام امور را بدست گیرد. . . . من با اتومبیل بعشرت آباد رفتم، معلوم شد که قبلاً سردار سپه تلفن کرده و اطلاع داده است که شهاب الدوله برای انجام امری بآنجا میآید. . . . چند دقیقه بعد قوام السلطنه شرفیاب شد و فرمان تشکیل کابینه را دریافت نمود.^۱

درباب نخست وزیری نام مشارالملك و سردار سپه نیز به میان آمد ولی بهر حال بعد از پنجروز در ۲۲ رمضان قوام السلطنه کابینه خود را تشکیل داد و قبل از هر چیز توقیف شدگان را آزاد کرد. سردار سپه وزیر جنگ بود.

روایتی هست که در همین روزها خانم قوام السلطنه از مشهد تلگرافی بعنوان قوام بآدرس زندان عشرت آباد مخابره میکند و پرسش حال او را مینماید، تلگراف وقتی بدست قوام میرسد که ابلاغ ریاست وزراء را یافته بود و خبر سلامت خود را به همسرش تلگرافی بامضای «نخست وزیرا حمد قوام» مخابره میکند. کلنل محمد تقی خان نیز که در خراسان قوام را توقیف کرده بود، ازین دولت تمکین نکرد و بالاخره بقتل رسید. و همین جاست که عارف قزوینی در رثاء دولت سیدضیاءالدین (در تصنیف معروف: ای دست حق پشت و پناهت باز آ) گوید:

این آن قوام السلطنه است ایمن شد.

زن بود و در کابینه مرد افکن شد.

اسکندر اشراف بنیان کن شد.

چون افعی زخمی رها شد بدشد.

گرگ از تله پا در هوا شد بد شد.

روبه گزیران از بلا شد بد شد. . .

ظاهر آ مشیرالدوله برای وساطت از کلنل محمد تقی خان پسیان نزد شاه نیر

ترجمه احوال مشیرالدوله

اقداماتی نموده است ، ولی مورد توجه قرار نگرفته^۱ و کلنل بقتل رسید و حتی یکماه پس از دفن، قبر او نیز در ۱۳ عقرب ۱۳۰۰ نبش شد و عارف گفت :

به قرن بیست، زن مرد کش سپس نباش

برو زن ، آتش ننگت به خانمان گیرد

و عجب اینکه تا امروز استخوان این مرد وطن پرست چندبار گوربه گور شده است .
در همین وقت غائله میرزا کوچک خان نیز که مشیرالدوله نتوانسته بود آنرا
پایان برد ، خاتمه یافت و روز دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰ مطابق یازدهم دلو ۱۳۰۰
میرزا کوچک خان نیز بوضع مرگ در بین راه رشت به تهران از میان رفت .

شاخ درخت بیخ درخت را درمیآورد

روز چهارشنبه ۲۰ جمادی الاول ۱۳۴۰ ، کابینه قوام السلطنه
در اثر مناقشاتی که بین نمایندگان و وزرای او روی داد
استعفا داد .

پیام‌های وزیر جنگی

پس از استعفا ، از طرف شاه به مشیرالدوله اصرار شد که ریاست وزرایی را
قبول نماید ، مشیرالدوله در ملاقات اولیه خود با شاه از قبول این مقام خودداری
نمود ، بالاخره پس از اصرار زیاد و مشورت با عده‌ای از نمایندگان ، بشرط
اینکه اکثریت و اقلیت بیطرف مجلس برای مساعدت و همراهی با دولت حاضر
باشند ، در تاریخ سوم بهمن ۱۳۰۰ خورشیدی برابر با ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۰
قمری قبول ریاست وزرایی کرد و روز ۲۵ جمادی الاولی هم وزرای کابینه خود را
در فرح آباد بحضور شاه معرفی نمود .

پس از معرفی کابینه ، احمد شاه بعنوان استراحت و معالجه در ۲۶ جمادی -
الاول از راه بغداد بطرف اروپا حرکت کرد و سردار سپه تا قصر شیرین نیز بعنوان
بدرقه همراه شاه رفت. اعضاء این کابینه عبارت بودند از :

مشیرالدوله رئیس الوزراء
مدیر الملک (محمود جم) وزیر عدلیه .
حکیم الملک وزیر امور خارجه .
اعتلاء السلطنه وزیر پست و تلگراف .
سردار سپه وزیر جنگ .
ادیب السلطنه وزیر فواید عامه .
تیمورتاش وزیر عدلیه .
نیر الملک وزیر علوم .

این کابینه مشیرالدوله دائماً در حال قهر و استعفا بود زیرا هم کار شکنی هایی در داخل دولت میشد و هم در مجلس تحریکاتی وجود داشت که با توجه به حیثیت دوستی مشیرالدوله و علاقه او باینکه در مملکتداری همه اصول رعایت شود، موجبات کناره گیری او فراهم میآمد.

روزنامه نو بهار مینویسد : کابینه مشیرالدوله يك اتحاد و ائتلافی را از نمایندگان تقاضا نمود و انتخاب يك کمیسیون دوازده نفری را از سه دسته اصلاح طلب و اقلیت و بیطرف برای شور در قضایای مملکتی و موافقت عمومی مجلس با دولت تقاضا کرده بود و از طرف نمایندگان پذیرفته شد ، بر اثر این ائتلاف غیر طبیعی و تظاهراتی که در ضمن آن از طرف دستجات میشد بالاخره قیافه مجلس بصورت بدی تبدیل یافت و عاقبت منجر به ضعف دولت و کناره جویی مشیرالدوله گردید .. شب پانزدهم رجب ۱۳۴۰، مشیرالدوله به مجلس رفت ، سلیمان میرزا نماینده مجلس بدولت حمله کرد ، مشیرالدوله هم در حال تعرض و قهر از جلسه خارج شد ، ولی سردار جنگ از عقب سر در راهرو و پله ها مشارالیه را بغل کرده باطاق انتظار برد . در آنجا هم رد و بدلی بین مشیرالدوله و مؤتمن الملک رئیس مجلس شد ، مشیرالدوله در حال استعفا از مجلس خارج گشت و به منزل خود رفت . بلافاصله عده ای از وکلاء بمنزل مشیرالدوله رفتند و مانع از استعفا شدند .. روز ۱۸ رجب نیز مجدداً مشیرالدوله قصد استعفا داشت ولی سردار سپه و عده ای از نمایندگان بمنزل مشیرالدوله رفته مانع از استعفا شدند . اما همه اینها ظواهر امر بود . در کوهستان ها (پاریز) میان مردم مثلی عامیانه است که گویند «شاخ درخت

ترجمه احوال مشیرالدوله

ریشه درخت را بیرون می‌آورد» و توجیه آن اینست که ریشه درخت با آنکه از هر جانب بجستجو و تکاپوست و ازدل خاک و لابلای سنگها غذا و آب تهیه کرده و به ساقه و شاخه میرساند و شاخه را برومند میسازد، اما همان شاخه پس از آنکه تن و توشی یافت و مستقیم و قوی شد، روزی دسته بیل یا کلنگ شده و همان ریشه را ازدل خاک بیرون خواهد کشید، شاخه را مرغ چه داند که قفس میگردد؟ وزیر جنگ کابینه هم در کابینه های اخیر^۱ عموماً و در کابینه مشیرالدوله خصوصاً از جمله همین شاخه درختها بود.

مرحوم بهارمینویسد: بر اثر تحریکاتی که سردار سپه برای ایجاد يك بحران طولانی بمنظور اشغال پست ریاست وزرایی خود مینمود کابینه مرحوم مشیرالدوله دچار تزلزل شد، در جلسه خصوصی مجلس دوسه نفر از نمایندگان از رئیس الوزراء سؤال کردند که میگویند اعلیحضرت احمدشاه مقدار زیادی از جواهرات سلطنتی را با خود به اروپا برده است، در صورت تحقق این امر رئیس الوزراء مسؤول خواهد بود. مرحوم مشیرالدوله هم جواب داد بهتر اینست که کمیسیوني از طرف دولت برای رسیدگی معین شود تا حقیقت امر معلوم گردد... و بالاخره هم معلوم شد خبر دروغ و بقصد تحریک بوده است. تظاهراتی که از طرف هوای خواهان سردار سپه بوقوع پیوست از مجموع آنها استنباط میشد که سردار سپه جمعی را تحریک به مخالفت با مشیرالدوله وسقوط کابینه نموده است.

عده ای از وکلاء در ۲۰ شعبان ۱۳۴۰ به قیادت موسوی زاده یزدی علیه سردار سپه در مجلس متحصن شدند^۱ ولی بر اثر اختلافاتی که بین آنها پدید آمد و هم چنین بر اثر تهدید خدایارخان که پیغام داده بود «اگر از تحصن خارج نشوید سر شمارا روی سینه تان خواهم گذاشت»^۲ تحصن پایان یافت. شب قبل از استعفای کابینه، مرحوم مشیرالدوله عده ای از آنها را بمنزل خود مجرمانه احضار میکند و میگوید من فردا استعفا خواهم کرد و وسیله خروج شمارا بطرز آبرومندی بوسیله کابینه قوام السلطنه که نامزد این پست است فراهم مینمایم، و بالاخره هم همین قسم از تحصن خارج شدند.

۱- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص ۲۰۴ و ۲۰۷ ۲- کودتای ۱۲۹۹، ج ۳ ص ۳۹

ایران باستان

« مشیرالدوله رئیس الوزراء است ، شاه در فرنک ، سردار سپه صاحب قدرت و نفوذ ، وزارت خانه‌ای که نقشه صحیح دارد و کار می کند وزارت جنگ است ، مدرس قائد اکثریت معتقد به تغییر کابینه و نظر به قوام السلطنه است ، شاه فرنک بود ، اطلاع دادند »^۱.

روز دهم ماه رمضان ۱۳۴۰ (۱۸ ثور ۱۳۰۱) رئیس الوزراء استعفای خود را تلگرافاً بعرض احمد شاه رساند ، سردار سپه هم بدون آنکه سمتی داشته باشد کلیه معاونین وزارتخانه ها را احضار و بآنها امر کرد کمافی السابق مشغول کار باشند و گزارش امور را بوی اطلاع بدهند !

علت استعفا بسیار جالب است ، روزنامه‌ای بنام حقیقت شرحی از اختلاسهای سردار اعتماد رئیس قورخانه مینویسد که این موضوع به سردار سپه بر میخورد و از رئیس الوزراء تقاضای توقیف روزنامه را مینماید ، مرحوم مشیرالدوله قبول نمیکند . سردار سپه ابتدا بوسیله سالار نظام و در دفعه ثانی به وسیله محمود آقا حاکم نظامی تهران به مشیرالدوله پیغام میدهد که یا روزنامه حقیقت را توقیف کنید ، یا میسپارم که دیگر بدربار راهتان ندهند!^۲

درهمه مراددی که مشیرالدوله يك پا عقب گذاشته ، موقعی بوده است که توهینی بشخصیت او شده باشد و این نکته را سردار سپه خوب دریافته بود ، بنابراین مطمئن بود که نخست وزیر با این پیغام استعفا خواهد کرد .

البته مجلس استعفای رئیس الوزراء را قبول نکرد ، کمیسیون از زعمای مجلس از هر فراکسیون گرد آمده و با سردار سپه و مشیرالدوله ملاقاتهایی کردند . سردار سپه ، در باب پیغام مورد بحث انکار کرد و گفت : سوء تفاهم شده است ، من پیغام دادم که اگر جرایدها کی کنند ، ما را بدربار راه نخواهند داد !

۱- گزارش ایران ج ۴

۲- تاریخ احزاب سیاسی ص ۲۰۹

مرحوم هدایت مینویسد :

وزیر جنگ توقیف روزنامه حقیقت را میخواست ، مشیرالدوله معتقد است که تعرض ناحساب را باید بجواب حسابی رد نمود .

انگشتی در نظمیه تحریکی نموده دست از کار کشیدند ، مشیرالدوله ۲۵ هزار تومان میدهد که فتنه بخوابد . مجلس به میخ و نعل میزند ، از طرف سردار سپه به مشیرالدوله که از جنجال خسته نمی شد پیغام رسید که اگر جلوگیری از روزنامه نکنی میگویم درب هیئت را ببندند ، یا بروایتی به هیئت راحت ندهند ! کمیسیون ۱۲ نفری که مشیرالدوله برای همکاری از مجلس خواسته بود از سردار توضیح خواستند (۲۹ حمل ۱۳۰۱) ، وزیر جنگ میگوید پیغام این نبود بلکه این بود که اگر از روزنامه جلوگیری نشود ما را به هیئت هم راه نخواهند داد !!^۱

هم از قضایای این ایام حدّ زدن عزیز کاشی بود ، که بفتوای حاجی آقا جمال اصفهانی و موجب آن رابطه با دو نفر اعضای سفارت انگلیس بوده است.^۲ سه ماه بیش از عمر دولت نگذشته بود ، بنظر میرسد همان حالتی را که ناصرالملک در برابر نفوذ بختیاری یافته بود ، مشیرالدوله هم گرفتار شده است .

۱- خاطرات و خطرات ص ۴۴۷

۲- توضیح این قضیه این است که در آن ایام از هر موقعیتی برای تحریک افراد و اعصاب استفاده میکردند و از آنجمله آنکه ، زنی عزیز نام، کاشی، که در آن ایام شهره شهر بود در شب نهم رجب ۳۴۰ (حوت ۱۳۰۰) یعنی پایان فصل هوای ز مهریر افسان و فصل درویش ترسان، ناگهان تازیانه حسب بجان او افتاد و حد زدند و تعزیر کردندش. دو تن اعضاء سفارت انگلیس را که شب با او بودند از ایران خارج و عزیز را هم به خوارورامین تبعید کردند و گویا این قضیه هم جنبه سیاسی و تحریک داشته است، و چه خوش گفته بود مرحوم بهار :

چون از ره ، تسلیم نشد یار عزیز

در چنک رضا گشت گرفتار عزیز

خورد آن گل تازه چوب و ، شد نفی به «خوار»

زان نفی ، «عزیز» خوار شد ، خوار عزیز

هفتاد و نه

ایران باستان

منتهی ناصرالملک زرنکتر بود و توانست به پاریس برود اما مشیرالدوله مجبور بود مانند حریف بازی شطرنج در برابر طرف بنشیند و نقشه بچیند، نقشه‌هایی که پی‌درپی نقش بر آب میشد. در ۲۱ رمضان تلگراف احمدشاه بنام مشیرالدوله از اروپا بدین شرح مخابره شد:

جناب اشرف مشیرالدوله رئیس‌الوزراء

مراتب اعتماد من نسبت بشما محتاج اظهارو بیان نیست، بطوریکه در تلگراف سابق گفته بودم اظهار کناره جویی شما موجب کمال تأسف و نگرانی بود، احساسات مجلس شورای ملی هم که تلگرافاً اظهار کرده‌اند نظریات مرا تأیید مینماید، تصور میکنم وظیفه مخصوصی که در دولتخواهی دارید مقتضی است بدون تأمل از استعفاء خودتان صرف نظر نموده و جداً به ادای تکالیف خدمت به مملکت مداومت نمایید، امیدوارم انشاءالله با مساعدتی که از طرف مجلس شورای ملی مشهود است کاملاً با اجرای مصالح مملکت و موجبات عمومی موفق باشید.

شاه

مرحوم دولت‌آبادی گوید:

ریاست مشیرالدوله باصرار شاه است که او بتواند قانون اساسی را حفظ کند که نگاه دارنده سلطنت او بوده باشد. شاه تصور میکند این کار درینوقت از مشیرالدوله ساخته است و خواهد توانست که سردار سپه را وادارد در مقابل قانون اساسی سلام نظامی داده او را حاکم بر خود بداند، اما در صورتیکه برای خود شاه در مقام سلطنت قدرت اختیاری نیست، برای دست‌نشانده وی در مقام ریاست دولت چه قدرت و اختیاری خواهد بود؟^۱

مشیرالدوله نتوانست با وزیر جنگ مقتدر خود که تقاضا

توپ مدرس هم داشت شهربانی نیز زیر نظر حکومت نظامی تهران باشد
باروتش نم کشیده است کنار بیاید و ناچار مستعفی شد. بقول هدایت «مشیرالدوله طبعاً مرد جنگال نیست، مجلس هم متزلزل است، بحران ۲۷ روز دوام می‌یابد،

درین ضمن تلگرافی از شاه به سردار سپه در حفظ نظم میرسد.^۱
تایمس لندن مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ = ۶ آبان ۱۳۰۳ در باب استعفای
مشیرالدوله مینویسد :

میرزا حسن خان مشیرالدوله نتوانست با وزیر جنگ مقتدر خود همکاری کند،
او یکبار ددژانویه ۱۹۲۳ بواسطه عدم توافق با سردار سپه از نخست وزیری استعفا
داد و بار دوم در ۲۴ اکتبر از ترس آنکه مبادا سردار سپه او را نیز مانند قوام زندانی
نماید از مقام خود کناره گیری نمود .

روزنامه کانتمپوری ریویو مورخ فوریه ۱۹۲۶ گوید:

رضاخان مشیرالدوله را روی کار آورد ! ولی چون میان نخست وزیر و فرمانده
کل قوا بر سر سیاست مطبوعاتی اختلاف نظر پیدا شد مشیرالدوله نیز بناچار استعفاداد و
قوام السلطنه بجای وی منصوب گشت.^۲

ناچار در ۲۱ جوزا ، شاه تلگرافاً ابلاغ ریاست وزرایی قوام السلطنه را صادر
کرد و در ۲۶ جوزای ۱۳۰۱ کابینه تشکیل شد که طبعاً وزیر جنگ او
سردار سپه بود . اما آب وزیر جنگ و قوام هم به یک جو نرفت و در ماه میزان
همان سال ، کشمکش بجایی رسید که وزیر جنگ ظاهراً استعفا کرد ولی عملاً
نامه های وزارتی را امضا مینمود . مجلس گفتگوهای پیش کشید و حتی مدرس گفت :
«ما بر هر کس قدرت داریم ، از رضاخان هم هیچ ترس و واهمدای نداریم ، قدرت
داریم پادشاه را عزل کنیم ، رئیس الوزراء را بیاوریم ، سؤال کنیم استیضاح کنیم ،
عزلش کنیم ، و هم چنین رضاخان را استیضاح کنیم ، عزل کنیم ، میروند در خانه شان
می نشینند !»

اما هر کس می فهمید که در آن غوغا و آشوب و در آن بحبوحه قدرت و
وجاهت ملی سردار سپه ، این سخنان مدرس از چهار دیواری عبا و عمامه او تجاوز

۱- خاطرات و خطرات ص ۴۴۷

۲- رستاخیز ایران ص ۲۵۳ و ۲۴۰

نمیکند ، حتی مؤتمن الملک هم در همان جلسه به مدرس گفت که حرف شما درباره شاه با قانون اساسی مطابق نیست !

استعفای سردار سپه تماماً تهدید بود ، زیرا وضع طوری بود که فقط وجود سردار سپه میتوانست امنیت تهران و شهرستانها را حفظ کند ، فتوحات نظامیها در شهرستانها که همه زیر عنوان و نام سردار سپه انجام میگرفت و امنیت شهرها و راهها که از انصاف نباید گذشت بقول افضل کرمانی هر راهی را که بصد سوار قطع نتوانستی کرد ، زن آستن طشت زر بر سر می نهاد و میگذاشت و یا بقول جهانگیر میرزا « هر که به خود سری سری بر آورده بود ، سرش را کنده رخنه های دیوار مملکت را بآن مسدود فرمود » ، سردار سپه را قهرمان آزادی و نجات ایران معرفی کرده بود ، تلگرافات شهرستانها موجب شد که مجلس قضیه را بصورت خوشی خاتمه دهد و از در صلح در آید و بعدر خواهی و انقیاد او نسبت بقانون اساسی و مجلس قناعت نموده سردار سپه مشغول کار شود .

در همین ایام شاه از جنوب (بوشهر) بایران وارد شد و در ۱۲ قوس ۱۳۰۱ به شیراز رسید . باری دولت قوام السلطنه نیز در ۵ دلو مستعفی شد و علت آن علاوه بر کارشکنیهای داخلی ، مسأله نفت شمال و روابط با روسیه و انگلستان بوده است و همانروز ۵ دلو ۱۳۰۱ مجلس با اکثریت به آقای مستوفی الممالک رأی داد و او در ۲۶ دلو کابینه خود را معرفی کرد که باز سردار سپه وزیر جنگ او بود ، نظری به این کابینه ها مارا متوجه میکند که در حقیقت قدرت وزیر جنگ کابینه ها را می آورده و می برده و نه دربارونه مجلس !

«سردار سپه اگر با مشیرالدوله بواسطه جدیتی که در حفظ حدود مشروطیت دارد نتوانسته است راه برود و او را باستعفای از ریاست دولت وا داشته با مستوفی الممالک که وجاهت ملی او از مشیرالدوله کمتر نیست و ملایمتر از او بیشتر است ، خصوصیت میکند و او را بریاست دولت میرساند و بدست او خود را به ملیون نزدیک مینماید»^۱

ترجمه احوال مشیرالدوله

انتخابات مشیرالدوله

دولت مستوفی انتخابات را شروع کرد. انجمن انظارمرکز
بتاریخ ۲۴ حمل ۱۳۰۲ مطابق ۲۷ شعبان بریاست مشیرالدوله
انتخاب گشت و قرار شد از ۱۱ تا ۱۸ و از ۲۴ تا آخر

رمضان (۱۵ روز) تعرفه پخش شود و از روز سوم شوال تا غروب هفتم شوال تعرفه‌ها
با رأی برگردد و در صندوق ریخته شود.

هیئت نظار زیر نظر مرحوم مشیرالدوله تا حدی بیطرف بود اما صلاح خود و
ومملکت را دروسعت دامنه پخش تعرفه نمی دانست و در اعلانی که کرد گذشته از
کمی مدت دادن و پس گرفتن تعرفه، قید تازه‌ای هم بر شرایط انتخاب کنندگان
افزوده بود و آن داشتن ورقه هویت و شناسنامه بود^۱. این کار مشیرالدوله موجب
اعتراض جراید اقلیت شد و انتقاداتی کردند، انتخابات مجلس پنجم در تهران
پایان یافت ولی انتخابات ایالات بقدری طول کشید که مجلس چهارم پایان رسید و کار
انتخابات ایالات بدست امرای لشکر و وزارت جنگ افتاد^۲.

در اوایل خرداد ۱۳۰۲ ورقه‌ای در مجلس بامضاء رسید که چهل و پنج نفر از
و کلاً عدم اعتماد خود را بدولت اظهار کردند و بالاخره مرحوم مدرس و عده‌ای
از رفقای وی ورقه استیضاح را که مربوط به رویه دولت در مورد سیاست خارجی بود
در ۲۰ جوزا تسلیم مجلس کردند.

۱ - آقای مورخ الدوله سپهر در باب وسواس انتخاباتی مشیرالدوله گوید :

مشیرالدوله علاوه بر احترام به قوانین، پای بند قانون اخلاقی نیز بود. احتراز وی از
اقدامی که لطمه بآزادی انتخابات وارد سازد به حد وسواس میرسید. اگر می شنید یک نفر
انتخاب کننده در دوحوزه رأی داده بی اغراق لرزه بر اندامش مستولی میشد.

فکر تعویض صندوق یا قراءت آراء مجهول و موهوم از مخیله اش خطور نمی کرد.

(سالنامه دنیا ۱۸ : ۸۴)

۲ - تاریخ احزاب سیاسی ص ۳۰۷

ایران باستان

نظقهای وکلای مجلس، مرحوم مستوفی را عصبانی کرد، او در جلسه علنی نظقی کرد که بقول عشقی: مستوفی از آن نظق که چون توپ صدا کرد، مشت همه وا کرد، فهماند که در مجلس چارم همه شر بود، دیدی چه خبر بود! او گفت:

«متأسفانه در این مملکت اشخاصی میخواهند که داخل کار بشوند و آجیلهایی هم بگیرند، آجیلهایی هم بدهند. من نه میگیرم و نه میدهم و اصراری هم بماندن ندارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید بعقیده بعضی ایام بره کشی فرض شود به اشخاصی که اشتها دارند واگذار میکنم و معدۀ منم خراب است و نمیتواند هضم کند و ازینجا هم میگذارم میروم خدمت اعلی حضرت همایونی برای حفظ احترام اکثریت استعفای خودم را تقدیم میکنم.»

آنگاه بدون اینکه منتظر جواب شود از مجلس خارج شد حتی قسمتی از پایان نظق خود را بین کرسی خطابه و در خروجی اطاق مجلس ایراد کرد و باشتاب و عجله بیرون تاخت و وزراء هم بیرون رفتند، فقط سردار سپه وزیر جنگ استوار نشست و سپس برخاسته برای حفظ انتظامات پائین رفت و قبل از رفتن از رئیس مجلس پرسید: من هم بروم یا بمانم؟

مؤمن الملك گفت میل خودتان است، میخواهید تشریف ببرید، نمیخواهید تشریف نبرید.^۱

از روز تزلزل دولت مستوفی، بقول مرحوم بهار، آراء مجلسیان بسوی مشیرالدوله متمایل بود و تقریباً سه هفته بود که اکثریت مجلس رای تمایل خود را نسبت باین مرد دانشمند و پاکدامن به رئیس مجلس عرضه داشته بود، پس از کناره جوئی دولت و رفتن از مجلس، اقلیت هم با این تمایل همداستان گردید و در نتیجه روز ۲۸ شوال ۱۳۴۱ مطابق با ۲۴

۱- گزارش ایران، ص ۳۱۹، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص ۳۳۳ و ۳۳۵، بازیگران عصر طلائی، ص ۱۹۵ در شرح حال مدرس.

ترجمه احوال مشیرالدوله

خرداد (جوزای) ۱۳۰۲ فرمان زیر بنام مشیرالدوله از طرف شاه صادر و همانروز منتشر گردید .

« چون برای خدمت مهم ریاست وزرایی وجود شخص کافی لایقی لازم بود ، لذا جناب اشرف مشیرالدوله را که کمال مرحمت و اعتماد بایشان داریم به ریاست وزراء منصوب و برقرار فرمودیم که بانهایت اطمینان به مراحم مخصوص شاهانه بانجام وظایف مشغول شوند ، ۲۸ شهرشوال ۱۳۴۱ ، شاه

دو روز بعد مشیرالدوله وزرای خود را بدین شرح معرفی کرد :

مشیرالدوله رئیس الوزراء	حکیم الملك وزیر عدلیه
سردار سپه وزیر جنگ	حکیم الدوله وزیر معارف
مصدق السلطنه وزیر خارجه	فہیم الدوله وزیر پست و تلگراف
ذکاء الملك فروغی ، وزیر مالیه	اعتلاء السلطنه کفیل وزارت داخله .

وزیر فواید عامه را قرار شد بعداً معرفی کند .

مشیرالدوله محکم بکار چسبید و امیدواریهایی بود که انتخابات در دوره زمامداری مشارالیه به صحت جریان یابد ، زیرا دل بستگی باحزاب خاص نداشت و مورد اعتماد همه احزاب و دسته ها بود ، از طرف سیاست خارجی هم نگرانی زیادی دیده نمیشد.^۱

مشیرالدوله برنامه کابینه خود را بر اصول موازنه و حفظ مناسبات حسنه با دول متحابه و بیطرفی و تسریع در کار انتخابات و نظارت بر اجرای قوانین خاصه بودجه ها تشریح کرد .

مجلس چهارم همانروزها پایان یافت و سلیمان میرزا نماینده مجلس در آخرین روز مجلس گفت : بحمدالله دوره مجلس وقتی خاتمه می یابد که دولتی مثل دولت آقای مشیرالدوله که مورد اعتماد عموم و کلاً و باتفاق بایشان رای اعتماد

داده شده است در سر کار هستند و سابقه خدمات ایشان در ادوار مشروطیت قابل انکار و محتاج بذکر نیست ..

سپس مرحوم مدرس شرحی گفت و اظهار داشت : «عقیده ام اینست که یکی از کارهای مهم این دوره سپردن زمام فترت است به آقای مشیرالدوله و جهت این سه نکته است ، مکرر عرض کرده ام رجال مملکت ما هر کدام برای يك موقع خوب هستند . بعقیده من و تمام آقایان ، رئیس الوزراء حالیه برای این موقع بلا نظیر است ، سه مسأله بود : یکی بیطرفی مشارالیه در انتخابات ، یکی بیطرفی در سیاست خارجه که در زمان فترت و غیبت مجلس فوق العاده اهمیت دارد ، یکی تسریع در افتتاح دوره پنجم . و با این سه اصل است که بعقیده من و آقایان سپردن زمان فترت بایشان یکی از کارهای خوب بوده است .

درین جلسه مشیرالدوله حضور نداشت و فروغی از و کلا تشکر کرد . شاه از قدرت سردار سپه نگران است و در نهانی میکوشد خود را از چنگ او خلاص کند ، توسل به مستوفی و مشیرالدوله برای ریاست وزراء بهمین منظور بوده است اما صحبت حساب و قانون دانی و رعایت اصول در برابر زور و قدرت و ابراز وجود قلم و بنان و بیان در برابر سر نیزه و چکمه ، معلوم است که بُرد با که خواهد بود ! در همه مراحل حساس تاریخی ثابت شده است که حساب و کتاب در برابر زور و قدرت ناچار به عقب نشینی بوده اند و این ضرب المثل دهاتی که گوید « زور که آمد ... حساب پاره میشود » درست درین بزنگاههای تاریخ صادق بوده است ، شاه بفکر میافتد ولی عهد را بآذربایجان بفرستد (۲۵ سرطان ۱۳۰۲) و در آنجا مرکز قدرتی علیه رضاخان ایجاد کند ، اما این توطئه هم بجایی نمیرسد .

« ماه محرم رسیده است و در اداره قشونی روضه خوانی

میکند ، شاه بملاحظه سردار سپه بمجلس روضه خوانی

نظامیان آمده است ، سردار سپه هم با مشیرالدوله رئیس -

عرض می کردم

صلاح نیست !

الوزراء اند کی دورتر نشسته است .

ترجمه احوال مشیرالدوله

شاه بر رئیس الوزراء گفته بود بی اطلاع سردار سپه، فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد را صادر کنند، فرمان صادر میشود و به صحنه شاه میرسد و وزیر داخله به آذربایجان تلگراف میکند و ولی عهد آماده مسافرت میشود (قصدش این بوده در آنجا با رؤسای عشایر بندوبست تشکیل بدهد). شاه برای خدا حافظی از ولیعهد از مجلس روضه خارج میشود. بدیهی است سردار سپه میدانند شاه کجا میرود و برای چه میرود، اما هیچ بروی خود نمیآورد و خودداری میکند... در آن دم آخر که ولیعهد میخواهد روانه شود، هیئت دولت را تهدید کرده نارضایی خود را بمسافرت او، به شاه و به وزراء میرساند و کوشش بسیار شاه و ولیعهد و هیئت دولت در اجرای فرمان و فرستادن ولیعهد بکلی بی نتیجه مانده و ولیعهد با نهایت خفت نقل مکان کرده بخانه خود برمیگردد^۱... شاه بعد ازین از سردار سپه گله میکند و میگوید شما ولیعهد را از رفتن به آذربایجان منع کردید، سردار سپه جواب میدهد اعلیحضرت هم در صدور فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد بامن مشورت نکردید و الا عرض میکردم صلاح نیست!^۲

با مقدماتی که مرد قوی ایران تهیه می دید و آرزوهائی که در سر می پروراند معلوم بود که کابینه قانونی و اصول پرست مشیرالدوله دوامی نخواهد کرد، برای اینکه آرزوهای بزرگ عملی شود این فرمانده هوشیار میدانست که باید تمام قوا را روی این موضوع تمرکز داد و حتماً تمام یا بیشتر نمایندگان دوره پنجم را از اشخاص ~~صلح یعنی~~ موافق و مطیع انتخاب نمود و این کار با بودن شخصی مثل مشیرالدوله در رأس دولت آسان نیست، پس باید مشیرالدوله را انداخت.

۱ - از باغ سردار محتشم، زیرا دولت اعلامیه داده بود که: « بموجب امر قدر قدرت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فدا، روز یکشنبه بیستم برج اسد جاری بندگان والا حضرت ولیعهد دامت عظمته برای حرکت به مقرر فرمانفرمایی آذربایجان به باغ سردار محتشم نقل مکان میفرمایند»

مشیرالدوله رئیس الوزراء

بقول خواجه نوری يك راه ساده وجود داشت و آن حیثیت دوستی و همان جنت مکانی خود مشیرالدوله بود ، چرا بهمین راه وارد نشوند ؟ برای کسیکه تمام عمر جز احترام و مقام ارجمند در خود ندیده ، کافی است که کوچکترین اهانت یا فقط تهدید اهانتی او را از میدان بدربرد . سردار سپه همین کار را کرد و با یکی دو پیغام (که بعداً هم آنها را سوء تفاهم نام نهاد) مشیرالدوله را از میدان دربرد و او را وادار به تقدیم استعفا نمود.^۱ آقای دولت آبادی گزارش این روزها را چنین مینویسد: «سردار سپه بسمت وزارت جنگ گاه گاه در هیئت وزراء حضور می یابد برای دادن دستور هائی بآنها و مجبور هستند هر چه امر کند اطاعت نمایند.

مشیرالدوله در طلیعه دستور ریاست خود حفظ قوانین جاری مملکت را از روی اساس مشروطیت، اول وظیفه خود دانسته است در صورتیکه برای او اختیاری نیست و هرساعت در تهدید وزیر جنگ و فرمانده کل قوای است . روزی امیر اقدار محمود خان انصاری که گاه گاه بنیابت و نمایندگی از طرف وزیر جنگ در هیئت وزراء حاضر میشود بدستور وزیر جنگ با مشیرالدوله در هیئت خشونت میکند و باو میفهماند که باید کناره گیری نماید».^۲

مشیرالدوله که عمری را بنیکنامی و عزت نفس و با حفظ پرستی گذرانده بود ، مسلماً حاضر نبود خشونت های وزیر جنگ خود را تحمل کند ، علاوه بر آن موقعیت را چنان میدید که کلیه اختیارات در دست وزیر جنگ است و هیچ نقطه اتکائی که بتوان قانون را با آن حفظ کرد وجود ندارد . حیثیت دوستی او و حفظ آبروی وزرایش بیش از هر چیز مورد علاقه اش بود، البته چنین شخصیتی وقتیکه ببیند کار بجایی برسد که پاچه و ران حواله وزیری از وزرای کابینه داده شود برای او بس ناگوار می آید .

او با کمال شهامت گفت که حاضر نیستم با وزیر او بدین نهج گفتگو شود و سپس از

۱- بازیگران عصر طلایی، شرح حال مدرس ص ۱۹۹

۲- حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۴۹

ترجمه احوال مشیرالدوله

جلسه هیئت دولت خارج شد و تصمیم باستعفا گرفت.

کل یرید رجاله لحياته یا من یرید حياته لرجاله

درینجا مورد دیگری نیز پیش آمد که مشیرالدوله آنرا مستقیماً تهدیدی برای خود دید و آن توقیف قوام السلطنه بود، سردار سپه چوب را به بید زد که چنار بلرزد! بدین معنی که روز ۲۷ صفر ۱۳۴۲ (۱۶ میزان ۱۳۰۲) قوام السلطنه را توقیف کرد (باتهام توطئه قتل سردار سپه). مخالفین سردار سپه مرعوب شده و کابینه مشیرالدوله مقاومت خود را در برابر تهدیدات وزیر جنگ از دست داد. سردار سپه پس از دستگیری قوام بوسیله یکی دو نفر از امرای لشکر، رئیس الوزراء و برخی از وزرای دیگر را تهدید کرد که اگر استعفا ندهند چنین و چنان خواهد کرد و بر اثر همین تهدیدات هم کابینه مشیرالدوله تصمیم باستعفا گرفته قبل از ظهر روز ۲۹ میزان ۱۳۰۲ خورشیدی برابر ۱۱ ربیع الاول ۱۳۴۲ قمری (۲۲ اکتبر ۱۹۲۹) در قصر صاحبقرانیه بحضور شاه رفته استعفا نامه خود را تقدیم کرد.

مر فلك يك صبحدم با من عمران باشد سرش

شام بیرون میروم چون آفتاب از کنورش

روز سه شنبه ۳۰ میزان ۱۳۰۲ از طرف سلطان احمد شاه بوسیله تلفن، مشیرالدوله بدربار صاحبقرانیه احضار شد، ولی مشیرالدوله در منزل رو نشان نداد، در جواب تلفن میگویند از منزل خارج شده است، مجدداً از دربار و هیئت وزراء استعلام میشود که آیا مشیرالدوله آمده است یا خیر؟ جواب داده میشود که بدربار هم نیامده است. شاه ازین پیش آمد نگران شده یکی از نزدیکان و محارم خود را مأمور میکند که فوراً بشهر آمده مشیرالدوله را ملاقات کرده و او را هر طوری هست حاضر نماید که تا موقع افتتاح مجلس شورای ملی عهده دار ریاست وزراء شده بکار ادامه دهد ولی مشیرالدوله زیر بار نرفت.^۱

سایر رئیس الوزراء های سابق هم که طرف اعتماد شاه بودند قبول نمی نمایند

ایران باستان

و مثل اینکه همه يك زبان میگفتند که «رنگ و بوی آن بتك و پویش بنیرزد و گفتگوی آن بجستجوی آن کری نکند»^۱

قوام السلطنه نیز بعد از جریان اتهام ناچار شد با موافقت سردار سپه باروپا برود و درین وقت بود که احمدشاه بقول افضل الدین کرمانی چون دید که «میدان عمل از مبارزان کفایت خالی است و صدر وزارت از مبرزان سیادت عاطل»^۲ ناچار به ریاست وزرایی سردار سپه تن داد.

بدین طریق بقول مرحوم هدایت: «سردار سپه که طبعاً صاحب عزم و رای قوی بود، عذر مشیر الدوله را خواسته خود کابینه تشکیل داد»^۳.

بروایت مرحوم بهار: «مشیر الدوله پیرنیا را از پشت میز ریاست وزراء عذر خواستند و خود زمام امور را بدست گرفتند»^۴ و این وقایع در ۶ آبان ۱۳۰۲ یعنی قریب چهار ماه بعد از زمامداری مشیر الدوله بود، و این آخرین زمامداری اوست.

فرمان نخست وزیری سردار سپه علی رغم مخالفت و کوشش مدرس و یاران او و علی رغم خود شاه صادر شد (۱۶ آبان ۱۳۰۲) بدین شرح:

آخر الدواء
الکی

«چون برای خدمت مهم ریاست وزراء وجود یک نفر شخص کافی لایقی لازم بود، لهذا جناب اشرف سردار سپه را که کمال مرحمت و اعتماد و اطمینان را بایشان داریم بر ریاست وزرائی منصوب و برقرار فرمودیم که مشغول انجام این خدمت مهم باشند.
۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۲»

شاه

۱- قاضی حمیدالدین صاحب مقامات حمیدی.

۲- عقد العلی

۳- گزارش ایران ص ۳۱۹

۴- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ص ۳۳۸

قریب يك هفته بعد احمدشاه برای آخرین دفعه با دیوارهای گلی و تركدار تهران وداع کرد و باروپا رفت^۱.

احمد شاه که شوق مسافرت بفرنگ بره رشوقی در وجود او غلبه داشت و میکوشید بهروسیله باشد خود را از حوزه اقتدار سردار سپه بیرون بیندازد، راضی شد دستخط ریاست وزرائی وزیر جنگ را صحنه گذارد بشرط آنکه او فوراً اسباب مسافرت ویرا باروپا فراهم نماید. اینکار بزودی انجام گرفت و سردار سپه رئیس دولت شده تا کنار بحر خزر شاه را بدرقه کرد و او را بوعده ابدی از مملکت روانه ساخت. محمد حسن میرزا ولیعهد نایب السلطنه شد^۲.

این سفرها و رفت و آمدها کار شاه را بدتر از پیشتر ساخت ولی از خواب بیدارش نکرد.

فكانه طفل الرضيع بمهده يزدا د نوما كلما حركته

سالها بعد که آقای رحیمزاده صفوی در اروپا با احمدشاه مذاکره کرده بود، احمد شاه در باب کیفیت صدور این دستخط گفته بود:

من خبر داشتم که در همین ایام نغمه جمهوری را میخواستند بلند کنند، در آن حال منهم یا میبایست دست بتحریر و آنتریک بزمن، و راه دیگرش هم آن بود که استعفای مشیرالدوله را بپذیرم و رضا خان را به آرزویش که رئیس الوزرائی بود برسانم تا شاید قدری آرامش پیدا شود^۳.

سردار سپه بلافاصله در فکر انجام مقاصد خود افتاد و چون میرزا ولیعهد در تهران بود بفکر افتاد که اول دست او را از امور کوتاه کند.

در اسفند ماه آن سال عده ای از افسران را مأمور نمود که بملاقات محمد حسن میرزا رفته اصرار نمایند که از ولایت عهدی استعفا دهد و با لحن نصیحت آمیز خواست که بولیعهد توصیه شود کاری باستعفای شاه نداشته باشد و شخصاً استعفا کند و در مقابل از سردار سپه حقوقی معین دریافت نموده و گارد مخصوص سلطنتی و یکی از

۱- بازیگران عصر طلائع ص ۳۰۳

۲- حیات یحیی ج ۴ ص ۳۴۹

۳- تاریخ بیست ساله ایران ج ۳ ص ۳۰۶

قصور را با حفظ احترامات در اختیار داشته باشد. ولیعهد نپذیرفت و گفت: «باین مرد بگوئید که مگر از روی نعل من گذشته بسلطنت برسد!» ولی سردار سپه که در تصمیم خود راسخ بود اصرار خود را در تخلیه کاخها تکرار کرد: «احتشام السلطنه مأمور است که بولیعهد تکلیف ترك گلستان کند که امروز شمشیر دیگر در کار است، باغ سردار محتشم نقل مکان فرمایند... ولیعهد دست داده فرمودند: مرگ از برای من بهتر است، چند نفر از مجلس میخواهم. عرض شد بیم توهین میرود، عجله فرمائید، تلفن شد، سه بعد از ظهر وعده شرفیابی داده شد، سید تدین، شیخ العراقین و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی و مشیرالدوله و مؤتمن الملك را خواسته صحبت کرده بودند، در ضمن صحبت فرموده بودند امنیت ندارم. جواب مجلس رسید که حرکت نفرمائید، تا مسأله در مجلس حل شود، سردار سپه را هم مسؤول امنیت قرار داده اند.»^۱

بدین وجه در شب عید نوروز ۱۳۰۳ مؤتمن الملك و مستوفی الممالک و مشیرالدوله و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی بکاخ گلستان رفته و تدین و شیخ العراقین را نیز که از نزدیکان سردار سپه بودند همراه میبرند تا بوجهی اصلاح ذات البین شود. چون نتیجه بدست نیاید مؤتمن الملك جلسه خصوصی مجلس را تشکیل میدهد و باز هم جلسه بی نتیجه می ماند.

در همین ایام، سردار سپه، برای تزلزل مقام سلطنت توپ جمهوری چگونه
گفتگوی جمهوری شدن ایران را در دهانها انداخت و در
بصدا درآمد
اکناف و اطراف ایران ازین تحول تمجید و طرفداری شد
و چون در همان ایام در ترکیه نیز این امر پیش آمده بود، مسأله جمهوری در ایران
با استقبال عمومی مواجه گردید.

از طرف طرفداران احمد شاه که متوجه خطر شده بودند علیه جمهوری
تظاهراتی صورت گرفت و باز موردی پیش آورد که مشیرالدوله دخالتی بنماید:
مرحوم هدایت مینویسد:

ترجمه احوال مشیرالدوله

«گفته شد مدرس برای موافقت با سردار سپه سه شرط در میان آورده است ، انحلال مجلس پنجم ، تجدید انتخابات با قید حق تغییر در قانون اساسی ، اختیار یکی از شاهزادگان بسلطنت با نیابت سردار سپه .

احتشام السلطنه بمنزل من [هدایت] آمد و دعوت بمنزل مشیرالدوله کرد ، رفتیم ، حاجی میرزا یحیی دولت آبادی و مصدق السلطنه هم بودند ، صحبت رفت روی اختیار یکی از شاهزادگان و قرار به مجلس دیگری در منزل دکتر مصدق السلطنه شد ، درین جلسه تصمیم گرفته شد که بمنزل سردار سپه برویم و مطلب را عنوان کنیم و در آمد با من باشد . رفتیم ، من در لباس کنایه عنوانی کردم که سردار به سخن درآید . مشیرالدوله تصریح کرد . سردار هیچ نگفت ، چه بگوید؟ طرفدارانش در مجلس قوت گرفته اند و جاده هموار مینماید ، مجلس بتلخی گذشت . نقشه اینست که روزاول حمل ۱۳۰۳ توپ نوروز بتبریک جمهوری غرّش کند^۱ . . .

قاجاریه را چنان مأیوس کرده اند که غالب رضا به رضا داده اند . آدمی چون زورش بمصاحب مادر نرسد ، ناچار بابایش خواهد خواند !

«چهارشنبه از صبح در شهر هیاهو بر پا شد ، اکثریت جمهوری میخواستند . شنبه دوم حمل ۱۳۰۳ روزی است که مجلس باید رژیم جمهوری را تصویب کند ، ساعت چهار بعد از ظهر سردار سپه بمجلس آمد ... شیخ مهدی سلطان الواعظین در سرسرا روی پله حرف میزد ، سردار لدی الورد با چوب دستی نواخته امر کرد او را از پله ها فرود آوردند ، در اثنا کلوخی به پشت گردن سردار خورد ، حکم شد جماعت را بزنند و زدو خورد در گرفت ، زخمی را زیاد گفتند ، مقتول نبود مگر حاج آقا جمال اصفهانی ... سردار میگوید حالا که ملت موافق نیست ، من از جمهوری صرف نظر میکنم ، ولی آقایان باید تکلیفی برای من معین کنند ، با احمد شاه نمیشود کار کرد»^۲

ظاهر آ چون اجتماعی در برابر مجلس بوده است ، مؤتمن الملک به سردار سپه

۱ - خاطرات و خطرات ، بنقل مجله خوشه مقاله تفضلی شماره ۸۱

۲ - ایضاً خاطرات هدایت

پیغام داده بود که آنروز عصر بمجلس نیاید ولی او اشتها یا تعمد آمده بود.

مرحوم دولت آبادی جریان را چنین مینویسد:

«سردار سپه بآرامی میرود و هیچ اعتنائی باین سنگ و چوبها نمیکند و دیده میشود که سنگ و چوب که باو اصابت میکند او بآرامی خاک آنرا پاک مینماید تا میرسد بپای سرسرای سنگی عمارت، آنجا پای ستون اول ایستاده بنظامیان و نظمیه فرمان میدهد که جمعیت را از بهارستان بیرون کنند... نگارنده [یحیی] خود را پبله عمارت میرساند به بیند سردار سپه چه خواهد کرد؟ می بینم از پله ها که بالا آمد بطرف اتاق رئیس مجلس رفت. رئیس از اطاق خود بیرون آمده بطرف سرسرا می آید. در راهروی وسط در همین حال دولت و رئیس مجلس بهم میرسند. مؤتمن الملك بطور تعرض بسردار سپه میگوید برای چه اینجا آمده ای؟ سردار سپه میگوید آمده ام اینجا را نظم بدهم. مؤتمن الملك میگوید نظم اینجا با من است. سردار سپه میگوید اما نظم مملکت با من است! این جواب حاضر و بقول عوام دندان شکن درجه جربزه ذاتی يك شخص کم سواد را آن هم در این حال پریشان حواسی که دارد نیکو میرساند.

رئیس مجلس با تعرض از سردار سپه گذشته بطرف سرسرا و طالار مجلس می رود و میگوید حالا بتو حالی میکنم که چه باید بکنی، مرادش اینست که مجلس علنی برپا کرده رأی بی اعتمادی باو میدهد و از کار می افتد.»

آقای هروی خراسانی مینویسد:

حمله سربازان شروع شد، مؤتمن الملك رئیس مجلس که از پشت پنجره طبقه دوم مجلس متوجه بهارستان بود از اطاق خارج شده بطرف پله ها آمد، در سرپله سینه بسینه سردار سپه برخورد با تشدد گفت: این چه وضعی است؟ مطابق کدام قاعده شما مردم را در خانه خودشان و با اسلحه خودشان میزنید؟ سردار سپه گفت: من بوظیفه ریاست دولت عمل میکنم، حفظ استقلال و جلوگیری از اغتشاش وظیفه من است.

رئیس مجلس گفت: «اختیار مجلس با من است، تو رسمیت نداری، الآن

ترجمه احوال مشیرالدوله

تکلیف توراً معلوم میکنم. سید محمود، زنگ را بزن تا باین شخص بفهمانم که مجلس جای این رفتار نیست، و بسمت اطاق مخصوص خود رفت.

سردار سپه در مقابل این حرفها سخت جا خورد.

حمله نظامیان موقوف شد، بعد بوسیله پاره‌ای از وکلای طرفدار خود از مشیرالدوله خواهش کرد که بین او و رئیس مجلس را التیام بدهد.

مشیرالدوله به سپه‌دار سپه گفت رئیس مجلس حق داشته‌است، زیرا حفظ انتظامات داخلی مجلس و بهارستان با شمانیست و شما حق نداشته‌اید مردم را در اینجا بزنید. بالاخره او را برای عذرخواهی نزد رئیس مجلس برد، سردار سپه سپس از علماء و رؤسای محلات عذرخواست و دستگیرشدگان را آزاد کرد.

مرحوم دولت آبادی بقیه جریان را چنین آورده است:

سردار سپه با تعرض شدید از او گذشته بطرف پله‌های عمارت برمی‌گردد که جواب عملی بر رئیس مجلس بدهد یعنی پیش از آنکه او جلسه برپا کند نظامیان گرچه بقهوه قهریه باشد مجلس را منحل کنند، در اینحال هر دو زیر سرسرا می‌رسند. رئیس میرود بطرف طالار و سردار سپه پله‌ها را گرفته پائین میرود. بیشتر نمایندگان نیز درهمین سرسرا با حال پریشان جمعند.

نگارنده [یحیی] خطر را نزدیک دیده بمستوفی‌الممالک و

رضای مازندرانی مشیرالدوله که نزدیک من هستند میگویم رئیس را از زنگ کار میکند

زدن برای برپا کردن مجلس بازدارید و خود بسرعت در عقب

سردار سپه فرود می‌آیم. نمایندگان هم متحیرند که چه خواهد شد و غیظ و غضبی که از سردار سپه می‌بینند تصور می‌کنند شاید بمن صدمه‌ای بزند. در میان پله‌ها فضای مختصری هست که فاصله میان پله‌های مستقیم و پله‌های راست و چپ میباشد. در آن فضا بسردار سپه رسیده بازوی او را گرفتم. برمی‌گردد، مرا می‌بیند و میخواهد بازوی خود را رها کرده برود آهسته باو میگویم اگر بروید پشیمان میشوید، و

بلندتر می گویم من هرگز از شما خواهشی نکرده ام امروز تنها خواهش من اینست که برگردیم قدری راحت کنید و يك فنجان چای میل بفرمائید و باز آهسته حرف اول خود را تکرار میکنم. سردار سپه آرام گرفته یارش می آید باو گفته بودم هنوز برای جمهوری در مجلس اکثریت ندارید. تقاضای مرا پذیرفته از پله دیگر بالا میرود. نمایندگان که با کمال پریشان حواسی باین منظره نگاه میکردند همه خوشحال میشوند. سردار سپه بطالار پذیرائی که روی سردر عمارت واقع است رفته مینشیند و نگارنده در کنار او قرار میگیرد و دیگر نمایندگان دور او می نشینند بعد از چند دقیقه سکوت نگارنده می گوید بنا نبود تا از ما بشما خبر نرسد امروز بمجلس تشریف بیاورید! جواب می دهد شما تلفن کردید که فوراً بمجلس بیایم. میگویم چنین تلفنی از ما نشده است و شرح کمیسیون هجده نفری را با رأی ندادن آن بآمدن امروز سردار بمجلس نقل کرده میگویم ما در شرف اطلاع دادن بشما از نتیجه رأی کمیسیون بودیم که شما وارد شدید. سردار سپه متوجه میشود اینجا اشتباهی رویداده و تقلبی پادرمیانی کرده، بکلی آرام گرفته چای میطلبد و سیگاری آتش میزند و ملتفت میشود که خوب نشد که جماعتی را آزار کرده و مضروب ساختند و عده ای را هم لابد بحبس انداختند. میگوید صاحب منصبی بیاید. یکنفر حاضر می شود. باو دستور میدهد مردم را پای عمارت جمع کنید، من بیایم با آنها صحبت بدارم. پس از چند دقیقه او بر میخیزد برود صحبت بدارد در صورتیکه مردمی در بهارستان نیستند و هر چه هست نظامی و نظمیه است. نگارنده فرصت یافته نزد رئیس مجلس رفته او را در حجره ای با مستوفی الممالك و مشیرالدوله مییابم و میگویم سردار سپه از

۱- در این روز سردار سپه بوسیله ملك الشعراء بهار به مشیرالدوله و مستوفی الممالك و مؤتمن الملك و دولت آبادی پیغام میدهد که ببینند مصلحت هست که بمجلس بیاید یا نه؟ يك کمیسیون ۱۸ نفری تشکیل میشود و مصلحت نمیبینند که سردار سپه آنروز بمجلس بیاید، چون اجتماع عظیم آنروز در بهارستان از طرف مخالفین جمهوری بوده است نمایندگان جمهور و خواه از شمار زیاد تظاهر کنندگان بیمناک میشوند و برای حفظ جان خود از سردار سپه بنام مجلس میخواهند که فوری بمجلس بیاید.

ترجمه احوال مشیرالدوله

طرف مجلس با تلفون احضار شده و تصور میکرده است هیئت رئیسه مجلس او را طلبیده اند؛ در این صورت خوب با او معامله نشد. رئیس با کمال تحیر میپرسد: باو تلفن شده است بیاید؟ کی تلفن کرده است؟ میگویم نمیدانم. رئیس تلفون چی را طلبیده میپرسد کی بسردار سپه تلفن کرد؟ میگوید تدین، و قضیه کشف میشود که تدین بر خود و سایر کارکنان جمهوری از این ازدحام نگران بوده است و از طرف مجلس تلفن کرده است، سردار سپه تصور نموده از طرف ما و در نتیجه مشورت با ما بوده که آمدن او صلاح دیده شده است و فوراً خود را بمجلس رسانیده.

پس از کشف این قضیه رئیس مجلس و مستوفی و مشیرالدوله همه تغییر حال داده آرام میشوند. در این حال سردار سپه که مردمی را در بهارستان ندید که با آنها گفتگو کند بعمارت برگشته ملك الشعراء بهار او را بهمین حجره رهبری کرده است. وارد شده و می نشیند و مشتی روی میز زده میگوید هنوز زود است بدانند من چه کاره ام، و نظرش بسخن رئیس مجلس است که گفته بود برای چه اینجا آمده ای!

سردار سپه میگوید اگر اروپائیان نظر خود را نسبت بایران تغییر داده اند برای اینست که رضای مازندرانی در ایران کار میکند.

رئیس مجلس برخاسته روانه میشود. سردار سپه شرحی از رفتاری که با او شده است گله آمیز بیان مینماید. مشیرالدوله جواب منطقی طولانی میدهد و در ضمن ساحت برادر خود رئیس مجلس را بواسطه بی اطلاعی از اینکه او را از طرف مجلس بغلط خواسته اند که بمجلس بیاید پاك میکند و سخنان معذرت آمیز مشتمل بر حکمت و نصیحت می گوید و سخنان مزبور در وجود سردار سپه مؤثر شده آرام می گیرد و برای اظهار امتنان از وی، برخاسته کبریت زده سیگاردست مشیرالدوله را که معطل مانده آتش میزند و حال گرفتگی مجلس به بشاشت مبدل می گردد. مستوفی الممالک پیشنهاد می کند که سردار سپه و رئیس مجلس در يك حجره بنشینند

با هم دوستانه صحبت بدارند و باهم کنار بیایند و هر دو هر چه در دامن از یکدیگر دارند فرو بریزند. نگارنده نیز پیشنهاد میکند که مستوفی الممالک هم در میان آنها بوده باشد و پذیرفته می شود. مستوفی الممالک میرود رئیس را برای این ملاقات خصوصی حاضر بسازد، در این حال خبر می آوزند که رؤسای روحانی که در اطاق دیگر جمعند می خواهند باین اطاق بیایند بدیهی است همه آنها از سردار سپه اندیشه دارند و اکنون که او غالب شده و مردم بکلی متفرق شده اند نمی خواهند که سردار سپه از آنها مکدر بماند. نگارنده بی آنکه از سردار سپه رخصت بخواد به پیغام آورنده میسپارم رؤسای روحانی را باین حجره وارد نمایند. آقایای یکی بعد از دیگری وارد شدند و اطراف میز می نشینند بی آنکه اندک احترامی از سردار سپه به بینند.

چند لحظه بکلی مجلس ساکت میماند، یکوقت سردار سپه روبه نگارنده کرده با تشدد می گوید مرا اینجا برای چه آوردی؟ جواب می دهم رفتند جا معین کنند که با آقای رئیس نشسته صحبت بدارید. هنوز حرف من تمام نشده مستوفی الممالک در را گشوده سردار سپه را باطاق رئیس می خواند و او بی آنکه تعارفی بر رؤسای روحانی بکند روانه میشود.

مجلس سه نقری یک ساعت طول میکشد و در نتیجه مذاکرات معذرت آمیز از دو طرف قرار میدهند سردار سپه از موضوع تبدیل رژیم و تغییر قانون اساسی بکلی منصرف گردد و مجلسیان در حمایت از سلطان احمد شاه بیعلاقه بمملکت اصراری نداشته باشند.^۱

خیر اندیشان صلاح ندیدند و نخواستند جلسه مجلس تشکیل شود (و اگر هم میخواستند تشکیل نمیشد). رئیس مجلس را متقاعد کردند که از تشکیل جلسه صرف نظر کند، و بالاخره نصایح مشیرالدوله و میانجیگری مستوفی در همان ساعت دوباره میانه رئیس ملت و دولت را به یک قسمی درز گرفت.^۲

۱- از خاطرات مرحوم یحیی دولت آبادی، ج ۴

۲- بازیگران عصر طلایی ص ۲۳۱

ترجمه احوال مشیرالدوله

بهر حال این اقدامات موجب شد که رئیس الوزراء در نیمه اول حمل ۱۳۰۳
بیانیه‌ای منتشر کند و طی آن اعلام داشت: «... عنوان جمهوری را موقوف و در
عوض تمام سعی خود را مصروف سازند که موانع اصلاحات و ترقیات مملکت را از
پیش بردارند».

«در افکار عامه، قوی طرفی است که حمله می‌کند نه طرفی که
بدفاع می‌پردازد.»
اسکندر

در همین احوال تلگراف احمد شاه از فرنگ بمجلس رسید
جو پاگدار
که صریحاً اظهار عدم اعتماد نسبت بسردار سپه کرد و
مجلس را بانتخاب رئیس دیگری برای دولت ترغیب نمود، ولی این کار کمی دیر
شده بود، و در حکم جوپاگدار بود. در دهات پاریز مثلی است که می‌گویند:
چارپادارهای ناشی جو پاگدار می‌دهند و البته نتیجه نمی‌گیرند، بدین معنی که در
عرض سال که باید به مواشی خود جو بدهند و آنها را تقویت کنند غافل میمانند و
صرفه جوئی میکنند، اما در هنگام عمل و قتی که بار پرشت حیوان است و پای گدار
و گردنه کوه میرسد و ناچار نمیتواند بالا برود و با اصطلاح محلی «پا مبرزند»،
آنوقت مقداری جو از توبره بر آورده جلوی حیوان میریزند و توقع دارند با
خوردن آن بتواند از گدار بالا برود که البته توقعی بیجاست. پول خرج کردن
شاه و محمد حسن میرزا نیز درین ایام و توپ و تشرهای آنان در حکم همین
جو پاگدار بود.

سردار سپه باتوجه به موقعیت خود روز ۱۸ فرورین ۱۳۰۳ استعفا داد.

۱- اعلام جمهوریت هدف و غرض نبود بل وسیله بود برای سست کردن بنیان
دربار قاجاریه، و خوشبینی افرادی مثل عارف قزوینی بیجهت بود که میگفت:

به مردم این همه پیداد شد زمرکز داد

زدیم تیشه بر این ریشه هر چه بادا باد

تو نیز فاتحه سلطنت بخوان عارف

خداش با همه بد فطرتی پیامرزا!

نود و نه

ایران باستان

بگفته دولت آبادی: «ماه رمضان رسید، سردار سپه روزی بمجلس پیغام داد من بقدری خسته شده‌ام که دیگر نمیتوانم کار کنم، و تهران را ترك کرده بنزدیکترین املاك خود در مازندران یعنی بومهن روانه گشت.»

طرفداران قاجاریه کمی خوشحال شدند، ولی رجالی دور اندیش امثال مشیرالدوله متوجه شدند که دیگر امکان خرد کردن سردار سپه نیست، علاوه بر آن باید واقع بین بود، شهدالله تا این تاریخ اقدامات سردار سپه از بیشتر اولیای دولت قاجار بهتر بوده است.

علاوه بر آن با ناپختگی‌های سیاسی احمدشاه و اطرافیان‌ش چه‌امیدی بابقای چنین دولتی بود.

سردار سپه شب و روز در عمارت بریگاد قزاق منزل داشت، تا یکسال لباس خود را حتی برای راحتی جز در مواقع استحمام از تن خارج ننمود و با همان لباس نظامی قزاقی در روی زمین با چکمه دراز کشیده چند ساعتی خوابیده و بیدار میشد، یعنی تا نصف شب در خارج مشغول کار بود.^۱

عروس ملك كسى در كنار مى‌برد تنگ

كه بوسه بردم شمشیر آبدار زند

تلگرافها ارشهرستانها شروع شد و سپاهیان بدست و پا افتادند، مجلس در وحشت و اضطراب فرو رفت، مجلس خائف و لرزان نتوانست در مقابل تلگراف احمدشاه تصمیمی اتخاذ کند، این بود که ناچار روز چهارشنبه بیستم فروردین ۱۳۰۳ عدم‌ای از اعضاء برجسته پارلمان مثل مشیرالدوله و مستوفی الممالك و مصدق السلطنه و بیات و دولت آبادی و عماد السلطنه شبانه به بومهن رفتند و سردار را مراجعت دادند.^۲

مسافرین نزدیک ظهر به بومهن میرسند. سردار سپه واردین را خیلی چربو

۱- تاریخ بیداری ایران، مختاری، ص ۱۸۱

۲- گزارش ایران، ج ۴ ص ۳۱۹، بازیگران عصر طلایی ص ۲۴۸

ترجمة احوال مشيرالدوله

نرم می پذیرد ، خاصه که مستوفی الممالك و مشيرالدوله هم جزء این عده هستند ،
ناهار صرف میشود (چون مسافر بوده اند روزه نداشتند) ، سردار سپه مستوفی الممالك
و مشيرالدوله را در اتومبیل خود نشاند و بطرف تهران روانه شد .^۱

فتح خوزستان و دفع خزعل بكمك سرتيپ فضل الله زاهدی
مشيرالدوله
(اول اردیبهشت ۱۳۰۴) سردار سپه را نجات دهنده واقعی
و ملاحظه قانون
ایران بشمار آورد .

«سردار سپه پس از بازگشت از خوزستان در جلسه شورای خصوصی خود میگوید
من با این دو برادر یعنی احمد شاه و ولیعهد نمیتوانم کار کنم ، حاضرین از روی
حیرت بهم نگاه میکنند ، سردار سپه سخن خود را تکرار میکند و جواب میخواهد.
مشيرالدوله میگوید این کار محظور قانونی دارد و باید در اطراف آن مطالعه کرد ،
سردار سپه میگوید بسیار خوب مطالعه کنند و در مجلس دیگر جواب بدهند. جلسه بعد
در خانه حسین خان علاء بدون حضور سردار تشکیل میشود. اکثریت موافق میشود
با جواب منفی دادن ، و گفتن این جواب به سردار سپه در جلسه دیگر بعهد مشيرالدوله
مقرر میگردد ، در مجلس دیگر مشيرالدوله با تمام قوت قانون دانی بسردار سپه حالی
میکند که مانمیتوانیم با خیال سلطنت او موافقت کنیم بملاحظه حفظ قانون اساسی.
سردار سپه از مذاکرات طولانی مشيرالدوله کسل و افسرده میشود ولی
بردباری خود را از دست نداده میگوید حالا که این کار را مخالف قانون میدانید ،
من مقام خود را محکم نمی بینم و ممکن است با يك دستخط شاه از اروپا همه
زحمتهای من در امنیت مملکت باطل گردد . باز مجلس مشاوره بی حضور سردار
تشکیل میشود و بالاخره از یکی از مواد قانون استنباط میکنند که مجلس شورای ملی
میتواند بکسی در مقام ضرورت فرماندهی کل قوا را مستقیماً بدهد و این استنباط را
دکتر محمدخان مصدق السلطنه میکند که عالم علم حقوق است .

سردار سپه پس از اطمینان یافتن از هیئت مشاوره که در مجلس نفوذ دارند

ایران باستان

بکارکنان خویش در مجلس می‌سپارد چنین پیشنهادی بمجلس بدهند و چنین قانونی را بگذرانند.^۱

ملك ميراثيان نمائنده است ملك شمشير ملك پاينده است

مخبر رویت در ۱۷ رجب ۱۳۴۴ از طهران خبر داد که بواسطه مخالفت سختی که بر برخی خواهشات اصلاحیه سردار سپه در مجلس پیش آمده واقعات خیلی دشوار شده است... کمیسیون قانونی تسویه کرده تا فردا برای گرفتن رأی به مجلس علنی پیشنهاد نماید، از روی این قانون سردار سپه سه سال کامل الاختیار کل قشون (که مخصوص بشخص سلطنت است) خواهد بود.^۲

احمد شاه بعد از شنیدن فرماندهی کل قوای سردار سپه، بدربار لندن مراجعه کرده از آنها گله نمود، آنها اظهار بی‌طرفی کردند، این است که بخيال افتاد بایران باز گردد...

اختلاف میان ولیعهد و رئیس الوزراء، که چند صباحی باهم بقول بیهقی «گرگی آشتی» کرده بودند، بعد اعتلای خود رسیده بود و این شاهزاده هر چه بیشتر کوشش میکرد سردار سپه را ازمیدان بدر کند، خود بیشتر خفیف میشد، تا جائیکه رسماً و علناً مورد بی‌اعتنایی سردار قرار میگرفت. چنانکه در یکی از تحریکاتی که توسط او بعمل آمده بود چنین امری حادث شد. جریان اینست:

حاجی شیخ عبدالنبی نوری فوت کرد، محمد حسن میرزا ازین فرصت استفاده کرده در ۲۲ مرداد مجلس ترحیمی در مسجد شاه فراهم کرد. هنگام برچیدن ختم توسط ولیعهد، صدای «زنده باد شاه، مرده باد دشمنان اسلام» بلند شد.

سردار سپه که تمام این اجتماعات را تظاهر ضد خود میدانست، با کمال متانت وارد مسجد شاه گردیده بمشیرالدوله که از مجلس ختم مراجعت میکرد

۱- حیات یحیی ح ۴ ص ۳۳۲

۲- جیل المتین شماره ۵ سال ۳۳

ترجمه احوال مشیرالدوله

دروست صحن مسجد بر خورد نمود، قدری با مشارالیه صحبت کرد و چون یقین داشت درین تظاهرات حادثه‌ای رخ خواهد داد از مشیرالدوله تقاضا کرد با او بمجلس ختم مراجعت کند و خیلی هم اصرار کرد ولی مشیرالدوله که شاید باحتمال وقوع حوادث قبل از برچیده شدن ختم از مسجد حرکت کرده بود حاضر بمراجعیت نشد.^۱

سردار سپه پس از جدا شدن از مشیرالدوله با هیئت دولت بمسجد رفت، گویا وضع را طوری قرارداد داده بودند که هنگام ورود سردار سپه جانبود و ناچار در حضور ولیعهد میبایست سرپا بایستد، سردار سپه بعد از مشاهده این وضع بدون اعتنا بولیعهد بصدر مجلس رفته بین امام جمعه تهران و امام جمعه خوبی جائی باز نموده نشست و وزراء هم وسط مجلس نشستند.

«مؤتمن‌الملک رئیس مجلس بواسطه شخصیتی که دارد و برادرش مشیرالدوله که در مجلس است و مورد توجه میباشد، با خیالات کارکنان سردار سپه در خوانده شدن و مطرح نمودن مراسله‌ها و تلگراف‌هایی که از ولایات در تقاضای تغییر سلطنت بمجلس میرسد همراه نیست... کارکنان سردار سپه بر رئیس مجلس اعتراض می‌کنند و او ناچار میشود استعفا بدهد.»^۲

بجای او مستوفی‌الممالک ظاهراً انتخاب میشود، اما او مکرر غایب است و کار هیئت رئیسه بدست نایب‌رئیس اول تدین است.

در یکی از جلسات خصوصی مجلس پیشنهاد جمعی از آقایان نمایندگان راجع باینکه تلگرافی از طرف رئیس مجلس به شاه مخابره شود و حرکت او را بایران بخواهند مطرح میشود، اغلب نمایندگان مخالفت کرده و مخابره چنین تلگرافی را در حدود وظائف مجلس ندانستند و جمعی مقتصد بودند چون جلسه خصوصی رسمیت ندارد

۱- کودتای ۱۲۹۹ ج ۳ ص ۳۵۴

۲- حیات یحیی ج ۴ ص ۳۷۴

خوب نیست مجلس چنین سوابقی رامعمول دارد^۱.

در دوره پنجم عده‌ای از وکلاء از آنجمله مستوفی الممالک و مشیرالدوله و دکتر مصدق و تقی زاده و ضیاءالملک فرمند جزء منفردین بوده‌اند.

«محمدحسن میرزا ولیعهد از شش تن منفردین که مشیرالدوله و مصدق السلطنه و تقی زاده و میرزا حسینخان علاء و یحیی دولت آبادی و مستوفی الممالک باشند بدربار دعوت میکند، مشیرالدوله بیمار شد و نتوانست برود. ولیعهد از دادن فرماندهی کل قوا به سردار سپه اظهار نگرانی و مخالفت میکند. باو میگویند اگر این کار نشود سردار سپه خود را برای مخالفت قانون اساسی حاضر کرده است^۲».

از طرفی سردار سپه خود را با طرفداران در بار و مخالفین خودش، خصوصاً مدرس، نزدیک نمود و این امر قدرت او را بیش از پیش تثبیت ساخت. روزنامه حبل‌المتین گزارش میدهد:

درین هفته، دو جلسه ملاقات آقای رئیس‌الوزراء با مدرس بعمل آمده، جلسه اول در منزل آقا میرزا سید محمد بهبهانی، و یک روز هم مدرس در منزل آقای سردار سپه حضور پیدا کرده است و بطوریکه معلوم است ائتلافی فی‌مابین آقای رئیس‌الوزراء و آقای مدرس برقرار شده و مناسبات نیکوتر است^۳.

این امر ولیعهد را چنان عصبانی میکند که بعدها مرحوم دولت آبادی گوید: «خود از ولیعهد شنیدم میگفت چهل هزار تومان ماهیانه یک ماه شاه را که در غیاب او گرفتم باروپا برای او بفرستم یک قلم به مدرس دادم که در راه حفظ تخت و تاج ماکار بکند، و از میان رفت، حالا برادر من آن را از من مطالبه میکند^۴!»

مرگ هست شاه که از موقعیت سردار سپه بیمناک شده بود، در ۲۵ شهریور

و باز گشت نیست ۱۳۰۴ از اروپا به رئیس‌الوزراء چنین تلگراف کرد:

۱ - حبل‌المتین شماره ۱۱، سال ۳۳

۲ - حیات یحیی ج ۴ ص ۳۴۰

۳ - حبل‌المتین، شماره ۷ سال ۳۳

۴ - حیات یحیی ج ۴ ص ۳۷۴

ترجمه احوال مشیرالدوله

«جناب اشرف رئیس الوزراء، بعون الله تعالی دوم ماه اکتبر (۱۳ ربیع الاول) با کشتی تلنار از پاریس از راه بمبئی بایران حرکت می کنیم، از مراجعت بوطن عزیز نهایت مسرت حاصل و خوشوقتی که آن جناب اشرف را بزودی ملاقات خواهیم نمود»
شاه

و جالبتر از آن تلگراف سردار سپه بود که در جواب شاه بدین شرح مخایره شد :
«تلگراف مبارک که مبشر تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بود زیارت و حقیقهٔ باعث کمال مسرت گردید، استدعا دارم معلوم فرمایند موکب ملوکانه بکدام یک از بنادر سرحدی نزول اجلال خواهند فرمود!»
رضا، رئیس عالی کل قوا و رئیس الوزراء

حبل المتین درین باره مینویسد : درین تلگراف و جواب یک نکتهٔ بسیار لطیفی دیده میشود که از آن نکته پی به خیلی از مراتب میتوان برد و آن اینست که اعلیحضرت در تلگراف خطاب میکند: جناب اشرف رئیس الوزراء، در جواب امضاء شده است: رضا، رئیس عالی کل قوا^۱.

در همین ایام، یعنی دویز بعد از مخایرهٔ تلگراف، ناگهان سر و صدای تازه ای در تهران پدید آمد و آن بلوای نان بود، توضیح آنکه بعلت کمبود گندم و تنگی سال و ضمناً تحریکات دربار، در شهر نان کمیاب شد و مردم بسر و صدا در آمدند.

صبح چهارشنبه ۴ ربیع الاولی ۱۳۴۴ (اول مهرماه) بازارها تعطیل و یک اجتماع فوق العاده ای از مردم به مجلس شوری حمله برده میز و صندلی و جار و چراغ و... را شکستند، آنروز مجلس تعطیل بود و و کلاء حاضر نبودند، مشیرالدوله، نظام الدوله و مدرس برای اقناع مردم به مجلس آمدند، مشیرالدوله از ملت کتک خورده فرار می نماید... از طرف دولت اقداماتی شد و عده ای دستگیر شدند، درباریها که جزء محبوسین بوده اند اغلب آزاد شدند، پیشخدمت خاصه ولیعهد هم پس از حبس گویا تبعید شده است.

در جریان حمله مردم به مجلس گویا مؤتمن‌الملک گفته بود: مجلس خانه ملت است، در را بروی آنان باز کنید. همینکه در باز شد جمعیت داخل شده لدی‌الورود شروع میکنند به فحش دادن و کتک زدن، چند نفر از وکلاء و مستخدمین مجلس که در آن موقع بودند فرار کردند، مشیرالدوله که موفق به فرار نشد مورد توهین واقع شده صدمه می بینید، ... حتی نقل میکنند زنها برای تفریح و مسخره بجای وکلاء نشسته بازی مجلس و مذاکرات آنرا نمایش میدهند! وعده‌ای بطرف سفارت روس حرکت کردند، لکن قوای دولت و نظمیه آنها را متفرق نمود^۱.

بدین‌طریق صدها نفر دستگیر شدند، مشیرالدوله هم حق خود را از غوغای عام گرفت، و چه خوش گفته بود مرحوم بهار:

از عوام است هر آن بد که رود بر اسلام	داد از دست عوام
کار اسلام ز غوغای عوام است تمام	داد از دست عوام

دل من خون شد در آرزوی فهم درست	ای جگر نوبت تست
جان بلب آمد و نشنید کسی جان کلام	داد از دست عوام

بهوای نفسی جمله نمایند قعود	آه ازین قوم عنود
به طنین مگسی جمله نمایند قیام	داد از دست عوام

عاقل اربسمله خواند به هوایش نچمند	همچو غولان برمند
غول اگر قصد کند گردشوند از دروبام	داد از دست عوام

پیش جبال ز دانش مسرائید سخن	پند گیرید ز من
که حرامست، حرامست، حرامست حرام	داد از دست عوام!



ترجمه احوال مشیرالدوله

باری ، مشاعره تلگرافی شاه و سردار سپه این غوغا را در پی داشت و حبل‌المتین در همان شماره خبر داد که «آمدن شاه گویا معوق مانده» ، اتفاقاً در اروپا هم یکی دو مرتبه ناصر‌الملک (نایب‌السلطنه سابق) بشاه گفته بود چرا بایران میروید، این همان سردار سپه است که نسبت به مشیرالدوله چنان توهین کرده است ، آقاخان محلاتی هم يك بار به شاه گفته بود صلاح نیست بایران برود^۱ .

ناصر‌الملک و آقاخان خوب فهمیده بودند که رئیس‌الوزراء علاقه‌ای به ملاقات شاه ندارد . خصوصاً در برابر بعضی تظاهرات که در شهرستان‌ها شده بود ، سردار سپه همان ایام این تلگراف را به فرماندهان مخابره کرد :

« مسافرت شاه باروپا از بد و امر چون برای استعلاج مزاج و عادی بوده حالا هم که معاودت مینماید بروفق نظریه من است و عادی شمرده خواهد شد . من موفقیت خود را در مملکت مهمتر ازین میدانم که باین آمد و رفت‌ها وقع و اهمیتی داده و یا آن توهمات عادی بتواند درارکان آن رسوخی احداث نماید . بشما که نماینده وزارت جنگ در آن حدود هستید گوشزد مینمایم تا سایرین هم بفهمند که این ایاب و ذهاب‌ها نتواند دست آویز دسیسه و آنتریکی برای مفسده جو بشود . چنانچه کسی بخواهد به تشبثات در مقام القاءات و اعمال اغراض خصوصی خود برآید قدمی است که مجعلاً برای امحاء خود برداشته است ، زیاده ازاین محتاج به تشریح نیست . »

ریاست عالی کل قوا و رئیس‌الوزراء

رضا

مخابره این تلگراف ظاهراً بعد از شیوع اخباریست که بروایت حبل‌المتین : شاه بادر بار به تکیه خارجی دسیسه نموده که قبل از ورود به سرحد در تهران و سایر ایالات بر خلاف دولت بلوارا امتداد دهند، جمعی آخوند و اشراف مجلس هم با آنها همراه بودند^۲ .

۱ - کودتای ۱۲۹۹ ، ج ۲ ، ص ۳۶۸

۲ - حبل‌المتین شماره ۳۵ سال سی و سوم

ایران باستان

در سیاست اقتضای وقت بین مملکت پیغمبران را بر گزین
زهر سر درد پاد زهر از اقتضا خضرو موسی را حکایت وانما

مولوی

واقع بینی تلگرافات شهرستانها ، قدرت فرماندهان نظامی ، اقدامات
مشیر الدوله تأمینی سردار سپه ، عیاشی ها و بی احتیاطی های شاه و تجربتی
که مشیر الدوله از نحوه اعمال او داشت ، ضعف ولیعهد و دورویی یاران مجلسی که
به نعل و میخ میزدند ، مشیر الدوله را در برابر مشکلی قرار داده بود . اگر او شاه
قاجار را تأیید میکرد برای این بود که اصلی از قانون اساسی پشتیبان این خاندان بود و
اکنون که متوجه میشد دیگر آن اصول قدرت خود را از دست داده است ، این
طرفداری را در حکم « زورخواهی زدن » میدانست . سردار سپه موقعیت خود را با
یاران فداکار و وفادار نظامی که در ولایات داشت چنان مستحکم کرده بود که
موفقیت او در قبال همه دسائس احمدشاه تضمین شده بود و بقول بیهقی « این پادشاه
هر چند شب و شبگیر کرد ولیکن کارش بنرفت که تقدیر کرده بود ایزد ، عزّ ذکره ،
که سلطنت رایگان از دست وی برود »^۱ .

مشیر الدوله و مؤتمن المملک ، در برابر واقعیتی قرار گرفته بودند و آن این
بود که سلطنتی و دودمانی از هم پاشیده و خاندان و شاهزادگان غرق در فساد و تباهی
منتهی متکی به قانون اساسی در یکطرف ، و مردی سپاهی و رشید و دلسوز و علاقه مند
به امنیت و آرامش و قوی در طرف دیگر و مملکتی در عین پریشانی در برابر . علاوه
بر آن تجارب و مطالعات ، یعنی مرور حوادث تاریخ عالم و ایران و هم شرکت بیست
ساله در کش و قوسها و تحولات سیاسی مملکت ، این نکته را بر او ثابت کرده بود
که تا رشد سیاسی و فرهنگی ملتی بآن حد نرسد که خود بتواند آزادی و دموکراسی
خود را حفظ کند ، بلطایف الحیل و نشست و برخاستهای متظاهرانه دیپلماتی ، امکان
حفظ چنین آزادیی در پیش نیست ، و درین اوان بر او مسلم بود که همچنانکه هزار
سال پیش از وی بیهقی گفته بود : « این ناحیت جز بشمشیر و سیاست راست نایستد » .

ترجمه احوال مشیرالدوله

علاوه بر این مجلسی مرکب از نمایندگان طرفدار سردار سپاه میبایست تکلیف سیاست مملکت را تعیین نماید و بنا بر این مقاومت یا مخالفت چندتن نمایندگان منفرد و بیطرف، کاری از پیش نخواهد برد.

يك روز قبل از نهم آبان ۱۳۰۴ مستوفی الممالك با تلفون با منزل دكتر مصدق تماس گرفت و گفت:

«در منزل سردار سپه ماده واحده ای تهیه شده و نمایندگان را يك يك با آنجا برده اند که آنرا امضاء نمایند، آقای میرزا حسین خان علاء راهم که برده اند امتناع نمود و امضاء نکرده است، دیشب هم که منزل مؤتمن الملك بودم و با آقای مشیرالدوله و مؤتمن الملك درین باب مشورت کردیم که آیا با این وضع امروز به مجلس برویم یا نه؟ آقایان صلاح ندانستند که امروز در مجلس حاضر شویم. دكتر مصدق گفته بود: به توپ چی و سرباز سالها مواجب میدهند که یکروز بکار بیاید،... اگر، امروز به مجلس نرویم بوظیفه نمایندگی خود رفتار نکرده ایم، مستوفی الممالك رأی دكتر مصدق را پسندیده و موافق شدو به میرزا حسین خان علاء هم تلفون کردند و بمنزل ایشان آمده باتفاق به مجلس رفتند».

مجلس نهم آبان تشکیل شد و نمایندگان طرفدار سردار سپه این طرح را بمجلس دادند:

« ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند، تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۲۶ و ۲۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود».

درین جلسه تدین ریاست مجلس را بعهده گرفته بود مستوفی دو روز قبل از ریاست مجلس استعفا داده بود، دوره مقننه مجلس قرار بود در ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ پایان برسد. بهر حال این ماده واحد به قید فوریت تقدیم شد، مدرس، تقی زاده،

سید یعقوب ، علائی ، یاسائی ، دکتر مصدق ، داور ، دولت آبادی ، در باب آن موافق و مخالف صحبت کردند ، باورقه رأی گرفته شد ، به اکثریت ۸۰ رأی درمقابل ۵ رأی تصویب شد . دولت آبادی گوید : قرار میشود مدرس به مجلس بیاید که عده مخالفین بامؤتمن الملك و مشیرالدوله هشت نفر خواهد بود ، ولی مؤتمن الملك و مشیرالدوله آنروز را به مجلس نیامدند . مدرس نیز با سردار سپه موافقت کرده است باین شرط که مستوفی رئیس دولت باشد .

«هیئت رئیسه مجلس بی فاصله بعد از تمام شدن مجلس لایحه خود را بحضور والاحضرت [مقصود سردار سپه است] می برند ، سردار سپه به نایب رئیس مجلس در ازای خدمت شش هزار تومان انعام میدهد . سپس ولیعهد را صاحب منصبی از باغ گلستان خارج کرده در اتومبیل سفری نشانده از سرحد عراق خارج مینمایند . »

ملکه جهان مادر احمدشاه از بمبئی خود را به بغداد رساند و خواست از علمای کربلا و نجف برای پسرش کمکی بگیرد ولی نتیجه نداد ، او در بغداد با محمد حسن میرزا ولیعهد همراه شده در مهمانخانه کارلتن منزل کردند که بعد عازم اروپا شوند . در ماه بعد مجلس مؤسسان نیز تشکیل شد و نمایندگان آن بتهران آمدند . هنگام تشکیل مجلس مؤسسان ، چون عده نمایندگان زیاد بود لذا تکیه دولت که سابقاً محل عزاداری بود برای اینکار در نظر گرفته شد ، هنگام افتتاح ، روی سکوی مدور وسط مجلس مؤسسان را تخت زده بودند ، روی تخت تمام علمای روحانی مرکز جا گرفته و در پای تخت طرف راست تمام نخست وزیران پیشین ، ولیخان سپهدار و شاهزاده عبدالحسین میرزا فرما فرما و سعدالدوله و مستوفی الممالک و حسن پیرنیا مشیرالدوله ، و طرف چپ هیئت وزیران ایستاده بودند ، با صدای شلیک توپ ورود سردار سپه خبر داده شد ، و او به جایگاه مخصوص رفته مجلس را افتتاح نمود ، در مدت نطق افتتاحیه شلیک توپ ادامه داشت ، سردار سپه بهمان طریق بازگشت نمود و مجلس مؤسسان

ترجمه احوال مشیرالدوله

خلع قاجاریه را اقدام داشت^۱. و چنین بود پایان سلطنت خاندانی، که یکصد و سی سال (از ۱۲۰۹ قمری تا ۱۳۴۴ قمری) بر ایران حکومت راندند. بار دیگر تاریخ تکرار شد و همای سلطنت از خاندانی برخاست و بر سر خاندانی دیگر نشست و عبرتی بر عبرت گذشته افزود، و من بنده نگارنده این ترجمه احوال را در باب تاریخ و تکرار آن و عبرت‌ها قصیدتی است که ابیاتی از آن درین مقام مناسبت را ثبت می‌افتد:

رسم دنیا جمله تکرار است اندر کارها بس حوادث چشم مایند که نو پنداردش پایه تاریخ را خشت وقایع کرده راست برده بسیار از کف هوشنگها اورنگها سینه او مخزن سر بقا و انحطاط نینواها بینوای قهر او بعد از غرور از فراز تخت بس مخدوم را بر تخته کوفت سینه‌ی پر آرزوی بس جوانان دیده است تا خبر آید ز میدان، نو عروسان را دو چشم خون پاکان است مبنای سطور این بیاض	تا چه زاید عاقبت زین رسم و این تکرارها لیک چشم پیر دنیا دیده آن را بارها وین بنای کهنه‌پی را منشیان معمارها دیده بسیار از پس اقبال‌ها ادبارها دامن او مضجع سالارها سردارها بینواها قهرمانش از پس تیمارها بس غلامان بر کشید از خاک و خدمتکارها بوسه گاه نیزه‌ها، شمشیرها، سوارها دیده بر در، سالها، بسیار، چون مسمارها جان پاکان است در مطوای این طومارها
--	---

من ندانم راستی ماهیت تاریخ چیست ؟ ثبت کوششهای مردان است در ارشاد خلق این نه تاریخ است، اطلال حیات آدمی است از سیهکاری شکفتا طبع انسان بر نگشت روزی ارده ده به تیغ و تیر در خون می کشید قصه هاییل و قابیل است و عهد گرگ و میش بر فلک افراشت سرگر پیکر دیوار چین تارک اهرام فرعونان به کیوان سود، لیک نادر هاندند و آتیلای روم این فاتحان	چیست حاصل زین همه تکرارها، تذکارها یا ملاذ خونخواران و محرم جبارها و اندران مدفون شده از خوب و بد بسیارها گرچه تا کاخ سفید آمد ز قمر غارها شهر شهر امروز می کوبد به آتشبارها حاصل امضای پیمانها در این طالارها ای بسا تن شد دفین در سینه‌ی دیوارها بس عزیزان را که جان شد در سربیکارها گرگ خلق و کاروان خویش را سالارها
--	--

ایران باستان

طینت چنگیز را زاطلال نیشابور خوان
گر سیاست را هدف آسایش خلق است و بش
ور به اخلاق و به حکمت کارها گردد درست
ور یکی باشد مآل این سه در فرجام ملک
گر فلاطون و ارسطو از فضیلت دم زنند
ور نظام الملك خیر الظالمین باشد، کیجاست^۱
ماجرای گرگ و میش در نیست غوغای حیات
گر وطن باید بیالده جز تنازع چاره چیست؟
نیست خوی آدمی گر ملک را خوانی عقیم

گر سیاست بر سر دنیا گل عزت نزد
حاصل رنج حکیمان، ای اسف، کآخر نبود
در نجات عام شد بردار بس خاص، ای شگفت
هم به بند عام افتاد ای عجب گر عاقلی
جان سپردند ای بسا آزادگان در حبس تار
لب بستند از حقیقت گر دهانشان دوختند

اکثریت با عوام است و قوام کار ملک
طرفة العینی جهان را خانه احزان کند
نبض عام افتاده در دست سیاست، وین طبیب
این مزاج خلق را هر کس بنشناسد درست
نیک دانم من که اجناس دو پا را زین دوییت
تا نگوئی بی سبب راندم من این تمثیل تلخ
در کدام اصطبل گوید خر، که هان ای خرسوار
وین عجب کاین چرخ اگر بر میل دانا یان نگشت
یک سر سالم نبردند این سیاسیون به کور
هم سیاست این سیاست پیشگان را در گرفت
کوسفند اندد گومی با خورش های لذید

هم نکند از پای مردم دین يك از صد خاها
جز به کام اهل استبداد و بی زنهارها
هم عوام آخر کشیدند آن طناب دارها
خواست تا برگردد از دوش عوام افسارها
زیر تیغ ناکسان با رنج و با آزارها
برگزیدند از حمیت نهارها بر عارها
کی رسد جز با نهیب و قهر خود مختارها
فتنه این پیرهن چاکان و یوسف خوارها
بی مروت، خلق را خواهد همی بیمارها
درد پای خر نمیدانند جز بیطارها!
تلخ شد اوقات و کیک افتاد در شلوارها!
چشم عبرت باز کن در کنه این اقرارها
این زمام من، بیا، بستان، بران، بردار، ها!
هم نماند آخر به کام حرص دولتیارها
نیزه ها سرگرچه گردانند در بازارها
کشته شد هم مارگیر آخر به نیش مارها
لیک زیر تیغ تقدیر قضا پروازها

۱ - خیر الظلمة حسن ، قول ابو اسحق شیرازی در باب خواجه نظام الملك طوسی .

ترجمه احوال مشیرالدوله

گر نگیری عبرت از تکرار تاریخ ای حکیم
 گر «اتاترکی» مران بر کشته «عبدالحمید»
 عارفی کو تا مال زندگی را بنگرد
 وحدت است انجام هر امری و هر فرضیه ای
 هر عقیدت را نهایت سوی خوشبختی است راه
 ای خوش آن روزی که بینم جای میدان نبرد
 مردمان دانا شوند و سایه عدل و امان
 دم زنند از یک هدف هم اهل ژاپن هم حبش
 مرزهای فکر و خاک و وهم را برهم زنند

چیست سود از این همه تکرار و این نشخوارها؟
 ور «لنینی» کن کلاه «نیکلامی» را رها
 بگذرد زین نفع جوئی ها و استکبارها
 وای ازین آراء شتی، کثرت پندارها
 اختلاف لفظ با دید آورد دشوارها
 رسته گلپای سمن، خروارها خروارها
 گسترده بر کوهها و دشت و دریابارها
 بگذرند از یک مهر هم ترک هم بلغارها
 بسترند آئینه دل را ازین زنگارها!

مجلس پنجم دوماه بعد یعنی در رجب ۱۳۴۴ (بهمن ۱۳۰۴) پایان یافت و دیگر اقدام مهمی در آن مدت انجام نگرفت. در انتخابات دوره ششم، مشیرالدوله بریاست انجمن مرکزی تهران منصوب شد. جمعی از ملیون که با مشیرالدوله همکاری داشتند فقط در تهران انتخاب شدند.

مشیرالدوله درین ادوار نمایندگی مجلس را داشت:

دوره دوم از گران (استرآباد)، دوره سوم از طهران، دوره چهارم از طهران، دوره پنجم از طهران. در دوره ششم (ذیحجه ۱۳۴۴ = ۱۳۰۵) هم مستوفی الممالک و مؤتمن المملک و مشیرالدوله انتخاب شدند و مردم منتظر بودند بینند این سه نفر در قبول یارده این انتخاب چه میکنند، در اطراف این موضوع دوسه روزی صحبت بسیار بود. بالاخره هر سه نفر پذیرفتن این وکالت را بهر جا که باید بنویسند نوشتند و درباریان با سعی و کوشش بسیار که کردند نتوانستند آنها را از این اقدام بازدارند.^۱

نتایج از
 بدین طریق زندگانی سیاسی حسن مشیرالدوله پیرنیا که از ۱۳۱۷ قمری (زمان وزیر مختاری او در پطروگراد) تا ۱۳۴۵ قمری طول کشید و مجموعاً قریب بیست و هشت

سال بود، پایان می پذیرد.

چنانکه گفتیم این ایام ، متشنج‌ترین روزگار تاریخ معاصر ایران بوده است که در عین حال تحولی بنفع اکثریت و عامهٔ مردم در دستگاه حکومتی پدید آمد و همچنانکه گفتیم و اثبات آن را هم از عهده برآمدیم ، همه‌جا این مرد با مردم همراه و یار بوده است . يك نظر اجمالی بر رفتار مشیرالدوله در لحظات حساس و یا به تعبیر دیگرمان « بزنگاههای تاریخ » این بیان ما را توجیه و تأیید میکند .

مهمتر از همه آنکه نویسندگان و مورخین و رجال معاصر که در این دوران کتابهایی نوشته‌اند ، آنچنانکه گفتار آنانرا نقل کردیم ، همه يك دل و يك زبان از خدمات این مرد نام برده و از او تجلیل کرده‌اند و حال آنکه سایر رجال عصر مشروطیت از نیش زبان اغلب آنان در امان نبوده‌اند .

شخصیت سیاسی مشیرالدوله را در سه کلمه میشود خلاصه کرد : توجه به عامه و اکثریت ، رعایت حفظ قوانین و اصول تا آنجا که مفید بحال جامعه باشد ، حفظ پرستیژ و کارا کتر شخصی خود .

در باب توجه او به عامه و اکثریت ، آنچه از خدمات او در مشروطه و مبارزه با محمدعلیشاه و تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی و همچنین مدرسهٔ نظام (که در زمان وزارت جنگ او صورت گرفت) گفته ایم ، کافی بنظر میرسد . او همه جا جنبهٔ ملیت و ناسیونالیستی خود را حفظ میکرد و این نکته بارها در حیات سیاسی بضرر او تمام شد و ای از آن دست نکشید .

حتی یکبار ، برای لغو قرارداد ۱۹۱۹ مسألهٔ مراجعهٔ به آراء عمومی را برای اولین بار پیش کشید ، او هیچوقت رعایت قانون را برای کوفتن خلق دستاویز قرار نمیداد ، حتی انحلال مجلس را هم گاهی در صلاح مملکت میدانست . در زمان جنگ اول و اشغال همسایگان گفته بود : روسها و انگلیسها هیچیک پی باحوال روحیهٔ ایرانی نبرده و نمیدانند که این ملت يك عزت نفس و کبر و مناعت مخصوص دارد و برای جلب او هیچ وسیله‌ای بهتر از مهربانی و ملایمت نیست .

در باب انفصال یا انحلال مجلس مشیرالدوله می گفت ، مردم اشتباه میکنند که اساساً انفصال را اقدامی بر ضد مشروطیت تصور مینمایند ، بلکه این اقدام

ترجمه احوال مشیرالدوله

نشانه‌ای از حاکمیت ملت است، یعنی وقتی مجلس عجز خود را از انجام وظایف بظهور میرساند، دولت مراجعه به افکار عمومی میکند و عقیده انتخاب کنندگان را مجدداً در مسائل غامضه استعلام مینماید.^۱

اوهرگز از یاد ایران غافل نبود، خصوصاً در مواقع بحرانی همیشه خود را در خدمت مملکت می‌گذاشت.

هنگامی که روسها و انگلیسها (در جنگ اول) باشغال ایران پرداختند، او با اینکه مصدر امر نبود، معذالک دست بکار اقدام شد. آقای مورخ الدوله سپهر گوید:

جمعه ۲۹ شوال ۱۳۳۳ در عمارت ییلاقی رستم آباد مشیرالدوله را ملاقات کردم.

معزی الیه از ورود قشون روس بانزلی و تحریکات انگلیسها خیلی متوحش بود و گفت من سمت رسمی ندارم اما نمیتوانم در مقابل بدبختی مملکت ایستاده سکوت اختیار کنم، اینست که میخواهم ابتدا ملاقاتی از وزیر مختار انگلیس نموده شاید بتوانم آنها را بیک «مودوس ویواندی»^۲ یعنی ترتیب صلحجویانه موقتی قانع کنم.^۳

او همیشه از آزادیخواهان حمایت میکرد و حتی در بحبوحه قدرت محمدعلیشاه ازین کار دست برنداشت، مرحوم اقبال آشتیانی مینویسد:

دکتر خلیل خان اعلم الدوله در ۱۳۲۵، که خود را در برابر ظلم و فشار محمدعلیشاه پس از توقیف و ضبط املاکش ناتوان یافت، بمساعدت مرحوم میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت با خانواده خویش وطن را ترك نمود.^۴

۱- ایران در جنگ بزرگ ص ۲۳۱

۲- همزیستی = Modus vivendi

۳- ایران در جنگ بزرگ، ص ۲۰۵

۴- مجله یادگار، سال ۳ شماره ۷: ۲۷

درست است که فداکاریهای ملیون و آزادیخواهان بنای مشروطه را گذاشت و اگر سخنرانی‌های سید جمال‌الدین اصفهانی و تقی‌زاده و غیر آن نبود، مردم بهیجان نمی‌آمدند، ولی از طرفی رهبری این هیجانها آنهم از طرف شخصیتی که وابسته بدربار و مقام دولتی یعنی پسر صدراعظم بود، کار را سالها نزدیکتر کرد و انقلاب را مدتها زودتر از معمول بنیجه رساند. مشیرالدوله در آن روزها ساعتها وقت خود را صرف تدوین قانون اساسی میکرد. شاهد مثال گفتاری است در مجله یادگار:

روزی پنجشنبه ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ نظامنامه اساسی (قانون اساسی) مورد بحث قرار گرفت و در این جلسه که ۷ ساعت طول کشید، اصل ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۲۱۹ و ۲۸۰ و ۴۰ و ۴۱ و ۳۲ و ۴۷ در حضور مشیرالملک (مشیرالدوله) و حاج محترم السلطنه و مؤید السلطنه نمایندگان تام‌الاختیار دولت حلاجی شد و نظامنامه با تمام رسید و بنام پانویس شده بصحّه برسد، در ۱۴ ذیقعدة قسمت اول قانون اساسی در ۵۱ اصل بامضای شاه و ولیعهد رسید. در آن روز تمامی علماء و معاریف مجلس جمع شدند و تا در مجلس پیشواز ناصرالملک و مشیرالملک حاملین قانون اساسی رفتند و شادی فراوان کردند.^۱

مشیرالدوله در قرارداد ۱۹۰۷ کوشش داشت که از رهبران دولت روس و انگلستان تضمین نامه‌ای بگیرد که این قرار داد موجب دخالت در ایران نشود و گرچه نتایج آن بسیار نبود، ولی مذاکرات و زحمات او را در لندن و پتروگراد نباید از نظر دور داشت. نیکلسن سفیر انگلستان در روسیه به سرادارد گری مینویسد: «امروز مشیرالملک برای دیدن من آمد، مشارالیه اظهار داشت که در سن پترزبورگ مذاکرات رضایت بخشی باموسیو ایزوالسکی نموده است... او گفت تصویری وجود دارد مبنی بر اینکه انگلستان و روسیه ایران را بمناطق نفوذ تقسیم مینمایند. بوی گفتم این نظر صحیحی نمیباشد»^۲.

۱- ورقی از تاریخ مشروطه مجله یادگار ج ۴، شماره ۵: ۴۳

۲- اسناد محرمانه سیاسی ص ۱۲۴

ترجمه احوال مشیرالدوله

مشیرالدوله هنگامیکه در روسیه بود کوشش فراوان کرد که سفیر روس را در ایران (که با مشروطه خواهان عناد داشت و حتی رسماً بصدر اعظم گفته بود که باید آزادیخواهان دست از سر امیر بهادر و محمد علی شاه بردارند) تعویض نمایند، این نکته را او با سفیر انگلستان در روسیه بمیان نهاده بود و نیکلسن جریان را بدین صورت به سرادارد گری گزارش داده است :

(سن پترزبورگ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷)

... مشیرالملک (مشیرالدوله) گفت من معتقدم سفیر جدیدی بجای «مسیو دوهارتویک» بایران اعزام شود، زیرا مشارالیه منسوب بدسته زینویف میباشد و بسا هر گونه نهضت آزادیخواهی مخالف است... میدانم که مسیو دوهارتویک قلباً با مجلس ملی مخالف و بوسیله موسیو شاپیشال در روح شاه اعمال نفوذ بد و تأثر آوری نموده اعلیحضرت را وا داشته است که بنمایندگان ملت اعتنا و اعتمادی ننماید...

مشیرالملک در یکی از او نیورسیته های روسیه تربیت شده و یکی از زیرک ترین و باهوش ترین اشخاص است...

من تنها جوابی که بمشیرالملک دادم این بود که : اطمینان دارم هیچوقت شکایت ایران از روسیه مبنی بر علت صحیحی نخواهد بود بلکه ایران همیشه کوشش خواهد نمود که با همسایگان مقتدر خود دارای روابط حسنه باشد.^۱ نیکلسن

او دارای روحیه ناسیونالیستی قوی بود و همین امر موجب شد که با وجود شهرت و محبوبیتی که خیابانی داشت و هم با علاقه ای که مشیرالدوله به آزادیخواهی ابراز میکرد، در برابر تجزیه آذربایجان مقاومت کند. چنانکه گفتیم در این راه قدمی عقب نگذاشت با اینکه مورد طعن فراوان واقع شد. مرحوم کسروی بی طرف تر از هر کسی نظر مشیرالدوله را در باب مسأله آذربایجان و خیابانی توجیه کرده است و

بستر آنست که برای روشن کردن این قضیه عیناً گفتار او را نقل کنیم. او گوید .

«پس از وثوق الدوله ، مشیرالدوله «سروزی»^۱ گردید ، خیابانی باو خوش گمان بود و از اوجز نیکی درباره خود امید نمی داشت . راستی هم مشیرالدوله با آن ترسناکی و با آن پروائی که به نیکنامی خود می داشت ، جز نیک رفتاری با خیابانی نمی خواست و بی گمان به رنجش آزادینخواهان آذربایجان خرسندی نمی داد ، لیکن درخواستهای خیابانی در خور پذیرفتن نمی بود ، چنانکه گفته ایم خیابانی این می خواست که آذربایجان در دست او باشد که «جداسرانه» فرمان راند و سپس که نیرومند گردید بسر تهران رفته آنجا را هم «اصلاح» کند ، این می بود آرزوی خیابانی ، ولی چون نمی توانست آنرا بزبان آورد بتهران می گفت «باید آزادیستان را برسمیت بشناسید» ، دولت آگهی می داد که برای آذربایجان والی فرستاده خواهد شد ، خیابانی پاسخ می داد «به والی نیازی نیست ، شما پول برای ما بفرستید!» . پیدا است که این درخواستها در خور پذیرفتن نمی بود . اینها چیزهایی می بود که خیابانی بایستی بازور و نیرو بدست آورد و گر نه چشم پوشد.

ما از گفتگو هائی که میانه خیابانی و کابینه مشیرالدوله رفته آگاه نگردیده ایم . این اندازه می دانیم : خیابانی پا می فشرد که قیام همچنان برپاودست او در آذربایجان گشاده باشد ، از آن سو مشیرالدوله در کار خود درمانده چاره نمی دانست . سرانجام چنین نهاده شد که مخبر السلطنه را که در آن کابینه از وزیران می بود بنام والی گری به آذربایجان فرستند ، ... خیابانی باین نیز خرسندی نمی داد ، این بود که از مخبر السلطنه به پیشواز و پذیرایی نپرداخت ، .. خیابانی می خواست دست او را ببندد و بهیچ کارش آزاد نگذارد ، ... سستی کار خیابانی بیش از همه از رهگذر بی ارچی پیرامونیانش می بود ، ... در ۲۸ ذیحجه ، مخبر السلطنه به قزاقخانه رفت ، ... روز بعد دسته های قزاق از قزاقخانه در آمده رو ب شهر آوردند ... پیروان خیابانی اندک ایستادگی نشان دادند و باندك جنگی برخاستند ... خیابانی شب را بخانه خود

رفته بی‌بالک و آسوده خوابیده بود . . . بامدادان هنگامی برخاست که قزاقان بشهر درآمده بودند و چون بیم گرفتاری میرفت بخانه یکی از همسایگان رفته در آنجا پنهان گردید ، ... قزاقان به پنهانگاه او پی برده چندتن به سرش رفته و او را با چند تیر کشته جنازه‌اش را بروی نردبانی انداخته بیرون آوردند ، دراین باره سخن دو گونه است : مخبر السلطنه می‌گفت قزاقان چون نزدیک شده‌اند خیابانی خودش را کشته ، ... دیگران می‌گفتند خیابانی در زیر زمینی می‌بوده و تفنگی بدست می‌داشته ، قزاقان آن را دیده از بیرون شلیک کرده خیابانی را از پا انداخته‌اند، و همانا این راست‌تر است ، ... بدینسان شادروان خیابانی کشته گردید ... می‌باید او را کشته‌آن نمایشهای روی کارانه مردم و آن کف‌زدن‌ها و «زنده باد» گفتن‌های دروغی دانست . یک پستی فراموش نشدنی که در داستان خیابانی ازین دسته مردم نمایان گردید آن بود که چنانکه در پای گفته‌های خیابانی کف زده بودند ، در گرداگرد جنازه او نیز کف زدند و دژ رفتاری بسیار از خود نشان دادند.^۱»

عقب نشینی مشیرالدوله در کابینه‌های خود خصوصاً هنگامی که باخشونت و یا احتمال توهین روبرو میشده است و فوراً استعفا میداده موجب شده بود که بعضی این شوخی را بکنند و بگویند: «اگر دُخروس در سیستان بانگ بی‌موقع برآورند، مشیرالدوله استعفا میکند و میگوید دروغا و هنگامه نمیتوان حکومت کرد!».

اما نباید فراموش کنیم که همین مشیرالدوله بود که در برابر محمد علی‌شاه مقاومت کرد . خارجیان عموماً از روحیه ملی و تعصب ناسیونالیستی او گفتگو میکنند : او هرگز در برابر خارجیان تسلیم نشد و هر جا کار به بن بست کشید عقب نشست و استعفا داد . حتی در بحبویه جنگ که سپاهیان روس پشت دروازه‌های تهران بودند باز این مهم غافل نبود .

مورخ الدوله سپهر گوید: (یکشنبه ۱۸ آوریل ۱۹۱۵)، مشیرالدوله رئیس الوزراء

اظهار داشت اخیراً روسها و انگلیسها شکایت کرده‌اند که اسلحه توسط سفیر آلمان بایران آمده‌است و تقاضای تفتیش اثاثیه‌اش را داشتند، معذالک دولت زیر بار نرفت. هم چنانکه چندی بعد، یعنی در ۵ شنبه ۹ ذیحجه ۱۳۳۵، بعد از آنکه قزاقهای روسی سه نفر صاحب منصب اطریشی را با نماینده حکومت دامغان دستگیر نمودند؛ مشیرالدوله وزیر جنگ، رئیس بریکاد قزاق را احضار کرد و توضیح خواست که به حکم چه کسی مأمورین باین امر خلاف مبادرت ورزیده‌اند؟ و فوری اوامر لازم دائر به آزادی صاحب منصبان مزبور صادر کرد^۱.

اوباهمه احترامی که بمقام سلطنت (بملاحظه قانون اساسی) داشت و بهمین علت احمدشاه در تمام مدت حکومت بحرانی خود به مشیرالدوله متوسل میشد، معذالک هرگز از ابراز حقیقت و اظهار نظر صریح خود در باب قضایای روز کوتاهی نمیکرد و همین امر موجب جلب اطمینان عموم نسبت باو شده بود، چنانکه میدانیم در تمام مدت زندگانی خود از طرف دوست و دشمن و مخالف و مؤلف مورد احترام بود، بدنیت گفتگویی را که بین او و احمد شاه در باب یکی از مسایل مبتلا به دولت پیش آمده نقل کنیم. آقای مورخ الدوله سپهر که عضو عالی مقام سفارت آلمان در زمان جنگ بین المللی اول بوده‌است، و در آن ایام مرتباً بادر بار و نخست وزیران و رجال عصر در آمد و رفت و تماس بود، روزیکه از حضور شاه بازگشته و سپس نزد مشیرالدوله رفته بود، این گفتگو بمیان آمده بود (مسأله لغو امتیازات بلژیکی‌ها در میان بوده‌است):

(پنجشنبه ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۵، ۱۹ ذی قعدة ۱۳۳۳) مشیرالدوله از من (مورخ الدوله) پرسید نظر شاه را در باب کابینه مستوفی چگونه یافتید؟ من گفتم اعلیحضرت بیش از عموم رجال بشما معتقد است، فقط اظهار داشت [شاه] که مشیرالدوله زیاده از اندازه جنبه ملی دارد و بمجلس بیشتر از من اهمیت میدید.

مشیرالدوله میگفت: «چون قانون اساسی تمام اختیارات را بمجلس داده،

ترجمه احوال مشیرالدوله

وزراء مجبورند موافق نظریات پارلمان رفتار کنند ، چنانکه يكروز در حضور شاه گفتگو ازفسخ قانون ۲۳ جوزا (قانون اختیارات میسیون بلژیکی درباب گمرکات) بمیان آمد ، اعلیحضرت ازمن [مشیرالدوله] استعلام نمود عقیده شما درباب قانون مزبور چیست ؟ جواب دادم بعضی نواقص دارد ولی چون مجلس رأی داده چاره نیست. شاه گفت من که هنوز امضاء نکرده‌ام، پاسخ دادم باینکه امضاء نفرموده‌اید، چون مطابق قانون اساسی حق «وتو» ندارید البته امضاء خواهید فرمود !

لابد این بیانات بطبع شاه گران آمده ، لکن من مکلف بودم حقیقت را بگویم .»^۱

و این گفتگو بین شاه و صدراعظم مملکتی انجام می‌گیرد که رجال سیاستش را در برابر اصحاب قدرت ، سالهای سال این بیت شعر سر لوحه اعمال بوده است :

که گر خود روز را گوید شبست این

بباید گفت ، آنک ، ماه و پروین !

در زمان سلطنت پهلوی نیز که همه رجال زبان در کام کشیده و زبان بریده بکنجی «صم بکم» نشسته بودند، بازهم او گاهی از ابراز واقعیت‌ها خودداری نمی‌کرد:

« بعضی از آزادی طلبان مشیرالدوله را وادار کردند برخلاف بی‌اعتنایی او بدر بارو اصول سیاه مطلق‌العنانی ، وزیر دربار [تیمورتاش] را یاد آور شود در انتخابات کمتر دخالت کنند ، مشیرالدوله با وزیر دربار ملاقات رسمی بعمل آورد ، وزیر با تمام احتراماتی که ظاهراً به فقید مزبور نمود ، تصریح کرد که انتخابات را آزاد نخواهد گذاشت . در موقعیکه مشیرالدوله دربار را ترك می‌نمود بوزیر دربار گفت : شما مملکت را به قهقرا سیر می‌دهید ، نه تنها به ملت و آزادی لطمه می‌زنید ، بلکه بخودتان و ارباب خود هم خیانت می‌کنید »^۲

۱- ایران در جنگ بزرگ ص ۲۱۴

۲- عباس اسکندری ، کتاب آرزو ص ۳۳

ایران باستان

پدرمشیرالدوله، میرزا نصرالله خان روزی که از نایب تهران
اقتصاد نایبی میآمد بقول سعدی استطاعت پایپوشی نداشت! ^۱ اما اقتصاد
خانوادگی او موجب شد که ثروتی زیاد بدست آورد تا بدانجا که بقول ناظم الاسلام
کرمانی :

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله از روزی که پا بدایره نوکری گذارد، درماه
اول موجب او پانزده قران بود که هرقرانی يك مثقال نقره است و ازین رتبه سال
بسال روبه ترقی نهاد تا بمقام وزارت خارجه رسید و البته چنین شخصی که از این رتبه نازل
باین مقام رسد اگر پولی تحصیل کند، قدر پول را بخوبی میداند و خرج بیهوده نمی کند.
املاك مشیرالدوله هم چون متفرق بود و مهمانی شایانی نمیکرد و لذا
کسی مطلع بر تمول و مکت مشیرالدوله نگردید.

عین الدوله هم که بر مصدر صدارت نشست بملاحظه اینکه مشیرالدوله در
کارهای علی اصغر خان اتابك دخالت داشته و از امورات دولتی با اطلاع است، لذا
مشیرالدوله را که وزیر امور خارجه بود با خود در مشاورت داخل نمود و در امور
پولتیکی از او استعلام و استفسار مینمود و در امور وزارت خارجه هم، بهمین جهت
احتیاج بمشیرالدوله، تصرفی نمیکرد، نه چیزی میداد و نه میگرفت.

مشیرالدوله هم بهمین قدر قناعت داشت، و از عین الدوله کوچکی مینمود تا
اینکه در چند ماه قبل (پیش از شعبان ۱۳۲۴) ارفع الدوله سفیر کبیر ایران را از
اسلامبول خواستند، ارفع الدوله در پارك عین الدوله منزل کرد، چون لابد بود

۱- روزی که میرزا نصرالله، از نایب بقصد تهران حرکت کرد، بهمراه قافله ای
با پای پیاده بود، قافله از طریق اردستان میگذشت، میرزا نصرالله مردی محترم ولی تهی
دست بود، يك عباى نازك تابستانی نایبی داشت و با آنکه هوا سرد بود، همین عبا او را
تنها بالاپوش حساب میشد. هنگامی که به قریه زورگند (جوگند) چهار فرسنگی
اردستان رسید، حاجی جعفر جوگندی که از اشخاص بزرگوار این قریه بود، با مشاهده
وضع این مسافر، وسایل او را فراهم ساخت و مرکبی باوسپرد، موکب صدرالعظم آینده
ایران با این مقدمات به تهران رسید!

(تقریر آقای سرتیپ احسانی طباطبائی اردستانی)

ترجمه احوال مشیرالدوله

پولی تقدیم شاه و اتابك نماید لذا مدعی وزارت خارجه گردید و گفت صد هزار تومان میدهم که وزیر امور خارجه بشوم .

عین الدوله محض دوستی با مشیرالدوله برای مشیرالدوله پیغام داد که ارفع الدوله صد هزار تومان تقدیم میکند برای گرفتن وزارت خارجه ، شما چه میگوئید ؟

مشیرالدوله که شخص عاقل باتدبیر و زرنگی بود گفت: در صورتی که ارفع الدوله صد هزار تومان بدهد او مقدم است ، باو واگذار نمائید.

مشیرالملک (حسن پیرنیا مشیرالدوله بعد) و مؤتمن الملک پسرهای مشیرالدوله بپدر گفتند اگر ارفع الدوله وزیر امور خارجه گردد کار ما خراب خواهد شد و اگر در این مقام پولی مایه گذاریم ، نصف آنرا از خود ارفع الدوله درمیآوریم و نصف دیگر را از محل های دیگر .

باری اصرار و ابرام و الحاح پسر ها باعث شد که مشیرالدوله راضی شد که هشتاد هزار تومان بدهد و وزیر امور خارجه خودش باشد .

عین الدوله دید که هشتاد هزار تومان مشیرالدوله بهتراست از صد هزار تومان ارفع الدوله ، چه هم مشیرالدوله را دارد و هم بیست هزار تومان دیگر از ارفع الدوله در میآید .

لذا شب ، مشیرالملک و مؤتمن الملک پسر های مشیرالدوله را خواست و گفت من برای پول ، مثل مشیرالدوله شخصی را مکدر نمی کنم ، هشتاد هزار تومان را بدهید که تقدیم اعلیحضرت نمایم و ارفع الدوله را هم چون بر من وارد شده است و شاه را با او میل است ، خوب است بهمان مأموریت سابق بر قرار داریم . بالاخره در همان مجلس ، مشیرالملک حواله هشتاد هزار تومان بطومانیانس^۱ تاجر نهود ، حواله را نوشت و داد بعین الدوله و از آنجا بیرون آمد و مراتب را بپدر بزرگوار

۱- برادران طومانیانس از تجار درجه اول با کوبوند و تجارتخانه ای در باکو و شعبه ای در تهران داشتند که در حکم يك بانک اختصاصی بشمار میرفت .

خودشان گفتند .

مشیرالدوله گفت : عین الدوله گمان این قدر پول برای ما نداشت ، حالا که دید باین آسانی و سهلی هشتاد هزار تومان گرفت ، فردا بهانه دیگر خواهد گرفت و بر فرض ازمن احترام و ملاحظه کند ، بعد از مردن من دیگر شما صاحب يك شاهي نخواهید بود و این مالیه را که با صد هزار خون جگر درین مدت متمادی برای شما ذخیره گذارده ام باندك زمانی از شما خواهند گرفت ، چنانچه در مورد دیگران دیدیم و دانستید .^۱

مشیرالدوله حسن خان نیز مانند پدر مرد اقتصاد و حسابدان بود ، مخارج بیهوده نداشت ، آلودگی ها و هرزه دری های رجال دیگر در خود و خاندان او نبود ، و بهمین سبب درزندگی اقتصادی نیز توفیق تمام داشت .

حسن پیرنیا ، موفقیت اقتصادی خود را درزندگی تا حدی نیز مدیون همسر خود میباشد ، او با دختر مرحوم علاءالدوله قاجار^۲ که از طرفی نوۀ مرحوم امیر نظام گروسی و از طرف دیگر نوۀ عضدالملک شیخ قاجار بود ، درست شصت و دو سال قبل یعنی در سال ۱۳۲۰ قمری ازدواج کرد . و بهمین علت بود که هنگامی که در باغشاه مشیرالدوله را گرفتار کردند ، عضدالملک نزد محمدعلیشاه رفت و گفت مشیرالدوله داماد من است ، و دستور آزادی او را گرفت .

همسر مشیرالدوله - که سال قبل (۱۳۴۰ شمسی) فوت کرد - از زنان مدیره و

۱- ناظم الاسلام ، تاریخ بیداری ایرانیان ص ۵۵۱

۲ - علاءالدوله قاجار (میرزا احمد خان) از اعظم دربار ناصرالدین شاه بود و سختگیر و دیکتاتور مآب ، درنهم ذیحجه ۱۳۲۹ درموقع انقلاب طهران هنگام اولتیماتوم روسیه در باب اخراج مستر شوستر امریکائی ، نزدیک سفارت روس با چند تیر ناشناس مقتول گردید . (رجال صدر مشروطیت ، یغما ، ۵ : ۳۶۵) ، پسری ازوماند جان محمد خان نام که افسر ارتش بود و همه وقت بامرحوم مشیرالدوله از هرجهت اختلاف نظر و اختلاف عقیده و رویه داشت .

رجمه احوال مشیرالدوله

ومدبّره بود ، امور زندگی مالی و اقتصادی شوهر خود را به بهترین صورتی اداره میکرد ، آنقدر پیش بین اقتصاد خانواده بود که واقعاً مورث تعجب است ، در عین اینکه درخاندان او نان خور و فراوان بود ، ولی حسابها بسیار دقیق بود . وقتی که مجلس شورای ملی اقدام بتأسیس بانک کرد ، دو نفر صد هزار تومان بتنهائی دادند و آن ظل السلطان بود که هفتاد هزار تومان و مشیرالدوله (حسن خان) که سی هزار تومان تعهد کردند^۱ .

با همه اینها امور اقتصادی خانواده بسیار دقیق و حساب بدینار و بخشش بخروار بود ، بطوریکه وقتی همسر مشیرالدوله دکان نانوائی برابر منزل خود را خواست اجاره دهد (بعضی مستغلات اطراف خیابان منوچهری متعلق بمرحوم پیرنیا بوده است) چون درین حدود کسی جواز نانوائی نداشت و سخت مورد احتیاج مردم بود ، خانم مشیرالدوله دکان جلوی خانه خود را به يك نانوا واگذار کرد به دوش شرط : ۱- ماهیانه صد تومان اجاره ، ۲- هر مقدار مصرف نان یومیّه خانواده پیرنیا باشد تا وقتی که این دکان در دست مستأجر است ، نان را روزانه بقراردانه ای سی شاهی باید باین خانواده بفروشد ! حالا قیمت نان هر چه باشد و مصرف خانواده هر مقدار اضافه شود این قرارداد بجای خود باقی است ، و هنوز هم خانواده پیرنیا کم و بیش از این قرارداد استفاده میکنند!!

با این حسابهای دقیق خوب معلوم می شود که چطور ثروت مشیرالدوله بزرگ بدست آمد و ثروت فرزند بجای خود ماند و مثل اتابکها و عین الدوله ها از میان نرفت ، والا پارك سفارت روس هم متعلق به اتابك بود ، و به ثمن بخش از چنگ اولادش بدر رفت ، وهم اینجاست که گفته اند «هر مرد بزرگ ، زنی بزرگتر از خود دارد !»

۱- خطابه آقای تقی زاده در باشگاه مهرگان ، ص ۱۰۳

ایران باستان

عاقل بچنین روز کناری گیرد وز دامن عافیت حصاری گیرد
جام می وز لاف غمگاری گیرد تا عالم شوریده قراری گیرد

گوشه گیری و خانه نشینی

استعفای مشیرالدوله از نمایندگی مجلس، نماینده این بود که دیگر این مرد حوصله و علاقه همکاری با دستگاه مدیره و مدبیره مملکت را ندارد، سوابق امر خود نشان میداد که اولیای امر نیز مایل بچنین همکاری نبوده اند و گرچه «پادشاهان به صحبت خردمندان محتاج ترند که خردمندان بتقرب پادشاهان»^۱ اما بهر حال مشیرالدوله که نزدیک بیست سال به «زهرشکر آلود سیاست»^۲ لب آلوده بود، و نتیجه آن را میدید «باشاره پیر خرد، زاویه وحدت گرفت و از دریچه اعتبار، نظاره روزگار رسن باز میکرد»^۳.

اگر بگوئیم این گوشه گیری و گوشه نشینی برای تاریخ مملکت بسیار مفید واقع شد، سخنی بیجا نگفته ایم، چه مسلم بود که اگر مشیرالدوله در کارهای سیاسی باقی می ماند، دیگر عضوی مؤثر و مفید شاید نبود، ولی این گوشه نشینی توفیقی اجباری برای او فراهم آورد تا بتواند به کارهای علمی و تحقیقی خود پردازد و از ظاهر بمعنی روی آورد. مرگ سیاسی او حیات وزندگی بمعنی در پی داشت:

مردم از حیوانی و آدم شدم پس چه ترسم کی زمردن کم شدم؟

مشیرالدوله در ۱۳۱۹ قمری، یعنی در اوان عمر و صباوت، حقوق بین المللی را تألیف و چاپ کرد که مخصوص محصلین مدرسه علوم سیاسی بود و از آن تاریخ دیگر اثری بوجود نیاورده بود.

از بعد از سال ۱۳۰۴ شمسی که دیگر فرصت دخالت در امور سیاسی را نیافت، شروع بتألیف کتاب معروف دیگری بنام «ایران باستانی» نمود، این کتاب بسال ۱۳۰۶ چاپ شد.

۱- سعدی، گلستان.

۲- تعبیر استاد بدیع الزمان فروزانفر

۳- عقدالعلی، افضل کرمانی

ترجمه احوال مشیرالدوله

ایران باستانی در ۵۶۲ صفحه تنظیم شده است، مرحوم مشیرالدوله در مقدمه این کتاب، فلسفه خود را از نظر تاریخ نویسی چنین بیان میکند :

« مقصود از تألیف این کتاب نمایاندن ایران قدیم است چنانکه بود... تقریباً نصف کتاب بنمایاندن تمدن ایران قدیم یا بمقایسه دوره ها با یکدیگر و یا بمطالبی که با تاریخ محض ارتباط مستقیمی ندارد تخصیص یافته، جهت اختیار این اسلوب اینست که از نیم قرن باین طرف در میان علماء علم تاریخ این عقیده قوت گرفته که ذکر وقایع تاریخی و شمردن نام سلاطین و رجال بتنهائی برای فهم گذشته های مملکتی و علم باحوال روحی مردمان آن کافی نیست، بلکه برای شناختن ملتی، اوضاع مدنی او را باید دانست... بعضی از مصنفین باندازه ای باین موضوع اهمیت داده اند که در کتب راجعه بتاریخ، ذکر بعضی از این نوع اطلاعات را بر ذکر وقایع و نام پادشاهان و رجال، یعنی قسمت تاریخ محض را بر قسمت تمدنی، مقدم داشته اند... نگارنده لازم میداند که مراتب حق شناسی خود را نسبت بآقای سید حسن تقی زاده که مساعدت های ذی قیمت بآو نموده اند اظهار بدارد، کمک های ایشان در یافتن و رسانیدن مدار کی که نگارنده بآنها دسترسی نداشت و تحصیل آنها از جاهای لازم مستلزم انتظار طولانی بود برای او گرانها بود و موجب تشکرات صمیمی اوست، و نیز از آقای پروفیسور ارنست هرتسفلد که از اظهار نظر صائب راجع به آثار مدها و نقشه دولت هخامنشی دریغ ننموده اند تشکر می نمایم .

طهران رمضان ۱۳۴۶ مطابق اسفند ارمد ۱۳۰۶، حسن پیرنیا .»

این کتاب شامل وقایع ایران در عهد عیلام، بابل، آسور، ماد، هخامنشی، سلوکی، پارت، ساسانی، و مخصوصاً شامل مباحث مهمی از اوضاع اجتماعی ایران در دوران اخیر است و شامل نقشه ها و تصاویر مهمی نیز هست .

پس از چاپ این کتاب، مرحوم پیرنیا متوجه شد که داستانهای قدیم تاریخی و حماسی و ملی ایران که خود دارای جنبه های تاریخی نیز هست در ایران باستانی از نظر افتاده است و از این جهت تنظیم و چاپ کتاب «داستانهای ایران قدیم» آنرا

ایران باستان

جبران کرد . این کتاب که درامرداد ۱۳۰۷ شمسی در ۱۶۷ صفحه بچاپ رسید در حقیقت متمم کتاب ایران باستانی محسوب میشود . آنطور که مؤلف در مقدمه آن گوید: « حاوی خطوط برجسته داستانهای ایران قدیم است با ذکر مدارك و نتیجه سنجش آنها بضمیمه استنباطاتی که راجع بقرون قبل از تاریخ آریانهای ایرانی میتوان نمود.» درفصول این کتاب مطالبی درباب پیشدادیان ، سلسله کیان ، اسکندر ، اشکانیان ، ساسانیان ، دیده میشود. در فصول آخر کتاب سنجش داستانها وهمچنین ترکیب ومعانی اسامی قهرمانان افسانه های ایرانی آورده شده که بسیار ذیقیمت و دقیق است .

درهمین سالها مرحوم مشیرالدوله بسمت عضویت کمیسیون معارف برگزیده شد ، این کمیسیون وظیفه داشت علاوه بر نظارت بر کتب درسی و معارفی ، وسایل ترجمه و چاپ وانتشار کتب مهم وتألیفات برجسته زمان را نیز فراهم کند وحقیقت را باید گفت که درین امر نیز بخوبی توفیق یافت و کتبی که بتوجه و دستور این کمیسیون چاپ شده است امروز ازاممات کتب فارسی است که بسیاری ازآن بچندبار تجدید چاپ شده است .

اعضای اولیه کمیسیون معارف بترتیب حروف تهجی عبارت بوده انداز:

سلیمان میرزا اسکندری

میرزا احمدخان بدر (نصیرالدوله)

میرزا حسن خان پیرنیا (مشیرالدوله)

میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن المک)

میرزا سید محمدخان تدین

حاج میرزا یحیی دولت آبادی

میرزا محمودخان علامیر (احتشام السلطنه)

دکتر محمدخان مصدق (مصدق السلطنه)

میرزا اسمعیلخان مرتضائی (ممتاز المک)

ترجمه احوال مشیرالدوله

حاج مهدیقلی خان هدایت (مخبر السلطنه)

بعداً این عده نیز به کمسیون اضافه شده یا جانشین بعضی اعضای سابق شدند:

میرزا یوسف خان اعتصامی (اعتصام الملک)

میرزا سید حسن خان تقی زاده

میرزا ابراهیم خان حکیمی

میرزا احمدخان سعیدی

ارباب کیخسرو شاهرخ

کمسیون معارف، پس از انتشار ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم، از مرحوم پیرنیا درخواست کرد که خلاصه‌ای از کتاب ایران باستانی را برای تدریس در مدارس متوسطه در اختیار وزارت معارف قرار دهد، مرحوم پیرنیا بدین کار رضا داد و کتاب مذکور خلاصه شده و تحت عنوان «ایران قدیم» در سال ۱۳۰۸ به چاپ رسید و بعداً تأثیر ماه ۱۳۱۰ دوبار تجدید چاپ شد، این کتاب در ۲۴۱ صفحه تنظیم شده و شامل مختصری از تاریخ عیلام، بابل، آسور، ماد، هخامنشی، اسکندروسلوکیها، پارتی‌ها، ساسانیان، و هم چنین قسمت مهم تمدن ایران است و گر چه از حدود قدرت محصلین مدارس متوسطه افزون تر مینمود ولی بهر حال تألیفی نفیس بود.

تألیف مرحوم پیرنیا بعد از انتشار دو کتاب اول خود ب فکر تنظیم **ایران باستان** تاریخ مهم ایران باستان افتاد، نا گفته نباید گذاشت که در اوایل سلطنت پهلوی بر اثر توجهی که به معارف و تاریخ ایران بعمل آمد و باتقویتی که از روحیه ملی و ناسیونالیستی در ایران میشد و هم با فراغ خاطری که در اثر تدابیر معارف برای فضلاء و دانشمندان پیش آمده بود، فکر تنظیم يك دوره تاریخ مفصل و عظیم ایران در کمسیونهای معارف و مجامع فرهنگی قوت گرفت و عده‌ای بدین مهم توجه پیدا نمودند. مرحوم اقبال آشتیانی کیفیت شروع این نهضت را چنین میگوید: «شش سال قبل (۱۳۰۶) موقعیکه نگارنده در پاریس بودم و حسن اتفاق مصاحبت ذی قیمت بزرگان عالیقدری را که همه بر من سمت استادی داشته و دارند

ایران باستان

یعنی حضرت علامه مفضل آقای میرزا محمد خان قزوینی و حضرت مستطاب اشرف آقای ذکاءالملک فروغی و حضرت استادی آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی نصیب بود، غالباً گفتگوی این موضوع در میان بود که باتفاق یکدیگر بسبب تواریخی که در فرنگستان بهمکاری فضلاء فراهم شده است تاریخ عمومی جهت ایران تهیه کنیم و چندین جلسه اوقات ماصرف ترتیب نقشه این کار و اختیار روش و ترتیب وسایل و مقدمات آن شد، ولی بدبختانه فراهم نداشتن سرمایه مادی و مأموریت یافتن حضرت آقای ذکاءالملک به سفارت کبرای ترکیه و مراجعت برادر معظم ایشان بایران مانع صورت یافتن این نقشه گردید و در همین اثنا بود که دو جلد کتاب نفیس ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم تألیف حضرت مستطاب اشرف آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله پیرنیا انتشار یافت و موجب کمال خرسندی گردید که اولین قدم درین مرحله از جانب معظم له بانهایت دقت و احتیاط و رعایت طرز کار اروپائی و استفاده از جمیع منابع موجوده برداشته شد و برای کسانی که بعدها بخواهند این مرحله را به پیمایند راه روشن گردید.

مقارن برگشتن نگارنده به تهران (۱۳۰۷) وزارت جلیله معارف نیز برای رفع احتیاج مدارس دست بکارتألیف یک سلسله کتب درسی زد و جناب مستطاب اجل آقای اعتمادالدوله قراقرز وزیر معارف وقت نیز درین موضوع جدی تمام داشتند و مقرر گردید که سلسله تاریخ ایران از ابتدا تا مشروطیت به ترتیب ذیل فراهم شود:

از ابتدا تا صدر اسلام بقلم حضرت آقای پیرنیا،

از اسلام تا استیلای مغول بقلم حضرت آقای تقی زاده،

و از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت بتوسط این ضعیف [عباس اقبال]

آقای پیرنیا به ذوق شخصی اوقات گرانمایه خود را صرف انجام این منظور مقدس کرده و علاوه بر دو جلد ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم و یک جلد درسی خلاصه دو جلد فوق، تا کنون [۱۳۱۲] دو مجلد کبیر از ابتدای تاریخ ایران تا اوایل

دوره اشکانی را فراهم و طبع نموده اند و بقیه تاریخ ایران را هم تا ظهور اسلام در دو مجلد دیگر در دست تألیف و طبع دارند

کسانی که این دو مجلد حاضر را دیده و مطالعه کرده اند می دانند که مؤلف محترم تا چه اندازه درین راه زحمت کشیده و چه خدمتی ذیقیمت به هموطنان خود کرده اند ، همینکه دو جلد دیگر این کتاب گرانها نیز از طبع خارج شود افق جدیدی پیش مردم این عصر ، که از گزارش احوال نیاکان خود عموماً و ایران باستان ، خصوصاً آنهم بشکل مطالعه علمی بکلی بی خبرند ، گشوده خواهد شد و از قرائت و سیر در احوال اجداد با افتخار خود به مآثر گذشته قوم ایرانی که همه وقت در دنیای قدیم صاحب نام و نشان و همدوش ملل عظیم الشان بوده اند پی خواهند برد و بغرض - ورزی مورّخین دشمن در باب تحقیر مقام ایرانیان قدیم و مغرضین بی خبر عصر جدید که درین کتاب بخوبی پرده از روی کار ایشان برداشته شده است آگاهی خواهند یافت ، باشد که غرور ملی باردیگر در هموطنان معاصر ما شعله زند و خرمن سستی و تن پروری را در وجود ایشان سوخته آنان را به اقتدا به اجداد با عظمت خود وادارد!

اشتغال مرحوم مشیرالدوله بتدوین ایران باستان تا پایان عمر طول کشید ، آن مرحوم را علاقه بتاریخ ایران بدین کار خطیر گماشت و روزها گاهی تا ۱۴ ساعت وقت خود را صرف ترجمه و تنظیم مطالب کتاب و تصحیح و مطابقه آخرین نمونه های چاپخانه میکرد .

چنانکه بر خوانندگان پوشیده نیست منابع این کتاب عموماً خارجی بوده است ، بدین معنی که منابع اصلی آن یا یونانی بوده است و یا رومی ، و سپس این کتب به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و روسی و آلمانی و غیر آن ترجمه شده بود . مرحوم پیرنیا ترجمه های مهم منابع اصلی کتاب را از خارج بدست آورد و شروع به ترجمه آن نمود . خود به زبان روسی و فرانسه تسلط کامل داشت . انگلیسی را

نیز میدانست. در اواخر عمر، از جهت احتیاجی که بآثار دانشمندان آلمانی داشت ناچار شد زبان آلمانی را فرا گیرد و مثلاً يك دانش آموز دبیرستانی ساعتها اوقات فراغت خود را صرف فرا گرفتن این زبان کرد^۱ و زبان آلمانی را بكمك فرزند خود داود پیرنیا و معلمین دیگر آموخت. البته بزبان عربی نیز مسلط بود و بالنتیجه قسمت عمده منابع تاریخ را شخصاً مورد استفاده قرار میداد^۲. علاوه بر آن، مشیرالدوله

۱ - تقریر استاد سعید نفیسی

۲- آقای مهدی اکباتانی رئیس فعلی اداره بازرسی مجلس شورای ملی که در آن زمان از طرف مرحوم موتمن الملك جهت تصحیح کتب فوق به مرحوم مشیرالدوله معرفی شده بودند کیفیت چاپ کتب مذکور را بدین طریق به نگارنده این سطور مرقوم داشته اند:

«... ابتدا قریب ۵ هزار صفحه از کتاب ایران باستانی (هر صفحه هشت سطر و با سه رنگ مرکب بتدریج پاکنویس و از روی یادداشتهای آن مرحوم برای حروف چینی حاضر گردید، خوب بخاطر دارم که آن مرحوم برای تهیه سندی از قول یکی از مورخین یونانی (با اینکه کتاب زیر چاپ بود و با آنکه نقل قول سایر مورخین را نموده بودند) برای اینکه عین نظر آن مورخ را در کتاب ذکر کنند دو صفحه کتاب سفید ماند تا آن مأخذ از اروپا رسید و مطلب ترجمه و بجای خود چاپ شد.

هزینه چاپ این کتاب توسط خود مرحوم پیرنیا تأمین شد، پس از چاپ آن کتاب مرحوم پیرنیا بفکر تألیف و چاپ کتاب ایران باستان افتاد، آن مرحوم برای تهیه منابع این کتاب از هیچ نوع هزینه ای دریغ نمیکرد، خوب بخاطر دارم که برای تهیه عکس دقیق و صحیح از مقبره کوروش کبیر و صحنه جنگ دارا و اسکندر مقدونی، ناچار شد يك دوره تاریخ عمومی عالم تألیف اسکاریگر روسی را که بسیار گران قیمت و نایاب بود خریداری کند... قریب ۲۸ هزار صفحه پاکنویس مطالب این سه جلد کتاب را بنده تهیه کردم... باصراد فراوان ایشان قبول نمودند که چاپ کتاب بعده شرکت مطبوعات گذارده شود، چاپ جلد اول از ۱۲ مهر ۱۳۱۰ تا ۱۲ فروردین ۱۳۱۱، چاپ جلد دوم از اردیبهشت ۱۳۱۱ تا آبان ۱۳۱۱ و چاپ جلد سوم از مرداد ۱۳۱۳ تا بهمن ماه ۱۳۱۳ طول کشید.

پس از ابتلاء به بیماری اورمی، طبق دستور اطباء از خواندن و نوشتن محروم شدند و مطالب موجود را بنده پاکنویس میکردم و با اصلاحاتی که شفاهاً میکردند بچاپخانه می سپردم، اینجانب تا چهار ساعت قبل از وفات آن مرحوم کنار تخت خوابشان بودم و به پاکنویس قسمت های از جلد چهارم که مربوط به ساسانیان بود میپرداختم و متأسفانه این کتاب بیایان نرسید..»

ترجمة احوال مشيرالدوله

هرگز از مشورت با فضلاء و دانشمندان غفلت نداشت و اغلب اوقات با عده‌ای که بزبانهای خارجی وهم چنین تمدن قدیم ایران آشنائی داشتند در گفتگو و مشاوره بود . درین میان استاد بزرگ آقای سعید نفیسی از همکاران صمیمی ومورد مشورت خاص آن مرحوم بود وتاپایان عمر پیرنیا نیز این همکاری ادامه داشت .

مرگ مشیرالدوله

تنظیم ایران باستان قریب دهسال تمام طول کشید . در اواخر سال ۱۳۱۲ بود که در اثر کثرت کارو فرارسیدن ایام پیری ، دچار اورمی وسپس سکنه ناقص (انفاکتوس) شد و قسمتی از بدن فالج ماند و چشم راست او معیوب گردید ؛ دوران بیماری دوسال طول کشید . در این مدت چند بار ساکنین خیابان منوچهری و همسایه های مرحوم مشیرالدوله متوجه می شدند که خیابان قرق می شد و گارد مخصوص سلطنتی از آنجا می گذشت و سپس اتومبیل رضا شاه پهلوی پادشاه مقتدر ایران ، در برابر منزل مشیرالدوله می ایستاد ، شاه بزرگ ومقتدر سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ ، نخست وزیر سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ را (که خود وزیر جنگ او بود) عیادت میکرد و این عیادت ها گاهی ساعتها وقت شاه را می گرفت . هرگز گمان نمیرفت که ده سال بعد در ژهانسبورگ کسی به عیادت شاه بزرگ نرود ، همچنانکه سالها پیش هم احمدشاه را در دم مرگ کسی عیادت نکرده بود : «تاریخ عالم محکمه عالم است ، این معنی همیشه مصادیق داشته و ازین ببعد هم همواره با اعمال بشر صدق خواهد کرد . »^۱

مشیرالدوله در ۲۹ آبان ماه ۱۳۱۴ (۱۳۵۴ قمری) شمسی در منزل شخصی خود بدرو حیات گفت ، در این ایام نزدیک به شصت و سه خزان زندگی را پشت سر گذاشته بود . مدفنش در صحن امامزاده صالح تجریش در مقبره خانوادگی است.^۲

مجلس ختم او به تجلیل برگزار شد ، با آنکه بر طبق دستور دولت در آن ایام مقرر بود که عزاداری ها عموماً بی سر و صدا و در مسجد و آنهم برای مدت

۱- ایران باستان ، ص ۱۴۲۹

۲- یادداشت های مرحوم اقبال ، مجله دانشکده ادبیات ، سال ۹ ش ۱ ، ص ۲۲ ؛ نشر فارسی معاصر ص ۵۱

ایران باستان

دو ساعت گذاره شود ، معذالك مرحوم فروغی از اعلیحضرت استجازه کرد که پُرسه را در منزل شخصی مرحوم پیرنیا بگذارند ، و اعلیحضرت گفته بود : « البته در باب مرگ مشیرالدوله بهر ترتیب صلاح میدانند عمل کنند » . بدین طریق اجازه داده شد که مراسم عزاداری در منزل شخصی او بجای آورده شود .

مرگ مشیرالدوله ، آرزوی این مرد بزرگ را در پایان دادن تاریخ ایران قدیم بـخاک سپرد . اما جلد چهارم آن که مختص دوره ساسانی باشد : مرحوم پیرنیا یادداشتهائی درین باب تهیه کرده بود ، در واپسین ایام عمر ، آقای سعید نفیسی را فراخواند و گفت : دیگر امید اینکه حیاتی باشد و دوره تاریخ پایان پذیرد نیست ، شما آنرا بهر ترتیب بدانید تکمیل کنید .

آقای سعید نفیسی بعدها آن یادداشتهای را تنظیم کرده و به چاپخانه سپردند که توسط شرکت مطبوعات بچاپ برسد و حدود دوست صفحه آن نیز ظاهراً چاپ شده بود که در جنگ عظیم جهانی پیش آمد و بر اثر گران شدن کاغذ و مخارج چاپ ، طبع کتاب متوقف ماند و شرکت طبع نیز که خود را در معرض زیان دید ، فرمهای چاپ شده را بصورت کاغذ باطله (که قیمت آن از کاغذ سفید پیش از جنگ بیشتر شده بود) فروخت و هم اکنون فقط يك نمونه از آن یادداشتهای چاپ شده نزد استاد نفیسی موجود است و حق این بود که استاد قسمتی از اوقات خود را که صرف چاپ دواوین و متون دیگر میکنند به تنظیم و تکمیل تاریخ ساسانیان تخصیص دهند و این مهم پایان پذیرد .

عجب این بود که تقسیم بندی تاریخ ایران که از ۱۳۰۶ در نظر گرفته شده بود و تقی زاده و مرحوم اقبال هم مسؤول آن بودند در هیچ دوره ای پایان نیافت ، مرحوم پیرنیا را اجل مهلت نداد و عصر ساسانی تمام نشد ، آقای تقی زاده « از پرویز تا چنگیز » را شروع کرد ولی نه تنها به چنگیز نرسید ، بلکه از پرویز هم نگذشت ، و دیگر هم گمان اینکه در این ایام آنرا دنبال کنند نمیرود ، یعنی که امید و اتکائی

ترجمه احوال مشیرالدوله

به نیر و نیست؛ و مرحوم اقبال هم که تاریخ مغول را با آن دقت و صحت شروع کرد ؛ فقط يك جلد را بپایان آورد و باقی عمر را در تجرّد و غربت گذراند و آخر هم در سواحل مدیترانه (ایتالیا) مرگش دریافت و کتاب بپایان نرسید و امروز می بینیم که تاریخ ایران هم مانند سرگذشت دنیا است که: اول و آخرین کهنه کتاب افتاده است .

مرحوم پیرنیا علاوه بر تألیفاتی که نام بردیم ، تفسیری بر حقوق جزا نیز نگاشته است که قریب دویست صفحه میشود و هنوز بچاپ نرسیده و ظاهرأ صورت جزوه برای محصلین را داشته است . یادداشت هایی نیز در دفتری جلدسیاه از زندگی دارد که جزء اشیاء خانوادگی هنوز مهر و موم شده مانده است .

عجب اینست که در هیچیک از مجلات و جرائد کشور اثری از آن مرحوم چاپ نشده است .

او در عشره آخر عمر - که عصر طلایی دولت پهلوی ش خوانده اند- جز در کمیسیون معارف و انجمن آثار ملی ، جای دیگر دخالت و عضویتی نداشت و کار اجتماعی دیگری نکرد و فقط اشتغال بتألیف ایران باستان داشت و حق اینست بگوئیم که اگر مشیرالدوله خدمتی بزرگ با تألیف ایران باستان بایران کرد ، ایران باستان هم خدمتی عظیم بخود او نمود و آن این بود که تکلیف مشیرالدوله را پس از برخورد به «چراغ قرمز سیاست» و گوشه گیری، بقول آقای محیط طباطبائی در برابر همزه و لمزه پنهان پژوهان دولتی روشن کرده بود و معلوم می داشت که او در خانه در چه کار است و چه میکند و هیچ جای سعایت برای کسی باقی نمیگذارد که مانند بسیاری از رجال آن زمان دچار سوءظن و احیاناً اهانت قرار گیرد و بخاطر دستمالی قیصریه ای آتش زده شود .

۱- پنهان پژوه بهترین اصطلاحی است که شاید بتوان در برابر جاسوس و پرونده ساز

و مفتش و امثال آن بکار برد . فردوسی گوید :

بیامد یکی مرد پنهان پژوه به رهام بنمود ز انگشت، کوه

صدوسی و پنج

اکنون که شرح حال مشیرالدوله^۱ به پایان می‌رسد، مناسب آن است که ازدو تن از بستگان معروف این مرد نیز نامی بمیان آید: یکی مرحوم مؤتمن الملک حسین پیرنیا برادر کهنراوست که ظاهراً کمتر ازدو سال پس از او بدنیا آمده بود ولی در تمام ایام عمر سیاسی با او همگام و همراه بود، او تحصیل کرده لندن و پاریس بود، ازدوره دوم تادوره ششم نماینده مجلس و در دوره چهارم رئیس مجلس و چند بار وزیر بود. «مجموعه معاهدات ایران بادل خارجه» تالیف اوست، او روز دوشنبه ساعت هشت صبح نهم شهریورماه ۱۳۲۶ شمسی مطابق ۱۵ شوال ۱۳۶۶ قمری بمرض سرطان فقرات وفات یافت.

دیگر مرحوم معاضد السلطنه ابوالحسن پیرنیا نواده عم مؤتمن الملک و مشیرالدوله که از آزادیخواهان بنام بود و خصوصاً در مدت اقامت در اروپا به احرار و مشروطیت خدمات فراوان کرد، چند دوره نماینده مجلس و یک بار هم حکومت ایالت کرمان را داشت^۲ و بعد از رفتن او از کرمان بود که یکی از شعرای شوخ آن شهر

۱- بدنیست اشاره کنیم که در دوره قاجاریه شش تن از صدور و وزراء لقب مشیرالدوله یافته بودند که عبارت بودند از:

الف- میرزا جعفرخان مشیرالدوله تبریزی معروف به مهندس که در ۱۲۳۰ قمری به اروپا رفت و پس از بازگشت در ۱۲۵۲ بسفارت اسلامبول برگزیده شد و در ۱۲۷۵ بصدر شورای دولتی رسید (بعد از میرزا آقاخان صدراعظم) و در ۱۲۷۹ وفات یافت.

ب- حاج میرزا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله (متولد ۱۲۴۱ قمری)، اودرسال ۱۲۸۸ به صدارت ناصرالدین شاه رسید و بعد از ۱۲۹۸ قمری که حاکم خراسان بود در همانجا وفات یافت.

ج- یحیی خان مشیرالدوله قزوینی که در ۱۳۰۳ به وزارت خارجه رسید و در ۱۳۰۵ معزول شد، او بسال ۱۳۰۹ قمری درگذشت.

د- حاج محسن خان مشیرالدوله تبریزی، در ۱۳۰۹ به وزارت عدلیه رسید و در ۱۳۱۴ در پاریس درگذشت.

ه- میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدرحسن پیرنیا.

و- حسن مشیرالدوله پیرنیا

(شش مشیرالدوله، ایرج افشار، جهان نو سال دوم شماره یازدهم)

۲- بسال ۱۳۱۰ شمسی (تاریخ کرمان مصحح نگارنده، ص ۴۴۸)

ترجمه احوال مشیرالدوله

درباره او گفته بود :

ای خدا ، بعد سر پیرنیا کر بیا ، کور بیا ، پیرنیا !
اود را و آخر عمر والی فارس شد و هم در ۱۳۵۸ قمری در شیراز در گذشت و نعش او
به نایین انتقال داده شد.

مرحوم مشیرالدوله در مدت حیات نشانهای زیر را احراز کرده بود :

نشان اقدس حمایل درجه اول (از احمد شاه)
نشان تاج درجه اول ایران
نشان عقاب سفید درجه اول روسیه
نشان سن ژرژ درجه اول انگلستان
نشان لژیون دو نور فرانسه
نشان گیوم دوداسو درجه اول هلند
نشان مجیدیه درجه اول عثمانی

از مشیرالدوله شش پسر و یک دختر باقی ماند، دختر او «هما» با مرحوم پیدالله عضدی
امیراعظم، فرزند امیراعظم معروف که مدت ها حکمران شاهرود و کرمان و از متنفذین
خراسان بود ازدواج کرد. این دختر جوان مرگ شد و در ۱۸ سالگی در او آخر ۱۲۹۸ یا
اوایل ۱۲۹۹ شمسی^۱ سرزا رفت و مشیرالدوله در مرگ او سخت غمگین و پریشان شد.
شش تن پسر عبارتند از داود و هرمز و باقر و مهدی و ولی الله و ابوالقاسم، و معروفترین
نوه او آقابیشن (بیژن فرزند داود پیرنیا) است که برنامه کودک را در رادیو ایران
براه انداخته است.

۱- تقریر آقای حبیب یغمایی ، بروایت ایشان در همان ایام که هنوز امیراعظم در
لباس عزا بود ، کودتای ۱۲۹۹ پیش آمد و امیراعظم از بیم توقیف، متواری شد ، تخمین
سال فوت دختر بر حساب فوق بوده است .

ترتیب کار مرحوم پیرنیا بدین وجه بود که ابتدا موضوع
 بحثی مختصر در مورد بحث را از منابع مهم خارجی ترجمه میکرد و اقوال
 باب ایران باستان مختلف را با هم می‌سنجید و با آثار و کتبه‌ها و احیاناً

منابع داخلی مطابقه و مقایسه میکرد و سپس با انشاء و سبک مخصوص خود تحریر
 مینمود و آنگاه پاکنویس میکرد و سپس با فضلی محقق در باب آن مشورت
 مینمود، درین مورد خصوصاً آقای سعید نفیسی با ایشان همکاری مداوم داشته
 است. از آن پس مطالب به چاپخانه فرستاده میشد، و چون وسواس بیش از حد در
 مورد ضبط و ثبت اسامی خاص و اعراب و حرکات آن و صحت جملات داشت نمونه‌های
 چاپخانه را که آقای مهدی اکباتانی دیده بود باز بچند بار شخصاً رسیدگی و
 مطابقه میکرد و اجازه چاپ میداد، شاید بتوان ادعا کرد که بتناسب امور
 مطبوعاتی در ایران جلد اول و دوم ایران باستان، کم غلط‌ترین کتب تحقیقی باشد
 که در نیم قرن اخیر به چاپ رسیده است.

در باب نقد مطالب ایران باستان، اینجا جای گفتگو نیست که خود تحقیقی را
 دیگر در خور است، تنها میتوان گفت که مرحوم پیرنیا آخرین و تازه‌ترین و
 صحیح‌ترین اطلاعات عصر خود را در باب تاریخ ایران باستان بدست آورده است،
 البته بعد از مرگ او تا امروز کتبه‌ها و آثار تازه بسیار بدست آمده و کتب و رسالات
 متعدد نوشته شده و صدها شرق‌شناس در باب تاریخ اعصار گذشته‌ها تحقیقات کرده‌اند،
 ولی باز هم شاید بتوان ادعا کرد که مطالب تازه آن قدرها نیست که بتواند مطالب
 ایران باستان را حتی در چند جمله مختصر تخطئه کند.

ایران باستان تنها تاریخ ایران نیست، بلکه دائرة المعارفی است در باب
 تاریخ و تمدن و فرهنگ اعصار باستانی ممالک مهم دنیا خصوصاً یونان و روم و سوریه
 و مصر و عربستان و بین‌النهرین و هند، چنانکه در مطالعه این تاریخ سرگذشت
 اقوام و پادشاهان و پارتی را تنها نمی‌بینیم، بلکه از بسیاری مسائل و مطالب مربوط
 به خاور میانه امروز و دنیای متمدن آن روز آگاه میشویم.

ترجمه احوال مشیرالدوله

مرحوم مشیرالدوله در تنظیم تاریخ خود هرگز تعصب را راه نداده است، هر چند روحیه ناسیونالیستی او در سطر سطر کتاب خودنمایی میکند، اما صورت تعصب ندارد، او به سائقه علاقه به ایران و توجه به تمدن ایران کوشش کرده است که هر جاجمله ای یا مطلبی در باب خصوصیات و مزایای روحی و اخلاقی ایرانیان بیابد، نقل کند و آنرا تجلی بخشد، اما هرگز از جاده انصاف خارج نشده است، چنانچه نتیجه دخالت زنان را در دستگاه سلطنت اردشیر دوم (ص ۱۰۳۴) و فلسفه پرستش شاه را تا مقام اولوهیت و انتقاد آن (ص ۲۱۰۰) و سبکسری های خشایارشا در قشون - کشی ها (ص ۹۰۵) هرگز از یاد نمیبرد و حقیقت را میگوید و همه حقیقت را هم میگوید: «خشایارشا دست باز دارد و دل جوانمرد، ولی نظرش در انتخاب اشخاص صائب نیست و بخطا میرود، رأی صحیح را می پسندد ولی قوت اراده برای اجرای آن ندارد، مغلوب زنان است و زمام امور را بدست خواجه سرایان و زنان می سپارد، درباره اشخاص مفرط است یا مفرط. خلاصه آنکه از او دوره انحطاط در خانواده هخامنشی شروع شد و کار بدست زنان و خواجه سرایان افتاد.»^۱

مشیرالدوله پس از آنکه قریب ثلث جلد دوم کتاب خود را در باب اسکندر و کارهای او اختصاص داده است، و همه جا او را دشمن خونخوار ایران در سطور تاریخ می بیند و می داند، معذالك در توصیف او گوید:

«اسکندر شخصی بوده، هوشمند و غالباً هشیار، دلیر و شجاع، مرد تصمیم در مواقع خطرناک، صاحب عزمی قوی و طاقتی خلل ناپذیر، جویای نام و جاه طلب به حد افراط، بلند پرواز تا سرحد افراط و تا سرحد جنون، میگسار و شهوت پرست، جوانمرد و بافتوت، مملو از غضب و بی رحم نسبت به اشخاصی که میخواستند او را در حد اعتدال ببینند، خودپسند و خود ستای، تند خو و حسود، شقی و سفاک، بی باک در خونریزی و خراب کردن و قتل عام از زن و مرد، پیرو برنا

و بزرگ و کوچک ... ستایش کنندگان اسکندر از صفات بزرگ او این معنی را میدادند که هیچگاه مغلوب نشد، بعقیده ما عدم مغلوبیت به تنهایی برای ستایش کسی کافی نیست، جهانگیر وقتی مستحق ستایش است که لا اقل بیش از خراب کردن آباد کند بعقیده نگارنده فیلیپ پدر اسکندر از او برتر بود اسکندر شخصی بود بزرگ و دارای صفاتی زیاد از خوب و بد هرگاه از نظر منافع بشر بنگریم، او بیشتر گرفت و خیلی کمتر داد او آدمی بود، و آدمی نه از عیب مبری است و نه از خطا و بخشش مصون.^۱

این نمونه مختصر برای نمایاندن دقت نظر و نحوه قضاوت مرحوم مشیرالدوله درباره قهرمانان تاریخ خودش بود و الا بحث در باب کتاب را مبحثی دیگر بایسته است.

سبك انشاء پیرنیا اختصاص بخود او دارد، در کمال صحت است، جملات کامل و رساست و حد اکثر کوشش را بکار میبرد که مفهوم را بتواند کاملاً حالی خواننده بکند و ازین جهت حتی از تکرار مطالب نیز باك ندارد.

عیبی که بنده شخصاً در انشاء مشیرالدوله می بینیم (و گو اینکه شاید از نظر تاریخ نویسی حسن آن باشد!) اینست که مزه و چاشنی ندارد، گاهی آدم لازم است که از خستگی خواندن ماجرای طولانی کوروش یا اسکندر یا پارت ها و سلوکی ها آنهم بعد از شنیدن اسامی ده پانزده آنتیوخوس یا سلکوس خارج شود و این جمله را سبك انشاء جدی و خشك و ثابت و لاتیغیر او بما نمی بخشد. اصولاً مرحوم مشیرالدوله اهل شعر نبود و این شاید جزء صدراعظمهای معدود دوران اخیر باشد که به شعر توجه نداشته اند، اینست که در همه کتاب او جز چند بیت از اشعار فردوسی را نمیتوانیم بیابیم.

واقعاً عجیب است که مرحوم مشیرالدوله که خود مسلماً داستان اسکندرنامه نظامی را دقیقاً خوانده است، وقتی صحبت از مرگ دارا میکند واز کید بسوس و نبرزن

(ص ۱۴۳۶) گفتگو می دارد، شعر نظامی را از یاد ببرد. او آخرین دقایق عمر دارا را با این شکوه و در عین حال رقت و طنین (از قول کنت کورث مورخ خارجی) بازگو میکند: «باسکندر بگو که از محن، حتی ازین بلیه که بعمر من خاتمه میدهد، بدتر این است که درازای نیکی هائی که او [اسکندر] به مادر و زن و اطفال من کرد، نتوانستم حق شناسی کنم و می میرم، درحالی که دشمن او هستم، ولی اگر راست است که آخرین دعای بیچارگان در نزد خداوند مقبول است، از او خواهانم که اسکندر را از هر مخاطره ای محفوظ بدارد.... بعدداریوش آب خواست، پس از چند لحظه اسکندر در رسید و بطرف نعش داریوش دویده بحال دلخراش این شاه مقتدر رقت آورد و بگریست، بعد ردای خود را کنده روی نعش انداخت و امر کرد با احترامات زیاد نعش شاه را حراکت داده به مقبره شاهان ببرند» (ص ۱۴۴۴)، واقعاً ظلم است که آدمی تاریخ را باین دقت و لطافت بازگو کند و آنوقت این اشعار را در مورد مرگ دارا فراموش نماید و در پایان آن نیاورد که گفت:

بسوس و نبرزن دوسردار پست بر آن پیلتن بر گشادید دست

سکندر فرود آمد از پشت بور	در آمد به بالین آن پیل زور
تن مرزبان دید در خاک و خون	کلاه کیانی شده سرنگون
سر خسته را بر سران نهاد	شب تیره بر روز رخشان نهاد
فرو بسته چشم آن تن خوابناک	بدو گفت برخیز ازین خون و خاک
رهاکن که در من رهائی نماند	چراغ مرا روشنائی نماند
رهاکن که خواب خوشم می برد	زمین آب و چرخ آتشم می برد
نفیر از جهانی که دارا کش است	نهان پرور و آشکارا کش است
درخت کیان را فرو ریخت بار	کفن دوخت بر درع اسفندیار
که داند که این دخمه دام و دد	چه تاریخها دارد از نیک و بد؟!

شاید مشیرالدوله می خواست سرموئی از تاریخ نویسی و ضبط وقایع از قول

مورخین خارجی دور نشود ولی من میگویم که ذوق و حال و شعرو ادب و دوستی را کلاً مرحوم مشیرالدوله به پسر بزرگ خود داود پیرنیا سپرده بود که هم اکنون همه کوشش خود را صرف تنظیم برنامه های ادبی و ذوقی «گلهای رنگارنگ» و «گلهای جاویدان» و «یک شاخه گل» رادیو بنماید.

اصطلاحاتی که مرحوم پیرنیا در کتاب بکار برده است تقریباً اختصاص بخود او دارد و از آن جمله است: او باید برای مقدمات و فرمانده و برای مردمان دیگر «آقا» باشد (ص ۱۲۶۱)، «فراراندن» بجای فرار دادن (ص ۱۳۶۳ و ۲۲۹۲)، «رفتار آقا نسبت به تبعه» (ص ۲۲۱۰)، «درین وقت مهرداد یک پیرمرد به قاعده بود» (ص ۲۱۴۵)، «کل آندر پس از آنکه دختری را از خانواده نجیب «بی سیرت» کرد، وی را به...» (ص ۱۸۶۴)، «آقای دشت نبرد» (ص ۲۰۱۶)، «قشون ازجا کنند» (ص ۱۳۸۸) «پیغامات» (ص ۲۲۸۸)، «تگرگ تیرباریدن» (ص ۲۳۰۹، ۲۳۱۴)، و غیر آن،

نکته ای که بعقیده بنده در کتاب بزرگ این مرد تا حدی نقص مینماید آنست که تلفظ اسامی یونانی، بیشتر بصورت تلفظ فرانسوی آن نوشته شده است که ظاهراً از نظر سهولت تلفظ و شهرت عام شاید مزایائی داشته باشد، اما نباید فراموش کرد، که اسم علم همیشه علم است و تغییر و تبدیل آن در حکم آنست که ما امروز فی المثل بجای یعقوب بگوئیم «یع» و یا بجای ژاله «ژال» بکاربریم.

چنین است نگارش اسامی یونانی در ایران باستان که بیشتر بصورت ضبط فرانسه (که معمولاً ابترو دم بریده است)، و گاهی هم بهر دو صورت فرانسوی و یونانی آمده است از آن جمله: او من و او منس (ص ۲۱۳۶)، هراکل پسر اسکندر (۲۰۴۴) که بصورت هراکلس و هرکول نیز در همین کتاب آمده است، پاراپامین (افغانستان) که هم پاراپامیزاد (۲۰۰۸) و هم پاراپامین ضبط شده، پولیب (۳۱۱۲) که در (۲۰۹۱) پولی بیوس آمده، و هم از آن جمله است آتال و آتالوس و کراتروس و پاتروس و کروس و غیره. اگر با وسایلی ممکن بود که اصل تلفظ این اسامی خاص و ضبط و شکل یونانی آن با الفبای یونانی درین کتاب ضبط میشد البته مناسبتر بود.

گاهی اوقات در ضبط بعضی اصطلاحات بصورت صحیح و اولیه و سواس خاصی دارد چنانکه در بیشتر جاها بجای کلمه ازدواج معمولی، زواج (ص ۲۰۵۹) و بجای تصمیم گرفتن و تصمیم داشتن، تصمیم کردن بکار برده است و هم چنین اصطلاح است جالب «حکومت سه مرده» (ص ۲۲۹۴، ۲۳۳۹)،

بعض نکات هم هست که اندک تسامحی در آن میتوان یافت مثل کلمه «گدروزیا» که مرحوم پیرنیا همه جابه پیروی از اروپائیان آنرا بلوچستان خوانده است و حال آنکه گدروزیا سرزمین جیرفت کرمان است، نه بلوچستان و حتی تا بعد از اسلام نیز این ناحیه بنام «جردوس» (محرّف جردوس = گدروز) خوانده میشده است^۱ یا وجه تسمیه ابنيه و آثاری بنام دختر مثل «قلعه دختر و کتل دختر و پل دختر» که مرحوم پیرنیا عقیده دارد بعلت صعب العبور بودن و عدم دسترسی مردم بآن نام شهرت یافته و گوید: «دختر به معنی سخت یا محکم استعمال شده، و باید این معنی را ترجیح داد»^۲. بنده ضمن تحقیقی که درین باب کرده ام گمان دارم که این معابد منسوب به «ناهید» فرشته آب وانوشت بوده و حتی این شوخی را هم در مقاله ای که تحت عنوان «ابنيه دختر» چاپ شده است با مرحوم پیرنیا کرده ام که: اگر مرحوم پیرنیا این عقیده «محکم و سخت بودن را» در باب «کتل دختر» صحیح بدانند، در باب کتل پیرزن چه خواهند فرمود؟!^۳

بحث درباره کتاب درین مبحث نمی گنجد، در اوایل فصل اشاره کردیم که حق مرحوم پیرنیا از جهت ایران باستان بر ملت ایران با قدری تسامح (یعنی منهای شورو حال و ذوق و تعصب فردوسی و قدرت ادبی او)، کم از حق فردوسی نیست. این بیان اگر ظاهراً اغراق بنظر آید، باید توجه داشته باشیم که ما امروز صحبت از

۱- رجوع شود بتاریخ کرمان مصحح نگارنده ص ۱۰ و معجم البلدان یا قوت حموی، (جردوس)

۲- ایران باستان ص ۲۷۰۲

۳- رجوع شود به مقاله مفصل نگارنده تحت عنوان «ابنيه دختر و قلعه دختر کرمان» مجله باستانشناسی شماره ۱-۲ ص ۱۰۵ تا ۱۳۷.

ایران باستان

ایجاد تاریخی می‌کنیم که مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش از این ایران است و متأسفانه تا چهل سال پیش برای ما مجهول و نامعلوم بود ، مقام و شخصیت مردانی مانند کوروش که مقام رهبر عالم بشریت را یافته و نجات دهنده لقب گرفته و حتی بعضی او را ذوالقرنین مذکور در قرآن خوانده اند^۱، تا چهل سال قبل برای ایرانیان مجهول بود . کسی نام داریوش و خشایارشا را نمی‌دانست ، حیطة حکمرانی و مقام فرماندهی هخامنشیان و پارت ها و مادها را کسی تشخیص نمیداد ، منابع ایران بکلی از میان رفته بود و به منابع یونانی و رومی اروپائی کسی دسترسی نداشت و در حقیقت ایران بود و تاریخی مبهم از ساسانیان به بعد ، پس کجا اغراق است اگر بگوئیم مشیرالدوله زنده کننده تاریخ ایران باستان است .

البته در زمان قاجاریه ، بعضی ترجمه‌های ناقص از فصول تواریخ اروپائی میشد ، (مثلاً اعتماد السلطنه فصل عبور اسکندر را از تواریخ اروپائی در جلد اول مرآت البلدان آورده است و یا در باب استخر و پارس و بازار گاد مباحثی بسبک امروزی با استفاده از تحقیقات تاریخی جدید ترتیب داده) ولی کار مشیرالدوله دیگر است و خدمت او بر هیچ يك از اهل فن و تحقیق پوشیده نیست و بجاست سخن را ختم کنیم و از قول فردوسی در باب ایران باستان بگوئیم که :

پی افکنده از «نثر» کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

طهران - مهرماه ۱۳۴۱ شمسی

باستانی پاریزی

۱ - رجوع شود به ذوالقرنین یا کوروش کبیر ، از تألیفات ابوالکلام آزاد ، ترجمه نگارنده ، چاپ تهران ، ۱۳۳۰

فهرست

اعلام ایران باستان

شامل اسامی امکنه ، اشخاص و بعضی اصطلاحات خاص

- ✧ در ضبط بیشتر اسامی ، رسم الخط کتاب رعایت گردیده است .
- ✧ اعدادی که حرف (م) در کنار آنست ، نشانه عدد صفحه مقدمه کتاب (ترجمه احوال مشیرالدوله) است .
- ✧ یکی دو اسم (مثل الحضر و الجزائر) بصورت مشهور آن یعنی در ردیف الف آمده است نه در حرف مربوط .
- ✧ اسامی خدایان ضمن اسامی اشخاص ملحوظ شده و معابد باینکه منسوب به خدایان بوده است جزء اسامی امکنه آمده است .
- ✧ این فهرست توسط آقای باستانی پاریزی تهیه شده است .

فهرست جای‌ها

۶۳۷-۶۴۴-۶۵۴-۶۵۶-۶۵۸-۶۶۲-

۶۶۸-۶۷۰ تا ۶۷۸-۶۸۰-۷۰۳-۷۰۴-

۷۱۷-۷۲۶-۷۳۱-۷۴۰-۷۵۳-۷۵۶ تا

۷۵۸-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۵-۷۷۰-۷۷۳ تا

۷۷۵-۸۰۱ تا ۸۱۰-۸۱۷ تا ۸۱۹-۸۲۲-

۸۳۱-۸۳۲-۸۳۴ تا ۸۳۶-۸۳۹-۸۶۰-

۸۶۹-۸۸۶-۸۹۴-۹۱۱ تا ۹۱۳-۹۱۵-

۹۱۹-۹۲۲ تا ۹۲۶-۹۳۰-۹۳۲ تا

۹۳۵-۹۳۶-۹۳۸-۹۴۳-۹۶۵-۹۶۶-

۹۶۸-۹۸۱ تا ۹۸۳-۹۸۶-۱۰۵۸-۱۰۸۶-

۱۱۱۰ تا ۱۱۱۲-۱۱۱۴-۱۱۱۷-۱۱۱۸-

۱۱۲۲-۱۱۳۴-۱۱۳۷-۱۱۴۰-۱۱۵۰-

۱۱۵۱-۱۱۶۷-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۹۲-

۱۱۹۵-۱۱۹۸-۱۲۰۱-۱۲۰۵ تا ۱۲۰۷-

۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۳۵-۱۲۳۷ تا ۱۲۴۱-

۱۲۵۸-۱۲۶۲-۱۲۷۵-۱۲۹۳-۱۲۹۷-

۱۴۰۸-۱۴۲۵-۱۴۲۹-۱۵۱۰-۱۵۱۴-

۱۵۳۲-۱۵۹۲-۱۶۰۰-۱۶۳۸-۱۶۴۵-

۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳-۱۹۳۰-۱۹۴۵-۱۹۷۵

تا ۱۹۷۷-۱۹۸۰-۱۹۸۱-۲۰۰۳-۲۰۰۴-

۲۰۲۵-۲۰۴۷-۲۱۳۱-۲۱۳۹-۲۱۶۳-

۲۴۷۳-۲۵۸۹-۲۶۰۵-۲۶۵۸-

آتیک (سرزمین): ۲۱۱-۳۴۵-۵۰۳-۶۳۷-

۶۳۸-۶۷۰-۶۷۱-۷۰۹-۷۷۳-۸۰۲-

۸۰۶-۸۰۸-۸۱۶-۸۲۱-۸۳۴-۸۳۶-

۸۳۹-۸۷۸-۸۸۳-۹۲۱-۱۴۲۳-۱۸۸۱-

۱۸۸۳-۱۹۷۷-۲۳۶۳-۲۶۰۵

آ

آارن: ۱۷۷۳-۱۸۰۷-۱۸۳۶

آبادان: ۱۴۷

آبدر: ۷۷-۲۹۴-۶۵۹-۷۴۸-۷۵۱-۸۲۴

آبس: ۷۹۸

آپست: ۲۶۷۹

آبستان: ۱۸۳۳-۱۸۴۲

آبیدوس: ۶۵۱-۷۱۷-۷۲۰-۷۲۳-۷۴۱-

۷۴۳-۷۶۰-۷۶۸-۸۲۳-۸۲۹-۸۷۰-

۹۷۶-۹۷۷-۱۱۱۳-۱۲۴۵

آپادانا: (اپدانه)

آپامای پل: (زگما)

آپام آ: ۲۰۶۳-۲۰۶۴-۲۱۱۱ تا ۲۱۱۷-

۲۱۵۲-۲۳۴۲

آپامه: ۲۰۰۵-۲۰۶۶-۲۱۰۱-۲۱۱۳-۲۱۷۸

آپاورتن: ۲۲۰۷-۲۲۰۸

آپلنی: ۲۱۱۴

آپلونیاتیس: ۲۶۵۱

آپنین (شبه‌جزیره): ۲۴۵۰

آتارنه: ۷۲۲

آتارنی: ۲۹۳

آتروپاتکان: ۱۹۶۸ (ورجوع به آذربایجان شود).

آتروپاتن: ۲۱۰۰ (ورجوع به آذربایجان شود).

آنس (ترعه): ۷۵۰

آنس (کوه): ۶۵۸-۶۶۸-۶۷۹-۷۱۴-۷۱۵-

۷۲۰-۷۵۲-۷۷۴-۱۹۰۳-۲۶۵۸

آتن: ۶۹-۷۸-۸۴-۹۳-۹۸-۱۷۷-۲۶۹-

۲۲۷۰-۲۲۷۱-۲۵۸۷-۲۵۹۲-۲۵۹۳-

۲۶۱۶

آراكس (سيحون). ۴۴۶ تا ۴۵۱-۴۷۰-۴۷۴-

۴۸۵-۵۰۱-۵۸۶-۶۱۶-۶۹۰-۶۹۱-

۶۹۲-۱۰۰۸-۱۶۸۹-۱۹۱۸ رجوع به

سيحون شود.

آراكس (فارس): ۱۴۱۹-۱۴۲۲-۱۴۲۷

آرال(كوه، دريا): ۱۴۳-۱۴۷-۴۴۷-۴۷۰-

۵۷۷-۵۸۴-۱۶۹۴

آربل: ۲۸۶ و رجوع به اربيل شود

آربليت: ۱۹۹۳

آرتاكساتا: ۲۱۴۵-۲۲۸۴-۲۳۹۵-۲۳۹۶-

۲۴۲۸-۲۴۳۸-۲۴۴۲-۲۶۰۸

آرتاكسياس شاتا، (آرتاكساتا)

آرتامي تا (آرتهمي تا): ۲۴۰۳-۲۶۷۷

آرتسك: ۵۹۵

آرتميزيوم: ۷۶۹-۷۷۰-۷۷۵-۷۸۸-۷۹۰-

۷۹۱-۷۹۳-۷۹۶-۸۰۱-۸۰۲-۸۷۸

آرديك كا، ۶۸۱

آرژه: ۶۲۴

آرساماس (رود): ۲۴۴۶

آرسامسانا (قلعه): ۲۴۴۵

آرساموستا: ۲۰۸۱

آركادي: ۶۶۷-۷۴۰-۷۷۷-۷۹۷-۸۴۴-۹۴۰-

۱۱۵۰-۱۲۳۷-۱۴۰۳-۲۱۴۹

آركانان: ۱۲۸۹

آرگس: ۲۴۵-۵۹۹-۶۶۰-۷۳۰-۷۵۴-

۷۵۹-۷۶۲-۷۶۴-۸۳۸-۸۷۶-۹۱۲-۹۱۳-

۹۷۹-۱۱۱۰-۱۱۵۰-۱۱۷۲ تا ۱۱۷۴-۱۱۹۲

۱۲۹۷-۱۷۴۵-۱۸۰۷-۲۰۲۸

آرگينوز: ۷۸۱-۱۱۱۹

آرگيو: ۲۷۰

آرماوير: ۲۶۰۸

آروآسدان: ۲۵۹۶

آتريادي: ۱۴۹۸-۱۴۹۹

آخائيس: ۲۱۱۵

آخاي: ۷۷۵-۷۴۱-۷۹۹-۸۰۹-۱۳۵۶-۱۳۸۸

آخلواوس: ۷۵۲

آخه: ۷۷۶

آخه: ۲۱۱۵

آذربا داکار: (آذربايجان ها)

آدramيت تي: ۷۲۳

آدرياتيک (دريا): ۶۱۱-۶۲۰-۶۹۱-۱۹۱۱-

۲۴۵۲-۲۴۵۰-۲۳۳۹-۲۰۷۰

آدنيستره: ۲۴۸۲

آديابن: ۸۸-۲۱۷۶-۲۲۷۷-۲۲۸۰-۲۴۱۲-

۲۴۱۵-۲۴۲۰-۲۴۲۱-۲۴۲۹-۲۴۳۰-

۲۴۴۱-۲۴۴۳-۲۴۵۰-۲۴۸۱-۲۴۸۲-

۲۴۸۷-۲۴۸۹ تا ۲۵۰۹-۲۵۱۵-۲۵۲۴-

۲۶۲۵-۲۶۲۸ تا ۲۶۳۵-۲۶۴۰-۲۶۵۳-

۲۶۹۰-

آذربايجان (آتروپاتكان) ۲۰-۲۵-۲۶۲ تا ۶۷۴-۸۶م-

۸۷م-۱۱۷م-۱۱۸م-۱۰۳-۱۴۵-۱۵۲-

۱۷۰-۱۷۳-۱۷۴-۱۸۴-۲۰۷-۵۷۸-

۶۹۱-۱۱۲۹-۱۴۵۲-۱۵۱۲-۲۰۶۹-

۲۰۷۰-۲۰۷۸-۲۰۸۰-۲۲۰۲-۲۲۱۷-

۲۲۷۱-۲۲۷۷-۲۲۷۸-۲۳۵۵-۲۳۶۴-

۲۳۶۸-۲۳۶۹-۲۳۷۱-۲۳۷۴ تا ۲۳۷۶-

۲۳۹۲-۲۳۹۳-۲۴۲۴-۲۴۳۶-۲۴۴۱-

۲۴۵۷-۲۴۵۹-۲۴۶۱-۲۴۷۱-۲۴۹۰-

۲۴۹۱-۲۵۰۲-۲۵۴۷-۲۵۵۰-۲۶۱۶-

۲۶۲۳ تا ۲۶۲۵-۲۶۴۰-۲۶۵۲-۲۶۵۳-

آرابيوس (رود): ۱۸۵۷-۱۸۱۵

آراخوزي: ۲۰۵۸

آراد: ۱۴۲۳

آرادس: ۱۵۱۰

آارات: ۳۶-۴۸-۱۲۹-۱۷۴-۱۹۴-۲۰۴-

۲۲۱-۳۷۶-۳۷۷-۷۳۷-۱۴۷۴-۲۲۶۹-

۱۵۱۸ - ۱۵۳۳ - ۱۵۴۶ - ۱۵۵۷ تا ۱۵۵۹ -
 ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۹ - ۱۵۸۰ -
 ۱۵۹۳ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۶۱۴ -
 ۱۶۱۸ - ۱۷۰۵ - ۱۷۴۵ - ۱۸۵۹ - ۱۹۰۹ -
 ۱۹۲۴ - ۲۰۷۳ - ۲۱۰۱ - ۲۱۲۲ - ۲۲۳۱ -
 ۲۲۶۸ - ۲۲۶۹ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۷ - ۲۳۰۶ -
 ۲۳۱۹ - ۲۴۷۲ - ۲۴۸۷ - ۲۵۰۵ - ۲۵۲۴ -
 ۲۵۹۲ - ۲۶۳۲ - ۲۶۳۵ - ۲۶۴۸ -
 ۲۶۵۶ - ۲۶۸۲ - ۲۶۹۹ - ۲۷۰۰ - ۲۷۰۵ -
 ۲۷۱۷ - ۲۷۱۹ - ۲۷۲۲ -
 آسیا : ۱۰ تا ۲۵ - ۸۳ - ۹۲ - ۱۵۲ - ۲۰۷ -
 ۲۴۵ - ۴۵۰ - ۴۵۸ - ۴۶۴ - ۵۱۰ - ۵۲۹ -
 ۶۱۴ - ۹۱۱ - ۹۲۳ - ۹۲۶ - ۹۳۶ - ۹۳۹ - ۹۴۲ -
 ۱۲۰۶ - ۱۲۱۰ - ۱۲۱۶ - ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ -
 ۱۲۲۶ - ۱۲۳۷ - ۱۲۴۰ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۶ -
 ۱۲۵۲ - ۱۲۶۶ - ۱۲۶۸ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۲ -
 ۱۲۸۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۷ - ۱۳۰۳ - ۱۳۱۳ -
 ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶ - ۱۳۳۱ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۶ -
 ۱۳۶۱ - ۱۳۸۶ - ۱۳۹۸ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ -
 ۱۴۳۵ - ۱۴۶۸ - ۱۴۹۳ - ۱۵۳۲ - ۱۶۵۱ -
 ۱۷۰۲ - ۱۷۰۷ - ۱۷۰۹ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۴ -
 ۱۷۲۱ - ۱۷۳۱ - ۱۷۵۲ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۱ -
 ۱۸۰۸ - ۱۸۰۹ - ۱۸۱۳ - ۱۸۱۴ - ۱۸۵۹ -
 ۱۸۶۶ - ۱۸۷۶ - ۱۸۸۱ - ۱۸۹۴ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۷ -
 ۱۹۱۲ - ۱۹۱۷ - ۱۹۲۰ - ۱۹۲۸ - ۱۹۳۹ -
 ۱۹۴۶ - ۱۹۴۸ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۸ -
 ۱۹۸۷ - ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ -
 ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۷ - ۲۰۲۹ -
 ۲۰۳۰ - ۲۰۳۱ - ۲۰۳۴ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۹ -
 ۲۰۵۹ - ۲۰۸۶ - ۲۰۹۰ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۴ -
 ۲۰۹۷ - ۲۰۹۸ - ۲۱۰۰ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ -
 ۲۱۱۹ - ۲۱۳۲ - ۲۱۳۶ - ۲۱۵۱ - ۲۱۶۱ -
 ۲۱۹۲ - ۲۲۰۱ - ۲۲۰۳ تا ۲۲۰۶ - ۲۲۷۰ - ۲۲۷۹ -
 ۲۲۸۱ - ۲۲۸۲ - ۲۳۳۵ - ۲۳۳۷ - ۲۳۵۴ -

آروس : ۱۶۴۴ -
 آره اپاز : ۸۰۳ -
 آره توز : ۲۳۵۱ -
 آریا : (هرات) -
 آریان : (عرات) -
 آریانانا : ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۲۶۵۶ -
 آریادنه (کو) : ۲۱۲۸ -
 آزوف : ۲۰ - ۱۷۱ - ۱۸۴ - ۴۸۴ - ۶۰۱ - ۱۳۴۴ -
 ۱۷۰۸ - ۲۰۶۶ - ۲۱۳۷ - ۲۴۷۸ - ۲۶۱۵ -
 ۲۶۱۸ - ۲۶۴۱ (رجوع به م اوتید شود) -
 آساک : ۲۱۹۷ -
 آسپ : ۷۸۰ - ۸۳۹ - ۸۴۱ - ۸۴۵ تا ۸۴۷ - ۸۵۱ -
 ۸۵۵ -
 آس پن دس : ۹۷۷ -
 آس بیونوس : ۲۲۲۴ - ۲۲۲۵ -
 آتاک : ۲۱۵۲ -
 آستاکس : ۲۰۹۲ -
 آستوئین : ۲۶۵۱ -
 آسفالیت (دریاچه) : ۲۰۴۲ -
 آسکالن : ۱۵۱۰ -
 آسوان : ۹۶۳ -
 آسه : ۱۱۳۵ - ۱۱۴۳ -
 آسور : ۱۷ - ۲۰ - ۲۵ - ۲۹ - ۳۵ تا ۳۸ - ۴۸ - ۵۱ تا
 ۵۷ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۵ تا ۶۸ - ۷۴ - ۷۹ - ۹۳ - ۱۰۴ -
 ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۲۴ - ۱۲۷ - ۱۲۹ تا
 ۱۳۰ - ۱۳۵ تا ۱۴۰ - ۱۵۹ - ۱۶۵ - ۱۶۹ تا ۱۷۸ -
 ۱۸۰ تا ۱۸۵ - ۱۸۵ - ۱۹۰ تا ۲۰۰ - ۲۰۲ - ۲۰۵ -
 ۲۰۷ - ۲۱۲ تا ۲۱۴ - ۲۲۷ - ۲۳۰ - ۲۴۵ - ۲۵۸ -
 ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۶ - ۲۶۸ - ۲۹۶ - ۳۰۸ - ۳۰۴ -
 ۳۱۸ تا ۳۲۰ - ۳۲۵ - ۳۲۷ - ۳۳۶ تا ۳۴۰ -
 ۳۴۲ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۴۳۸ - ۴۳۷ - ۴۵۷ - ۴۷۵ -
 ۵۴۳ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۶۸۸ - ۶۹۲ - ۹۴۴ - ۹۴۷ -
 ۱۱۳۷ - ۱۱۸۴ - ۱۲۹۱ - ۱۳۷۶ - ۱۴۵۲ -
 ۱۴۶۳ - ۱۴۶۴ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۶ - ۱۵۱۱ -

- ۲۳۷۰-۲۳۷۷-۲۳۹۵-۲۴۷۰-۲۵۳۷-
 ۲۶۲۹-۲۶۱۰-۲۶۰۵-۲۵۸۵
 آسیاسدان: (اسیس دادن)
 آسیای بالاخص، ۲۱۵۰
 آسیای شرقی، ۹
 آسیای صغیر، ۱۹-۲۰-۲۲-۲۷-۳۶-۳۷-۳۸-۴۰
 ۴۸-۴۹-۷۲-۹۲-۱۷۲-۱۷۳-۲۴۴-۹۱۱-
 ۹۱۳-۹۱۹-۹۲۴-۹۳۳-۹۳۷-۹۳۹ تا ۹۴۲-
 ۱۱۳۴-۱۱۳۹-۱-۲۲۰-۲۲۰۲-۲۲۱۲
 آسیای ملیا، ۹۱۹
 آسیای غربی، ۳۲-۱۷۲
 آسیای وسطی، ۹-۲۰-۲۲-۲۹-۱۵۵-
 آشور، ۴۴۵-۲۵۹۱ (و جوع به آشور شود)
 آغری داغ: (آرارات)
 آفت: ۷۷۵-۷۹۱-۷۹۳
 آفرودیسیاس، ۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۶۹۸
 آفریقا، ۸-۱۱-۲۵-۲۷-۳۱-۹۲-۱۰۷-۱۴۳-
 ۴۴۴-۴۴۵-۴۸۴-۵۶۳-۵۷۲-۹۱۱-۱۵۰۸-
 ۱۵۴۹-۱۷۰۲-۱۸۰۹-۱۸۶۶-۱۸۷۶-
 ۱۹۱۷-۱۹۴۲-۱۹۶۹-۱۹۹۹-۲۱۷۹-
 ۲۳۳۸-۲۶۱۴-۲۶۲۲
 آفریقای شمالی، ۸-۴۰
 آفریقای وسطی، ۱۰
 آقابابا، ۶۹ م
 آکادمی، ۲۱۳۱
 آکانت، ۶۵۸-۷۵۱-۷۵۰
 آکرویل، ۷۵۸-۸۰۱
 آکس، ۱۵۰۵
 آکه، (عکو)
 آگپانانا (شام)، ۵۱۷-۵۱۸
 آگدیستی، ۲۱۰۳
 آگوانک، ۲۵۹۱
 آگورا، ۷۲۹
 آلاباندا، ۲۳۴۴
 آلا داغ، ۲۱۸۶
 آلارود، ۲۲۶۹
 آلان، ۲۱۴۵ رجوع به آلان در طوایف شود.
 آلبانی، ۲۲۷۱-۲۴۷۸
 آلپ، ۱۸۶۶-۲۱۳۶-۲۱۴۵
 آلپین، ۷۸۵
 آلتائی، ۱۱-۳۳-۲۱۱۸-۲۲۵۱ تا ۲۲۵۳-
 ۲۲۶۵-۲۵۷۴
 آلثری، (نومیدی)
 آلس، ۷۷۵
 آل سه زینس (چناب)، ۱۷۹۹-۱۸۱۷-۱۸۱۹
 ۱۸۲۱-۱۸۲۲-۱۸۲۸-۱۸۳۲ تا ۱۸۳۴-
 ۱۸۳۶-۱۸۳۷-۱۸۸۹
 آلکساندرت، (اسکندریه ایسوس)
 آلمان، ۲۳-۵۱ تا ۵۴-۶۳ تا ۶۶-۱۲۰ م
 ۹-۴۶-۶۱-۲۳۹۵-۲۷۱۹
 آلیانی، ۶۶۸
 آما تونت، ۶۵۵
 آمادای، ۱۶۹
 آمارد، (آمل)
 آمرد، ۱۵۰۸
 آماستریس، ۲۳۱۴
 آماسه، ۹۲
 آمالد، (آمل)
 آمان، ۱۰۵۶-۱۳۵۴-۲۳۳۶
 آمپ، ۶۵۴
 آمریکا، ۸-۱۰-۱۱-۱۴-۱۵-۵۵
 ۱۴۶-۱۶۲۰
 آمفی پولیس، ۱۱۵۰-۱۱۹۵-۱۲۲۷
 ۲۰۲۴-۲۰۲۵-۲۰۲۷
 ۲۰۲۸
 آمفیس سه، ۷۹۸-۷۹۹
 آمل، ۱۰۱-۱۴۴-۱۷۲۰-۲۲۱۶
 آموری، ۱۶۵۶

ایپدان : ۵۶ - ۱۳۲ - ۵۸۱ - ۱۵۸۳ - ۱۵۸۴

۱۵۸۶ - ۱۵۹۱ - ۱۵۹۴ - ۱۶۱۱ - ۱۶۱۳

ایی در : ۷۴۳ - ۲۰۲۷

اپیس : ۲۰۴۶ - ۲۱۱۴

اپیر : ۹۱۳ - ۹۱۶ - ۱۱۹۵ - ۱۲۰۶ - ۱۲۱۰

۱۲۱۲ - ۱۷۳۲ - ۱۸۶۶ - ۱۸۸۰ - ۱۸۹۹

۱۹۴۵ - ۱۹۵۵ - ۱۹۹۸ - ۲۰۰۱ - ۲۰۲۳

۲۰۲۶ - ۲۰۴۸ - ۲۰۶۰ - ۲۰۷۰ - ۲۱۴۰

۲۲۸۱

اپیس : ۳۸۴ - ۳۸۸ - ۷۰۰ - ۱۰۴۷ - ۱۸۸۶ -

۱۸۹۲ - ۲۰۹۵

اترك : ۱۴۷ - ۱۵۰۶ - ۱۶۵۵ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۶

۲۱۹۸ - ۲۱۹۹ - ۲۲۸۹ - ۲۳۹۲

اتروسك : (به اتروسك درطوايف مراجعه شود)

اتولى : ۱۹۷۶ - ۲۵۲۷ - ۲۵۳۱

اتى ماندر : ۱۷۱۹

افورا : (آسور)

اج دز : ۲۵۹۴

اجمنا : ۹۴۹ - ۹۸۷

احمر (دريا) : (اريتره)

اخولخول (معبد) : ۲۰۳

ادئون : ۱۶۰۸

ادرنه : ۱۰۴۷ - ۱۱۱۲

ادرين : ۱۲۴۷

ادس (اورفه) : ۹۶ - ۲۰۸۷ - ۲۱۸۱ - ۲۴۲۰ -

۲۴۶۷ - ۲۴۷۹ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۵ - ۲۵۰۱ -

۲۵۲۴ - ۲۵۹۰ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹ - ۲۶۳۲ -

۲۶۳۵ - ۲۶۴۰ - ۲۶۹۰ - ۲۷۲۱

ادنه : ۲۱۱۶

ادوميان : ۱۹۱ - ۲۰۴۰

ادىزه : (آتيك)

اديل (ولگا) : ۱۴۹ - ۶۱۶

ار : ۱۷۷۳

اراسك (ارس)

آمون : ۱۲۱۴ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۸ تا ۱۶۶۲ -

۱۶۶۷ تا ۱۶۹۹ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۲ - ۱۷۴۰ -

۱۹۰۳ - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۶ - ۱۹۶۸

۱۹۸۶

آمودريا : ۱۴۷

آمويه : ۱۴۷ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۶۹۲ - ۱۸۸۹

آميس : ۱۶۵۱

آنائو : ۲۶۴۳ - ۲۶۴۴

آنائوئر : ۲۶۵۱

آن توخيا : (انطاكيه)

آن تيس : ۱۲۸۱

آن تيگونيا : ۲۰۴۹ - ۲۱۱۰ تا ۲۱۱۲

آنتيوخيا (انطاكيه)

آندلس : ۱۰۳ - ۱۰۷

آن سى : (پارت)

آن سيرا : (آنكورا)

آنقراى : ۲۰۷۶

آنكورا : ۲۰۷۶ - ۲۱۳۴

آنى : ۲۶۰۷

الف

آآر(رود) : ۶۰۴

آآزيس : ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۶۶ - ۶۰۴ - ۹۲۸

۹۶۳ - ۱۲۱۴ - ۱۳۵۴

آآسيد : ۱۲۵۵ - ۱۹۳۷ - ۲۰۲۳ - ۲۰۲۷

آالى : ۷۷۵ - ۹۱۴ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ - ۲۱۷۶

آاليد : ۳۶۲ - ۴۰۵

آاليه : ۱۸۸۸ - ۱۵۴۶

آئوتيار : ۵۴۳

آئورونت : ۱۷۸

آبرس : ۵۶۸

آبوحبه (تيه) : ۵۴

آبونصر (قصر) : ۱۶۲۲

آبيورد : ۲۲۵۸

آپاردوس (رود) : ۱۱۷۹

اران ، (آلبانی)

اران : ۲۴۰۲ - ۲۶۲۴ - ۲۶۴۰

اریای (اریایه) ، (عربستان)

اربیل ، (اربیل)

اربیل ، ۵۴۴ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۷

۱۳۷۸ - ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ - ۱۴۰۱

۱۴۷۸ - ۱۷۹۱ - ۱۸۱۴ - ۱۸۲۷

۲۲۷۵ - ۲۲۸۸ - ۲۴۲۱ - ۲۴۸۳

۲۵۲۴ - ۲۶۳۲

ارتاکسانا ، (ارشادا)

ارتری ، ۶۵۸ - ۶۶۸ تا ۶۷۱ - ۶۷۸ - ۶۸۰

تا ۲۶۵۸ - ۱۶۴۹ ۲۸۲

ارتوقاتو ، ۱۶۱۴

ارخ ، ۵۴ - ۱۱۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۳۸

۱۳۹ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۵ - ۸۳۹

۸۴۰ - ۲۷۱۵ - ۲۷۲۲

ارختشوم ، ۱۵۹۲

ارخومن ، ۲۱۴۰

اردبیل ، ۱۰۵

اردستان ، ۱۲۲ م

اردکان ، ۱ م

اردن ، ۴۴۴

ارزانپاس (رود) ، ۱۰۷۶

ارس ، ۱۴۷ - ۴۴۷ - ۶۹۲ - ۱۳۸۷ - ۱۴۷۴

۱۹۰۸ - ۲۲۶۸ - ۲۲۸۴ - ۲۳۶۸ - ۲۳۷۰

۲۳۷۱ - ۲۳۷۴ - ۲۳۷۶ - ۲۴۲۸ - ۲۴۷۸

۲۵۸۹ - ۲۵۹۳ - ۲۶۴۱

ارس (شهر) ، ۱۲۸۱

ارشادا ، ۵۴۷

ارشکیه ، (ری)

ارکادرس ، ۵۳۲

ارکسارت (سیحون) ، ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ و رجوع به

آراکس سیحون شود

ارکسانت ، ۱۷۰۲

ارگله (هراکله) ، ۲۱۳۳ - ۲۱۳۴

ارمنستان ، ۹ - ۳۶ - ۹۳ تا ۹۹ - ۱۰۶

۱۲۹ - ۱۴۲ - ۱۴۵ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۴ - ۲۱۶

۲۶۱ - ۲۹۶ - ۳۰۸ - ۳۱۶ تا ۳۶۳ - ۳۷۶

۳۷۷ - ۴۶۵ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۷۸ - ۶۱۷ - ۶۵۵

۶۹۲ - ۷۳۷ - ۹۳۴ - ۹۵۷ - ۱۰۶۹ - ۱۰۷۳

۱۰۷۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ - ۱۱۱۵

۱۱۶۶ - ۱۱۸۹ - ۱۲۶۲ - ۱۳۷۲ - ۱۳۸۰

۱۳۸۱ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۸ - ۱۴۵۲ - ۱۴۶۶

۱۴۹۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶

۱۶۳۸ - ۱۶۸۹ - ۱۷۸۲ - ۱۹۱۸ - ۱۹۲۳

۱۹۶۷ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۲ - ۱۹۸۴ - ۱۹۹۴

۲۰۱۳ - ۲۰۵۹ - ۲۰۶۹ - ۲۰۸۱ - ۲۰۸۳

۲۰۸۸ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۲ - ۲۱۲۵ - ۲۱۲۶

۲۱۲۸ - ۲۱۳۶ - ۲۱۲۸ - ۲۱۳۶ - ۲۱۳۸

۲۱۴۱ - ۲۱۴۵ - ۲۱۷۴ - ۲۱۸۱ - ۲۲۲۱

۲۲۳۱ - ۲۲۳۸ - ۲۲۶۶ - ۲۲۷۵ تا

۲۲۷۷ - ۲۳۷۹ تا ۲۳۹۱ - ۲۳۰۱

۲۳۰۴ - ۲۳۰۵ - ۲۳۱۸ - ۲۳۲۲

۲۳۲۳ - ۲۳۲۷ - ۲۳۲۹ - ۲۳۳۱

۲۳۳۵ - ۲۳۳۸ - ۲۳۳۹ - ۲۳۵۲ تا ۲۳۵۹

۲۳۶۴ - ۲۳۶۵ - ۲۳۶۸ - ۲۳۶۹ - ۲۳۷۳

تا ۲۳۷۷ - ۲۳۸۴ - ۲۳۸۵ - ۲۳۸۷

تا ۲۳۹۵ - ۲۳۹۶ - ۲۳۹۷ - ۲۳۹۸ - ۲۳۹۹

۲۴۰۱ تا ۲۴۰۳ - ۲۴۰۶ - ۲۴۰۷ تا ۲۴۰۹

۲۴۱۳ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۶ - ۲۴۱۷ - ۲۴۵۳ تا

۲۴۵۷ - ۲۴۵۹ - ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۳

۲۴۶۴ - ۲۴۶۵ - ۲۴۶۹ - ۲۴۷۰ - ۲۴۷۱

۲۴۷۴ - ۲۴۸۱ - ۲۴۸۵ - ۲۴۸۷ - ۲۴۹۰

۲۴۹۱ - ۲۴۹۵ تا ۲۵۰۳ - ۲۵۰۴ - ۲۵۰۵

۲۵۰۹ - ۲۵۱۶ - ۲۵۱۷ - ۲۵۱۹ - ۲۵۲۳

۲۵۲۳ - ۲۵۸۷ - ۲۵۸۹ تا ۲۵۹۹

۲۶۰۱ تا ۲۶۱۹ - ۲۶۲۱ - ۲۶۲۲ - ۲۶۲۳

۲۶۲۴ - ۲۶۲۵ - ۲۶۲۹ - ۲۶۴۱ تا ۲۶۴۴

ازس : ۹۱۴ - ۱۱۹۲ - ۱۱۹۵ - ۱۲۰۶
 ازه (دریا، بحر الجزائر) : ۲۰ - ۲۱ - ۵۱۶
 ۵۹۴ - ۶۹۲ - ۷۲۸ - ۸۷۰ - ۱۹۲۲ - ۲۱۰۴
 ازین : ۶۶۳ - ۸۰۱ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۳۰ - ۸۶۱

۱۸۲۷

اساک : ۲۶۴۲

اساک هیل : ۳۸۱ - ۳۹۱ - ۴۷۶ - ۶۹۹ - ۱۳۹۷
 اسپارت : ۷۴ - ۲۷۴ - ۲۷۶ - ۲۸۹ - ۲۹۰ -
 ۶۳۷ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۶۳ - ۶۶۴ -
 ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۷۱ - ۶۸۵ -
 ۷۰۴ - ۷۵۵ - ۸۱۸ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۷۷ -
 ۷۷۹ - ۷۸۱ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۸۳۰ - ۸۳۲ -
 ۸۳۶ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۵۲ - ۸۹۴ - ۸۹۵ -
 ۸۹۶ - ۹۱۷ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۶۵ -
 ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۷۰ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ -
 ۹۷۶ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ -
 ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۹۹ - ۱۰۲۵ -
 ۱۰۲۶ - ۱۰۹۵ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۱ -
 ۱۱۰۲ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ -
 ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ -
 ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۲ -
 ۱۱۲۲ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۴۹ - ۱۱۵۰ -
 ۱۱۵۱ - ۱۱۹۸ - ۱۳۲۹ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۴ -
 ۱۵۱۴ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۷ - ۱۶۳۸ - ۱۷۸۱ -
 ۱۸۵۰ - ۲۰۷۹ - ۲۱۴۰

اسپانیا (ایبری) : ۲۵ - ۱۳ - ۲۷ - ۹۲ - ۳۷۹ - ۱۸۶۶
 ۱۹۱۷ - ۱۹۴۲ - ۲۱۴۱ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۸
 ۲۳۷۸ - ۲۵۸۵ ورجوع به ایبری شود

اسپرخیوس : ۷۸۴

استاندال : ۲۷۱۹

استخر : ۶۵ - ۱۰۳ - ۱۴۴ - ۱۵۱۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۷۹ -
 ۱۵۹۴ - ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۸ -
 ۲۵۹۰ - ۲۵۹۱
 استرآباد : ۴۸ - ۱۱۴ - ۱۳۳ - ۱۶۵ - ۱۴۳۰ - ۱۴۹۲

۲۶۴۵ - ۲۶۵۲ - ۲۶۵۳ - ۲۶۸۸ - ۲۶۸۹

ارمنستان کوچک : ۲۲۷۷ ورجوع به سوفن شود

ارمین (ارمینا) : (ارمنستان)

ارواد : ۴۴۲

اروپا : ۹ - ۱۳ - ۱۶ - ۴۹ - ۷۵ تا ۹۱۱ - ۱۰۴ - ۱۳۲ م

۱۳۶ م - ۸ تا ۱۰ - ۱۲ - ۱۶ - ۲۵ - ۳۴ - ۴۴ - ۴۶ -

۴۹ - ۵۳ - ۵۴ - ۶۳ - ۹۲ - ۱۰۰ - ۱۲۴ - ۱۲۸ -

۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۵۶ - ۲۴۳ - ۴۵۰ -

۵۷۷ - ۵۹۵ - ۶۵۱ - ۷۰۵ - ۷۰۹ - ۷۲۶ - ۷۷۱ -

۸۱۷ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۷ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۲۱۰ -

۱۲۱۷ - ۱۲۴۵ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۲ - ۱۳۰۸ -

۱۳۹۸ - ۱۴۰۰ - ۱۴۹۳ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۴ -

۱۷۸۰ - ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۲ - ۱۸۹۴ - ۱۸۹۵ -

۱۹۱۱ - ۱۹۲۸ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۷ -

۲۰۰۳ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۶ - ۲۰۳۱ - ۲۰۶۸ -

۲۱۱۹ - ۲۱۳۹ - ۲۱۴۷ - ۲۲۰۲ - ۲۳۵۵ -

۲۵۸۱ - ۲۶۵۴ - ۲۶۹۹

ارناودستان : ۲۴۷۸

اروخوس : ۷۹۸

ارومیه : (اورمیه)

ارونت : ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱

ارونتس : ۱۷۸ - ۲۳۳۵ - ۲۳۴۳

اریتره (دریای احمر) : ۳۵ - ۵۰ - ۱۴۹ - ۲۸۷ - ۲۸۹ -

۴۴۸ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۸۸ - ۵۰۹ - ۶۵۹ -

۷۳۷ - ۷۴۰ - ۸۳۹ - ۸۴۱ - ۸۴۳ - ۹۱۵ -

۱۴۹۱ - ۱۵۳۷ - ۱۷۸۲ - ۱۸۶۵

اریتره (خلیج فارس) : ۶۳۱

اریتره دوم (دریای عمان) : ۶۶۳

اری دان : ۶۳۶

اری دو : ۳۸۲

اریس تیس : ۱۲۰۸

اریند : ۲۴۱۶ - ۲۴۱۷

ازمیر : ۲۸۸ - ۱۲۶۴ - ۲۰۹۹

ازیدا : ۴۷۶

۱۶۲۰-۱۶۲۳ و رجوع به زادکرت شود

استراسبورگ، ۹۶۳-۱۱۳۱

اسد آباد، ۱۷۹

اسران، ۸۸-۲۰۸۷-۲۰۸۸-۲۱۱۳

اسرنا، ۷۵۲-۷۶۸

اسفراین، ۲۱۸۶

اسکندیناو، ۹

اسکولاپ (معدن)، ۱۹۰۵-۱۹۰۶

اسکندرون، ۱۰۰۵-۱۳۰۶

اسکندریه (مصر)، ۷۷-۹۱-۹۳-۱۱۰-۱۲۱۶

۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۹۱۶-۱۹۴۱-۱۹۷۱

۲۰۳۳-۲۰۶۳-۲۱۱۱-۲۱۱۴-۲۱۵۳

۲۱۵۴-۲۱۵۵-۲۱۵۶-۲۱۶۱-۲۱۶۲

۲۱۷۵-۲۱۷۶-۲۱۷۷-۲۱۸۱-۲۲۱۳

۲۲۱۴-۲۳۷۴-۲۴۵۴

اسکندریه اقصی، ۱۷۰۶

اسکندریه اقیانوس هند، ۱۸۵۷-۱۸۶۲

اسکندریه ایسوس، ۲۱۱۱

اسکندریه باختر، ۱۷۶۴

اسکندریه پاراپامیز، ۱۷۷۷

اسکندریه ماد، ۱۶۸۸-۱۶۸۹

اسکندریه مالیان، ۱۸۴۳

اسکیروس، ۱۱۱۸

اسکی شهر، (نیگران نرت)

اسلامبول، ۱۲۲م-۵۳-۹۳۷-۹۲۴۸-۲۲۷۰

اسلامبول (خیابان)، ۵۳م-

اسیدا، ۳۹۱

اسیس دان، ۲۵۹۵-۲۵۹۶

اشنوتاک، ۳۸۷

اشور، (آسور)

اصطخر، (استخر)

اصفهان (گابی بن)، ۴م-۴۶-۱۰۳-۱۴۷

۶۹۱-۱۴۳۰-۱۴۷۳-۱۴۹۱-۱۴۹۲

۱۵۶۷-۲۰۱۵-۲۲۳۱-۲۵۳۲-۲۵۴۱

۲۵۴۷-۲۵۶۸-۲۵۶۹-۲۵۷۰-۲۵۷۷

۲۶۴۰

اطاق فرهاد، ۲۲۱

اطریش، ۲۳م-

اطلس (اوقیانوس)، ۲۷-۱۰۳-۲۶۱۴

اطلس (کوه)، ۱۸۷۶

افسس، ۲۸۷-۲۸۹-۶۴۶-۶۶۷-۸۶۳-

۹۴۳-۹۸۱-۱۰۲۵-۱۰۴۱-۱۰۹۹-۱۱۰۳-

۱۱۱۳-۱۲۱۶-۱۲۶۲ تا ۱۴۸۹

۱۵۵۸-۱۹۹۹-۲۰۴۷-۲۰۴۹-۲۱۳۹

افغانستان (پاراپامیزاد)، ۱۴۵-۱۵۲-۱۵۶-

۵۴۷-۱۴۵۳-۱۶۸۹-۱۶۹۰-۱۸۵۵-

۱۹۷۳-۲۲۱۴-۲۲۱۵-۲۲۶۰-۲۶۴۱-

۲۷۲۱-

اقیانوسیه، ۱۰

اکاترینوسلاو، ۶۱۵

اکد، ۶۴-۱۱۳-۱۱۵-۱۱۷-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۶

۱۳۳-۱۸۸-۱۸۹-۱۰۲-۳۸۶-۳۸۳-

تا ۳۸۹-۳۹۱-۴۴۲-۱۶۰۵-۲۰۹۷-

۲۴۷۲

اک رگما، ۲۰۳۳

اکسفورد، ۴۹

اکسوس (جیحون، وختش)، ۱۴۸-۱۶۹۴ تا

۱۶۹۸-۱۹۱۷-۲۲۰۵ و رجوع به جیحون شود

اکسیارتس، ۱۷۳۵-۱۷۳۶-۱۷۴۰

اکسیدراک، ۱۸۰۰-۱۸۲۱

اکسی کانوس، ۱۸۳۴-۱۸۴۲-

اگال، ۸۱۵

آگده، ۳۳

اگس پتاموس، ۸۷۱-۹۸۳-۱۱۱۱

اگین (ازین)، ۷۷۰

الاته، ۷۹۸-۱۲۰۱

ال انت، ۸۷۰-۱۲۳۷-۱۲۴۵

البا، ۲۱۰۳

۲۰۹۶ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۶ -

۲۰۱۷ - ۲۱۱۱ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۴ -

۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ - ۲۱۶۲ - ۲۱۸۰ -

۲۱۸۱ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۴ - ۲۲۱۳ - ۲۲۳۹ -

۲۲۴۱ - ۲۳۳۶ - ۲۴۰۸ - ۲۴۸۰ - ۲۴۸۱ -

۲۴۹۸ - ۲۵۲۰ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۹ - ۲۵۹۵ -

انطاکیه خاراکس : ۲۱۱۳

انطاکیه کالیه : ۲۱۱۳

انگلستان : ۵۲ - ۵۳ - ۶۰ - ۶۹۵

ان ناتوم : ۱۱۵

انیسی (رود) : ۲۲۵۱

او به : ۶۴۰ - ۶۷۰ - ۷۷۰ - ۷۹۰ تا ۷۹۲ -

۷۹۴ تا ۷۹۷ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۱۳ -

۸۶۶ - ۱۲۸۱ - ۱۳۸۱

اوتی دمیا (چاکله) : ۲۱۱۸

اوج کلیسا : ۴۸ - ۱۸۳۰

اودی : ۲۵۹۳

اور : ۵۴ - ۱۱۳ - ۱۱۷ - ۱۳۲ - ۳۸۲

اورا : ۸۵۱ - ۸۵۲

اوراتیبه : ۱۷۰۶

اوررا : ۲۶۲۹ و رجوع به ادس شود

اوراردو : ۲۲۶۹ - ۲۲۷۰

اورامان : ۲۶۹۶

اورال : ۱۱ - ۳۳ - ۲۱۱۸

اوریس : ۲۱۱۲ - ۲۱۱۴

اورس : ۱۸۵۹ - ۱۸۶۹

اورشلیم (بیت المقدس) : ۸۰ - ۸۹ - ۱۸۳ - ۱۹۳ -

۳۹۵ - ۳۹۸ - ۴۰۰ تا ۴۰۲ - ۴۷۶ - ۹۴۵

تا ۹۵۰ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۳

۲۰۸۶ - ۲۰۹۶ - ۲۲۶۸ - ۲۳۴۳ - ۲۴۰۸ -

۲۴۳۰ - ۲۴۵۵ - ۲۴۴۷ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۰ - ۲۵۶۰ -

۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ - ۲۵۶۹ - ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲ -

۲۵۷۳ - ۲۵۷۹

اورفا (اورفه) : ادس

البرز : ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۵۶ - ۲۷۹ - ۲۲۱۰ -

۲۲۱۷ - ۲۲۱۸

الجزایر : ۲۳-م ۱۹۴

الحضر (هاترا) ۲۴۸۲ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۷ - ۲۵۰۵

۲۵۰۶ - ۲۵۰۷ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۱ - ۲۵۱۲ -

۲۵۱۳ - ۲۵۱۴ - ۲۵۱۵ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ -

۲۵۶۹ - ۲۶۴۰ - ۲۶۵۳ - ۲۷۰۲ - ۲۷۰۸ -

۲۷۰۹ - ۲۷۱۰ - ۲۷۱۱ - ۲۷۱۳ - ۲۷۱۴ -

۲۷۱۵ - ۲۷۱۶ - ۲۷۱۷ - ۲۷۲۱ - ۲۷۲۲ -

الران : (اران)

الغان تین : ۴۹۳ - ۵۰۶ - ۵۷۲ - ۹۶۲ - ۹۶۴ -

۱۵۵۴ - ۱۵۷۵

الک سیری : ۲۱۲۲

الگیا : ۲۴۹۷ - ۲۴۷۵

المپ : ۶۹ - ۶۲۴ - ۷۳۵ - ۷۵۲ - ۷۶۷ -

۷۶۸ - ۷۹۷ - ۸۰۰ - ۱۱۹۰ - ۱۲۱۶ - ۲۶۸۹

النت : ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۷۴۴

الوترا : ۲۴۵

الوزیس (الوسیس، الوزین) ۸۰۸ - ۸۴۱ - ۸۵۷ -

الوند : ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۶۱۲

اله : ۸۶۱ - ۸۴۶

الیا : ۲۴۸۱

الیپی : ۱۷۸ - ۲۲۷

الی ما ایس (خوزستان) : ۲۲۱۶

الی می : ۱۳۸۷

امدانه : ۱۷۸ و رجوع به همدان شود

اموس (کو) : ۱۲۲۷

اناهیتا (معبد) : ۲۲۰۹ و رجوع به ناهیدشود

انزان : ۱۱۶ - ۲۰۳ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۰ -

۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۸۶ - ۳۸۶ - ۳۸۹ - ۳۹۰ -

انزان سوسونکا : ۱۳۱

انزلی : ۱۳-م ۵۲ - ۱۵-م

انسان : (انزان)

انطاکیه : ۸۹ - ۱۰۶ - ۲۰۶۳ - ۲۰۸۰ - ۲۰۹۵ -

ایروان ، ۲۲۸۵ - ۲۶۰۸
 ایریس : ۲۱۳۲ - ۲۱۲۳
 ایزمید ، ۲۱۵۲
 ایزی توش ، ۵۴۳
 ایستم : (کرنٹ)
 ایس دن : ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۵۸۴ - ۵۸۶
 ایستر (دانوب) : ۴۴۶ - ۵۷۷ - ۵۹۶ - ۵۹۵
 ۵۹۸ - ۶۰۱ - ۶۰۳ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۵
 ۶۲۰ - ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹ - ۱۳۶۶ - ۱۴۰۷
 ۱۷۰۸ - ۱۷۸۲ - ۲۴۵۸
 ایستر ویولیس : ۱۵۱۰
 ایسوس : ۱۶۳ - ۲۰۵ - ۱۰۰۱ - ۱۰۰۵ - ۱۰۲۶
 ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵
 ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۹ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶
 ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶ - ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۹۰
 ۱۴۰۰ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۴ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸
 ۱۴۶۶ - ۱۴۸۴ - ۱۶۷۴ - ۱۷۶۳ - ۱۷۹۱
 ۱۸۱۴ - ۱۹۴۶ - ۲۱۷۲
 ایشن : ۲۴۱۲
 ایطالیا ، ۱۳ - ۲۳ - ۲۸ - ۳۶ - ۸۴ - ۹۰
 ۱۳۵ - ۵۶۲ - ۶۳۶ - ۷۵۷ - ۷۵۹ - ۹۴۲
 ۱۰۸۹ - ۱۱۴۹ - ۱۴۸۶ - ۱۷۳۲ - ۱۸۶۶
 ۱۹۴۲ - ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ - ۲۰۱۶
 ۲۰۲۶ - ۲۰۲۸ - ۲۰۴۵ - ۲۰۴۸ - ۲۰۷۹
 ۲۱۳۶ - ۲۱۴۰ - ۲۱۴۵ - ۲۱۸۰ - ۲۱۸۱
 ۲۲۸۱ - ۲۳۱۴ - ۲۳۲۴ - ۲۳۳۸ - ۲۳۴۱
 ۲۳۶۴ - ۲۴۳۹ - ۲۴۵۵ - ۲۴۹۲
 ۲۵۰۱ - ۳۵۰۸ - ۲۶۱۴
 ایکار (جزیرہ) : ۱۹۲۲
 ایکاری : ۶۶۸
 ای کونیوم : ۱۰۰۰
 ایلیریہ : ۲۴۳ - ۶۲۰ - ۱۱۹۰ - ۱۱۹۱ - ۱۱۹۴
 ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۲۱۷ - ۱۲۲۹

گج : ۱۴۷
 رمیہ : ۱۴۵ - ۱۴۸ - ۱۷۱ - ۱۷۳ - ۱۸۲ -
 ۲۲۷ - ۲۶۲۴
 اوروپوس : ۲۴۹۸
 اوری تیان : ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۷ - ۱۸۶۱ تا
 ۱۸۶۳
 اوریپ : ۷۷۰ - ۷۹۴
 اوری مدن : ۹۲۶
 اوس پرید (بن غازی) : ۵۶۵ - ۵۷۲ - ۵۷۵
 ارشاکان : ۲۶۱۶
 اوکرن : ۲۴۵۸
 اوکراتید : ۲۲۶۰ - ۲۲۶۱
 اوکسیارت : ۱۹۱۷
 اوکسیان : ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۳
 اوگیبی : ۱۶۰۷ - ۱۶۰۸
 اولہ اوس (کرخہ) : ۱۵۴۶ - ۲۰۱۱ - ۲۲۱۳
 اوہیا : ۵۴۳
 اہواز : ۱۳۰ - ۱۴۷ - ۲۵۶۹
 ایس ناری : ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷
 ایمری (اسپانیا) : ۹۳ - ۲۹۳ - ۸۷۵ - ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷ - ۱۹۷۱ - ۲۲۷۱ - ۲۴۳۶ -
 ۲۴۷۸
 ایمری (گرجستان) : ۹۸ - ۲۳۵۴ - ۲۴۰۱
 ایپسوس : ۱۹۱۹ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۹
 ۲۰۹۴ - ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳
 ایپن : ۷۷۳
 ایٹالیا : (ایٹالیا)
 ای تورہ آ : ۲۳۴۶
 ایدا : ۷۲۳ - ۱۰۹۳ - ۱۲۴۲
 ای دریہ : ۱۱۶۹
 ایدومہ : (یہودیہ)
 ایران : در بسیاری از صفحات .
 ایران واج : ۱۵۶
 ایرج (قلعه) : ۲۲۱۷

- ۵۵۴ - ۵۵۳ - ۵۵۲ - ۵۵۱ - ۵۵۰ - ۵۴۹
 - ۶۸۸ - ۶۸۳ - ۶۵۰ - ۶۲۸ - ۵۷۸ - ۵۷۱ - ۵۵۵
 - ۹۲۹ - ۷۳۲ - ۷۰۱ - ۷۰۰ - ۶۹۹ - ۶۹۵ - ۶۹۲
 - ۹۵۴ - ۹۵۱ - ۹۵۰ - ۹۴۹ - ۹۴۶ - ۹۴۵ - ۹۳۴
 - ۱۰۲۸ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۰ - ۱۰۰۹ - ۹۸۷
 - ۱۱۶۹ - ۱۱۶۱ - ۱۱۶۰ - ۱۱۵۹ - ۱۰۹۷
 ۱۰۶۹ - ۱۰۴۸ - ۱۰۴۶ - ۱۰۴۱ - ۱۱۸۳ - ۱۱۷۹
 ۱۳۲۶ - ۱۳۰۹ - ۱۲۹۸ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۲ - ۱۲۴۳
 - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰ - ۱۳۶۹
 - ۱۳۸۰ - ۱۳۹۷ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۱ - ۱۳۸۰
 - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۱ - ۱۴۰۶ - ۱۴۰۵ - ۱۳۹۹
 ۱۴۷۶ - ۱۴۷۳ - ۱۴۵۶ - ۱۴۴۷ - ۱۴۳۱ - ۱۴۲۹
 - ۱۴۸۴ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۰ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۷
 - ۱۴۹۷ - ۱۴۹۳ - ۱۴۹۲ - ۱۴۹۱ - ۱۴۸۷
 - ۱۵۱۳ - ۱۵۱۰ - ۱۵۰۹ - ۱۵۰۷ - ۱۴۹۹
 - ۱۵۳۰ - ۱۵۲۹ - ۱۵۲۷ - ۱۵۱۸ - ۱۵۱۴
 - ۱۵۵۴ - ۱۵۴۶ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۲ - ۱۵۳۱
 - ۱۵۷۵ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۱ - ۱۵۶۹ - ۱۵۶۰
 - ۱۵۹۳ - ۱۵۸۸ - ۱۵۷۹ - ۱۵۷۷ - ۱۵۷۶
 - ۱۶۲۷ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۳ - ۱۵۹۶
 - ۱۸۸۱ - ۱۸۷۹ - ۱۸۶۶ - ۱۷۶۵ - ۱۷۲۵
 - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۲ - ۱۸۸۲
 - ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱ - ۱۹۱۰ - ۱۹۰۹ - ۱۹۰۸
 - ۱۹۱۸ - ۱۹۱۷ - ۱۹۱۶ - ۱۹۱۵ - ۱۹۱۴
 - ۱۹۲۴ - ۱۹۲۳ - ۱۹۲۱ - ۱۹۲۰ - ۱۹۱۹
 - ۱۹۳۵ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۰ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۶
 - ۱۹۶۴ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۰ - ۱۹۴۶ - ۱۹۳۷
 - ۱۹۸۲ - ۱۹۷۶ - ۱۹۷۳ - ۱۹۶۹ - ۱۹۶۸
 - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۳ - ۱۹۹۴ - ۱۹۸۵
 ۲۰۳۶ - ۲۰۳۰ - ۲۰۲۹ - ۲۰۱۱ - ۲۰۰۹
 - ۲۰۴۷ - ۲۰۴۶ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۲ - ۲۰۳۷
 - ۲۰۸۳ - ۲۰۷۹ - ۲۰۵۶ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۱
 - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۱ - ۲۰۹۶ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۲
 - ۲۲۲۹ - ۲۲۲۸ - ۲۲۲۷ - ۲۲۰۴ - ۲۱۱۴

۱۲۴۷ - ۱۳۰۷ - ۱۸۰۷ - ۱۸۴۰ - ۱۹۱۱
 ۱۹۸۴ - ۲۰۳۱ - ۲۰۷۹ - ۲۱۶۳

ایلیسوس : ۷۷۴

ایلیوپلیس : ۱۱۰ - ۵۰۶ - ۱۳۵۳

ایلیون : ۱۹ - ۶۵۱ - ۱۲۴۶

ایماتوس : ۲۴۵۸

ایمپروس : ۶۲۶ - ۶۲۹ - ۶۹۲

ایندیکا : ۷۳

این شان : ۲۲۵۱

ایوان کی : ۲۲۱۸

ایوک : ۳۷

ایون : ۷۱۶ - ۷۴۷ - ۷۴۹ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۹۴۳

ب

باب‌الابواب (در بند قفقاز) : ۲۴۵۶ - ۲۴۰۲

باب‌المنذب : ۱۴۹۱ - ۶۳۰

بابل : ۱۷ - ۲۵ تا ۲۹ - ۳۲ تا ۳۵ - ۴۸ - ۳۹

۵۰ - ۵۳ - ۵۱ تا ۵۶ - ۵۹ - ۶۱ تا ۶۴ - ۶۵

۶۷ تا ۶۹ - ۷۶ - ۹۳ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۱۰ تا

۱۱۴ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۳ تا ۱۳۳ - ۱۳۰ تا

۱۴۰ - ۱۵۷ - ۱۵۹ - ۱۶۵ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۷ -

۱۷۸ - ۱۸۶ تا ۱۹۴ - ۱۹۶ تا ۲۰۱ - ۲۰۱ تا

۲۰۳ - ۲۰۶ - ۲۰۹ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۲۴ -

۲۲۸ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۵۸ - ۲۶۱ - ۲۶۴ - ۲۶۸ -

۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۸۵ - ۲۹۶ - ۳۰۴ - ۳۲۰ - ۳۳۱

تا ۳۳۵ - ۳۳۷ - ۳۴۲ - ۳۴۴ - ۳۴۷ - ۳۷۱ -

۳۷۲ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۹ -

۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ -

۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ -

۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۱ - ۴۰۲ -

۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۱۰ - ۴۳۷ -

۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۶ - ۴۵۴ -

۴۵۷ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۷۰ - ۴۷۱ -

۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۸۰ - ۴۸۳ - ۴۸۸ - ۵۰۵ -

۵۳۰ - ۵۳۹ - ۵۴۴ - ۵۴۷ - ۵۴۸ -

۲۲۲۵ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۰ - ۲۲۱۵	- ۲۲۳۸ - ۲۲۳۷ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۳ - ۲۲۳۱
۲۲۵۰ - ۲۲۳۱ تا ۲۲۲۸ - ۲۲۶۷ تا ۲۲۶۳	- ۲۲۶۹ - ۲۲۶۸ - ۲۲۴۷ - ۲۲۴۵ - ۲۲۴۴
۲۲۶۱ - ۲۲۶۰ - ۲۲۵۷ - ۲۳۳۰ - ۲۲۹۷	- ۲۳۶۴ - ۲۲۹۹ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۲ - ۲۲۷۱
۲۴۴۰ - ۲۴۱۴ - ۲۳۷۸ - ۲۳۷۷ - ۲۳۵۴	- ۲۴۱۱ - ۲۴۱۰ - ۲۴۰۹ - ۲۴۰۸ - ۲۴۰۴
- ۲۶۲۳ - ۲۶۱۸ - ۲۶۱۵ - ۲۵۸۴ - ۲۵۳۴	- ۲۴۹۹ - ۲۴۸۲ - ۲۴۷۳ - ۲۴۷۲ - ۲۴۶۸
- ۲۶۸۱ - ۲۶۷۹ - ۲۶۷۴ - ۳۶۵۳ - ۲۶۴۰	- ۲۵۰۵ - ۲۵۰۳ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۰
۲۶۹۷ - ۲۶۹۰	- ۲۵۶۹ - ۳۵۶۸ - ۲۵۲۴ - ۲۵۱۶ - ۲۵۱۰
باختروس (رود) ۱۶۹۳	- ۲۶۴۰ - ۲۶۰۵ - ۲۵۹۶ - ۲۵۹۵ - ۵۵۸۴
باختريش: (باختر)	- ۲۶۸۵ - ۲۶۷۸ - ۲۶۵۸ - ۲۶۵۱ - ۲۶۴۸
باخريز: ۲۱۸۶	- ۲۶۹۷ - ۲۶۹۶ - ۲۶۸۹ - ۲۶۸۳ - ۲۶۸۲
باداكس: ۲۰۱۱	۲۷۲۲ - ۲۷۱۸ - ۲۷۱۵ - ۲۷۰۰ - ۲۶۹۸
بادكوبه (باكو): ۱۷ - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۲۳ - ۲۴۵۲ - ۲۶۱۵	بابيروش: بابل
باراتر: ۷۵۳	باب تانه: ۱۵۶۸
باركانيا: ۲۴۱	باتنه: ۲۴۷۹
بارن: ۲۷۹ - ۲۸۵	باختر: (باختريش) ۳۷۵ - ۲۶۰ - ۲۲۵ - ۱۵۶ - ۶۵
بازريا: ۱۷۳۰	- ۹۵۴ - ۸۹۲ - ۶۹۱ - ۵۴۵ - ۵۳۷ - ۴۸۲ - ۴۵۴
بازير: ۱۷۷۳	- ۱۳۶۹ - ۱۳۶۶ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۴ - ۹۶۰ - ۹۵۴
باشان: ۳۴۴	- ۱۴۳۴ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۱ - ۱۴۲۹ - ۱۳۷۹
باطوم: ۱۸۴ - ۴۴۴ - ۱۶۴۹ - ۲۶۱۵	- ۱۴۴۳ - ۱۴۳۹ - ۱۴۳۸ - ۱۴۳۷ - ۱۴۳۶ - ۱۴۳۵
باغ سردار محتشم: ۸۷ - ۸۷ - ۹۲	- ۱۵۶۴ - ۱۵۱۱ - ۱۴۹۲ - ۱۴۷۳ - ۱۴۵۲ - ۱۴۴۵
باغشاه: ۴۱ تا ۴۷ م. - ۱۲۴ م.	- ۱۶۰۷ - ۱۶۰۵ - ۱۵۹۶ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۱
باغهای معلق: ۱۳۹۷	- ۱۶۵۲ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۷ - ۱۶۱۵
باقر (قریه): ۲۶۴۲	- ۱۶۵۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۷۲ - ۱۶۸۳
باکتر: (باختر)	- ۱۶۹۴ - ۱۶۹۳ - ۱۶۹۲ - ۱۶۹۰ - ۱۶۸۷
باکو: (بادکوبه)	- ۱۶۹۵ - ۱۶۹۷ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۸ - ۱۷۱۵
بالتيك: ۲۶۱۴	- ۱۷۲۱ - ۱۷۲۵ - ۱۷۱۸ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۳
بالخان: (بالکان)	- ۱۷۶۲ - ۱۷۵۸ - ۱۷۵۸ - ۱۷۲۴ - ۱۷۲۳
بالکان: ۹ - ۲۴۳ - ۶۹۱ - ۱۱۹۵ - ۱۱۹۳ - ۱۷۰۸	- ۱۷۶۴ - ۱۷۶۳ - ۱۸۰۹ - ۱۸۲۵ - ۱۸۳۰
۲۰۶۷ - ۲۰۷۹ - ۲۴۸۷	- ۱۹۹۳ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۵ - ۱۹۶۹ - ۱۹۶۷ - ۱۹۱۷
باليسوس (جويبار): ۲۳۰۷	- ۲۵۷۵ - ۲۵۷۳ - ۲۵۵۶ - ۲۰۴۶
بانك اجی بی: ۵۵۳ - ۵۵۴	- ۲۵۸۸ - ۲۵۸۴ - ۲۰۸۳ - ۲۰۸۲ - ۲۵۸۱ - ۲۰۸۵
بانك شاهنشاهی: ۶۸ م.	- ۲۱۱۸ - ۲۱۱۶ - ۲۱۰۴ - ۲۱۵۲ - ۲۰۹۵
باميان: ۱۵۲	- ۲۲۰۴ - ۲۲۰۲ - ۲۱۹۸ - ۲۱۹۷ - ۲۱۸۸
بشوسی: ۱۲ - ۵۱۲ - ۷۷۷ - ۷۹۸ - ۸۰۱ - ۸۲۲ - ۸۳۴	- ۲۲۱۴ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۱ - ۲۲۵۵

- بل (معبد): ۲۵۸۴
 بلاشان: ۲۵۷۷-۲۵۵۵
 بلخ: ۳۲-۱۵۲-۱۵۴۲-۲۵۵۲-۲۱۸۸-۲۵۷۲
 بلغار: ۱۱۳
 بلوات: ۵۳
 بلوچستان: ۱۱۹-۱۳۱-۱۴۳-۱۴۵-۱۵۲-۱۵۷
 ۶۳۰-۱۵۶۴-۱۶۲۲-۱۶۸۴-۲۰۴۶-۲۰۸۳
 ۲۲۱۴- و رجوع به گدروزیا شود
 بلوس (معبد): ۲۱۱۰-۱۲۹۵-۱۲۹۷-۱۹۱۰-۱۹۱۸
 بلونا (معبد): ۲۴۹۲
 بلیک (رود): ۲۴۹۹
 بمبئی: ۱۰۵-۱۱۰-م-۲۵۷۷-۲۵۷۹-۲۶۹۳
 بمپور: ۱۴۶
 بمپور (رو): ۱۴۸
 بهمشیر (همین شیر): ۱۴۷-۱۹۰۱
 بند امیر: ۲۲۶۸
 بندرعباس: ۱۵۰۹-۱۸۶۹
 بندر لنگه: ۱۵۰۹
 بن غازی (اوس پرید): ۵۷۵-۶۹۱
 بوباست: ۱۱۷۶-۱۱۷۷
 بوباسن: ۱۷۵۷
 بوباک تیس: ۵۱۳
 بوت: ۵۱۳-۵۹۸-۵۱۵
 بوبیان: ۱۹۲۲
 بوسفالی: ۱۷۹۲-۱۷۹۳-۱۷۹۸-۱۸۱۹
 بوسفور: ۵۹۳-۵۹۵-۶۰۱-۶۱۳-۶۲۶-۹۳۷
 ۱۱۹۲-۱۲۴۵-۱۴۸۵-۱۵۱۰-۱۵۳۷-
 ۱۷۰۲-۲۱۴۸-۲۲۸۳
 بوسفور تراکیه: ۲۴۸-۲۲۴۹-۲۲۷۰
 بوسفور کیمیری (بغاز کرچ): ۲۴۷۸-۲۱۴۶
 بوسیریس: ۵۱۲
 پوشهر: ۶۸-م-۸۲-۱۳۰-۱۵۰۹
 بوگی: ۷۴۹
 بومادوس: ۱۳۷۱-۱۳۷۸
- ۸۳۶-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۳-۸۴۵-۸۴۹-
 ۸۵۰-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۶-۸۸۳-۹۷۴-
 ۱۱۲۲-۱۱۵۰-۱۱۷۴-۱۲۰۱-۲۲۰۲-
 ۱۹۷۷-۲۰۲۷-۲۱۴۰
 بجنورد: ۲۱۸۶-۲۶۴۲
 بحرالجزایر: ۲۰-۲۱-۲۷-۳۷-۷۷-۳۶۲
 ۹۲۴-۹۳۶-۹۳۹ و رجوع به اژه شود
 بحرالمیت: ۴۰۳
 بحرین (تی لس): ۱۱۸-۱۴۹-۲۰۸۲
 بخارا: ۷۳۳-۱۴۵۲-۱۷۱۱
 بختکان: ۱۴۷-۲۵۴۹
 بختیاری (کوه): ۱۳۵-۱۴۷-۱۵۱۱-۱۵۵۵
 ۱۵۵۶-۲۷۰۶
 بتیلیس: ۲۱۴۲
 برسیپ پا: ۵۴-۳۹۴-۱۹۳۷
 برقه: ۴۹۰-۴۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۷۵-۶۱۱-
 ۶۸۳-۱۳۵۸-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۷۲-
 ۱۶۸۶-۱۹۸۴
 برگامو: ۲۱۵۰
 برلن: ۴۳-۴۹-۹۰۷-۱۶۱۵-۲۵۶۵-
 ۲۷۱۹-۲۷۲۵
 بروخی: ۲۰۸۰
 بروگرد: ۱۵۶۳
 برومزیوم: ۲۲۹۸
 بریت: (بیروت)
 بریطانیا: ۴۴۳-۲۵۰۴ و رجوع به انگلستان شود
 بریستن (رود): ۵۸۳-۶۱۵
 بساتین: ۱۴۷
 بسارابی: ۶۱۲-۶۱۵
 بصره: ۱۰۵-۱۵۱-۲۵۷
 بغداد: ۵۱-۷۵-۱۵۱-۱۰۳-۱۱۶-۱۵۱-
 ۷۵۰-۲۱۱۳-۲۴۲۱
 بغستان: بیستون
 بغستان بابلی: ۱۴۳۱-۱۴۴۱

بوملوس : (زهاب)

بومهن : ۱۰۰م

بهبهان : ۱۴۱۳ - ۲۵۳۲

به زيرا : ۱۷۷۰

بهستان : (بيستون)

بيبلس : ۸۶ - ۷۲۰ - ۹۳۱ - ۱۳۲۷ - ۱۵۱۰
۲۰۳۲ .

بيملوس : (بيبلس)

بيت لحم : ۱۸۳

بيت المقدس : (اورشليم)

بي تي نيه : ۸۵ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۸۷۶ - ۱۰۹۱

۱۲۴۵ - ۱۴۶۸ - ۲۰۳۲ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۹

۲۰۷۰ - ۲۰۸۲ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۴ - ۲۱۳۶

۲۱۳۹ - ۲۱۴۱ - ۲۱۴۳ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۳ تا

۲۱۶۶ - ۲۱۷۰ - ۲۲۱۷۹ - ۲۲۰۰ - ۲۲۷۴

۲۲۸۱ - ۲۲۸۲ - ۲۶۵۳

بيرس نمرود (برج) : ۵۴

بيروت : ۸۶ - ۲۳۷۱

بيزانس (روم شرقی) : ۲۳ - ۹۰ - ۱۶۳ - ۵۹۴

۶۱۰ - ۶۲۶ - ۶۴۶ - ۶۵۳ - ۶۵۵ - ۶۵۶

۸۶۴ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۹۷۶ - ۹۷۸ - ۱۰۰۵

۱۰۸۸ - ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۹

۱۱۶۷ - ۱۱۸۲ - ۱۲۰۰ - ۱۲۰۱ - ۱۲۱۲

۱۲۲۳ - ۱۴۲۹ - ۱۵۱۰ - ۱۵۳۳ - ۱۶۱۸

۱۹۴۵ - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۸

۲۱۲۹ - ۲۱۵۰ - ۲۱۵۲ - ۲۱۷۶ - ۲۵۴۵

۲۶۱۴ - ۲۶۲۱ - ۲۶۲۲ - ۲۶۳۷ - ۲۶۸۳

۲۷۱۴ - ۲۷۱۶

بليس (رود) : ۱۸۰۴ - ۱۸۰۶

بيستون : ۴۶ - ۵۶ - ۱۶۸ - ۱۸۳ - ۱۸۰ - ۲۱۶

۲۲۰ - ۲۲۹ - ۲۳۱ - ۲۷۳ - ۳۷۷ - ۴۷۸

۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۵۱۶ - ۵۱۹

۵۳۲ - ۵۳۴ تا ۵۳۶ - ۵۳۸ - ۵۴۱ - ۵۴۸

۵۵۹ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۷۷ - ۵۹۲ - ۶۹۱

۸۷۴ - ۹۵۲ - ۹۶۰ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹

۱۴۵۹ - ۱۴۶۱ - ۱۴۶۷ - ۱۴۹۸ - ۱۵۰۱

۱۵۱۴ - ۱۵۳۳ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۴ - ۱۵۶۷

۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۷ - ۱۶۰۳

۱۶۱۸ - ۱۷۰۸ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ - ۲۰۹۸

۲۱۲۱ - ۲۱۲۴ - ۲۱۸۳ - ۲۲۲۶ - ۲۲۸۰

۲۴۲۲ - ۲۶۱۱ - ۲۶۲۲ - ۲۶۵۶ - ۲۷۰۴

۲۷۰۶ - ۲۷۱۸ - ۲۷۲۲

بيکني (دماوند) . ۱۷۰

بين النهرين : ۸ - ۲۲ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۹ - ۴۰ - ۹۳

۹۶ - ۱۳۸ - ۱۴۳ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۷۹ - ۲۰۲

۱۳۷۱ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶

۱۶۲۲ - ۲۰۵۹ - ۲۰۷۷ - ۲۰۴ - ۲۲۰۹

۲۲۹۸ - ۲۳۰۰ - ۲۳۰۱ - ۲۳۳۱ - ۲۳۷۲

۲۴۰۳ - ۲۴۰۴ - ۲۴۰۵ - ۲۴۰۸

۲۴۲۰ - ۲۴۴۳ - ۳۳۴۷ - ۲۴۶۸ - ۲۴۷۹

۲۴۸۰ - ۲۴۸۱ - ۲۴۸۲ - ۲۴۸۵ - ۲۴۸۷

۲۴۹۹ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۳ - ۲۵۰۵

۲۵۰۶ - ۲۵۰۷ - ۲۵۰۸ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۰

۲۵۱۵ - ۲۵۱۶ - ۲۵۲۴ - ۲۵۲۶ - ۲۵۲۷ - ۲۵۲۸

۲۵۲۹ - ۲۵۲۹ - ۲۶۱۳ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹

۲۶۳۲ - ۲۶۳۵ - ۲۶۵۵ - ۲۶۸۶ - ۲۶۹۹

۲۷۰۱ - ۲۷۲۱ - ۲۷۲۲

بي نيش (معبد) : ۵۶۷

پ

پاتارا . ۱۲۷۶

پاتالي بوترا : ۲۰۵۸

پارا پام من : (پارا پاميز)

پارا پاميز : (پارا پاميزاد)

پارا پاميزاد (افغانستان) : ۱۴۲ - ۱۵۵ - ۱۶۸۳

۱۶۸۵ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۲

۱۶۹۳ - ۱۷۶۴ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۸ - ۱۷۸۲

۱۸۲۳ - ۱۸۳۴ - ۱۸۴۲ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۲

۱۹۹۳ - ۲۰۰۸ - ۲۰۱۵ - ۲۰۱۹ - ۲۰۵۸

۲۱۰۲ - ۲۱۸۸ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳

۲۲۲۹ - ۲۲۶۲ - ۲۶۵۱

یاراپوتامی . ۷۹۸ - ۲۱۰۲ - ۲۱۱۲

پارت: ۹۳ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۲۰۷

۳۷۵ - ۴۵۴ - ۴۸۰ - ۴۸۲ - ۵۳۷ - ۵۴۰

۵۴۴ - ۵۴۵ - ۶۹۱ - ۱۳۸۱ - ۱۴۲۷ - ۱۴۲۹

۱۴۳۲ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۵ - ۱۴۵۲ - ۱۴۸۰

۱۴۸۹ - ۱۵۴۷ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ - ۱۵۹۶

۱۶۱۰ - ۱۶۳۳ - ۱۶۳۶ - ۱۶۳۸ - ۱۶۴۸

۱۶۵۱ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۴ - ۱۶۸۵ - ۱۷۲۰

۱۷۸۲ - ۱۷۹۷ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴

۱۸۸۹ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۲ - ۱۹۹۳

۲۰۰۷ - ۲۰۵۲ - ۲۰۷۳ - ۲۰۸۶ - ۲۰۷۸

۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۰۸۵ - ۲۰۸۸ - ۲۰۸۹

۲۱۰۲ - ۲۱۰۳ - ۲۱۱۵ - ۲۱۱۸ - ۲۱۲۱

۲۱۶۴ - ۲۱۶۵ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷ - ۲۱۶۹

۲۱۷۲ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۷۶

۲۱۷۷ - ۲۱۸۱ - ۲۱۸۳ - ۲۲۰۵ - ۲۲۰۸

۲۲۱۱ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۵

۲۲۱۷ - ۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۱

۲۲۲۴ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۷ - ۲۲۲۸ - ۲۲۲۹

۲۲۳۱ - ۲۲۳۲ - ۲۲۳۳ - ۲۲۳۴ - ۲۲۳۵

۲۲۳۸ - ۲۲۳۹ - ۲۲۴۱ - ۲۲۴۲ - ۲۲۴۵

۲۲۴۷ - ۲۲۴۸ - ۲۲۴۹ - ۲۲۵۷ - ۲۲۵۸

۲۲۵۹ - ۲۲۶۲ - ۲۲۶۸ - ۲۲۷۱ - ۲۲۸۱

۲۲۸۳ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۰

۲۲۹۱ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷

۲۲۹۹ - ۲۳۰۱ - ۲۳۰۳ - ۲۳۰۶ - ۲۳۰۷

۲۳۱۸ - ۲۳۱۹ - ۲۳۲۰ - ۲۳۲۱ - ۲۳۲۸

۲۳۲۹ - ۲۳۳۱ - ۲۳۳۶ - ۲۳۳۷ - ۲۳۳۸

۲۳۳۹ - ۲۳۴۱ - ۲۳۴۲ - ۲۳۴۴ - ۲۳۴۵

۲۳۴۶ - ۲۳۴۷ - ۲۳۴۹ - ۲۳۵۰ - ۲۳۵۱

۲۳۵۲ - ۲۳۵۴ - ۲۳۵۵ - ۲۳۵۸ - ۲۳۵۹

۲۳۷۳ - ۲۳۷۶ - ۲۳۷۷ - ۲۳۸۰ - ۲۳۸۱

۲۳۸۳ - ۲۳۸۵ - ۲۳۸۷ - ۲۳۸۸ - ۲۳۸۹

۲۳۹۳ - ۲۳۹۶ - ۲۳۹۹ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۶

۲۴۰۹ - ۲۴۱۱ - ۲۴۱۲ - ۲۴۱۲ - ۲۴۲۳

۲۴۲۴ - ۲۴۲۵ - ۲۴۳۰ - ۲۴۳۵ - ۲۴۴۰

۲۴۴۱ - ۲۴۴۲ - ۲۴۴۳ - ۲۴۴۷ - ۲۴۴۸

۲۴۴۹ - ۲۴۵۲ - ۲۴۵۵ - ۲۴۶۱ - ۲۴۸۱

۲۴۸۱ - ۲۴۸۴ - ۲۴۹۱ - ۲۴۹۲ - ۲۵۱۵

۲۴۹۷ - ۲۴۹۹ - ۲۵۰۹ - ۲۵۱۵ - ۲۵۱۷

۲۵۱۷ - ۲۵۳۰ - ۲۵۳۳ - ۲۵۳۵ - ۲۵۴۱

۲۵۴۵ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۳ - ۲۵۷۵ - ۲۵۸۳

۲۵۸۴ - ۲۵۸۵ - ۲۵۹۰ - ۲۵۹۱ - ۲۵۹۳

۲۵۹۵ - ۲۶۰۱ - ۲۶۱۱ - ۲۶۱۳ - ۲۶۱۴

۲۶۱۵ - ۲۶۱۷ - ۲۶۱۸ - ۲۶۲۲ - ۲۶۲۳

۲۶۲۴ - ۲۶۲۵ - ۲۶۲۷ - ۲۶۲۸ - ۲۶۲۹

۲۶۳۵ - ۲۶۳۹ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۱ - ۲۶۴۲

۲۶۴۳ - ۲۶۴۵ - ۲۶۴۶ - ۲۶۴۷ - ۲۶۴۸

۲۶۴۹ - ۲۶۵۰ - ۲۶۵۵ - ۲۶۵۹ - ۲۶۷۵

۲۶۷۸ - ۲۶۷۹ - ۲۶۸۳ - ۲۶۸۴ - ۲۶۸۵

۲۶۸۸ - ۲۶۸۹ - ۲۶۹۰ - ۲۶۹۱ - ۲۶۹۲

۲۶۹۳ - ۲۶۹۷ - ۲۷۰۰ - ۲۷۰۱ - ۲۷۰۳

۲۷۰۸ - ۲۷۰۹ - ۲۷۱۴ - ۲۷۱۵

پارتاکن، (پاریتاکن)

پارته‌نیوم: ۱۰۹۳

پارتی‌کابیوم: ۲۱۴۵

پارثوآیا (پارثیا): (پارت)

پارس (پرس، ایران): در بیشتر صفحات

پارس (خلیج): ۲۰ - ۵۷ - ۱۱۳ - ۱۱۸ - ۱۳۰ - ۱۳۱

۱۳۸ - ۱۴۳ - ۱۴۵ - ۱۴۷ - ۱۴۹ - ۱۵۰

۱۵۲ - ۱۵۰۸ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۴

۲۱۰۲ - ۲۱۱۳

پارسه: (تخت جمشید)

پارسوا (پارسواش): ۱۶۹ - ۱۷۳ - ۲۲۷

پارناس: ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۷۰۱

پاری‌تاک: ۱۷۳۹

پاری تاکن (اصفهان): ۱۵۵ - ۱۴۳ - ۱۴۴۱

۱۷۵۷ - ۲۰۱۵ و رجوع به اصفهان و فریدن شود

۱۹۶۸-۱۹۶۹ - ۱۹۷۳ - ۱۹۹۴-۲۱۰۳ -

۲۱۱۵-۲۳۴۴ .

پامیر : ۹-۱۴۷-۱۵۳-۱۵۵-۱۶۸۷

پان بابیلونیسم : ۶۳-۶۴

پان تی کاپ : ۱۵

پانورم : ۸۷۸

پان نوینا : ۲۵۰۴

پانیونیوم : ۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹

پثونیه : ۶۲۲-۶۲۵-۱۲۹۰-۱۱۹۴-۱۱۹۷

پتا (معبد) : ۱۳۵۳

پتاله : ۱۴۹۲-۱۵۱۱-۱۸۳۵-۱۸۴۵ تا ۱۸۴۷

- ۱۸۵۰ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۵ - ۱۸۷۰ -

۲۲۶۰

پتریوم : ۴۹-۲۷۵-۲۷۶

پتی گرین : ۵۴۵

پختکان : (بختکان)

پدی یه : ۸۲۸

پراکتوس : ۱۲۴۷

پر آن خا : ۵۶۸

پراسیاش : ۶۲۲

پربی : ۲۰۲۳-۲۰۲۴-۲۰۲۷

پرئو : (پارت)

پردیس : ۱۴۶۷-۱۵۰۴-۱۵۶۴-۱۶۱۱

پرسپه : ۲۶۲۴

پرسپولیس : (تخت جمشید)

پرس بی تس : ۹۳۱-۹۳۲

پرکت : ۶۵۱-۹۱۸

پرگ (کوه) : ۵۴۶

پرگا : ۱۲۷۸

پرگام : ۱۹-۷۲۳-۱۰۹۲-۱۰۹۹-۱۹۶۰

۲۰۴۵-۲۰۶۹-۲۰۷۰-۲۰۷۲-۲۰۷۷

۲۰۷۸-۲۰۷۹-۲۰۸۰-۲۰۸۳-۲۱۱۱

۲۱۲۸-۲۱۳۶-۲۱۴۹-۲۱۵۰-۲۱۵۱

۲۱۶۶-۲۱۶۷-۲۱۷۰-۲۱۷۳-۲۲۸۲

پاریز : ۲۷۶-۲۹۹

پاریس : ۴۵-۴۹-۱۳-۴۱-۲۵-۴۸-۴۹

۴۵۵-۴۸۰-۵۴-۵۶-۶۰۰-۱۰۵-۱۲۹

۱۳۶-۱۴۸۳-۱۶۱۵-۲۱۸۳-۲۵۶۷

۲۶۷۳-۲۶۷۴

پازارگاد : (پاسارگاد)

پاسارگاد : ۶۵-۱۴۴-۲۳۲-۶۹۷-۹۹۳-۱۱۷۸

پاسارگاد : ۱۲۵۳-۱۴۲۱-۱۴۹۲-۱۵۵۹

۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-۱۵۶۷-۱۸۷۰

۱۸۷۱-۱۸۷۲-۱۸۷۵-۱۹۲۰

پاسی تیگریس (رود) : ۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۹۰۱

۲۰۱۰-۲۰۱۲

پس تیگرا : (پاسی تیگریس)

پاطاق : ۲۷۰۳

پافلاگونیه : ۲۱۱-۲۶۱-۳۰۴-۳۴۷-۴۶۰

۱۰۸۹-۱۰۹۱-۱۱۰۶-۱۱۴۱ تا ۱۱۴۳

۱۱۴۵-۱۱۵۱-۱۲۴۰-۱۲۸۵-۱۳۴۶

۱۴۶۸-۱۶۳۸-۱۶۶۹-۱۹۶۷-۱۹۷۰

۲۱۳۱-۲۱۳۳-۲۱۴۱-۲۱۵۱-۲۲۷۴

۲۲۸۲-۲۲۸۳

پاک (جزیره) : ۱۰

پاکتول : ۳۴۷-۳۶۷-۶۴۶-۱۱۰۵

پاکتیا : ۶۳۰-۶۳۴

پاگاس : ۷۷۵

پالاکوپ (ترعه) : ۱۹۲۳-۱۹۳۵

پالرم : ۲۰۷

پالس سپسس : ۹۱۸

پالمیرا : ۲۱۱۲-۲۷۲۱

پالن : ۸۲۹-۸۴۴-۲۰۲۷

پالوس مه اوتیه (آزوف) : ۱۶۴۳-۱۷۰۲

۱۸۷۶-۲۴۵۷ و رجوع به آزوف شود

پالی بوئرا (پاتالی بوئرا) : ۲۰۶۵

پام فیلیه : ۶۹۲-۸۷۶-۹۲۶-۹۳۷-۱۱۳۸

۱۲۷۸-۱۲۸۳-۱۶۳۸-۱۶۸۶-۱۷۸۱

۱۱۱۰ - ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ - ۱۱۹۲-۱۱۲۰
 ۱۲۲۴ - ۱۲۲۷ - ۱۲۳۷ - ۱۳۰۳-۱۳۰۹
 ۱۶۳۸ - ۱۸۰۷ - ۱۸۸۸-۱۹۷۶-۲۰۰۲
 ۲۰۲۲ - ۲۰۲۷ - ۲۰۲۸ - ۲۰۳۱-۲۰۳۲
 ۲۰۳۳-۲۰۴۵-۲۱۳۹-۲۱۴۹
 پلوز : ۱۱۷۳-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۳۵۳-۱۵۱۰
 ۱۹۹۰-۱۹۹۲
 پلوزيوم : ۴۸۹-۱۱۳۶-۱۳۲۸-۲۹۳۴
 پلين : ۵۷۲
 پليون : ۷۷۳-۷۹۲-۱۲۳۰-۱۲۳۱
 پنت : ۹۲-۵۸۱-۵۹۳-۶۵۳-۷۶۰-۸۷۶-۱۰۸۸
 ۱۱۴۸-۱۲۴۵-۱۲۶۸-۱۲۸۶-۱۷۱۷-۱۹۶۷
 ۱۹۷۰-۲۰۶۹-۲۰۷۰-۲۰۷۶-۲۰۷۸
 ۲۰۸۰-۲۰۹۴-۲۱۰۲-۲۱۲۲-۲۱۲۸
 ۲۱۳۱-۲۱۳۶-۲۱۳۸-۲۱۴۱-۲۱۴۳
 ۲۱۴۵-۲۱۴۷-۲۱۴ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۱
 ۲۱۵۲-۲۱۶۵-۲۱۶۷-۲۱۶۹-۲۱۷۱
 ۲۱۷۵-۲۲۷۴-۲۲۷۹-۲۲۸۲-۲۲۸۳
 ۲۳۷۵-۲۳۹۶-۲۳۹ - ۲۴۳۸ - ۲۴۴۳
 ۲۴۴۴-۲۵۸۶-۲۵۸۷-۲۶۰۷-۲۶۵۳
 پنجاب : ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۶۲۹ - ۶۳۳ - ۱۸۰۶
 ۱۸۲۰-۱۸۳۰-۲۰۴۵-۲۰۵۵-۲۰۵۸
 ۲۲۱۴-۲۲۱۵-۲۲۲۳-۲۲۲۴-۲۲۲۸
 ۲۲۳۱-۲۲۶۳-۲۶۵۱
 پښيلوانی : ۵۸
 پښه : ۷۵۲-۷۶۸-۷۷۰
 پوتیده-۹۲۸-۹۲۹-۹۴۲-۱۱۹۶-۱۲۱۶
 پوتییه : ۱۴۵۲-۱۴۵۴
 پودولسک : ۶۱۵
 پورا : ۱۸۵۹
 پوزیدئون (پوسیدئون) : ۲۸۸-۵۱۲
 پولتاوا : ۶۱۵
 پولمون : ۲۳۷۴
 پولی تی مت : ۱۷۱۱-۱۷۱۹

۲۶۵۳
 پرگاماچای : ۲۱۴۹
 پرگاموس : (پرگام)
 پرنت : ۶۵۵-۱۱۸۲-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۸۹۳
 پروب ، ۷۶۸
 پروونتید (مرمره) ، ۵۹۴
 پروزیاد : ۲۱۵۲
 پروس : ۵۵-۱۰۰۵
 پروسیا (قلعه) : ۲۳۴۲
 پری نانه : ۷۷۶
 پری تکان ، (پاری تکان)
 پریکان ، (پری تکان)
 پری بن : ۲۸۷-۲۸۹-۲۹۳
 یس تیگر : (پاسی تیگریس)
 سیخان : ۶۲ م
 پشتکوه : ۱۳۰
 طبر : ۲۰۴۰ تا ۲۰۴۲
 پطروگراد : (سن پترزبورگ)
 یلا : ۱۲۱۳-۱۲۱۷-۱۲۷۲-۲۰۲۵-۲۱۱۱-۲۱۱۲
 یلاته : ۲۲-۳۰۳-۶۷۲-۶۸۱-۷۵۳-۷۸۵
 ۷۸۸-۸۰۲-۸۲۷-۸۳۶-۸۳۹-۸۴۰
 ۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۵۱
 ۸۵۲-۸۵۵-۸۶۰-۸۶۴-۸۶۷
 ۸۷۹-۸۸۲-۸۸۶-۸۹۵-۹۱۱-۹۲۳-۱۱۵۰
 ۱۱۹۲-۱۲۳۳-۱۴۸۲-۱۴۸۴-۱۶۲۷
 پلوار (رود) : ۱۵۷۸-۱۵۹۴-۱۶۰۰
 پلت : ۹۹۹
 پلو بونس : ۷۰-۷۲-۷۸-۱۱۲-۵۱۴-۶۳۸-۶۶۹
 ۷۰۶-۷۰۵-۷۴۰-۷۴۱-۷۵۶-۷۶۷
 ۷۷۷-۷۸۶-۷۸۷-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۵-۸۰۶
 ۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۲-۸۳۲
 ۸۳۸-۸۴۴-۸۴۷-۸۵۱-۸۶۸-۸۸۳-۸۸۵
 ۹۲۴-۹۴۱-۹۶۰-۹۷۵-۹۷۹-۱۸۵-۹۸۶
 ۸۸۶-۹۹۰-۹۹۷-۱۰۲۶-۱۰۸۴-۱۱۰۱

ت

ت آر، ۵۹۵
 تاکه : ۱۵۰۹
 تابه : ۲۲۲۱
 تاپ ساک : ۱۹۲۰-۱۸۶۶-۱۰۰۸-۱۰۰۷
 تاتارستان : ۱۱-۱۰۷-۲۴۶۹-۲۵۷۴
 تاراکن : ۲۱۷۶
 تارانت : ۵۶۳-۵۶۲
 تارس : ۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۵-۱۲۷۸-۱۲۹۱
 ۲۶۰۷-۲۱۱۶
 تارسوس : ۲۰۶۰
 تاروا : ۵۴۶
 تارونت پرت : ۲۶۱۶
 تاریم : ۲۲۶۰
 تاس : ۶۵۵
 تاسیس : ۶۲۹-۶۵۸-۶۵۹-۷۵۰
 تالوس : (طالش) ۱۸۵۴
 تانائیس (دن) : ۵۸۴-۵۹۶-۶۰۳-۶۰۴-۶۱۲
 ۶۱۵-۱۳۴۴-۱۶۴۹-۱۶۵۲-۱۶۹۳-۱۶۹۴
 ۱۶۹۸-۱۷۰۲-۱۷۰۳-۱۷۰۶-۱۷۰۷-
 ۱۷۰۸-۱۷۱۳-۱۷۱۴-۱۸۸۹-۲۲۰۵-
 ۲۴۵۷
 تانیراس : ۹۳۳
 تانیس : ۴۳
 تاورها : (قریم)
 تب (شهر) : ۵۰-۱۴۰-۴۹۶-۵۰۹-۵۷۳-
 ۵۷۴-۶۷۲-۷۲۳-۷۷۷-۷۸۲-۷۸۴-
 ۷۸۵-۸۰۲-۸۳۰-۸۳۹-۸۴۱-۸۴۵-
 ۸۴۷-۸۴۸-۸۵۴-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۳-
 ۸۸۳-۹۴۱-۹۶۸-۱۰۹۲-۱۱۱۰-۱۱۱۸-
 ۱۱۲۰-۱۱۲۲-۱۱۳۲-۱۱۳۵-۱۱۴۹-
 ۱۱۵۰-۱۱۶۷-۱۱۷۳-۱۱۹۴-۱۱۹۸-
 ۱۲۰۲-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۷-۱۲۴۱-
 ۱۲۴۳-۱۲۵۸-۱۳۰۸-۱۵۱۴-۱۵۳۲-

په تیک : ۱۲۴۵
 په سلاتید : ۱۷۶۶
 په سوس : ۶۵۱
 پهل : (پارت)
 پهل آراوادن : ۲۵۸۴-۲۵۹۵-
 پهل شاهسدان : ۲۵۹۵-۲۵۹۷-۲۶۱۱
 پهلو : (پارت)
 پهوی به : ۷۹۸
 پی تانه : ۱۲۴۳-۲۴۸۱
 پیدن : ۹۱۳
 پیدنا : ۱۱۹۶-۲۰۲۳-۲۰۲۴-۲۱۶۳
 پیرا : ۱۲۸۱
 پیرام (پیراموس) : ۱۰۰۵-۱۳۰۱
 پیربکران : ۳ م
 پیرینه : ۳ م
 پیرتاکستان : ۳ م
 پیرجاسوس : ۳ م
 پیرحمزه : ۳ م
 پیرداود : ۳ م
 پیرزن : ۳ م
 پیرعلمدار : ۳ م
 پیرنه : ۲۱۳۶
 پیر : ۹۲۳-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۱۱۱۴-۲۰۰۲-
 ۲۰۴۷-۲۰۰۴
 پیس تیر : ۷۴۸
 پی سی او دا (پی سی او وده) : ۵۳۲-۵۴۶
 پی سیدیه : ۱۱۳۸-۱۲۷۸-۱۴۷۲-۱۶۳۸-۱۹۷۳-
 ۱۹۹۵-۱۹۹۶-۲۰۹۵-۲۱۰۳-۲۱۱۵-
 پیشاور : ۱۴۵۳-۱۵۲
 پیل : ۱۰۰۸-۱۲۸۶
 پیلوس : ۷۶۷
 یم پیراما : ۱۸۰۰
 پی نار : ۱۲۷۶-۱۳۰۴-۱۳۰۶
 پی ناکا : ۱۲۱۶

۲۲۲۶ - ۲۱۲۱ - ۲۱۱۵ - ۲۰۹۸ - ۲۰۹۶
 - ۲۷۲۱ - ۲۷۰۸ - ۲۶۹۱ - ۲۲۷۰ - ۲۲۶۲
 تخت خسرو : ۲۷۱۵ - ۲۷۱۳
 تخت سلیمان : ۱۲۵۳ - ۱۵۶۷ - ۲۳۵۵ - ۲۳۷۳

۳۶۲۴ - ۲۳۷۴

تخس (کوه) : ۱۰۸۶

تراخیس : ۷۷۷

تراخی نه : ۷۹۸ - ۷۶۹

ترادس : ۲۱۱۳

تراس : ۱۱۰۱ - ۸۳۶

تراکیه : ۷۷ - ۲۴۳ - ۳۷۶ - ۵۹۶ - ۶۰۰ - ۶۰۱
 - ۶۰۲ - ۶۱۰ - ۶۱۵ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱
 - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۷ - ۶۳۸ - ۶۵۲ - ۶۵۶ - ۶۵۸
 - ۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۶۸ - ۶۷۹ - ۶۹۰ - ۶۹۲ - ۶۹۳
 - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۲۹ - ۷۳۵ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۷۱
 - ۸۶۴ - ۸۷۱ - ۹۱۱ - ۹۲۴ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۳۳
 - ۹۳۷ - ۹۴۱ - ۹۴۳ - ۹۶۸ - ۹۷۴ - ۱۰۰۵
 - ۱۰۰۸ - ۱۰۹۲ - ۱۱۹۰ - ۱۱۹۷ - ۱۲۰۰
 - ۱۲۲۷ - ۱۲۴۵ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ - ۱۳۲۴
 - ۱۴۰۰ - ۱۴۰۳ - ۱۴۵۲ - ۱۴۷۹ - ۱۶۱۴
 - ۱۶۳۸ - ۱۷۰۷ - ۱۷۰۸ - ۱۷۱۴
 - ۱۸۰۷ - ۱۸۴۰ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۸ - ۱۹۰۳
 - ۱۹۱۱ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۰ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۴
 - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ - ۲۰۲۸ - ۲۰۴۳ - ۲۰۵۰
 - ۲۰۵۱ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۷ - ۲۱۰۹
 - ۲۱۳۹ - ۲۱۵۰ - ۲۱۵۵ - ۲۳۴۰ - ۲۴۵۰

ترال : ۱۰۰۷ - ۱۱۰۲ - ۱۲۶۲ - ۲۳۲۵

تربت حیدری : ۲۱۸۶

ترشیز : ۲۱۸۶

ترشیش : ۴۴۵

ترکستان : ۱۶۲۱ - ۵۷۷

ترکمنستان : ۱۴۷ - ۲۶۴۲ - ۲۶۴۴

ترکیه : ۹۲ - ۱۳۰ - ۱۴۸ - ۲۰۷۶ - ۲۱۵۲

ترم : ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۷۰ - ۱۱۱۴ و رجوع به

سالونیک شود .

۱۷۷۶ - ۱۷۳۲ - ۱۷۲۱ - ۱۵۵۷ - ۱۵۴۶
 - ۱۸۰۷ - ۱۹۱۵ - ۱۹۴۰ - ۱۹۷۷ - ۲۰۲۷
 - ۲۰۳۲ - ۲۱۷۹ - ۲۲۵۳ - ۲۳۲۶ - ۲۳۷۲

۲۶۰۵

تب (هندیان) : ۱۴۹

تبت - ۹ - ۶۱۶

تبریز : ۳ - ۶ - ۴۶ - ۵۵ - ۶۲ م -
 ۶۳ م - ۱۴۵ - ۲۳۷۴

تبس : ۱۴۴۱

تپرا قلعه : ۱۷۲

تیورستان (طبرستان) : ۱۶۴۱ - ۱۶۴۵ -
 ۱۷۲۵

تپه حصار : ۲۶۴۵

تتراپولیس ، (هراکله)

تترونیوم : ۷۹۸

تجن (رود) : ۲۱۸۸ - ۲۱۸۶

تجره (قصر) : ۱۵۸۸ تا ۱۵۹۱ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۶
 ۱۶۰۰ - ۱۵۹۸

تخت جمشید (پرس پولیس) : ۴۳ - ۴۴ - ۴۵

۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۶۵ - ۱۶۵ - ۲۲۱ - ۲۳۳ - ۲۶۳ - ۳۷۵

۵۷۷ - ۵۸۰ - ۵۸۵ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۲۱ - ۷۲۶

۶۵۷ - ۶۸۷ - ۶۹۱ - ۶۹۵ - ۷۰۷ - ۷۱۹

۷۲۶ - ۷۳۷ - ۷۶۳ - ۷۶۶ - ۷۸۳ - ۹۰۶ - ۹۰۷

۹۵۲ - ۹۵۶ - ۹۵۸ - ۱۰۵۷ - ۱۰۶۸ - ۱۰۷۹

۱۱۴۴ - ۱۱۶۴ - ۱۱۶۵ - ۱۱۹۷ - ۱۲۴۳

۱۲۷۹ - ۱۲۸۹ - ۱۳۰۲ - ۱۳۴۴ - ۱۳۹۵

۱۴۰۵ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۹ - ۱۴۲۹ - ۱۴۴۱

۱۴۵۰ - ۱۴۵۱ - ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۱

۱۴۶۳ - ۱۴۶۵ - ۱۴۷۸ - ۱۴۹۱ - ۱۵۲۶

۱۵۲۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۷ - ۱۵۷۷

۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶ - ۱۵۹۲

۱۵۹۵ - ۱۵۹۷ - ۱۵۹۸ - ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۳

۱۶۱۱ - ۱۶۱۸ تا ۱۶۲۱ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۷

۱۹۴۰ - ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ - ۲۰۱۹ - ۲۰۷۸

ترمس : ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶

ترموپیل : ۷۷۲ - ۷۷۰ - ۷۶۹ - ۷۶۸ - ۷۲۳

۷۷۵ - ۷۷۷ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۲ - ۷۸۵

۷۸۶ - ۷۹۴ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۸۰۷ - ۸۶۰

۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۸۱ - ۸۸۳ - ۸۸۵ - ۱۱۱۷

۱۲۲۵ - ۱۲۳۱ - ۱۴۱۸ - ۱۹۷۷ - ۲۰۲۳

۲۰۲۷ - ۲۰۴۷ - ۲۰۶۷ - ۲۶۵۸

ترمودون (رود) : ۱۶۴۸

ترووا : ۱۹ - ۳۷ - ۳۴۲ - ۵۶۹ - ۶۵۱ - ۶۶۰

۶۶۱ - ۶۹۲ - ۷۲۳ - ۷۳۱ - ۷۵۴ - ۷۶۴ - ۷۶۵

۱۰۹۲ - ۱۲۱۳ - ۱۲۴۶ - ۱۳۵۱ - ۱۷۵۵

۱۸۲۵ - ۱۹۴۸ - ۲۰۶۳ - ۲۰۹۶ - ۲۱۵۰

تروواد : ۸۷۶ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳

تری بال : ۱۲۲۸ - ۱۲۳۰ - ۱۲۴۷ - ۱۸۴۰

تری پارادیزوم : ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳

تری پولیس (طرابلس) : ۱۱۶۸ - ۱۱۶۸

تری ته : ۷۹۸

تری زن : ۷۴۳ - ۸۰۱

تزو : ۸۲۸ - ۸۳۸ - ۸۴۳ تا ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۵۴

تا ۸۵۶ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۹۴۲ - ۲۰۲۲ -

۲۰۲۳

تسالونیک : ۲۰۲۷ - ۲۰۳۲

تسالی : ۶۶۷ - ۷۰۴ - ۷۴۷ - ۷۵۰ - ۷۵۲ - ۷۵۳

۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۴

۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۸۰ - ۷۸۵ - ۷۹۷ - ۷۹۸

۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۴

۸۴۵ - ۸۵۰ - ۸۶۴ - ۸۸۳ - ۹۶۸ - ۹۷۴

۱۱۹۰ - ۱۱۹۳ - ۱۲۰۰ - ۱۲۲۲ - ۱۲۲۵

۱۲۳۱ - ۱۲۵۱ - ۱۲۶۰ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۷

۱۲۹۱ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۱۲ - ۱۳۸۸

۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۴۳۰ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۹

۱۶۵۶ - ۱۲۸۸ - ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰

۲۰۲۳ - ۲۰۴۹ - ۲۰۶۳ - ۲۳۳۷

تسالیون : ۱۱۶۹ - ۱۱۷۰

تسین : (روم)

تفلیس : ۲۴۵۹ - ۲۵۹۰ - ۲۶۱۵

تقوع : ۱۸۳

تکيه دولت : ۱۱۰م

تک آب (تنگ) : ۱۴۱۳

تل : ۵۴

تلب آس : ۱۰۷۶

تل العامر نه (تل المارنه) : ۳۷ - ۳۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۱۰۸

تل مس (معبد) : ۲۷۶

تل میس : ۱۲۷۸

قمبريوم : ۱۰۰۰

تمپه : ۷۶۸

تمل : ۲۸۳ - ۶۴۶ - ۱۵۱۱ - ۱۷۷۶

تنار : ۷۶۷ - ۸۹۶ - ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ - ۱۹۷۶

تمیس سیر : ۱۶۴۸

تنس : ۶۶۹

تنکبن : ۲۲۱۶ - ۲۶۴۰

تنگ آلان : (داريال)

توربی : ۱۴۵۷

تورفان : ۲۲۶۵

تورنگ تپه : ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱

توروس (کو) : ۹۲ - ۱۱۴۳ - ۱۲۶۰ - ۱۶۸۶

۱۶۸۹ - ۱۷۸۱ - ۱۷۸۲ - ۱۹۷۲ - ۲۰۰۱

۲۰۴۹ - ۲۰۵۰ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۸ - ۲۰۷۹

۲۱۲۲ - ۲۳۴۶ - ۲۴۴۴ - ۲۴۴۵

توریشوآ : ۲۲۲۴ - ۲۲۵۵ - ۲۲۵۰

تورید : ۵۸۹ - ۵۸۲ - ۶۱۵

توریوم : ۹۶۷

توللیز : ۱۲۸

تون : ۲۱۹۰

تونس : ۱۰۶

تویسرکان : ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰

تهران ۱م - ۹م - ۲۱م - ۲۶م - ۴۷ تا ۴۹م - ۵۵م -

۴۶۰-۴۶۱-۴۶۸-۴۸۳-۴۱۰۵-۴۱۱۰-۴۱۱۳ م

۱۲۳-۱۲۷

ته می‌سیا : ۲۴۷۹

تند دوس : ۶۵۵

تی‌دلی : ۵۰۲

تیرن : ۲۸۴

تیرودیز : ۷۱۶

تیره‌اوم : ۱۰۰۰

تیسفون (مداین) : ۱۵۶-۲۰۴۶-۷۰۰-۲۰۹۵

۲۰۶۴-۲۱۱۳-۲۱۱۴-۲۲۰۸-۲۳۹۳-

۲۴۰۴-۲۴۰۵-۲۴۱۰-۲۴۲۰-۲۴۶۷

۲۴۶۸-۲۴۸۲-۲۴۸۷-۲۵۰۲-۲۵۰۷-۲۵۰۹

۲۵۱۰-۲۵۱۱-۲۵۱۴-۲۵۱۵-۲۵۱۶

۲۵۲۴-۲۵۴۸-۲۵۶۵-۲۵۹۱-۲۶۰۹

۲۶۴۲-۲۶۴۴-۲۶۴۵-۲۷۱۳-۲۷۱۴

۲۷۲۲

تیکریس : ۵۴۳-۱۵۷۵-۱۵۷۶ رجوع به دجله

شود

تیکران‌ثرت : ۲۱۴۲-۲۲۷۸

تیل : ۲۴۲۰

تی‌لس (بحرین) : ۱۹۲۲-۲۲۱۳

تین‌تیر : ۳۸۶

تیانا : ۲۱۲۳

تیم‌برارا : ۳۶۲

تی‌یا : ۷۶۹

ث

ثت گوش : ۳۷۵-۵۴۰-۶۹۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳

۱۴۷۳-۱۵۷۷-۱۵۹۶-۱۶۰۹-۱۶۱۰

ج

جام : ۲۱۸۶

جانیک : ۲۶۰۷

جبال : ۲۵۴۷-۲۵۵۰-۲۵۶۵-۲۵۶۹-۲۵۷۰

۲۵۷۱

جبل : ۲۶۱۲

جبل (شهر) : ۴۴۲

جبل الطارق (ستونهای هرقل) : ۲۰-۴۴۸

۵۷۳-۶۳۶-۸۹۳-۱۴۵۶-۱۴۸۶-۱۸۰۷

۱۸۷۶-۱۹۱۱-۱۹۷۱

جبل‌المطاق : ۲۴۸۲

جبل لبنان : ۴۴۲

جراحی : ۱۴۹-۲۵۳۲

جر (تنگ) : ۲۵۸۹-۲۵۹۰

جزمربان : ۱۴۷

جفتای : ۲۱۸۶

جلم : ۲۲۳۱

جور : (گور)

جوزان : ۱۷۰

جوگند (زورگند) : ۱۲۲

جوهر (کیمروی) : ۱۷۱-۱۷۱

جوین : ۱۱۸۶

جیحون (وخش) : ۲۰۰-۶۹۲-۱۴۴۵-۱۶۹۰

۱۷۶۵-۱۷۶۶-۲۲۰۲-۲۲۰۵-۲۲۱۲

۲۲۱۸-۲۲۱۹-۲۲۲۴-۲۲۲۵-۲۲۳۱

۲۲۵۰-۲۲۵۶-۲۴۵۹-۲۴۷۱-۲۴۸۴

۲۴۹۰-۲۶۱۳-۲۶۴۰-۲۶۴۱

جیرفت : ۱۴۳ و رجوع به گذر زیبا شود

چ

چاج : ۲۵۴۱

چاکله : ۲۱۱۸-۲۲۶۱

چلوگ‌لوث : ۲۶۱۶

چی‌چست : ۱۴۵ و رجوع به اورمیه شود

چین : ۹-۱۱-۶۰-۲۸-۱۰۳-۱۰۷-۱۱۱

۶۱۶-۶۱۶-۶۳۰-۱۵۰۷-۱۸۷۶-۲۱۹۹

۲۲۵۰-۲۲۵۱-۲۲۵۴-۲۲۵۵-۲۲۵۶

۲۲۵۷-۲۲۶۳-۲۲۶۴-۲۲۶۵-۲۲۶۹

۲۶۴۱-۲۶۹۸-۲۶۹۹

ح

حاجی‌آباد : ۱۴۴۵

حبشه: ۲۵-۳۱-۳۲-۳۵-۴۰-۵۰-۱۱۳
 ۴۶۳-۴۸۱-۴۹۲-۴۹۴-۴۹۶-۵۰۵-۵۰۹
 ۵۷۲-۵۷۵-۶۳۵-۶۳۶-۶۸۳-۶۹۱
 ۷۱۳-۷۴۰-۷۴۳-۹۰۲-۹۰۳-۱۱۷۷
 ۱۲۱۴-۱۳۵۷-۱۴۵۲-۱۵۱۱-۱۸۱۹
 ۱۸۷۶-۱۹۱۷-۱۹۴۰-۱۹۷۰-۲۶۰۶
 حران: ۱۸۸-۱۹۰-۲۰۲-۲۰۳-۴۴۵
 ۲۳۱۲-۲۳۱۶-۲۳۱۷-۲۳۱۸-۲۳۱۹
 ۲۳۲۸-۲۳۳۱-۲۳۳۲-۲۳۳۴-۲۳۳۶
 ۲۳۳۹-۲۳۵۰-۲۳۵۲-۲۳۷۰-۲۵۰۱
 ۲۵۲۴
 حسین کوه: ۱۵۷۸-۱۶۰۱
 حصارلیق: ۱۰ و رجوع بهتر شود.
 حضر: (الحضر، هاترا)
 حلب: ۱۰۵-۱۲۸-۱۵۴۶
 حلبون: ۴۴۵
 حلوان: ۱۵۱
 حله: ۵۱
 حمامات: ۵۶۶
 حماة: ۱۰۶-۱۷۱-۲۲۴
 خ
 خابور (رود): ۱۷۰-۱۰۰۸-۱۰۷۳-۲۴۷۹
 ۲۵۰۱-۲۵۰۲-۲۵۰۵-۲۵۰۹-۲۵۱۵
 خاتامتی (خاییرتی): ۳۵
 خات بیوتی: ۵۰۳
 خارادرا: ۷۹۸
 خاراکس: ۹۳-۲۲۱۳-۲۶۷۷-۲۶۹۰
 خاراکس خوزستان (سپاسینی): ۲۲۱۸
 خاراکس مادی: ۲۲۱۷
 خارس: ۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۸۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳
 ۱۶۴۹-۱۷۵۶
 خاریس: ۲۱۱۵
 خاق خاق: ۲۵۹۳
 لاستراخا: ۱۶۷۵

خالد: ۳۱۳-۲۶۰۷
 خالوس: ۱۰۰۷
 خالونیت: ۲۶۵۱
 خالیب (خالیبیه): ۲۶۱-۲۶۲-۶۹۲-۱۰۷۷-۱۸۰۴
 ۱۸۰۵
 خان اسکندریه: ۱۰۱۲
 خان هندشرقی: ۵۱
 خایدالو: ۱۳۰
 خجند: ۱۷۰۶
 خداوندگار: ۲۱۵۲
 خراسان (پارت): ۱۵-۷۲-۱۳۵-۱۳۶-۱۴۶
 ۱۵۷-۱۵۷-۲۱۸-۱۴۹۲-۲۲۱۷
 ۲۲۶۶-۲۵۵۷-۲۶۴۰ و رجوع به پارت شود
 خرخار: ۱۶۹
 خرسونس: ۶۰۹-۶۱۰-۶۱۵-۶۵۵-۶۵۶
 ۶۷۱-۷۲۹-۸۷۰-۸۷۱-۹۲۸-۹۷۶
 ۹۷۸-۹۸۱-۱۰۰۲-۱۰۰۵-۱۱۱۲
 ۱۱۱۷-۲۰۰۰-۲۰۶۱-۲۱۶۲-۲۲۷۴
 ۲۲۸۷
 خرم آباد: ۱۳۰
 خرونه: ۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۵-۱۷۳۱-۲۱۴۰
 خری بولیس: ۱۰۹۱-۱۰۹۲
 خزر (دریا): ۲۰-۳۹-۵۷-۹۱-۱۱۴-۱۳۳
 ۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۷ تا ۱۴۹-۱۵۱
 ۱۵۵-۱۸۴-۲۰۰-۲۰۷-۲۲۷-۲۸۴
 ۱۵۰۸-۱۸۰۷-۲۰۶۵-۲۰۶۶-۲۱۱۵
 ۲۲۱۶-۲۲۸۷-۲۴۰۱-۲۴۵۸-۲۴۵۹
 ۲۴۷۸-۲۶۱۸ و رجوع به کاپسین شود
 خسرون: ۲۱۷۶-۲۱۸۱-۲۳۲۷-۲۳۳۰
 ۲۴۲۰-۲۴۲۱-۲۴۶۷-۲۴۷۴-۲۴۷۹
 ۲۴۸۷-۲۵۰۱-۲۵۰۶-۲۵۰۷-۲۵۰۹
 ۲۵۱۹-۲۵۳۷-۲۵۹۹-۲۶۰۰-۲۶۰۱
 ۲۶۲۸ تا ۲۶۳۵-۲۶۴۰-۲۶۵۳-۲۶۹۰
 خلولة: ۲۲۷

خمسه، ۲۲۳۱-۲۶۴۰

خوآسپ: ۳۹۲-۶۴۳-۱۴۰۶-۱۴۹۱-۱۵۴۶
۱۷۷۰-۱۹۰۸ و رجوع به کرخه شود

خوئس، ۱۷۶۶

خوار: ۷۹م-۱۵۵-۱۵۶-۲۰۷-۱۴۳۰-۲۲۱۸
خوارزم(خوارزمیش): ۱۰۴-۱۰۵-۱۴۷-۳۷۵
۴۵۴-۴۷۱-۴۸۰-۶۹۲-۱۴۵۲-۱۵۰۶
۱۵۷۱-۱۵۹۶-۱۶۰۶-۱۶۰۷-۱۶۰۹
۱۶۱۰-۱۷۲۲-۱۷۸۲-۲۱۸۶-۲۱۸۷

۲۱۸۸-۲۱۹۲-۲۲۳۱

خواف، ۲۱۸۶

خوانسار، ۲۲۳۱-۲۶۴۰

خورسپاد، ۵۲-۱۵۵۹

خورو بیابانک، ۴م

خوریان (قلعه)، ۱۷۳۹-۱۷۴۰

خوزستان، ۹۳-۱۰۰-۱۳۰-۱۴۷-۵۳۹-۵۴۰

۶۸۲-۱۴۰۹-۱۴۵۳-۱۴۷۳-۱۴۷۹

۱۴۹۱-۱۵۷۱-۱۵۷۵-۱۵۷۶-۱۵۷۷

۱۵۹۶-۱۶۱۰-۱۶۲۱-۱۶۲۲-۱۹۰۷

۱۹۰۸-۱۹۷۳-۲۰۰۶-۲۰۰۹-۲۰۱۲

۲۰۳۸-۲۰۴۲-۲۰۵۵-۲۰۸۳-۲۰۸۷

۲۰۹۵-۲۱۱۵-۲۲۱۸-۲۲۱۹-۲۲۲۱

۲۲۲۶-۲۲۲۷-۲۲۳۱-۲۲۷۱-۲۲۸۷

۲۴۰۸-۲۵۴۷-۲۶۴۰-۲۶۵۱ تا ۲۶۵۳

۲۶۷۷-۲۶۷۸

خوسوگول، ۲۲۵۲

خوقند، ۲۲۶۲

خووج، (خوزستان)

خیبر، ۱۵۲-۱۷۶۶

خیوس، ۲۸۷-۲۸۹-۲۹۳-۲۹۴-۶۲۷-۶۲۹

۶۴۰-۶۴۵-۶۵۱ تا ۶۵۳-۶۵۵-۶۹۲

۸۶۹-۸۷۰-۸۷۶-۹۶۶-۹۶۸-۱۱۶۷

۱۲۰۱-۱۲۸۰-۱۲۸۴-۱۳۲۹-۱۳۴۶

۱۳۵۷-۱۴۴۷ و رجوع به کیوس شود.

دارا (شهر): ۲۲۰۷-۲۲۰۸

دارابگرد، ۱۵۶۳-۲۵۲۹

داردانیل، ۳۰۴-۶۱۳-۷۱۴-۷۱۷-۷۱۸-۷۲۲

۷۲۷-۱۱۸۷-۱۴۸۵-۱۵۲۷-۲۰۴۹

۲۰۶۲-۲۳۹۴ و رجوع به هلسپونت شود

داردانوس، ۶۵۱-۷۲۳

داردس، ۱۰۰۷

دارالفنون، ۳۹م-۴۰م

دارن، ۲۶۰۳

داريال (درپند)، ۱۸۴-۲۲۸۷-۲۴۰۱-۲۴۰۲

۲۴۵۹-۲۴۶۰-۲۴۹۰-۲۵۹۰

و رجوع به آلان شود

داستراکون، ۲۱۰۳

داسیلیوم، ۱۱۰۴-۱۱۰۶

داسکی لیون، ۵۵۶-۸۶۵-۸۹۵-۱۲۶۰-۲۱۵۲

داکیه: ۲۴۶۶-۲۴۷۰-۲۴۷۳

دامان کوه، ۲۱۸۶

دامغان، ۵۸-۱۲۰-۱۶۵-۱۴۲۹-۱۴۴۵

۱۴۹۲-۱۵۱۱-۱۶۲۱-۱۶۳۶-۱۷۶۵

۲۱۸۵-۲۱۸۶-۲۶۴۰-۲۶۴۵-۲۶۴۶

۲۶۵۱

دانا، ۱۰۰۱

دانوب(ایستر): ۹-۱۵۵-۶۵۵-۶۵۶-۶۷۱-۶۹۰

۶۹۱-۶۹۳-۷۰۹-۱۴۴۲-۱۴۵۴-۱۴۸۸

۱۵۱۰-۱۸۸۱-۱۹۴۲-۲۰۶۷-۲۵۰۳

دجله: ۲۵-۵۱-۵۴-۱۱۸-۱۲۶-۱۳۰-۱۴۴

۱۴۷-۱۴۹-۱۵۱-۱۷۰-۱۸۹-۱۹۱

۱۹۳-۲۱۴-۲۶۵-۲۸۶-۳۷۷-۳۷۹

۳۷۳-۳۸۴-۳۸۷-۳۹۳-۴۳۹-۴۴۷

۴۷۶-۵۳۹-۵۵۴-۶۵۴-۶۹۱-۶۹۲

۷۰۰-۷۴۴-۹۸۹-۱۰۱۴-۱۰۴۰

۱۰۴۶-۱۰۴۸-۱۰۶۴-۱۰۶۷-۱۰۷۶

۱۳۴۴-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸

۱۳۹۱-۱۴۱۰-۱۴۴۷-۱۴۷۹-۱۴۹۱-۱۴۸۶

دلتا : ۵۰۹
 دلس : ۶۶۸-۶۶۹-۶۸۱-۸۳۰-۸۶۵-۹۱۱
 ۹۲۲ تا ۹۲۴-۹۳۷-۹۴۰-۹۴۱
 دلف (معبد) : ۸۵-۲۷۰-۲۷۲ تا ۲۷۴-۲۷۸
 ۲۸۲-۲۸۳-۲۸۵-۳۶۴-۳۶۵-۳۷۲
 ۶۶۵-۶۶۶-۷۴۹-۷۵۳-۷۵۷-۷۶۵
 ۷۶۷-۷۶۹-۷۷۳-۷۸۱-۷۹۲-۷۹۹
 ۸۰۰-۸۰۲-۸۲۳-۸۲۸-۸۴۸-۸۹۶
 ۱۰۵۸-۱۱۲۶-۱۱۹۸-۱۲۰۶-۱۲۰۷
 ۱۲۱۴-۱۲۲۷-۱۵۳۱-۱۸۰۵-۱۹۳۱
 ۲۰۶۷-۲۶۷۹
 دلیوم (معبد) : ۶۸۱-۱۵۳۱
 دماوند : ۱۲۷-۱۵۷-۱۷۲-۱۵۱۱-۲۱۹۱
 دمتریاس : ۲۱۱۸
 دمزیبن : (نصیبین)
 دمشق : ۱۰۵-۱۰۶-۱۲۸-۴۴۵-۱۳۲۱-۱۳۲۲
 ۱۳۲۳-۱۳۶۶-۱۴۰۵-۱۴۴۷-۱۴۷۴
 ۱۴۷۸
 دن (رود) : ۵۷۷-۵۸۳-۶۰۴-۶۱۵-۱۶۵۰
 ۱۶۹۳-۱۷۰۷-۱۷۰۸
 دنس : ۶۰۴
 دنی پیر : ۲۱۳۸ رجوع به بریستن شود
 دنی یستر : ۶۱۲-۶۱۴-۶۱۵-۲۲۷۴
 دو باله : ۵۴۷
 دورا : ۲۱۱۲-۲۱۱۶-۲۱۱۷
 دوری لو : ۱۳۶
 دوسلدرف : ۷
 دون خو : ۲۲۵۵
 دهستان : ۲۳۹۳
 ده نو اسحق وند : ۲۲۱
 دیار بکر : ۱۷۰-۲۴۲۰
 دیاس کلی : (داس کیلیون)
 دیاله : ۱۵۱-۳۸۴-۴۴۷-۱۴۹۱ و رجوع به
 گیندس شود .

۱۵۴۶-۱۸۱۳-۱۸۴۶-۱۸۵۱-۱۸۶۹
 ۱۸۷۶-۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶-۱۹۷۳
 ۲۰۰۳-۲۰۰۵-۲۰۰۶-۲۰۰۹-۲۰۲۰
 ۲۰۳۷-۲۰۴۶-۲۰۸۴-۲۰۸۷-۲۰۹۵
 ۲۰۹۶-۲۱۱۳-۲۱۱۴-۲۲۱۸-۲۲۶۸
 ۲۲۷۷-۲۲۸۹-۲۴۰۶-۲۴۲۰-۲۴۲۱
 ۲۴۸۰-۲۴۸۱-۲۴۸۲-۲۴۸۳-۲۴۸۵
 ۲۵۰۸-۲۵۱۰-۲۵۱۱-۲۵۱۵-۲۵۵۱
 ۲۶۴۱-۲۶۴۲-۲۶۴۴-۲۶۵۴-۲۶۸۶
 ۲۷۲۲ رجوع به تیگریس شود
 دختر (یل) : ۲۱۴۳-۲۷۰۲
 دختر (قلعه) : ۱۴۳۰م
 دختر (کوه) : ۲۷۰۲
 دختر (کتل، گردنه) : ۱۴۳-۲۷۰۲
 ددن (معبد) : ۲۷۲-۹۱۶
 داراپ ساک : ۱۶۹۳
 دربند (باب الابواب) : ۱۵۵-۱۸۳-۲۰۷-۲۱۷
 ۲۲۱۶-۲۲۱۷ و رجوع به داریال شود
 دربند پارس : ۷۷۹-۱۴۱۳-۱۴۱۸-۱۴۱۹
 ۱۴۴۸
 دره گز : ۱۱۴-۱۳۳
 دریاچه قم (حوض سلطان) : ۱۴۸
 دریانی : ۷۲
 دریای احمر : (اریتره)
 دریای سیاه : ۱۴۳ و رجوع به آزوف شود
 دریای مغرب : ۲۱-۲۴-۲۶-۲۷-۱۴۶
 دریسک : ۷۱۶-۷۲۹-۷۴۸-۷۵۱
 درید : ۷۹۸
 دری موس : ۷۹۷
 دری به : ۳۸۷-۷۷۷
 دسل : ۸۲۶
 دشتستان : ۶۷م
 دشت مغان : ۲۱۴۵-۲۲۸۷
 دکان داود : ۲۲۱-۲۲۲

دیدیم : ۶۵۴-۱۷۰۰

دیران : ۲۲۱

دیسون : (تیسفون)

دیسہ : ۷۴۷

دیلمان : ۱۴۹۱-۱۴۹۴

دیلمون : ۱۵۰۹

دینور : ۲۵۴۷-۲۵۵۰

دیوارماد : ۱۹۳-۳۳۳-۱۰۴۶

دیوم : ۱۲۵۷

ر

را (رود) : ۶۱۶

رأس حلم : ۵۷۲

رأس العين : ۲۷۲۱

رافیا : ۲۱۰۶

راگس : (ری)

رامباسیا : ۱۸۵۶

رامهرمز : ۱۴۱۳

رثیوم : ۱۲۴۳

رحمت (کوه) : ۱۵۷۸-۱۵۷۹

رخا : ۵۴۶

رخج (ارخواتیش ، قندهار) : ۱۵۶-۱۵۷

۵۴۷-۶۹۱-۱۳۴۴-۱۳۷۹-۱۴۳۱-۱۴۵۲

۱۵۷۱-۱۵۹۶-۱۶۰۵-۱۶۱۰-۱۶۸۱

۱۶۸۳-۱۶۸۶-۱۶۹۰-۱۷۸۱-۱۷۸۵

۱۸۳۴-۱۸۳۵-۱۸۶۱-۱۹۶۷-۱۹۷۳

۲۰۰۸-۲۰۱۴-۲۰۱۸-۲۰۲۰-۲۰۴۶

۲۰۸۳-۲۰۹۵-۲۱۰۲-۲۱۱۸-۲۲۱۳

۲۲۱۴-۲۲۱۵-۲۲۲۳-۲۲۲۹-۲۲۶۱

۲۲۶۳-۲۳۷۸-۲۶۵۱

ردس : ۶۲۹-۶۹۲-۹۲۴-۹۷۴-۱۱۰۶

۱۱۶۷-۱۲۰۱-۱۲۴۲-۱۳۵۷-۱۳۵۸

۱۹۷۵-۲۰۳۲-۲۰۳۳-۲۰۴۸-۲۱۳۵

۲۱۷۸-۲۳۸۵

رسترا : ۲۴۵۱-۲۴۵۲

رستم آباد شمیران : ۱۱۱-۲۰-۲۱-۵۳م

۱۱۵م

رشت : ۲۹م-۴۷م-۶۲م-۶۷م-۶۹م

رفسنجان : ۱م

رقه : ۲۴۹۹

رگ : (ری)

رگ باری : ۲۱۸۴

رن : ۱۷۸۴-۲۵۰۱

رنکا : ۱۵۶

رنه : ۶۶۹

روحا : (اوررا)

رودیبار : ۱۴۶

روسیه : ۹م-۲۳ تا ۲۷م-۴۰م-۴۹م-۵۷م-

۶۰م-۶۷م-۸۲م-۱۱۶م-۱۱۷م-۹-

۱۳۷-۵۷۸-۵۸۷-۱۳۴۴-۱۷۲۲-

۲۴۵۸

روم : ۱۱۱م-۱۳-۲۳-۲۴-۲۸-۶۸-

۷۱-۷۶-۷۷ تا ۸۰-۸۶-۸۸-۸۹-

۹۳-۹۶-۹۸-۱۰۲-۱۰۴-۱۰۵-

۱۲۲-۱۳۸-۱۶۳-۱۹۰-۶۱۷-

۸۸۷-۱۳۴۲-۱۵۱۰-۱۵۲۹-۱۵۳۳-

۱۶۱۸-۱۷۱۷-۲۰۲۹-۲۰۷۹-۲۰۸۵-

۲۰۹۰-۲۱۱۹-۲۱۲۵ تا ۲۱۲۹-۲۱۳۶-

تا ۲۱۴۱-۲۱۴۳-۲۱۴۵-۲۱۴۷-

۲۱۵۲-۲۱۵۴-۲۱۵۵-۲۱۵۸-۲۱۶۲-

۲۱۶۳-۲۱۷۲-۲۱۷۵ تا ۲۱۸۱-۲۲۰۰-

۲۲۲۲-۲۲۴۲-۲۲۵۹-۲۲۷۲ تا ۲۲۷۵-

۲۲۸۰-۲۲۸۷ تا ۲۲۹۱-۲۲۹۴ تا ۲۲۹۶-

تا ۲۳۰۱-۲۳۱۰-۲۳۱۱-۲۳۱۹-

۲۳۲۳-۲۳۲۸-۲۳۲۹-۲۳۳۲-۲۳۳۳-

تا ۲۳۳۹-۲۳۴۱ تا ۲۳۴۷-۲۳۵۰-

۲۳۵۱-۲۳۵۲-۲۳۵۴ تا ۲۳۵۷-۲۳۶۳-

۲۳۷۲ تا ۲۳۹۱-۲۳۹۴ تا ۲۴۰۱-۲۴۰۶-

۲۴۰۷-۲۴۱۳-۲۴۱۵ تا ۲۴۱۹-۲۴۳۱-

زاسینت ، ۶۶۶ - ۶۶۷
 زاگرس ، ۱۱۶ - ۱۴۵ - ۱۵۱ - ۱۶۹ - ۱۷۹ -
 ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۲۳۰۹ - ۲۴۸۲ - ۲۵۰۰
 ۲۵۱۵ ورجوع به جبل الطاق شود

زامبان ، ۳۸۷ - ۳۹۱
 زاینده رد ، ۱۴۷
 زراسپ ، ۲۵۹۶
 زرافشان ، (پولی تی مت)
 زرگنده ، ۴۸
 زرنك ، (زرننگ)
 زرننگ (سیستان) ، ۱۵۷ - ۳۷۵ - ۶۹۱ -
 ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۶۵۴
 تا ۱۶۵۷ - ۱۶۶۰ - ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ -
 ۱۶۹۰ - ۱۹۹۳ - ۲۰۸۳ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۷
 ۲۱۸۹ - ۲۱۹۰ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳
 ۲۲۵۸ - ۲۲۶۱ - ۲۲۶۳ - ۲۲۶۷ ورجوع
 به سیستان شود .

زفیریوم : ۲۰۰۲
 زگما ، ۲۱۱۲ - ۲۳۰۲ - ۲۴۲۰ - ۲۴۵۵ -
 ۲۴۹۹
 زلاند جدید ، ۱۰
 زلزلات ، ۳۸۸
 زنجان ، ۲۲۱۷
 زنودوتی ، ۲۲۹۸
 زور : (جر)
 زورگند ، (جوگند)
 زوزا ، ۵۴۲
 زهاب ، ۱۴۴ - ۱۰۴۸ - ۱۰۶۳ - ۱۰۹۴ -
 ۱۸۲۷
 زی په تیه : ۲۱۵۱
 زیو به ریس ، ۱۶۴۱
 ژ
 زاین ، ۱۱۳ - ۱۱ - ۶۳
 زرمانيه ، ۹ - ۲۳۳۸ - ۲۴۲۳

تا ۲۴۳۷ - ۲۴۴۰ - ۲۴۴۱ - ۲۴۴۳ تا
 ۲۴۵۵ - ۲۴۵۷ - ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۲ تا
 تا ۲۴۶۷ - ۲۴۶۹ تا ۲۴۷۱ - ۲۴۷۳ تا
 ۲۴۸۱ - ۲۴۸۴ تا ۲۵۰۷ - ۲۵۰۹ تا ۲۵۱۹
 ۲۵۲۱ - ۲۵۲۵ - ۲۵۲۷ - ۲۵۳۲ - ۲۵۳۵
 تا ۲۵۳۷ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۵ - ۲۵۴۷ -
 ۲۵۵۸ - ۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ - ۲۵۶۹ تا ۲۵۷۳
 ۲۵۷۶ - ۲۵۷۷ - ۲۵۸۸ - ۲۶۰۹ - ۲۶۱۳
 تا ۲۶۱۵ - ۲۶۲۴ - ۲۶۲۵ - ۲۶۳۱ تا
 ۲۶۳۳ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۱ - ۲۶۵۲ - ۲۶۵۳
 ۲۶۶۲ تا ۲۶۷۵ - ۲۶۸۳ تا ۲۶۸۵ - ۲۶۹۱
 ۲۶۹۵ - ۲۶۹۷ تا ۲۶۹۹ - ۲۷۰۹ - ۲۷۱۴
 ۲۷۲۱

رومانی ، (داکیه)
 روها ، (اور را)
 روی ، ۱۷۹۹
 ری ، ۱۰۱ - ۱۵۲ - ۱۵۶ تا ۱۵۸ - ۲۰۷
 ۵۴۵ - ۶۹۱ - ۱۴۳۱ - ۱۴۷۹ - ۱۴۹۲ -
 ۲۰۱۷ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۸ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۴
 ۲۲۳۱ - ۲۲۳۳ - ۲۵۴۹ - ۲۵۶۵ - ۲۵۶۷
 ۲۵۶۹ - ۲۶۴۰ - ۲۶۴۵ - ۲۶۵۱

ریداز ، ۱۶۴۱
 ریشر : (بوشهر)
 ریون (فازیس) : ۱۸۴
 ز
 زابات : (زهاب)
 زاب بزرگ ، ۲۱۲۲
 زاب سفلی : ۲۲۷۷ - ۲۵۱۵
 زاب علیا ، ۲۵۱۵
 زاپاورتن : ۲۲۰۷ - ۲۲۰۸
 زادراکرت : ۱۵۰۸ - ۱۶۴۰ - ۱۶۴۵ - ۱۶۴۷
 - ۱۶۵۳ - ۲۰۸۰ ورجوع به استر آباد شود
 زاریس ، ۹۶
 زازانه ، ۵۴۰ - ۵۵۴

ژن : ۸۷۵

ژنو : ۴۹م

ژهانسیورك : ۱۳۳م

س

سا اولك (تنك) : ۲۶۹۴ - ۲۷۰۶

سائيس (معيد) : ۴۹۲ - ۵۰۲ تا ۵۰۵ - ۵۰۷

۵۶۶ - ۵۶۸ - ۵۷۰ - ۱۵۵۴

ساناگيد ، (ت ت گوښ)

ساتالا ، ۱۴۷۵

ساتراپن : ۲۴۰۵

ساتورن (معيد) : ۸۸۱

ساداځا : ۲۶۱۶

سارپدن : ۷۲۹

سارد : ۱۹۶ - ۲۶۷ تا ۲۶۹ - ۲۷۱ - ۲۷۵ تا

۲۷۸ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۸ - ۲۹۰ -

۲۹۲ - ۲۹۶ - ۳۶۲ - ۳۶۹ - ۳۷۱ - ۳۷۲

تا ۳۷۵ - ۳۷۸ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۳۶ -

۴۷۶ - ۵۵۶ - ۵۵۹ - ۶۲۰ تا ۶۲۲ - ۶۲۵

۶۳۹ - ۶۴۴ - ۶۴۸ تا ۶۴۹ - ۶۵۲ - ۶۵۳

۶۵۶ - ۶۶۲ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۸۰ -

۶۹۰ - ۷۰۵ - ۷۱۱ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۲۰

۷۲۲ - ۷۳۲ - ۷۳۹ - ۷۵۹ - ۷۶۱

۸۰۴ - ۸۱۹ - ۸۶۹ - ۸۸۹ - ۹۱۷

۹۱۸ - ۹۴۰ - ۹۹۷ - ۹۹۹ - ۱۰۵۹ - ۱۰۴۱

۱۰۵۰ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲

۱۲۷۵ - ۱۳۱۷ - ۱۳۹۸ - ۱۴۰۵ - ۱۴۲۹

۱۴۴۷ - ۱۴۵۲ - ۱۴۶۹ - ۱۴۷۸ - ۱۴۸۹

۱۴۹۱ - ۱۵۰۴ - ۱۵۱۴ - ۱۵۳۲ - ۱۵۷۱

۱۶۰۵ - ۱۶۰۷ - ۲۰۴۵ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۲

۲۰۷۲ - ۲۰۷۷ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۱ و رجوع

بهليديه شود.

ساردني : ۶۴۸ - ۶۵۲

ساردين : ۲۷ - ۳۷۹ - ۸۷۸

سارماتي : ۲۵۸۹

سازمان ملل متحد : ۶۵ م

ساگارتی ، ۵۴۴ - ۲۱۸۵ - ۲۱۹۰ - ۲۶۴۰

ساگالاس : ۱۲۷۸

سالامين : ۷۰ - ۱۶۳ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۳ -

۶۵۴ - ۶۶۸ - ۶۹۲ - ۷۰۳ - ۷۴۹ - ۷۵۶

۷۵۸ - ۷۶۶ - ۷۸۸ - ۷۹۳ - ۸۰۱ - ۸۰۲

۸۰۴ تا ۸۱۲ - ۸۱۵ تا ۸۱۷ - ۸۲۴ - ۸۲۷

۸۳۰ - ۸۳۵ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۱ تا ۸۸۵

۸۸۷ - ۸۸۹ - ۸۹۷ - ۹۰۳ - ۹۰۵ - ۹۱۱

۹۲۰ - ۹۲۲ - ۹۳۶ - ۱۱۱۴ - ۱۱۲۳ -

۱۱۲۵ - ۱۱۲۶ - ۱۱۳۲ - ۱۱۴۷ - ۱۱۶۹

۱۱۷۲ - ۱۴۸۶ - ۱۸۲۷ - ۱۹۰۷ - ۲۰۴۸

۲۱۷۲

سالمايد : ۱۲۷۴

سالمونٲ : ۱۸۶۹

سالميدس : ۵۹۵

سالونيك : ۱۱۹۱

ساماست : (آبستان)

سامبانا : ۱۹۰۱

سامر. : ۱۷۰ - ۹۴۸ - ۹۸۸ - ۱۵۸۵ - ۲۱۰۱

۲۰۳۸

سامس : ۲۷۵ - ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۴۹۶ - ۵۴۹

۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۹ - ۵۹۴ - ۶۲۷ تا ۶۲۹

۸۱۲ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۸

تا ۸۷۰ - ۸۷۶ - ۸۹۳ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۷۰

تا ۹۷۳ - ۹۷۶ - ۹۸۰ - ۹۸۳ - ۱۱۵۱ -

۱۲۶۶ - ۱۹۰۴ - ۱۹۷۵ - ۱۹۸۱

ساموتراس : ۷۴۸

ساموساتا : ۲۱۸۰ - ۲۳۴۷ - ۲۴۴۵ - ۲۴۵۶

۲۴۷۵

ساميست : ۳۱

سانٲريٲس : ۱۰۷۲

ساندويچ : ۱۰

سانريبو : ۴۸ م

۱۶۱۰-۱۶۱۳-۱۶۹۰-۱۶۹۲ تا ۱۶۹۵

۱۶۹۹-۱۷۰۳-۱۷۱۳-۱۷۱۸-۱۷۲۰

۱۷۲۱ تا ۱۷۲۳-۱۷۳۱-۱۷۳۵

۱۷۳۷ تا ۱۷۳۹-۱۷۵۷-۱۷۶۰

۱۷۶۲-۱۷۶۳-۱۸۳۰-۱۸۳۴-۱۸۴۲

۱۹۴۰-۱۹۴۱-۱۹۴۳-۱۹۶۷-۱۹۶۹

۱۹۷۰-۱۹۷۲-۱۹۹۳-۲۰۱۲-۲۰۷۳

۲۱۸۵-۲۲۱۵-۲۲۲۳-۲۲۲۵-۲۲۵۰

۲۲۵۱-۲۲۵۹-۲۲۶۱-۲۲۶۲-۲۲۶۴

۲۶۵۱

سفیدینوس : (سفیدیان)

سفید(دریا) : ۱۴۶

سفید (رود) : ۱۴۷-۱۵۷-۱۵۰۸

سفید (کو) : ۱۴۴۵

سقلاب : ۲۵۷۴

سکائیة : ۱۴۸-۵۴۰-۶۱۵-۱۵۷۱-۱۵۹۷

۱۶۱۰-۲۲۱۰-۲۲۱۱-۲۶۰۶-

۲۶۶۸

سکاماندر : ۷۲۳

سک تیگر خنود : ۶۹۲

سکستان : ۲۰۸۸ و رجوع به سیستان و زرنگ

شود .

سکودر : ۱۶۰۹

سکودیانس : (سفد، سفیدیان)

سکورد : ۱۱۹۰ و رجوع به مقدونیه شود.

سکون خا : ۵۹۳-۱۵۷۶-۱۵۷۷

سک هومهورک : ۶۹۲

سل : ۶۵۰-۱۲۹۱-۱۳۰۱

سل سری : ۱۳۲۳ و رجوع به سل سوریه شود

سلای : ۹۸۳-۹۸۴

سل سوریه : ۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۸۸۸-۱۹۸۳

۲۰۰۲-۲۰۰۳-۲۰۸۰-۲۰۸۲-۲۰۸۳

۲۰۸۶-۲۰۹۰-۲۱۰۱-۲۲۲۱

سلطان آباد : ۲۲۳۱-۲۶۴۰

سانگار یوس : ۱۲۸۴

سایان : ۲۲۵۱

سبا : ۳۲-۴۹-۵۰-۴۴۵-۵۷۰

سبزوار : ۲۱۷۶

سبلان : ۱۴۵

سپرد : (لیدیة، سارد)

سترانونیکیه : ۲۰۶۳-۲۳۴۴

ستریمون : ۶۳۸-۶۳۹-۶۴۵-۷۱۵-۷۱۶-

۷۴۷-۷۴۹-۸۲۳-۸۲۴-۹۴۳-۱۲۴۵

۱۱۹۰

ستونهای هرقل : (جبل الطارق)

ستیبتس : ۱۶۴۲

ستیرا : ۲۱۱۵

ستیم فالیا : ۲۰۴۵

سد مادی : ۳۸۴

سدهر : (استخر)

سرای (سرایس) : ۵۰۵-۵۰۶-۱۹۲۷

سرازونت : ۱۰۸۹-۱۵۱۰

سرامیک : ۱۲۷۵

سرپل زهاب : ۲۲۱-۲۲۲-۲۷۰۳

سرخ رود (قزل اوزن) : ۱۴۷

سرخس : ۱۵۶-۲۱۸۶-۲۶۱۱

سردره خوار : ۱۴۳۰-۲۲۱۸

سرسی نیت : ۱۲۴۵

سروستان : ۱۰۳۵-۱۶۱۶ تا ۱۶۱۸

سریانای : (کاپادوکیه)

سریف : ۹۲۲

سریک : (چین)

س سام : ۱۵۱۰

سستس : ۶۱۰-۷۳۶-۸۹۴-۹۷۸-۹۸۳-۱۱۱۳

سغد (سفیدیان، سفیدیانس) : ۱۴۸-۱۵۶-۱۵۷-

۳۷۵-۶۱۶-۶۹۱-۶۹۴-۱۳۴۴-

۱۴۴۶-۱۴۵۳-۱۴۶۵-۱۴۶۸-۱۴۹۲

۱۵۷۱-۱۵۹۶-۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷-۱۶۰۹

۱۸۱۹ - ۱۸۲۰ - ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۵ - ۱۸۳۷
 ۱۸۳۹ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۵ تا ۱۸۵۱ - ۱۸۶۵
 ۱۸۷۶ - ۱۸۸۴ - ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ - ۱۹۱۷
 ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۲۰۰۳ - ۲۰۵۷
 ۲۰۵۸ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳
 ۲۲۲۹ تا ۲۲۶۲ - ۲۲۶۴ - ۲۴۱۷ - ۲۴۴۰
 ۲۴۶۰ - ۲۴۷۱ - ۲۴۸۴ - ۲۶۴۱

سن دوت : ۱۴۵۷

سنگار : (سنگار)

سنگال (سنگال) : ۱۹۴۰

سن مارک (کلیسا) : ۱۶۱۵

سنه گامبی : ۵۷۴

سوآست : ۱۷۶۷

سواد : ۲۵۴۷ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۲ - ۲۵۶۸

۲۵۶۹ - ۲۵۷۰

سواکین : ۲۰۷۴

سوئد : ۱۶۲۳

سوئز : ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۶۳۱ - ۹۲۷ - ۱۴۵۵

۱۴۹۱ - ۱۶۱۴ - ۱۶۱۸ - ۱۹۲۲ - ۲۶۹۹

سودان : ۲۵ - ۲۶ - ۵۸ - ۱۰۷ - ۶۸۳

سودرس : ۱۸۴۲

سورا : ۲۴۹۹

سوریه : ۲۰ - ۲۲ - ۲۶ تا ۲۹ - ۳۲ - ۳۷ - ۳۹

۴۰ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۷ - ۶۷ - ۹۴ - ۹۸ - ۱۲۸

۱۳۸ - ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۱۷۱ - ۲۰۲ - ۲۲۴

۳۳۷ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۴۰۳

۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۶۲ - ۶۹۲ - ۷۰۰ - ۷۴۰

۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۱۰۰۴ - ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷

۱۰۰۸ - ۱۰۱۲ - ۱۰۲۶ - ۱۰۳۸ - ۱۱۶۷

تا ۱۱۷۰ - ۱۱۷۳ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۴

۱۳۲۱ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۵ - ۱۳۵۹

۱۳۸۱ - ۱۴۱۴ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۷ - ۱۴۷۲

۱۴۸۹ - ۱۴۹۱ - ۱۵۰۷ - ۱۵۴۶ - ۱۶۳۸

۱۷۱۳ - ۱۷۲۰ - ۱۸۶۶ - ۱۹۲۰ - ۱۹۴۶

سلن (سەلن) : ۷۱۶ - ۹۹۹ - ۱۲۸۳ - ۱۹۰۱

سلن گا : ۲۲۵۱

سلوکیدا : ۲۰۶۴

سلوکیه : ۱۵۱ - ۷۰۰ - ۲۰۴۶ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴

۲۰۸۰ - ۲۲۷۸ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۹ - ۲۳۰۰

۲۳۰۳ - ۲۳۰۴ - ۲۳۲۲ - ۲۳۲۳ - ۲۳۲۵

۲۳۹۳ - ۲۴۰۴ - ۲۴۱۰ - ۲۴۱۲ تا ۲۴۱۵

۲۴۸۲ - ۲۴۸۳ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۵

۲۴۹۹ - ۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۳

۲۵۱۰ - ۲۵۱۶ - ۲۶۴۴ - ۲۶۴۵ - ۲۶۵۴

۲۶۵۵ - ۲۶۶۶ - ۲۶۷۱

سلوکیه آهن : ۲۱۱۵

سلوکیه اریتره : ۲۱۱۳

سلوکیه اوله اوسن : (شوش)

سلوکیه پیری : ۲۰۶۴ - ۲۱۰۱ - ۲۱۱۱

سلوکیه دجله : ۲۰۷۹ - ۲۰۸۷ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۶

۲۱۱۱ - ۲۱۱۳ تا ۲۱۱۵ و رجوع به سلوکیه شود

سلیمیری : ۶۵۶

سلیمان (کوه) : ۱۵۲

سلیمان (معبد) : ۳۹۸

سلیمانیه : ۶۹۲

سلی نوس : ۲۱۴۹

سعالی لند : ۳۵ - ۱۴۵۴

سمرقند : ۱۴۵۲ - ۱۷۰۱ - ۲۲۶۲

سمنان : ۱۴۴۵ - ۱۶۳۶ - ۲۶۴۰

سنا : ۱۰۴۸

سن پترزبورگ : ۹۰ م - ۱۴ تا ۱۸ م - ۲۵ م - ۲۷ م

۱۱۱۳ م - ۱۱۱۶ م - ۱۱۱۷ م

سن تریت : ۱۰۷۶

سنگار (سنگار) : ۱۰۵ - ۲۴۸۵ - ۲۴۷۹ - ۲۵۰۵

سند : ۲۰ - ۱۵۲ - ۱۵۵ - ۴۸۴ - ۶۲۹ - ۶۳۰

۶۳۴ - ۶۹۱ - ۱۳۸۰ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۴۹۲

۱۶۵۴ - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۶ - ۱۷۷۴ - ۱۷۷۵

۱۷۷۶ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۵ - ۱۸۰۴

۲۴۷۲ - ۲۰۹۷ - ۴۴۲ - ۳۸۹ - ۳۸۷	۱۹۷۳ - ۱۹۷۱ - ۱۹۶۹ - ۱۹۶۶ - ۱۹۴۷
سونیوم : ۶۷۴ - ۱۸۲۷	۱۹۸۵ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹ - ۲۰۳۰
سویس : ۹ م	۲۰۳۲ - ۲۰۳۴ - ۲۰۳۸ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳
سی‌باریس : ۲۳۲۴	۲۰۴۶ - ۲۰۴۸ - ۲۰۴۹ - ۲۰۵۱ تا ۲۰۵۹
سینیریا ، ۹ - ۲۲۵۱ تا ۲۲۵۳	۲۰۶۴ - ۲۰۶۶ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۴
سیپ‌بار : ۳۳ - ۵۴ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۱۲۰ - ۱۲۳ - ۱۳۶	۲۰۷۵ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۴ تا ۲۰۸۸
۱۳۷ - ۳۸۴ - ۳۸۸	۲۰۹۰ تا ۲۰۹۳ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۵
سیپ‌پاس : ۱۹۷۸	۲۱۱۰ - ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۵ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹
سیپ‌پاس : ۷۷۴ تا ۷۷۷ - ۷۷۰	۲۱۲۳ - ۲۱۴۶ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶
سیتا ، ۱۹۰۱	۲۱۵۷ - ۲۱۷۸ - ۲۱۸۱ - ۲۲۰۱ - ۲۲۰۶
سی‌تاس : ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶	۲۲۱۲ - ۲۲۲۲ - ۲۲۳۰ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۴
سی‌تاسن : ۱۱۳ - ۲۴۰۳	۲۲۳۷ تا ۲۲۴۱ - ۲۲۴۵ - ۲۲۷۳ - ۲۲۷۴
سی‌تاسه : ۲۱۱۳	۲۲۷۸ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۸ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۱
سیتاکس : ۱۹۰۱	۲۲۹۵ تا ۲۲۹۹ - ۲۳۲۸ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۴ تا ۲۳۳۹
سی‌تر : ۱۱۱۳	۲۳۳۸ - ۲۳۳۹ - ۲۳۴۲ - ۲۳۴۳ - ۲۳۴۵ تا ۲۳۴۹
سیترون : ۱۲۲۵ - ۸۵۹ - ۸۵۴ - ۸۵۱ - ۸۴۷ - ۸۴۱	۲۳۵۱ - ۲۳۷۶ - ۲۳۷۸ - ۲۳۸۲ - ۲۳۹۴
سیحون : ۱۴۸ - ۱۵۴ - ۲۰۰ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۸۴	۲۳۹۶ تا ۲۴۰۱ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۵
۱۴۵۴ - ۱۴۵۳ - ۱۴۴۵ - ۱۳۴۴ - ۷۴۳ - ۷۳۲	۲۴۰۷ - ۲۴۲۰ - ۲۴۲۷ - ۲۴۳۳
۱۶۳۳ - ۱۵۱۱ - ۱۴۹۲ - ۱۴۸۹ - ۱۴۷۹	۲۴۴۲ - ۲۴۴۳ - ۲۴۴۷ - ۲۴۴۸ - ۲۴۵۵
۱۷۰۶ - ۱۷۰۵ - ۱۶۹۳ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۰	۲۴۵۶ - ۲۴۷۴ - ۲۴۷۵ - ۲۴۸۰ - ۲۴۸۱
۱۷۱۷ - ۱۷۱۶ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۱ - ۱۷۰۸	۲۴۸۵ - ۲۴۹۷ تا ۲۴۹۹ - ۲۵۰۴ - ۲۵۰۵
۲۱۱۹ - ۲۰۴۶ - ۱۹۴۰ - ۱۸۷۶ - ۱۷۲۲	۲۵۰۹ تا ۲۵۱۴ - ۲۵۵۸ - ۲۵۷۳ - ۲۵۷۵
۲۲۴۹ - ۲۲۲۵ - ۲۲۱۲ - ۲۲۰۴ - ۲۱۹۹	۲۵۷۴ - ۲۵۸۵ - ۲۵۸۸ - ۲۵۹۵ تا ۲۵۹۷
۲۲۶۰ - ۲۲۵۷ - ۲۲۵۶ - ۲۲۵۱ - ۲۲۵۰	۲۶۰۳ - ۲۶۳۱ - ۲۶۵۴ تا ۲۶۵۶ - ۲۶۶۶
۲۴۹۰ - ۲۴۷۳ - ۲۴۷۱ - ۲۴۵۹ - ۲۲۶۲	۲۶۷۲ - ۲۶۸۱ - ۲۶۸۲ - ۲۶۹۹
۲۶۱۳ - ۲۶۱۷ - ۲۶۶۸ و رجوع به آراکس شود	سوزیان ، (خوزستان)
سیدون : (صیدا)	سوسیا : ۱۶۵۳
سیدنوس : ۱۲۸۷	سوغوت : (سغد)
سیراکوز : ۷۶۲ - ۷۶۴ - ۸۷۸ - ۹۷۹ - ۱۲۶۷	سوفن (ارمنستان کوچک) : ۱۶۴۱ - ۲۰۸۱
۱۳۳۸	۲۱۰۴ - ۲۱۲۶ - ۲۱۳۸ - ۲۲۸۶
سیربونید : ۱۱۷۳	سوفی‌تس : ۲۰۵۷
سیرستی‌کا : ۲۳۳۵	سومالی‌لند : (سمالی‌لند)
سیرن : ۹۱ - ۳۴۲ - ۴۹۰ - ۵۶۳ - ۵۶۵ تا ۵۷۲	سومر : ۳۳ - ۳۴ - ۵۴ - ۵۷ - ۶۴ - ۱۱۳ - ۱۱۴
۵۷۵ - ۶۱۱ - ۶۸۳ - ۶۹۴ - ۹۳۲ - ۱۱۴۰	۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۳ - ۳۸۶

۲۱۳۶ - ۲۱۳۵ - ۲۱۲۲ - ۱۵۱۰ - ۱۴۹۱

۲۱۴۱

سی نوزور : ۸۱۰

سی یانوس : ۷۳۲

سی یانه : ۷۹۲ - ۹۹۷

سی بن زیس : ۹۶۳ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۱ - ۱۰۲۵

ش

شاپور (شهر) : ۲۷۱۵

شادی دل (قصر) : ۳۸۷

شالا : ۱۵۱

شام (شامات) : ۸۰ - ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۰۶ - ۱۰۷ -

۱۱۶ - ۱۴۳ - ۱۷۱ - ۳۸۳ - ۱۴۷۶ -

۲۵۴۸ - ۲۵۵۷ - ۲۵۷۰

شاهرود : ۱۳۷ - ۱۴۷ - ۱۵۶ - ۱۴۴۵ -

۲۱۸۶

شبا : (سبا)

شتران (قلعه) : ۱۹۹۰

شخره : (شاهرود)

شط العرب : ۱۳۱ - ۱۴۹

شکفت سلمان : ۱۴۲

شلوف الترابه : ۱۶۱۴

شمس (معبد) : ۵۴

شمشاط (قلعه) : ۲۴۴۵

شمیران : ۱۲ - ۴۱

شنعار : ۳۴

شوش : ۱۷ - ۳۵ - ۵۶ - ۷۳ - ۱۲۰ - ۱۲۵ -

۱۳۰ - ۱۳۲ - ۱۳۴ تا ۱۳۹ - ۱۴۱ -

۱۴۷ - ۱۵۱ - ۱۷۹ - ۳۵۲ - ۳۸۷ -

۳۹۲ - ۴۶۳ - ۴۸۱ - ۵۲۰ - ۵۳۵ -

۵۳۹ - ۵۵۹ - ۵۹۳ - ۶۲۵ - ۶۲۷ -

۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۳ - ۶۴۸ - ۶۵۴ - ۶۵۵ -

۶۸۱ - ۶۸۵ - ۷۲۷ - ۷۵۵ - ۷۶۱ -

۷۸۹ - ۸۰۳ - ۸۱۳ - ۸۱۷ - ۸۳۷ -

۸۶۲ - ۸۸۰ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۸ - ۸۹۹ -

۱۸۸۸ ۱۶۸۶ - ۱۴۷۲ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۴

۱۹۸۴ - ۲۰۳۴ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۷ -

سیرنائیک : ۶۹۳

سی رنکس : ۲۰۸۱

سیروس : ۲۱۱۲

سیریس : ۸۰۶

سیزیک : ۱۲۴۲ - ۱۹۹۷

سی ژه : ۲۰۷۱

سیستان : ۱۱۹ م - ۶۵ - ۱۴۶ تا ۱۴۸ - ۱۵۱

۱۳۵۶ - ۱۳۳۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۸۶ - ۱۵۰۶ -

۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۶۲ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۷ -

۲۰۰۸ - ۲۱۰۳ - ۲۳۱۳ - ۲۳۲۹ - ۲۲۳۱ -

۲۳۷۸ - ۲۶۴۰ - ۲۶۵۳ - ۲۶۸۰ و رجوع به

زرنک شود .

سیسیل : ۱۳ - ۲۷ - ۱۰۳ - ۶۵۴ - ۷۵۹ - ۷۶۲ - ۸۶۵ -

۷۷۸ - ۷۹۰ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۸ - ۸۸۰ -

۹۱۳ - ۹۶۵ - ۹۶۹ - ۹۷۲ - ۹۷۹ - ۱۱۳۴ -

۱۱۴۹ - ۱۳۴۳ - ۱۴۵۵ - ۱۸۷۷ - ۱۹۷۱ -

۲۰۲۸ - ۲۰۷۹ - ۲۱۴۳ - ۲۳۱۴ -

سی سیون : ۷۹۰ - ۱۱۲۵

سیف نوس : ۱۳۲۹

سیکلاد : ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۶۸ - ۶۷۹ - ۱۲۸۱ -

۱۴۹۳

سی کیون : ۲۰۳۳ - ۲۰۳۴

سی کی هوا تیش : ۵۳۳

سیل لن : ۳۶۲

سیلوت : ۱۸۴۶ - ۱۸۴۷

سیله : ۱۸۴۲

سیم : ۳۶۲ - ۸۷۶ - ۱۱۲۴ - ۲۴۸۱

سین (معبد) : ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۳۸۲ -

سینا : ۲۶ - ۴۳

سیناک : ۲۳۱۹

سین دوماننا : ۱۸۳۴

سینوپ : ۲۷۶ - ۵۸۲ - ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۱ -

صد درواز: ۵۷ - ۶۵ - ۲۲۱۰ - ۲۶۴۲ -

۲۶۴۵ - ۲۶۴۶ - ۲۶۹۸

صد ستون (قصر): ۱۵۸۳ -

صفند ناتوس: (سغدیان)

صور: ۱۹۱ - ۱۹۳ - ۲۰۲ - ۴۴۲ تا ۴۴۶ -

۵۱۲ - ۶۹۴ - ۸۰۷ - ۱۱۲۳ - ۱۱۶۷ -

۱۱۶۸ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ -

۱۳۶۳ - ۱۴۶۸ - ۱۴۹۱ - ۱۵۰۹ -

۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۲۱ - ۱۹۴۰ -

۱۹۹۲ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۵۹ -

۲۰۹۶ - ۲۱۱۵

صیدا: ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۶ - ۴۷۶ -

۵۶۱ - ۶۹۴ - ۷۲۰ - ۷۲۴ - ۷۴۱ - ۸۰۷ -

۱۱۶۷ تا ۱۷۱۱ - ۱۱۷۴ - ۱۱۸۱ -

۱۱۸۴ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۴۲ -

۱۴۶۸ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۶ - ۱۵۱۰ -

۲۰۳۲ - ۲۰۵۹ - ۲۰۹۶ - ۲۳۷۱

صیهون (کوه): ۱۸۳ - ۳۹۹

ط

طاق پستان: ۲۷۱۵

طاق کسری: ۲۷۱۵

طالشی: ۱۶۲۱ - ۱۹۰۸ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۰ -

طبرستان (تیورستان): ۱۵۲ - ۱۵۷ - ۱۸۴ -

۲۰۹۵ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۰ - ۲۵۷۵

طیس: ۲۱۹۰

طخارستان (طخیرستان): ۲۵۵۷

طرابلیس: ۱۰۶ - ۱۳۲۸ - ۱۴۵۴ - ۲۰۳۲ -

۲۰۳۶ و رجوع به تری پولیس شود

طرابوزان: ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹ - ۱۰۹۵ - ۱۵۱۰ -

۱۹۰۰ - ۱۹۷۰ - ۲۴۳۸

طنجه: ۱۰۷

طوالش: (طالشی)

طوس: ۱۵۶ - ۱۱۴۱

طهران: ۱۴۵ - ۱۴۸ - ۱۵۸۴ - ۱۶۱۴ و

رجوع به تهران شود.

۹۰۲ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۶ - ۹۳۷ -

۹۴۲ - ۹۵۱ - ۹۶۶ - ۹۶۹ - ۹۷۹ -

۱۰۱۳ - ۱۰۲۳ - ۱۰۶۹ - ۱۰۹۰ -

۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ -

۱۱۲۱ - ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ - ۱۱۶۲ -

۱۳۴۳ - ۱۳۸۶ - ۱۳۹۵ - ۱۴۰۵ -

۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ -

۱۴۱۳ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ -

۱۴۲۴ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ -

۱۴۷۳ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۹۰ -

۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۵۰۹ - ۱۵۳۰ -

۱۵۴۳ - ۱۵۵۸ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۸ -

۱۵۷۷ - ۱۶۰۲ تا ۱۶۰۸ - ۱۶۱۱ -

۱۶۱۶ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ -

۱۷۶۴ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۹ -

۱۸۸۵ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ -

۱۹۰۱ - ۱۹۲۰ - ۱۹۶۸ - ۱۹۹۳ -

۱۹۹۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۹ -

۲۰۱۰ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ -

۲۰۲۹ - ۲۰۵۴ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۴ -

۲۰۹۶ - ۲۱۰۲ - ۲۱۱۵ - ۲۲۰۴ -

۲۲۲۶ - ۲۶۴۰

شوشان: (شوش)

شوشتر: ۱۴۲ - ۱۴۴ - ۲۵۳۲

شهر ستانک: ۲۲۱۸

شیراز: ۴۵۱ - ۴۶۸ - ۴۸۲ - ۱۳۷ - ۱۵۲ -

۱۵۶۳ - ۱۵۶۷ - ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ -

۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۲۲ - ۲۵۴۱ -

شیروان: ۲۴۰۲ - ۲۴۷۸ - ۲۶۲۴

شیکگاو: ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱

ص

صاحبقرانیه: ۲۲۱ - ۲۵۴ - ۴۸۹

صالح (امامزاده): ۴۱۲ - ۴۱۳۳ -

صالحیه: (اورپس)

ع

عالي قابو : ۶۳ م

عباس آباد : ۱۶۱۲

عثماني (ترکيه) : ۱۳۷ م

عدن : ۴۴۵

عراق : ۱۰۱ - ۱۰۷ - ۱۱۰ - ۲۰۷ - ۶۹۱ -

- ۱۹۶۸ - ۲۲۱۷ - ۲۵۴۸ - ۲۵۵۰ -

- ۲۵۵۱ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۱ -

- ۲۵۶۲ - ۲۵۶۵ - ۲۵۶۸ - ۲۵۷۶ -

۲۶۸۰

عربستان : ۸ - ۲۰ - ۲۴ - ۲۶ - ۲۸ - ۲۹ -

- ۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۳۵ - ۴۹ - ۵۰ - ۹۳ -

- ۱۱۶ - ۱۲۵ - ۱۲۸ - ۱۳۸ - ۱۴۹ -

- ۴۶۱ - ۴۸۶ - ۴۸۸ - ۵۰۹ - ۵۷۲ -

- ۵۹۲ - ۶۳۵ - ۶۸۳ - ۸۹۳ - ۹۳۴ -

- ۱۱۴۰ - ۱۳۲۳ - ۱۳۳۵ - ۱۴۵۲ -

- ۱۵۱۱ - ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ - ۱۹۳۶ -

- ۱۹۴۲ - ۱۹۷۳ - ۲۰۹۵ - ۲۳۵۴ -

۲۶۲۸ - ۲۶۲۹

عشرت آباد : ۷۴ م

عشق آباد : ۳۳ - ۵۷ - ۱۱۴ - ۲۶۴۲ -

۲۶۴۳

عقبه (خليج) : ۲۶۹۸

عقدا : ۱ م

عقروقوف : ۲۱۱۳

عکوة : ۱۵۱۰

عکة : ۲۰۳۸

عمان : ۱۰۵ - ۱۴۵ - ۱۴۹ - ۱۵۵ - ۱۵۷ -

- ۴۸۴ - ۶۲۹ - ۶۳۱ - ۱۴۷۴ - ۱۴۸۶ -

- ۱۴۹۱ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۲ - ۲۰۶۶ -

۲۶۴۱

عمر (جزيره) : ۱۰۵

عیلام : ۱۱ - ۱۲ - ۲۵ - ۲۸ - ۳۵ - ۳۶ -

- ۵۳ - ۵۶ - ۱۱۳ - ۱۱۵ تا ۱۱۷ - ۱۲۵ -

۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۹ تا ۱۴۱ -

۱۵۷ - ۱۷۴ - ۱۷۸ - ۱۸۰ - ۱۸۵ -

۱۸۶ - ۲۰۰ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۳۸۶ -

۴۷۵ - ۵۶۸ - ۶۴۳ - ۶۸۲ - ۶۹۱ -

۱۵۳۰ - ۱۶۰۹ - ۱۹۰۷ - ۲۰۸۴ -

۲۲۶۹ - ۲۶۵۳

غ

غزوة : ۱۷۶۰

غزنه : ۱۵۶

غزوہ : ۴۸۸ - ۱۳۴۷ - ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ -

۱۳۶۳ - ۱۳۷۶ - ۱۴۱۹ - ۱۴۴۷ -

۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۴ -

۱۷۲۱ - ۱۹۴۰ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۴ -

تا ۳۰۳۶

ف

فار : ۱۹۱۶

فارسال : ۲۳۳۷ - ۲۳۳۸

فاروس : ۱۳۵۷

فاز : ۶۶۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ - ۱۹۰۰ و رجوع

به فازيس شود

فازيس : ۹۳۷

فازيس : ۱۸۴ - ۱۰۸۳ - ۱۵۱۰ - ۲۱۴۵ -

فالر : ۸۰۷

فالرون : ۶۷۴ - ۶۷۸ - ۸۱۵ - ۸۲۰

فانس : ۴۸۶ - ۴۸۹

فر : ۱۱۱۳

فرات : ۲۶ - ۳۳ - ۴۹ - ۵۱ - ۵۴ - ۶۲ -

۱۴۴ - ۱۴۹ - ۱۷۰ - ۱۹۲ - ۲۱۱ -

۲۱۲ - ۲۱۴ - ۳۵۲ - ۳۷۳ - ۳۷۷ -

تا ۳۷۹ - ۳۸۱ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۴۰۴ -

۴۳۷ - ۴۳۹ - ۵۴۰ - ۵۵۰ - ۱۰۰۴ -

۱۰۰۵ - ۱۰۰۷ تا ۱۰۰۹ - ۱۰۱۴ -

۱۰۱۵ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۶ -

فریگیه : ۸۶-۲۴۴-۲۶۱-۳۰۴-۳۴۷-۳۶۲
 ۳۷۰-۳۷۱-۴۶۰-۵۵۸-۶۴۳-۶۹۲-۸۹۵
 ۹۷۹-۱۰۳۱-۱۱۰۱-۱۱۰۴-۱۱۰۶ تا
 ۱۱۱۰-۱۱۱۵-۱۱۳۸-۱۱۴۲-۱۱۵۱
 ۱۱۵۶-۱۲۴۰-۱۲۴۲-۱۲۴۵-۱۲۴۸ تا
 ۱۲۵۵-۱۲۶۰-۱۲۶۵-۱۲۷۶-۱۲۷۸
 ۱۲۸۰-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۴۸۹
 ۱۶۰۸-۱۶۳۸-۱۶۶۹-۱۸۸۸-۱۹۶۷
 ۱۹۷۰-۱۹۷۲-۱۹۹۳-۱۹۹۴-۱۹۹۷
 ۲۰۳۰-۲۰۳۴-۲۰۴۹-۲۰۵۵-۲۰۵۵
 ۲۰۵۹-۲۰۶۲-۲۰۶۸-۲۰۷۶-۲۰۹۳
 ۲۱۰۱ تا ۲۱۰۳-۲۱۳۵-۲۲۷۳-۲۲۷۹
 ۲۲۹۸-۲۳۳۱-۲۵۸۶-۲۶۰۷

فریگیه (چشمه) : ۱۰۰۰

فریگیه سفلی : (هلسپونت)

فلسطین : ۳۹-۵۰-۵۷-۹۳-۱۰۳-۱۰۷
 ۱۱۸-۱۲۷-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۷-۳۹۰
 ۳۹۸-۴۰۲-۴۴۲-۴۴۴-۴۴۶-۴۶۲
 ۵۷۲-۵۹۲-۶۹۴-۷۴۰-۹۴۹-۹۸۸
 ۱۴۷۲-۱۴۷۷-۱۴۸۰-۱۴۹۱-۱۸۸۸
 ۲۰۳۳-۲۰۳۶-۲۰۳۸-۲۰۸۶-۲۰۸۸
 ۲۱۵۵-۲۲۲۱-۲۳۴۳-۲۳۴۵-۲۴۳۰
 ۲۴۵۴-۲۴۹۷-۲۵۵۱-۲۵۶۷-۲۵۷۰
 ۲۵۸۸

فلی یونت : ۷۷۷

فنی کنت : ۱۱۱۳

فوروم : ۲۴۵۱

فوسه : ۲۸۷-۲۸۹-۲۹۳ تا ۲۹۵-۶۵۳-۸۷۶
 ۱۱۲۴-۱۱۵۳-۱۲۳۴-۱۸۸۸
 فوسید : ۲۷۲-۷۶۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۹۸-۸۴۰
 ۸۴۱-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۱

فهرج : (بورا)

فیروز آباد : ۹۸۲-۹۹۳-۱۰۰۲-۱۲۲۸-۱۲۴۰
 ۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۶۱۸

۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۵۵-۱۰۷۳
 ۱۰۷۸-۱۲۹۵-۱۲۹۸-۱۲۹۹
 ۱۳۲۴-۱۳۴۵-۱۳۵۹-۱۳۶۵-۱۳۶۶
 ۱۳۶۷-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳
 ۱۳۷۸-۱۵۰۹-۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۸۱۳
 ۱۸۵۱-۱۸۶۶-۱۸۷۰-۱۸۷۶-۱۸۸۶
 ۱۹۲۰-۱۹۲۱-۱۹۲۲-۱۹۲۳-۱۹۲۴
 ۱۹۲۷-۱۹۳۰-۱۹۶۳-۱۹۷۳-۲۰۰۳
 ۲۰۷۵-۲۰۸۵-۲۰۸۸-۲۰۸۹-۲۱۰۲
 ۲۱۱۲-۲۱۱۴-۲۱۱۹-۲۱۲۲-۲۱۷۲
 ۲۱۸۰-۲۲۰۰-۲۲۰۴-۲۲۳۲-۲۲۷۱
 ۲۲۷۳-۲۲۸۶-۲۲۸۷-۲۲۹۸-۲۳۰۳
 ۲۳۰۴-۲۳۱۷-۲۳۲۱-۲۳۳۱-۲۳۳۲ تا
 ۲۳۳۶-۲۳۴۲-۲۳۴۵-۲۳۴۶-۲۳۵۰
 ۲۳۵۴-۲۳۵۵-۲۳۶۴-۲۳۷۲-۲۳۷۷
 ۲۳۸۲-۲۳۸۹-۲۳۹۴-۲۴۰۳-۲۴۰۵
 ۲۴۰۶-۲۴۰۹-۲۴۳۲-۲۴۴۰-۲۴۴۲
 ۲۴۴۴-۲۴۴۶-۲۴۵۶-۲۴۶۴-۲۴۷۰
 ۲۴۷۱-۲۴۷۵-۲۴۷۹-۲۴۸۲-۲۴۸۳
 ۲۴۸۴-۲۴۹۷-۲۴۹۸-۲۴۹۹-۲۵۰۲
 ۲۵۰۳-۲۵۰۶-۲۵۰۷-۲۵۰۸-۲۵۰۹
 ۲۵۱۰-۲۵۱۱-۲۵۱۵-۲۵۳۸-۲۶۱۸
 ۲۶۲۸-۲۶۲۹-۲۶۴۰-۲۶۴۱-۲۶۴۵
 ۲۶۶۶-۲۶۷۲-۲۶۸۶-۲۷۲۲

فراد (پرسپه) : ۵۴۵-۱۵۷۷-۲۳۵۵-۲۳۵۷
 ۲۳۶۹-۲۳۷۲-۲۳۷۳

فراش آباد : ۱۶۱۳-۱۶۱۶-۱۶۱۷-۱۶۱۸

فران (قلعه فرعون) : ۱۴۰

فرانسه : ۲۵ م-۶۴ م-۱۳۷ م-۴۶-۵۱-۵۲
 ۵۶-۶۰-۱۲۴-۸۷۵-۱۴۵۷-۱۶۱۹

فرح آباد : ۵۳ م-۷۲ م-۷۵ م

فرغانه : ۲۲۶۲

فرمز : ۱۰

فریدن (پریکنان) : ۱۴۷۳-۱۴۹۱-۱۴۹۲

۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۳۲-۱۱۳۴-۱۱۵۵
 ۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۴۳-۱۴۰۳-۱۵۳۷
 ۱۶۰۸-۱۸۱۹-۱۸۶۶-۱۹۷۱-۱۹۹۳
 ۲۰۰۲-۲۰۱۴-۲۰۳۴-۲۰۴۸-۲۰۵۱
 ۲۱۱۱-۲۱۴۶-۲۱۵۶-۲۱۵۷-۲۲۷۰
 قرطاجنه (کارتاز)، ۱۲-۱۳-۲۷-۵۰-۵۷-۲۹۴
 ۴۴۳-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۷-۵۷۴-۵۷۵
 ۶۸۴-۶۹۳-۷۴۹-۷۶۴-۷۶۶-۸۷۵
 تا ۸۸۱-۱۲۶۷-۱۳۳۲-۱۳۳۸-۱۳۴۱
 ۱۳۴۳-۱۴۵۴-۱۴۵۶-۱۴۷۹
 ۱۴۸۹-۱۵۲۷-۱۸۶۶-۱۸۷۶-۱۹۱۱
 ۱۹۱۷-۱۹۴۴-۱۹۷۱-۲۱۳۶-۲۲۷۳
 ۲۲۸۱-۲۳۳۲-۲۴۳۹

قرقیز : ۲۲۵۶

قره آغاج : ۱۴۷

قره چای : ۱۷۹

قره سو : ۱۴۷-۱۶۲۳-۲۴۲۱

قریم (کریمه) : ۵۷۹-۵۹۸-۲۲۸۲-۲۴۵۸ و
 رجوع به کریمه شود.

قزوین (قزین، کاسین) : ۷۱ م-۱۴۸-۲۲۱۷
 ۲۶۴۰ رجوع به کاسین شود

قزل اوزن (سرخ رود) : ۱۴۷

قزل رباط : ۱۵۱-۲۶۷۶

قسطنطنیه : ۹۷-۲۵۴۵-۲۵۶۶-۲۵۶۹

۲۵۷۲-۲۶۱۴-۲۶۲۴-۲۶۳۳-۲۶۳۷

۲۷۱۴

قشم : ۱۴۹

قصر آفتاب (معبد) : ۲۷۰۹

قصر خسرو : ۱۷۱۳

قصر سفید : ۹۳۱

قصر شیرین : ۵۲ م-۷۵ م

قصر اللصوص : (کنگاور)

قطیف (گرا) : ۱۴۹۱-۱۵۰۹

قفقاز (قفقازیه) : ۱۰-۲۰-۶۸-۱۴۳-۱۴۴

فیروزه : ۲۶۴۲

فیس کوس : (ادرنه)

فیل : ۴۲

فیلادلفی (فیلادلفیا) : ۱۶۱۵-۱۶۲۱-۲۶۴۵

فیلاکس : ۲۶۷۷

فیلیپ پی : ۲۳۴۰-۲۳۴۳

فیله گاه : ۱۹۲۲

فینیقیه : ۸-۱۲-۲۶-۵۰-۶۱-۷۷-۸۶

۹۳-۱۲۷-۲۸۹-۳۴۷-۳۷۶-۳۹۰

۴۴۲-۴۴۴-۴۴۶-۴۸۷-۵۱۴-۶۸۳

۶۸۴-۶۹۴-۷۲۰-۸۷۶-۹۳۱-۹۵۱

۹۶۲-۹۷۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰

تا ۱۱۶۷-۱۱۷۲-۱۳۲۷-۱۳۳۱-۱۳۳۲

۱۳۳۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۵۹-۱۳۶۱

۱۳۶۳-۱۳۷۱-۱۳۸۵-۱۴۰۳-۱۴۵۵

۱۴۵۶-۱۴۵۸-۱۴۶۸-۱۴۷۲-۱۴۷۷

۱۴۸۰-۱۴۸۵-۱۴۹۳-۱۴۹۵-۱۵۱۰

۱۵۱۱-۱۵۱۴-۱۵۲۹-۱۵۳۱-۱۵۴۶

۱۶۰۷-۱۹۲۰-۱۹۶۹-۱۹۷۱-۱۹۷۳

۱۹۹۹-۲۰۰۲-۲۰۰۳-۲۰۳۲-۳۰۳۶

۲۰۳۸-۲۰۸۸-۲۰۹۱-۲۱۰۱-۲۱۵۳

۲۱۵۵-۲۲۷۸-۲۲۸۶-۲۳۴۳

ق

قاضی کوی : (کالسدون)

قاهره : ۱۰۶-۹۰۷-۹۴۵

قیچاق : ۲۶۱۴-۲۶۴۱

قبرس : ۲۷-۵۷-۲۴۴-۳۴۷-۳۶۹-۴۴۴

۴۶۰-۴۶۳-۴۸۸-۴۹۳-۵۱۴-۶۳۶

۶۴۰-۶۴۳-۶۴۵-۶۴۸-۶۵۰-۶۵۹

۶۹۰-۶۹۲-۶۹۴-۷۴۰-۷۴۲-۸۰۸

۸۱۸-۸۷۶-۸۸۹-۸۹۴-۹۱۹-۹۲۶

۹۳۱-۹۳۵-۹۳۶-۹۴۲-۹۵۱-۹۸۳

۱۱۱۲-۱۱۱۸-۱۱۲۳-۱۱۲۴

۲۰۳۲-۲۰۳۰-۲۰۱۳-۱۹۹۵ تا ۱۹۹۳
 ۲۰۷۵-۲۰۷۰-۲۰۶۹-۲۰۶۴- ۲۰۴۹
 ۲۰۹۴-۲۰۹۲-۲۰۸۰- ۲۰۷۸-۲۰۷۷
 ۲۱۳۱- ۲۱۲۹ تا ۲۱۲۱- ۲۱۰۳- ۲۱۰۲
 ۲۱۳۸-۲۱۲۷-۲۱۲۶- ۲۱۲۵- ۲۱۲۴
 ۲۱۴۱ - ۲۱۳۸ - ۲۱۳۶ - ۲۱۳۳
 ۲۱۶۹- ۲۱۶۷-۲۱۶۵- ۲۱۴۹- ۲۱۴۳
 ۲۲۸۳ تا ۲۲۸۱- ۲۲۷۵-۲۲۷۴-۲۲۷۰
 ۲۳۹۸-۲۳۳۵-۲۳۳۴- ۲۳۳۱- ۲۳۰۱
 ۲۴۴۷- ۲۴۴۴-۲۴۴۳-۲۴۳۶- ۲۴۳۳
 ۲۴۹۶ — ۲۴۹۱ - ۲۴۹۰ - ۲۴۵۶

۲۴۵۳- ۲۶۰۷- ۲۵۹۶

کاپری : ۲۳۹۹

کاپیتول : ۲۴۹۳

کابیش : ۵۴۷

کاتانی : ۱۱۴۳

کادکسی کریوس : ۱۴م

کادمه : ۱۲۲۵- ۱۲۳۰- ۱۲۳۳

کادیکیه : (کالدون)

کارپات : ۹- ۹۱۵

کارناژ : (قرطاجنه)

کاردوخ : (کردوخ)

کاردیا : ۶۵۶

کارس : ۱۹۰۱

کارسوس : ۱۰۰۶

کارکوف : (عقروقوف)

کارکمیش (کاراکامش) : ۴۹- ۱۹۲- ۲۱۱۲

کارلتن (مهمانخانه) : ۱۱۰م

کارماند : ۱۰۰۸-۱۰۰۹

کارمانی : (کرمان)

کارن : ۷۲۲

کارنجی (موسسه کارنژی) : ۵۵- ۵۷- ۲۶۴۳

کارون : ۲۵- ۱۳۷- ۱۴۷- ۱۴۹- ۱۵۰۹

۱۵۱۰- ۱۵۴۶- ۱۸۸۵- ۱۸۸۶- ۱۹۰۱

۱۷۱- ۱۵۷- ۱۵۵- ۱۵۳- ۱۴۸- ۱۴۷
 ۷۳۱-۶۹۱- ۵۸۲- ۴۸۴- ۴۴۸- ۱۸۴
 ۱۴۷۹-۱۴۷۵- ۱۴۷۴- ۱۳۴۴-۷۳۶
 ۱۶۸۸- ۱۶۸۶-۱۶۵۰ تا ۱۶۴۸- ۱۵۱۶
 ۱۷۸۲-۱۷۷۸-۱۶۹۴- ۱۶۹۳-۲۶۹۰ تا
 ۱۹۸۴-۱۹۷۳-۱۹۷۲- ۱۹۷۰- ۱۹۰۸
 ۲۲۴۹-۲۲۴۸- ۲۲۳۲-۲۱۴۵- ۲۰۹۶
 ۲۴۰۲-۲۴۰۱-۲۳۳۸- ۲۲۸۷-۲۲۶۸
 ۲۵۸۷-۲۴۹۰-۲۴۶۰- ۲۴۵۹- ۲۴۵۷
 ۲۶۱۳-۲۵۹۶- ۲۵۹۵- ۲۵۹۱- ۲۵۹۰
 ۲۶۴۱- ۲۶۴۰- ۲۶۱۷- ۲۶۱۵ تا

قلعه دختر : ۱۴۳م

قلهک : ۱۴۳ م

قم : ۱۴۸- ۶م

قندهار : ۱۶۸۵-۲۲۱۵-۲۲۶۳

قوچان : ۲۶۴۲-۲۱۸۶

قومس (قومش) : ۱۴۴۵-۲۶۴۵-۲۶۵۱

قیدار : ۴۴۵

قبر (دریاچه) : (آسفالتیت)

ك

کایک : ۷۲۲-۲۱۴۹

کابریا : ۲۱۴۳-۲۱۴۱

کابل (کوفن) : ۱۵۲- ۱۵۶-۱۴۵۳- ۱۷۶۶

۲۲۶۴- ۲۲۶۰-۲۲۵۸- ۲۲۲۸

کپادوکیه : ۳۷- ۴۹- ۵۱- ۸۵- ۹۷- ۱۸۲

۱۹۱- ۲۴۴- ۲۶۰- ۲۷۵- ۲۸۴- ۳۰۴

۳۲۲- ۳۳۷- ۳۴۷- ۳۷۱- ۳۷۶- ۴۲۷

۴۶۰- ۶۰۱- ۶۱۲- ۶۱۷- ۶۴۳- ۷۱۶

۹۷۹- ۹۸۰- ۱۰۰۱- ۱۰۳۱- ۱۱۳۸- ۱۱۴۱

۱۱۴۳- ۱۱۴۵- ۱۱۴۷- ۱۱۵۱- ۱۲۴۷

۱۲۵۵- ۱۲۸۵- ۱۴۵۲- ۱۴۷۶- ۱۴۸۹

۱۵۱۱- ۱۵۲۰- ۱۵۲۱- ۱۵۲۹- ۱۵۷۱

۱۵۹۶- ۱۶۰۹- ۱۶۳۸- ۱۶۸۹- ۱۹۶۷

۱۹۹۱- ۱۹۸۴- ۱۹۸۲- ۱۹۹۲- ۱۹۷۰

کال سیوک: ۸۹۶	۲۰۲۰ - ۲۰۱۰ ورجوع به پاسی میگریس
کاله: ۲۵م	وېس تیگرشود
کالیدن: ۷۴۳	کاره: (حران)
کالی نیکن: ۲۱۱۳	کاریان: ۱۴۷۱-۶۳۰-۲۹۵-۲۶۸
کالیوپ: ۲۱۱۵	کاریست: ۸۲۷-۶۷۰
کامبادن: (کرمانشاه)	کارینا: ۲۶۵۱
کامبون: ۱۱۹۰	کاریه: ۲۸۷-۳۰۴-۳۶۹-۳۷۰-۴۶۰
کامپانی (ایطالیا): ۲۳۰۶	۴۸۹-۵۱۲-۶۳۶-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۹
کانزاس سیتی: ۱۶۲۰	تا ۶۵۱-۶۵۴-۶۵۹-۶۹۲ تا ۶۹۴-۷۱۷
کانه: ۷۲۲	۸۳۰-۸۷۶-۹۲۶-۹۶۰-۹۸۰-۱۰۲۱
کاوکس: ۶۴۰	۱۰۲۲-۱۰۹۹-۱۱۰۱-۱۱۰۴-۱۱۳۸
کاوه: ۱۱۰۷	۱۱۴۱-۱۱۶۹-۱۱۸۵-۱۲۱۰-۱۲۴۵
کایستر: ۳۰۴	۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۴-۱۴۵۴-۱۴۶۲
کایسترویدیوم: ۹۹۹	۱۴۶۸-۱۴۸۵-۱۶۰۸-۱۶۳۸-۱۹۲۵
کیت داغ: ۲۶۱۱	۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۷۳-۱۹۹۳-۲۰۳۳
کنا: ۲۶۱۶	۲۰۳۴-۲۰۹۳-۲۱۰۱-۲۱۵۳-۲۳۴۴
کت پتوک: (کپادوکیه)	کازرون: ۱۶۱۶
کتزیفون: (تیسفون)	کساندریا: ۲۰۳۲-۲۰۲۷
کتیم: ۴۴۴	کاپاتیر: ۶۳۴-۶۳۰
کتیور: ۱۰۹۱	کاسین: (کسین)
کراتی زی پولیس: ۲۰۳۳	کاستابال (کاستابالا): ۲۱۰۳-۱۳۰۱
کراچی: ۱۸۵۷	کاستامونی: ۲۱۵۲
کراژ: ۱۴۰۳	کاستانه: ۷۷۳
کراسنودسک: ۲۳۹۲	کاستل: ۱۰۳۱
کراوه: ۱۲۲۶	کالبری: ۱۸۷۷
کربلا: ۱۱۰م	کالا (کالج): ۵۲-۱۲۶-۱۷۰-۱۸۶-۱۹۰
کریدیون: ۲۰۶۲-۲۱۳۳	۲۷۱۹-۲۶۶
کرت (کریت): ۱۹-۵۷-۲۴۵-۶۶۰-۷۴۱-۷۴۳	کالپه: ۱۰۹۱
۷۵۹-۷۶۷-۱۲۹۷-۱۳۲۹-۱۴۰۲-۱۴۰۳	کالچ: (کالا)
۱۸۸۳-۲۱۴۳	کالسدون (قاضی کوی): ۵۹۳-۶۱۰-۶۲۶-۹۷۹
کرتن: ۵۶۲	۱۰۹۱-۱۱۹۱-۱۵۱۰-۲۰۹۲-۲۱۴۱
کرت خدشت: (قرطاجنه)	۲۱۵۲
کرج: ۴۷م	کالسید: ۷۷۰-۷۷۳-۷۸۸
کرج: ۵۸۲-۵۸۶-۵۹۸-۱۴۶-۲۱۹۲	کالسیس: ۶۸۱

کرنٹ (ایستم): ۷۵۶- ۷۶۷- ۷۶۹- ۷۷۵- ۷۷۷

۷۷۸- ۷۸۶- ۸۰۱- ۸۰۲- ۸۰۴- ۸۰۵

۸۰۶- ۸۰۹- ۸۲۸- ۸۳۵- ۸۳۶- ۸۳۸

۸۳۹- ۸۶۴- ۸۷۷- ۸۸۵- ۸۸۶- ۹۴۱

۹۴۲- ۱۱۱۰- ۱۱۱۴- ۱۲۰۵- ۱۲۲۵

۱۲۳۰- ۱۳۳۱- ۱۸۰۷- ۱۸۲۷- ۲۰۲۸

۲۱۶۳

کرنیداس: ۱۱۹۶

کره: ۱۱-۱۶

کربت (کرت)

کری تال: ۷۱۶

کری توپولیس: ۱۹۹۵- ۱۹۹۷

کریمه: ۲۱۳۷- ۲۱۳۸- ۲۱۴۵- ۲۱۴۹ و رجوع

به قریم شود .

کسانت: ۱۲۷۶

کسپین: ۲۰- ۱۴۸- ۱۵۵- ۴۴۸- ۴۴۹- ۶۹۱

۱۴۲۹- ۱۴۴۳- ۱۶۸۹- ۱۶۹۴- ۱۸۸۹

۱۹۰۷- ۱۹۰۸- ۱۹۱۷- ۱۹۷۲- ۲۲۱۸

و رجوع به کاسپین و خز رو قزوین شود .

کس نیپ: ۱۷۵۸

کعبه زرتشت: ۱۶۰۱

ککروپ: ۷۵۸

کلازومن: ۲۸۷

کلات: ۷

کلات شرقت: ۵۳

کلاید: ۶۴۹

کلخ: ۱۰۸۷- ۱۰۸۸- ۱۰۹۲

کلحید: ۱۸۴- ۶۶۰- ۶۶۱- ۷۳۱- ۷۳۷

۷۷۶- ۱۰۸۳- ۱۵۱۰- ۱۵۱۱- ۱۶۸۵

۱۷۲۲- ۱۹۰۰- ۲۲۶۸- ۲۲۷۱- ۲۲۷۴

۲۲۸۳- ۲۴۳۶- ۲۴۷۸

کلده: ۱۷- ۲۰- ۲۲- ۳۲- ۵۵- ۵۱- ۱۰۴- ۷۶

۱۱۳- ۱۴۳- ۱۴۴- ۱۷۴- ۳۸۳- ۳۹۱- ۴۴۲

۴۴۵- ۵۵۱- ۶۹۸- ۷۰۰- ۱۳۷۰- ۱۵۰۷

کرخا (کرخه): ۲۵- ۱۳۰- ۱۳۲- ۱۴۳- ۱۴۷

۱۵۱- ۲۸۵- ۱۴۵۲- ۱۴۵۴- ۱۴۷۸ و رجوع

به خواست شود

کرخه دن: (قرطاجنه)

کردستان: ۴۹- ۱۲۴- ۱۵۱- ۱۶۹- ۱۷۴- ۱۷۹

۲۰۷- ۳۷۹- ۵۷۸- ۶۹۱- ۱۹۰۷- ۱۹۰۸

۲۱۸۷- ۲۲۰۹- ۲۲۴۰- ۲۴۲۱- ۲۴۸۲

۲۵۴۷- ۲۶۸۶- ۲۶۹۶ و رجوع به

کردوخ شود

کردوخ (کردوک): ۳۵۲- ۳۷۳- ۱۰۶۷

۱۰۶۹- ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۳- ۱۰۷۵

۱۰۷۶

کردون: ۱۳۷۲- ۱۵۴۴- ۲۲۷۵- ۲۲۷۷

۲۲۷۸- ۲۲۸۰- ۲۲۸۷- ۲۲۸۹ تا

۲۲۹۱- ۲۲۹۳- ۲۴۱۵- ۲۶۲۴

۲۶۴۰

کرس: ۲۹۴

کرسا: ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷

کرسن: ۱۰۰۸

کرسیر (کرفو) ۷۵۹- ۷۶۶- ۹۱۳- ۹۴۲

کرك: ۲۶۷۴

کركوك: ۱۵۱- ۶۹۲

کرمان: ۱- ۳- ۱۳۶- ۱۴۵- ۱۴۶- ۱۴۸

۱۵۲- ۱۵۵- ۳۹۳- ۳۹۴- ۴۵۴- ۶۹۱

۱۴۸۰- ۱۴۹۱- ۱۴۹۲- ۱۶۱۲- ۱۶۱۵

۱۸۳۵- ۱۸۶۱- ۱۸۶۳- ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۰

۱۸۹۰- ۱۹۶۷- ۱۹۷۳- ۱۹۹۳- ۲۵۳۲

۲۵۴۳- ۲۶۴۰- ۲۶۵۳- ۲۶۷۹

کرمانشاه (کامبدان): ۱۱۶- ۱۲۴- ۱۵۱- ۱۷۳

۱۷۴- ۱۷۵- ۲۲۱- ۲۲۷- ۵۳۸- ۶۹۱

۱۵۶۷- ۱۹۰۱- ۱۹۰۸- ۱۹۰۹- ۲۲۳۱

۲۴۲۱- ۲۶۴۰- ۲۶۵۱- ۲۶۷۷- ۲۷۰۱

۲۷۰۴- ۲۷۰۵

کرمن: ۵۸۳

۲۶۱۸-۲۵۹۷
 کونا (کوشیا: حبشه): ۲۲۶۳- ۱۶۱۲
 کوفی: ۱۷۷۶- ۱۷۶۴
 کوفی: (کابل): ۲۲۱۳ رجوع به کابل شود
 کونه: ۱۰۱- ۲۵۶۹
 کوکارک: ۹۸
 کوك نكا: ۵۴۰
 كوم: ۲۹۲- ۸۲۹- ۹۱۳- ۹۱۴- ۹۸۱
 کوناکسا: ۷۶- ۲۶۵- ۳۵۵- ۳۷۲- ۱۰۱۲
 ۱۰۱۹- ۱۰۲۰- ۱۰۲۶- ۱۰۳۸- ۱۰۳۰ تا
 ۱۰۳۳- ۱۰۶۰- ۱۰۹۳- ۱۰۹۴- ۱۱۰۳
 ۱۱۳۲- ۱۱۵۳- ۱۴۸۳- ۱۴۸۴- ۲۳۶۴
 کوندورش: ۵۴۴
 کوفی: ۹۷۴
 کونش: (کوناکسا)
 کوه گیلویه: ۱۴۱۳
 کویرلوت: ۱۴۵
 کویونجیک: ۵۲- ۵۳- ۱۲۸
 کیسی: ۵۵۱- ۵۵۲
 کیلیکیه: ۳۶- ۳۸- ۱۹۱- ۱۹۶- ۲۶۱- ۲۶۸
 ۳۰۴- ۴۶۰- ۶۴۳- ۶۴۹- ۶۵۷- ۶۶۸
 ۶۹۲- ۶۹۳- ۸۶۹- ۸۷۶- ۹۱۹- ۹۳۱
 ۹۳۶- ۹۹۹- ۱۰۰۰- ۱۰۰۱- ۱۰۰۲
 ۱۰۰۵- ۱۰۰۶- ۱۰۲۵- ۱۰۵۹- ۱۰۹۲
 ۱۱۲۵- ۱۱۳۸- ۱۱۴۱- ۱۱۴۳- ۱۱۴۵
 ۱۱۵۱- ۱۱۶۸- ۱۲۴۲- ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸
 ۱۲۹۱- ۱۲۹۹- ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴
 ۱۳۰۶- ۱۳۲۹- ۱۳۴۴- ۱۳۵۳- ۱۳۹۸
 ۱۴۱۴- ۱۴۲۸- ۱۴۴۷- ۱۴۴۸- ۱۴۶۹
 ۱۴۷۲- ۴۴۸۹- ۱۴۹۰- ۱۵۰۷- ۱۵۱۱
 ۱۵۱۶- ۱۶۳۸- ۱۶۴۰- ۱۶۶۸- ۱۶۷۴
 ۱۶۸۶- ۱۶۸۹- ۱۶۹۰- ۱۷۳۷- ۱۷۸۲
 ۱۸۱۲- ۱۹۶۶- ۱۹۶۹- ۱۹۷۱- ۱۹۷۲
 ۱۹۷۳- ۱۹۷۸- ۱۹۷۹- ۱۹۸۸- ۱۹۸۹

۱۵۱۱- ۱۵۵۸- ۱۶۲۱- ۲۰۵۹- ۲۱۰۱
 ۲۲۰۹- ۲۲۹۱- ۲۶۴۰
 کلس: ۹۹۹
 کلفن: ۲۸۷- ۲۸۹- ۹۴۰
 کلن: ۱۱۰۰- ۱۲۴۷
 کلن ترواد: ۸۹۵
 کلودیوپولیس: ۲۱۵۲
 کلیاد: ۸۱۶
 کماژن: ۲۰۶۴- ۲۰۸۷- ۲۱۰۱- ۲۳۴۵ تا
 ۲۳۴۷- ۲۴۳۵- ۲۴۳۶- ۲۴۴۵- ۲۴۵۵
 ۲۴۵۶- ۲۷۱۹- ۲۷۲۱
 کمبید: ۵۴۲
 کمره: ۲۲۳۱- ۲۶۴۰
 کمین آبولون (معبد): ۲۵۰۰
 کمین: (قومش)
 کن: ۱۰۲۲- ۱۰۲۴- ۱۰۳۴
 کرکای: ۵۸۳
 کنگاور: ۱۵۱- ۲۰۷۱- ۲۰۷۲- ۲۷۲۲
 کندوره: ۷۱۸
 کنه: ۴۴۵
 کنید: ۷۲- ۵۶۳- ۱۱۱۲- ۱۱۱۳
 کویت داغ: ۲۶۴۲- ۲۶۴۳
 کویرانس: ۲۰۱۰- ۲۰۱۱
 کور (کورا) (رود): ۱۴۷- ۲۳۳- ۱۳۸۷
 ۲۱۴۵- ۲۲۶۸- ۲۲۸۷- ۲۴۷۸- ۲۶۱۶
 کورسک: ۶۱۵
 کورفو: (کرسیر)
 کورگان: ۵۷۸- ۵۸۹
 کورنگ تپه: ۱۱۴- ۱۳۳
 کوروپولیس (کوروش، شهر): ۳۷۶- ۱۷۰۳ تا
 ۱۷۰۶- ۱۹۴۰
 کوریکوس: ۲۰۸۳
 کوریو: ۶۵۰
 کوسه: ۱۳۸۱
 کوش (کوشان): ۱۶۰۵- ۲۵۸۴- ۲۵۹۱- ۲۵۹۵

گالیا: ۲۱۸۱-۲۲۹۶-۲۲۹۷-۲۳۳۸-۲۳۴۲

۲۳۵۴

گتینگن: ۴۶:

گدارا: (گنداره)

گدززی (گدزیا): ۱۴۳-۱۶۸۳-۱۸۵۵

گتا: ۱۸۵۹-۱۸۶۱-۱۸۶۳-۱۸۶۶-۱۸۶۷

۱۸۶۹-۱۸۷۰-۱۸۹۰-۱۹۴۱-۱۹۶۷

۱۹۷۳-۲۰۵۸-۲۱۰۱-۲۱۱۸ و رجوع

بلوچستان شود.

گرا: ۱۴۹۱-۱۵۰۹-۲۰۸۰-۲۰۸۲-۲۲۱۳

ورجوع به القطیف شود.

گرانی: ۲۰۲۸

گرانیک: ۱۲۴۶-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۴

گتا: ۱۲۵۸-۱۲۶۲-۱۲۶۴-۱۲۶۷-۱۲۸۴

۱۲۸۶-۱۳۰۸-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۵۴۸

۱۷۲۷-۱۷۲۸-۱۷۳۱-۱۷۳۴-۱۸۸۸

گرچستان: ۱۸۴-۶۶۷-۱۴۵۴-۱۴۷۵-۱۴۷۹

۱۵۶۹-۲۱۴۵-۲۲۶۸-۲۴۰۲-۲۴۵۲

۲۴۲۸-۲۴۳۵-۲۴۳۶-۲۴۳۹-۲۴۵۹

۲۴۶۰-۲۴۶۱-۲۴۷۸-۲۴۹۱-۲۴۹۲

۲۶۴۰

گرد: ۹۷۹:

گردیان: ۱۳۷۵

گردیوم: ۱۲۸۴:

گرس: ۵۸۳-۶۱۵

گرگان (وهرگان، هیرکانی): ۱۱۳-م-۱۰۳-۱۴۷

۱۵۶-۱۸۴-۲۱۸-۲۲۷-۲۴۱-۲۶۳-۴۵۴

۴۷۰-۴۸۰-۵۴۴-۶۹۱-۲۳۴۴-۱۴۲۹

۱۴۳۰-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۸۰-۱۶۲۳

۱۶۳۳-۱۶۳۸-۱۶۴۰-۱۶۴۱-۱۶۴۳

۱۶۳۴-۱۶۴۶-۱۶۵۰-۱۶۵۲-۱۶۸۹

۱۶۹۴-۱۷۱۰-۱۷۹۸-۱۸۶۴-۱۸۸۵

۱۹۰۰-۱۹۱۷-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۲۰۸۱

۲۱۸۴-۲۱۸۵-۲۱۸۷-۲۱۸۸-۲۱۹۰

۱۹۹۳-۲۹۹۹-۲۰۰۱-۲۰۰۲-۲۰۰۳

۲۰۰۷-۲۰۳۰-۲۰۳۲-۲۰۳۶-۲۰۳۸

۲۰۵۹-۲۰۶۰-۲۰۶۴-۲۰۷۶-۲۰۷۸

۲۰۸۴-۲۰۹۰-۲۱۰۱-۲۱۰۳-۲۱۱۵

۲۱۲۲-۲۱۵۴-۲۲۴۲-۲۲۷۶-۲۲۸۶

۲۳۳۱-۲۳۳۵-۲۳۴۳-۲۳۴۵-۲۳۹۷

۲۳۹۸-۲۴۵۶-۲۵۹۶-۲۶۰۷-۲۶۲۳

کی بل: ۶۴۶:

کی تر: ۷۸۶:

کی ترون: ۷۵۸

کیت نس: ۷۴۰

کی تی س: ۲۱۴۹

کی تی یوم: ۹۳۵

کیش: ۱۰۵-۱۱۳

کی شانو: ۱۷۳

کیمری: ۱۷۲-۱۷۳

کینگپور: (کنگاور)

کینوسکفال: ۲۱۶۳

کی نیت: ۵۷۴-۵۷۵

کیوس: ۱۱۴۸-۲۰۹۳-۲۰۹۴-۲۱۳۱

۲۱۳۲-۲۱۵۲ و رجوع به خیوس شود

کیوک ایرماق: (آمیناس)

ک

گاس: ۱۷۲۴

گابگه: (قققاز)

گابی بن: ۲۰۱۵-۲۰۱۶-۲۰۹۲ و رجوع به

اصفهان شود

گاد: (جبل الطارق)

گارگافی: ۸۴۳-۸۵۱-۸۵۲

گاسیون: ۱۵۱۱

گاماسب: ۱۴۷-۱۷۹

گالائیبه: ۲۰۷۶-۲۰۷۷-۲۰۷۹-۲۱۳۴

۲۱۳۵-۲۱۴۱-۲۲۷۴-۲۲۸۶-۲۲۹۸

۲۴۳۳-۲۴۴۳

گوبی: ۲۲۵۵ تا ۲۲۵۱
 گودزره: ۱۶۸۴-۱۴۸
 گور: ۲۵۴۸
 گورکان آنو: ۳۳-۱۱۴-۱۳۳
 گورو: ۱۷۶۹
 گوریان: ۱۷۶۹
 گوگامل (گوگمل): ۱۶۳-۲۰۵-۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹
 ۱۳۸۶-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۳
 ۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۴۷-۱۴۴۸
 ۱۴۸۲-۱۴۸۴-۲۶۳۳-۱۸۲۷-۲۰۶۹
 ۲۶۳۲-۲۴۸۲-۲۱۷۲
 گوگانه: ۱۵۰۹
 گی یانیس: ۵۸۳
 گی جای: ۱۴۸
 گیرا: ۱۶۰۸
 گیلان: ۶۱ م-۶۷ م-۱۴۵-۱۴۶-۱۵۰-۱۵۲-
 ۱۵۷-۱۸۴-۲۰۰-۲۱۷-۳۳۰-۱۰۸۳
 ۱۱۲۹-۱۴۳۰-۱۵۰۸-۱۵۱۱-۲۲۶۴
 ۲۶۰۱-۲۴۹۰-۲۴۵۹-۲۲۶۵
 گیلویه (کو): ۱۴۱۳
 گی له یا: ۵۸۳
 گیم نیاس: ۱۰۸۶
 گیندس: ۳۹۲-۴۴۷-۱۹۰۸-۲۰۳۰
 گی نه: ۲۷
 گیبی (بوغاز): ۳۷-۳۹-۴۹-۵۱-۱۵۸-۲۷۶
 ۱۵۲۹

ل

لارث: ۱۵۱۶
 لار: ۱۴۴
 لارسا: ۱۲۰
 لاریسا: ۱۹۰-۲۶۵-۳۶۲-۸۵۴-۱۰۶۴-۱۰۹۹
 ۱۱۰۰-۱۲۱۰-۱۲۳۸-۱۹۶۱-۲۳۵۱
 لاریم: ۱۱۱۲
 لازستان: ۱۸۴-۷۳۱-۲۲۷۱-۲۴۳۶

۲۱۹۱-۲۴۱۲-۲۱۹۳-۲۱۹۸-۲۲۰۴
 ۲۲۰۸ تا ۲۲۱۰-۲۲۱۶-۲۲۱۷-۲۲۱۷
 ۲۲۱۸-۲۲۲۵-۲۲۲۶-۲۲۳۰-۲۲۳۱
 ۲۲۳۵-۲۲۳۶-۲۲۶۴-۲۲۸۹-۲۴۰۲
 ۲۴۰۵-۲۴۱۵-۲۴۱۶-۲۴۱۷-۲۴۳۶
 ۲۴۳۷-۲۴۳۹-۲۴۴۰-۲۴۴۳-۲۴۵۹
 ۲۴۶۲ تا ۲۴۶۴-۲۴۹۰-۲۵۳۹-۲۵۹۵
 ۲۶۴۱-۲۷۴۵-۲۶۵۱-۲۶۷۲-۲۶۷۷
 ۲۶۸۶
 گرگان تپه: ۲۶۴۵
 گرنه آس: ۲۴۲۶
 گروس: ۶۹۱-۱۵۱۱-۲۲۳۱-۲۶۴۰
 گری نیوم: ۱۲۴۳
 گس: ۷۶۵-۹۲۴-۹۴۴-۱۱۶۷-۱۲۰۱
 ۱۲۷۴-۱۲۸۴-۱۸۲۶-۲۰۷۰-۲۱۵۸
 گگ (جوج): ۲۵۸۷
 گل (فرانسه): ۷۹-۸۷۵
 گلاک (سوریه): ۹۷
 گلبایگان: ۲۶۴۰-۲۲۳۱
 گلستان (کاخ): ۸-۶۳ م-۱۱۰ م
 گلن: ۵۹۹-۶۰۰-۶۰۲-۶۰۳-۷۶۴ تا ۷۶۶
 ۸۸۱ تا ۸۷۸
 گلو زس (گلوکانیک): ۱۷۹۸
 گمرون: ۱۵۲
 گن تی: ۲۲۵۱
 گنچ شاپیگان: ۱۵۱۶-۱۵۱۷
 گندار (گنداره): ۳۷۵-۶۹۱-۱۴۵۲
 ۱۴۵۳-۱۵۷۱-۱۵۹۷-۱۶۰۵-۱۶۰۶
 ۱۶۱۰
 گندسک: ۲۶۱۶
 گندوم: ۵۴۷
 گنک: ۱۴۹۲-۲۶۱۶
 گن نس: ۷۶۸
 گنگ: ۱۷۸۰-۱۸۰۴-۱۸۰۷-۱۸۱۱-۱۸۱۲
 ۱۸۳۷-۱۸۳۸-۲۰۵۷-۲۰۵۸

لازیکا، (کلخید)

لاسدمون: ۶۴۲-۶۴۴-۷۱۰-۷۱۷-۷۶۴-۹۳۱

۹۳۹-۹۴۱ تا ۹۴۳-۱۰۵۴-۱۰۴۳

۱۰۴۴-۱۶۴۵ رجوع به اسپارت شود

لاسرکد: ۱۵۶۳

لاکش، ۱۱۵-۱۱۶

لاکونی، ۱۱۱۳-۱۸۸۲

لامپساک، ۶۵۱-۹۱۸-۱۰۹۳-۱۲۲۱-۱۲۴۷

۱۵۱۰-۱۲۸۰

لامپونیوس: ۶۲۶

لامیا، ۱۹۸۷

لامپاک، ۱۹۸۷

لئوتوبولیس، (اسکندریه)

لبنان، ۱۴۳-۱۴۴-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۵۵۵

۱۵۶۰-۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۸۶۶-۲۰۳۳

لیدوس: ۲۸۷-۲۸۹

لرس: ۶۵۲

لرستان: ۱۳۰-۱۴۴-۱۹۰۷-۱۹۰۸

لسبس: ۲۹۳-۵۹۸-۶۲۶-۶۲۹-۶۴۵-۶۵۳

۶۵۵-۶۹۲-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۶-۱۲۸۱

۱۲۸۴

لسه: ۱۱۳۹

لکترا، ۱۱۱۸-۱۱۲۰-۱۱۲۷-۱۱۵۰-۱۱۹۴

لکرید: ۱۱۹۹

لکسیری: ۱۱۴۱

لکوکمی: ۲۳۷۱

لمنوس: ۶۲۶-۶۲۷-۶۲۹-۱۱۱۸

لندن: ۲۳ تا ۲۵-۳۰-۴۹-۴۵۵-۴۵۸-۴۶۰

۴۶۲-۱۰۲-۱۱۶-۴۸-۵۱-۵۲-۱۳۶-۱۵۱۳

۱۶۱۵-۲۶۷۴

لود (لودی): (لیدی)

لور (رود): ۱۴۷

لوریوم: ۷۵۹

لوکانی: ۲۳۲۴

لولوبی: ۱۱۶-۱۱۷

لوور: ۵۲-۵۴-۵۶-۱۱۹-۱۲۸-۵۰۵-۵۰۷

۷۸۹-۸۱۳-۸۷۱-۸۸۰-۸۹۰-۹۶۹-۱۰۴۶

۱۰۹۰-۱۴۵۴-۱۴۶۳-۱۴۸۳-۱۵۶۰

۱۶۰۲-۱۶۰۳-۱۶۱۱-۱۶۲۳

لکوفریس: ۱۱۰۲

لیاکورا: (پارناس)

لیبان: ۱۰۲۶-۱۶۰۶

لیبزیك: ۴۷۸-۹۰۷-۱۱۴۱-۲۱۵۰-۲۵۵۲

لیبیا: ۷-۸-۲۷-۳۱-۳۵-۲۷۲-۴۹۰-۵۰۹-۵۱۰

۵۱۲-۵۱۴-۵۶۳-۵۶۵-۵۷۵-۵۷۷-۶۱۱

۶۳۰-۶۳۱-۶۸۳-۶۹۲-۷۳۴-۷۳۹-۷۷۱

۸۷۵-۸۷۸-۸۹۳-۹۳۰-۱۲۶۷-۱۳۵۸

۱۴۷۲-۱۴۷۵-۱۸۰۷-۱۸۷۶-۱۹۱۱

۱۹۲۳-۱۹۷۰-۱۹۷۱-۲۰۴۳-۲۰۵۲

۲۵۸۵ رجوع به آفریقا شود.

لیتوانی: ۹

لیدباس: ۷۵۲

لیدن، ۲۵۵۲-۲۵۷۶

لیدییه: ۱۱۱-۱۸۵-۱۸۶-۱۹۱ تا ۱۹۵-۱۹۹

۲۰۱-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۷ تا ۲۶۹-۲۷۱-۲۷۲

۲۷۴ تا ۲۷۶-۲۸۱-۲۸۳ تا ۲۸۶-۲۸۸-۲۹۱

۲۹۵-۲۹۶-۳۰۴-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۸

۳۷۲-۳۷۳-۳۷۷-۳۷۸-۳۸۳-۳۸۸-۳۸۹

۳۹۹-۴۴۴-۴۴۹-۴۷۶-۴۸۸-۴۹۱-۴۹۲

۵۵۸-۶۲۱-۶۳۸-۶۳۹-۶۵۲-۶۶۱-۶۶۲

۶۹۴-۷۰۴-۷۲۲-۷۳۹-۹۵۹-۹۶۵-۹۹۲

۹۹۴-۹۹۹-۱۰۳۱-۱۰۴۵-۱۰۶۹-۱۰۹۷

۱۱۰۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۳۸-۱۱۴۲-۱۱۴۸

۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۷۴-۱۱۷۴-۱۲۴۰-۱۲۴۵-۱۲۵۵

۱۲۶۱-۱۲۷۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۳۲۹-۱۳۴۴

۱۳۶۵-۱۴۵۲-۱۴۶۹-۱۴۷۹-۱۴۸۱-۱۴۹۳

۱۴۹۴-۱۵۰۷-۱۵۱۱-۱۵۱۵-۱۵۴۱

۱۵۴۷-۱۵۹۶-۱۶۰۸-۱۶۱۳-۱۶۱۴-۱۶۲۵

۱۶۹۰ - ۱۶۸۹ - ۱۶۸۸ - ۱۶۸۲ - ۱۶۸۱
 ۱۷۸۲ - ۱۷۲۵ - ۱۷۲۱ - ۱۷۱۳ - ۱۶۹۱
 ۱۹۰۲ - ۱۹۰۰ - ۱۸۸۳ - ۱۸۷۶ - ۱۸۷۰
 ۱۹۶۸ - ۱۹۶۷ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴
 ۲۰۰۷ - ۲۰۰۵ - ۱۹۹۳ - ۲۹۷۲ - ۱۹۷۰
 ۲۰۱۹ - ۲۰۱۷ - ۲۰۱۶ - ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱
 ۲۰۵۱ - ۲۰۴۶ - ۲۰۳۸ - ۲۰۳۷ - ۲۰۲۱
 ۲۰۸۰ - ۲۰۷۵ - ۲۰۷۳ - ۲۰۶۹ - ۲۰۵۵
 ۲۰۹۷ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۴ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۱
 ۲۱۷۲ - ۲۱۲۲ - ۲۱۱۴ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۰
 ۲۲۱۹ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۶ - ۲۱۹۴ - ۲۱۸۵
 ۲۲۴۸ - ۲۲۳۴ - ۲۲۲۷ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۵
 ۲۲۹۱ - ۲۲۸۷ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۰ - ۲۲۴۹
 ۲۳۷۳ - ۲۳۷۲ - ۲۳۷۱ - ۲۳۶۹ - ۲۳۵۵
 ۲۴۴۲ - ۲۴۲۵ - ۲۴۲۳ - ۲۴۰۸ - ۲۳۷۴
 ۲۵۳۷ - ۲۵۳۲ - ۲۵۰۲ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۰
 ۲۶۲۴ - ۲۵۹۶ - ۲۵۸۶ - ۲۵۷۴ - ۲۵۴۰
 ۲۶۴۸ - ۴۶۴۷ - ۴۶۴۵ - ۱۶۴۱ - ۲۶۴۰
 ۲۶۷۸ - ۲۶۵۳ - ۲۶۵۲ - ۲۶۵۱ - ۴۶۴۹
 ۲۶۹۰ - ۲۶۸۲

ماد آترو پاتن : (آذربایجان)

ماد اکتو : ۱۳۹ - ۱۳۶ - ۱۳۰

ماداگا نکر : ۱۰۳ - ۱۰

مادراگیان : ۲۲۱۷

مادیان : ۹۸۷

مادی تس : ۷۱۷

مارآ : ۵۷۲

مارآباد : ۲۰۷

ماراتن : ۶۷۴ - ۶۷۳ - ۶۷۱ - ۶۷۰ - ۶۴۷ - ۶۰۹

۶۸۸ - ۶۸۱ - ۶۷۹ - ۶۷۸ - ۶۷۷ - ۶۷۵

۹۲۲ - ۸۵۰ - ۸۴۳ - ۷۵۸ - ۷۳۵ - ۷۰۴

۲۱۷۲

ماراتوس : ۱۳۲۵

مارانید : ۱۳۵۷ - ۱۳۵۴

۱۸۸۸ - ۱۷۷۶ - ۱۷۱۳ - ۱۶۵۶ - ۱۶۳۸ - ۱۶۲۷

۱۹۹۹ - ۱۹۹۳ - ۱۹۷۳ - ۱۹۶۹ - ۱۹۶۷ - ۱۹۲۵

۲۲۸۲ - ۲۲۷۰ - ۲۱۷۸ - ۲۱۵۱ - ۲۱۰۱ - ۲۰۶۲

۲۶۰۶ - ۲۶۰۵ - ۲۳۴۴

لیزیمایا : ۲۰۶۳

لیسوس (رود) : ۷۴۸

لیک : ۶۰۴

لیکااونیه : ۱۹۷۲ - ۱۳۴۶ - ۱۰۰۰ - ۶۹۲ - ۳۴۷

۲۱۲۲ - ۲۱۰۳ - ۱۱۹۵ - ۱۹۹۴

لیکوس : ۲۱۴۴ - ۲۱۲۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ - ۱۳۷۰

۲۲۳۸

لیکیه : ۷۴۱ - ۷۴۰ - ۴۸۶ - ۴۶۰ - ۳۸۱ - ۲۶۸ - ۳۶

۱۴۱۵ - ۱۲۸۳ - ۱۲۷۷ - ۱۲۷۶ - ۱۲۶۷ - ۹۲۶

۲۰۳۰ - ۱۹۹۴ - ۱۹۷۳ - ۱۹۶۹ تا ۱۹۶۷

۲۱۵۳ - ۲۱۰۳

لی گوری : ۸۷۵

م

مآندر : ۹۹۹ - ۹۷۴ - ۹۱۸ - ۷۱۷ - ۶۵۱ - ۲۹۳

۱۱۶۹ - ۱۹۶۸ - ۱۷۶۴ - ۱۱۰۴ - ۱۱۰۱

۲۱۱۵

م اتید : ۶۰۷ - ۶۰۳ - ۵۹۶ - ۵۸۴ - ۵۸۳ - ۵۷۹ - ۱۸۴

۲۱۹۲ - ۶۱۶

مالون آکمانا (معبد) : ۲۱۰۳

مائیبیان : ۴۴۷

ماخه لونی : ۲۴۷۸

ماد : ۱۵۵ - ۱۵۱ - ۱۳۰ - ۱۲۷ - ۱۱۱ - ۶۱

۱۵۶ - ۱۶۰ تا ۲۴۶ - (از ۲۴۷ تا ۹۰۶ در

بیشتر صفحات) ۱۴۱۴ ۱۳۹۵ - ۱۳۴۴

۱۴۴۰ - ۱۴۳۱ - ۱۴۳۰ - ۱۴۲۹ - ۱۴۲۷

۱۴۷۴ - ۱۴۷۳ - ۱۴۶۴ تا ۱۴۶۲ - ۱۴۵۲

۱۵۰۱ - ۱۴۸۴ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۰ - ۱۴۷۹

۱۵۷۲ - ۱۵۷۱ - ۱۵۶۶ - ۱۵۴۷ - ۱۵۳۵

۱۶۲۵ - ۱۶۱۰ - ۱۶۰۹ - ۱۵۹۶ - ۱۷۵۶

۱۶۶۲ - ۱۶۵۳ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۷ - ۱۶۳۶

ماربورگ: ۲۱۴۹	م تیمن: ۱۲۸۱
مارگوس: (مرغاب)	مجیدیه: ۵۴م
مارونه آ: ۷۴۸-۱۲۴۵	مچیا: (مکیا، مکه)
مازاگا: ۱۷۷۰-۱۷۷۳-۲۱۳۳	محلو: (مهارلو)
مازندران: ۵۸م-۶۱م-۶۷م-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۷	مداین: ۲۵۵۸ و رجوع به تیسفون شود
۲۰۰-۱۴۹۲-۱۵۰۸-۱۵۱۱-۱۶۴۷	مدرسه علوم سیاسی: ۱۴ تا ۱۶م-۲۹م-۱۱۴م
۲۲۶۴-۲۲۶۵-۲۶۰۱	مدرسه مروی: ۱۳م
ماساگ: ۱۷۸۴	مدرسه نظام: ۱۱۴م
ماس کس: ۱۰۰۸-۱۰۰۹	مدزین: ۹۵
ماسپندان: ۱۵۴۷-۲۵۵۰	مدیا: ۲۶۶
ما-ندان: (ماسپندان)	مدیترانه: ۱۴۶-۱۸۲-۲۱۵۹-۲۴۶۹-۲۵۸۹
ماس سیوس: ۲۴۸۰	مراغه: ۱۰۶
ماگ-زی: ۲۹۳-۵۵۸-۷۶۹-۷۷۳ تا ۷۷۵	مراکش: (موری تانیا)
۹۱۹-۹۱۸-۱۲۶۲-۲۰۸۳-۲۱۱۵-۲۱۱۵	مردزان: ۲۵۹۶
۲۱۳۵-۲۲۷۱-۲۲۷۳	مرغاب (مشهد): ۱۴۷-۱۵۰۶ و رجوع به پاسارگاد
مالاکا: ۱۰-۴۴۳	شود
مالت: ۲۷-۴۹	مرغاب (رود): ۲۱۸۸
مالعیر: ۱۴۰ تا ۱۴۲-۱۵۵۶-۱۹۰۳	مرکند: ۱۷۰۱-۱۷۰۲-۱۷۰۶-۱۷۱۱-۱۷۱۶
مالوس: ۱۳۰۱	۱۷۱۸-۱۷۲۳-۱۷۳۰-۱۷۵۸
مالوم: ۹۳۵	مرگیانا: (مرو)
ماله: ۱۴-۷۶۷	مرمره: ۶۹۴-۶۵۱-۱۱۴۸-۱۲۴۵-۱۲۴۹
مالیان: ۱۳۸۷-۱۸۰۰-۱۸۲۱-۱۷۲۲-۱۸۲۳	۲۱۳۱
۱۸۲۶-۱۸۲۹-۱۸۳۰-۱۸۳۷	مرو: ۵۴-۵۷-۱۰۵-۱۵۶-۱۵۷-۵۴۵-
۱۸۳۸-۱۸۴۱-۱۸۴۲-۱۸۴۳-۱۸۶۹	۶۹۱-۱۵۷۲-۱۵۷۷-۲۰۶۵-۲۰۷۳
۱۸۷۵-۱۸۸۰-۱۸۸۴-۱۹۴۱-	۲۱۰۲-۲۱۱۵-۲۱۸۷ تا ۲۱۸۹-۲۲۳۱
مان تی نه: ۱۱۹۴	۲۲۶۴-۲۶۵۱
ماوراءالنهر: ۴۰۳	مرو دشت: ۱۵۷۷-۱۵۷۹
ماهات (عراقین): ۲۵۴۷-۲۵۸۰ و رجوع به	مروس: ۵۴۲-۱۷۷۷-۱۷۷۸
ماد شود	مریس: ۵۰۹-۱۴۷۳
مبارک آباد: ۶م	مسامیری: ۵۹۵
متانس تس: ۱۹۰۸	مس پیلا: ۱۰۶۴
متروپولی تن: ۱۶۲۱	مسکو: ۱۳م-۱۴م-۶۷م-۶۸م-۳۷-۲۶۴۲
متر: ۱۱۹۵	مسن: ۶۶۰-۸۵۷-۱۱۱۳-۱۱۵۰-۱۱۵۱
متورنو: ۳۸۷-۳۹۱	۲۰۸۳

۱۸۱۹ - ۱۸۸۸ - ۱۹۱۶ - ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷

۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ - ۱۹۷۳ - ۱۹۸۴

۱۹۸۷ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹

۲۰۰۷ - ۲۰۲۴ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۳ - ۲۰۳۶

۲۰۳۸ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۸ - ۲۰۵۴ - ۲۰۵۵

۲۰۶۰ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۸ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱

۲۰۷۳ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۹ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۳

۲۰۸۵ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۳ - ۲۰۹۶

۲۰۹۷ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ - ۲۱۰۹

۲۱۱۱ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ - ۲۱۱۹ - ۲۱۳۴

۲۱۴۶ - ۲۱۵۳ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷

۲۱۷۰ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۳ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴

۲۲۲۳ - ۲۲۴۱ - ۲۲۷۰ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۲

۲۲۹۳ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۳ - ۲۳۴۱

۲۳۴۲ - ۲۳۴۴ - ۲۳۵۴ - ۲۳۵۵

۲۳۷۱ - ۲۳۷۵ - ۲۳۷۸ - ۲۴۷۲

۲۵۴۸ - ۲۵۵۷ - ۲۶۰۳ - ۲۶۰۴

۲۷۱۹

مصلی: ۴۴

مغان: ۴۱۶ - ۴۲۵ - ۴۲۷

مغستان: (مهیستان)

مغولستان: ۶۱۶ - ۲۲۵۰ تا ۲۲۵۷

مقدونیه: ۷۹ - ۱۰۴ - ۶۱۸ - ۶۲۳ - ۶۲۴

۶۲۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۷۹

۶۹۰ - ۶۹۳ - ۶۹۵ تا ۷۰۶ - ۷۰۸

۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۹۸ - ۸۳۵ - ۸۶۴

۹۱۱ - ۹۱۳ - ۹۳۳ - ۹۶۸ - ۹۷۴

۱۱۸۱ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۹ تا

۱۲۰۱ - ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۴ - ۱۲۱۶ تا

۱۲۱۹ - ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۷ - ۱۲۳۰

۱۲۳۱ - ۱۲۳۷ - ۱۲۳۹ - ۱۲۴۲ تا

۱۲۴۵ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۶۳

۱۲۶۶ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۸۱

۱۲۸۵ - ۱۲۹۳ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۹

مسی نیس: ۲۲۴۷

مشهد: ۱۴۵ - ۲۱۸۶ - ۲۱۸۷

مشهدام‌النبی: (پاسارگاد)

مشهد رود: ۲۱۸۶

مشهد مادر سلیمان: (پاسارگاد)

مصر: ۸ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۵

۲۷ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ تا ۴۳

۴۸ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۷ - ۶۰ تا ۶۲ - ۶۵ - ۶۷

۷۰ تا ۷۴ - ۷۵ - ۸۱ - ۸۴ - ۹۸ - ۱۰۳ - ۱۰۷

۱۱۰ تا ۱۱۸ - ۱۲۳ تا ۱۳۵ - ۱۲۷ - ۱۳۸

۱۵۲ - ۱۶۵ - ۱۷۲ - ۱۸۲ - ۱۸۵ - ۱۸۶

۱۸۸ - ۱۹۱ تا ۱۹۳ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۴۴

۲۷۲ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۳۷۸ - ۳۹۷ - ۴۳۹

۴۶۳ - ۴۷۵ - ۴۷۰ - ۴۸۱ - ۴۸۴ - ۴۹۳

۴۹۷ - ۵۰۲ - ۵۰۳ تا ۵۱۹ - ۵۳۱ - ۵۳۲

۵۳۲ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۴۳ - ۵۴۳

۵۷۲ تا ۵۷۵ - ۶۱۱ - ۶۲۷ - ۶۳۰ - ۶۳۱

۶۶۰ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۹۰

۶۹۲ تا ۶۹۵ - ۶۹۸ - ۷۰۰ - ۷۱۴ - ۷۴۰

۸۷۶ - ۸۹۳ - ۹۱۹ - ۹۲۸ - ۹۳۳۴ - ۹۳۵

۹۵۱ - ۹۵۵ - ۹۶۲ تا ۹۶۴ - ۱۰۱۳ - ۱۰۳۹

۱۱۲۳ تا ۱۱۲۵ - ۱۱۲۷ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲

۱۱۳۴ تا ۱۱۴۳ - ۱۱۵۱ - ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۸

۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۱۸۳ - ۱۱۷۴ - ۱۲۱۴

۱۲۱۶ - ۱۲۱۹ - ۱۳۰۳ - ۱۳۱۰ - ۱۳۲۳

۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳

۱۳۵۷ - ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ - ۱۳۶۳ - ۱۳۸۵

۱۴۵۲ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۴ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۲

۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ - ۱۴۷۷ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۷

۱۴۹۰ تا ۱۴۹۳ - ۱۵۰۷ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱

۱۵۱۴ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ - ۱۵۵۶

۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۷۱ - ۱۶۰۱ - ۱۶۰۷

۱۶۰۸ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۸ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۵

۱۶۲۶ - ۱۶۷۵ - ۱۷۴۰ - ۱۷۷۷ - ۱۷۸۴

مکار . ۷۸۸ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۳۹ -

۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۵ - ۱۰۹۱ - ۱۲۳۷

۲۰۳۸

مکالوویولیس : ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۲۰۰۲

۲۰۰۳

ملانه : ۱۲۴۵

ملایر : ۲۲۳۱ - ۲۶۴۰

ملس : ۹۱۳ - ۱۱۱۳ - ۱۲۰۰

ملطیه : ۱۰۶ - ۱۹۸

ملیان : ۷۷۵ - ۷۷۷

من آرکایس (معبد) : ۲۱۰۳

منجوریا (منچورستان) : ۲۲۵۱ - ۲۲۵۶

مندس (مندسیانی) : ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷ - ۱۵۱۱

مننس : ۱۳۹۶

منفیس : ۲۵ - ۱۱۰ - ۴۸۷ - ۴۸۹ - ۴۹۰

۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۰۶ - ۵۱۶ - ۵۶۶

۵۷۱ - ۹۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷

۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹

۱۳۵۳ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۴۰۵

۱۴۷۳ - ۱۴۷۸ - ۱۹۷۱ - ۲۹۹۰

۲۱۵۶

منوچهری (خیابان) : ۱۲۵ - ۱۳۳ م

موداکیه : (آپام آ)

مودرایه : (مصر)

مورشو از نیپ پور (بانگ) : ۹۵۰

مورتز : ۲۵۸۹

موری تانیا (مراکش) : ۲۷ - ۲۵۲۶

موزوله : ۱۱۸۵

موزه بریتانیا : ۶۹۳

موصل : ۵۲ - ۱۰۵ - ۱۷۰ - ۶۹۲ - ۲۴۲۰

۲۴۸۲ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸ - ۲۵۶۷

۲۵۶۹ - ۲۷۱۹

مولتان : ۱۸۲۱

موناکو : ۱۴۵۷

۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ -

۱۳۴۷ - ۱۳۵۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۷۸ -

۱۳۸۷ - ۱۳۹۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۷ -

۱۴۰۸ - ۱۴۱۶ - ۱۴۲۵ - ۱۴۵۲ -

۱۴۶۸ - ۱۴۷۹ - ۱۶۱۴ - ۱۶۳۷ -

۱۶۴۵ - ۱۶۵۸ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۷ -

۱۶۶۹ - ۱۶۷۸ - ۱۶۸۰ - ۱۶۹۴ -

۱۷۱۴ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۵ -

۱۷۳۳ - ۱۷۴۰ - ۱۷۴۵ - ۱۷۶۸ -

۱۷۷۹ - ۱۸۰۷ - ۱۸۲۰ - ۱۸۴۰ -

۱۸۸۰ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۱ - ۱۸۹۴ -

۱۸۹۸ تا ۱۹۰۱ - ۱۹۱۱ - ۱۹۳۱ -

۱۹۳۷ - ۱۹۴۰ - ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ -

۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ -

۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ - ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ -

۱۹۹۴ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۳ -

۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۲ -

۲۰۲۴ تا ۲۰۲۷ - ۲۰۲۸ - ۲۰۳۱ -

۲۰۳۲ - ۲۰۴۳ تا ۲۰۴۵ - ۲۰۴۸ -

۲۰۵۰ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۷ - ۲۰۶۰ -

۲۰۶۲ - ۲۰۶۴ تا ۲۰۶۸ - ۲۰۷۱ -

۲۰۷۹ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۰۹۶ -

۲۰۹۷ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۷ -

۲۱۲۷ - ۲۱۳۹ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ -

۲۱۶۲ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷ -

۲۱۷۰ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۱ - ۲۲۷۳ -

۲۲۷۹ - ۲۳۳۲ - ۲۳۴۰ - ۲۳۹۸ -

۲۴۷۰ - ۲۵۹۵ - ۲۶۲۹

مکران ، ۱۳۱ - ۱۵۷ - ۶۳۰ - ۷۳۴ - ۱۴۵۴

۱۵۷۱ - ۱۸۵۵ - ۱۸۵۸ - ۱۸۶۲ -

۱۸۷۹ - ۱۹۴۱ و رجوع به گدروزی و

بلوچستان شود

مکیا (مکه) : ۱۴۵۲ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۹ -

۱۵۹۷ - ۱۶۰۲

۹۷۴ - ۹۶۸ - ۹۶۶ - ۸۶۸ - ۸۶۶	مهارلو (دریاچه): ۱۶۱۷ - ۱۴۸
۱۲۶۴ - ۱۰۳۱ - ۹۹۷ - ۹۸۱ - ۹۷۶	مهرگان (باشگاه): ۴۲ - ۱۲۵م
تا ۱۲۶۸ - ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ - ۱۳۲۹ -	مهیستان (مجلس): ۲۲۳۴ - ۲۲۴۷ - ۲۲۷۶
۱۳۴۶ - ۱۵۱۰ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱ -	۲۲۹۱ - ۲۳۴۹ - ۲۳۹۱ - ۲۴۱۲ - ۲۴۱۴
۱۷۳۳ - ۱۸۸۸ - ۱۹۴۰ - ۲۰۳۷ -	۲۴۶۸ - ۲۴۶۹ - ۲۵۳۵ - ۲۶۴۹
۲۰۷۳ - ۲۱۰۰ - ۲۲۰۱ - ۲۳۲۴ -	۲۶۵۰ - ۲۶۵۱ - ۲۶۸۳ تا ۲۶۸۵
میلیاد: ۱۲۷۶	۲۶۸۹ - ۲۶۹۵
میلی‌تنه: ۲۴۴۸	میان‌آباد: ۲۱۸۶
مینا: ۳۲	میتانی: ۱۵۸
میندوس: ۱۲۶۹	می‌تیلن: ۲۹۳ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۶۲۱
می‌گرلی: ۱۰۸۳	۶۴۲ - ۶۵۳ - ۹۸۱ - ۱۲۱۹ - ۱۲۸۱
می‌نویت: ۲۸۷	۱۳۴۶ - ۱۳۵۸
میونت: ۹۱۸ - ۹۴۲	میرابی (کوه): ۲۱۸۶
ن	می‌رسین: ۶۲۱ - ۶۲۵ - ۶۳۸ - ۶۳۹
نا ایری: ۲۲۶۹	۶۵۲
ناپل: ۲۴۵۰	می‌رنا: ۲۴۸۱
ناکس: ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۲ - ۶۶۸	میس‌بیل: ۱۹۰ - ۲۶۶
ناکسوس: ۲۶۵۸	می‌سن: ۵۹۹ - ۷۵۴ - ۷۶۴ - ۷۷۷
ناکسیوم: ۲۰۲۷	۸۴۴
نان‌ناک: ۱۶۹۳	می‌سیه: ۶۵۱ - ۶۹۲ - ۷۲۲ - ۸۷۶
نایین: ۱ تا ۴ - ۱۸ - ۱۲۲ - ۱۳۷م	۹۹۹ - ۱۰۹۲ - ۱۱۳۸ - ۱۱۵۱ -
نثارادا: ۲۴۰۸ - ۲۴۱۰	۱۱۸۰ - ۱۱۹۰ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۵
نشاندر: ۷	۲۱۰۳ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۱ - ۲۴۶۶
نئون: ۷۹۸	میکال: ۸۷۰ - ۸۶۴ - ۷۳۷ - ۶۲۷ - ۲۸۸
نجد: ۲۹	۸۸۲ - ۸۹۴ - ۹۲۵ - ۱۱۲۳ - ۱۲۶۴
نجدف: ۱۱۱۰ - ۱۹۲۴	۱۲۶۵ - ۱۷۸۱
نخجوان: ۴۸	می‌کن: ۶۸۱
نرا: ۱۹۹۵ - ۱۹۹۸ - ۲۰۰۱	می‌گدنی (مقدونی): ۲۱۱۳ و رجوع به مقدونیه
نرمرتوم: ۲۵ - ۱۴۹	شود.
نروژ: ۵۸۷	می‌لاسا: ۲۳۴۴
نسا: ۱۸۱ - ۸۴۱ - ۲۰۶۵ - ۲۴۴۲ - ۲۶۴۳	میلان: ۲۱۸۰
و رجوع به نسا و نیسایه شود.	می‌لت: ۶۶ - ۲۶۸ - ۲۷۵ - ۲۸۷ - ۲۸۹
نس‌تس: ۷۴۸ - ۷۵۲ - ۱۱۹۰	۲۹۲ - ۶۱۰ - ۶۲۰ - ۶۳۸ تا ۶۴۰
نسیوم: ۹۴۰	۶۴۲ - ۶۴۸ - ۶۵۱ تا ۶۵۷ - ۷۰۹

نيسا (نسا، نيسايه) : ۱۵۷ - ۱۵۶ - ۱۵۱ -
۲۵۸ - ۵۳۳ - ۶۳۵ - ۷۲۲ - ۱۴۷۵ -
۱۵۱۱ - ۱۷۷۶ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۹ -
۱۷۸۴ - ۱۸۰۷ - ۱۸۷۷ - ۱۹۰۱ -
۱۹۰۲ - ۱۹۰۹ و رجوع به نسا شود .

نيس رس : ۷۴۳

نيسه فوريون : ۲۱۱۳

نيسيب : (نصيبين)

نيسابور : ۱۰۴-۱۱۲م - ۱۵۶ - ۲۱۸۶

نيكوبار : ۱۰

نيکومدي : ۸۵ - ۲۱۵۱ - ۲۱۵۲ - ۲۵۲۰

نيکه : ۱۷۶۶ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۸ - ۱۸۵۱ - ۲۱۱۵۲

نيکه فوريوم : ۲۴۹۹

نيل : ۲۵ - ۲۶ - ۲۸ - ۱۱۰ - ۲۰۸ - ۲۰۹

۲۱۳ - ۲۱۴ - ۴۳۹ - ۴۸۹ - ۵۰۹ -

۵۱۰ - ۵۱۶ - ۵۶۶ - ۵۶۹ - ۵۷۲ -

۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۹۹ - ۹۳۰ تا ۹۳۳ -

۹۶۲ - ۹۶۴ - ۹۹۴ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۴ تا

۱۱۳۶ - ۱۱۶۹ - ۱۱۷۳ تا ۱۱۷۵ - ۱۳۵۳

۱۳۵۴ - ۱۳۵۷ - ۱۳۹۱ - ۱۴۰۷ -

۱۴۸۶ - ۱۵۱۰ - ۱۶۱۴ - ۱۸۱۹ -

۱۸۳۵ - ۱۹۲۳ - ۱۹۴۷ - ۱۹۷۳ -

۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ - ۲۰۵۴

نينوا : ۴۷ - ۵۲ - ۵۳ - ۹۴ تا ۹۶ - ۱۱۱ -

۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۷ تا ۱۳۹ - ۱۷۲ -

۱۷۴ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۴ تا ۱۹۲ -

۲۰۰ - ۲۶۶ - ۳۷۸ - ۴۳۹ - ۵۵۱ -

۱۳۷۰ - ۱۴۹۱ - ۲۰۹۶ - ۲۲۷۵ - ۲۴۲۰

۲۴۸۲ - ۲۵۸۷ - ۲۶۳۲ - ۲۷۱۹

نينوس : ۱۵۴۶

نيويورک : ۱۶۲۰

و

واحه : ۹۲۸

واحه الخرقه : ۵۶۷

نصيبين : ۲۱۱۳ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۹ - ۲۴۴۲

۲۴۷۹ - ۲۴۸۰ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۵

۲۵۰۶ - ۲۵۰۷ - ۳۵۰۷ - ۲۵۱۲

۲۵۱۳ - ۲۵۲۵ - ۲۵۲۹ - ۲۵۸۷

۲۵۹۶ - ۲۵۹۷ - ۲۶۳۲ - ۲۶۸۹

نقش رستم : ۳۷۵ - ۳۷۷ - ۴۷۱ - ۵۶۹

۵۷۷ - ۶۴۱ - ۶۸۶ تا ۶۷۹ - ۶۹۱

۶۹۳ - ۶۹۶ - ۷۳۲ - ۸۴۴

۸۵۳ - ۱۰۴۶ - ۱۱۳۳ - ۱۲۲۱ -

۱۴۵۰ تا ۱۴۵۲ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۹ -

۱۴۶۱ - ۱۴۶۸ - ۱۴۷۸ تا ۱۴۸۰

۱۵۲۷ - ۱۵۵۱ - ۱۵۷۱ - ۱۵۸۴ -

۱۵۹۱ - ۱۵۹۲ - ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۳ -

۱۶۱۸ - ۲۱۰۱ - ۲۱۲۱ - ۲۱۹۴

۲۲۲۶ - ۲۲۶۲ - ۲۲۷۰ - ۲۷۰۸

نمرود داغ : ۲۷۱۹ - ۲۷۲۱

نمری : (کردستان)

نوبی : ۲۰ - ۲۶ - ۴۰ - ۴۳ - ۵۸ - ۹۶۳

نوتاك : ۱۷۲۵ - ۱۷۶۸

نورا : ۱۷۵۸

نوشيراگ : ۲۵۹۶

نوكراتيس : ۲۱۷۵

نوميدی (الجزاير) : ۷۷ - ۱۸۶۶ - ۱۸۷۶

نوناکريس : ۱۹۳۴

نروز : ۵۸۷

نهاوند : ۵۷ - ۱۶۵ - ۲۰۷ - ۲۹۱ - ۱۶۲۲

۱۹۰۹ - ۲۲۳۱ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۰

۲۶۴۰ - ۲۶۵۱

نياوران : ۲۰

نيپور : ۳۳ - ۵۵ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۲۳

۷۰۰

نيت (معبد) : ۵۶۸۰ - ۵۷۰

نيزين : ۱۴۸ - ۱۴۱۹

نيس : (نيسا)

هاليكارناس : ۶۶ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۴۸۶ -
 ۴۸۷ - ۷۴۳ - ۸۶۹ - ۱۱۳۸ - ۱۱۸۵
 ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ - ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ - ۱۴۴۷
 ۱۵۱۰ - ۱۵۳۲ - ۱۷۲۱ - ۱۷۳۲
 ۱۹۴۰

هاماكسيت : ۱۱۰۰
 هامون : ۱۴۷ - ۲۱۸۹
 هايتان : (ارمنستان)

هئومهورك : ۱۶۰۹
 هبر : ۷۲۹ - ۱۲۴۵

هدش (كوشك) : ۱۵۸۶ تا ۱۵۹۱

هرات : ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۳۸۵ - ۴۸۲ - ۶۹۱
 ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۵۷۱ - ۱۵۹۶ -
 ۱۶۱۰ - ۱۶۳۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۵ -
 ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ - ۱۶۹۴ - ۱۶۹۵ -
 ۱۷۱۹ - ۱۷۲۰ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ -
 ۱۹۹۳ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۲ - ۲۰۰۸ -
 ۲۰۱۲ - ۲۰۱۹ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۷ -
 ۲۱۸۹ - ۲۲۳۱ - ۲۲۶۱ - ۲۲۶۳ -
 ۲۴۱۶ - ۲۴۵۱ - ۲۶۸۰ -
 هراكله : ۱۰۹۱ - ۱۵۱۰ - ۲۰۴۹ - ۲۱۰۹
 ۲۱۱۱ - ۲۱۱۵ - ۲۱۵۲

هرای و (هرای واست) . (هرات)

هرخواتيش : ۶۹۱ و رجوع به رخج شود

هرسين : ۱۹۰۸

هرمز (هرمزیه) : ۱۴۹۱ - ۱۵۰۹

هرمزندگان : ۲۵۳۲ - ۲۵۳۹

هرموس : ۲۷۴ - ۱۲۶۱

هروپوليس : ۱۹۲۲

هريرود : ۱۴۷ - ۲۱۸۵ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۳
 ۲۲۳۳

هكاتم پي لس (صددروازه) : ۲۰۸۱ - ۲۱۱۵ -

۲۲۰۳ - ۲۲۰۸ و رجوع به دامغان شود.

هكريم : ۱۸۳

واتيكان ، ۵۰۲ - ۹۱۲

وادنه آ : ۲۶۱۵

واركا (واركه) : ۵۴ و رجوع به ارخ شود

واگارشاباد (واگارشاون) : ۲۵۸۹ - ۲۵۹۲

۲۵۹۳ - ۲۶۱۶

وان : ۲۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۸ - ۱۴۸ - ۱۷۱ -

۱۷۲ - ۱۸۲ - ۱۹۱ - ۱۹۸ - ۲۰۰ -

۳۷۷ - ۱۵۲۶ - ۱۶۱۴ - ۲۲۷۰

وخش : (جيحون)

وخشرت : ۲۲۰۵

ورا : (فرد)

ورژان : (گرجستان)

ورنژ : ۶۱۵

ولاشگرد : ۲۶۴۵

ولوگژوثرنا : (دلاشگرد)

وليا : ۲۹۴

وميگدونى : ۷۵۲

وناسا (معبد) : ۲۱۰۳

ونك : ۵۴

ونيس : ۱۶۱۵

وهركان : (گرگان)

وى : ۲۲۶۳ و رجوع به جيحون شود .

ويش يا اوزات : ۵۴۵

ه

هاترا : (الحضر)

هارماتهليا : ۱۸۴۵

هاش ديانك : ۲۵۸۷

هالوس : ۲۴۰۳

هاليكمن : ۷۵۲

هالى سارن : ۱۰۹۹

هاليس (قزل ايرماق) : ۱۹۱ - ۱۹۴ - ۱۹۶ تا

۱۹۹ - ۲۶۸ - ۴۷۵ - ۶۴۶ - ۷۱۶ -

۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ -

۱۳۶۵ - ۱۳۶۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۸۹ -

۲۱۲۲ - ۲۱۳۳ - ۲۶۰۵

۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ - ۲۰۱۷ - ۲۰۷۶ -
 ۲۴۸۴- ۲۲۳۱- ۲۲۲۲-۲۲۰۹-۲۰۹۶
 - ۲۶۴۵ - ۲۶۴۰ - ۲۵۵۰ - ۲۵۴۷
 ۲۷۰۳- ۲۷۰۲- ۲۶۹۸- ۲۶۸۰- ۲۶۵۱
 هند : ۸- ۹- ۱۲- ۲۴- ۲۸- ۳۸- ۳۹- ۷۳-
 ۱۰۴۵۱۰۲- ۱۰۰- ۹۳۵۹۱- ۸۶- ۷۴
 ۳۰۷- ۱۵۶۵۱۵۲- ۱۴۶- ۱۳۸- ۱۰۷
 ۶۳۳- ۶۳۱۵۶۲۹- ۶۱۶- ۳۴۵- ۳۰۸
 - ۱۱۸۱ - ۹۰۳- ۹۰۲- ۶۹۴- ۶۳۶۵
 ۱۴۷۷- ۱۴۷۴- ۱۴۶۸- ۱۴۵۶- ۱۳۶۶
 ۱۵۱۷-۱۵۱۴- ۱۵۱۱- ۱۵۱۰- ۱۴۸۶
 ۱۵۹۷- ۱۵۸۵-۱۵۶۵- ۱۵۶۴-۱۵۳۲
 ۱۶۳۳-۱۶۲۲- ۱۶۱۳- ۱۶۱۰- ۱۶۰۵
 ۱۶۹۴- ۱۶۸۷- ۱۶۵۶- ۱۶۵۴- ۱۶۴۳
 ۱۷۶۲- ۱۷۵۷-۱۷۵۶- ۱۷۲۲- ۱۷۱۳
 ۱۷۷۵- ۱۷۷۳- ۱۷۷۲- ۱۷۶۵- ۱۷۶۳
 ۱۷۸۸- ۱۷۸۵- ۱۷۸۴- ۱۷۸۱- ۱۷۷۹۵
 ۱۸۰۷- ۱۸۰۵- ۱۸۰۲- ۱۷۹۸- ۱۷۹۷
 ۱۸۲۶- ۱۸۲۱۵۱۸۱۷- ۱۸۱۲- ۱۸۱۱
 ۱۸۵۱- ۱۸۳۸- ۱۸۳۷- ۱۸۳۴- ۱۸۳۰
 ۱۸۷۶- ۱۸۶۶- ۱۸۶۲- ۱۸۵۹- ۱۸۵۵
 ۱۹۱۹- ۱۸۹۳- ۱۸۸۸- ۱۸۸۴۵ ۱۸۷۹
 ۱۹۴۴-۱۹۴۳- ۱۹۴۰- ۱۹۲۲-۱۹۲۱
 ۱۹۹۳- ۱۹۷۳- ۱۹۷۲- ۱۹۷۰- ۱۹۶۹
 ۲۰۴۶-۲۰۳۲- ۲۰۱۷- ۲۰۰۸- ۲۰۰۶
 ۲۰۶۶- ۲۰۶۵- ۲۰۵۹ ۵ ۲۰۵۴
 ۲۰۹۶- ۲۰۹۵- ۲۰۸۵- ۲۰۸۲
 ۲۲۱۴۵۲۲۱۲- ۲۱۷۴-۲۱۱۵- ۲۱۰۴
 ۲۲۵۲- ۲۲۵۰- ۲۲۳۲- ۲۲۲۹- ۲۲۲۸
 ۲۳۵۰- ۲۲۹۷- ۲۲۶۴۵ ۲۲۶۰- ۲۲۵۸
 ۲۶۴۱- ۲۶۱۷- ۲۶۱۵- ۲۵۳۰- ۲۴۷۴
 ۲۷۲۱- ۲۶۹۹- ۲۶۷۴- ۲۶۵۱

هندوچین : ۱۰- ۴۴۳

هلسینک (داردانل) : ۳۰۴ - ۳۷۰ - ۴۶۰
 ۶۲۰-۶۱۹- ۶۱۰- ۶۰۹- ۵۹۵- ۵۹۴
 ۶۵۵- ۶۵۱- ۶۴۶- ۶۴۰- ۶۲۵- ۶۲۲
 ۷۰۹-۷۰۷- ۷۰۵- ۷۰۴- ۶۶۸- ۶۵۸- ۶۵۷
 ۷۲۸- ۷۲۷- ۷۲۴- ۷۲۳- ۷۱۸- ۷۱۷
 ۷۶۲- ۷۶۰- ۷۴۷- ۷۴۱- ۷۳۶- ۷۲۹
 - ۸۲۰ - ۸۱۷- ۸۰۲- ۷۷۳- ۷۶۵
 ۸۶۴- ۸۵۸- ۸۲۸۵ ۷۲۶- ۸۲۴- ۸۲۳
 ۸۹۴- ۸۸۳- ۸۷۶- ۸۷۰- ۸۶۹- ۸۶۷
 ۱۱۹۷- ۱۱۱۳- ۹۷۶- ۹۶۵- ۹۴۳- ۸۹۵
 - ۱۲۴۷ - ۱۲۴۵ ۵ ۱۲۴۱ - ۱۲۰۰
 - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۴- ۱۲۵۰- ۱۲۴۹
 ۱۳۷۶- ۱۳۶۵- ۱۳۴۴- ۱۳۲۹- ۱۲۸۸
 ۱۷۸۲- ۱۶۳۹- ۱۶۳۸- ۱۴۷۲- ۱۴۴۷
 ۱۹۷۰- ۱۹۶۷- ۱۹۰۶- ۱۸۸۸- ۱۸۱۴
 ۲۰۰۰- ۱۹۹۵۵ ۱۹۹۳- ۱۹۸۷- ۱۹۷۵
 - ۲۳۴۴- ۲۰۹۳- ۲۰۸۳- ۲۰۰۴

۲۴۵

هلند، ۱۳۷۱

هليل (رود) : ۱۴۸

هلیوپولیس : (ایلپوپولیس)

همدان : ۶۵- ۱۳۰- ۱۵۱- ۱۷۴- ۱۷۷- ۱۷۸
 ۲۳۲- ۲۲۲- ۲۲۱- ۲۱۲- ۲۰۳- ۱۷۹
 ۴۳۶- ۲۶۸- ۲۶۷- ۲۶۵- ۲۶۴- ۲۳۴۵
 ۲۶۸- ۲۶۷- ۲۶۵- ۲۶۴- ۵۳۸- ۴۷۱
 - ۱۰۲۶- ۶۹۱- ۵۴۴- ۵۳۸- ۴۷۱- ۴۶۳
 ۱۳۴۵- ۱۲۴۳- ۱۱۵۳- ۱۱۱۱- ۱۰۶۹
 ۱۴۷۳- ۱۴۵۹- ۱۴۴۵- ۱۴۴۰- ۱۴۳۰
 ۱۵۱۱- ۱۴۹۲- ۱۴۹۱- ۱۴۷۹- ۱۴۷۸
 ۱۵۷۷- ۱۵۶۸- ۱۵۶۷- ۱۵۵۶- ۱۵۴۶
 ۱۶۷۹- ۱۶۶۰- ۱۶۳۶- ۱۶۱۳- ۱۶۱۲
 ۱۹۰۱- ۱۷۲۲- ۱۷۲۱- ۱۶۸۶- ۱۶۸۰
 ۱۹۱۹- ۱۹۱۶- ۱۹۰۶- ۱۹۰۵- ۱۹۰۳ ۵

هندوستان سفید: (رخج)

هندو کش (هندوکه): ۱۴۵-۱۵۲-۱۵۵-۱۶۸۷

۱۶۸۹-۲۲۲۷-۲۲۳۱-۲۲۳۳-۲۲۶۲

۲۵۳۸-۲۶۴۰

هنگمتان: ۱۷۸۱ و رجوع به همدان شود

هنیوخی: ۲۴۷۸

هو و ادای ک: ۵۴۶

هور الحوین: ۱۴۷

هی پارس: ۱۲۷۵

هی پاکیر: ۶۱۵

هی پانید: ۶۱۵

هی پوستیل (طالار معبد): ۱۵۵۷

هیت: ۳۶-۳۷-۴۸-۴۹-۲۴۸۲

هی داسپ (جلم): ۱۳۴۴-۱۷۸۰-۱۷۸۲-۱۷۸۳

۱۷۸۵-۱۷۸۶-۱۷۸۷-۱۷۸۸-۱۷۹۲

۱۷۹۳-۱۷۹۷-۱۸۰۲-۱۸۱۳-۱۸۱۸ تا

۱۸۲۲-۱۸۳۳-۱۸۳۶-۱۸۳۷-۱۸۵۱-

۱۸۸۹-۱۹۹۳-۲۰۵۴-۲۰۵۷-۲۲۲۷

هیدرا اتس- (رود): ۱۷۹۹-۱۸۰۰-۱۸۱۸-

۱۸۲۲ تا ۱۸۳۲-۱۸۳۳-۱۸۲۸-

۱۸۸۹

هیرمند: (هیلمند)

هیسپانی: (اسپانیا)

هیس تیه: ۷۹۶

هی سی: ۸۳۹

هی فاز (هی فازیس): ۱۷۸۰-۱۸۰۴-۱۸۰۶

۱۸۰۷-۱۸۱۰-۱۸۱۸-۱۸۲۳-۱۸۳۶-

۱۸۹۰-۲۰۵۷-۲۰۵۸

هیلمند: ۱۴۷-۱۵۶-۱۵۷-۱۷۲۰-۲۶۸۰

هیمالایا: ۱۴۵-۱۶۸۷-۲۱۱۸-۲۲۶۲-۲۲۶۷

۲۴۵۸-۲۶۴۰-۲۶۴۱

هیمر: ۸۷۸-۸۷۹

هیندوش: (هند)

هین گان: ۲۲۵۱۰

هی یاسنس: ۱۸۴۲

هی یالا: (یتاله)

هی یام پلیس: ۷۹۸

هی یرو پولیس: ۲۲۹۹-۲۳۵۱

ی

یاپیش یوم: ۱۸۷۷

یازس: ۹۶۰-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۸

یانشیل ایرماق: (ایریس)

یافه: ۲۰۳۲-۲۰۳۸

یاکسارت: ۱۴۸ و رجوع به آراکس و جیحون

شود.

یئون: (ینیان)

یزد: ۴-۳-۴۹۱-۲۲۳۱-۲۵۳۲-۲۶۴۰

۲۶۷۹

یل خس: ۷۷۴

یمن: ۲۹-۱۰۷-۲۵۵۷

ینگکی امام: ۴۵۵-۷۱

ینیان: ۱۹۶-۲۸۷-۲۸۹-۹۱۳-۱۴۷۱-۱۴۷۵

یوتی یا: ۵۴۶

یوگورتا: ۱۴۵۷

یون: ۱۶۰۵

یونان: ۹-۱۲-۱۳-۱۹-۲۱-۲۳-۳۷-۶۷

۶۸-۷۱-۷۲-۸۴-۸۵-۸۸-۹۲-۹۸-

۱۱۲-۱۳۸-۲۲۶-۲۴۵-۲۶۸-۲۷۳-

۲۷۵-۲۸۵-۲۸۷-۳۵۱-۴۸۷-۵۰۷-

۵۱۲-۵۳۶-۵۶۲-۵۶۳-۵۸۹-۶۱۲-

۶۱۷-۶۵۹-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۸-۶۶۹-

۶۷۵-۶۷۶-۶۸۴-۶۸۷-۶۸۹-۶۹۰-

۶۹۳-۷۰۱-۷۰۳-۷۰۵-۷۱۰-۷۱۱-

۷۱۳-۷۱۵ تا ۷۱۷-۷۲۰-۷۲۳-۷۲۴-۷۳۱

۷۴۰-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۵-۷۴۷-۷۵۳-

۷۵۵ تا ۷۵۷-۷۶۰ تا ۷۶۲-۷۶۵-۷۶۷-

۱۸۴۰-۱۸۳۱ - ۱۸۰۷-۱۷۹۷ - ۱۷۷۷
 ۱۸۹۱ - ۱۸۸۸-۱۸۸۳- ۱۸۸۱-۱۸۶۶
 ۱۹۲۰ ۵ ۱۹۱۸- ۱۹۰۲ ۵ ۱۹۰۰
 ۱۹۳۷-۱۹۳۱-۱۹۲۸ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۲
 ۱۹۶۲-۱۹۴۶ ۵ ۱۹۴۳- ۱۹۴۱-۱۹۴۰
 ۱۹۸۱ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۳
 ۲۰۰۴ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۱ - ۱۹۸۷
 ۲۰۳۲ - ۲۰۳۱ - ۲۰۲۸ - ۲۰۲۲
 ۲۰۶۰ - ۲۰۵۱ ۵ ۲۰۴۷ - ۲۰۳۴
 ۲۰۶۸ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۴ - ۲۰۶۳
 ۲۱۳۷ - ۲۱۰۴ - ۲۰۹۹ - ۲۰۷۰
 ۲۱۵۷ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۳ - ۲۱۴۰
 ۲۱۷۸ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۰
 ۲۳۲۶ - ۲۳۲۵ - ۲۳۲۳ - ۲۱۸۱
 ۲۳۳۹ ۵ ۲۳۳۷ - ۲۳۳۳ - ۲۳۳۲
 ۲۴۷۲ - ۲۴۵۲ - ۲۳۶۴ - ۲۳۴۴
 ۲۶۰۳ - ۲۵۹۴ - ۲۵۹۳ - ۲۵۶۸
 ۲۶۱۶ - ۲۶۰۹ ۵ ۲۶۰۷ - ۲۶۰۴
 ۲۶۸۲ - ۲۶۷۹ - ۲۶۵۸ - ۲۶۲۲
 ۲۷۰۱ - ۲۶۸۴

یونیه : ۶۹۲-۶۵۰ - ۶۲۷-۴۶۰ - ۸۲۱

- ۱۵۷۱ - ۱۱۴۲ - ۱۰۰۱ - ۹۱۴

- ۱۸۰۶ - ۱۷۸۱ - ۱۶۰۷ - ۱۶۰۶

۲۰۹۹ - ۲۰۹۵ - ۲۰۶۲ - ۱۸۸۸

۲۳۴۴ - ۲۳۲۴ - ۲۲۸۲ - ۲۱۲۵

۲۱۰۱ : یونیه

۷۸۶ - ۷۷۹ - ۷۷۵ - ۷۷۱ ۵ ۷۶۸
 ۸۰۲-۷۹۹ ۵ ۷۹۵-۷۹۴-۷۹۲- ۷۸۸
 ۸۲۸ - ۸۲۷-۸۲۱-۸۱۸-۸۰۷- ۸۰۴
 ۸۳۹-۸۳۶ - ۸۳۳ ۵ ۸۳۱ - ۸۳۰
 ۸۶۲ - ۸۵۷ - ۸۴۹ - ۸۴۸ - ۸۴۲
 ۸۸۳ ۵ ۸۸۰-۸۷۵ - ۸۶۸-۸۶۶-۸۶۵
 ۸۹۵ - ۸۹۴ - ۸۸۹ - ۸۸۸-۸۸۶-۸۸۴
 ۹۲۹-۹۲۵ ۵ ۹۱۱- ۹۰۶ ۵ ۹۰۴-۸۹۷
 ۹۷۹- ۹۷۴- ۹۶۴-۹۴۴-۹۴۲ ۵ ۹۳۱
 ۱۰۴۳ - ۱۰۰۴ - ۹۸۷ - ۹۸۵ - ۹۸۲
 ۱۰۹۵ - ۱۰۶۱ - ۱۰۶۰ - ۱۰۴۵ ۵
 ۱۱۱۰ - ۱۱۰۵ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۲
 ۱۱۳۵ - ۱۱۳۴ - ۱۱۲۰ - ۱۱۱۱
 ۱۱۸۲ - ۱۱۵۱ - ۱۱۴۸ - ۱۱۴۱
 ۱۲۰۷ ۵ ۱۲۰۵-۱۱۹۹-۱۱۹۸-۱۱۹۱
 ۱۲۳۴-۱۲۲۵ ۵ ۱۲۲۳-۱۲۱۸-۱۲۱۴
 ۱۲۴۳ - ۱۲۴۰ ۵ ۱۲۳۸ - ۱۲۳۶ ۵
 ۱۲۸۲ - ۱۲۶۶ - ۱۲۵۸ - ۱۲۵۶
 ۱۴۰۰ - ۱۳۷۴ - ۱۳۲۴ - ۱۲۸۳
 ۱۴۲۲ - ۱۴۲۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۰۴ ۵
 ۱۴۳۸ - ۱۴۳۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۴
 ۱۴۸۰ - ۱۴۷۷ - ۱۴۷۵ - ۱۴۵۵
 ۱۵۲۹ - ۱۵۱۷ - ۱۴۹۱ - ۱۴۸۶
 ۱۵۵۹ - ۱۵۵۸ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۶
 ۱۷۲۷ - ۱۷۲۰ - ۱۶۸۸ - ۱۶۴۱
 ۱۷۷۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۴۵ - ۱۷۳۴

فهرست نام گسان

آ	ت
آبکر : (آبکار)	آ آرپ : ۱۱۹۲
آبولت : ۱۴۰۶ - ۱۴۰۹ - ۱۸۸۰	آ ایم نس نوس : ۸۵۷
آبولیتاس : ۱۳۸۰	آبانبدخت : ۱۴۴۹ - ۱۴۹۹ - ۱۶۲۹
آبیدن : ۱۸۶	آباداگز : ۲۴۰۳ - ۲۴۰۶
آبیسار (آبیسارس) : ۱۷۷۳ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳	آبدالونیم (آندولونیموس) : ۱۳۲۸
۱۷۸۵ - ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ - ۱۸۰۰	آبدوس : ۲۳۹۹
۱۸۱۸ - ۱۸۱۹	آبراداناس : ۳۲۷ - ۳۴۴ تا ۳۴۶ - ۳۵۲
آبیس تا من : ۱۲۸۵	تا ۳۵۴ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۹ - ۳۶۶
آپاآوارتاکن : ۲۶۵۱	۳۶۷ - ۳۶۷ - ۳۷۳
آپاتوربوس : ۲۰۷۹	آبراکوم : ۷۸۲
آپاما (آپام، آپامه، آپامهآ) : ۱۱۵۴ - ۱۱۵۸	آبروکوماس : ۱۰۰۴ تا ۱۰۰۸ - ۱۰۱۱
۱۶۲۶ - ۱۶۲۸ - ۲۰۰۶ - ۲۰۵۴	۱۰۱۲ - ۱۱۳۲ - ۱۶۲۶
۲۰۵۹ - ۲۰۶۱ - ۲۰۸۷ - ۲۱۰۹	آبرونی خوس : ۷۹۵
۲۱۱۲	آبر.آس : ۱۸۲۵ - ۱۸۲۷
آپ بیان(مورخ) : ۱۵۶۴ - ۱۶۰۸ - ۲۰۵۸	آبکار ارمنی : ۲۳۲۸ - ۲۴۲۰ - ۲۵۰۹
۲۰۶۲ - ۲۰۶۳ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۵	۲۵۱۹ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۰ تا ۲۶۰۲
۲۱۰۰ - ۲۱۱۰ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۵	۲۶۳۴ - ۲۶۹۰
۲۱۳۱ - ۲۱۴۸ - ۲۱۷۵ - ۲۲۲۲	آبکار اوشاما : ۲۱۸۱ - ۲۶۳۲ - ۲۶۳۳
۲۲۳۰ - ۲۲۳۵ - ۲۲۴۰ - ۲۲۷۱	۲۶۳۶
۲۲۷۴ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۸ - ۲۲۷۹	
۲۲۹۱ - ۲۲۹۲ - ۲۳۴۰ - ۲۳۴۴	آبکار پادشاه خسرون : ۲۴۶۷ - ۲۴۷۴
۲۵۰۶ - ۲۶۵۰ - ۲۶۵۴ - ۲۶۵۵	۲۴۷۵ - ۲۴۷۹
آپ ریس : ۱۹۳ - ۴۸۵ - ۵۰۷ - ۱۶۲۵	آبکار سوماکا : ۲۶۳۱
آپشانار : ۲۱۸۳	آبکار فیکا : ۲۶۳۰ - ۲۶۳۴ - ۲۶۳۵

آترین : ۵۳۹	آبل : ۱۳۲۱ - ۲۲۶۳
آتس سا دختر کوروش بزرگ : ۵۲۰ - ۵۲۹	آپلودور : ۱۳۹۸ - ۱۹۱۹ - ۱۹۳۰ - ۲۱۱۴
۵۶۰ - ۶۸۵ - ۶۹۸ - ۷۳۲ - ۷۳۸	آپولوفان : ۱۱۰۷ - ۱۸۵۶ - ۱۸۶۱
۱۴۶۵ - ۱۶۲۶ - ۱۶۳۰	آپولون : ۲۷۳ - ۲۷۹ - ۲۸۱ - ۳۶۴ -
آتش سا دختر اردشیر دوم : ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸	۳۶۶ - ۶۶۹ - ۶۸۱ - ۷۹۸ تا ۸۰۰
۱۱۱۴ - ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۴ - ۱۱۵۷	۸۲۶ - ۸۳۰ - ۹۲۳ - ۱۰۵۸ - ۱۱۲۷
۱۱۵۸ - ۱۱۸۴ - ۱۱۸۶ - ۱۶۲۸	۱۱۹۸ - ۱۱۹۹ - ۱۲۹۷ - ۱۳۴۲ -
۱۶۲۹	۱۵۳۱ - ۱۷۰۰ - ۱۹۲۸ - ۲۰۵۳ -
آتس سادختر کوروش دوم : ۱۶۲۵ - ۲۱۲۳ -	۲۰۹۸ - ۲۱۰۳ - ۲۶۷۹
۲۱۲۹	آپولونید : ۱۲۸۰ - ۱۹۹۴
آتس سا زن اردشیر دوم : ۱۶۲۸	آپولونیدس : ۹۰۹ - ۱۰۶۰ - ۱۳۴۶
آتنا ایس : ۲۱۴۹	آپولونیوس : ۱۳۵۷ - ۲۲۹۸
آتناگراس : ۱۲۸۰ - ۱۳۴۶	آبی : ۵۸۷
آتنودور : ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱	آبیون : ۸۱
آتنوفان : ۱۳۹۹	آتاراس : ۱۶۶۰
آتنه (سردار) : ۲۰۳۹ تا ۲۰۴۱	آتارنه : ۱۷۳۲
آتنه (مورخ) : ۷۳ - ۲۱۷۵ - ۲۱۷۶ - ۲۶۴۵ -	آتازینوس (آتاگینوس) : ۸۳۹ - ۸۶۳ - ۸۶۴
۲۶۵۹	آتال : (آتالوس)
آتواوس : ۹۵۷ - ۹۶۰	آتالا : ۱۲۰۹
آتهیوس : ۲۲۹۸ - ۲۲۹۷	آتالانت : ۱۹۹۲
آتی دیوس کرنه لیانوس : ۲۴۹۷	آتالوس (سردار) : ۱۲۰۶ - ۱۲۰۸ - ۱۲۱۰
آتی زیس : ۱۲۵۳ - ۱۲۵۶ - ۱۲۷۶ - ۱۳۱۰ -	۱۲۱۱ - ۱۲۱۴ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۶
آتیس : ۷۳۵	۱۲۳۶ - ۱۶۶۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۳۲ -
آتیلا : ۱۱۱ - ۲۶۱۴	۱۷۳۳ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱ - ۱۷۵۶ -
آثنایس : (آتنه)	۱۷۷۳ - ۱۷۸۶ - ۱۸۳۵ - ۱۹۲۶ -
آثروپات : ۲۰۶۹	۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۵ -
آثیا بشوشنه : ۱۶۱۶	۲۰۷۷ تا ۲۰۸۰
آخریس : ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵ - ۱۱۳۴ - ۱۱۴۱ -	آتالوس اول (پادشاه پرگام) : ۲۰۸۲ - ۲۱۴۹
آخاوس : ۲۰۷۹ تا ۲۰۸۱	۲۱۶۸ - ۲۲۸۲
آخه لاوس : ۲۱۳۵ - ۲۲۰۹	آتالوس دوم : ۲۱۴۹ - ۲۱۶۸
آدا : ۱۱۸۵	آتالوس سوم : ۲۱۵۰ - ۲۱۷۰ - ۲۲۷۳
آداسپ : (آگریاسپ)	آتاماس : ۷۷۶
آدریان : ۸۶ - ۵۰۲	آتراپس : ۱۹۶۸
	آتروپاتس : ۲۳۷۵

۲۶۰۲ تا ۲۶۰۰ - ۲۵۹۷ - ۲۵۸۷	آدم : ۱۰۲
۲۶۱۹ - ۲۶۱۰ - ۲۶۰۹ - ۲۶۰۶ - ۲۶۰۵	آدمت ، ۹۱۳
۲۶۳۳	آدوسیوس : ۳۶۹ تا ۳۷۱ - ۴۶۰
آرتاشس پارتی : ۲۵۹۷	آده ، ۱۲۷۳
آرتاشس دوم : ۲۶۱۳	آدیا بنی کوس : (سوروس)
آرتاشس سوم : ۲۶۱۳ - ۲۶۲۰ - ۲۶۳۶	آدی مانت : ۷۹۱ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۱۵
آرتاشس چهارم : ۲۶۲۱	آذربدمهر سپندان : ۱۵۱۷
آرتافرن : (ارتافرن)	آرا به : ۱۲۷۶
آرتاککنا : (آرتاکوان)	آرابیکوس : (سوروس)
آرتاکان : (آرتاکوان)	آرادوازت : (ارته باز)
آرتاکوان : ۱۶۵۵ - ۱۶۵۴	آراسپ : ۳۲۷ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۵۰ - ۳۵۳
آرتاک سس : ۲۶۳۸	آرام : ۲۲۶۸
آرتاکسیاس : ۲۰۸۳ - ۲۱۲۶ - ۲۲۲۱ - ۲۲۷۱	آرامانیاک : ۲۵۹۶
۲۳۷۵ - ۲۳۷۶ - ۲۳۸۴ - ۲۳۹۶	آرای : ۲۲۶۸
آرتاگراس : ۱۰۰۱ - ۱۰۱۷ - ۱۰۲۰	آربات : ۱۹۷۰
۱۰۲۱ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۶	آرباس : ۱۰۱۱ - ۱۰۳۴
آرتاگراس : ۳۵۲ - ۳۵۷ تا ۳۵۹	آرباکس : ۲۰۹ تا ۲۱۲ - ۲۱۴ تا ۲۱۶
آرتاماس : ۳۰۴	آرباندس : ۲۶۳۵
آرتامن : ۲۱۲۳	آربوپال : ۱۶۲۸ - ۱۲۶۵
آرتان : ۷۸۲	آربیان : ۲۱۲ - ۲۱۵
آرتانس : ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶ - ۲۲۷۷	آرتاواز : ۳۵۲
آرتاوازد اول : ۲۶۱۶ - ۲۶۱۹	آرتا اینتس : ۸۶۷ - ۸۶۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱
آرتاوازد دوم : ۲۶۱۹	آرتابازان : ۶۸۵ - ۷۲۳ - ۹۵۷ - ۹۶۰
آرتاوازد سوم : ۲۶۱۹	۹۸۵ - ۱۶۲۶ و رجوع به ارته باز شود
آرتاوازد چهارم : ۲۶۲۰	آرتابازو : (آرتا واسدس)
آرتاوازد مان تاگونی : ۲۶۰۷	آرتابان : (اردوان)
آرتاواسد : ۲۳۲۵ - ۲۳۳۵ - ۲۳۵۲	آرتابان ارمنی : ۲۶۱۳
۲۳۵۴ - ۲۳۵۶ - ۲۳۶۹ - ۲۳۷۴	آرتاپارت : ۱۰۱۰
۲۳۷۵ - ۲۳۸۴	آرتاخه (ارتاخی) : ۷۵۰ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۷
آرتا واسدس پسر اردوان پنجم : ۲۵۳۲ - ۲۵۳۳	آرتاریوس : ۹۳۴ - ۹۵۲ - ۱۶۲۷
آرتایس : ۱۶۲۵	آرتاسیراس : ۴۸۲ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۹۵۷
آرتبارس : (اربوالس)	آرتاشس : (اردشیر)
آرتزستر : ۱۶۲۶	آرتاشس اول (کبیر) : ۲۲۷۱ - ۲۳۹۶ - ۲۵۸۵

آردیس : ۱۹۶	آرتس تس : ۹۹۰ - ۱۶۲۸
آرزام : ۱۶۹۵ - ۱۷۲۰ و رجوع به ارشام شود	آرتکسارس : ۹۳۴ - ۹۵۵ - ۹۵۷ - ۹۶۰
آرزاسس : ۱۲۵۶ - ۱۶۵۴	آرتکسرکسس : (اردشیر اول)
آرزاکس : ۲۱۷۷	آرتم بارس : ۲۳۵ - ۸۷۲
آرزیکاس : (اردشیر دوم)	آرتمیز (ملکه) : ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۸۰۷ - ۸۰۸
آرزه : ۱۱۹۴ - ۱۱۹۵	۸۱۳ تا ۸۱۵ - ۸۱۹ - ۸۲۶ - ۱۱۸۵
آرس : ۵۸۷ - ۶۲۰	۱۸۲۷
آرساماس : ۳۵۵ - ۳۵۶	آرتمیس : ۶۲۰ - ۱۹۲۱ - ۲۱۰۳ - ۲۶۲۰
آرسامس : ۷۳۳ - ۱۲۴۸ - ۱۲۵۰	۲۶۷۹ - ۲۶۹۰ - ۲۷۰۱ - ۲۷۰۲
آرسامن : (آرسامس)	آرتمن : (آرتابازان)
آرسان : ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۸ و رجوع به ارشام شود	آرتوزسترا : ۶۵۷
آرساندر : ۱۲۶۱ - ۱۲۶۴	آرتونت : ۵۵۹
آرسس : ۱۱۶۴ - ۱۱۸۴ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۷	آرتون تس : ۸۶۳
۱۱۸۹ - ۱۲۵۴ - ۱۳۲۳ تا ۱۵۴۷	آرتونیس : ۱۸۸۳ - ۲۰۱۸
۱۶۲۹	آرته : ۷۱۴
آرسیت : ۱۲۴۸ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶	آرته میوس : ۱۷۲۸
۱۲۵۹ - ۱۲۶۰	آرتیان : ۷۳۰
آرسی تس : ۹۵۲ - ۹۵۷ - ۹۵۹ - ۱۶۲۷	آرتی بول : ۱۸۸۵
آرسیما : ۱۳۲۴	آرتی بیوس : ۶۴۹ - ۶۵۰
آرش : (ارشک)	آرتیس تن : ۵۲۹ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۱۶۲۵
آرشاویر : ۲۵۹۷ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۱ - ۲۶۱۳	آرتی فیوس : ۷۳۳ - ۹۵۷
۲۶۱۸ - ۲۶۱۹	آرتیک : ۲۱۶
آرشس : ۲۶۱۳	آرتیکس : ۲۱۲ - ۲۱۵
آرشن : ۲۵۹۷	آرتینت : ۷۳۳
آرکائیاس : ۲۱۴۹	آرتی نس : ۲۱۵
آرکز یلاس : (آرکسیلاس) : ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۶۱۱	آرتی سس : ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۵
۱۹۶۸	آرخاس : ۱۹۶۹
آرکسانس : ۹۵۵	آرخائیس : ۱۹۲۲
آرگس : (آرسس)	آرخون : ۱۹۶۸
آرمناک : ۲۲۶۸	آرخه لائوس : ۱۱۹۳ - ۱۴۰۹ - ۱۶۷۲
آرم نیکوس : (کاسیوس)	۱۶۹۳ - ۱۹۹۲ - ۲۰۴۲ - ۲۱۲۸
آرم نیوس : ۲۲۶۸	۲۱۳۹ - ۲۱۴۰ - ۲۴۳۶
	آرخیداموس : ۱۴۰۴
	آردآت : ۲۱۲۵

- آرن : ۴۹ - ۱۶۲۳
- آرناس : ۸۲۷
- آره : ۸۰۳
- آرهیم یاسا : ۵۸۷
- آریاس : ۲۱۳۰
- آریابیکنس : ۷۴۲ - ۸۱۴ - ۱۶۲۶
- آری آرسس : ۱۳۸۰
- آریارات : ۱۹۸۲ - ۱۹۸۴ - ۲۰۷۸ - ۲۰۹۴
- ۲۱۲۳ تا ۲۱۴۸
- آریارات دوم : ۲۱۲۹ - ۲۱۳۰ - ۲۱۶۵
- آریارات سوم (مقدس) : ۲۰۷۵ - ۲۱۲۸ - ۲۱۳۰ - ۲۱۶۵
- آریارات چهارم : ۲۱۲۸ - ۲۱۳۰ - ۲۱۶۷
- آریارات پنجم : ۲۱۳۰ - ۲۱۶۷
- آریارات ششم : ۲۱۳۰ - ۲۱۶۹
- آریارات هفتم (فیلموتر) : ۲۱۶۹
- آریارات هشتم : ۲۱۳۰ - ۲۱۶۹
- آریاراتس : (آریاسیس)
- آریاراتی : ۲۰۹۴
- آریارامنس : ۲۱۲۹
- آریارامن پادشاه کلپادوکیه : ۲۰۷۵
- آریارمنه : (اریارمنه)
- آریاسپ : (آگریاسپ)
- آریاسپس : ۱۶۲۸
- آریامن : ۸۲۶
- آریامنس : ۲۱۲۴ - ۲۱۲۵ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۰
- ۲۶۳۱
- آریامنس عرب : ۲۳۰۳ - ۲۳۰۵
- آریان (مورخ) : ۷۳ - ۸۲ - ۸۵ - ۸۶
- ۹۱ - ۱۴۶ - ۴۷۸ - ۵۶۳ تا ۵۶۶
- ۶۹۱ - ۹۹۹ - ۱۱۶۴ - ۱۱۶۶ - ۱۱۸۰
- ۱۱۸۴ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۸ - ۱۱۸۹
- ۱۲۲۶ - ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۰ - ۱۲۳۳
- ۱۲۳۵ - ۱۲۳۷ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۵
- ۱۲۴۷ - ۱۲۴۸ - ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱
- ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۷ - ۱۲۶۰ - ۱۲۶۱
- ۱۲۶۷ - ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ - ۱۲۸۰
- ۱۲۸۱ - ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۶ - ۱۲۹۱
- ۱۲۹۲ - ۱۲۹۵ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۶
- ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ - ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳
- ۱۳۱۵ - ۱۳۱۸ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴
- ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۳
- ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷
- ۱۳۵۱ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۷
- ۱۳۵۸ - ۱۳۶۴ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲
- ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ - ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱
- ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳
- ۱۳۹۵ - ۱۴۰۶ تا ۱۴۰۸ - ۱۴۱۰
- ۱۴۱۲ - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰
- ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸ تا ۱۴۳۳ - ۱۴۴۴
- ۱۴۴۵ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۵ - ۱۴۶۰
- ۱۴۶۳ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۷ - ۱۴۶۸
- ۱۴۵۳ - ۱۴۵۵ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶
- ۱۴۸۲ - ۱۴۸۴ تا ۱۴۸۶ - ۱۴۸۸
- ۱۴۹۳ تا ۱۴۹۷ - ۱۴۹۹ - ۱۷۰۰
- ۱۷۰۲ تا ۱۷۰۷ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۶ تا
- ۱۷۲۲ - ۱۷۲۴ - ۱۷۲۵ - ۱۷۳۴ تا
- ۱۷۳۶ - ۱۷۳۹ - ۱۷۴۰ - ۱۷۴۳ تا
- ۱۷۴۵ - ۱۷۵۶ - ۱۷۵۷ - ۱۷۶۴
- ۱۷۶۶ - ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۳
- ۱۷۷۶ تا ۱۷۷۸ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲
- ۱۷۸۴ - ۱۷۸۵ - ۱۷۸۷ تا ۱۷۸۹
- ۱۷۹۱ تا ۱۷۹۳ - ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸
- ۱۸۰۰ تا ۱۸۰۲ - ۱۸۰۶ - ۱۸۰۸
- ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۸ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۲
- ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۲ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۵
- ۱۸۴۷ - ۱۸۵۳ - ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۱
- ۱۸۶۴ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۲

آريستاگر : ۶۳۸ تا ۶۴۶ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۷۰۵
 آريستاندر : ۱۲۱۶ - ۱۲۴۹ - ۱۲۷۷ - ۱۳۴۳
 - ۱۳۴۸ - ۱۳۷۵ - ۱۳۸۴ - ۱۴۱۴
 - ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۳۰
 آريستوبول : ۱۲۵۷ - ۱۲۹۲ - ۱۳۲۰
 - ۱۳۸۶ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۶۴۹
 - ۱۶۸۶ - ۱۶۹۷ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۵
 - ۱۷۳۴ - ۱۷۵۷ - ۱۷۸۷ - ۱۷۹۸
 - ۱۸۲۷ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۸ - ۱۸۴۳
 - ۱۸۵۸ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۱
 تا ۱۸۷۵ - ۱۸۸۳ - ۱۹۰۰ - ۱۹۱۷
 تا ۱۹۲۰ - ۱۹۲۲ - ۱۹۲۴ - ۱۹۲۶
 ۱۹۲۹ - ۱۹۳۲ - ۲۲۰۵
 آريستوبولوس : ۲۴۳۶
 آريستوت : ۹۸۴
 آريستودم : ۷۸۵ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۲۰۳۱
 ۲۰۳۲
 آريستوديك : ۲۹۳
 آريستوزيتون (آريستوگي تون) : ۱۳۲۲ - ۱۴۰۸
 ۱۹۲۰
 آريستوفيلد : ۵۶۲
 آريستومد : ۱۳۰۷
 آريستومن : ۱۳۲۹
 آريس تن : ۳۹۰ تا ۶۶۴ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴
 آريستونوئوس : ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵
 آريستونوس : ۱۹۵۷
 آريستونيك : ۷۵۷ - ۲۱۵۰
 آريستونيكوس : ۱۲۸۱ - ۱۷۳۴ - ۲۲۷۳
 آريستيپ : ۱۰۰۵ - ۱۰۵۶
 آريستيد : ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۸۱۱ - ۸۱۵
 - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۴۵ - ۸۹۵ - ۹۲۳
 ۹۴۱ - ۹۴۴ - ۲۳۲۳
 آريسس : ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹
 آريمازس : ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷

۱۸۷۵ تا ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ - ۱۸۸۳
 تا ۱۸۸۷ - ۱۸۹۰ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳
 - ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۲ - ۱۹۰۵
 - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۹ - ۱۹۳۵
 - ۱۹۳۷ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۴ - ۱۹۶۸
 - ۱۹۹۴ - ۲۰۱۸ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۹
 - ۲۰۹۰ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۸
 - ۲۲۰۵ - ۲۲۱۶ - ۲۲۲۶ - ۲۴۷۶
 ۲۴۷۷ - ۲۴۹۱
 آرياند : ۶۱۱
 آريبرزانس : ۱۶۲۹
 آري برزن : ۷۷۹ - ۱۱۳۸ - ۱۱۴۲
 - ۱۱۴۳ - ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۸ - ۱۱۵۱
 - ۱۲۴۶ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰
 - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۵ تا ۱۴۱۹ - ۱۴۴۹
 - ۱۵۳۸ - ۲۱۲۸ - ۲۱۳۱ - ۲۱۳۲
 - ۲۱۳۴ - ۲۱۴۸ - ۲۱۶۵ - ۲۲۷۴
 ۲۳۳۴
 آري برزن (پسر ارته باذ) : ۱۶۴۱
 آري برزن اول آذري : ۲۶۱۹ - ۲۶۲۵
 آري برزن دوم آذري : ۲۶۲۴ - ۲۶۲۵
 آرييه : ۳۰۴
 آريده : ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱ - ۱۲۳۸ - ۱۹۳۴
 ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ - ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸
 - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۱ تا
 ۱۹۹۴ - ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۴
 ۲۰۲۲ - ۲۰۲۸
 آريدهاس (آرييه اوس) : ۱۹۹۴
 آريژه : ۱۷۶۷ - ۱۷۶۹
 آريسانت : ۱۷۵
 آريسپه : ۱۲۴۷
 آريست : ۱۹۱۷
 آريستانزن : ۱۱۷۴
 آريس تاس : ۹۴۲ - ۹۴۳

- آريمانسپ: ۱۶۸۳ - ۱۶۸۵
آريماند: ۱۶۲۷
آريمانوس (اهريمن): ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۴
۱۵۲۵
آريم باس: ۱۲۰۰
آري مرد: ۷۳۳ - ۷۳۶
آري مردوس: ۱۶۲۶
آريم نه: ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹
آرين نا: ۱۲۱۰ - ۱۲۳۸ - ۱۹۵۵
آرينيس: ۱۹۸
آريورات: (ارسام)
آريوس: ۱۷۱۹
آريه (آريه-ئوس): ۱۰۱۴ - ۱۰۱۵ -
۱۰۱۹ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۹ -
۱۰۳۳ - ۱۰۳۸ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۱
۱۰۴۴ تا ۱۰۴۷ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳
۱۰۵۶ - ۱۰۶۷ - ۱۱۰۷
آزاد (ابوالکلام): ۱۴۴م
آزاندر: ۱۷۲۰
آزانس: ۷۳۳ - ۱۶۲۵
آزتوس: ۶۶۴
آژدهاگ: (آستياگس)
آزريلاس: ۸۴ - ۱۰۲۹ - ۱۰۹۵ - ۱۱۰۲
تا ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۵
۱۱۱۸ تا ۱۱۲۰ - ۱۱۳۲ - ۱۱۴۰ -
۱۱۴۱ - ۱۱۵۰ - ۱۱۵۱ - ۱۲۴۰
۱۴۰۲ - ۱۴۰۴
آزما: ۱۳۰۷ - ۱۸۸۵
آزنور: ۱۹۶۹ - ۲۰۵۷
آزياس: ۱۰۵۲ - ۱۰۵۶
آزيس: ۹۸۳ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۴۰۲
تا ۱۴۰۴ - ۱۶۹۴ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۳
۱۸۹۹
آساكنوس: ۱۷۷۰
آساندر: ۲۰۳۳ - ۲۰۹۳
آسياتى نس: ۵۲۱ - ۵۲۴ - ۵۳۵
آسياداس: (آستياگ)
آسيازيا: ۱۶۲۸
آسياست: ۱۸۶۸
آسياسى: ۱۱۵۳ تا ۱۱۵۵
آسياسياگ (آس-بيونوس): ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵
آس-بياس: ۲۰۲۹
آس-بيس: ۱۱۴۲ - ۱۱۴۳
آستارت: (ايشتار)
آستانس: ۱۷۵۷
آستراياك: ۶۶۶
آس-تس: ۱۷۶۶
آستياگس (آستياك، آزيدماك): ۱۸۷ - ۲۰۰
تا ۲۰۷ - ۲۱۴ تا ۲۱۷ - ۲۲۹ - ۲۳۳
تا ۲۴۱ - ۲۴۵ - ۲۵۰ تا ۲۵۳ - ۲۵۵ تا
۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۹۳ - ۳۱۱ - ۳۱۶
۵۱۷ - ۷۰۵ - ۸۷۲ - ۲۵۸۴ -
۲۵۸۶
آستى-بارس: ۲۱۳ تا ۲۱۵
آستى-براس: ۱۸۷
آستيلوس: ۱۲۳۰
آس-تيوخوس: ۹۷۱
آس-راتوس: ۷۹۹
آس-سس: ۱۵۴۶
آسكا: ۲۰۴۶ - ۲۲۱۴
آسكانايوس: ۱۲۸۰
آس-كليودور: ۱۳۹۸ - ۱۷۴۶ - ۲۰۲۰ -
۲۰۳۲
آسوراتيل ايلانى اركىنى: ۱۸۶
آسورباني پال: ۵۲ - ۵۳ - ۱۱۶ - ۱۲۸ -
۱۳۷ تا ۱۳۹ - ۱۸۰ - ۱۸۶
۱۹۵ - ۲۲۹ - ۴۷۵ - ۲۴۷۳
آسور-حيدون (حيديس): ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۷۲

- آگانوکلکله : ۲۱۵۵
 آگاناکلوس ، (آگانانث)
 آگانیاس : ۴۷۸ - ۱۵۱۶ - ۲۱۷۶ - ۲۵۳۱ -
 ۲۵۳۳ - ۲۵۳۷ - ۲۵۶۰ - ۲۶۸۹
 آگالاس : ۱۸۳۶
 آگاممنن : ۵۹۹ - ۶۶۰ - ۷۵۴ - ۷۶۴
 آگاهوه : ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷
 آگرادتنس : ۲۳۲
 آگرامس : ۱۸۱۲
 آگریاسپ : ۱۱۵۲ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۶۴
 ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵
 آگریپ پای دوم : ۲۴۳۲
 آگریپ پینا : ۲۳۹۷
 آگنر : ۷۴۰
 آگنوتهموس : ۱۹۳۴
 آلس تاس : ۱۷۵۶ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۳ -
 ۱۷۸۶ - ۱۹۸۷ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ -
 ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶
 آلسی بیاد (آلکی بیاد) : ۹۶۸ تا ۹۷۳ - ۹۷۶ تا
 ۹۷۸ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۶
 آلسی پیداس : ۹۷۴
 آلسی مال : ۱۲۶۲
 آلفه : ۷۸۴
 آلکساندر ، (اسکندر)
 آلکساندر آمین تاس : ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۷۶۸ -
 ۸۳۱ تا ۸۳۴ - ۸۴۹
 آلکساندر آنتونیوس : ۲۳۷۵ - ۲۳۷۶ - ۲۶۲۵
 آلکساندر آن تیوخوس : ۲۳۶۵ - ۲۳۶۷
 آلکساندر بالاس : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷ - ۲۲۲۹
 آلکساندر اول بطالسه : ۲۱۷۰
 آلکساندر پریام : ۶۶۰
 آلکساندر زابی تاس : ۲۱۶۹
 آلکساندر سردار اسکندر : ۱۷۷۴
 آلکساندر سور : ۲۱۷۹ - ۲۵۳۲ - ۲۶۷۴
 ۱۷۳ - ۱۸۵ - ۲۲۷ - ۶۸۸ - ۹۴۷
 آسور نصیر پال : ۱۲۹
 آسونید : ۷۷۰
 آسیدات : ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳
 آسی داتاس : ۳۵۲
 آسی نای : ۲۴۰۸ - ۲۴۰۹
 آسی سی نس : ۱۲۷۶
 آشکوز : ۱۷۲
 آشناس : ۲۵۹۷
 آشوشا : ۹۸
 آشیل : ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳ - ۱۲۴۶ - ۱۳۵۱ -
 ۱۷۳۸ - ۱۷۴۵ - ۱۷۵۵ - ۱۹۰۶
 آصف الدوله : ۲۵ - ۲۸
 آفاریاس : ۱۶۷۶
 آفرانیوس : ۲۲۸۷ - ۲۲۸۸
 آفرودیت : ۴۴۱ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۸ - ۱۵۲۰ -
 ۱۵۲۹ - ۱۶۰۸ - ۲۰۹۹
 آفرودی سیاس : ۵۷۲
 آفریکانوس (آفریکن) : ۷۶ - ۸۸ - ۲۱۷۶
 آقاخان محلاتی : ۱۰۷
 اکبار (اکباروس) : ۲۷۲۱ و رجوع به آبکار
 شود .
 آکریسیوس : ۷۳۰
 آکسی دارس : ۲۶۳۶
 آکسیوس : ۷۵۲
 آکشی ماسو : ۶۹۹
 آکوفیس : ۱۷۷۶ تا ۱۷۷۹
 آکوی لیوس : ۲۱۳۸ - ۲۱۳۹ - ۲۲۸۱
 آگانانث : ۹۶ - ۹۷ - ۲۱۸۱ - ۲۵۹۰ -
 ۲۵۹۴ - ۲۵۹۸ - ۲۶۱۰ - ۲۶۱۷ -
 ۲۶۴۱ - ۲۶۴۸
 آگاتن : ۱۳۹۸ - ۱۸۶۴
 آگانوکلک : ۱۲۶۷ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴ - ۲۰۶۰ -
 ۲۰۶۲ - ۲۲۲۴

۱۱۱۴ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۸ - ۱۴۶۴ -
۱۶۲۸

آمس تریس دختر آگراترس : ۱۴۴۹ - ۱۶۲۹
۲۰۴۹ - ۲۱۰۹

آمس تریس دختر داریوش دوم : ۹۹۰ -
۱۶۲۸

آمس تریس مادر بغابوخت : ۹۳۳

آمفوتروس : ۱۲۸۴ - ۱۳۴۶ - ۱۴۰۳

آمفی لرخوس : ۷۴۱

آمفی ماک : ۱۹۹۳

آملیناس : ۱۲۲۹

آمنید : ۱۶۸۴

آموخه : ۱۸۷

آموفارت : ۸۵۲ - ۸۵۴

آمون (خدا ، معبد) : ۲۷۲ - ۴۹۲ - ۴۹۶

۴۹۷ - ۵۱۱ - ۵۶۶ - ۵۷۳ - ۱۸۰۵

۱۸۲۱ - ۱۸۴۶ - ۱۸۸۷

آمون خ تب : ۵۰

آمون روت : (بوسیریس ، آمیرته)

آمی نیس : (آمتیس)

آمیرته : ۴۹۱ - ۹۶۲ تا ۹۶۴ - ۱۱۳۱

۱۱۳۲ - ۱۱۴۱ - ۱۹۴۸

آمیزوس : ۱۵۱۰

آمیس : ۱۲۵۷ - ۱۲۷۵

آمیلکار : ۸۷۸ تا ۸۸۱

آمیناس : ۸۲۶

آمین تاس : ۶۲۲ تا ۶۲۴ - ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۴ -

۱۲۵۴ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۷۶

۱۳۰۰ - ۱۳۰۷ - ۱۳۱۱ - ۱۳۲۸

۱۳۲۹ - ۱۳۳۹ - ۱۳۵۱ - ۱۴۱۶

۱۴۱۷ - ۱۶۴۵ - ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴

۱۶۶۷ تا ۱۶۷۹ - ۱۶۸۲ - ۱۷۲۴

۱۷۵۸ - ۱۷۶۴ - ۲۱۳۵

آلساندر لنسست : ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ - ۱۶۷۶

۱۶۷۷ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱ - ۱۸۷۴

۱۹۳۷

آلساندر متنبی : ۱۴۹۶

آلساندر مقدونی : ۷۹۸ - ۲۱۶۶

آلکسیس مارکوف : ۲۲۱۰

آلکسیون : ۲۰۳۳

آلکپودور : ۱۷۲۰

آلوگون (آلوگونه) : ۹۵۲ تا ۹۵۴ - ۱۶۲۷

آله آس : ۸۵۴

آلیات : ۱۹۶ - ۱۹۸ - ۲۰۱ - ۲۶۸ - ۲۸۴

۱۵۴۶ - ۲۲۷۰

آلی لات : ۴۸۷ - ۱۹۲۱

آمارگس : (آمرگس)

آمازیس : ۲۷۵ - ۴۸۴ تا ۴۸۶ - ۴۸۸

۴۹۲ - ۵۰۳ - ۵۰۵ - ۵۰۷ - ۵۱۲

۱۵۲۸ - ۱۲۱۴

آماستریس : (آمس ستریس)

آماسترین : ۱۸۸۳

آماسیس : ۵۶۴ - ۹۶۴

آمتیس (آمی نیس) : ۱۹۳ - ۲۴۰ - ۲۴۱

۴۸۰ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۹۰۹

۹۳۴ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۱۴۶۴ - ۱۶۲۵

۱۶۳۰

آمتیس دختر داریوش : ۱۶۳۰

آمرایوس : ۴۵۲ - ۴۵۴

آمرطیوس : (آمن روت) ۱۱۴۱

آمرگس : ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۴۵۴ - ۴۷۱

۶۵۱ - ۹۶۰ - ۹۶۶ - ۹۶۸ - ۱۴۵۴

۱۶۲۷

آمس تریس زن خشایارشا : ۷۴۹ - ۸۹۰

۸۹۱ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۸ - ۹۳۴

۹۵۱

آمس تریس دختر اردشیر دوم : ۱۰۹۸

۲۳۶۴ تا ۲۳۷۷ - ۲۳۸۷ - ۲۳۹۲ -
 ۲۴۷۰ - ۲۵۱۵ - ۲۶۱۳ - ۲۶۲۳ تا
 ۲۶۲۵ - ۲۶۵۸ - ۲۶۶۶ تا ۲۶۷۰
 آنتونیوس بیوس : ۲۴۴۰ - ۲۴۹۲ تا ۲۴۹۵
 ۲۴۹۷ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۳
 آنتی بلوس : ۱۴۳۱
 آن تی پاتر : ۷۵۰ - ۱۲۳۰ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۸
 ۱۲۴۴ - ۱۲۸۵ - ۱۳۲۹ - ۱۴۰۱ تا
 ۱۴۰۵ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۶ - ۱۶۷۷ -
 ۱۶۹۴ - ۱۷۴۶ - ۱۷۵۶ - ۱۷۶۵ -
 ۱۸۸۰ - ۱۸۸۳ - ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ -
 ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵ - ۱۹۲۷ - ۱۹۳۱ -
 ۱۹۳۴ - ۱۹۳۷ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ تا
 ۱۹۶۳ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۵ تا
 ۱۹۸۲ - ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ - ۱۹۹۱ تا
 ۱۹۹۳ - ۱۹۹۵ - ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱
 ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۷ - ۲۰۴۴
 ۲۰۵۴ - ۲۰۵۵ - ۲۰۶۰ - ۲۱۶۶
 آن تی دور : ۷۹۳
 آن تی زن : ۱۷۹۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۹۲ -
 ۱۸۹۸ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۹ -
 ۲۰۱۲ - ۲۰۱۴
 آن تی فیل : ۱۹۷۹
 آن تی کلس : ۱۷۴۶
 آن تی کلید : ۱۶۴۹
 آن تی گون : ۷۱۶ - ۱۳۲۹ - ۱۳۴۶ -
 ۱۶۴۹ - ۱۶۷۴ - ۱۹۱۹ - ۱۹۳۴ -
 ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۸۶ - ۱۹۹۳ تا
 ۲۰۰۳ - ۲۰۰۷ - ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰
 ۲۰۲۴ - ۲۰۲۵ - ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۸ -
 ۲۰۴۱ تا ۲۰۵۱ - ۲۰۵۵ تا ۲۰۵۹
 ۲۰۷۸ - ۲۰۹۰ تا ۲۰۹۵ - ۲۱۰۵
 ۲۱۱۰ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۵ -

آمین کل : ۷۷۴
 آمین مارسلن : ۴۱ - ۸۹ - ۲۱۷۵ - ۲۲۰۳
 ۲۴۶۷ - ۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۶۳۷ - ۲۶۵۱
 ۲۶۵۶
 آمی نیاس : ۸۱۲ - ۸۱۵ - ۲۰۹۴
 آناسیس داراکس : ۱۲۹۱
 آنافاس اول : ۱۶۲۶ - ۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ -
 ۲۱۲۹
 آنافاس دوم : ۱۱۴۷ - ۲۱۲۹
 آنافس : ۷۳۲
 آناکسارک : ۱۷۳۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ -
 ۱۷۴۳ - ۱۷۴۴ - ۱۷۵۴ - ۱۹۱۰ -
 ۱۹۳۷
 آناکساندرید : ۲۹۰ - ۷۷۷ - ۸۵۷
 آناکسی بیوس : ۱۰۸۸ - ۱۰۹۲
 آناکسیپ : ۱۶۵۳
 آناکسی کرات : ۹۳۶
 آناکسیمن : ۱۲۲۱ - ۱۵۶۲
 آنایگ : ۲۵۹۲ - ۲۵۹۳ - ۲۶۱۵
 آنانی : ۲۶۳۴
 آنانیاس : ۲۶۳۳
 آناهیتا : (اناهیتا)
 آنالیداس : ۷۱ - ۶۴۷ - ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۰
 ۱۱۲۲ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۷ - ۱۱۳۴ -
 ۱۱۴۹ - ۱۲۸۱
 آناندر : ۶۲۶ - ۶۹۲ - ۷۲۳
 آن تریوش : (داریوش)
 آنتوان (آنتونیوس)
 آن تونن : ۸۷ - ۲۱۸۰ - ۲۱۸۱
 آن تونن آخری : ۲۵۹۰
 آن تونن اوگوست : (نیتوس)
 آن تونیوس : ۲۰۶۱ - ۲۱۲۸ - ۲۱۷۴ - ۲۳۳۹ تا
 ۲۳۴۷ - ۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۶۳ تا ۲۳۵۴

۲۰۸۹ - ۲۱۱۵ - ۲۱۶۹ - ۲۲۳۸ تا	۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۵۸۵
۲۶۷۰ - ۲۶۵۲ - ۲۶۲۸ - ۲۵۸۵ - ۲۲۴۵	آن تی گون دزن (دسن) : ۲۱۶۸ - ۲۰۷۹
آن تیو خوس هشتم (گری پس) : ۲۰۸۶	آن تی گون گوناتاس : ۲۰۵۹ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶
۲۰۸۸ - ۲۰۸۹ - ۲۱۶۹	۲۰۷۰ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶
آن تیو خوس نهم (سینیک) : ۲۰۸۶ - ۲۰۸۹	آن تی گون یهود : ۲۳۴۳ - ۲۳۴۵ - ۲۳۴۶
۲۱۵۷ - ۲۱۶۹	آن تیلا : ۵۱۶
آن تیو خوس دهم (فیلا دلف) : ۲۰۹۰ - ۲۱۶۹	آن تی ماخوس : ۲۲۲۴
آن تیو خوس یازدهم (دیونیس) : ۲۰۹۰	آن تیو خوس آسیائی : ۲۰۹۰
آن تیو خوس دوازدهم (مقدس) : ۲۰۹۰	آن تیو خوس اول (سوتر) : ۷۶ - ۱۹۶۹
۲۱۶۹	۲۰۵۳ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷
آن تیو خوس سیزدهم : ۲۰۹۰	۲۰۶۸ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱
آن تیو خوس کلبی : ۲۵۲۰	۲۰۷۲ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۶ - ۲۰۹۸ - ۲۰۹۹
آن تیو خوس کمازن : ۲۳۴۶ - ۲۳۴۷ - ۲۴۳۵ - ۲۴۳۵	۲۱۰۵ - ۲۱۱۵ - ۲۱۲۸ - ۲۱۴۹ - ۲۱۶۵
۲۴۳۶ - ۲۴۵۵ - ۲۴۵۶ - ۲۷۱۹ - ۲۷۲۱	۲۲۰۰ - ۲۳۱۴ - ۲۵۶۶ - ۲۵۹۵ - ۲۵۹۶
آن تیو خوس هی-یراکس : ۲۰۷۵ تا	۲۶۰۴ - ۲۶۲۷
۲۰۷۷ - ۲۱۳۵ - ۲۱۶۷ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۶	آن تیو خوس دوم دوم (نتوس) : ۲۰۷۱ تا
۲۲۰۷	۲۰۷۴ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۰ - ۲۱۳۴ - ۲۱۵۴
آن تیو خیوس : ۲۰۸۱ - ۲۱۲۵ - ۲۱۳۰	۲۱۶۵ - ۲۲۰۰ تا ۲۲۰۲ - ۲۲۵۹
آندراک : ۱۷۶۷	۲۵۹۵
آندرو باز : ۲۰۰۸	آن تیو خوس سوم (کبیر) : ۲۰۷۹ تا ۲۰۸۴
آندروستن : ۱۹۲۲	۲۰۸۶ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۹ - ۲۱۰۴ - ۲۱۱۸
آندروکرات : ۸۴۳	۲۱۲۵ - ۲۱۳۰ - ۲۱۳۵ - ۲۱۳۸ - ۲۱۶۳
آندرو کوتوس : ۱۸۱۲	۲۶۱۷ - ۲۶۰۹ - ۲۲۱۰ تا ۲۲۱۶ - ۳۲۲۲
آن دروگرس : ۲۱۹۸	۲۲۲۳ - ۲۲۵۰ - ۲۲۵۹ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۳
آندرو ماخوس : ۱۳۵۹ - ۲۳۱۸ - ۲۳۱۹	۲۶۲۵ - ۲۶۵۲ - ۲۶۶۸ - ۲۷۰۳
آندروماک : ۱۷۰۶ - ۱۷۱۱ - ۱۷۲۹	آن تیو خوس چهارم (ایی فان) : ۲۰۸۳
آندرومد : ۲۴۵ - ۷۳۰ - ۷۶۱ - ۱۲۹۷ - ۲۶۵۸ - ۱۳۳۹	۲۰۸۷ - ۲۰۸۹ - ۲۱۱۱ - ۲۱۳۶ - ۲۱۵۵
آندرومن : ۱۲۶۱ - ۱۳۹۸	تا ۲۱۵۷ - ۲۱۶۷ - ۲۲۲۰ تا ۲۲۲۲
آندرونیک : ۱۶۴۱ - ۱۶۸۴	۲۲۲۷ - ۲۲۷۱
آندراس : ۱۴۱۲	آن تیو خوس پنجم (ادیاتر) : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷
آندیا : ۹۵۲ - ۱۶۲۷	۲۲۲۲ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۹
آنطیخس : ۲۵۶۹ - ۲۵۷۶ رجوع به آن تیو خوس	آن تیو خوس ششم (دیونیس) : ۲۰۸۹ - ۲۲۰۶
شود	۲۲۳۶ - ۲۶۷۰
	آن تیو خوس هفتم (سی دت) : ۲۰۸۷ تا

ابولیت : ۱۴۳۰
 ابو منصور عبدالرزاق : ۲۵۵۶-۲۵۵۷
 ابن اثیر : ۱۰۵-۲۳۲-۹۰۷-۹۵۳-۹۵۶
 ۱۱۶۴-۱۲۱۲-۲۵۶۸ تا ۲۵۷۱
 ۲۵۷۴

ابن بطوطه : ۱۰۷
 ابن خرداد به : ۱۰۲
 ابن خلدون : ۱۰۱-۱۰۶
 ابن خلکان : ۱۰۵
 ابن عبری : ۱۰۶-۲۳۲-۴۷۸-۴۷۹-۵۳۷
 ۶۹۸-۹۰۵-۹۰۷-۹۰۸-۹۵۳-۹۵۴
 ۹۵۶-۱۱۸۸-۱۱۸۶-۱۱۶۴

ابن مسکویه : ۱۰۵-۲۵۶۸
 ابن مقفع : ۱۰۰
 ابن النجار : ۱۰۲
 ابن الندیم : ۱۰۰ تا ۱۰۲-۱۲۱۲
 ابی عنان (سلطان) : ۱۰۷
 ابی یه تآک : (اردشیر دوم)
 اپا فرودیت : ۸۶
 ایامی نونداس : ۱۱۱۸-۱۱۹۴-۱۲۱۹
 ایر : ۳۲-۴۷-۵۴-۶۲-۱۱۶-۲۱۵
 ۲۲۳-۶۹۵-۹۵۷-۹۹۱-۱۱۸۶
 ۱۴۵۲
 ایوسیلوس : ۱۷۲۵
 اپیاکسا : ۱۰۰۰-۱۰۰۱
 اپیالت : ۸۷۷
 اپیدر : ۱۹۰۶
 ایی سیداس : ۱۱۱۱
 اپیک ت : ۸۵-۸۶
 ایی فان : (آنتیو خوس چهارم)
 ایی فان پسر آنتیو خوس : ۲۴۵۵-۲۴۵۶
 ایی فان : (بطلمیوس پنجم)
 ایی منس : ۱۷۴۶ تا ۱۷۴۸-۱۷۵۶
 اپ پیوس : ۲۱۴۷-۲۳۷۲-۲۳۷۳

آنو : ۱۱۴
 آنوایش : ۲۰۴
 آنوبانی : ۱۱۶
 آنه ریست : ۹۴۲
 آنی بال : ۲۴۳۹ رجوع به هانیبال شود
 آنی لای : ۲۴۰۸ تا ۲۴۱۰
 آوگار (آبگار)
 آولت : (بطلمیوس سیزدهم)
 آویدیوس : (کاسیوس)

الف

آ : ۱۱۴
 آرتس : (اردشیر دوم)
 آرسس : (آرسس)
 آریز : ۷۳۴
 آک : ۱۹۲۸
 ابارس : ۲۴۰-۲۴۱-۲۷۸
 اباز : ۷۳۳
 ابازوس : ۸۷۱
 ابراهیم : ۱۱۸
 ابراهیم خان نایب الوزاره : ۵ م
 ابرز : (وهوبرز)
 ابزان بن بلاش : ۲۵۴۹
 ابگشا : ۸۹۸
 ابواسحق شیرازی : ۱۱۲ م
 ابو جعفر منصور : ۱۰۰
 ابوالحسن خان وکیل : ۱۱ م
 ابوریحان : (بیرونی)
 ابو زید بلخی : ۱۰۴
 ابوطالب زنجانی : ۲۸ م
 ابو عبیده معمر : ۲۵۵۱
 ابوالفدا : ۱۰۵
 ابوالفرج اصفهانی : ۱۰۳-۹۹۱-۲۵۵۵

اتابك : ۵م - ۶م - ۹ تا ۱۱م - ۱۲۲م - ۱۲۳م
 ۱۲۵ م
 اتانرك : ۱۱۳م
 اتانس : ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۳ - ۵۲۵ تا ۵۳۱
 ۵۳۵ - ۶۲۵ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۳۹ - ۶۵۰
 ۶۵۱ - ۶۵۷ - ۷۲۲ - ۷۳۰ - ۷۳۸ - ۹۰۸
 اتاسپس : ۷۳۲ - ۱۶۲۷
 اثر : ۵۵
 اثرين : ۱۵۷۶
 اتو فرادات : ۱۱۴۵ تا ۱۱۴۷ - ۱۱۵۱ - ۱۲۸۱
 ۱۴۰۲ - ۱۴۹۶ - ۱۶۴۱ - ۱۶۴۴ - ۱۶۴۵
 ۱۶۴۷
 اتی مون : ۱۴۲۰
 ات ين : ۱۴۲۰ - ۱۵۶۳ - ۲۰۷۲
 اجی بی : ۵۵۳ - ۵۵۴
 احتشام السلطنه : ۱۰م - ۱۱م - ۱۹۲م - ۱۹۳م
 احمد خان تنگستانی : ۱۶۷م
 احمد شاه : ۴۸ تا ۵۷م - ۷۰ تا ۷۳م - ۷۷ تا ۸۰م - ۹۰ تا ۹۳م - ۹۸ تا ۱۰۳م - ۱۰۸ تا ۱۱۰م - ۱۱۲۰م - ۱۱۳۳م - ۱۱۳۷م
 احمد شهرپور : ۲۵۷
 احسانی طباطبائی (سرتیپ) : ۱۲۲م
 احشیرش : (خشایارشا)
 احیاء الملک : ۵م
 اخابا : ۱۱۵۸ - ۱۱۶۵ - ۱۱۸۶ - ۱۶۲۸
 ۱۶۲۹
 اخیس : ۱۱۳۲
 اخس : (اردشیر سوم)
 اخس : (داریوش دوم)
 اخس پسر داریوش سوم : ۱۳۶۵ - ۱۶۲۹
 اخشورش ، اخشویروش ، اخشیروش : (خشایارشا)
 اد : ۲۶۰۲
 ادا : ۱۲۶۸ - ۲۶۰۷
 اداد آپلوودین : ۱۲۵

اداد نیراری : ۵۳ - ۱۶۹
 ادوارد هفتم : ۲۴م
 ادوارد می یر : (می یر)
 ادومنش : ۹۵۲
 ادیب السلطنه : ۷۶م
 ادیب هروی : ۱۱م
 ارانس تن : ۹۱ - ۱۵۵ - ۹۱۵ - ۱۴۹۷
 ۱۷۷۸ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۱ - ۲۱۵۴ - ۲۱۷۸
 ۲۴۲۲
 ارانو : ۲۶۱۹
 ارباب : ۱۳۸۰
 ارباریوس : ۹۵۵
 اربازوس : ۲۲۷۵
 ارباست : ۴۸۴ - ۵۳۱
 ارتایکتوس : ۷۳۶ - ۸۲۴ - ۸۷۰ تا ۸۷۲
 ارتاینت : ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸
 ارتاخه : ۷۱۴
 ارتاریوس : ۱۶۲۷
 ارتافرن : ۵۳۱ - ۵۳۵ - ۶۲۵ - ۶۳۸ تا ۶۴۰
 ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۵۱ تا ۶۵۳ - ۶۵۵ تا ۶۵۷
 ۶۶۸ - ۶۷۱ - ۶۸۱ - ۶۹۴ - ۷۰۵ - ۷۳۵
 ۹۴۳ - ۱۴۶۹ - ۱۶۲۵ - ۲۱۴۹ - ۲۶۵۸
 ارتاکسرك سس : (اردشیر دراز دست)
 ارتالت : ۴۸۷
 ارت بات : ۷۳۳
 ارت باتاس : (ارته باز)
 ارت باز : ۳۴۱ - ۳۴۳ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۲۶
 ۴۲۸ - ۴۳۱ - ۴۳۴ تا ۴۳۶ - ۴۳۸ - ۴۶۰
 ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۵۴ - ۸۵۷ - ۸۶۰ - ۸۶۱
 ۸۶۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۵
 ۱۰۴۷ - ۱۱۴۷ - ۱۱۶۶ - ۱۱۸۰ - ۱۱۸۱
 ۱۳۲۰ - ۱۳۲۲ - ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴ - ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷ - ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۹ - ۱۶۲۹
 ۱۶۴۱ - ۱۶۴۴ - ۱۶۴۷ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۵

اردشیر اردوان سوم: ۲۳۹۴-۲۳۹۶-۲۴۰۱
تا ۱۴۰۳

اردنس: ۱۸۶۳

اردانش پسر سندر و گ: ۲۵۹۸-۲۵۹۹

اردبیلی (سیدجلیل): ۶۸

اردشیر بن اخشورش: (اردشیر اول)

اردشیر بن بهمن: (اردشیر اول)

اردشیر اول: (اردشیر دراز دست)

اردشیر دراز دست: ۵۶-۴۰۲-۴۹۱-۶۲۴

۶۶۹-۶۹۵-۸۴۷-۷۶۱-۸۸۰-۸۹۷

۹۰۴-۹۰۵-۹۰۷ تا ۹۱۱ تا ۹۱۴-۹۱۶

۹۲۲ تا ۹۲۴-۹۲۷ تا ۹۳۱ تا ۹۳۳

۹۳۹-۹۴۲ تا ۹۴۵-۹۴۷-۹۵۷-۹۸۷

۱۳۵۲-۱۵۰۲-۱۵۲۷-۱۵۳۰-۱۶۰۲

۱۶۰۳-۱۶۱۸-۱۶۲۶-۱۶۲۷-۱۶۲۸

۱۶۳۰-۱۹۴۹-۲۱۶۰-۲۱۹۶-۲۳۵۱

۲۳۵۰-۲۵۳۱-۲۵۴۴

اردشیر دوم (باحافظه): ۵۶-۷۰-۷۲ تا ۷۴-

۸۴-۸۵-۱۳۲-۱۳۹-۲۳۰-۲۳۱

۲۹۶-۲۹۰-۳۵۲-۳۷۳-۴۰۲-۴۲۶

۴۳۷-۵۰۷-۵۵۳-۹۵۰-۹۵۲-۹۵۶

۹۵۷-۹۵۸-۹۶۱-۹۶۲-۹۸۹-۹۹۰

۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶

۹۹۷-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۵-۱۰۰۹

۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۴ تا ۱۰۱۹

۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۴

۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹

۱۰۳۰-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵

۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۹-۱۰۴۲-۱۰۴۷

۱۰۵۴-۱۰۶۰-۱۰۷۶-۱۰۹۴-۱۰۹۵

۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۳

۱۱۰۶-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۳-۱۱۱۴

۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱

۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶

۱۶۹۳-۱۶۹۵-۱۷۲۳-۱۷۲۴-۱۷۳۰

۱۷۳۷-۱۸۸۸-۱۸۸۵-۱۹۵۴-۲۰۱۸

۲۰۴۴-۲۱۳۱

ارتباز اول ارمنی: ۲۳۰۱-۲۳۰۴-۲۳۰۵

۲۵۸۷-۲۵۸۸-۲۵۹۸-۲۶۰۸-۲۶۲۴

۲۶۲۵

ارتباز دوم: ۲۶۲۵

ارتباز چهارم: ۲۶۳۶

ارتبازان: ۱۴۶۵

ارتبازان آذری: ۲۶۲۵

ارتخستر: (اردشیر)

ارتخستر یارسی: ۲۶۲۶-۲۶۲۷

ارتخست سو: (اردشیر)

ارتخششا: (اردشیر)

ارتخچر چه: (اردشیر)

ارتخشش: (اردشیر)

ارتخم: ۷۳۵

ارتخمس: ۱۶۲۶

ارتزوستر: ۸۷۵

ارتسیراس: ۱۰۲۴-۱۰۳۴

ارتشاخ بن هرمز: ۲۵۴۷

ارتکام: ۲۰۱۸

ارتکاما: ۱۸۸۳

ارتکاماس: ۴۶۰

ارتکان: (آرتاکوان)

ارتکریبانت: ۱۴۷۳

ارت نوبجات فارسی: ۲۲۶۷

ارتوآدیس توس: ۲۲۷۲

ارت وردیه: ۵۴۶

ارتی فیوس: ۱۶۲۶

ارخ: ۵۴۷-۵۴۸

ارداول: (اشک سیزدهم)

ارد دوم: (اشک شانزدهم)

اردپارتی: ۲۶۲۰

۲۶۷۴-۲۶۳۶-۲۶۱۸-۲۶۱۵-۲۶۱۳
اردوان، ۵۹۳-۶۱۰-۷۳۸-۹۰۸ تا ۹۱۰
۹۱۴-۹۱۵-۹۳۵

اردوان پسر ویشتاسب: ۶۸۵-۷۰۸-۷۱۰ تا
۷۱۴-۷۲۳ تا ۷۲۷-۸۰۳-۱۶۲۵
اردوان رئیس قراولان: ۹۰۴-۱۴۶۶

اردوان اول: (اشك سوم)

اردوان دوم: (اشك هشتم)

اردوان سوم: (اشك هیجدهم)

اردوان چهارم، ۲۴۶۲-۲۴۶۵-۲۴۶۷-۲۴۶۹
۲۶۷۶

اردوان پنجم: (اشك بیست و نهم)

اردوان الاکبر (اردوان بزرگ): ۲۵۴۸-۲۵۵۲

۲۵۵۷-۲۵۶۴-۲۵۶۷-۲۵۶۸-۲۵۷۰

۲۵۷۱

اردوان بن بهرام: ۲۵۶۴-۲۵۶۵

اردو منیش: ۵۳۴-۵۳۵

ارزاس (ارشك): ۱۸۱۸

ارزان بن اشغان: ۲۵۶۶

ارزیوس مورخ: ۲۱۷۶-۲۲۳۷-۲۲۳۸-۲۲۴۰
۲۳۴۸

ارساباریس: ۲۱۴۹

ارسام (ارشام) جد داریوش: ۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱

۴۵۰-۷۱۰-۱۵۵۰-۱۵۷۱-۱۵۷۶-۱۵۹۹

۱۶۰۰-۱۶۰۴-۱۶۰۹-۱۶۱۲-۱۶۲۵

۱۶۳۰

ارسام پسر داریوش بزرگ: ۷۳۴-۱۶۲۶

ارسام پسر اردشیر دوم: (ارسانس)

ارسام پسر ارتباز: ۱۶۴۱

ارسام پسر استانس: ۱۶۲۹

ارسامن: (ارشام)

ارسامنس: (ارسام)

ارسان: ۱۲۸۶-۱۶۳۱

ارسانس (ارسام): ۱۱۵۲-۱۱۶۴-۱۶۲۸

۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱

۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۸

۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳

۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹

۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴

۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹

۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴

۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۴-۱۴۰۴

۱۴۵۹-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۳۶۴-۱۴۶۶

۱۴۶۸-۱۴۸۸-۱۵۲۷-۱۵۳۰-۱۵۳۷

۱۵۳۹-۱۵۴۲-۱۵۶۹-۱۵۸۸-۱۵۸۹

۱۵۹۰-۱۶۰۳-۱۶۱۱-۱۶۱۲-۱۶۱۸

۱۶۲۸-۱۶۳۰-۱۶۳۱-۱۹۴۹-۲۱۳۱

۲۱۳۲-۲۱۶۰-۲۱۹۶-۲۲۴۷-۲۲۷۰

۲۳۶۴-۲۵۳۱-۲۵۴۴-۲۶۹۳-۲۷۰۳

اردشیر سوم (اخش): ۷۴-۷۵-۲۳۱-۴۴۳

۴۷۶-۹۵۲ تا ۹۵۴-۹۵۶-۱۱۴۰-۱۱۵۲

۱۱۵۳-۱۱۵۵-۱۱۵۷ تا ۱۱۵۹-۱۱۶۴

تا ۱۱۷۹-۱۱۸۲ تا ۱۱۸۹-۱۱۹۸-۱۲۰۰

۱۲۱۴-۱۲۲۴-۱۳۲۲-۱۳۲۴-۱۴۴۸

۱۴۴۹-۱۶۰۰-۱۶۰۲-۱۶۱۱-۱۶۱۲

۱۶۲۸-۱۶۲۹-۱۶۳۰-۱۶۳۱-۱۶۳۷

۱۶۴۴-۱۸۷۱-۱۸۸۳-۱۹۳۶-۱۹۴۳

۱۹۴۴-۱۹۵۴-۲۰۱۸-۲۱۲۴-۲۱۳۲

۲۵۴۴

اردشیر چهارم: (بسوس)

اردشیر ارمنی: ۲۶۰۷-۲۶۰۸

اردشیر پاییکان: ۱۵۱۷-۲۲۰۰-۲۵۱۸-۲۵۲۹

۲۵۳۰-۲۵۳۱-۲۵۳۲-۲۵۳۳ تا ۲۵۳۵

۲۵۳۹-۲۵۴۲-۲۵۴۳-۲۵۴۴-۲۵۴۵

۲۵۴۷-۲۵۴۹-۲۵۵۱-۲۵۶۸-۲۵۶۹

۲۵۷۰-۲۵۷۱-۲۵۷۷-۲۵۷۸-۲۵۸۰

۲۵۸۱-۲۵۸۳-۲۵۹۰-۲۵۹۱-۲۵۹۲

۲۵۹۳-۲۶۰۷-۲۶۱۰-۲۶۱۱-۲۶۱۲

۲۰۶۴-۲۰۹۶-۲۱۱۰ تا ۲۱۱۲	ارسدات : ۱۷۶۴
ارن توبات : ۱۱۴۷-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۳۷۹	ارسطاطاليس: (ارسطو)
۲۰۱۹-۲۱۴۸	ارسطو: ۱۱۱۲م-۷۰-۷۳-۵۷۸-۶۳۰-۱۲۱۸
ارن داپانت: ۲۳۳۶	تا ۱۲۲۰-۱۷۳۰-۱۷۴۲-۱۷۵۵
ارنس یاد: ۲۴۰۳-۲۱۹۶	۱۷۵۶-۱۸۰۴-۱۹۲۳-۱۹۲۷-۱۹۳۱
اروان : ۲۶۳۶	۱۹۳۴-۲۰۹۹-۲۱۶۱-۲۵۵۰-۲۵۶۸
اروپ: ۱۲۳۱	ارسيخ: ۱۱۸۸ رجوع به ارشك شود
اروپا: ۶۶۰	ارسي نس: ۱۳۸۰
اروسيوس كلاروس: ۲۴۸۵	ارسيوس: (ارزيوس)
اری: ۱۹۹	ارشام: (ارسام)
اريارمنه : ۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱-۶۱۲-۸۱۵	ارشام والي مصر: ۹۶۳
۱۵۳۶-۱۵۵۱-۱۵۷۱-۱۵۷۶-۱۶۲۴	ارشام ارمني: ۲۵۹۸-۲۶۳۲-۲۶۳۳-۲۶۳۶
۱۶۲۶-۱۶۳۰	ارشاناك: ۲۶۱۲
اری تس: ۵۵۶ تا ۵۶۰	ارشاویر: (آرشاویر)
اری تی: ۷۷۳	ارشك: (انك)
اری زیوس (اریکیوس): ۱۲۴۷-۱۳۸۸-۱۶۴۰	ارشك پسر داریوش دوم: (اردشیر دوم)
۱۶۴۴-۱۶۸۴ تا ۱۶۸۶-۱۶۹۴-۱۷۰۹	ارشك دلیر: ۱۶۱۶-۲۰۷۳-۲۰۷۶-۲۶۱۲
۱۷۶۰	ارشك دوم: ۲۲۰۹-۲۶۱۹
اری منا: ۳۷۷	ارشك سوم: ۲۶۲۱-۲۶۳۷
ازب (اوسويوس): ۸۹-۲۱۷۵-۲۲۰۲-۲۳۲۴	ارشك چهارم: ۲۶۲۱
ازنيك گگی: ۲۶۱-۱۵۲۴-۱۵۲۵	ارشكان: ۲۵۸۵-۲۶۱۲
ازی ریس (از نجای پارس): ۱۸۶۳	ارطخشت: (اردشیر)
ازی ریس: ۸۴-۵۱۱-۹۳۴-۱۵۲۱	ارطخشت الطویل الیدین: (اردشیر اول: دراز دست)
اژدهاك (اژبدهاك): (آستياگس)	
اژو (پادشاه): ۷۳۱	ارفع الدوله: ۱۲۲-۱۲۳م
اسپانامیتس: ۹۰۴	ارکساندر: ۵۹۶
اسپارترا: ۲۶۷	ارکسی نس: (ارسی نس)
اس پرئی یس: ۷۵۴	ارگیشتی دوم: ۱۷۱-۱۷۲
اسپهید پهلو: (پهلو)	ارمان: ۶۱
اسپی تاسس: ۴۵۴	ارمیا: ۱۸۳-۱۹۲-۳۹۸-۴۰۱
اسپی تاماس: ۴۵۴	ارنت: ۱۱۵۴-۱۱۵۸
استاتیرا (ملکه اردشیر): ۹۵۷-۹۶۱-۹۶۲	ارن تاس: ۱۰۱۰-۱۰۴۴-۱۰۵۳
۹۹۵-۹۹۸-۱۰۳۷-۱۰۵۴-۱۰۹۶	۱۱۲۴-۱۱۲۶ تا ۱۱۳۸-۲۰۴۹
۱۱۵۸-۱۱۶۴-۱۴۶۶	ارن تن: ۱۶۲۸-۱۶۳۱-۲۰۱۳-۲۰۶۱

۱۱۴۸ - ۱۱۱۱ - ۱۰۹۵ - ۱۰۳۰

۱۱۸۸ - ۱۱۸۷ - ۱۱۸۴ - ۱۱۸۲ - ۱۱۶۶

۱۲۰۹ - ۱۲۰۴ - ۱۲۰۳ - ۱۱۹۰ - ۱۱۸۹

۱۲۹۵ تا ۱۲۹۹ تا ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ تا ۱۴۴۹

۱۴۶۴ - ۱۴۸۶ - ۱۴۶۶ - ۱۴۷۸ - ۱۴۸۳

۱۴۸۵ تا ۱۵۱۰ - ۱۵۱۴ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷

۱۵۲۷ - ۱۵۲۹ - ۱۵۳۲ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۸

۱۵۵۵ - ۱۵۶۲ - ۱۵۶۴ تا ۱۵۶۶ - ۱۵۷۸

۱۵۸۳ - ۱۵۹۳ تا ۱۵۹۵ تا ۱۶۲۹ تا ۱۶۴۸

۱۹۵۴ تا ۱۹۷۹ - ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ تا

۱۹۹۹ - ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳

۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱

۲۰۳۴ - ۲۰۳۶ - ۲۰۳۷ - ۲۰۴۳

۲۰۴۴ - ۲۰۴۶ - ۲۰۴۸ - ۲۰۵۱ - ۲۰۵۲

تا ۲۰۶۰ - ۲۰۶۲ تا ۲۰۶۴ - ۲۰۶۸ تا

۲۰۷۰ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۰

۲۰۸۱ - ۲۰۹۰ تا ۲۱۰۰ تا ۲۱۰۷ تا ۲۱۰۹

۲۱۱۷ - ۲۱۱۹ تا ۲۱۲۱ - ۲۱۲۳ - ۲۱۲۴

۲۱۳۲ - ۲۱۳۹ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۱ - ۲۱۵۳

۲۱۵۹ - ۲۱۶۱ تا ۲۱۶۴ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۸

۲۱۸۴ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۴ - ۲۱۹۹

۲۲۰۲ - ۲۲۰۵ - ۲۲۰۸ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۴

۲۲۱۶ - ۲۲۲۱ - ۲۲۴۹ - ۲۲۷۸ - ۲۲۶۰

۲۲۷۰ - ۲۲۷۱ - ۲۲۸۱ - ۲۲۸۲ - ۲۳۹۸ - ۲۴۶۵

۲۴۷۰ - ۲۴۷۲ - ۲۴۷۳ - ۲۴۸۴ - ۲۴۸۶ - ۲۴۷۳

۲۵۱۹ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۳ - ۲۵۴۷ - ۲۵۴۹ - ۲۵۵۰

۲۵۵۱ - ۲۵۵۴ - ۲۵۵۵ - ۲۵۵۷ - ۲۵۵۸

۲۵۶۱ - ۲۵۶۵ - ۲۵۶۸ تا ۲۵۷۱ - ۲۵۷۳

۲۵۷۶ - ۲۵۷۷ - ۲۵۸۴ - ۲۵۹۵ - ۲۶۰۵

۲۶۱۰ - ۲۶۲۴ - ۲۶۲۵ - ۲۶۳۴ - ۲۶۵۷

۲۶۷۰ - ۲۶۸۱ - ۲۶۸۸ - ۲۶۸۹ - ۲۶۹۱

۲۶۹۹ - ۲۷۰۰

اسکندر پسر آمینتاس : (آلکساندر آمینتاس)
اسکندر والاس : ۲۱۵۶

استاتیرا (زن داریوش سوم) : ۱۳۶۲ - ۱۶۲۸

۱۶۲۹ - ۱۶۳۱ - ۱۸۸۳ - ۱۸۹۲

استاتیرا (دختر داریوش سوم) : ۱۳۴۴ - ۱۴۴۶

۱۴۴۹ - ۱۹۳۴ - ۱۹۵۴

استانس : ۹۹۰ - ۹۹۵ - ۱۱۲۱ - ۱۱۸۷

۱۴۴۹ - ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹

استر : ۶۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۲ تا ۹۰۴

۱۴۶۵ - ۱۴۶۶ - ۱۶۰۳

استرابون : (سترابون)

استراسلسکی : ۴۵۸ - ۴۶۲ - ۴۶۷

استروناس : ۱۱۱۶

استفانوس : ۱۳۹۹

استن : ۱۱۸۸

استین (اورل) : ۱۶۲۲

اسخین : ۶۷۰ - ۱۲۲۵

اسراس : ۲۰۸۷

اسر حدون : (آسور حیدین)

اسرهه : (خسرو)

اسفندیار : ۱۴۱ - ۴۸۲ - ۲۵۷۱

اسفیانوس : ۲۵۵۱

اسکریگر (مورخ) : ۱۳۲ - ۲۸۱ - ۵۰۶ - ۹۱۲

۱۱۸۶ - ۱۲۱۵ - ۱۲۰۴ - ۲۱۴۴ - ۲۲۹۷

۲۳۱۶ - ۲۳۴۰ - ۲۳۸۳ - ۲۴۳۲

اسکلیپاد : ۱۹۱۷

اسکندر اول : ۱۱۹۲ - ۱۱۹۳

اسکندر سوم (بزرگ) : ۴۹۹ - ۴۱۲ - ۱۳۲ م

۱۳۹ - ۱۴۱ م - ۱۴۴ م - ۲۱ - ۲۴ - ۷۶ تا

۷۸ - ۸۲ تا ۸۶ - ۸۸ - ۹۰ - ۹۸ - ۱۳۲ - ۱۴۵

تا ۱۴۷ - ۱۴۹ - ۱۵۱ - ۱۹۰ - ۱۹۳ - ۲۰۵

۲۰۶ - ۲۲۴ - ۳۷۶ - ۴۳۸ - ۴۷۴ - ۴۷۷

۴۸۶ - ۵۰۸ - ۵۵۵ - ۶۱۲ - ۶۱۸ - ۶۲۳

۶۲۴ - ۶۳۰ - ۶۸۷ - ۶۹۰ - ۶۹۴ - ۷۰۱

۷۱۶ - ۷۴۹ - ۷۷۹ - ۸۸۴ - ۹۰۶ - ۹۲۹

۹۳۹ - ۹۵۵ - ۱۰۰۶ - ۱۰۲۶ - ۱۰۲۹

۲۲۶۴ - ۲۲۶۲ - ۲۲۶۰ - ۲۲۵۰ - ۲۲۳۳ تا	اسکندر برادر المپاس : ۱۲۰۰
۲۵۳۹ - ۲۲۹۳ - ۲۲۸۰ - ۲۲۷۷ - ۲۲۷۱	اسکندر پادشاه ایبر : ۲۰۴۵
۲۶۴۷ - ۲۶۴۰ - ۲۶۱۲ - ۲۶۱۱ - ۲۵۸۷	اسکندر اول مصر : (بطلمیوس نهم)
۲۶۵۶ - ۲۶۵۵ - ۲۶۵۱ - ۲۶۴۹ - ۲۶۴۸	اسکندر دوم مصر : (بطلمیوس دهم)
۲۶۵۷ - ۲۶۶۳ - ۲۶۷۶ - ۲۶۷۸	اسکندر پسر ملکه هند : ۱۷۷۱
۲۲۳۴ - ۲۱۶۹ : اشك هفتم (فرهاد دوم)	اسکندر پسر بولیس پر خون : ۲۰۲۷ - ۲۰۲۸
۲۲۸۰ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۷ تا ۲۲۴۷ - ۲۲۷۷ - ۲۲۸۰	۲۰۳۱ تا ۲۰۳۳
۲۶۷۰ - ۲۶۵۷ - ۲۶۵۲ - ۲۶۱۲ - ۲۵۸۷	اسکندر چهارم (پسر اسکندر بزرگ) : ۱۹۸۹
۲۲۴۷ - ۲۱۶۹ : اشك هشتم (اردوان دوم)	۱۹۹۱ - ۱۹۹۳ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۴ - ۲۰۲۳
۲۲۷۶ - ۲۲۵۹ - ۲۲۵۸ - ۲۲۴۹ - ۲۲۴۸	۲۰۲۷ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۴
۲۶۱۲ - ۲۶۴۹ - ۲۶۵۷	۲۰۵۵
۲۲۶۴ - ۲۱۶۹ : اشك نهم (مهرداد دوم)	اسکندری، عباس : ۲۶ - ۱۲۱ م
۲۲۷۵ - ۲۲۷۳ - ۲۲۷۲ - ۲۲۶۷ - ۲۲۶۶	اسکولاپ : ۱۳۰۱ - ۱۸۲۶
۲۳۹۰ - ۲۳۸۵ - ۲۲۹۰ - ۲۲۸۰ - ۲۲۷۶	اسکیلان : ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۴۰ - ۱۹۲۳
۲۶۵۷ - ۲۶۴۰ - ۲۶۱۲ - ۲۴۷۰ - ۲۴۶۴	اسماعیل : ۴۴۵
۲۶۹۸ - ۲۶۶۳	اسمیت (آرمیتاز) : ۵۷ م - ۶۰ م
۲۱۶۹ - ۲۲۷۶ : اشك دهم (سندروك)	اسورحیدین : (آسور حیدین)
۲۶۵۷ - ۲۲۸۳ - ۲۲۸۱	اسی توس : ۷۹۱
۲۲۸۱ - ۲۲۸۰ - ۲۲۷۶ : اشك یازدهم : (فرهاد سوم)	اش الجبار : ۲۵۷۲
۲۶۷۶ - ۲۶۵۷ - ۲۶۱۲ - ۲۲۹۱ - ۲۲۸۳	اشعیاء : ۱۷۱ - ۳۹۸ - ۴۰۰ - ۴۰۱
۲۲۸۹ - ۲۲۷۶ : اشك دوازدهم (مهرداد سوم)	اشك اول (ارشك) : ۲۱۶۵ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۰
۲۶۵۷ - ۲۶۱۳ - ۲۳۳۱ - ۲۲۹۴ تا	۲۲۰۲ - ۲۲۰۳ - ۲۲۳۳ - ۲۲۶۷۸ - ۲۶۸۰
۲۲۷۶ - ۲۱۹۶ : اشك سیزدهم (ارد اول)	اشك دوم (تیرداد اول) : ۲۱۶۷ - ۲۲۰۳
۲۳۰۱ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۱ تا ۲۲۹۵ - ۲۲۹۹ تا ۲۳۰۱	۲۲۰۸ تا ۲۲۰۸ - ۲۲۳۳ - ۲۶۱۲ - ۳۶۴۷ - ۲۶۴۸
۲۳۰۴ - ۲۳۰۵ - ۲۳۲۱ تا ۲۳۲۳ - ۲۳۲۵	۲۶۷۶ - ۲۶۸۳
۲۳۲۷ تا ۲۳۳۴ - ۲۳۳۱ تا ۲۳۴۳ - ۲۳۴۸	اشك سوم (اردوان اول) : ۲۰۸۱ - ۲۱۶۷
۲۵۳۹ - ۲۵۳۷ - ۲۵۰۶ - ۲۴۷۳ - ۲۳۵۱ تا	۲۲۰۹ تا ۲۲۱۲ - ۲۲۱۵ - ۲۶۴۹ - ۲۶۷۶
۲۶۴۹ - ۲۵۵۸ - ۲۵۵۱ - ۲۶۱۳ - ۲۶۳۱ - ۲۶۴۹	۲۶۸۰
۲۶۶۶ - ۲۶۷۶ - ۲۶۹۶ - ۲۷۱۹	اشك چهارم (فری یابت) : ۲۱۶۷ - ۲۲۱۳
۲۳۵۳ تا ۲۳۴۹ : اشك چهاردهم (فرهاد چهارم)	۲۲۱۵ - ۲۲۴۷ - ۲۶۷۶
۲۳۷۴ - ۲۳۷۱ تا ۲۳۶۹ - ۲۳۵۹ - ۲۳۵۵	اشك پنجم (فرهاد اول) : ۲۱۶۷ - ۲۲۱۵
۲۵۳۷ - ۲۴۳۲ - ۲۴۱۸ - ۲۴۰۷ - ۲۳۸۸ تا	۲۲۱۶ - ۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۰ - ۲۲۹۳
۲۶۲۴ - ۲۶۲۳ - ۲۶۱۳ - ۲۶۰۱ - ۲۵۳۹	۲۶۵۷
۴۶۷۶ - ۲۶۵۰	اشك ششم (مهرداد اول) : ۲۱۶۷ - ۲۲۱۹

۲۵۰۵-۲۵۰۷ تا ۲۵۱۱-۲۵۱۴ تا ۲۵۱۷
 ۲۵۶۷-۲۶۱۳-۲۶۵۹-۲۶۹۶
 اشک بیست و هشتم (بلاش پنجم) : ۲۵۱۷ تا
 ۲۵۲۱-۲۵۳۳-۲۵۴۶-۲۵۵۱-۲۵۵۴ تا
 ۲۵۶۷-۲۵۶۹ تا ۲۵۷۱-۲۵۷۷-۲۵۷۸
 ۲۵۸۱-۲۵۹۰-۲۶۱۳-۲۶۵۹-۲۶۷۷
 ۲۶۹۶

اشک بیست و نهم (اردوان پنجم) : ۲۵۱۵
 ۲۵۱۷ تا ۲۵۲۵-۲۵۲۸ تا ۲۵۳۵-۲۵۳۹
 ۲۵۴۱-۲۵۴۲-۲۵۴۶-۲۵۴۸ تا ۲۵۵۶
 ۲۵۶۷-۲۵۶۸-۲۵۷۰ تا ۲۵۷۳-۲۵۷۷
 ۲۵۷۸-۲۵۸۰-۲۵۸۱-۲۵۸۳-۲۵۹۰
 ۲۵۹۱-۲۵۹۷-۲۶۱۳-۲۶۱۸-۲۶۶۷
 ۲۶۷۳-۲۶۹۶

اشک بن اشک : ۲۵۵۱ تا ۲۵۵۳-۲۵۵۶
 اشک بن اشکان (اشجان) : ۲۵۴۶-۲۵۶۸
 ۲۵۷۰-۲۵۷۱-۲۵۷۵-۲۵۷۸-۲۵۷۹
 ۲۵۸۰

اشک بن جزه : ۲۵۴۷-۲۵۷۱
 اشک بن دارا : ۲۵۶۷-۲۵۷۶
 اشکان بن کی ارش : ۲۵۵۷
 اشیل : ۴۷۷-۴۸۱-۵۳۷-۶۸۸-۸۲۵-۹۰۴
 ۱۱۴۷-۱۳۵۷-۱۹۹۹
 اصطخری : ۱۰۳ رجوع به المسالك و العمالک
 شود.

اعتصامی (یوسف) : ۱۲۹ م
 اعتلاءالسلطنه : ۴۵۹-۴۷۶-۴۸۵
 اعتمادالدوله : ۱۱ م
 اعتمادالسلطنه : ۱۴۴ م-۲۵۸۱
 اعلمالدوله (خلیل خان) : ۱۱۵ م
 افراتاس : ۳۵۲
 افراسیاب : ۲۵۸۲
 افران تیدس : ۸۲۴
 آفریکن : (آفریکانوس)

اشک پانزدهم (فرهادک) : ۲۳۸۱-۲۳۸۲
 ۲۳۸۴-۲۳۸۶ تا ۲۳۹۱-۲۴۱۳-۲۵۳۸
 ۲۵۶۰-۲۶۱۳-۲۶۶۱-۲۶۸۰-۲۶۹۳
 اشک شانزدهم (ارد دوم) : ۲۳۹۱-۲۶۱۳
 اشک هفدهم (ورن اول) : ۲۳۹۱ تا ۲۳۹۹
 ۲۴۱۳-۲۴۱۸-۲۴۲۲

اشک هیجدهم (اردوان سوم) : ۲۳۹۲ تا ۲۴۰۷
 ۲۴۰۹ تا ۲۴۱۳-۲۴۱۶-۲۴۱۷-۲۴۲۳
 ۲۴۲۹-۲۴۴۹

اشک نوزدهم (بردان) : ۲۴۱۳ تا ۲۴۱۸
 ۲۴۲۲

اشک بیستم (گودرز پسر اردوان سوم) : ۲۴۱۴
 تا ۲۴۲۴-۲۴۱۹-۲۴۴۰-۲۴۵۰-۲۴۵۶
 اشک بیست و یکم (ورن دوم) : ۲۴۲۳-۲۴۲۴
 ۲۴۶۲-۲۴۱۴

اشک بیست و دوم (بلاش اول) : ۱۵۱۷-۲۴۲۴
 تا ۲۴۳۷-۲۴۳۹ تا ۲۴۵۷-۲۴۵۹ تا ۲۴۶۶
 ۲۴۶۰-۲۴۷۱-۲۴۷۴-۲۴۸۷-۲۵۲۹
 ۲۵۳۸-۲۶۱۳-۲۶۲۳-۲۶۶۲-۲۶۶۳
 ۲۶۷۰-۲۶۹۱-۲۶۹۶

اشک بیست و سوم (پاکر دوم) : ۲۴۶۳-۲۴۶۵
 تا ۲۴۶۹-۲۴۷۴-۲۶۱۳-۲۶۷۶
 اشک بیست و چهارم (خسرو) : ۲۴۶۸-۲۴۶۹
 ۲۴۷۱-۲۴۷۳ تا ۲۴۷۵-۲۴۷۷-۲۴۷۷
 ۲۴۷۹-۲۴۸۱-۲۴۸۳-۲۴۸۶ تا ۲۴۹۰
 ۲۵۱۵-۲۶۱۳-۲۶۴۹

اشک بیست و پنجم (بلاش دوم) : ۲۴۶۲-۲۴۶۹
 ۲۴۸۸-۲۴۹۰ تا ۲۵۱۵-۲۶۱۳
 ۲۶۷۶

اشک بیست و ششم (بلاش سوم) : ۲۴۹۳ تا
 ۲۵۰۴-۲۵۰۶-۲۶۱۳-۲۶۵۸-۲۶۹۶
 ۲۷۱۴

اشک بیست و هفتم (بلاش چهارم) : ۲۵۰۳ تا

- افشار، ایرج: ۴- ۱۳- ۲۶- ۱۳۶ م
افشار (دکتر): ۵۷ م
افضل کرمانی: ۸۲- ۹۰- ۱۲۶ م
افقور: (پاکر)
افلاطون: ۱۱۲- ۸۴- ۸۹- ۱۲۱۸- ۲۱۳۱
افلاطون آئنی: ۱۴۲۸
افورب: ۶۷۰
افیالت: ۷۸۰- ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۵
افی کرات: ۱۳۲۲
اقبال آشتیانی: ۱۱۵- ۱۲۹- ۱۳۵ م
افقور: (افقور)
اکباتانی (مهدی): ۱۳۲- ۱۳۸- ۹۰۶- ۱۹۴۷
۲۷۲۳
اکتاویوس اگوست: ۶۸- ۷۱- ۷۹- ۲۱۲۷
۲۱۲۸- ۲۱۵۲- ۲۳۱۵- ۲۳۱۶- ۲۳۱۹
تا ۲۳۲۳- ۲۳۳۹- ۲۳۴۱- ۲۳۴۳ تا ۲۳۴۶
۲۳۴۷- ۲۳۵۲- ۲۳۵۴- ۲۳۷۱- ۲۳۷۶
۲۳۷۷ تا ۲۳۸۵- ۲۳۸۸- ۲۳۸۹- ۲۳۹۱
۲۳۹۷- ۲۳۹۷- ۲۴۰۷- ۲۴۱۹- ۲۴۳۱
۲۴۷۰- ۲۴۸۷
اکزائرش: (اکزائرس)
اکزودات: ۱۷۲۵
اکسانر: ۱۸۸۰
اکسارتس: ۱۷۵۹
اکساندرس: ۹۹۰- ۹۹۱- ۹۹۵ و رجوع به
اکزائرش شود
اکس تارخس: (اکسیارتس)
اکسن دارس: ۲۴۶۸- ۲۴۶۹- ۲۴۷۴- ۲۴۷۷
۲۴۸۷
اکسی یاترس: ۱۱۶۶
اکسی یارتس: ۱۴۶۶- ۱۶۹۳- ۱۸۳۳- ۱۸۳۴
۱۸۸۳- ۱۹۵۴- ۱۹۶۷- ۱۹۶۹- ۱۹۹۳
۲۰۰۸- ۲۰۱۹
اکسی پی نوس: ۱۷۱۶
اکسی داتس: ۱۶۳۷
اکسی دارک: ۱۸۲۶- ۱۸۲۷- ۱۸۳۰- ۱۸۳۷
۱۸۳۸- ۱۸۴۱
اکسی نس: ۱۳۷۹
اکویتاس: ۲۶۹۰
اگرون: ۱۹۴
اگزائرس: ۱۳۱۰- ۱۳۲۲- ۱۳۷۹- ۱۴۳۰
۱۴۴۵- ۱۴۴۹- ۱۶۲۸- ۱۶۲۹- ۱۶۳۷
۱۶۵۰- ۱۶۹۹- ۱۸۸۳- ۱۷۹۷- ۲۱۴۹
اگزائرس پسر آمس تریس: ۲۰۴۹
اگزدارس: ۲۱۹۶
اگزای داتس: ۱۴۳۱
اگوبارس: ۱۸۸۵
اگوست ربانی: (اکتاویوس)
اگیپ توس: ۱۸۱۹
ال: ۴۴۲
الاپ تونیوس: ۱۷۴۶
الات: (ال، آفرودیت)
الخودونیوس: ۲۳۲۸
الکساندر: (آلکساندر، اسکندر)
المیاس: ۱۲۰۰- ۱۲۰۶- ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۴
۱۲۱۶- ۱۲۱۷- ۱۲۳۸- ۱۳۵۲- ۱۳۵۳
۱۳۵۶- ۱۴۰۹- ۱۷۴۴- ۱۸۱۹- ۱۸۸۰
۱۸۸۳- ۱۸۹۹- ۱۹۱۱- ۱۹۱۴- ۱۹۱۵
۱۹۳۳- ۱۹۳۴- ۱۹۳۷- ۱۹۳۹- ۱۹۵۵
۱۹۹۷- ۲۰۰۱- ۲۰۰۲- ۲۰۰۴- ۲۰۰۵
۲۰۱۳- ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۸- ۲۰۳۲- ۲۰۴۴
اله آزار: ۲۶۹۰- ۲۶۱۰
الین: (الین)
الین وارتابد: ۹۸- ۲۱۸۱- ۲۶۱۰
الین: ۷۴- ۱۱۷۹- ۱۱۸۳- ۱۸۰۴- ۱۸۹۲
۲۲۴۰
امارس: ۱۲۵۶
امام جمعه خویی: ۳۳- ۵۷- ۱۰۳ م

اوپن، ۱۶۲۱	امیزس دوم: ۹۴۴
اوتانااوس: ۸۰۰	امن انازی رونت: ۸۱۵
اوتروییوس: ۲۱۷۷-۲۴۷۹-۲۵۰۱-۲۵۲۵	امنس: ۱۸۰۲
اوتو، ۲۴۵۴	امیر بهادر، ۷م-۴۰ تا ۴۶م-۱۱۷م
اوتو فرادات: (اتوفرادات)	امیر کبیر: ۱۰م
اوتی دمسوس: ۲۰۸۲-۲۲۱۱-۲۲۱۴-۲۲۱۵	امیر نظام: ۷۱م-۱۲۴م
۲۲۲۳-۲۲۵۹	امیزس، ۹۹۴
اوجاگر رست، ۵۰۲-۵۰۳-۵۰۶-۵۰۷-۵۶۸	امین السلطان (انابک): ۱۴م-۱۸م
۵۷۰	امین الضرب: ۱۰م-۱۲م-۱۹م-۷۲م
اوخرس: ۱۱۴۱	اناهیتا (ناهید): ۹۹۳-۱۰۹۷-۱۱۵۳-۱۵۱۵
اوخوس، (اخس)	۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۷-۱۵۲۹-۱۵۳۰
اودم: ۱۸۶۳	۱۶۱۱-۱۶۱۳-۲۰۸۱-۲۰۸۴-۲۷۰۲
اوداموس: ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹-۲۰۱۷-۲۰۵۷	۲۷۰۳-۲۷۱۹- و رجوع به ناهید شود .
اودیاس تس: ۹۶۱-۹۶۲	انس کریت: ۸۲-۱۲۴۴-۱۶۴۹-۱۷۹۲-۱۸۲۰
اورانوس: ۱۹۲۵-۱۹۲۱	۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴-۱۸۶۱-۱۸۶۵-۱۸۷۷
اورانی (آفرودیت): ۴۸۷	۱۸۸۴-۱۹۲۲
اورتا کو: ۱۳۷-۱۳۸	انسلیوس: ۶۴۸ تا ۶۶۰
اورخان، ۲۱۵۲	ان ماکریت: ۷۰۴
اورسی لوس: ۱۴۴۲	انمر جبار: ۲۵۵۱-۲۵۵۲
اورکسی نس (اورسی نس): ۱۸۷۰-۱۸۷۲ تا	انی: (ونن)
۱۸۷۵	ان تو: ۱۱۵
اورگت: ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵	ان نیو: ۷۰
اورگت: (بطلمیوس سوم)	انیوس: ۲۲۴۳
اورگت دوم: ۲۱۸۰	انوش بن یلاس: ۲۵۷۹
اورلین، ۲۶۰۷	انوفاس: ۵۳۱-۵۳۵
اورمزد: (هرمزد)	انه: ۲۱۷۹
اوروا: ۲۶۲۹-۲۶۳۰	انیاس: ۲۱۵۶
اوریاناکس: ۸۵۲	اواگراس: ۱۱۱۶-۱۱۲۳ تا ۱۱۲۷-۱۱۶۹-
اوری پات: ۲۸۵	۱۱۷۲-۲۰۱۹-۲۰۳۸-۲۶۰۵
اوری بیاد: ۷۹۰-۸۰۲-۸۰۵ تا ۸۰۷-۸۱۱	اواگراس دوم: ۱۴۹۶
۸۲۰-۸۲۸-۸۷۸-۸۸۵	اوپا تر: (آنتیوخوس پنجم)
اوری تس: ۶۲۸	اوپا تر: (مهر داد ششم)
اوری دیس: ۱۹۵۵-۱۹۹۲-۱۹۹۳-۲۰۰۴	اوپا ترا: ۲۱۴۹
۲۰۰۵-۲۰۲۲-۲۰۲۸	اوپدرم: ۵۳۹

اون وولا: ۲۶۹۳	اوری لوک: ۱۷۴۷ - ۱۷۴۸ - ۱۷۵۶
اونو ماسترید: ۱۳۲۲	اوزبس فیلوپاتر: ۲۱۳۰
اوهم: ۸۷	اوزلی: ۱۵۸۱
اوی توس: ۲۰۱۹	اوساک: ۲۳۳۴ - ۲۳۳۵
اوید: ۲۳۳۱	اوسویوس: ۶۹ - ۷۶ - ۸۱ - ۸۶ - ۱۹۰ - ۱۱۸۶
اویوس: ۱۹۰۴	۱۴۵۶ - ۲۲۳۸ - ۲۲۴۰ - ۲۶۳۳
اهورمزدا: ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۲ تا	اوسه آن: ۱۸۵۰
۱۴۵۳ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۱ - ۵۷۱ - ۵۷۰ - ۵۴۸	اوفرولاس: ۳۰۷
۱۴۶۱ - ۱۵۱۵ - ۱۵۲۱ تا ۱۵۲۹ - ۱۵۵۱	اوفرور: ۱۰۲۶
۱۵۶۹ - ۱۵۷۱ تا ۱۵۷۷ - ۱۵۸۴ - ۱۵۸۵	اوکرانیدس: ۲۱۱۸ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۸
۱۵۹۲ - ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۰ - ۱۶۰۲ - ۱۶۰۴ تا	اوکلیداس: ۹۹۵
۱۶۰۷ - ۱۶۰۹ تا ۱۶۱۴	اوگ بارو: (گبر یاس)
ای بارس: ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۱۶۲۵	اولادین اشکان: ۲۵۷۸ - ۲۵۷۹
ای تام نس: ۹۴۰	اولی یخس: ۲۱۵۰
ای تامیترس (ایشامتر): ۷۳۳ - ۷۶۷ - ۱۶۲۷	اومان مینانو: ۱۳۶
۱۶۲۸	اومانوس: ۱۵۲۱ - ۱۵۷۷
ای تانس: ۱۸۸۵	اومر: (هی مر)
ایت تی مردوک بالاتو: ۵۵۳	اوم فیس: ۱۷۸۰ - ۱۷۸۳
ایخ توویکو: ۲۰۰ - ۲۰۳ - ۲۶۴	اومن: ۱۴۲ م - ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ - ۱۹۶۷ - ۱۹۷۰
ایدان تیرس: ۶۰۳ - ۶۰۵	۱۹۸۲ - ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ - ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵
ایدرنس (ایدارنس): ۵۳۱ - ۵۳۵ - ۹۶۱	۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵
۱۳۴۶	۲۰۰۶ - ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ - ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸
ایدیره: ۱۱۸۵	۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۶ - ۲۰۵۵
ایران شهر بن بلاش: ۲۵۶۱ - ۲۵۶۵	۲۰۵۷ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۴ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۸
ایرن: ۲۱۵۷	۲۱۳۶
ایریس: ۲۰۹۴	اومن اول: ۲۰۷۲ - ۲۰۸۷ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۵
ایزد: ۲۴۱۲	۲۱۴۹ - ۲۱۶۶
ایزو کرات: ۹۴۱ - ۱۱۳۲ - ۲۱۲۷	اومن دوم: ۲۱۴۹ - ۲۱۶۹
ایزولسکی: ۲۸ - ۱۱۶ م	اومن هزس: ۲۴۴۲
ایزیدور خارا کسی: ۹۳ - ۱۴۸۹ - ۱۵۶۸	اومنس: ۱۸۸۳
۲۱۷۵ - ۲۱۷۸ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۸ - ۲۲۶۷	اومید یوس: ۲۴۳۳ تا ۲۴۳۵
۲۳۷۸ - ۲۶۴۵ - ۲۶۵۴ - ۲۷۰۱	اون تاشکال: ۱۳۵
ایزیس: ۸۴ - ۸۵ - ۵۱۱ - ۱۵۲۱	اون توس: ۷۶۸
	اون گناد: ۶۴

برسان تس : ۱۷۸۵	بت تا : ۴۷ - ۱۵۶۰
برستید : ۱۶۲۰	بختری : ۲۵۵۹
برسائت : ۱۳۷۹	بخت النصر : ۵۵ - ۱۲۵ - ۱۸۷ - ۳۷۸ - ۳۸۲
برسیميوس : ۲۵۰۵	۳۸۴ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۸ - ۴۰۱ -
برسين : ۱۳۲۰ - ۱۸۸۳ - ۱۹۵۴ - ۱۹۵۶ -	۴۰۲ - ۴۴۶ - ۴۷۶ - ۵۳۹ - ۵۴۰ -
۱۹۶۰ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۵ - ۲۱۰۸	۵۴۷ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۶۸۸ - ۱۰۴۶ -
برقوق : ۱۰۶	۱۴۵۶ - ۱۵۰۹ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۸۸
برکلی : ۸۳۷	۲۴۷۳
برگ : ۳۶	بخت النصر دوم : ۱۹۱ تا ۱۹۴ - ۱۹۸ - ۲۰۱
برن نوش (برن نیوس) : ۹۸۵ - ۲۰۶۷	۲۰۲ - ۲۲۶۸ - ۲۴۰۸
برنیس : ۲۰۷۳ - ۲۰۷۴ - ۲۱۵۴	بدر (نصیرالدوله) : ۱۲۸ م
برنیس دوم : ۲۱۷۰	بدرس : ۷۳۶
برنیس سوم : (بطلمیوس دوازدهم)	بدیع الزمان فروزانفر : ۱۲۶ م
برنیس چهارم : ۲۱۵۸ - ۲۱۷۰	بر : ۶۹
بروتوس : ۲۳۴۰ - ۲۳۴۲	برازاس (برازانت) : ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲
بروجردی (حسین) : ۲۰ م	بردان : (اشک نوزدهم)
بروسا : (بروزیاد)	بردان پسر بلاش : ۲۴۳۴ - ۲۴۳۶
بروکهاوز : ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸	بردلیس : ۱۲۲۹
بروکوبولوس : ۱۴۴۲	بردیا : ۲۱۹ - ۴۶۵ - ۴۸۰ - ۴۸۳ - ۴۸۹ -
برون (ادوارد) : ۴ - ۷ - ۹ - ۱۰ - ۴۱ م	۴۹۹ - ۵۱۶ تا ۵۲۰ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۲ -
۴۲ م	۵۳۵ - ۵۳۸ - ۵۴۶ - ۵۵۴ - ۷۳۸ -
بر : ۷۷۳ - ۷۷۴	۹۰۸ - ۱۴۵۷ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۸۹ -
بریستن : ۵۷۹ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۹۶	۱ - ۱۵ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۶ -
بزنا : ۸۹۸	۱۵۷۷ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶ - ۲۱۲۳ - ۲۱۲۹
بساکس : ۷۳۶	۲۱۳۱ و رجوع به سمر دیس شود.
بسوس : ۱۴۰ م - ۱۴۱ م - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰	برز : (فیروز)
۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۴ تا ۱۴۴۳ -	برز : (برس)
۱۴۴۵ - ۱۴۴۷ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۸ تا	برزانت : ۱۶۵۴
۱۶۴۰ - ۱۶۴۲ - ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۶ -	برزن : ۱۷۲۰
۱۶۸۵ - ۱۶۹۰ تا ۱۶۹۴ - ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۹	برزن تس : ۱۶۵۶
۱۷۰۳ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ - ۱۷۷۶	برزیا : (بردیا)
بشام : ۵۱	برس : ۷۶ - ۱۷۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۹ - ۳۹۳ -
بش تسب : (ویشتاسب)	۳۹۴ - ۴۵۴ - ۴۷۰ - ۲۰۷۰ - ۲۲۵۶ -
بشلام : ۴۷۰	۲۶۰۳ - ۲۶۰۴

بطلمیوس سردار اسکندر : ۷۴ - ۷۷ - ۸۲ - ۷۴۳ - ۱۱۹۳ - ۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۵ - ۱۳۰۷ - ۱۳۱۲ - ۱۳۵۴ - ۱۳۹۲ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۵ - ۱۶۰۸ - ۱۶۴۹ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۶ - ۱۶۹۶ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۰ - ۱۷۰۵ - ۱۶۹۹ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۸ - ۱۷۵۷ - ۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۹۴ - ۱۷۸۷ - ۱۷۶۸ - ۱۸۰۱ - ۱۸۱۰ - ۱۸۲۰ - ۱۸۲۲ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۷ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۴۰ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ - ۱۸۵۷ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۷ - ۱۸۸۳ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۵ - ۱۹۱۷ - ۱۹۱۹ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۹ - ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۷ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ - ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۹ تا ۲۰۳۸ - ۲۰۴۳ تا ۲۰۴۸ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۹ تا ۲۰۶۱ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۶ - ۲۰۹۸ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۸ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۶ - ۲۲۱۷ - ۲۶۰۴ بطلمیوس دوم (فیلادلف) : ۱۹۱۶ - ۲۰۶۲ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۴ - ۲۱۳۴ - ۲۱۵۳ - ۲۱۶۶ - ۲۲۰۳ - ۲۶۰۳ بطلمیوس سوم (اورگت) : ۴۳ - ۱۰۹ - ۲۰۷۴ - ۲۰۷۹ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۸ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴ بطلمیوس چهارم (فیلوپاتر) : ۲۰۸۲ - ۲۰۹۹ - ۲۱۵۵ - ۲۱۶۸ بطلمیوس پنجم (ایپیفان) : ۴۲ - ۴۳ - ۲۰۸۲ - ۲۱۵۵ - ۲۲۲۱ بطلمیوس ششم (فیلومتر) : ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶ - ۲۱۶۸ بطلمیوس هفتم : ۲۱۵۶ - ۲۱۶۸

بوکسوس : ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱	بلاذری : ۱۰۱ - ۱۰۲
بوگس : ۷۴۷	بلاس : (بلاش)
بولیس : ۷۵۴	بلاش ارل : (اشک بیست و دوم)
بون زن : ۱۰۹	بلاش دوم : (اشک بیست و پنجم)
بهاء السلطان : ۶۴	بلاش سوم : (اشک بیست و ششم)
بهار (ملک الشعراء) : ۲۲ - ۲۴ - ۳۷ - ۵۷ م	بلاش چهارم : (اشک بیست و هفتم)
۶۰ م - ۶۲ م - ۶۵ م - ۷۷ م - ۷۹ م - ۸۴ م -	بلاش پنجم : (اشک بیست و هشتم)
۹۰ م - ۹۶ م - ۹۷ م - ۱۰۶ م	بلاش بن بهرام : ۲۵۷۶ - ۲۵۷۹ - ۲۵۸۰
بهافرید : ۲۵۴۸ - ۲۵۴۹	بلاش بن خسرو : ۲۵۶۶ - ۲۵۶۸ و رجوع به
بهبهانی (سید محمد) : ۱۰ - ۲۲ - ۱۰۴ م	بلاش پنجم شود .
به تیس : ۱۳۴۷ - ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ - ۱۳۷۶ -	بلاش فاتح (فیروز) : ۲۵۷۷ - ۲۵۷۹ - ۲۵۸۰
۱۴۱۹	بلاش بن هرمز : ۲۵۷۸
بهرام اشکانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۶ - ۲۵۷۸	بلاش ارمنی : ۲۵۸۹ - ۲۵۹۰ - ۲۵۹۸
تا ۲۵۸۰	بلاقس سلقمیس : ۲۵۶۹
بهرام بهرام : ۲۲۸	بلتشمس : (بالتازار)
بهرام بن شاپور : ۲۲۸ - ۲۵۵۳ - ۲۵۵۴ - ۲۵۵۶	بلزیس : ۲۰۹ تا ۲۱۲ - ۱۰۰۷ - ۱۱۶۸
بهرام بن هرمز : ۲۲۸ - ۲۵۵۳ - ۲۵۵۶	بل شیمانی : ۶۹۹
بهرام چهارم : ۲۶۳۷	بلوریس : ۱۱۲۰
بهرام گور : ۲۵۳۱	بلوس : ۷۳۰
بدلهزیس (بلزیس)	بلون : ۱۶۶۹
بدلهفان تنس : ۱۹۱۰	بلیزار : ۲۶۱۴
بهمن : ۹۰۷ و رجوع به اردشیر دراز دست	بم : ۲۲۵۱
شود	بنت : ۵۰
بیات (شیخ العراقین) : ۹۲ - ۱۰۰ م	بنیامین : ۸۹۹ - ۹۴۷ - ۱۵۵۵
بی پولوس : ۲۳۳۶	بونارس : ۶۲۴ - ۷۱۴ - ۸۳۱ - ۸۴۹ - ۱۶۲۷
بی تن : ۲۷۰	بویاس : ۱۴۳۷ - ۱۴۴۰
بی توویتیوس : ۲۱۴۷	بویاسس : ۱۳۱۰
بیرونی (ابوریحان) : ۱۰۴ - ۲۳۲ - ۴۷۸ -	بویار : ۱۳۸۰
۴۷۹ - ۵۳۷ - ۶۹۸ - ۹۰۵ - ۹۰۷ -	بودا : ۶۲۹
۹۰۸ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۶ - ۹۶۳ - ۹۶۴ -	بورنف : ۴۶
۹۹۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۳ - ۱۱۴۱ - ۱۱۶۴ -	بوروس : ۲۴۳۱
۱۱۸۶ - ۱۱۸۸ - ۱۲۱۲ - ۲۵۵۳ - ۲۵۵۶	بوسالس سر : ۱۸۷
۲۶۷۸	بوشه لکرتک : ۲۰۵۸ - ۲۹۵۹ - ۲۹۶۵ - ۲۰۶۹
بیزن : (بیژن)	۲۰۷۲ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۱۳۱ - ۲۶۲۳

بیون الاشغانی : ۲۵۴۶ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۹ - ۳۵۴۸ - ۲۵۵۵ - ۲۵۵۴ - ۲۵۵۲ - ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۷ - ۲۵۷۸ - ۲۵۸۰ - ۲۵۸۱
 بیستانس : ۱۱۸۴ - ۱۴۳۰ - ۱۶۲۹
 بیکن ، ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱
 بیلی زار : ۹۰ - ۲۶۲۲
 بیهقی (ابوالفضل) : ۱۰۲ م - ۱۰۸ م

پ

پاپ ، (باب)
 پاپای : ۵۸۷
 پاپیوس : ۹۸
 پاپیگ : ۲۵۲۹ تا ۳۵۳۱ - ۲۵۴۱ - ۲۵۶۵
 پاتاگیاس : ۱۰۱۴
 پاتروکل : ۱۲۴۶ - ۱۷۵۵ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳
 ۲۰۶۵-۲۰۶۰
 پاترون ، ۱۴۳۶ تا ۱۴۳۹
 پاتی رام فسی : ۷۲۲
 پاتی زیتس : ۵۱۶ تا ۵۱۸ - ۵۲۱
 پائیوس : ۹۰۳
 پاخس : ۹۴۰
 پارا : (باب)
 پارتادزن : (باردسن)
 پارتامازیریس : ۲۴۶۸ - ۲۴۷۲ - ۲۴۷۵
 ۲۴۷۶ - ۲۴۷۷ - ۲۶۲۰
 پارتی کوس : (ترازان)
 پارتی کوس ، (کائیوس)
 پارتامازیریس : (پارتامازیریس)
 پارتاماسیات : ۲۴۸۵ تا ۲۴۸۷
 پارراکس : ۲۴۲۱
 پارساس : ۱۹۶۴
 پارسد : ۲۱۲
 پارمن یون : ۱۱۸۷ - ۱۲۰۶ - ۱۲۱۱ - ۱۲۱۷
 ۱۲۲۴ - ۱۲۲۶ - ۱۲۳۸ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۵

۱۲۴۷ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۶۱
 ۱۲۶۲ - ۱۲۶۶ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۷
 ۱۲۸۷ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - ۱۳۰۱
 ۱۳۰۳ - ۱۳۰۷ - ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳
 ۱۳۴۵ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵
 ۱۳۷۷ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵
 ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۴۱۳ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۵
 ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۴۸ - ۱۴۵۷
 ۱۴۵۹ - ۱۴۶۰ تا ۱۴۶۳ - ۱۴۶۸
 ۱۴۷۱ تا ۱۴۷۵ - ۱۴۷۷ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰
 تا ۱۴۸۲ - ۱۴۸۶ - ۱۴۸۷ - ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳ - ۱۴۹۴ - ۱۵۴۰ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۱
 ۱۸۶۴ - ۱۸۶۵ - ۱۹۱۵ - ۱۹۴۷
 پارمیس : ۵۲۹ - ۷۳۶ - ۱۶۲۵ - ۱۶۳۶
 پارمی سس : ۹۵۹
 پاروساتس : (پروشات)
 پارون : ۱۳۹۵
 پاروی را : ۲۲۶۸
 پاساکس : ۱۶۲۶
 پاسیون : ۹۹۷ - ۱۰۰۶
 پاکارد (شمیه) : ۲۵۸۶
 پاکارد : ۲۵۹۶ - ۲۵۹۷
 پاکتیاس : ۲۹۱ تا ۲۹۳
 پاکر (پسرارد) : ۱۴۲ م - ۲۳۲۵ - ۲۳۳۴ تا
 ۲۳۳۶ - ۲۳۴۲ تا ۲۳۴۹ - ۲۳۵۱
 پاکر (افقور) : ۲۵۴۸ تا ۲۵۵۰ - ۲۵۵۵
 ۲۵۵۷ تا ۲۵۵۹ - ۲۵۶۵ - ۲۵۸۲
 ۲۶۲۳ - ۲۶۶۶
 پاکر پسرومن دوم : ۲۴۲۵ - ۲۴۴۲ - ۲۴۵۱
 پاکراول : ۲۵۵۸
 پاکر دوم : (اشک بیست وسوم)
 پاکر آردزوری : ۲۶۳۷
 پاکر آذربایجان : ۲۴۶۰ - ۲۴۶۲

۱۷۸۶-۱۷۸۷-۱۷۹۴-۱۸۲۲-۱۸۲۳
 ۱۸۲۵-۱۸۳۳-۱۸۶۹-۱۸۸۳
 ۱۹۰۲-۱۹۰۵-۱۹۱۴-۱۹۱۹
 ۱۹۳۴-۱۹۳۵-۱۹۳۹-۱۹۵۴ تا
 ۱۹۶۸-۱۹۷۰-۱۹۷۱-۱۹۷۴
 ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳-۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷
 ۱۹۹۹-۲۰۰۶-۲۰۰۷-۲۰۵۴-۲۰۳۶
 ۲۰۶۸-۲۰۶۹-۲۰۹۴-۲۱۲۳
 تا ۲۱۲۵
 پرسس : ۲۴۵-۷۳۰-۷۶۰
 پرسه : ۲۴۵-۷۳۰-۷۶۰-۷۸۱-۱۲۹۷
 ۱۳۵۳-۲۱۶۳-۲۱۶۸
 پرشیل : ۱۳۱-۱۶۰۴-۱۶۰۹
 پرکسایس : ۴۸۱-۴۸۴-۴۹۹-۵۰۰
 ۵۱۷ تا ۵۱۹-۵۲۲-۷۴۱
 پرکلس : ۱۰۳۸
 پرنی (آدولف) : ۳۲
 پرو : ۶۳-۲۲۱-۹۹۳-۱۰۱۳-۱۴۰۶
 ۱۴۵۴-۱۵۱۳-۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۶۱۶
 پروبوس : ۲۶۰۷
 پروتارک : ۲۲۴۱
 پروتاگراس : ۱۱۷۲
 پروت زیلاس (پروت سیلاس) : ۸۷۰-۱۲۴۶-۱۹۴۸
 پروتیت : ۱۲۳۰
 پروت فی یوس : ۱۷۳
 پروز : (فیروز)
 پروزیاس اول : ۲۱۵۱-۲۱۶۸
 پروزیاس دوم : ۲۱۵۱-۲۱۶۸
 پروس اول : ۱۷۸۳-۱۷۸۵- تا ۱۸۰۳-
 ۱۸۰۵-۱۸۱۰-۱۸۱۱-۱۸۲۰-۱۹۴۴
 ۱۹۶۸-۲۰۵۴-۲۰۵۷-۲۲۳۲
 پروس دوم : ۱۷۹۹

پاکر خسرون : ۲۶۳۰
 پاکراد : ۲۵۸۶
 پاکرس : ۲۶۲۰
 پاکور : ۲۶۲۷-۲۶۳۱
 پاگردا پاکارتید : ۲۶۱۶
 پالاس : ۷۵۷-۷۵۸-۱۷۶۶-۲۶۷۹-
 ۲۶۹۰ و رجوع به آتنه شود.
 پالفاتس : ۲۶۰۹
 پام من : ۱۱۶۷
 پانته : ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷
 پانته آ : ۳۲۷-۳۴۳-۳۴۴-۳۵۲ تا ۳۵۴
 ۳۶۷-۳۶۸
 پان چاوو : ۲۶۹۸
 پانداتس : ۱۱۴۳
 پاندر : ۱۵۱۶
 پان زه : ۷۴۹
 پانکاستا : ۱۲۶۳
 پای زو : ۳۷
 پتا : ۲۵
 پترونیوس : ۲۳۲۰ تا ۲۳۲۳
 پ تن : ۱۲۴۸-۱۲۵۵
 پتوس : (سزنیوس)
 پتوکرت : ۲۶۲۷
 پتوگرازاوول پارسى : ۲۶۲۷
 پتی سکاس : ۲۴۱
 پرات دام : ۹۴۲
 پراشک : ۶۲-۲۲۳-۲۲۷-۳۸۹
 پراکسس : ۱۶۸۶
 پرانیگوس : ۱۷۲۷
 پرتهی ناکس : ۲۵۰۴
 پردیکاس : ۶۲۴-۱۱۹۱ تا ۱۱۹۳-۱۲۰۹
 ۱۲۳۲-۱۲۴۴-۱۳۰۷-۱۳۳۵
 ۱۲۸۷-۱۳۹۲-۱۶۶۰-۱۶۷۲-
 ۱۷۰۵-۱۷۲۳-۱۷۳۳-۱۷۶۶

پروسانس : (پروشات)	پسینیوس نیگر : ۲۱۷۶ - ۲۵۰۴ تا ۲۵۰۷ -
پروسیاس : (پروزیاس)	۲۵۱۱ - ۲۵۰۹
پروشات : ۷۳ - ۹۵۲ - ۹۵۷ - ۹۵۹ تا	بطروس : ۵۵
۹۶۲ - ۹۸۲ - ۹۸۹ تا ۹۹۲ - ۹۹۴ -	پک سودار : ۱۲۶۸
۹۹۶ تا ۹۹۸ - ۱۰۰۷ - ۱۰۳۳ تا ۱۰۳۷ -	پ ل : ۷۷۴
۱۰۴۸ - ۱۰۵۴ - ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۸ -	پل امیل : ۲۱۶۳
۱۱۰۵ - ۱۱۱۴ - ۱۱۵۴ - ۱۴۶۴	پلان سینا : ۲۳۹۷
پروشاتو دختر اردشیر سوم : ۱۱۸۴ - ۱۶۲۷ تا	پل بت تا : ۵۲
۱۶۳۰ - ۱۸۸۳	پل لوکس : ۱۷۲۷ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۱
پروکسن : ۹۹۷ - ۱۰۱۴ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۶	پلوپیداس : ۱۱۲۰ - ۱۱۴۹
۱۰۵۲ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۸ تا ۱۰۶۰	پلوتارک : ۶۹ - ۷۱ - ۷۳ - ۷۴ - ۸۴ - ۸۵
پروکسنوس : ۱۷۶۵	۶۷۴ تا ۶۷۶ - ۶۸۵ - ۶۹۵ - ۶۹۷ -
پروکوب (پروکوپيوس) ۹۰ - ۹۱ - ۱۶۸۸	۷۴۹ - ۸۲۴ تا ۷۲۶ - ۸۵۸ - ۸۸۰ -
۱۶۸۹ - ۱۷۷۸ - ۱۸۷۹ - ۲۱۷۶ - ۲۵۳۳	۸۸۱ - ۸۸۴ - ۸۹۷ - ۹۰۶ تا ۹۰۸ -
۲۶۲۹ - ۲۶۷۴	۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۳ تا ۹۱۶ - ۹۱۸ تا
پرومته : ۱۵۱۶	۹۲۲ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۶ - ۹۹۰ - تا
پری یام : ۱۲۴۶	۹۹۴ - ۹۹۶ تا ۹۹۹ - ۱۰۱۱ - ۱۰۱۵ -
پریداس : ۱۷۲۲ - ۱۷۰۲	۱۰۱۶ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۴ - ۱۰۲۸ -
پریدو : ۱۱۳۵ - ۱۱۸۳	۱۰۲۹ - ۱۰۳۳ - ۱۰۳۶ - ۱۰۵۳ تا
پریزاد : (پروشات)	۱۰۵۵ - ۱۰۷۶ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۸ -
پریکلس : ۹۲۴ تا ۹۲۶ - ۹۴۱ - ۱۱۹۲ -	۱۱۰۳ - ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ -
۱۶۴۵ - ۱۶۰۰	۱۱۱۱ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۲ -
پری لائوس : ۲۰۳۳	۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ - ۱۱۴۱ - ۱۱۵۲ تا
پریلاس : ۸۶۸	۱۱۵۸ - ۱۱۸۶ - ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۱ -
پسامتیک : ۱۸۲ - ۴۸۸ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۵۰۳ -	۱۲۱۳ - ۱۲۱۷ - ۱۲۱۹ - ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ -
۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۷۱ - ۶۸۲ - ۹۳۰ - ۹۶۳ -	۱۲۲۷ - ۱۲۳۳ - ۱۲۴۱ - ۱۲۴۴ - ۱۲۵۰ -
۱۱۴۱	۱۲۵۱ - ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۷ - ۱۲۸۴ -
پسام من : ۱۳۵۶	۱۲۹۰ تا ۱۲۹۲ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ -
پسس تاس : ۱۸۲۹ - ۱۸۳۸	۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۶ -
پسیت تالی : ۸۱۰ - ۸۱۶	۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۷ -
پسیدونیوس : ۸۶۰ - ۲۰۹۱ - ۲۱۷۸ - ۲۲۰۵ -	۱۳۲۸ - ۱۳۳۳ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۲ -
۲۲۰۶ - ۲۲۳۳ - ۲۶۴۹ - ۲۶۵۹	۱۳۴۳ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ -
پسیل توسیس : ۱۸۴۸	۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱ -
	۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۷ -

پلین : ۹۱ - ۹۳ - ۱۵۰ - ۵۰۶ - ۵۹۰ - ۷۴۰
 ۱۶۰۸ - ۱۵۵۸ - ۱۵۱۶ - ۱۴۵۶ - ۱۰۷۶
 ۲۲۰۸ - ۲۲۰۷ - ۲۱۱۳ - ۲۰۶۶ - ۱۹۰۸
 ۲۶۵۵ - ۲۶۴۴ - ۲۶۲۸ - ۲۴۶۶ - ۲۴۵۸
 ۲۶۹۸ - ۲۶۹۷ - ۲۶۸۷

بی تا گراس : ۱۳۳۷

یوبلیوس کلودیوس : ۲۱۳۴ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۸

یوبلیوس ون تی دیوس : ۲۳۴۴

پوپ (ارتز) : ۱۶۲۰

یوتامون : ۱۷۹۳

پورتی کان : ۱۸۴۲

پورفیر : ۱۵۱۶ - ۲۲۳۸ - ۲۶۰۹

پوروس : (پروس)

یوزانیاس مورخ : ۷۹۰ - ۸۵۰ - ۸۵۲

۸۵۴ تا ۸۵۷ - ۸۵۹ - ۸۶۱ - ۸۶۴

۸۸۰ تا ۸۹۶ - ۹۱۲ - ۹۱۳

۱۱۹۴ - ۱۲۳۶ - ۱۲۶۱ - ۱۶۲۷

۱۶۷۶ - ۲۰۴۴ - ۲۰۵۰ - ۲۱۵۲

۲۱۷۸

یوزانیاس پسر کل ام برست : ۸۳۸ - ۸۴۲

۸۴۹

یوزانیاس قاتل فیلیپ : ۱۲۰۸ - ۱۲۰۹ - ۱۲۱۱

یوزیپ پوس : ۱۳۲۲

پوسیدونیوس : (پسیدونیوس)

پوسیریس : ۴۹۱ - ۹۳۳ - ۹۶۲ - ۹۶۴

۱۱۳۱

پوک لائوس : ۱۶۶۱ - ۱۷۱۸

پولی ارسى تس : ۲۰۶۱ و رجوع به دمتریوس

شود

پولمو : ۲۴۳۶

پولمون : ۱۳۵۷ - ۱۶۷۷ - ۱۶۸۲ - ۲۰۰۸

۲۳۵۶ - ۲۳۹۶

پولی آرك : ۲۰۳۷

۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴

۱۳۹۹ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸

۱۴۲۰ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸

۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۶۶ - ۱۴۷۶ - ۱۴۸۸

۱۴۸۹ - ۱۵۰۲ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶

۱۵۲۱ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۷

۱۵۲۸ - ۱۵۳۱ - ۱۵۴۲ - ۱۶۰۰

۱۶۳۵ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۲ - ۱۶۷۴

۱۶۷۵ - ۱۶۸۱ - ۱۶۹۵ - ۱۷۲۷ - ۱۷۲۹

۱۷۳۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۵۵ - ۱۷۶۴

۱۷۶۵ - ۱۷۶۶ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۴

۱۷۹۲ - ۱۷۹۳ - ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ - ۱۸۲۹

۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ - ۱۸۴۵

۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۶۱ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷

۱۸۷۲ - ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳

۱۹۰۲ - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

۱۹۳۰ - ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳ - ۱۹۳۴

۱۹۳۵ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۹ - ۱۹۹۵

۲۰۱۸ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۷ - ۲۰۶۱

۲۰۹۴ - ۲۱۳۲ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۶

۲۲۱۴ - ۲۲۷۴ - ۲۲۷۵ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۸

۲۲۷۹ - ۲۲۸۵ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۲۸۸

۲۲۸۹ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۴

۲۲۹۶ - ۲۲۹۸ - ۲۲۹۹ تا ۲۳۰۱

۲۳۰۴ - ۲۳۰۶ - ۲۳۱۰ - ۲۳۱۵

۲۳۲۲ تا ۲۳۳۱ - ۲۳۳۳ - ۲۳۳۸ - ۲۳۴۴

۲۳۴۵ - ۲۳۴۷ - ۲۳۴۸ - ۲۳۴۹

۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۵۴ - ۲۳۶۲ تا

۲۳۶۵ - ۲۳۶۹ تا ۲۳۷۵ - ۲۳۷۷ - ۲۳۷۹

۲۵۰۶ - ۲۶۳۱ - ۲۶۶۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۶۴

۲۶۶۷ - ۲۶۶۸ - ۲۶۷۰ - ۲۶۷۱

۲۶۸۶ - ۲۶۹۳ - ۲۶۹۶

پلوتون : ۷۴۹ - ۱۵۲۲ - ۱۹۳۱

۱۸۷۵-۱۸۸۴-۱۸۸۵-۱۸۹۳-۱۹۲۵-
 ۱۹۲۶-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۹۳-۲۰۰۳-
 ۲۰۰۹-۲۰۱۰-۲۰۱۳-۲۰۱۴-۲۰۱۶-
 ۲۰۱۷-۲۰۲۰-۲۰۲۰
 پهلو (سپهد) : ۲۶۱۸
 پهلوی (رضاشاه) : ۳۶-۳۷-۷۳ تا ۱۰۷ م
 ۱۲۱-۱۲۹-۱۳۳-۱۳۵ م
 پی تاگور (بیٹاگراس) : ۱۰۰۵-۱۱۲۵-۱۹۱۹
 ۱۹۳۰
 پی تانات : ۸۵۲
 پی ترموس : ۲۸۹
 پی تس : ۷۷۰
 پی تون : ۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۷۲۴-۱۸۲۴
 ۱۸۳۴-۱۸۳۵-۱۸۴۴-۱۸۴۶-۱۸۶۹
 ۱۹۲۶-۱۹۳۳-۱۹۵۸-۱۹۵۹-۱۹۶۷
 ۱۹۶۹-۱۹۷۰-۱۹۷۴-۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳
 ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹-۲۰۱۱-۲۰۱۲-۲۰۱۵
 ۲۰۱۹-۲۰۲۹-۲۰۳۰-۲۰۵۷
 پی تون پسر آرنور : ۱۹۹۳
 پی تونیک : ۱۸۸۲
 پی تی : ۲۷۴ تا ۲۸۳
 پی تیدس : ۲۲۴۳
 پی تیوس : ۷۱۶-۷۱۷-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۰
 پی چمان : ۶۱
 پیر جمال : ۳
 پیرزاده : ۴-۱۸-۱۹ م
 پیرنیا (ابوالحسن) : ۱۳۶ م
 پیرنیا (ابوالقاسم) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (باقر) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (بیژن) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (حسن) : (مشیرالدوله)
 پیرنیا (حسین) : مؤمن الملك
 پیرنیا (داود) : ۱۳-۳۵-۴۶-۱۳۲ م
 ۱۳۷ م

یولیب (یولی بیوس) : ۷۶-۷۷-۹۱-۱۴۲ م
 ۹۳-۱۱۲-۲۲۱-۶۱۷-۱۵۰۵-۱۵۵۶
 ۱۶۳۶-۲۰۷۸-۲۰۷۹-۲۰۸۱-۲۰۸۲
 ۲۰۹۱-۲۱۱۳-۲۱۳۶-۲۲۰۴-۲۲۰۵
 ۲۲۰۸-۲۲۰۹ تا ۲۲۱۳-۲۲۲۱-۲۲۲۲
 ۲۳۶۳
 یولی پرکن : (یولیس پر خون)
 یولی داماس : ۱۶۷۹ تا ۱۶۸۲-۱۸۹۸
 یولیس آرگسی : ۹۴۲
 یولیس ترات : ۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۶
 یولیس پر خون : ۱۳۸۴-۱۳۸۷-۱۴۱۶-۱۷۲۳
 ۱۷۴۳-۱۷۵۷-۱۷۸۶-۱۸۸۲-۱۸۹۹
 ۱۹۹۷-۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴-۲۰۱۳-۲۰۲۳
 ۲۰۲۴-۲۰۲۷-۲۰۴۵
 یولیکاسترو : ۲۹۴
 یولیکرات : ۵۵۶ تا ۵۵۸-۶۲۷-۶۲۸-۱۰۸۱
 ۲۶۰۵
 یولی کریت : ۸۱۵-۱۱۱۲-۱۶۴۹
 یولیکلت : ۱۲۲۱-۱۵۴۶-۲۰۳۳
 یولیماخوس : ۱۸۷۲
 یولی ین : ۵۶۶-۹۹۱-۱۱۰۵-۱۱۶۴-
 ۱۳۷۹-۲۱۷۹-۲۱۸۱
 یوماکسارت : ۲۳۲۲-۲۳۲۶-۲۳۲۷
 یوم پلی : ۳۲-۵۵-۵۷
 یومپه : ۱۴۵۶-۲۰۹۰-۲۱۲۸-۲۱۴۳ تا
 ۲۱۴۷-۲۲۸۳-۲۲۸۴-۲۲۸۵-۲۲۸۶
 ۲۲۸۷ تا ۲۲۹۴-۲۲۹۶-۲۲۹۷-۲۳۰۳
 ۲۳۱۵-۲۳۲۸-۲۳۲۹-۲۳۳۴-۲۳۳۵
 ۲۳۳۷ تا ۲۳۳۹-۲۳۹۷-۲۴۳۱-۲۴۳۵
 ۲۴۴۸-۲۵۰۵-۲۶۲۴-۲۶۳۱-۲۶۵۲
 یومپه دیوس : ۲۳۴۵
 یه توس : (سزنیوس)
 یه تی زیس : ۱۳۵۸
 یه مست : ۱۳۵۷-۱۸۲۵-۱۸۲۷-۱۸۶۹-

تاریوش : (داریوش)
 تازیاس : ۱۳۱
 تاسیت (تاسیتوس) : ۸۹ - ۱۰۷۶ - ۲۱۷۳ -
 ۲۳۹۱ - ۲۳۸۴ - ۲۳۸۲ - ۲۳۷۶ -
 تا ۲۳۹۹ - ۲۴۰۱ تا ۲۴۰۵ - ۲۴۱۲ -
 ۲۴۱۴ تا ۲۴۳۱ - ۲۴۳۳ تا ۲۴۴۹ -
 ۲۴۵۴ - ۲۴۵۵ - ۲۵۷۳ - ۲۶۰۷ - ۲۶۳۰ -
 ۲۶۴۴ - ۲۶۴۹ - ۲۶۵۵
 تاکسیل : ۱۷۶۶ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۲ تا ۱۷۸۵
 ۱۷۹۱ - ۱۷۹۶ تا ۱۷۹۸ - ۱۸۵۳ - ۱۸۶۳
 ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ - ۱۹۹۳ - ۲۰۵۷
 تاکسیه : ۱۱۷۸
 تاگساکیس : ۶۰۳
 تالبت : ۴۷
 تالشی بیوس : ۷۵۴ - ۷۵۵
 تالستریس : ۱۶۴۸
 تامماری تو : ۱۳۸ - ۱۳۹
 تامس : ۱۰۰۱ - ۱۰۰۵ - ۱۰۲۵
 تانا اوکسارس : (بردیا)
 تاننیراس : ۴۹۱
 تانیوک سارسس : ۴۵۴
 ت اوممان : ۱۳۷
 تاهیس ماساد : ۵۸۷
 تانیوک سارسس : (بردیا)
 تئوبومیوس : ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۱۱۳۴ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۵
 تئودوت : (دیودوت)
 تئوس : (آنتیوخوس دوم)
 تئوس : ۲۸۷ - ۲۸۹ - ۲۹۴ - ۲۹۵
 تئوفیل : ۸۱
 تئوکریتیوس : ۲۱۵۴ - ۲۵۱۹
 تئومستر : ۸۱۲ - ۸۶۵
 نت : ۷۴
 نترام نس : ۷۴۲
 نتنا : ۹۸۸

پیرنیا (مهدی) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (ولی الله) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (هرمز) : ۱۳۷ م
 پیرنیا (هما) : ۱۳۷ م
 پیروس : ۲۰۴۸ - ۲۰۶۰ - ۲۰۷۰ -
 ۲۱۶۲ - ۲۱۶۶ - ۲۲۸۱
 پیرون : ۱۷۲۷
 پیراندروس : ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۶
 پیزو : ۲۳۹۷
 پیزیسترات : ۲۷۴ - ۶۳۷ - ۶۳۹ - ۶۶۸ - ۶۷۱
 ۷۰۴ - ۸۰۳ - ۸۱۶
 پیساندر : ۱۱۱۲
 پی سوتنس : ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۵۹ - ۹۶۰ -
 ۹۶۵ - ۱۶۲۷
 پیطرو دلاواله : ۴۳
 پیغمبر دزدان : ۴۳۸
 پیکسودور : ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱
 پیگرس : ۶۲۱ - ۷۴۲ - ۱۰۱۵
 پیگیوس : ۵۶۲
 پی نار : ۱۳۲۱
 پیندار : ۵۰۳

ت

تا اوک : ۱۰۷۷ - ۱۰۸۴ - ۱۰۸۵
 تائیس : ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶
 تابال : ۲۹۱
 تابیت تی : ۵۸۷
 تاتیانوس : ۲۳۵۵ تا ۲۳۷۲
 تاخس : ۱۱۲۷ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱
 تاده : ۲۶۳۳
 تارانتیوس : ۱۴۵۶
 تارتس : ۲۹۴
 تارس : ۸۹۹ - ۹۰۱
 تارگی تای : ۵۷۹
 تاری پاس : ۱۰۵۶

تقی زاده (حسن) : ۱۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۱۰۴ م	تقیس : (تهتیس)
۱۰۹ - ۱۱۶ - ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۹ م	تجرمه : ۲۲۶۸
۱۳۰ - ۱۳۴ م	تخمسپاد : ۵۴۴
تل : ۲۶۹	تدین (محمد) : ۶۰ - ۹۲ - ۹۷ - ۱۰۳ م
تلب تولم : ۱۹۶۹	۱۰۹ - ۱۲۸ م
تل پولم : ۱۸۶۱ - ۱۹۶۷ - ۱۹۹۳ - ۲۰۱۹	ترازیبول : ۱۲۷۱
۲۱۵۵	ترازان : ۸۳ - ۲۱۷۵ - ۲۳۸۲ - ۲۴۵۴ - ۲۴۶۸
تلفانس : ۱۵۵۸	۲۴۶۹ - ۲۴۷۲ - ۲۴۸۹ - ۲۴۹۳ - ۲۴۹۹
تل من : ۵۳۹ - ۵۴۲ - ۵۴۷ - ۵۷۱ - ۱۴۵۱ - ۱۴۹۹	تا : ۲۵۰۱ - ۲۵۰۶ - ۲۵۱۰ - ۲۵۱۱
۱۵۵۰ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۳ - ۱۶۱۶	۲۵۱۴ - ۲۶۱۳ - ۲۶۳۵ - ۲۶۶۸ - ۲۸۰۹
تمیرون : ۱۰۹۲ - ۱۰۹۳ - ۱۰۹۹ - ۱۱۱۵	تراکس : ۸۵۴
۱۱۱۶ - ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ - ۱۹۸۴	ترامن : ۹۶۷ - ۹۸۴ - ۹۸۵
تمیسون : ۵۶ - ۵۵۵	ترساندر : ۸۳۹ - ۸۴۰
تم زنیاس : ۸۴۷	ترسیپ : ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵
ت من : ۱۱۹۱	تروگ پمپه : ۷۴ - ۷۹ - ۸۷ - ۸۸ - ۲۶۲ - ۲۶۳
تمورامات : ۱۶۹۰	۲۸۶ - ۴۷۳ - ۱۶۸۵ - ۲۰۵۳ - ۲۰۷۱
ت می ریس : ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۲	۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۹۲ - ۲۲۰۹ - ۲۲۴۷
تمیس : ۱۷۳۰	۲۲۵۷ - ۲۲۷۶
تمیستوکل : ۷۹ - ۸۴ - ۶۷۴ - ۶۸۰ - ۷۵۹	ترون : ۷۶۶ - ۸۷۸ - ۱۴۱۱
۷۶۸ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۵ - ۷۹۶	تری پولون : ۱۲۷۳
۸۰۴ تا ۸۱۲ - ۸۲۰ تا ۸۲۲ - ۸۲۴ تا ۸۲۸	تری تان تخم (تری تان تخمس) : ۴۳۸ - ۷۳۸ - ۷۵۱
۸۶۶ تا ۸۷۸ - ۸۸۰ تا ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۹۷	۷۹۸ - ۱۶۲۶
۹۱۱ تا ۹۲۳ - ۹۴۱ - ۹۵۱ - ۹۸۳ - ۱۱۱۴	تری تخم : ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۹۰ - ۹۹۲ - ۱۶۲۸
۱۵۲۷ - ۲۳۵۱	۱۶۳۱
تن : ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۱	تری فون : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۹ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۵
تن سر : ۱۵۱۷	تریولات : ۱۸۴۲
توآس : ۱۸۵۹ - ۱۸۶۱	تری یاریوس : ۲۱۴۳ - ۲۱۴۷
توت مس : ۶۸۸	تزه : ۱۹۲۸
توئیدی دس : ۲۴۹۸	تسالوس : ۱۲۱۱
تورایف : ۳۶ - ۳۹ - ۲۲۱ - ۳۸۸ - ۵۶۶ - ۶۴۷	تس پیاس : (جش پش)
۶۸۳ - ۹۲۷ - ۹۶۳ - ۱۱۹۰ - ۱۴۷۰	تس بیان : ۱۲۳۳
۱۴۸۷ - ۱۴۹۲	تطوس : (تیتوس)
تورون : ۱۷۹۴	تفضلی (جهانگیر) : ۹۳ م
	تقی آجودان : ۵

۲۴۷۴-۲۴۶۹ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۰ - ۲۴۵۵ تا
 ۲۶۱۲ - ۲۶۱۰ - ۲۵۹۹ - ۲۵۵۱ - ۲۴۷۶
 ۲۶۹۱ - ۲۶۷۸ - ۲۶۳۶ - ۲۶۲۰ - ۲۶۱۵
 تیرداد پسر خسرو : ۲۶۰۸ - ۲۶۰۷
 تیرداد ارمنی (اول) : ۲۵۹۰ - ۲۵۸۸ - ۲۵۲۰
 ۲۵۹۸ - ۲۵۹۴
 تیرداد دوم : ۲۶۳۷ - ۹۶
 تیرداد (؟) : ۱۷۴۸
 تیروس تس : ۱۱۶۷
 تیرواوس : (تی ریوتس)
 تی ریاسپ : ۱۷۶۴ - ۱۷۹۹
 تی ریوتس : ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱
 تیری باز : ۹۹۵ - ۱۰۱۱ - ۱۰۲۱ - ۱۰۷۶ -
 تا ۱۱۲۴ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۶ - ۱۰۷۸ تا
 ۱۴۸۸ - ۱۱۵۷ تا ۱۱۵۴ - ۱۱۳۱
 تیری داد : ۱۴۱۹ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ -
 ۲۵۷۱
 تیری پس تیس : ۱۸۳۳
 تیسافرن : ۹۶۵ - ۹۶۰ - ۹۵۹ - ۹۵۷ - ۹۴۲ -
 تا ۹۸۰ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۹۳ - ۹۹۶ تا ۹۹۸ -
 ۱۰۱۱ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۱ - ۱۰۳۱ - ۱۰۳۶ -
 ۱۰۳۸ - ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ - ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۳ -
 ۱۰۶۰ - ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۷ - ۱۰۷۳ - ۱۰۹۲ -
 تا ۱۰۹۵ - ۱۰۹۷ - ۱۰۹۹ تا ۱۱۰۵ -
 ۱۱۰۸ - ۱۴۹۶ - ۱۶۳۱ - ۲۳۶۵
 تی سامن : ۸۴۶
 تیگران : ۲۰۴ - ۳۱۲ تا ۳۱۴ - ۳۱۷ - ۳۲۸ -
 ۳۴۱ - ۴۲۸ - ۴۳۱ - ۴۳۵ - ۴۷۶ - ۷۳۱
 ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۲۰۸۸ - ۲۰۹۰ - ۲۱۳۸ -
 ۲۱۴۱ تا ۲۱۴۳ - ۲۱۴۵ - ۲۱۴۹ - ۲۳۸۴ -
 ۲۳۸۵ - ۲۴۳۶ - ۲۴۴۱ تا ۲۴۴۳ - ۲۴۴۸ -
 ۲۴۴۹ - ۲۴۵۲ - ۲۴۵۳ - ۲۴۷۰ - ۲۴۹۶ -
 ۲۵۸۴ - ۲۵۸۸ - ۲۵۸۹ - ۲۵۹۸ - ۲۶۱۹ -
 ۲۶۲۵ - ۲۶۳۰ - ۲۶۳۳ تا ۲۶۳۶

توسیدید : ۷۰ تا ۷۲ - ۹۱ - ۸۹۴ - ۸۹۷ -
 ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۸ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۵ -
 ۹۳۰ تا ۹۳۳ - ۹۳۵ تا ۹۳۷ - ۹۴۰ - ۹۴۲ -
 تا ۹۴۴ - ۹۵۶ - ۹۶۰ - ۹۶۵ تا ۹۶۸ -
 ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۱۱۳۱ - ۲۱۸۱ تا ۲۱۷۹ -
 توکلی (احمد) : ۲۸ م
 تولفن : (تل من)
 توماس : ۲۲۶۳
 ته آزن : ۱۲۳۴
 ته آس پس : ۷۳۷
 ته آموزا : (موزا)
 ته اکریت : (توکریتوس)
 ته تیس : ۷۷۴ - ۱۸۵۰
 تهلف : ۱۸۵۹
 تیبت : ۴۸۲
 تیبریوس : ۲۱۲۸ - ۲۳۸۲ تا ۲۳۹۴ -
 ۲۳۹۵ - ۲۳۹۷ تا ۲۰۴۱ - ۲۴۰۶ - ۲۴۰۷ -
 ۲۴۱۳ - ۲۴۷۰
 تیتس تس : ۹۲۶ - ۹۵۲ - ۱۱۰۵ - ۱۱۱۰ -
 ۱۱۴۲ - ۱۶۲۷
 تیتروست : ۱۱۳۲
 تیتلیو : ۱۹۴۵ - ۲۴۵۱
 تیتوس : ۸۰ - ۸۳ - ۲۰۸۶ - ۲۳۴۲ - ۲۴۵۵ -
 ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۴۵ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۱ -
 ۲۵۶۶ - ۲۵۶۷ - ۲۵۶۹ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۳ -
 ۲۵۸۸ - ۲۵۷۳
 تیته : ۷۳۹
 تیثیوس : ۲۳۶۰
 تیران اول : ۲۶۲۰
 تیران دوم : ۲۶۲۱
 تیرداد پسر فریایب : ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۱ -
 تیرداد : ۲۳۷۸ تا ۲۳۸۱ - ۲۴۰۲ تا ۲۴۰۷ -
 ۲۴۲۵ - ۲۴۲۷ - ۲۴۲۸ - ۲۴۳۰ - ۲۴۳۱ -
 ۲۴۳۳ تا ۲۴۳۹ - ۲۴۴۱ - ۲۴۴۳ - ۲۴۴۷ -

ث

ثاگا ، ۴۲
ثرموزا : (موزا)
ثمالی : ۱۰۴ - ۵۳۷ - ۹۵۷ - ۹۵۳ - ۹۹۱ -
۱۱۶۴ - ۲۵۵۷ تا ۲۵۶۰ - ۲۵۶۵ - ۲۵۷۳
ثلیوس پولیو : ۲۴۲۶ تا ۲۴۲۸
ثوخر : ۵۳۴
ثیم مرمان : ۶۳

ج

جابر : ۱۰۲
جاحط : ۱۰۰
جاماسپ : ۶۹۸
جان محمدخان : ۱۲۴ م
جرجیس ، ۲۵۷۹
جعفر خان تبریزی : ۱۳۶ م
جعفر جوگندی (حاجی) : ۱۲۲ م
جکسن (ویلیام) : ۱۴۶ - ۱۶۲۰ - ۲۶۴۵
جلال الدوله : ۴۱ م
حجیم (محمودمدیرالملک) : ۷۶ - ۱۶۱ م
جمال اصفهانی : (حاج آقا جمال)
جمال الدین اصفهانی : ۱۱۶ م
جمشید : ۱۶۱ - ۱۵۷۶
جمشید مفخم : ۸ م
جوتاروس : ۲۲۹۸
جوذرین اشک (گودرز) : ۲۵۴۶ - ۲۵۴۸
۲۵۴۹ - ۲۵۵۱ - ۲۵۵۲ - ۲۵۵۴ - ۲۵۵۵
۲۵۶۰ - ۲۵۶۶ تا ۲۵۷۱ - ۲۵۷۷ تا ۲۵۸۱
جوذرافغر (کوجک) : ۲۵۴۸ - ۲۵۵۲ - ۲۵۵۴
۲۵۵۵ - ۲۵۶۱ - ۲۵۶۵
جوذرین سابور : ۲۵۶۰ - ۲۵۶۲ - ۲۵۶۵
جهان (ملکه) : ۱۱۰ م
جهانگیر میرزا : ۸۲ م

چ

چاندرارگوبتا : ۲۰۴۶ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۷ تا ۲۰۵۹
۲۰۶۶ و رجوع به ساندراکوت شود

تیگران دوم : ۲۶۱۹

تیگران سوم : ۲۶۱۹

تیگران چهارم : ۲۶۱۹ - ۲۶۳۶

تیگران پنجم : ۲۶۲۰

تیگران ششم : ۲۶۲۰

تیگران جوان : ۲۲۸۴ تا ۲۲۸۹ - ۲۲۹۱

تیگران ییز : ۲۲۶۹ - ۲۲۷۲ - ۲۲۷۴ - ۲۲۷۵

۲۲۷۷ تا ۲۲۸۱ - ۲۲۸۳ تا ۲۲۸۵ - ۲۲۸۹

۲۲۹۰ - ۲۲۹۷ - ۲۳۱۴

تیگران پسر خسرو سوم : ۲۶۲۱

تیگران دختر مهرداد ، ۲۱۴۹

تیگران سلوکی : ۲۱۶۹

تیگرانس : ۱۶۲۶

تیکلات پالسر اول : ۵۲ - ۷۶ - ۱۲۸ - ۱۲۹

۱۶۹ - ۱۷۸ - ۵۷۵ - ۵۷۶

تیکلات پالسر چهارم : ۱۲۹ - ۱۳۵ - ۱۷۰

تی مارخوس : ۲۰۷۳

تی ماسیون : ۱۰۶۲

تی ماگراس : ۹۴۲ - ۱۱۲۰ - ۱۱۲۲

تی ماندرا : ۱۲۷۳

تی مئوس : ۱۱۲

تی مبرون : (تمبرون)

تی موته : ۱۲۰۳ - ۱۲۲۰

تی مودس : ۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۷

تیمور (امیر) : ۱۰۶

تیمورتاش : ۷۶ - ۱۲۱ م

تی موکرات : ۸۶۰ - ۱۱۰۶ - ۱۱۱۰

تی موکران : ۱۱۱

تی موکسن : ۸۲۸ - ۸۲۹

تی موکله : ۱۲۳۴

تی مون : ۷۵۷ - ۲۱۲۷

تی موناکس : ۷۴۲

تی مهژنیداس : ۸۶۳

تیوس : ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲

تیفس : ۴۵

چانگ کیلین : ۲۲۶۳

چاه کوتاهی (شیخ حسین) : ۶۶۲-۶۶۶-۶۷۰م

چرچیل : ۵۶

چرنی گف : ۶۱۵

چش بش : ۲۲۸ تا ۲۳۱ - ۳۸۶ - ۳۸۹ - ۳۹۰

۱۵۵۱ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۶ - ۱۶۲۴ - ۱۶۲۹

۲۰۲۰ - ۲۵۴۳

چنگیز : ۱۱۲م

چهر آزاد : (داریوش دوم)

چیترنخم : ۵۴۴ - ۱۵۷۷

چیش بش : (چش بش)

چین جیخری : ۵۴۰

ح

حاج آقا جمال اصفهانی : ۹۳م

حاج آقا شیرازی : ۳۷م

حاجب الدوله : ۲۹م

حام : ۷-۳۰ - ۴۴۴

حجی : ۹۴۸

حربونا : ۸۹۸

حزقیال : ۱۹۱ - ۲۰۷ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۱۴۵۶

۱۴۸۶

حسن پیرنیا : (مشیرالدوله)

حسین خان : (چاه کوتاهی)

حسین خان سپهسالار : ۱۳۶م

حشمت الدوله : ۵۹م

حکیم الدوله : ۸۵م

حکیم الملک (حکیمی) : ۵۰م - ۵۹م - ۷۶م -

۴۸۵ - ۱۲۹م

حمدالله مستوفی : (مستوفی)

حمزه اصفهانی : ۱۰۲ - ۲۳۲ - ۵۳۷ - ۹۰۷

۹۵۳ - ۹۵۶ - ۹۹۱ - ۱۱۶۴ - ۱۱۸۸ -

۱۲۱۲ - ۲۵۵۴ - ۲۵۶۵ - ۲۵۶۷

حموربی : ۳۳ - ۵۶ - ۶۴ - ۱۱۸ - ۱۲۰ تا ۱۲۴

۱۲۶ - ۱۹۰۷ - ۲۴۷۳

حمیدالدین (قاضی) : ۹۰م

حنانی : ۱۱۶۲

حودبن ابراهیم : ۲۵۵۱ - ۲۵۷۲

خ

خابریاس : ۱۱۲۳ - ۱۱۳۴ - ۱۱۴۰ - ۱۱۵۱

۱۲۰۳

خات توشی لم : ۵۱

خاروس : ۱۷۷۴

خاری دم : ۱۲۳۷ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ - ۱۲۹۲ تا

۱۲۹۵ - ۱۴۴۸

خاریکلس : ۱۷۵۶

خالیداس : ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۹ - ۹۷۴

خان چائو : ۲۴۶۹

خانه اوس : ۲۳۴۶

خثوپس : ۵۰۵

خیشش : ۶۸۲ - ۶۹۹

خدایارخان : ۷۷م

خراس میس : ۷۳۶

خرسوپلینت : ۱۲۰۰

خرشای شیا : (خشیارشا)

خرپود : (اله آزار)

خزعل : ۱۰۰م

خسرو : (اشک بیست و چهارم)

خسرو اشکانی : ۲۴۹۷ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۸ - ۲۵۴۹

۲۵۵۱ - ۲۵۵۲ - ۲۵۵۴ تا ۲۵۵۶

۲۵۶۷ - ۲۶۱۰

خسرو اول : ۲۵۳۳ - ۲۵۹۰ تا ۲۵۹۵ - ۲۶۱۲ -

۲۶۰۷ - ۲۶۲۰ - ۲۶۳۶

خسرو دوم : ۲۶۱۵ تا ۲۶۱۸ - ۲۶۲۱ - ۲۶۳۷ -

۲۶۳۸ - ۲۶۳۷ - ۲۶۲۱

خسرو انوشیروان : ۶۸۸

خسروپارسی : ۲۶۲۹

خسروالثانی : (خشایارشای دوم)

خسرو دخت : ۲۶۰۷

۲۰۲۰ - ۲۳۳۳ - ۴۶۰۶ - ۲۶۵۸

خشایارشای دوم ، ۹۵۵ تا ۹۵۲

خشایارشا پسر اردشیر درازدست : ۱۶۲۷

خشایارش : (خشایارشا)

خواجانه نوری : ۸۸۱

خواندمیر : ۲۵۷۹

خورباتیلا : ۱۳۴

خوم بان ایگاش : ۱۳۸

خوم بان خالدانش : ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۱۳۹

خون بان نومی نا : ۱۲۰

خویا : ۲۶۲۹ - ۲۶۳۰

خیابانی : ۲ - ۶۲ تا ۶۷ م - ۱۱۷ تا ۱۱۹ م

خیری سف : ۱۰۰۵ - ۱۰۳۸ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۲

۱۰۶۳ - ۱۰۶۷ - ۱۰۶۹ - ۱۰۷۲ - ۱۰۷۴

۱۰۷۵ - ۱۰۸۰ - ۱۰۸۴ تا ۱۰۸۸ - ۱۰۸۹

۱۰۹۱ - ۱۰۹۲

خیلئوس : ۸۳۸

خیلن : ۷۸۶

د

دا اوخوس : ۳۵۲

دائی فارن : ۴۲۷

داتافرن : ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۸ - ۱۷۲۷

داتا م . ۷۹۰ - ۱۱۳۸ - ۱۱۴۱ تا ۱۱۴۸ - ۱۱۵۱

۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۱ - ۲۱۳۲

داتاماس : ۴۲۶

داتیس : ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۸ تا ۶۸۴ - ۶۸۴

۷۰۵ - ۷۳۵ - ۷۳۹ - ۸۰۰ - ۱۵۳۱ -

۲۶۵۸

دادجاد : ۲۶۰۸

دادریشیش : ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۵

دادو هییی : ۵۳۴

دارا : ۱۴۰ م و رجوع به داریوش سوم شود .

داراب : ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۶۲۴ - ۱۶۱۷ و رجوع

به داریوش سوم شود .

خسرة (خسرو) : ۲۵۶۳ تا ۲۵۶۵

خشتريت : ۱۵۷۶

خشتريتيم : ۵۴۲

خشرشا : (خشيارشا)

خشایارشا : ۴۶ - ۷۰ - ۷۳ - ۱۳۹ - ۱۴۴

۲۲۸ - ۳۷۳ - ۴۹۷ - ۵۳۰ - ۵۵۴ - ۶۴۷

۶۶۲ - ۶۶۴ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۸۵ - ۶۸۷

۶۹۰ - ۶۹۵ - ۶۹۸ تا ۷۰۱ - ۷۰۳ - ۷۰۴

۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۱۰ تا ۷۳۰ - ۷۳۷ - ۷۳۸

۷۴۲ تا ۷۴۵ - ۷۴۷ - ۷۵۷ تا ۷۵۹ - ۷۵۹

۷۶۱ - ۷۶۳ - ۷۶۵ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۷۲

۷۷۳ - ۷۷۵ تا ۷۸۳ - ۷۸۵ - ۷۸۸ تا ۷۹۳

۷۹۴ - ۷۹۶ تا ۷۹۹ - ۸۰۱ تا ۸۰۵ - ۸۰۷

۸۰۸ - ۸۱۰ - ۸۱۳ تا ۸۱۷ - ۸۱۷ تا ۸۲۹

۸۳۲ تا ۸۳۵ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۸ - ۸۶۱

۸۶۲ - ۸۶۵ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۲ - ۸۷۴

۸۸۲ تا ۸۸۵ - ۸۹۵ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۹۰۳

۹۰۶ - ۹۰۸ تا ۹۱۱ - ۹۱۴ - ۹۱۸ -

۹۲۰ تا ۹۲۴ - ۹۲۶ تا ۹۳۱ - ۹۳۹ - ۹۴۰

۹۴۳ - ۹۴۷ - ۹۴۹ تا ۹۵۱ - ۹۵۷ - ۹۵۹

۹۶۰ - ۹۶۸ - ۹۸۶ - ۱۰۶۰ - ۱۰۶۸

۱۱۱۴ - ۱۱۲۲ - ۱۱۹۲ - ۱۲۳۵ - ۱۲۴۵

۱۲۷۹ - ۱۳۰۹ - ۱۳۳۵ - ۱۳۵۲ - ۱۴۰۰

۱۴۰۸ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۲۰ - ۱۴۲۴

۱۴۲۷ - ۱۴۲۹ - ۱۴۴۷ - ۱۴۵۵ - ۱۴۶۱

۱۴۶۲ - ۱۴۶۵ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ - ۱۴۸۵

۱۴۸۶ - ۱۴۹۳ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۱

۱۵۳۲ - ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹ - ۱۵۵۶ - ۱۵۵۸

۱۵۶۰ - ۱۵۸۰ - ۱۵۸۱ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۷

۱۵۸۹ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۷ تا ۱۶۰۰ - ۱۶۰۲

۱۶۰۳ - ۱۶۱۰ تا ۱۶۱۶ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۶

۱۶۲۷ - ۱۶۳۰ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱ - ۱۷۴۵

۱۷۸۲ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۶ - ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰

۱۹۴۵ - ۱۹۵۶ - ۲۰۸۱ - ۲۱۳۹ - ۲۱۶۳

داراب اکبر : (داریوش اول)

دارابن دارا، ۱۵۱۶ - ۲۵۵۰ و رجوع به داریوش

سوم شود

دارابن بهمن : (داریوش دوم)

دارابن اردوان، ۲۴۰۷

دارالماهی الاول : (داریوش)

دردانوس ۷۴۳

دارلینگک : ۳۰

دارمس تتر : ۲۱۵ - ۲۲۰

داره : ۲۵۹۷ - ۲۶۱۳

داری یامی : ۱۶۲۷

داریس : (داریوش)

داریو : (داریوش)

داریوپارسی : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷

داریووس : (داریوش)

داریو هوشی : (داریوش دوم)

داریوش اول (بزرگ) : ۳۹ - ۴۵ - ۴۶ - ۵۵

تا ۵۷ - ۶۸ - ۷۰ - ۱۱۱ - ۱۳۲ - ۱۴۴

۱۵۰ - ۱۶۸ - ۱۷۳ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۲۱۶

۲۲۰ - ۲۲۸ تا ۲۳۱ - ۳۷۳ - ۳۷۵ - ۳۷۷

۳۸۲ - ۳۹۰ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۷۱ - ۴۷۸

۴۷۹ - ۴۹۷ - ۵۰۲ - ۵۰۵ - ۵۱۶ - ۵۱۹

۵۲۱ - ۵۲۲ تا ۵۲۴ - ۵۲۶ تا ۵۳۹ - ۵۴۲

۵۴۳ - ۵۴۷ تا ۵۶۳ - ۵۶۵ تا ۵۷۳ - ۵۷۵

تا ۵۷۸ - ۵۸۵ - ۵۸۷ - ۵۹۰ - ۵۹۱ تا ۵۹۶

۵۹۸ تا ۶۰۰ - ۶۰۳ تا ۶۰۷ - ۶۰۹ تا ۶۱۴

۶۱۸ تا ۶۲۳ - ۶۲۵ - ۶۲۷ تا ۶۳۱ - ۶۳۸

تا ۶۵۷ - ۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۷ تا ۶۷۱

۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۱ تا ۶۹۶ - ۶۹۸ - ۷۰۰

۷۰۲ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۸ - ۷۱۰ - ۷۱۱

۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۶ - ۷۲۶ - ۷۲۹ - ۷۳۲

۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۸ - ۷۴۲ - ۷۴۴ - ۷۴۷

۷۴۹ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۷۵ - ۷۸۲ - ۸۱۴

۸۵۳ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۳ تا ۸۷۶ - ۸۸۱

۸۸۹ - ۸۹۰ تا ۸۹۴ - ۹۰۵ - ۹۰۸ - ۹۰۹

۹۲۰ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۳۳ - ۹۴۵ - ۹۴۷

تا ۹۴۹ - ۹۵۲ - ۹۵۶ - ۹۶۰ - ۹۶۸ - ۹۶۶

۹۸۹ - ۱۰۳۳ - ۱۱۱۴ - ۱۱۴۴ - ۱۱۵۹

۱۱۷۹ - ۱۱۹۱ - ۱۱۹۲ - ۱۲۶۱ - ۱۳۰۹

۱۳۲۵ - ۱۳۳۵ - ۱۳۷۲ - ۱۳۹۷ - ۱۴۲۰

۱۴۵۰ تا ۱۴۶۲ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۷

تا ۱۴۷۷ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۳

۱۴۸۶ - ۱۴۸۸ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۳

تا ۱۴۹۵ - ۱۴۹۹ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲ - ۱۵۱۴

۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۱ تا ۱۵۳۳ - ۱۵۴۷

۱۵۴۸ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۴ - ۱۵۵۸ - ۱۵۶۰

۱۵۶۲ - ۱۵۶۳ - ۱۵۶۷ تا ۱۵۷۷ - ۱۵۷۹

تا ۱۵۸۱ - ۱۵۸۴ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۹ - ۱۵۸۹

۱۵۹۱ - ۱۵۹۳ - ۱۵۹۵ تا ۱۶۰۵ - ۱۶۰۷

تا ۱۶۱۵ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ - ۱۶۲۴ تا ۱۶۲۷

۱۶۳۰ - ۱۶۳۱ - ۱۶۸۵ - ۱۶۹۳ - ۱۷۰۷

۱۷۰۸ - ۱۷۱۷ - ۱۷۴۵ - ۱۷۸۲ - ۱۸۷۴

۱۹۲۳ - ۱۹۴۴ - ۱۹۵۵ - ۲۰۲۰ - ۲۰۹۱

۲۱۰۱ - ۲۱۰۳ - ۲۱۰۴ - ۲۱۱۰ - ۲۱۲۱

۲۱۲۴ - ۲۱۳۱ - ۲۱۴۷ - ۲۱۸۳ تا ۲۱۸۵

۲۱۸۸ - ۲۱۸۹ - ۲۱۹۳ - ۲۱۹۴ - ۲۱۹۶

۲۲۱۳ - ۲۲۱۶ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۹ - ۲۲۵۶

۲۲۵۷ - ۲۲۶۲ - ۲۲۷۰ - ۲۲۸۱ - ۲۲۸۲

۲۳۳۳ - ۲۴۲۲ - ۲۴۷۳ - ۲۵۳۷ - ۲۶۰۶

۲۶۱۱ - ۲۶۲۲ - ۲۶۵۳ - ۲۶۶۸ - ۲۶۷۵

۲۷۰۴ - ۲۷۰۵ - ۲۷۲۲

داریوش دوم (اخیس) : ۷۰ - ۷۳ - ۴۰۲ -

۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۲ - ۹۵۶

۹۵۷ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۲ تا ۹۶۵ - ۹۶۷

۹۷۵ - ۹۸۲ - ۹۸۶ - ۹۸۸ تا ۹۹۳ - ۹۹۶

۱۰۰۷ - ۱۰۲۹ - ۱۰۶۹ - ۱۱۲۳ - ۱۱۳۱

۱۱۴۱ - ۱۱۸۸ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۵ - ۱۵۶۹

۱۶۰۲ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ - ۲۱۹۶ - ۲۵۶۹

داریوش سوم، ۱۴۱۰ م - ۶۶۹ - ۹۵۶ - ۱۱۶۶ -

دال ، ۱۹۲۲	۱۱۸۸ تا ۱۱۹۱ - ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۳ - ۱۲۴۸
درتاد : (تیرداد)	۱۲۴۹ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۵ - ۱۲۶۳ - ۱۲۶۷
درسیلیداس : ۱۵۹۹ تا ۱۱۰۲ - ۱۱۱۵	۱۲۶۸ - ۱۲۷۶ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸
درمیخت : ۲۰۶۱	۱۲۹۰ تا ۱۲۹۵ - ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ - ۱۳۰۳
دروپید : ۱۳۲۲	۱۳۱۹ تا ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳
دروزوس : ۲۳۹۵	۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ - ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ - ۱۳۷۳
دریایوش : (داریوش)	۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ - ۱۴۰۰
دری پته تی نا : ۲۱۴۹	۱۴۰۳ تا ۱۴۰۶ - ۱۴۰۹ تا ۱۴۱۱ -
دری پته تیس : ۱۴۴۹ - ۱۶۲۹ - ۱۸۸۳	۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۸ تا ۱۴۴۹
دری زس : ۱۶۲۶	۱۴۶۶ - ۱۴۹۹ - ۱۵۱۷ - ۱۵۲۷ تا ۱۵۲۹
دری زن : ۲۰۵۸	۱۵۸۸ - ۱۵۹۴ - ۱۶۲۹ تا ۱۶۳۱ - ۱۶۳۳
دسارزک : ۵۴	۱۶۳۵ تا ۱۶۳۷ - ۱۶۳۹ تا ۱۶۴۱ - ۱۶۴۵
دسبالوس : ۲۴۶۶	۱۶۴۷ تا ۱۶۵۱ - ۱۶۵۶ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۴
دسی دیوس : ۲۳۴۲ - ۲۳۴۳	۱۶۷۶ - ۱۶۸۴ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۷ تا ۱۶۹۹
دشتی (علی) : ۶۰	۱۷۰۸ - ۱۷۲۱ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۶ - ۱۷۳۸
دکساریس : ۱۷۸۲	۱۷۹۱ - ۱۸۲۷ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۷
دل آسپیس : ۱۳۵۸	۱۹۱۲ - ۱۹۱۵ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۶ - ۱۹۴۶
دلایورت : ۱۹۰۸	۱۹۵۴ - ۱۹۸۲ - ۲۰۴۹ - ۲۰۶۸ - ۲۱۰۹
دلاواله : ۴۳	۲۴۸۲ - ۲۵۳۰ - ۲۵۴۰ - ۲۵۴۳ - ۲۵۴۴
دلیچ : ۶۳	۲۵۵۸ - ۲۶۰۵
دماد : ۱۲۳۷ - ۱۹۸۰	داریوش پسر اردشیر : ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۸ - ۱۱۶۴
دمارات : ۶۶۳ تا ۶۶۸ - ۶۸۵ - ۷۰۴ - ۷۴۴ تا	۱۶۲۸
۷۴۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۵ تا ۷۸۸ - ۹۹۲	داریوش پسر خشیارشا : ۹۰۴ - ۱۶۲۷
۱۰۳۸ - ۱۱۱۴ - ۱۲۵۴ - ۱۴۲۵	داریوش پسر مهر داد ششم : ۲۱۴۹
دمارات کرنقی : ۱۲۱۰	دامارت : ۸۸۱
دمارات لاسدمونی : ۹۱۷ - ۹۱۸	داماسپیا : ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۱۶۲۷
دمترا : ۴۳۹	داماسی تیم : ۷۴۲
دمتریوس : ۱۶۶۱ - ۱۶۷۳ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۹	دان : ۹۰
۱۸۰۰ - ۱۸۲۴ - ۲۰۳۴ تا ۲۰۳۶ - ۲۰۳۸	دانائوس : ۷۴۱
۲۰۳۹ - ۲۰۴۱ تا ۲۰۴۳ - ۲۰۴۶ تا ۲۰۵۰	دانائو : ۲۴۵ - ۷۳۰ - ۷۶۰ - ۱۲۹۷
۲۰۵۹ تا ۲۰۶۱ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶	دانیال : ۳۹۵ تا ۳۹۷ - ۴۴۵ - ۶۹۸
۲۰۷۰ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۸ - ۲۰۹۳ تا ۲۰۹۵	داود : ۶۳ - ۴۰۳ - ۹۴۶
۲۱۶۳ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۹	داور : ۳۵ - ۱۱۰
۳۲۳۰ - ۳۲۳۴ تا ۲۲۳۷ - ۲۲۳۹ تا ۲۲۴۱	داویس : ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹
۲۲۵۹ - ۲۲۶۱ - ۲۵۸۵ - ۲۵۹۵ - ۲۵۹۶	دتوس : ۷۳۵

- دمتریوس اول : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷
- دمتریوس دوم : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۷ - ۲۱۶۸ - ۲۲۲۹
- تا ۲۲۳۱ - ۲۲۴۲ - ۲۶۷۷
- دمتریوس سوم : ۲۰۶۹ - ۲۰۹۰
- دمتریوس آن تی گون : ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳
- دمتریوس او تی دم : ۲۱۱۸
- دمتریوس پولی ارست : ۲۱۶۶
- دمتریوس مقدونی : ۲۱۲۶ - ۲۱۲۷
- دمرگان : ۹ - ۵۶ - ۹۳ - ۱۱۶ - ۱۱۸ - ۱۳۱
- تا ۱۳۴ - ۱۴۴ - ۱۷۹ - ۲۲۲ - ۱۴۹۱ - ۱۵۱۱ - ۱۶۱۶
- دموستن : ۸۶۰ - ۱۱۸۲ - ۱۱۸۳ - ۱۱۹۸
- ۱۲۰۲ تا ۱۲۰۴ - ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۶ - ۱۲۳۰
- ۱۲۳۱ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۳
- ۱۲۶۲ - ۱۸۸۳
- دموکدس : ۵۵۸ تا ۵۶۲
- دموکرآت آتنی : ۱۶۴۵
- دموکریت : ۷۷
- دمی ثیان : (دومی ثیانوس)
- دن دامیس : ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴
- دنیس : ۷۱ - ۱۱۲
- دنیس تل ماها : ۲۶۲۹ - ۲۶۳۰
- دورس : ۱۴۸۳
- دوریزس : ۶۵۰ - ۶۵۱
- دوریس : ۱۶۴۹
- دوسان نا : ۱۷۳
- دوگ دولیخ تن برگ : ۵۰۵
- دولت آبادی (یحیی) : ۴۰ - ۴۴۵ - ۴۹۹ - ۴۹۹
- ۵۵۲ - ۵۵۵ - ۷۳ - ۸۰ - ۸۸ - ۹۲ - ۹۲
- ۹۴ تا ۹۶ - ۱۰۰ - ۱۰۴ - ۱۱۰ - ۱۲۸ - ۱۲۸
- دوماکسی من : ۲۱۸۰
- دومی ثیانوس : ۲۴۶۰ - ۲۴۶۱ - ۲۴۶۶
- دومی ثیوس : ۲۳۵۸
- دونگی : ۵۵ - ۱۰۷ - ۱۱۷
- دونی سیوس : ۱۹۳۰
- دهارت ویک : ۴۱ - ۱۱۷ - ۱۱۷
- دهحذا (علی اکبر) : ۶۰ - ۶۰
- دیاکو : (دیوکس)
- دیان (آرتمیس) : ۶۶۹۰ - ۸۱۰ - ۱۲۱۶ - ۱۲۶۲
- ۱۲۶۳ - ۱۵۱۵ - ۱۵۲۹ - ۱۹۲۰
- دی ئیل : ۶۹
- دی تی رامب : ۷۸۴
- دی دامیا : ۲۰۴۸
- دیران اول : ۲۵۸۷ - ۲۵۹۸ - ۲۶۳۶
- دیران دوم : ۲۶۳۷
- دیفریداس : ۱۱۱۶
- دیکسن (ژنرال) : ۵۷
- دیگران : (تیگران)
- دیگرانوهی : ۲۰۴
- دیم نوس : ۱۶۵۶ تا ۱۶۶۲ - ۱۶۶۵ تا ۱۶۶۷
- ۱۶۷۲ - ۱۶۷۵
- دینارک : ۱۲۸۳
- دی نن : ۷۴ - ۸۵ - ۴۷۳ - ۹۰۸ - ۹۱۰
- ۹۱۴ - ۹۵۷ - ۹۹۱ - ۹۹۸ - ۱۰۱۲
- ۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۸ - ۱۰۹۶
- ۱۰۹۷ - ۱۱۱۶ - ۱۱۱۹ - ۱۱۵۸
- ۱۱۶۶ - ۱۱۸۸ - ۱۴۰۷
- دینوری : ۱۰۲
- دیوتاروس : ۲۳۳۴ - ۲۳۳۵
- دیوجانس کلبی : ۱۲۲۶ - ۱۲۲۷ - ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۴
- دیودوت : ۲۰۷۳ - ۲۰۷۶ - ۲۰۸۹ - ۲۱۹۷
- ۲۱۹۸ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵
- ۲۲۲۳ - ۲۲۵۹
- دیودوت دوم : ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۵۹
- دیودور : ۲۱۳۳
- دیودورسیسیلی : ۷۰ تا ۷۳ - ۷۷ - ۷۸ - ۱۱۲
- ۲۰۸ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۶۱ - ۲۸۴ - ۲۹۵

۱۸۳۳-۱۸۳۰ - ۱۸۱۸ - ۱۸۱۰ - ۱۸۰۴
 ۱۸۵۷-۱۸۴۷ - ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۳ - ۱۸۳۶
 ۱۸۷۸-۱۸۷۵ - ۱۸۷۰ - ۱۸۶۹ - ۱۸۶۱
 ۱۹۰۹-۱۹۰۳ - ۱۹۰۱ - ۱۸۹۳ - ۱۸۸۲
 ۱۹۲۵-۱۹۱۵ - ۱۹۱۴ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۱
 ۱۹۶۶-۱۹۶۰ - ۱۹۵۹ - ۱۹۴۱ - ۱۹۳۹
 ۱۹۷۶ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۰ - ۱۹۶۸
 ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۴ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۱ - ۱۹۷۹
 ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۴ - ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹
 ۲۰۱۷-۲۰۱۵ - ۲۰۱۳ تا ۲۰۰۴ - ۲۰۰۲
 ۲۰۳۱ - ۲۰۲۹ تا ۲۰۲۶ - ۲۰۲۴-۲۰۲۱ تا
 ۲۰۴۵ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۰ تا ۲۰۳۳
 ۲۰۵۶ تا ۲۰۵۴ - ۲۰۵۲ تا ۲۰۵۰ - ۲۰۴۸
 ۲۰۶۹-۲۰۶۷ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۰
 ۲۱۱۲-۲۰۹۴ تا ۲۰۹۲-۲۰۸۴ - ۲۰۷۵
 ۲۱۶۰ - ۲۱۲۸ تا ۲۱۲۶ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۳
 ۲۲۳۲ - ۲۲۳۱ - ۲۲۲۸ - ۲۲۲۶ - ۲۱۹۱
 ۲۲۶۲ - ۲۲۴۷ تا ۲۲۴۲ - ۲۲۴۰ تا ۲۲۳۸

۲۶۵۶ - ۲۶۵۵

دیوژن بابلی : ۲۱۱۴

دیوژن کلبی : (دیوجانس)

دیوژن لارنی : ۱۵۱۶

دیوژن می‌تی‌لنی : ۱۲۸۱

دیوفانت : ۱۱۷۵ - ۲۱۳۸

دیوکاسیوس : ۲۱۷۳ - ۲۱۷۹ - ۲۲۱۸ - ۲۲۰۳

۲۲۳۰ - ۲۲۲۸ - ۲۲۹۱ - ۲۲۸۹ - ۲۲۸۴

۲۳۷۲ - ۲۳۵۲ - ۲۳۴۷ تا ۲۳۳۴ - ۲۳۳۱

۲۳۸۶-۲۳۸۵-۲۳۸۳ - ۲۳۸۲ - ۲۳۷۹ تا

۲۴۵۰ - ۲۴۴۶ - ۲۴۰۷ - ۲۴۰۰ تا ۲۳۸۸

۲۴۷۳-۲۴۶۹ - ۲۴۶۸ - ۲۴۵۷-۲۴۵۲ تا

۲۴۹۲-۲۴۹۰ - ۲۴۸۸ تا ۲۴۷۸ - ۲۴۷۶ تا

۲۵۱۵ تا ۲۵۰۴ - ۲۵۰۱ تا ۲۴۹۶ - ۲۴۹۳

تا ۲۵۳۱-۲۵۲۹ تا ۲۵۲۱ - ۲۵۱۹ - ۲۵۱۸

- ۲۶۶۹-۲۶۵۵ - ۲۶۴۴ - ۲۶۳۱ - ۲۵۳۳

۶۲۷۰

۶۹۵ - ۶۸۰ - ۵۰۶ - ۴۸۴ ۴۷۱ تا ۴۶۹
 ۸۹۴-۸۸۲ - ۸۸۱ - ۸۷۹ تا ۸۷۵ - ۶۹۸
 - ۹۲۰ - ۹۱۹ - ۹۱۴ - ۹۰۹ - ۸۹۶
 ۹۳۷ تا ۹۳۵ - ۹۳۲ تا ۹۳۰ - ۹۲۷ - ۹۲۶
 ۹۶۵ - ۹۵۷ - ۹۵۵ تا ۹۵۳ - ۹۵۱ - ۹۳۹
 - ۱۰۱۱ - ۹۹۱ - ۹۸۷ - ۹۸۶ - ۹۷۷
 ۱۱۰۵-۱۰۹۳ - ۱۰۹۲ - ۱۰۲۸ تا ۱۰۲۵
 ۱۱۳۲ - ۱۱۳۱ - ۱۱۲۸ - ۱۱۲۷ - ۱۱۲۴
 ۱۱۴۱ تا ۱۱۳۹ ۱۱۳۷ - ۱۱۳۵ - ۱۱۳۴
 - ۱۱۶۸ تا ۱۱۶۴ - ۱۱۵۸ - ۱۱۴۷
 ۱۱۸۲ - ۱۱۸۰ تا ۱۱۷۷ - ۱۱۷۵ تا ۱۱۷۱
 ۱۲۰۵ - ۱۲۰۳ - ۱۱۹۹ تا ۱۱۹۶ - ۱۱۹۰
 - ۱۲۲۶ - ۱۲۱۴ - ۱۲۱۳ - ۱۲۰۸ تا
 ۱۲۴۷ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۱ - ۱۲۳۷ - ۱۲۳۳
 ۱۲۵۸ تا ۱۲۵۳ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۰ - ۱۲۴۸
 ۱۲۷۷-۱۲۷۵ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۰
 ۱۲۹۴ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۱ - ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۱
 ۱۳۰۹-۱۳۰۸ - ۲۳۰۴ - ۱۲۹۹ - ۱۲۹۵
 ۱۳۲۰ تا ۱۳۱۷ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۲
 ۱۳۳۷ - ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۲ - ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۶
 ۱۳۴۷-۱۳۴۵ - ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۰ - ۱۳۳۹
 ۱۳۵۷-۱۳۵۵ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۱ - ۱۳۴۸
 ۱۳۶۸ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۳ - ۱۳۵۸
 ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۱ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۰
 ۱۴۰۲-۱۴۰۱ - ۱۳۹۸ - ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۰
 ۱۴۲۰ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۴ - ۱۴۱۲ تا ۱۴۰۴
 - ۱۴۴۴ - ۱۴۲۸ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۴ تا
 ۱۵۲۸ - ۱۵۱۵ - ۱۴۸۹ - ۱۴۸۱ - ۱۴۵۶ تا
 ۱۶۰۲ - ۱۵۶۹ تا ۱۵۶۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۴۲
 ۱۶۵۰ تا ۱۶۴۷ - ۱۶۴۴ تا ۱۶۴۲ - ۱۶۳۵
 ۱۶۸۴ تا ۱۶۸۲ - ۱۶۷۹ - ۱۶۷۵ - ۱۶۵۵
 ۱۷۲۱-۱۷۰۱ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۱ تا ۱۶۸۶
 ۱۷۷۰ - ۱۷۶۸ - ۱۷۶۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۳۳
 تا ۱۸۰۲-۱۷۹۲ - ۱۷۷۶ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۲

دیوکس : ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۵ تا ۱۷۹ - ۲۱۵ تا
۲۱۷

دیوکسیپ : ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۴۲

دیوکلشین : ۲۱۸۰

دیولافوا : ۵۶ - ۱۳۱ - ۴۷۲ - ۵۸۵ - ۵۹۱

۶۴۷ - ۶۸۶ - ۸۱۳ - ۸۳۷ - ۸۶۲ - ۱۱۳۳

۱۱۴۴ - ۱۱۹۷ - ۱۲۷۹ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۳

۱۵۶۵ - ۱۵۶۷ - ۱۶۰۱ - ۱۶۱۳ - ۱۶۱۸

۲۷۲۱

دیونخویسس : ۶۹

دیونیزوس : ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ و رجوع به باکوس شود

دیونیس : ۴۸۷ - ۵۱۲ - ۵۹۴ - ۶۰۰ - ۶۲۰ -

۷۴۸ - ۱۴۷۵ و رجوع به باکوس شود

دیونیس : (آنتیوخوس یازدهم)

دیونیس تلمار : ۲۶۳۲

دیونیس هراکلی : ۱۴۴۹

دیونیسیوس : ۱۶۲۹ - ۲۰۴۹ - ۲۱۰۹ - ۲۴۵۸

دیونی سیوفان : ۸۶۳

دیوین : ۱۱۱۵

دیوینسس : ۷۸۴

ذ

ذی القرنین : (اسکندر)

ر

را : ۵۰۳ تا ۵۰۵ - ۵۰۷ - ۵۷۰ - ۹۲۸ - ۲۰۹۷

راتینس : ۴۲۹

رائین : ۱۰۹۱ - ۱۱۰۴

راجرس (ویلیام) : ۶۸۸ - ۹۴۵ - ۹۵۲ - ۹۸۷

۱۳۱۵ - ۱۳۳۰ - ۱۳۴۹ - ۱۳۶۹ - ۱۴۰۷

۱۶۲۲ - ۱۶۳۱ - ۱۹۳۸

رادامانت : ۱۹۲۸

رادامیست : ۲۴۲۵ تا ۲۴۳۱ - ۲۶۲۰

راس : ۲۷۰۲ - ۲۷۰۸ - ۲۷۰۹ - ۲۷۱۴

راسین : ۲۱۴۷

رام بهشت : ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰

رامزی : ۴۹

رامسس (رامزس) : ۵۱

راموس : ۲۳۶۷

رامیترس : ۱۱۳۸ - ۱۲۴۸ - ۱۲۵۶ - ۱۳۱۰ - ۱۵۳۸

رانکه : ۶۴

راولینسن : ۳۲ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۴ - ۱۷۸ - ۲۲۷

۵۴۹ - ۶۹۵ - ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۲۱۸۸ -

۲۱۹۵ - ۲۲۰۷ - ۲۲۰۹ - ۲۲۱۸ - ۲۲۲۶

۲۲۷۲ - ۲۲۸۶ - ۲۲۹۰ - ۲۳۷۳ - ۲۳۸۳

۲۴۱۷ - ۲۴۲۳ - ۲۴۲۸ - ۲۴۲۹ - ۲۴۴۹

۲۴۵۲ - ۲۴۵۳ - ۲۴۵۷ - ۲۴۸۳ - ۲۵۲۳

۲۶۲۴ - ۲۶۴۷ - ۲۶۵۸ - ۲۷۰۵

رایس : ۴۹ - ۱۱۱

رئیسالتجار : ۱۱۱

رجیعلی : ۴۳

رحوم : ۹۴۷ - ۹۴۸

رحیمزاده صفوی : ۴۹۱

رداسپ : ۲۱۹۶ - ۲۳۸۳

ردگونه : ۹۵۲ - ۱۱۵۴ - ۱۱۵۸ - ۱۶۲۵ - ۱۶۳۱

۲۲۳۰

ردگون (دختر اردشیر) : ۱۶۲۸

ردگون (دختر خشایارشا) : ۱۶۲۷

ردیمه : ۵۲۰ - ۵۲۱

رزت : ۴۳

رسام : ۵۲ تا ۵۴

رضاخان (رضاشاه) : ۱۹۱۷

رع : (را)

رعمه بن کوش : ۴۴۴

رفت افندی : ۲۵۸۲

رکسانس : ۹۱۶ - ۱۸۸۶

رکسانه (روشنگ) : ۴۸۳ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۱۴۴۶

۱۷۳۶ - ۱۷۳۷ - ۱۷۴۰ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۵

۱۹۲۷ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۸ - ۱۹۵۴ - ۱۹۵۶

زرتشت، ۹۹-۱۴۶-۲۲۰-۱۲۱۶-۱۴۵۳-
 ۱۵۱۶-۱۵۲۱-۱۵۳۱-۲۴۵۰-۲۵۲۹-
 ۲۵۳۴-۲۵۴۴-۲۵۴۲-۲۵۷۴-
 ۲۵۸۳-۲۶۸۹-۲۶۹۱-۲۶۹۲

زرسپ، (زارياسپ)

زرنج‌پارسی: ۲۶۲۷

زروان‌اکرن: ۱۵۲۳-۱۵۲۴

زکریا، ۹۴۸

زنن، ۷۸-۱۱۱۲

زنو: ۲۳۹۶-۲۳۹۸

زنوآرتاشس: ۲۶۱۹

زنوب‌گلگی: ۹۷-۲۱۸۱-۲۶۰۳

زنوبی: ۲۴۲۸-۲۴۲۹

زوایلوس، ۱۶۵۶

زویر: ۵۲۹-۵۳۶-۵۵۴ تا ۵۵۰-۶۶۹-۷۰۱

۷۳۸-۸۰۳-۸۳۳-۹۳۳-۹۵۷-۱۶۲۶

زوپیرون، ۶۱۸

زویی‌ریون: ۱۷۱۷-۱۸۸۱

زوس، ۲۶۶-۲۹۷-۳۵۵-۳۸۱-۴۱۰-

۴۲۵-۴۲۷-۴۶۴-۴۹۶-۵۱۳-۵۵۷-

۵۵۸-۵۶۵-۵۷۹-۶۰۵-۶۴۳-۶۴۷-

۶۵۱-۶۵۶-۷۲۲-۷۲۸-۷۳۰-۷۵۷-

۷۵۸-۷۷۴-۷۷۶-۷۸۱-۸۰۰-۸۱۱-

۸۳۶-۹۱۶-۹۱۸-۱۰۵۹-۱۰۶۴-

۱۰۸۸-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۶-۱۲۶۱-

۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۳۶۲-۱۵۱۵-۱۵۱۶-

۱۵۱۸-۱۵۱۹-۲۰۹۸-۲۳۲۶-۲۶۷۹-

۲۶۹۰ رجوع به‌زویی‌تر شود

زوس‌آب رتنوس: ۲۱۰۳

زوس‌آسیا مئوس: ۲۱۰۳

زهره، ۱۱۹ رجوع به‌اناهیتا شود

زیار، ۲۵۶۰

زی‌بش، ۸۹۸

زی‌به‌تیس: ۲۰۹۴-۲۱۵۱-۲۱۶۶-۲۲۰۰-

۱۹۵۷-۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲-۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷-

۱۹۸۹-۱۹۹۳-۱۹۹۸-۲۰۱۹-۲۰۲۳-

۲۰۲۷ تا ۲۰۲۹-۲۰۳۲-۲۰۴۳-۲۰۴۴-

۲۱۰۸

رکفلر، ۱۶۲۰

رم‌سین، ۱۱۷-۱۲۰

رنان، ۵۷

روزاسس: ۱۱۷۴-۱۲۵۲-۱۲۵۵

روزبه (ابن‌مقفع)، ۱۰۰

روژه: ۴۳

روسا، ۱۷۲-۱۹۴

روستوتزف، ۲۱۵۹

روس‌سیوس، ۲۳۲۱ تا ۲۳۲۴

روشنک: (رکسانه)

روفا، ۲۵۸۹

رویتز: ۱۰۲

رهام، ۱۳۵

رهنما (زین‌العابدین): ۶۰

ریج: ۵۱

ریشارد: ۱۴۷۱-۱۴۸۰-۱۴۹۰-۱۴۹۴-

۱۵۵۷-۱۵۷۲-۱۵۸۹

ریم‌سین، (رم‌سین)

ز

زاتوردات: ۲۶۲۷

زاره (فردریک): ۱۴۹۶-۱۵۵۳-۱۵۵۵-

۱۵۶۶-۱۶۰۱-۲۷۱۹-۲۷۲۰-۲۷۲۲

زارياسپ، ۱۷۲۱-۱۸۶۳

زاريادرس، ۲۰۸۳-۲۲۷۱

زارین، ۲۱۳

زاهدی (سپهبد): ۱۰۰

زئوس، (زوس)

زئه: ۲۶۲۲

زت‌سن، ۴۹

زربابل: ۹۴۷ تا ۹۴۹

۲۲۷۸-۲۲۸۰-۲۲۸۳-۲۳۳۰-۲۳۳۶
 ۲۳۴۰-۲۳۴۸ تا ۲۳۵۰-۲۳۷۸-۲۳۸۴
 ۲۴۴۶-۲۴۶۸-۲۴۸۹-۲۴۹۳
 ژوستی نین: ۹۰-۹۲۷-۲۱۷۶-۲۵۳۳-۲۶۱۴
 ۲۶۷۴

ژوگه: ۲۱۵۹

ژولسزار: (یولیوس سزار)

ژولیان، ۸۹-۲۱۷۷-۲۶۰۹

ژونن، ۸۵۲-۸۵۵-۸۵۹-۸۶۵-۱۰۹۸-۱۲۱۶

ژوین (یویان): ۲۱۷۷

ژووین: ۲۶۰۹

ژی رودوسی: ۹۴۵

ژی ژیس: ۱۰۹۶-۱۰۹۷

ژیگ: ۱۹۵

ژیگس: ۶۵۱

ژیلمر: ۶۱۲

س

سائیس: ۹۲۷

ساباریس: ۳۱۰

ساباس: (سابوس)

ساباسس: ۱۳۱۰

سابورین اشک: ۲۵۴۶-۲۵۴۷-۲۵۴۹

۲۵۵۱ تا ۲۵۵۹-۲۵۶۵-۲۵۶۶

ورجوع به شاپور شود.

سابوس: ۱۸۳۴-۱۸۳۵-۱۸۴۴-۱۸۵۱-۱۸۵۲

سایکتاس: ۱۲۸۵

ساتاس پس: ۸۹۳-۸۹۴

ساتراس: ۱۷۱۶

ساتورن: ۸۱۱-۸۵۶-۸۸۱

ساتی برزن: ۱۰۲۴-۱۳۷۹-۱۶۵۲ تا ۱۶۵۵

۱۶۸۴ تا ۱۶۸۶-۱۶۹۴

ساتی فرن: (تیسافرن)

سادکس: ۹۴۳

زفیس: ۱۱۰۰

زین المابدین شیروانی: ۳

زیه لاس: ۲۱۵۱-۲۱۶۶

ژ

زازن: ۷۳۱-۲۲۶۸-۲۳۲۷ تا ۲۳۲۵

زان هیرکانوس: ۲۲۳۸

زرمانیکوس: ۲۳۹۷ تا ۲۳۹۴

زوپی تر: ۲۴۵-۲۵۱-۱۳۲۱-۱۳۵۳-۱۳۵۶

۱۳۸۴-۱۳۹۳-۱۶۶۲-۱۶۶۷-۱۶۶۹

۱۶۷۱-۱۷۳۰-۱۷۴۰-۱۷۵۰-۱۷۵۲

۱۷۷۱-۱۷۷۷-۱۸۵۳-۱۸۸۷-۱۹۰۳

۱۹۰۶-۱۹۲۸-۲۱۲۸-۲۴۹۲-۲۵۰۰

ورجوع به زوس شود

ژوستن: ۷۳-۷۹-۸۷-۸۸-۲۶۲-۲۶۳

۲۸۵-۲۸۶-۴۷۰-۴۷۸-۴۸۴-۵۰۶

۵۳۱-۵۳۲-۶۰۱-۶۱۸-۶۷۵-۶۷۶

۶۷۹ تا ۶۸۱-۶۸۵-۶۹۵-۷۴۹-۸۸۲

۹۰۹-۹۵۶-۹۸۶-۹۸۷-۱۰۲۷-۱۱۵۲

۱۱۵۶-۱۱۶۶-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۲۲۶

۱۲۳۳-۱۳۲۸-۱۳۳۳-۱۳۵۱-۱۳۵۶

۱۳۵۷-۱۳۷۹-۱۳۸۱-۱۴۲۲-۱۴۲۸

۱۴۴۵-۱۴۵۶-۱۵۲۷-۱۶۸۳-۱۶۷۵

۱۶۹۰-۱۶۹۵-۱۷۱۷-۱۷۱۸-۱۷۳۲

۱۷۵۷-۱۸۴۳-۱۸۸۱-۱۹۲۶-۱۹۳۷

۱۹۳۹-۱۹۴۴-۱۹۵۹-۱۹۶۰-۱۹۶۳

۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰-۱۹۸۱-۱۹۸۲-۱۹۸۴

۲۰۲۶-۲۰۴۴-۲۰۵۲-۲۰۵۳-۲۰۵۵

۲۰۵۶-۲۰۶۸-۲۰۸۱-۲۰۸۲-۲۰۸۴

۲۱۷۴-۲۱۷۵-۲۰۸۷-۲۱۹۲-۲۱۹۸

۲۲۰۲-۲۲۰۳-۲۲۲۵-۲۲۰۷-۲۲۲۰۹ تا

۲۲۱۱-۲۲۱۵-۲۲۱۶-۲۲۱۹-۲۲۲۳

۲۲۲۵ تا ۲۲۲۸-۲۲۳۰-۲۲۳۵ تا ۲۲۴۲

۲۲۴۴ تا ۲۲۴۷-۲۲۵۷-۲۲۵۸-۲۲۶۰

۲۲۶۲-۲۲۶۶-۲۲۶۷-۲۲۷۵ تا ۲۲۷۲

سایکس: ۱۴۸۳ - ۱۴۶۵ - ۱۳۷۸ - ۶۲۹	سادیارتنس: ۱۹۵
سبارس: ۲۶۳ - ۲۸۵	ساراکس: (سین شروقین)
سبالی نوس: ۱۶۶۵ - ۱۶۶۱ - ۱۶۵۸ - ۱۶۵۷	ساردانا پال: ۲۰۸ تا ۲۱۱ - ۱۲۹۱
۱۶۶۶ - ۱۶۷۵	سارگن: ۵۲ - ۱۱۵ - ۱۱۷ - ۱۲۹ - ۱۳۵ -
سبه اوس: ۲۶۱۹ - ۲۶۱۲ - ۲۵۹۴ - ۹۶	۱۳۶ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۷ - ۱۹۴ - ۲۱۶
سپاراسیکس: ۱۰۳۵	۶۸۸
سپارگایی سس: ۴۵۲ - ۴۵۱	ساری استن: ۲۲۸۸
سپارتیانوس: ۲۵۰۸ - ۲۵۱۰ تا ۲۵۱۵ - ۲۵۱۵	ساسان: ۲۶۱۶ - ۲۶۱۷
۲۵۲۳ تا ۲۵۲۵	ساسان اشکانی: ۲۶۱۵
سپاک: ۱۷۳	ساسان جد اردشیر: ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰ - ۲۵۶۵ -
سپاکو: ۲۲۰ - ۲۳۴ - ۲۳۷ - ۲۶۲	۲۵۹۰ - ۲۶۰۹
سپانتازاد: ۲۶۳۷	ساکس: ۲۵۲ - ۲۵۳
سپتیم سوروس: ۸۸ - ۲۱۷۶ - ۲۵۰۴ تا ۲۵۱۸	سالارنظام: ۴۷۸
۲۷۰۹	سالموک سس: ۵۹۶
سپس: ۱۱۰۰	سالوست: ۱۴۵۷
سپنددات (اسفندیار): ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۵۳۰ -	سالهمن: ۲۱۱
۵۳۱ - ۵۳۴ - ۵۳۵	سام: ۸ - ۳۰
سپولیس: ۱۷۲۵	سامیوس: (سابوس)
سپهدار: ۳۱ - ۳۵ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۵۵ -	سامس: ۲۰۸۷
۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۱۰	ساموفیلاکس: (بطلمیوس)
سپهر (لسان الملك): ۲۵۸۰ - ۲۵۸۱	سامی یوس: ۱۰۲۵
سپهرداد: (سپیت رادات)	ساناتروکس: ۲۶۲۰ و رجوع به سندروک شود
سپهرم: ۴۱۳	سان خونیا تن: ۸۶
سپهسالار: ۴۲ - ۴۷۰	سان دانیس: ۲۷۲
سپی تاسس: ۱۷۹۰	سان دراکت: ۹۱ - ۱۷۸۱ - ۲۰۵۶ - ۲۱۰۲ -
سپی تاماس: ۲۴۰ - ۲۴۱	۲۲۱۳ - ۲۲۱۴ و رجوع به چاندرآگوپ تا
سپی تامن: ۱۶۹۳ - ۱۶۹۶ تا ۱۶۹۸ - ۱۷۰۳ -	شود
۱۷۰۶ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۸ - ۱۷۲۳	سان دس: ۷۷۵
تا ۱۷۲۷ - ۱۸۸۳ - ۲۰۰۶ - ۲۰۵۴ -	ساندوسه: ۸۲۴
۲۱۱۲	سان ژه: ۱۷۶۶
سپیت رادات: ۹۵۹ - ۱۵۴۸ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۱ -	ساوس: ۲۵۵۱ - ۲۵۷۲
سپیریدات: ۱۰۹۱ - ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷ - ۱۲۴۸ -	سهاک: ۲۶۲۲
۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۵ - ۱۲۶۱	ساهم بن رزان: ۲۵۴۹
ستاتیرا: (استاتیرا)	سایروس: ۲۳۲ و رجوع به کوروش شود

ستارس تس : ۹۶۲	ستائوس : ۲۴۹۸ - ۲۴۹۷
سترسماییر : ۲۶۹۶	ستارخان : ۴۷م
ستوس : ۱۸۸۱ - ۲۰۲۱	ستاساندر : ۱۹۹۳ - ۲۰۰۸
ستولز : ۱۰۵۷	ستاسانور : ۶۵۰ - ۱۶۹۵ - ۱۷۳۰ - ۱۸۶۳
سته سنور : (ستاسانور)	۱۸۶۴ - ۱۹۶۷ - ۱۹۹۳ - ۲۰۱۹
سداسب : (ستاسب)	ستاسب : ۱۴۸۶ - ۱۵۴۹ - ۱۶۲۸
سراییس : ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳	ستاسی کرات : ۱۹۰۳
سراس پادان : ۲۳۸۳	ستامنس : ۱۷۲۵
سرافیم : ۲۶۲۶	سترابون : ۷۱-۷۳ - ۹۲ - ۱۴۱-۱۴۸ - ۱۵۵
سرتوریوس : ۲۱۴۱	۲۲۲ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۴۹ - ۴۷۰
سرداراسعد : ۴۹م	۴۷۱ - ۵۰۶ - ۵۹۰ - ۶۱۱ - ۶۱۶ - ۶۹۹
سرداراعتماد : ۷۸م	۹۰۸ - ۹۵۲ - ۹۹۱ - ۱۱۸۶ - ۱۱۸۸
سردار جنگ : ۷۶م	۱۲۶۷ - ۱۳۷۲ - ۱۴۵۶ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶
سردار سپه : (پهلوی)	۱۵۰۸ - ۱۵۰۹ - ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۱
سردار منصور : ۴۱م	۱۵۲۱ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۸ - ۱۵۳۰
سرس : ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۹ - ۸۶۷ - ۱۲۶۵	۱۵۳۳ - ۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ - ۱۵۴۶ - ۱۵۴۷
سرگن : (سارگن)	۱۵۶۵ - ۱۶۰۸ - ۱۶۵۵ - ۱۸۱۸ - ۱۸۳۳
سرومیتز : ۷۳۷	۱۸۳۷ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۴ - ۱۸۵۷ - ۱۸۷۰
سزار : (یولیوس)	۱۸۷۵ - ۱۸۷۷ - ۱۹۰۸ - ۲۰۵۸ - ۲۰۶۶
سزستریس : ۴۰ - ۵۶۷ - ۵۶۹ - ۹۲۸ - ۲۱۹۲	۲۰۶۷ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۲ - ۲۰۸۵
۲۱۹۳	۲۰۸۶ - ۲۱۰۳ - ۲۱۱۱ - ۲۱۱۴ - ۲۱۱۵
سز نیوس پتوس : ۲۴۴۳ تا ۲۴۴۹ - ۲۴۵۵ - ۲۴۵۶	۲۱۵۱ - ۲۱۵۲ - ۲۱۵۹ - ۲۱۶۰ - ۲۱۶۲
۲۴۶۵ - ۲۴۷۰	۲۱۷۵ - ۲۱۸۸ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۵
سس تس : ۷۱۷ - ۸۶۴ - ۸۷۰ - ۸۷۲ - ۱۲۴۵	۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۲۰۰ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۸
سعدالدوله : ۱۰ - ۴۹م - ۵۲م - ۵۳م - ۱۲۶م	۲۲۱۴ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۲۴ - ۲۲۳۳
سعدی : ۱۲۶م	۲۲۵۰ - ۲۲۵۷ - ۲۲۶۲ - ۲۲۶۷ - ۲۲۷۲
سعیدخان وزیر خارجه : ۴م	۲۲۷۴ - ۲۲۷۵ - ۲۲۷۷ - ۲۳۴۴ - ۲۳۷۳
سعیدی (احمد) : ۱۲۹م	۲۳۸۲ - ۲۳۸۳ - ۲۳۹۸ - ۲۴۲۲ - ۲۴۸۰
سفدیانس : ۹۵۲ تا ۹۵۵ - ۹۵۹ - ۱۶۲۷	۲۵۰۵ - ۲۵۳۴ - ۲۵۳۵ - ۲۶۴۴ - ۲۶۴۵
سفه : (کفه)	۲۶۴۹ - ۲۶۶۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۹ - ۲۶۹۲
سفیان : ۱۰۰	سترآتونیس : ۱۳۲۳ - ۱۳۲۷ - ۲۰۵۹ - ۲۰۶۵
سفیس : ۱۸۵۳	۲۰۷۱ - ۲۰۷۵ - ۲۰۹۹ - ۲۱۲۵ - ۲۱۳۰
سقراط : ۷۲ - ۱۰۵۸ - ۱۴۸۲ - ۱۵۰۳ - ۱۵۰۴	۲۳۴۴
۱۸۵۳ - ۱۸۵۴ - ۲۳۲۶	سترپوس : ۱۷۵۵

سماتوفيلاكس : ۱۸۲۶
 سمپاد : ۲۵۸۸
 سمپادوهی : ۲۵۸۸
 سمردمنس : ۷۳۸ - ۷۵۱ - ۱۶۲۶
 سمردیس : ۵۲۱ تا ۵۲۳ - ۵۲۹ - ۵۳۱ - ۵۳۴
 ۷۳۶ - ۲۱۲۳ و رجوع به بردیا شود
 سمیث (جرج) : ۵۳
 سمیرامیس : ۱۷۰ - ۱۹۳ - ۵۵۱ - ۱۵۶۸ -
 ۱۵۶۹ - ۱۷۰۵ - ۱۸۴۰ - ۱۸۵۹ -
 ۲۲۶۸
 سناخریب : ۵۲ - ۱۱۰ - ۱۳۶ - ۱۷۱ - ۱۷۸
 ۱۸۰ - ۱۸۷ - ۳۹۸ - ۲۴۷۳
 سنت آگوستن : ۲۱۷۶
 سنتروک : (اشك سیزدهم)
 سند : ۲۶۰۲
 سندروک ارمنی : ۲۱۸۱ - ۲۶۰۲ - ۲۶۳۴
 سندروک اشکانی : ۲۵۰۴ - ۲۶۳۶
 سندروک خواهر آبکار : ۲۵۹۸
 سندروک خسرون : ۲۶۳۶
 سن زرییوس : ۲۳۱۰ - ۲۳۱۲
 سنک : ۲۴۳۱ - ۲۴۵۸
 سن کرووا : ۱۳۱۸ - ۲۶۳۴
 سن گریگوار : (گریگوار)
 سنمار : ۲۳۳۲
 سن مارتین : ۲۶۰۱ - ۲۶۱۴ - ۲۶۱۷ - ۲۶۲۱
 ۲۶۲۳ - ۲۶۳۴ تا ۲۶۳۶
 سنوس : ۱۳۰۷ - ۱۳۸۷ - ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷ -
 ۱۴۳۱ - ۱۶۴۵ - ۱۶۶۰ - ۱۶۶۴ - ۱۶۷۰
 ۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۳ - ۱۷۸۵
 ۱۷۸۶ - ۱۷۸۹ - ۱۷۹۴ - ۱۷۹۹ - ۱۸۰۸
 ۱۸۱۰ - ۱۸۱۶ - ۱۸۱۷ - ۱۸۱۹
 سنین : ۴۹
 سوانسیس : ۷۴۲
 سواموس : ۲۴۹۶ - ۲۴۹۸

سقراط آخائی : ۹۹۷ - ۱۰۵۲ - ۱۰۵۶
 سکتوس یولیوس : (آفریکانوس)
 سكرات : ۱۲۵۴
 سكوپاسیس : ۶۰۳ - ۶۰۶
 سلانت : ۸۹۳
 سل بانوس : ۲۰۱۷
 سلطان برقوق : (برقوق)
 سلطان الواعظین : ۹۳م
 سلکول اول (نیکتور) : ۱۴۵۶ - ۱۷۸۷ - ۱۷۸۹
 ۱۸۸۳ - ۱۹۲۶ - ۱۹۳۳ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹
 ۱۹۹۴ - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ - ۲۰۲۰
 ۲۰۰۹ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۳ - ۲۰۳۴ تا ۲۰۳۸
 ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۶ تا ۲۰۵۰ - ۲۰۵۳
 تا ۲۰۶۷ - ۲۰۷۲ - ۲۰۷۶ - ۲۰۹۰ -
 ۲۰۹۶ تا ۲۰۹۹ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۹
 ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۳ - ۲۱۲۵ - ۲۱۳۳ - ۲۱۶۵
 ۲۱۹۴ - ۲۲۱۴ - ۲۲۷۱ - ۲۲۸۱ - ۲۴۰۸
 ۲۵۹۵ - ۲۶۵۲ - ۲۶۵۴
 سلکوس دوم (گالی نیکوس) : ۲۰۷۵ تا ۲۰۷۸
 ۲۱۰۵ - ۲۱۱۳ - ۲۱۳۵ - ۲۱۶۷ - ۲۲۰۳
 تا ۲۲۰۶ - ۲۲۰۹
 سلکوس سوم (سوتر) : ۲۰۷۸ - ۲۰۷۹ - ۲۱۶۷
 سلکوس چهارم : ۲۰۸۹ - ۲۰۹۹ - ۲۱۶۷ -
 ۲۲۱۶
 سلوک پنجم : ۲۱۶۹
 سلکوس ششم : ۲۰۸۹ - ۲۱۶۹
 سلکوس پسر آنتیوخوس : ۲۰۷۱ - ۲۰۷۲ - ۲۰۸۳ -
 ۲۵۹۸
 سلکوس پسر دمتریوس : ۲۲۴۱
 سلین : ۲۶۹ - ۲۶۹ تا ۲۷۱ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱۸
 ۱۹۸۱
 سلیمان سلجوقی : ۲۱۵۲
 سلیمان میرزا : ۵۳م - ۶۳م - ۷۶م - ۸۵م -
 ۱۲۸م

سوين تن : ۴۹
 سه تنس : (ستوس)
 سه سن نيوس : (سزنيوس)
 سه گرديان : ۲۱۸۰
 سيان بن ارتشاخ ، ۲۵۴۹
 سي برتيوس : ۱۸۶۱ - ۱۹۶۷ - ۲۰۰۸ - ۲۰۱۴
 ۲۰۱۹ - ۲۰۱۸
 سي برنيسك : ۷۴۲
 سي يون : ۲۳۱۴
 سي تالكلس : ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۱۲۹۱ - ۱۶۸۲
 سي تالسس : ۱۸۶۴
 سي ته اوس : ۱۹۶۹
 سي تيس سور : ۷۷۶
 سي دري تس : (دمتريوس)
 سي ده : (آنتيوخوس ششم)
 سيد يعقوب : ۱۱۰ م
 سيرا : ۱۷۵۶
 سيرموس : ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹
 سيروس : (كوروش)
 سيروميتر : ۷۳۳
 سيريل اسكندرائي : ۱۵۱۶
 سيزيك : (آنتيوخوس نهم)
 سيس : ۴۸ - ۴۹
 سي سامس : ۱۶۲۷
 سي سامنس : ۶۲۵ - ۷۳۳ - ۱۴۸۸
 سي سرون : ۷۰ - ۲۱۵۹ - ۲۱۷۸ - ۲۳۳۴
 سي سي توكس : ۱۷۷۶
 سي سيك : ۱۷۹۹
 سي سي كس توس : ۱۷۷۵
 سي سي گامبيس (ملكه) : ۱۱۸۸ - ۱۲۹۸ -
 ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ - ۱۳۹۰ - ۱۴۰۸ - ۱۴۱۱
 ۱۴۴۹ - ۱۴۶۶ - ۱۵۲۸ - ۱۵۲۹ - ۱۹۱۵
 ۱۹۳۶
 سي سي گامبيس (دختر استانس) : ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹

سوته تن (سوته نيوس) : ۲۳۳۸ - ۲۳۷۷ - ۲۴۰۰
 ۲۴۰۷ - ۲۴۵۰ - ۲۴۵۴ - ۲۴۶۶
 سوپوليس : ۱۷۴۹
 سوتر : (آنتيوخوس اول)
 سوتر : (سلکوس سوم)
 سوتس : ۱۰۹۲
 سورز : ۲۷۱۱
 سورن (پهلو) : ۲۵۹۹ تا ۲۶۰۱ - ۲۶۱۸ -
 ۲۶۴۹ - ۲۶۵۰
 سورنا : ۲۲۹۲ - ۲۳۰۴ - ۲۳۰۵ - ۲۳۰۸ -
 ۲۳۰۹ - ۲۳۱۷ تا ۲۳۲۵ - ۲۳۲۹ - ۲۳۳۱ تا
 ۲۳۳۳ - ۲۳۳۵ - ۲۳۴۲ - ۲۳۵۰ - ۲۴۰۴
 ۲۶۶۰ تا ۲۶۶۳ - ۲۶۶۶ تا ۲۶۷۱ - ۲۶۸۶
 سوروس : (سپ تيموس سوروس)
 سورياس : ۱۲۴
 سوريانوس : ۲۴۹۶
 سوسارمس : ۲۱۲ - ۲۱۵
 سوسترات : ۱۷۴۶
 سوسياس : ۹۹۹
 سوسيكلس : ۸۲۶
 سوسيون : ۱۷۹۳
 سوفازانوس : ۲۰۸۲ - ۲۲۱۴
 سوفنت : ۹۹۷ - ۹۹۹
 سوفنس : ۱۳۲۳
 سوفنس : ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۵ - ۱۸۲۰
 سولا : ۲۱۳۸ - ۲۱۴۰ - ۲۱۴۱ - ۲۱۵۸ -
 ۲۲۷۵ - ۲۶۶۳
 سولون : (سلن)
 سوماتوفيلاكس : ۱۸۰۲ - ۱۸۷۵ - ۱۸۹۰
 سون سيوس : ۱۹۸
 سوهموس : ۲۶۲۰ - ۲۶۳۶
 سويداس : ۲۴۶۷ - ۲۴۶۸ - ۲۴۷۷ - ۲۴۹۶
 ۲۴۹۹

- سی سی ماکس : ۶۵۱
- سی سی میترس : ۱۷۵۸ تا ۱۷۶۱
- سی سی نوس : ۸۱۰ - ۸۲۱ - ۱۳۰۳
- سیلاس (سیلاکس) : ۲۳۰۴ - ۲۳۲۵ - ۲۳۳۱
- سیلس : ۲۰۳۸
- سیل لیا : ۷۹۲۰
- سیلوسون : ۶۲۷ - ۶۲۸
- سیلوکو : (سلکوس)
- سیم میاس : ۱۶۷۷ - ۱۶۸۲
- سیمون (کیمون) : ۹۱۳ - ۹۱۹ - ۹۲۴ - ۹۲۶
- ۹۲۷ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۸۶
- سیمون (حواری) : ۲۶۰۲
- سینا : ۲۱۲۹
- سیناخریب : (سناخریب)
- سیناتروکس : (سنتروک)
- سینان : ۱۹۵۵
- سین ناکس : ۲۳۹۹ - ۲۴۰۰ - ۲۴۰۳
- سین زیر : ۶۸۰
- سین شروکین (شروکین) : ۱۸۶ - ۲۱۴
- سینوس : ۱۹۶۸ و رجوع به سنوس شود
- سی یاتوس : ۷۶۹ - ۷۷۰
- ش
- شایا ۴۳
- شاپشال : ۱۱۷ م
- شاپور ارمنی : ۲۵۹۸
- شاپور اشکانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۷ - ۲۵۶۰
- ۲۵۶۷ تا ۲۵۶۹ - ۲۵۷۱ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۶
- تا ۲۵۷۹
- شاپور اول ساسانی : ۱۵۱۷ - ۲۶۲۱ - ۲۶۳۷
- شاپور دوم : ۱۵۱۷ - ۱۵۹۰ - ۲۶۰۹ - ۲۶۱۰
- شاپور سوم : ۲۶۳۷
- شاپور پسر پایاک : ۲۵۳۰
- شاپور پسر یزدگرد : ۲۶۳۸
- شاردن : ۴۳
- شام پولیون : ۴۲ - ۴۳ - ۱۰۹
- شاهپوه : ۲۶۰۸ و رجوع به شاپور شود .
- شاهرخ (کیخسرو) : ۱۲۹ م
- شاه عباس کبیر : ۶۸۹ - ۲۱۸۷ - ۲۵۴۴
- شاه نعمت الله ولی : ۱۲۱۵
- شتوکن : ۶۲
- شتین : ۶۹
- شرادر : ۶۰ - ۶۱
- شرین وود : ۱۵۰
- شریعت زاده : ۳۵ م
- شش بصر : ۴۰۲
- شعاع السلطنه ۵۵ م
- شفق (دکتر رضازاده) : ۶۴ م
- شلم نصر : ۵۳ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۲۲۷ - ۱۵۶۹
- شلیمان : ۱۹
- شمبه پاکرد : ۲۵۸۶
- شمس اداد : ۱۶۹
- شمسویلونات : ۱۲۰ - ۱۹۰۷
- شمشائی : ۹۴۷ - ۹۴۸
- شمیدت : ۱۶۲۱
- شنیدار : ۲۶۴۵
- شوتروک ناخونتا : ۱۲۴ - ۱۳۴ - ۱۹۰۷
- شوستر : ۱۲۴ م
- شوشیناک : ۳۶ - ۱۳۲
- شهاب الدوله ملک آراء : ۷۳ م - ۷۴ م
- شهرستانی : ۹۰۷
- شیبیه : ۶۲ - ۲۲۱ - ۵۸۰ - ۵۹۷ - ۷۶۳ - ۷۸۳
- ۹۹۳ - ۱۰۱۳ - ۱۴۰۶ - ۱۴۵۴ - ۱۵۱۳
- ۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ - ۱۶۱۶
- شیخ (احیاء الملک) : ۵۵ م
- شیخ المراقین : ۹۲ م - ۱۰۰ م
- شی کوشتی : ۶۹۹
- شیل : ۳۶ - ۵۶ - ۱۶۰۸
- شیل خاکین شوشناک : ۱۳۴
- ص
- صارم الدوله : ۶۰ م

عبدالوهاب (حاج) : ۱۸ م
عبدالوهاب (میر) : ۳ م
عبدالوهاب خان نصیرالدوله : ۴ م

عبدو : ۱۶۳۰

عثمان : ۲۱۵۲

عزرا (نبی) : ۲۰۷ - ۲۱۷ - ۴۰۱ - ۴۰۲ -

۶۹۸ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۹ - ۹۹۱ - ۱۱۵۹

تا ۱۱۶۱

عزت : ۲۴۱۲ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۶ - ۲۴۲۰ -

۲۴۲۱ - ۲۴۲۹ تا ۲۴۳۱ - ۲۶۳۴

عزیز کاشی : ۷۹ م

عسکر بن ابی نصر : ۱۰۵

عشقی : ۸۴ م

عضدالدوله : ۱۰۳ - ۱۰۵

عضدالملک : ۴۶ - ۴۸ - ۱۲۴ م

عضدی (یدالله) : ۱۳۷ م

علاء (حسین) : ۱۰۱ - ۱۰۴ - ۱۰۹ م

علاءالدوله : ۱۱ - ۴۱ - ۱۲۴ م

علاءالسلطنه : ۴۸ - ۵۶ م

علائی : ۱۱۰ م

علامه حلی : ۱۰۳

علامیر (محمود) : ۱۲۸ م

علی بن ابی طالب : ۱۰۵

علی اصغر خان : (اتابک)

علی خان : ۱۴ م

عمادالسلطنه : ۱۰۰ م

عیسی مسیح : ۱۵۶۹ - ۲۱۸۲ - ۲۲۶۳ - ۲۳۹۱

۲۴۷۲ - ۲۴۷۳ - ۲۵۴۵ - ۲۵۴۷ - ۲۵۵۱

۲۵۵۹ - ۲۵۶۰ - ۲۵۶۶ تا ۲۵۷۰ - ۲۵۷۲

۲۵۷۷ تا ۲۵۷۹ - ۲۶۰۱ - ۲۶۰۲ - ۲۶۰۸ -

۲۶۳۲ - ۲۶۳۳ - ۲۶۹۰ - ۲۶۹۵ - ۲۷۰۱

عینالدوله : ۶۰ - ۷ - ۵۲ تا ۵۶ - ۷۱ - ۱۲۲ م

۱۲۳ - ۱۲۴ م

ف

فابیوس : ۲۲۸۸

صاحب بن عباد : ۱۰۳

صدرالاشراف : ۳۱ تا ۳۵ - ۴۲ - ۴۳ م

صدر بلاغی : ۴ م

صدقی : ۱۹۲

صفا (ظهیرالدوله) : ۴۶ م

صمصام السلطنه بختیاری : ۳۵ - ۳۸ - ۴۹ - ۵۶ م

۷۱ م

صنیعالدوله : ۱۹ - ۲۱ - ۲۳ - ۴۰ - ۴۵ م

ط

طالس : ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۷۵ - ۳۸۰

طبشیل : ۹۴۷

طباطبائی (سید ضیاءالدین) : ۶۰ - ۷۲ تا ۷۵ م

طباطبائی (محمدصادق) : ۲۲ - ۵۳ م

طبری : ۱۰۱ - ۱۰۵ - ۲۳۲ - ۴۷۸ - ۴۷۹ -

۵۳۷ - ۶۹۸ - ۹۵۳ - ۹۵۶ - ۹۹۱ - ۱۱۶۴

۱۱۸۸ - ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰ - ۲۵۴۶ تا ۲۵۴۹

۲۵۵۱ تا ۲۵۵۳ - ۲۵۵۷ - ۲۵۶۰

ططوس : (تیتوس)

طوماس حواری : ۲۶۳۳

طومانیانس : ۱۲۳ م

طویل الیدین : (اردشیر درازدست)

ظ

ظل السلطان : ۱۲۵ م

ظهیرالدوله : (صفا)

ع

عارف قزوینی : ۶۴ - ۷۴ - ۷۵ - ۹۹ م

عاصم بیک : ۵۳ م

عباس : (شاه عباس)

عباس آقا تبریزی : ۱۰ م

عباس میرزا : ۳ م

عبدالحسین واعظ : ۲۱ م

عبدالحمید : ۱۱۳ م

عبدالحمید خامنه ای : ۶۳ م

عبدالله (سید) : (بهبهانی)

عبدالنبی نوری : ۱۰۲ م

فرنا باز : ۹۴۳ - ۹۶۵ - ۹۶۷ - ۹۷۷ تا ۹۷۹ -	فارسیریس : ۹۵۲
۹۸۱ - ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۳ - ۱۱۰۰ تا ۱۱۰۰	فارناسس : ۹۷۴ - ۱۲۵۳
۱۱۰۲ - ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۸ - ۱۱۱۰ تا ۱۱۱۷	فارناسیاس : ۹۵۳ - ۹۵۹
۱۱۳۲ - ۱۱۳۴ تا ۱۱۳۸ - ۱۱۴۲ - ۱۱۵۴	فارناکس : ۱۶۲۵
۱۲۸۱ - ۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۹	فازمه لیت : ۱۲۷۶
۱۳۴۶ - ۱۴۰۲ - ۱۴۴۷ - ۱۴۹۶ - ۱۶۲۸	فالی نوس : ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۰
فرنازاتر : ۷۳۲	فالیبیر : ۲۵
فرناس : ۹۴۳	فانیاس : ۸۲۵ - ۹۱۵
فرنالك : ۱۴۴۹ - ۲۱۲۸ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۵ - ۲۱۳۶	فایدیم : ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶
۲۱۴۶ - ۲۱۴۸ - ۲۱۶۷	فراآناکس : (فرهادك)
فرنالك دوم : ۲۱۴۶ - ۲۱۴۸ - ۲۱۴۹	فرا ارتس : ۱۷۶ - ۱۷۹ - ۲۱۵ تا ۲۱۷
فرنالكس : ۱۶۲۹	فراتافرن : ۱۳۷۹ - ۱۶۸۵ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۲
فرندات : ۷۲۳ - ۷۳۷ - ۱۱۷۹ - ۱۶۲۷	۱۷۲۵ - ۱۷۹۸ - ۱۸۸۵ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹
فرنداتس : ۱۶۲۶	۲۰۰۷
فرنس پس : ۴۸۰ - ۴۸۵ - ۵۲۰	فراتانگون : ۷۸۲
فرنل : ۵۴	فرادات : ۱۱۳۸ - ۱۷۲۵
فرنوخ : ۷۳۹ - ۷۴۰	فرازا ارث : ۱۸۷۰ - ۱۸۷۵
فرنوخوس : ۳۵۲ - ۳۵۷ - ۴۶۰	فرازر : ۲۱۸۴
فرنوك : ۱۷۰۶ - ۱۷۱۱	فراسا ارت : ۱۴۲۵
فرورتیش : ۱۷۳ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۵ - ۲۰۰	فرتافرن : ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ رجوع به فراتافرن شود
۲۳۲ - ۵۴۲ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۱۵۷۶ و	فرتگون : ۱۶۲۶
رجوع به فرا ارتس شود .	فردات : ۹۲۶ - ۱۳۸۰ - ۱۸۷۴
فرورانفر : ۱۲۶م	فرداس من : ۱۸۸۵
فروغی (ابوالحسن) : ۱۳۰م	فردوسی : ۲ - ۱۳۵ - ۱۴۰ - ۱۴۳ - ۱۴۴م
فروغی ذكاء الملك : ۱۶م - ۴۵ - ۴۸۵ - ۴۸۶ -	۱۶۴ - ۲۵۳۰ - ۲۵۴۱ تا ۲۵۴۵ - ۲۵۵۷
۱۳۰م - ۱۳۴م	۲۶۵۲
فرولاس : ۴۲۴ - ۴۲۸ تا ۴۳۱	فرس من : ۲۴۰۱ - ۲۴۰۲ - ۲۴۰۶ - ۲۴۱۵
فروننو : ۲۱۸۰ - ۲۴۷۶ - ۲۴۷۷ - ۲۴۸۵	۲۴۲۵ تا ۲۴۲۷ - ۲۴۳۵ - ۲۴۳۷ تا ۲۴۶۰
فروهر : ۲۲۱ - ۱۱۸۶ - ۱۴۶۱ - ۱۵۵۸ -	۲۴۹۰ تا ۲۴۹۳
۱۵۶۹ - ۱۵۸۴ - ۱۵۹۲ - ۱۶۰۱ - ۲۰۹۸	فرکلس : ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸
فرهاد اول : (اشك پنجم)	فرگوسن : ۲۷۰۸ - ۲۷۰۹
فرهاد دوم : ۲۰۸۷ - ۲۰۸۸ - ۲۲۰۶ رجوع	فرمانفرما : ۵ - ۳۶ - ۷۰ - ۱۱۰م
به اشك هفتم شود	فرمند (ضياء الملك) : ۱۰۴م
فرهاد سوم : (اشك سیزدهم)	فرناپات : ۲۳۴۵

فلاویوس (یوسف) : ۷۰-۷۶-۸۰-۸۱-۲۱۱۱ -

۲۱۱۴-۲۱۷۳-۲۱۷۵-۲۲۳۸-۲۲۴۰

۲۳۴۳-۲۳۸۱-۲۳۹۰-۲۳۹۳-۲۳۹۱

۲۳۹۴-۲۴۰۱-۲۴۰۲-۲۴۰۵ تا

۲۴۰۷-۲۴۱۱-۲۴۱۲-۲۴۱۳-۲۴۱۶

۲۴۱۷-۲۴۲۲-۲۴۲۴-۲۴۲۵-۲۴۳۰

۲۴۴۱-۲۴۵۵-۲۴۵۸-۲۴۶۰-۲۴۶۱

۲۵۴۰-۲۵۷۴-۲۶۳۰-۲۶۳۱-۲۶۳۴

۲۶۳۹-۲۶۵۹-۲۶۶۱-۲۶۸۶-۲۶۸۸

۲۶۸۹-۲۶۹۷

فلورین : ۲۶۰۷

فلهگون : ۲۲۷۶

فنیکیس : ۱۲۳۰

فوئیوس : ۷۳-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۹۰۰

فورموس : ۷۷۰

فدستوس : ۹۷-۱۲۸۱-۲۵۹۸-۲۶۱۵-۲۶۱۷

فوسیون : ۱۱۶۹-۱۱۷۲-۱۲۳۶-۱۲۶۲

۱۹۸۰

فیثاغورث (حکیم) : ۳۷۹-۵۹۶-۱۱۹۴

۱۸۵۴-۱۸۵۳

فیثاغورس (حاکم) : ۶۵۲

فیرمیلین : ۲۶۰۷

فیروزین بلاش : ۲۵۷۷-۲۶۱۳

فیروزین هرمزان : ۲۵۴۹-۲۵۵۳ تا ۲۵۵۶

۲۵۶۳ تا ۲۵۶۵-۲۵۷۸ تا ۲۵۸۰-۲۵۸۲

۲۵۸۹-۲۵۹۷

فیلا : ۲۰۵۹

فیلائون : ۷۹۳

فیلاذلف : (بطلمیوس دوم)

فیلاذلف : (آنتیوخوس دهم)

فیلاذلفوس : (فرهاد اول)

فیلاکروس : ۶۷۰

فیلاکوس : ۸۰۰-۸۱۲

فیلیس : (فیلیپ)

فرهاد چهارم : (اشک چهاردهم)

فرهاد پنجم : (فرهادک) ۱

فرهاد پسر فرهاد چهارم : ۲۳۸۳-۲۳۹۹ تا ۲۴۰۱

فرهادک : (اشک پانزدهم)

فرهاد میرزا : ۱۵۸۳

فرهدشت : ۲۶۳۰

فریبرزین کادس : ۲۵۷۷

فری تیما : ۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵

فریدون : ۱۶۱۰م-۲۵۸۲

فریزر : ۲۱۸۴

فریسمان : ۱۸۶۴

فریکسوس : ۷۷۶

فریگیوس : ۱۲۱۱-۱۶۶۰

فرین شمیوس : ۸۲

فری نیکوس : ۶۵۴-۹۷۱-۹۷۲

فری یایت : ۲۱۹۶-۲۱۹۷-۲۲۰۹-۲۵۳۱

۲۵۸۲ و رجوع به اشک سوم شود .

فزه : ۱۸۰۴-۱۸۰۵

فساموث : ۱۱۴۱

فسرون : (ارسس)

فسمتیک : (پسامتیک)

فضل الله نوری (شیخ) : ۴۵م

فقور : (پاکر)

فقور : (پاکر)

فکوری : (پاکر)

فلامی نی نوس : ۲۱۶۳

فلاندن : ۵۶-۲۲۲-۴۷۳-۶۰۲-۶۰۸

۶۱۴-۶۲۱-۶۲۶-۶۳۲-۶۴۱-۷۰۷

۷۱۹-۷۲۶-۷۳۷-۷۶۶-۹۰۱-۹۵۸

۹۸۲-۱۰۰۳-۱۰۳۵-۱۰۴۶-۱۰۷۹

۱۱۶۵-۱۲۲۱-۱۲۲۸-۱۲۴۰-۱۲۵۳

۱۲۶۵-۱۲۸۹-۱۳۰۲-۱۳۴۱-۱۵۶۰

۲۶۸۷-۲۷۰۲-۲۷۰۴-۲۷۰۷-۲۷۰۷

فلاویوس گالوس : ۲۳۶۰-۲۳۶۱

۱۹۱۳-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۹۳-۲۰۰۷

فیلیپ سلوکی: ۲۰۸۹-۲۱۶۹-۲۲۲۲-۲۲۲۵

فیلیپ پسر بالاکروس: ۱۳۸۷

فیلیپ پسر کاساندر، ۲۰۶۰

فیلیپ پسر لیزیماک: ۱۷۶۰

فیلیپ ته آنزل: ۱۶۴۹

فیلیپ کالیس: ۱۶۴۹

فیلیپ طیب اسکندر: ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۱-۱۳۴۹

۱۶۶۸

فیلیپ درونی: ۲۱۶۳

فیلیپ پید: ۶۷۱

فیلیس کوس: ۱۱۴۹

فی لی مون: ۲۶۰۹

فی لیا: ۲۰۶۵

فی لینا: ۱۹۳۴

ق

قائم مقام: ۱۱۱

قابوس: (کبوجیه)

قابیل: ۱۱۱

قارن پهلو: ۲۲۶۵-۲۵۹۹-۲۶۰۰-۲۶۱۸

۲۶۱۹

قارون: ۲۶۹

قالوش: (کاووس)

قباد: ۲۵۴۱

قحطان: ۱۰۲

قراگز لو: ۱۳۰

قزوينی (محمّد): ۱۳۰

قسنطنطين: ۸۹-۲۵۶۶-۲۵۷۲

قمباسوس: (کبوجیه)

قمبوزس: (کبوجیه)

قنوج: (کبوجیه)

قوام السلطنه (احمد): ۴۷۲-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۷

۴۷۸-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۹-۴۹۰

فیلقس: (فیلیپ)

فیلویاتر: (سلکوس چهارم)

فیلویاتر: (بطلمیوس چهارم)

فیلوتاس: ۱۲۱۱-۱۲۴۷-۱۲۶۱-۱۲۷۷

۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۴۰۸-۱۴۱۶-۱۴۱۷

۱۶۵۲-۱۶۵۷ تا ۱۶۶۵-۱۶۶۸ تا ۱۶۷۷

۱۶۷۹ تا ۱۶۸۳-۱۷۲۱-۱۷۲۷-۱۷۳۰

۱۷۴۶-۱۷۴۷-۱۷۴۹-۱۷۵۱-۱۹۱۵

۱۹۶۶-۱۹۶۷-۱۹۶۹-۱۹۷۸-۲۰۰۷

فیلوتر: ۲۱۶۶

فیلوسترانوس: ۲۶۵۸ تا ۲۶۶۱-۲۶۸۶-۲۶۹۷

فیلوکسن: ۱۴۰۶-۱۶۸۶-۱۹۲۵-۱۹۹۳

فیلومتر: (بطلمیوس ششم)

فی اوملوس: ۱۱۹۸-۱۱۹۹

فیلون: ۸۶-۸۷-۱۶۴۹-۱۹۷۴

فیلهتروس: ۲۰۷۲-۲۱۴۹

فیلیپ دوم (یدراسکندر): ۷۴-۱۴۰-۶۲۴

۱۱۲۲-۱۱۳۲-۱۱۸۱ تا ۱۱۸۳-۱۱۸۷

۱۱۸۹ تا ۱۱۹۲-۱۱۹۴ تا ۱۲۱۴-۱۲۱۶

۱۲۲۵ تا ۱۲۲۹-۱۲۳۶-۱۲۳۸-۱۲۴۲

۱۲۴۴-۱۲۵۸-۱۲۷۶-۱۲۸۲-۱۲۸۳

۱۳۰۸-۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵-۱۳۵۵-۱۳۵۶

۱۳۷۴-۱۴۰۳-۱۴۲۵-۱۴۳۴-۱۶۴۴

۱۶۵۱-۱۶۷۱-۱۶۷۶-۱۷۲۸-۱۷۳۱

۱۷۳۳-۱۷۴۵-۱۷۵۰-۱۷۵۵-۱۸۴۱

۱۸۸۱-۱۸۸۷-۱۸۸۸-۱۸۹۵-۱۹۳۴

۱۹۴۶-۱۹۵۵-۱۹۵۹-۱۹۶۱-۱۹۶۶

۱۹۷۱-۱۹۷۶-۲۰۱۳-۲۰۲۶-۲۰۲۷

۲۰۴۵-۲۰۵۳-۲۰۹۶-۲۱۵۵-۲۱۶۳

فیلیپ سوم: (آریدو)

فیلیپ چهارم: ۲۱۶۶

فیلیپ پنجم: ۲۰۸۳-۲۱۶۸

فیلیپ سردار اسکندر: ۱۶۵۳-۱۶۵۶-۱۷۸۲

۱۷۹۹-۱۸۲۰ تا ۱۸۲۲-۱۸۳۰-۱۸۶۳

ك

كالانوس ، ۱۸۷۷ تا ۱۸۷۹ - ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹
 كالخاس ، ۷۴۱
 كالودوش ، ۱۳۶
 كالياس ، ۷۶۱ - ۹۳۶ تا ۹۴۰
 كاليدروموس : ۲۴۶۶
 كاليس ، ۱۶۷۳
 كاليس تن ، ۸۲ - ۹۸ - ۱۱۱۵ - ۱۲۲۰ - ۱۳۰۶
 ۱۳۵۶ - ۱۳۹۴ - ۱۷۳۰ - ۱۷۴۲ تا ۱۷۴۵
 ۱۷۴۸ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۳ تا ۱۷۵۷ - ۱۹۲۷
 ۱۹۲۹ - ۱۹۴۷ - ۲۰۹۸
 كالي كرات ، ۱۴۰۹
 كالي كراتيد ، ۹۸۱ - ۱۱۱۹ - ۱۳۲۲
 كالي گولا ، ۸۱ - ۲۱۵۴ - ۲۴۰۷ - ۲۴۱۵
 كالي ماك ، ۶۷۲ تا ۶۷۴
 كالي ماندر ، ۲۲۳۵
 كالي ميدون ، ۱۱۱۵
 كالي نس ، ۱۸۹۱
 كالي نيكوس ، ۲۴۵۶
 كاماكسوس : ۱۷۸۵
 كامبوزس ، كامبيزس : (كيجيه)
 كامناسكير ، ۲۲۲۷ - ۲۶۷۶
 كاميسار ، ۱۱۴۱
 كانداش ، ۱۹۰۷
 كاندولا ، ۱۹۵
 كانديدوس ، ۲۳۶۱
 كان يينگ ، ۲۶۹۸
 كايوس باكسيانوس ، ۲۳۲۳
 كايوس كاسيوس ، ۲۳۸۶ - ۲۳۸۹ - ۲۳۹۷ - ۲۴۲۰
 كيارس ، ۱۴۲۱ - ۱۶۹۱ - ۱۶۹۲
 كين ، ۶۶۵ - ۶۶۷
 كيج : (كيجيه)
 كيجيه ، ۴۵ - ۷۰ - ۲۲۸ تا ۲۳۱ - ۲۳۴ - ۲۳۷ - ۲۴۴ - ۲۵۹ - ۲۶۱ - ۲۶۴ - ۲۹۶

كابوس ، (كيجيه)
 كابونيوس ، ۲۳۱۷
 كاهي تولينوس (يوليوس) ، ۲۱۸۰ - ۲۶۸۹
 كاتانس ، ۱۷۵۷
 كاتن ، ۱۶۹۸ - ۱۶۹۹ - ۱۷۰۳
 كدموس ، ۷۶۵
 كراکالا ، ۲۵۱۷ تا ۲۵۲۵ - ۲۵۲۷ - ۲۶۱۸
 كرانوس ، ۱۶۸۴ - ۱۶۸۵ - ۱۷۰۶ - ۱۷۱۱
 كراتازس ، ۱۷۰۷
 كريف ، ۴۵۱ - ۴۵۳
 كاردوخاس ، ۳۵۲
 كرستنس ، ۴۴
 كرون ، ۲۴۲۱ - ۲۴۲۲
 كزاوون ، ۲۶۳۷
 كزيمير ، ۱۴۵۷
 كاس ، ۵۹۶ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۴۲
 كساندان ، ۴۵۴ - ۴۸۰ - ۴۸۳ - ۴۸۵ - ۱۴۶۴
 ۱۵۶۳ - ۱۶۲۵
 كساندر ، ۱۲۳۵ - ۱۲۴۷ - ۱۹۱۵ - ۱۹۲۷
 ۱۹۳۱ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۷
 ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳
 ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۸ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۴ تا ۲۰۴۳
 ۲۰۴۵ تا ۲۰۴۷ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۹
 ۲۰۶۰ - ۲۰۶۲ - ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۱۶۶
 كاس پريوس ، ۲۴۲۶ - ۲۴۲۷
 كاستور ، ۱۷۲۷ - ۱۷۳۴ - ۱۷۴۱
 كاسيوس ، ۲۱۴۷ - ۲۳۰۱ - ۲۳۰۳ - ۲۳۰۵
 ۲۳۰۷ تا ۲۳۱۵ - ۲۳۱۸ - ۲۳۱۹ - ۲۳۳۴
 ۲۳۳۵ - ۲۳۳۹ - ۲۳۴۰ - ۲۳۴۲ - ۲۴۳۸
 ۲۴۳۹ - ۲۷۰۵ - ۲۷۱۴
 كسيوس (آويديوس) ، ۲۴۹۷ تا ۲۵۰۱ - ۲۵۰۳
 ۲۵۰۶ - ۲۶۷۰
 كاظم خان ، ۷۲
 كلاس ، ۱۲۴۳ - ۱۲۴۷ - ۱۲۶۰ - ۱۲۸۵
 ۱۳۴۶ - ۲۰۲۴

کدمان : (دارپوش سوم)

کرائونوس : ۲۰۷۸

کرائونوس (کرائر) : ۱۳۰۷-۱۳۳۵-۱۳۳۷

۱۳۸۷ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۵ - ۱۴۱۷ - ۱۴۲۱

۱۴۳۱ - ۱۴۴۹ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۴۰

۱۴۴۱ - ۱۴۴۴ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۹

۱۴۶۱ تا ۱۴۶۷ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۴ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۴

۱۷۰۹ - ۱۷۱۸ - ۱۷۲۴ - ۱۷۵۶ - ۱۷۵۷

۱۷۶۷ تا ۱۷۶۹ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۸ - ۱۷۹۰

۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ - ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۳

۱۸۳۵ تا ۱۸۳۹ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۵ - ۱۸۸۳

۱۸۹۱ - ۱۸۹۹ - ۱۹۱۱ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱

۱۹۶۲ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۶

تا ۱۹۸۹ - ۱۹۹۱ - ۲۰۴۹ - ۲۱۰۲ -

۲۱۰۹

کراسوس - ۲۱۷۴ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۴ تا ۲۳۱۵

۲۳۱۷ تا ۲۳۲۳ - ۲۳۲۵ تا ۲۳۳۸

۲۳۳۹ - ۲۳۴۹ - ۲۳۵۸ - ۲۳۶۶ - ۲۳۷۰

۲۳۷۲ - ۲۳۷۳ - ۲۳۷۷ - ۲۳۷۹ - ۲۳۹۲

۴۷۰ - ۲۴۷۳ - ۲۵۰۶ - ۲۵۱۵ - ۲۶۱۳

۱۶۳۱ - ۲۶۶۰ - ۲۶۶۴ - ۲۶۶۶ تا

۲۶۶۹ - ۲۶۷۱ - ۲۶۷۲ - ۲۶۸۶

کربولو : ۲۴۳۳ تا ۲۴۴۱ - ۲۴۴۳ تا ۲۴۴۹

۲۴۶۲ - ۲۴۶۵ - ۲۶۱۳

کریوتر : ۱۵۶۹

کرزن (لرد) : ۲۸۰ - ۴۹ - ۴۷۰

کرزوس : ۶۹ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۲۰۱ - ۲۶۰

۲۶۷ تا ۲۸۶ - ۲۸۹ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۴

۳۰۴ - ۳۱۷ تا ۳۱۹ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۵۰

۳۵۱ - ۳۵۵ - ۳۵۸ - ۳۶۱ - ۳۶۶ تا ۳۶۸

۳۷۱ - ۳۷۲ - ۴۱۰ - ۴۲۱ تا ۴۴۹

۴۵۰ - ۴۷۶ - ۴۹۱ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۶۴۱

۶۶۱ - ۷۹۹ - ۱۴۹۴ - ۱۵۴۶ - ۱۹۱۸

۲۱۵۱ - ۲۱۵۲ - ۲۶۰۵ - ۲۶۰۶ - ۲۶۱۰

۲۹۸ - ۲۹۹ تا ۳۰۲ - ۳۰۴ - ۳۷۵ - ۳۸۷

۳۹۱ - ۴۵۰ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۳ - ۴۶۵

۴۶۶ - ۴۷۶ - ۴۷۸ تا ۴۹۴ - ۴۹۶ تا ۵۰۹

۵۱۶ تا ۵۲۳ - ۵۲۵ - ۵۲۹ - ۵۳۳ تا ۵۳۵

۵۳۷ تا ۵۴۷ - ۵۵۷ - ۵۵۹ - ۵۶۳ - ۵۶۸

۵۷۴ - ۵۷۶ - ۵۷۵ - ۶۲۵ - ۶۲۷ - ۶۸۲

۶۸۴ - ۶۸۷ - ۷۰۲ - ۷۰۵ - ۷۱۰ -

۷۱۳ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۵۰ - ۹۵۶ - ۹۶۴

۱۱۲۷ - ۱۱۴۱ - ۱۱۶۵ - ۱۲۱۴ - ۱۴۵۲

۱۴۶۴ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۵ - ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸

۱۴۹۱ - ۱۵۲۸ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۳ - ۱۵۴۷

۱۵۶۵ - ۱۵۶۷ - ۱۶۰۱ - ۱۶۲۴ تا ۱۶۲۶

۱۶۲۹ - ۱۷۴۵ - ۱۹۴۳ - ۲۱۵۴ - ۲۲۳۳

۲۶۰۶ - ۲۶۹۳

کبوجیه دوم : ۱۶۲۵

کبوجیه پدروکورش : ۱۶۲۴ - ۱۸۷۱

کبوزیه ، کبوس : (کبوجیه)

کپرنیک : ۲۱۷۷

کتا : ۲۱۱ - ۲۱۴۷

کتزیاس : ۷۰ تا ۷۳ - ۱۷۶ - ۱۸۴ - ۱۸۶ -

۱۸۹ - ۲۰۰ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۸ - ۲۱۲

تا ۲۱۸ - ۲۳۳ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۶۱ - ۲۶۴

۲۶۵ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۶

۲۹۶ - ۳۵۲ - ۴۵۲ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۳

۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۳ - ۵۱۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱

۵۳۴ - ۵۳۵ - ۶۱۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۹۰۳

۹۰۴ - ۹۰۷ - ۹۰۹ - ۹۳۰ - ۹۳۳ - ۹۳۴

۹۵۱ تا ۹۵۳ - ۹۵۵ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۸۹

تا ۹۹۲ - ۹۹۸ - ۱۰۱۱ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۲

۱۰۲۴ - ۱۰۲۷ تا ۱۰۲۹ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۵

۱۰۵۴ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ - ۱۱۱۲ - ۱۴۶۳

۱۴۶۴ - ۱۴۶۶ - ۱۵۱۳ - ۱۵۱۵ - ۱۵۵۰

۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۷۸۰ - ۲۱۹۲ - ۲۲۵۶

کدرا لاعم : ۱۳۰

۱۰۱۹-۱۰۱۷ تا ۱۰۱۴-۱۰۱۲ تا ۱۰۰۸

۱۰۳۲-۱۰۳۰ تا ۱۰۲۷-۱۰۲۵-۱۰۲۰

۱۰۴۲-۱۰۴۱-۱۰۳۹-۱۰۳۸-۱۰۳۳

۱۰۵۳ تا ۱۰۵۱-۱۰۴۸ تا ۱۰۴۶-۱۰۴۴

۱۰۷۵ تا ۱۰۶۹-۱۰۶۷ تا ۱۰۵۸-۱۰۵۵

۱۰۹۵ تا ۱۰۹۱-۱۰۸۹ تا ۱۰۸۰-۱۰۷۷

۱۱۱۳-۱۱۱۰-۱۱۰۸-۱۱۰۱-۱۰۹۹

۱۲۸۶-۱۱۴۹-۱۱۴۷-۱۱۱۷-۱۱۱۵

۱۴۸۳ تا ۱۴۸۱-۱۴۷۰-۱۴۶۷-۱۲۹۷

۱۵۰۵ تا ۱۵۰۲-۱۴۹۷-۱۴۹۲-۱۴۸۹

۱۵۴۰-۱۵۳۷-۱۵۳۳-۱۵۲۷-۱۵۱۵

تا ۱۹۲۵-۱۹۰۰-۱۷۴۵-۱۵۴۷-۱۵۴۴

۲۲۷۸-۲۲۳۳-۲۲۲۶-۲۱۵۱-۲۱۰۷

۲۶۶۹-۲۶۴۷-۲۶۲۹-۲۵۰۵-۲۳۶۴

۲۶۸۰

کسانرس : ۱۸۴۲ - ۱۸۳۳

کسانتیب : ۱۱۲۳-۹۲۵ - ۹۲۴-۸۷۰-۸۳۰

کسانتوس : ۱۵۱۵ و رجوع به خسانتوس شود

کساندرامس : ۱۸۰۵

کست : ۲۷۰۲ - ۲۶۸۷ - ۶۱۴ - ۲۲۲ - ۵۶

۲۷۰۴-۲۷۰۶-۲۷۰۷ رجوع به ولاندن شود

کسرائی : ۶۰ م

کسركسس : (خشيارشا)

کسروی : ۱۹ م-۲۲ م-۴۱ م-۴۴ م-۱۱۷ م

کسری الاشغانی : ۲۵۶۷-۲۵۶۸-۲۵۷۰-۲۵۷۱

۲۵۷۸-۲۵۸۰-۲۵۸۱-۲۵۹۹ رجوع به

خسرو شود

کسمارتی دین : ۹۵۲ - ۹۵۶ - ۱۶۲۷

کس ناگراس : ۸۶۹

کس نودوخ : ۱۷۲۸

کس نوفیل : ۱۴۰۹ - ۲۰۲۰

کس نیاس : ۹۹۷ - ۱۰۰۶

کسوتوس : ۸۴۱

کسی فار : ۲۱۴۹

کرس : ۲۰۹۸

کرکس : ۸۹۸

کرنلیا : ۲۳۳۷

کرنلیوس نیوس : ۷۴-۷۹-۸۳-۵۳۷-۶۷۵-۹۲۰

۹۵۱-۱۱۱۶-۱۱۴۱-۱۱۴۵ تا ۱۱۴۷-۲۱۲۴

کرووا : (سکرووا)

کروگر : ۶۹

کری توبول : ۱۴۸۲ - ۱۵۰۳ - ۱۸۳۹

کری تودوموس : ۱۸۲۶

کری ته ارس کالانیانوس : ۱۸۵۹

کری تی کوس سیلانوس : ۲۳۹۴

کری زیوس : ۱۲۹۷

کری سان تس : ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۹ - ۳۱۰

۳۶۱-۳۵۶-۳۵۵-۳۴۸-۳۳۴-۳۲۳

۴۰۴-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۴-۴۱۵-۴۲۶

۴۳۳-۴۳۴-۴۳۶-۴۶۰

کر نمان : ۲۰۹۸

کریشمان : ۱۶۲۲

کریم خان زند : ۱۵۸۴

کری یوس : ۶۶۳۱

کرنفون : ۷۲-۸۵-۸۹-۹۱-۱۹۰-۲۰۳

تا ۲۰۵-۲۲۸-۲۳۳-۲۴۱-۲۴۲-

۲۴۴-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۵-۲۵۸-۲۶۰

۲۶۱-۲۶۴ تا ۲۶۷-۲۷۷-۲۸۶

۲۹۶-۲۹۸-۳۰۳-۳۰۴-۳۱۳

۳۱۴-۳۱۸-۳۲۰-۳۲۳-۳۲۸-۳۳۳

۳۴۲-۳۴۵-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۵-۳۵۷

۳۵۸-۳۶۳-۳۶۵-۳۷۰-۳۷۳ تا ۳۷۱

۳۷۶-۳۹۷-۴۰۳-۴۰۶ تا ۴۰۸-۴۱۷

۴۱۸-۴۲۴ تا ۴۲۷-۴۳۳-۴۳۸-۴۳۷

۴۵۴-۴۵۵-۴۶۰-۴۶۲-۴۶۹-۴۶۳

۴۷۰-۴۷۷-۴۸۱-۵۷۶-۹۰۳-۶۷۰

۹۱۴-۹۴۲-۹۶۵-۹۸۱-۹۸۵-۹۸۳

تا ۹۸۷-۹۹۷ تا ۹۹۹-۱۰۰۵-۱۰۰۶

۲۴۱۹ - ۲۴۳۱ - ۲۵۰۴ - ۲۵۰۸ - ۲۶۰۷

کلوپ : ۶۳

کله ابيس : ۲۷۰

کله اوخارس : ۱۷۸۵

کله اوفاس : ۱۷۷۰ - ۱۷۷۱

کلی تارخ (کلی تارک) : ۸۲ - ۶۹۵ - ۱۲۳۳ -

۱۶۴۹ - ۱۸۴۳

کلی توس : ۱۲۲۹ - ۱۲۳۰ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۵ -

۱۳۸۷ - ۱۴۳۰ - ۱۶۸۲ - ۱۷۲۷ تا ۱۷۲۹

۱۷۳۱ تا ۱۷۳۵ - ۱۷۳۹ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۹

۱۷۵۱ - ۱۷۵۳ - ۱۸۵۸ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۶

۱۸۲۲ - ۱۸۹۸ - ۱۹۲۹ - ۱۹۴۷ - ۱۹۹۳

۱۹۹۹ - ۲۰۰۳

کلیستن : ۶۳۷

کلینتون : ۲۱۵۳ - ۲۲۰۹ - ۲۳۸۶ - ۲۴۴۹

کلی نوس : ۱۱۷۵

کلی نیاس : ۷۹۵

کلیون : ۱۷۴۱ تا ۱۷۴۳

کمبات : (کبوجیه)

کمره ای (سید) : ۶۳م

کمیوت : (کبوجیه)

کنت پروکش - اتن : ۲۶۷۳

کیت کای لوس : ۴۴

کنت کورث : ۸۲ - ۸۳ - ۱۴۱ - ۵۳۷ - ۶۹۵ - ۹۳۷

۱۱۶۵ - ۱۱۶۶ - ۱۱۸۸ - ۱۱۸۹ - ۱۲۱۳

۱۲۱۴ - ۱۲۱۷ تا ۱۲۱۹ - ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲

۱۲۲۷ تا ۱۲۳۰ - ۱۲۳۳ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۷

۱۲۴۱ - ۱۲۴۳ - ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۸ - ۱۲۵۰

تا ۱۲۵۲ - ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۷ - ۱۲۶۱ تا

۱۲۶۳ - ۱۲۶۵ - ۱۲۶۷ - ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۱

۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۴

تا ۱۲۹۶ - ۱۲۹۸ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴

۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ - ۱۳۱۱ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۸

۱۳۱۹ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۶

کشاتریت : ۱۷۳

کفه : ۲۴۵ - ۷۳۰ - ۷۶۱ - ۱۲۹۷

کل آرخ : ۷۴ - ۹۹۹ - ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۵ -

۱۰۱۲ - ۱۰۱۴ تا ۱۰۱۶ - ۱۰۱۸ - ۱۰۱۹

۱۰۲۷ تا ۱۰۳۸ - ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۸ - ۱۰۵۱

۱۰۵۲ تا ۱۰۵۵ - ۱۰۵۹ - ۱۰۹۴ - ۱۰۹۵

۱۲۷۳ - ۱۵۳۷ - ۱۷۴۵ - ۱۸۵۹

کل آرخ سول : ۶۱۶

کل آرخ دیونی سیوس : ۲۰۴۹

کل آندر : ۱۴۲ - ۱۲۷۸ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷

۱۶۸۰ تا ۱۶۸۲ - ۱۸۶۴

کلاک سائیس : ۵۸۱

کل انر : ۱۰۵۳ - ۱۰۶۰

کلاویوس : ۸۲

کلثویاتر ملکه مصر : ۴۲ - ۲۳۵۴ - ۲۳۵۵

۲۳۷۱ - ۲۳۷۵ - ۲۶۲۵

کلثویاتر زن فیلیپ : ۱۲۰۸ - ۱۲۱۰ - ۱۲۱۱

۱۲۱۴ - ۱۲۲۴ - ۱۲۳۸ - ۱۳۵۲

کلثویاتر خواهر اسکندر : ۱۲۰۶ - ۱۸۸۰

۱۸۹۹ - ۱۹۵۵ - ۱۹۸۶ - ۲۰۴۵ - ۲۰۴۶

کلثویاتر دختر آنتیوخوس : ۲۱۵۵ - ۲۲۲۱

کلثویاتر دختر مهردادششم : ۲۱۳۸ - ۲۲۷۴

کلثویاتر زن بطلمیوس هفتم : ۲۱۵۶

کلثویاتر زن دمتریوس : ۲۲۲۹

کلثویاتر ششم : ۲۱۵۸ - ۲۱۷۰

کلثومد : ۲۰۱۰

کلثومن : ۶۴۲ تا ۶۴۵ - ۶۶۳ تا ۶۶۷ - ۶۶۷

۷۷۷ - ۷۸۸ - ۱۳۵۸ - ۱۹۱۶ - ۱۹۲۶ -

۲۰۷۹

کلبی (محمد بن هشام) : ۲۵۵۰

کلتس : ۱۸۲۱

کلمان اسکندرانی : ۸۱ - ۱۵۱۶ - ۲۶۹۲

کلمان هوار : ۱۰۴ - ۹۴۵

کلودیوس (کلود) : ۱۸۴۴ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۸ -

۱۵۸۹ - ۱۵۷۲ - ۱۵۶۳ - ۱۵۵۷

کوتیس : ۱۱۰۶

کوچک خان (میرزا) : ۶۲ - ۶۷ - ۶۸ - م - ۷۵

کودور ناخونتی : ۱۱۷ - ۱۳۶

کودور مابوک : ۱۲۰

کورس : (کورش)

کورس اول : ۱۶۲۴

کورس دوم : ۱۶۲۵

کورس بزرگ (سوم) : ۱۱۱ - ۱۳۲ - م - ۱۴۰

۸۱ - ۷۶ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۰ - ۵۵ - ۴۵ - م - ۱۴۴

۸۶ - ۸۹ - ۱۴۱ - ۱۷۶ - ۱۸۶ - ۱۹۶

۲۲۴ - ۲۱۴ - ۲۱۳ - ۲۰۷ - ۲۰۴ تا ۲۰۰

۲۲۲۸ تا ۲۳۳ - ۲۳۵ - ۲۳۷ تا ۲۴۵ - ۲۵۰ تا

۲۶۸ - ۲۷۱ - ۲۷۴ تا ۲۸۶ - ۲۸۸ تا ۲۹۳

۲۹۵ تا ۳۰۲ - ۳۰۴ تا ۳۷۹ - ۳۸۲ تا ۳۹۵

۳۹۷ تا ۴۱۲ - ۴۱۴ تا ۴۹۶ - ۴۴۳ - ۴۴۶

۴۷۵ تا ۴۸۰ - ۴۸۳ تا ۴۸۵ - ۴۹۲

۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۵ تا ۵۰۷ - ۵۱۷ - ۵۱۸

۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۹ - ۵۳۱ تا ۵۳۳ - ۵۳۶

۵۳۷ - ۵۵۰ - ۵۵۲ - ۵۵۴ - ۵۵۶ - ۵۷۰

۵۷۶ - ۵۸۶ - ۶۱۸ - ۶۲۷ - ۶۳۷ - ۶۷۶

۶۸۵ - ۶۸۸ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۷۰۰ - ۷۰۲

۷۰۵ - ۷۱۰ - ۷۱۳ - ۷۳۲ - ۷۳۴ - ۷۳۵

۷۳۶ - ۸۵۷ - ۸۷۲ - ۹۱۴ - ۹۴۹ تا ۹۴۶

۹۶۴ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۹۳ - ۱۰۳۰ - ۱۰۳۳

۱۱۷۹ - ۱۲۹۸ - ۱۳۸۰ - ۱۳۹۷ - ۱۴۲۲

۱۴۴۴ - ۱۴۴۹ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۷ - ۱۴۶۲

۱۴۶۴ - ۱۴۷۱ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴

۱۴۹۲ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۷ - ۱۵۴۰ - ۱۵۴۳ تا ۱۵۴۷

۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۲ تا ۱۵۶۷

۱۵۷۷ - ۱۶۱۸ - ۱۶۸۴ - ۱۷۰۲ - ۱۷۱۷

۱۷۴۵ - ۱۷۸۱ - ۱۸۵۹ - ۱۸۷۱ - ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۷

۱۹۲۵ - ۱۹۴۳ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۷ - ۲۱۲۳

۲۱۲۴ - ۲۱۲۶ - ۲۱۵۱ - ۲۲۱۲ - ۲۲۳۳

۱۳۵۹ - ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۳ - ۱۳۵۱ - ۱۳۴۸

۱۳۶۰ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸

۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱

۱۳۸۷ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۷ - ۱۴۰۱

۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۱۰

۱۴۱۲ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۶

۱۴۲۸ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۶ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۲

۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۸۳ - ۱۵۲۷ - ۱۵۶۵

۱۶۳۶ - ۱۶۴۰ تا ۱۶۵۰ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۶

۱۶۶۳ - ۱۶۷۰ - ۱۶۷۴ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۹

۱۶۸۱ - ۱۶۸۳ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۶ - ۱۶۸۷

۱۶۸۹ تا ۱۶۹۳ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۷ - ۱۶۹۹

۱۷۰۳ تا ۱۷۰۵ - ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۱ - ۱۷۱۶

۱۷۱۸ تا ۱۷۲۰ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۵

۱۷۳۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۳۶ - ۱۸۳۸

۱۷۴۳ - ۱۷۴۶ - ۱۷۴۸ - ۱۷۵۰ - ۱۷۵۳

۱۷۵۴ - ۱۷۵۷ - ۱۷۵۸ - ۱۷۶۰ - ۱۷۶۱

۱۷۶۳ - ۱۷۶۵ - ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۱

۱۷۷۵ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۳ - ۱۷۹۳

۱۷۹۸ - ۱۸۰۵ - ۱۸۱۲ - ۱۸۱۵ - ۱۸۱۹

۱۸۲۰ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۶ تا ۱۸۳۹

۱۸۴۱ - ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۸ - ۱۸۵۰ - ۱۸۵۶

۱۸۶۲ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۸ - ۱۸۷۲

۱۸۷۵ - ۱۸۸۱ - ۱۸۹۳ - ۱۸۹۸ - ۱۸۹۹

۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ - ۱۹۲۵ - ۱۹۳۵ - ۱۹۵۶

۱۹۵۹ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۲۲۲۶

کنتلی گیانس : (لی سی نیوس)

کنت نو : ۱۶۲۲

کن در : ۳۷ - ۴۹

کنستانتن پرفی روزنت : ۲۶۲۲

کنستانتن مونوماک : ۲۶۲۲

کنن : ۹۸۱ - ۹۸۳ - ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۶ - ۱۱۳۷

کنینگ : ۵۲

کواکسار : ۱۸۰

کوتورا : ۱۴۷۱ - ۱۴۸۰ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۴

کیناموس : ۲۴۱۲
کینگ : ۵۶ - ۱۱۳ - ۱۱۸ - ۱۳۳ - ۵۵۵
کیوجیه : (کبوجیه)
کیهان (مسعودخان) : ۷۳ - ۲۱۸۴

گ

گائو : ۱۱۲۵ - ۱۱۲۷
گابه : ۳۰۴
گایی نیوس : ۲۲۹۱ تا ۲۲۹۴
گاداناس : ۳۳۳ تا ۳۳۷ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۶۷
۳۶۸ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۰ - ۴۲۶
۴۳۲

گارات : ۲۲۶۸
گاردان : ۱۵۶۹
گاردنر : ۲۶۷۴
گارنیه (آدلف) : ۴۱۸
گاسلن : ۱۴۹۴
گالبا : ۲۴۵۴
گالوس (فلایوس) : ۲۱۲۹
گالی نیکوس : ۲۰۷۷ و رجوع به سلکوس دوم شود
گالوی : ۴۹
گایوس پلینوس : ۷۹ - ۸۰ و رجوع به پلین
شود

گایوس یولیوس ارته وازد : ۲۶۲۵
گئوبرو : (گبرياس)
گئومات : ۵۱۶ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۳۲ تا ۵۳۶
۵۳۸ - ۵۳۹ - ۹۵۰ - ۱۴۵۷ - ۱۵۰۱
۱۵۳۳ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۶ - ۱۶۳۰
۲۱۲۳

گبرو : ۲۶۳۰
گبرياس : ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۸ تا ۳۳۳ - ۳۳۷
۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۷۳ - ۳۸۵
۳۸۸ - ۳۹۴ - ۴۰۴ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۰
۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۴ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۶۰۶
۶۰۷ - ۶۵۷ - ۶۸۵ - ۷۱۰ - ۷۳۵ - ۷۳۸

۲۲۴۹ - ۲۲۶۸ - ۲۲۷۰ - ۲۲۸۱ - ۲۳۹۸
۲۴۷۳ - ۲۵۳۷ - ۲۵۴۰ - ۲۶۰۶ - ۲۶۱۷
۲۶۴۷
کورش کوچک (اصغر) : ۷۲ - ۹۷۹ تا ۹۸۲ - ۹۸۶
۹۸۹ تا ۱۰۱۲ - ۱۰۱۴ تا ۱۰۳۶ - ۱۰۳۸
۱۰۳۹ - ۱۰۴۱ - ۱۰۴۳ - ۱۰۴۴ - ۱۰۴۷
۱۰۴۹ - ۱۰۵۱ - ۱۰۵۳ - ۱۰۵۵ - ۱۰۵۸
۱۰۵۹ - ۱۰۶۲ - ۱۰۶۴ - ۱۰۸۷ - ۱۰۹۳
۱۰۹۷ - ۱۰۹۹ - ۱۱۰۱ - ۱۱۰۳ - ۱۱۰۷
۱۱۴۷ - ۱۱۵۳ - ۱۱۵۹ - ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷
۱۳۰۴ - ۱۳۷۸ - ۱۴۴۸ - ۱۴۸۸ - ۱۵۰۴
۱۵۰۵ - ۱۵۲۷ - ۱۵۳۷ - ۱۶۲۸ - ۲۳۶۴
۲۶۲۹

کورش پسر مهرداد ششم : ۲۱۴۹
کوری گالزو : ۱۳۴
کوسویچ : ۱۴۵۱ - ۱۵۷۰ - ۱۶۱۶
کوفاس : ۱۷۳۷
کوفس : ۱۸۸۵
کوگار : ۶۳ - ۶۴
کومون : ۲۱۱۷
کوهورتانوس : ۱۷۳۸
کوبین توس : ۸۲ - ۲۶۰۷
کی اردشیر بن اسفندیار : (اردشیر)
کیاکسار : ۱۸۹ - ۲۱۵ تا ۲۱۷ - ۲۵۶ تا ۲۶۱
۲۶۵ - ۲۹۶ - ۲۹۹ - ۳۰۴ تا ۳۰۹ - ۳۱۳
۳۱۶ تا ۳۲۰ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۳۷ تا ۳۴۱
۳۴۶ - ۳۴۹ - ۴۰۹ - ۴۵۷ - ۴۵۹
کیاگروس : ۷۶۴
کیانه : ۷۹۲
کیبیه بن قباد : ۲۵۴۷ - ۲۵۴۸
کیخسرو : ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۴۶۹ - ۲۲۶۴
کیرش : (کورش)
کی قاس : (کیکاس)
کی قباد : ۲۵۴۳
کیکاس : ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۵۴۴ - ۲۵۴۸ - ۲۵۵۱
۲۵۷۱
کیلون : ۷۴۰ - ۹۶۵
کیمون : ۶۵۶ - ۶۷۱ - ۷۴۷ - ۱۱۲۳

گلوس تس : ۸۶۰
 گلو سیاس : ۲۰۴۴ - ۲۰۲۷ - ۱۲۲۹
 گلو سیپ : ۱۲۶۴
 گلو کوس : ۱۳۹۵ - ۱۹۰۲
 گوبی نو (کنت دو) : ۲۲۸ - ۴۷۷ - ۲۲۱۸-۷۷۳
 گوت شمید : ۶۰-۹۶۴ - ۲۰۵۸ - ۲۲۰۸-۲۲۰۹
 ۲۲۳۲ - ۲۲۶۱ تا ۲۲۶۴
 گوتیه : (سن الم...) : ۷۸۹ - ۸۵۳ - ۸۷۱ - ۸۸۰
 ۸۹۰ - ۹۶۹ - ۱۰۲۳ - ۱۰۹۰ - ۱۱۰۹
 ۱۱۲۱ - ۱۳۸۶ - ۱۴۶۳
 گود آ : ۱۱۶
 گودرز : (اشك بیستم
 گودرز اول : ۲۲۶۵ - ۲۵۴۱ - ۲۵۴۶-۲۵۴۲
 ۲۷۰۴ تا ۲۷۰۶
 گودرز دوم : ۲۷۲۲
 گورگوس : ۶۵۰
 گوزهر بازرنکی : ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰
 گوماتس : (گشومات)
 گومتس : ۵۳۱ - ۵۳۲
 گون تر : ۱۶۲۰
 گون دو فار : ۲۲۶۳
 گون گیل : ۶۷۰
 گون لو : ۲۲۵۵
 گو یار : ۴۸
 گیبن : ۲۵۲۴ - ۲۵۳۴ - ۲۶۵۴
 گیگه : ۶۲۴ - ۸۳۱
 گیو (ارشك) : ۲۴۲۳
 گیوشاه : ۲۲۶۵
 گیونه : ۲۵۶۰

ل

لادامی : ۱۹۴۸
 لادیس : ۲۰۵۳ - ۲۰۷۱ تا ۲۰۷۴ - ۲۰۷۸
 ۲۰۸۰ - ۲۱۳۴ - ۲۱۳۶ و رجوع به لادیس
 شود

۷۴۲ - ۸۷۵ - ۱۰۱۱ - ۱۴۶۵ - ۱۵۷۰
 ۱۵۷۵ - ۱۶۰۲ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷
 گراکخوس : ۲۱۲۷
 گردون چیلد : ۱۹۰۸
 گردیان سوم : ۲۱۸۱
 گردیوس : ۱۲۸۴ - ۲۲۷۴
 گردین : ۸۸
 گرگاتاس : ۱۶۷۸
 گرگوار مقدس : ۹۷-۲۵۹۹ - ۲۶۱۵-۲۶۱۰ تا
 ۲۶۲۲ - ۲۶۱۸
 گرگواس : ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۴۲
 گرگوس : ۷۴۲
 گرگیاس : ۱۷۲۳ - ۱۸۹۸
 گرگیس : ۷۳۸ - ۷۵۱
 گروپنا : (لروبنا)
 گروتی : ۲۳۸۳
 گروت فند : ۴۴ تا ۴۶
 گروندی : ۶۷۵
 گری (ادوارد) : ۹ - ۱۱ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۷ م
 ۱۱۶ م - ۱۱۷ م
 گریپوس : ۲۲۴۲ و رجوع به آن تیو خوس هشتم
 شود
 گریشمان : ۶۴ - ۱۶۲۲
 گریفین : ۵۸
 گریگوار : (گرگوار)
 گشتاسپ : ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ -
 گزنفون : (کزنفون)
 ۲۵۴۳ تا ۲۵۴۵
 گشم : ۲۶۰۰ - ۲۶۱۸
 گلارز : ۵۰
 گلارمن : ۶۵۱
 گلدسمیت : ۳
 گلشائیان : ۳۲ م
 گلن : ۷۵۹ - ۷۶۲ - ۱۴۵۵
 گلوس : ۱۰۳۸

۱۴۱۸-۱۳۵۲-۱۲۶۹-۱۲۱۷-۱۲۰۹	لادیسه، ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ - ۲۰۷۸ - ۲۱۰۱ -
لپتین، ۲۱۲۷	۲۱۱۲ - ۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۶۷۹
لپسیوس، ۴۳ - ۱۰۹	لادیسه دختر مهرداد ششم، ۲۱۴۹
لیید، ۲۱۲۸	لائومدون، ۱۹۶۶ - ۱۹۶۹ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹
لییدوس، ۲۳۳۹	لابی نت: (نبویند)
لروینا، ۲۱۸۱ - ۲۱۸۲ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۰ تا	لابی نیوس، ۲۳۴۲ تا ۲۳۴۴
۲۶۰۲	لاتونا، ۵۱۵
لطفعلی (شیخ)، ۱۳ م	لانیرا: (بطلمیوس هشتم)
لغتوس، ۵۲ - ۵۴ - ۵۶ - ۱۶۱۶ - ۲۷۱۲-۲۷۰۰	لارشه، ۱۴۷۰
۲۷۱۵ تا ۲۷۱۸	لازارقاربی، ۹۸ - ۲۱۸۱ - ۲۶۱۰
ل کاپن، ۲۶۳۳	لاکراتس، ۱۱۷۲ - ۱۱۷۴ تا ۱۱۷۶
لمان، ۵۵۴	لاکرنیس، ۲۹۰
لمر، ۱۵۶۳	لامیرس، ۸۴
لمصو، ۱۵۸۰	لامین، ۸۴۲ - ۸۶۱
لن پریه، ۲۶۷۳	لامیوس، ۱۱۷۵
لنین، ۱۱۳ م	لانکاروس، ۱۲۲۹
لوازو، ۹۴۴	لانگلو (ویکتور)، ۲۰۷ - ۲۵۸۴ - ۲۵۹۱
لوفین: (لوکیانوس)	۲۶۰۴
لونیوس اورلیوس وروس، ۲۱۷۹ - ۱۱۸۰ - ۲۴۹۵	لاورزی، ۵۷
۲۴۹۷ - ۲۴۹۸ - ۲۵۰۰ - ۲۵۰۱ - ۲۵۰۳	لایار انگلیسی، ۲۷۰۸
۲۵۰۴ - ۲۵۸۹ - ۲۶۳۶	لثوتی خید، ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۸۳۰ - ۸۶۵ - ۸۶۶
لوسیوس کویه توس، ۲۴۸۵	۸۷۰ - ۸۹۵
لوسین، ۷۳ - ۲۲۷۶	لثوستن، ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ - ۱۹۸۱
لوکس، ۷۴۳	لثون، ۷۷۰ - ۱۱۱۹
لوکولوس، ۱۰۸۹ - ۲۰۸۸ - ۲۱۴۱ تا ۲۱۴۴	لثونائوس، ۱۳۱۷ - ۱۶۶۰ - ۱۷۳۳ - ۱۷۴۸
۲۲۷۴ تا ۲۲۷۷ - ۲۲۷۹ - ۲۲۸۴ - ۲۲۸۶	۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۹۴ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۶
۲۲۹۷ - ۲۳۰۱ - ۲۳۱۴ - ۲۴۳۵ - ۲۴۵۲	۱۸۲۸ - ۱۸۳۸ - ۱۸۴۵ - ۱۸۴۷ - ۱۸۵۰
۲۶۳۱	۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۹
لوکیانوس، ۲۱۸۰ - ۲۶۸۶	۱۸۸۴ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۷
لوئی چهاردهم، ۴۱۸	۱۹۷۰ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲
لوئی پانزدهم، ۱۱۵۹	لثون تیاد، ۷۸۵
له توس، ۲۵۱۲	لثونیداس، ۷۴ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۸۱ - ۷۸۲
لهراسب، ۲۵۴۴	۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۹۵ - ۸۰۹
لیاخوف، ۴۰ - ۴۷ م	۸۲۳ - ۸۵۷ - ۸۶۱ - ۸۷۷ - ۸۸۲ - ۱۱۱۷ - ۱۱۱۹

- لیارد ، ۴۷ - ۵۲ - ۵۳
لیبر یوس ماکسیموس ، ۲۴۶۶
لی بودوروس ، ۱۹۷۴
لی خاس ، ۹۷۳ تا ۹۷۵
لیدوس ، ۷۳۵
لیناندر ، ۹۷۹ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۴ تا ۹۸۶
۱۰۳۳ - ۱۵۰۴ - ۱۵۰۵ - ۱۵۲۷
لینانیاس ، ۲۳۴۶
لینزیاس : ۲۲۲۲ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۹
لینزیماخوس (لینزیماک) : ۸۴۵ - ۱۶۴۹ - ۱۷۳۳
۱۷۸۷ - ۱۸۰۲ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۷ - ۱۹۶۷
۱۹۷۰ - ۲۰۰۳ - ۲۰۲۸ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۳
۲۰۴۵ - ۲۰۴۷ تا ۲۰۵۹ - ۲۰۶۳
۲۰۹۴ - ۲۰۹۵ - ۲۱۰۹ - ۲۱۳۳ - ۲۱۴۹
۲۱۶۲ - ۲۱۶۶
لیستمان ، ۵۱۰
لی سیپ ، ۱۲۲۱ - ۱۲۵۷
لی سیداس ، ۸۳۵
لی سیکلس ، ۷۹۵ - ۱۲۰۲ - ۱۲۰۴ - ۱۲۰۵
لی سی نیوس ، ۲۵۹۴
لی سیوس ، ۱۰۶۴ - ۱۰۸۶
لیک ، ۷۴۱
لی کارت ، ۶۲۷
لی کورگ ، ۷۹۷ - ۱۲۰۴ - ۱۲۳۵ - ۱۲۳۷ - ۱۷۸۱
لی کومد ، ۸۲۶ - ۱۲۸۱
لیک مید ، ۷۹۳
لیکون ، ۹۵۹
لیگ دامیس ، ۷۴۳
لی لر : ۵۴
لیم نه : ۱۸۲۹ - ۱۸۳۸
لیندزی ، ۲۲۰۳ - ۲۲۱۸ - ۲۴۶۲ - ۲۵۱۷ - ۲۶۹۷ - ۲۵۷۴
- ما ، ۲۱۲۲
ماآنو ، ۲۶۳۰ تا ۲۶۳۳ - ۲۶۳۶
مائودا اکس ، ۲۱۶
ماباسس ، ۱۳۷۹
ماپن ، ۷۴۲
ماخارس ، ۲۱۴۵ - ۲۱۴۹
مادانس ، ۱۴۱۰ - ۱۴۱۲
مادیس ، ۱۸۳
مار ، ۳۶ - ۳۷
مار آپاس کاتی نا ، ۹۴ - ۹۵ - ۲۰۱ - تا ۲۰۴
۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸۱ - ۲۲۷۲ - ۲۵۸۳ -
۲۵۸۴ - ۲۵۸۷ - ۲۵۹۴ - ۲۵۹۸ - ۲۶۱۰
مارات (مارانوس) ، ۱۳۲۳ - ۱۳۲۷
ماراگدوس ، ۳۰۴
مارتن ، (س مارتن)
مارثیال ، ۲۴۶۲
مارٹیوس وروس ، ۲۴۹۷ تا ۲۴۹۹
مارس ، ۳۵۸ - ۷۳۶ - ۷۵۷ - ۸۱۰ - ۱۹۲۲
۲۳۸۰
مارساگت ، ۶۱۳
مارکوارت ، ۷۴ - ۹۳ - ۲۴۵۹ - ۲۶۲۴
مارک اورل ، (مارکوس اورلیوس)
مارکف ، ۲۶۷۴
مارکوس اورلیوس : ۸۵ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۰ - ۲۴۶۷
۲۴۹۵ - ۲۴۹۷ - ۲۴۹۹ - ۲۵۰۳ - ۲۶۹۸
مارکوس تیتوس ، ۲۳۸۴
مارکوس کوتا : ۲۱۴۱
مارکوس ماریوس : ۲۱۴۰ - ۲۱۴۱
مارکوس وروس ، ۲۵۰۱
مارلینگک ، ۲۵ تا ۲۷ - ۴۱ - ۴۳ - ۵۳
مارون ، ۷۸۴
ماریا : (آرتونیس)
ماریت ، ۴۳

مان تیس : ۶۲۱	مار یوس ماکسیموس : ۲۵۱۲
مان داکس : ۲۱۶ - ۲۱۵ - ۲۱۲	مازا اور : ۲۶۳۰
مان دان : ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۵۴ - ۲۶۱	مازاوس : ۱۱۶۸
۲۶۴ - ۹۲۰ - ۱۶۲۵	مازارس : ۲۹۲ - ۲۹۳
مان دان (دختر داریوش) : ۱۶۲۶	مازاسس : ۱۳۲۹ - ۱۳۵۳
مان دانیس : ۱۸۷۷	مازه : ۱۳۷۷-۱۳۷۳ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰ - ۱۳۶۷
ماندروکل : ۵۹۴ - ۵۹۵	۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹
مان نس : ۲۶۳۰	۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۸ - ۱۴۳۱
مانو : ۲۵۰۲ - ۲۶۳۴ - ۲۶۳۶	۱۴۳۴ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۷ - ۱۷۲۵ - ۱۸۸۱
مان وال : ۲۳۸۶	۱۸۸۵ - ۱۹۱۹
مانیا : ۱۱۰۰	ماساگس : ۷۳۴
مانیشو : ۱۱۵	ماسپرو : ۶۱۱ و رجوع به مسپرو شود
مانیوس آکویلیوس : ۲۱۴۷	ماسیست : ۷۲۸ - ۷۵۱
مبارسپس : ۲۴۸۱	ماسیس تس : ۸۶۹ - ۸۸۹ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۱۶۲۶
متروپوستس : ۹۱۷	۱۶۲۷
مترون : ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۶۱	ماسیس تیوس : ۲۲ - ۷۳۷ - ۸۴۱ تا ۸۴۳ - ۸۴۵
م تلوس : ۱۲۵۸	ماسکام : ۷۴۷
م تیوخ : ۶۵۶	ماکرن : ۲۱۸۰
مثر : (مهر)	ماکری نوس : ۲۵۲۵ - ۲۵۲۷
مجدالدوله : ۷	ماکسی موس : ۲۴۸۵
مجدالسلطان : ۳۲	ماگاس : ۲۱۵۴
محتشم السلطنه : ۱۹ تا ۲۲ م - ۶۱ - ۱۱۶ م	مال تس : ۱۵۰۷
محسن خان : ۱۳۶ م	مال تی نوس : ۲۲۸۱
محقق الدوله : ۱۲ م	مال خوس : ۲۳۴۶
محمد تقی خان (کلنل) : ۶۴ - ۷۴ - ۷۵ م	مالر : ۱۰۹
محمد صادق (میرزا) : ۲۱ م	مامائی تا : ۱۵۷۵
محمد حسن کوزه کنانی : ۳ - ۴ م	مامی تیارش : ۱۷۳
محمد حسن میرزا (ولیمهد) : ۸۶ - ۸۷ - ۹۱ م	مامی گویان : ۲۶۰۳
تا ۹۳ م - ۹۹ م - ۱۰۱ م تا ۱۰۵ م - ۱۱۰ م	م آندریوس : ۵۵۷ - ۶۲۸
محمد شاه قاجار : ۳ - ۴ م	ماناس سیراس : ۲۲۷۶
محمد علی شاه : ۲ - ۶ م - ۱۱ تا ۲۲ م - ۲۳ م	مان تن : ۷۰ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۸ - ۸۱ - ۸۴ - ۵۰۷
۲۷ تا ۲۹ م - ۳۸ تا ۴۹ م - ۵۵ - ۱۱۳ م	۹۶۳ - ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲ - ۱۱۳۴ - ۱۱۴۱
۱۱۵ - ۱۱۷ - ۱۲۴ م	۱۱۷۹ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۴ - ۲۶۰۴
محمد نایینی : ۳ - ۴ م	مان تیاس : ۱۱۹۵
محمد یزدی : ۳۴ م	
محمود (آقا) : ۷۸ م	

تا ۸۶۴ - ۸۶۶ - ۸۷۵ - ۸۸۲ - ۸۸۶

۸۹۵ - ۹۴۰ - ۱۴۸۴ - ۱۴۹۴ - ۱۶۲۶

۱۶۲۷

مردیس : (بردیا)

موکور : ۲۴۵ - ۱۹۲۲

مون تخوتی : ۷۴

مروئه : ۱۷۹۱

مريامن : ۹۲۸ و رجوع به داریوش دوم شود .

مريس : ۱۸۴۵

مريوال : ۲۳۷۴ - ۲۴۸۳

مريستياس : ۷۸۱ - ۷۸۴

مسابات : ۱۰۳۶ - ۱۰۳۷

مسپرو : ۶۰ - ۶۱ - ۶۱۱ - ۶۸۸ - ۸۸۹

مستشارالدوله : ۴۰ - ۴۲ - ۵۰ - ۶۱ م

مستوفي (حمدالله) : ۲۵۷۶ - ۲۵۷۷ - ۲۵۷۹

مستوفي (عبدالله) : ۵ - ۸ - ۱۵ - ۲۱ - ۲۳ م

۳۰ - ۶۱ - ۶۹ - ۷۲ م

مستوفي الممالك : ۳۰ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۴ م تا

۵۷ - ۷۰ م تا ۷۳ - ۸۲ م تا ۸۶ - ۹۲ م -

۹۵ م تا ۹۸ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۰۴ م

۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۳ - ۱۲۰ م

مسروپ : ۹۸

مسمودی : ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۶۲ - ۲۳۲ - ۳۷۸

۴۷۹ - ۵۳۷ - ۹۰۷ - ۹۴۵ - ۹۵۳ - ۹۵۶

۹۹۱ - ۱۱۶۴ - ۱۲۱۲ - ۲۵۴۲ تا ۲۵۴۵

۲۵۵۰ - ۲۵۵۳ - ۲۵۵۶ - ۲۵۶۰

مسیح : (عیسی)

مشار السلطنه : ۳۱ - ۵۱ - ۵۹ م

مشار الملك : ۷۴ م

مشاور الممالك : ۱۷ - ۶۷ - ۶۸ م

مشیرالدوله : (جعفرخان)

مشیرالدوله : (حسینخان)

مشیرالدوله : (محسنخان)

مشیرالدوله : (نصراللهخان)

محمودخان (انصاری) : ۸۸

محمود (سید) : ۹۵ م

محمود غزنوی : ۱۰۴

محمود محمود : ۱۰

محیط طباطبائی : ۱۳۵ م

مخبر السلطنه : (هدایت)

مخبر الملك : ۲۳ م

مختاری (حبیب الله) : ۳۵ - ۱۰۰ - ۱۱۰ م

مدرس : ۳۲ - ۳۳ - ۵۷ - ۷۸ - ۸۰ تا

۸۳ - ۸۶ - ۹۰ - ۹۲ - ۱۰۴ - ۱۰۵ م

۱۰۹ - ۱۱۰ م

مدوس : ۶۸۰

مده : ۶۶۱ - ۷۳۱ - ۱۲۱۱

مدیر الملك : (جم)

مدیکوس : (کابوس)

مدیوس : ۱۹۱۴ - ۱۹۲۷ - ۱۹۳۲

مرئه : ۱۶۲۵

مربال : ۷۴۲

مرتضائی (اسماعیلخان) : ۱۲۸ م

مرتضی قلی خان : ۲۳ - ۳۲ م

مرتيله : ۴

مرتیه : ۵۴۰ - ۱۵۷۷

مردخا : ۸۹۹ تا ۹۰۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶

مردن تس : ۸۶۷

مردوخ : ۴۹ م

مردوك : ۵۵ - ۷۶ - ۱۱۹ - ۱۸۷ تا ۱۸۹ - ۲۰۳

۳۸۲ - ۳۸۵ تا ۳۸۹ - ۳۹۱ - ۴۰۲ - ۶۹۹

۷۰۰ - ۱۳۹۷ - ۱۵۳۲

مردوك مودميك : ۱۶۹

مردونت : ۷۳۷

مردونیوس (مردونیه) : ۵۳۱ - ۵۳۴ - ۵۳۹

۶۵۷ تا ۶۵۹ - ۶۶۲ - ۶۶۸ - ۶۷۹ - ۷۰۶

۷۰۷ - ۷۱۰ - ۷۱۳ - ۷۳۸ - ۷۴۷ - ۷۵۱

۷۹۷ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۱۷ تا ۸۲۰

۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۹ تا ۸۳۶ - ۸۳۸ تا

۸۴۱ - ۸۴۳ - ۸۴۵ تا ۸۵۱ - ۸۵۴

مشیرالدوله : (یحیی خان)	مکاسیدر : ۷۳۵
مشیرالدوله پیرنیا (حسن) : در تمام صفحات مقدمه	مکافرن : ۱۰۰۱
مشیرالسلطنه : ۲۳ - ۲۵ - ۳۹ - ۴۲ تا ۴۴	مکاكران : ۷۵۵
مشیرالملک : (مشیرالدوله حسن پیرنیا)	مل آگر : ۱۳۰۷ - ۱۳۸۷ - ۱۴۱۵ - ۱۷۰۵
مصباح الملک : (نصرالله خان)	۱۷۲۳ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۶ - ۱۸۳۵ - ۱۹۵۷
مصدق السلطنه : ۳۵ - ۵۹ - ۸۵ - ۹۳ -	تا ۱۹۶۵ - ۱۹۶۷
۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۴ - ۱۰۹ - ۱۱۰ م	ملانی دیاس : ۱۷۲۰
۱۲۸ م	ملان تاس : ۱۰۹۶
مظفرالدین شاه : ۶ - ۹ - ۱۷ - ۱۹ - ۲۳	ملان نیوس : ۶۴۵
معاذ السلطنه : (پیرنیا ، ابوالحسن)	ملخ : (ملک)
معاون الدوله : ۵۰ م	ملک : ۱۴۵۵
المعتصم : ۱۰۲	ملکارت : ۴۴۲ - ۱۴۵۷
معمد الدوله : (فرهاد میرزا)	ملک زاده : ۱۹ م
معز الدوله : ۳۰ م	ملک ناصر بن قلاوون : (ناصر بن قلاوون)
معیر الممالک : ۵ - ۷ - ۱۰ - ۱۴ م	ملکه جهان : ۱۱۰ م
معین التجار : ۶۱ م	ملن : ۱۴۴۱
مفخم الدوله : ۶۷ م	مله آگر : (مل آگر)
المقدسی (مطهر بن طاهر) : ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۲۵۶۷	ممتاز الدوله : ۴۰ - ۴۲ - ۶۱ م
مقرو شیر : (اردشیر دراز دست)	ممزن : ۲۳۲۹
مکی (حسین) : ۵۹ - ۶۶ - ۶۸ م	ممزن : ۱۱۸۰ - ۱۱۸۷ - ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳ تا
مکابات : ۱۱۰۷ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۷	۱۲۵۰ - ۱۲۵۴ - ۱۲۵۶ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۴
مکاباز : ۹۳۱ - ۱۶۲۷	۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ - ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۵ - ۱۲۸۵
مکاباکوس : ۲۳۱۰ - ۲۳۱۲	۱۲۸۶ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰
مکابرن : ۲۴۰ - ۴۵۴	۱۳۲۲ - ۱۳۷۵ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۴۸
مکانودیسو : (مکابیز)	۱۶۸۵ - ۱۶۸۶ - ۱۹۵۴ - ۲۰۱۸ - ۲۲۷۹
مکابوزس : ۸۷۴	ممزن دوم : ۱۳۵۹
مکابیز (بقا بوخش) : ۴۶۰ - ۵۲۱ - ۵۲۶ - ۵۳۰	مموکان : ۸۹۸
۵۳۴ تا ۵۳۶ - ۵۵۰ - ۵۵۳ - ۶۱۰ - ۶۱۱	منایس : ۱۶۴۴
۶۱۸ تا ۶۲۲ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۳۹ - ۷۳۸	مناسارس : ۲۴۷۹
۷۴۲ - ۷۴۷ - ۷۵۱ - ۹۳۱ تا ۹۵۷ - ۹۳۳	مناندر : ۱۹۲۵ - ۲۲۶۰ - ۲۲۶۱
۹۸۹ - ۱۶۲۶	من تور : ۱۱۶۸ - ۱۱۷۰ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۶
مکابات : ۶۴۰	۱۱۷۷ - ۱۱۷۹ تا ۱۱۸۲ - ۱۱۸۷ - ۱۲۴۲
مکاپان : ۷۳۲	۱۲۹۴ - ۱۳۰۰ - ۱۳۲۲ - ۱۴۴۸ - ۱۸۸۳
مکاستن : ۱۴۵۶ - ۱۷۸۱ - ۲۰۶۶	منس : ۱۷۲۰

مستان ، ۹۳۴ - ۹۵۹

من سیفیل ، ۸۰۴ - ۸۰۵

مصنور (خلیفه) : ۱۰۰

منصور السلطنه عدل - ۳۵

من لاس : ۷۶۴ - ۲۰۴۸

من موز : (اردشیر با حافظه)

منن : ۹۹۹ تا ۱۰۰۱ - ۱۰۰۵ - ۱۰۱۲ - ۱۰۱۴

۱۰۳۸ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۶ - ۱۰۵۲ تا ۱۰۵۶

۱۰۹۴ - ۱۴۰۳ - ۱۹۷۹

منوبازوس : (مینوباز)

منوچهر : (ماناس سیراس)

منوچهر : ۲۱۸

منوچهر پارسى : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷

منوز پارسى : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷

منوس تانس : ۱۶۲۷

منه داس : ۱۷۲۵ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

منه دم : ۱۷۰۶ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۸

منه زس : (مونوبازس)

منيسك ، ۱۳۲۴

مؤتمن الملك ، ۱ - ۹ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۶ -

۱۸ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۵ - ۳۷ - ۴۰ -

۴۲ تا ۴۶ - ۵۳ تا ۵۵ - ۵۹ - ۷۳ - ۷۶ -

۸۲ - ۸۴ - ۹۲ تا ۹۷ - ۱۰۳ - ۱۰۶ -

۱۰۸ تا ۱۱۰ - ۱۱۳ - ۱۲۳ - ۱۲۸ -

۱۳۲ - ۱۳۶

موناطوس : ۱۱۴۱

موتق الدوله ، ۵۳

مودو ، ۲۲۵۶

مورخ الدوله سپهر : ۵۰ تا ۵۳ - ۸۳ - ۱۱۵

۱۱۹ - ۱۲۰

موريخيد ، ۸۳۵

موز : ۶۷

موزا : ۲۳۷۹ - ۲۳۸۱ تا ۲۳۸۴ - ۲۳۸۶ -

۲۳۸۷ - ۲۳۹۰ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۰

موزول : ۱۱۳۸ - ۱۱۸۵

موسویزاده ، ۷۷

موسی : ۸۱ - ۹۵۰ - ۱۱۶۰

موسی خورن : ۹۳ تا ۹۸ - ۲۰۸ - ۲۱۶ - ۲۱۸۱

۲۱۸۲ - ۲۲۰۲ - ۲۲۳۸ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۲

۲۴۰۸ - ۲۴۵۹ - ۲۴۹۶ - ۲۵۳۳ - ۲۵۳۴

۲۵۸۳ تا ۲۵۸۵ - ۲۵۸۷ - ۲۵۹۱ تا ۲۵۹۴

۲۵۹۶ تا ۲۵۹۸ - ۲۵۹۹ - ۲۶۰۱ - ۲۶۰۳

۲۶۱۲ تا ۲۶۳۰ - ۲۶۳۵ - ۲۶۶۱ - ۲۶۸۸

۲۶۸۹

موسی کائوس : ۱۸۳۴ - ۱۸۳۵

مولون : ۲۰۸۰

مولوی : ۱۰۸۱

مولیکوس : ۲۰۲۸

مولی نوس : ۱۷۷۳

مون تر : ۴۴ - ۴۷

مونتنی : ۱۵۴۰

مونرو : ۶۷۵ - ۷۷۳

مونوبازوس : ۲۴۳۰ تا ۲۳۴۲ - ۲۴۵۰

مونفزس : ۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۶۵

مونیموس : ۱۳۲۲ - ۲۰۲۵

مؤید السلطنه ، ۴۲ - ۱۱۶

مهر (میش) : ۱۵۹ - ۲۲۰ - ۱۰۹۸ - ۱۵۰۵

۱۵۱۵ - ۱۵۱۸ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۷

۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ - ۱۵۴۹ - ۱۶۰۰ - ۱۶۱۱ تا

۱۶۱۳ - ۲۱۸۴ - ۲۴۵۱ - ۲۶۲۶ - ۲۶۹۱

مهر داداول : ۹۴ - ۲۰۸۷ - ۲۱۱۵ - ۲۱۴۸ و

رجوع به اشك ششم شود

مهر دادودم : ۲۰۷۶ - ۲۰۷۸ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۸

۲۱۴۸ - ۲۷۲۲ و رجوع به اشك نهم شود

مهر دادسوم اشكانی : ۲۲۷۵ و رجوع به اشك

دوازدهم شود .

مهر داد سوم پنت : ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۱۴۸

۲۱۶۵

مهر داد چهارم : ۲۱۳۴ - ۲۱۳۵ - ۲۱۶۵ - ۲۶۷۷

۲۶۷۸ - ۲۶۹۶

۱۲۵۵	مهرداد پنجم : ۲۱۳۶ - ۲۱۴۸ - ۲۱۶۷
میترو باتس : ۵۵۸ - ۵۵۶	مهرداد ششم : ۱۱۴۸ - ۱۹۴۵ - ۲۰۸۸ - ۲۱۲۸
میترو به : ۱۸۸۵	۲۱۳۶ تا ۲۱۴۹ : ۲۱۵۷ - ۲۱۶۹
میش : ۳۹ - ۹۹۴ - ۱۱۵۶ و رجوع به مهر شود	۲۲۷۳ - ۲۲۷۴ - ۲۲۷۷ تا ۲۲۸۳
میشرات : ۱۵۳۶ و رجوع به مهر داد شود	۲۲۸۵ - ۲۲۸۷ - ۲۲۹۰ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۴
میتروی دات : ۹۰۴ و رجوع به مهر داد شود .	۲۲۹۷ - ۲۳۳۱ - ۲۳۳۲ - ۲۴۷۰
میشرن (مهرن) : ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۷۵ -	مهرداد خواجه : ۹۰۸ - ۹۰۹
۱۳۱۷ - ۱۳۹۸ - ۱۴۳۴ - ۱۴۴۷	مهرداد هخامنشی : ۱۰۲۲ - ۱۰۳۵ - ۱۰۳۶
میشروس تس : ۱۳۸۰	۱۰۵۲ - ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۴
میداس : ۱۹۴ - ۱۲۸۴	مهرداد پارتی : ۲۳۶۵ تا ۲۳۶۷ - ۲۴۰۹ - ۲۴۱۰
میدیاس : ۱۱۰۰	۲۴۶۵ تا ۲۴۶۷
میرتو : ۱۰۱۸	مهرداد داماد داریوش : ۱۲۵۴ - ۱۲۵۵ - ۱۴۴۹
میرخواند : ۱۰۳ - ۲۵۷۷	مهرداد پسر آری برزن : ۱۱۴۳ - ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۸
میرزا آقاخان صدراعظم : ۱۳۶ م	۱۵۳۸ - ۲۰۹۳ - ۲۱۳۲ - ۲۱۴۸
میرزا آقای اصفهانی : ۷ م	مهرداد پسر آریارات : ۲۱۲۵ - ۲۱۲۶
میر عبدالوهاب : ۳ م	مهرداد پسرارن توبات : ۲۱۳۱
میرسوس : ۶۵۱	مهرداد پسر اودیاس تس : ۹۶۱ - ۹۶۲
میرونید : ۹۴۱	مهرداد پسر فرس من : ۲۴۰۶ - ۲۴۱۵
میریاك : ۳۵۱	مهرداد پسر ونن : ۲۴۱۸ تا ۲۴۲۳
میریاندر : ۱۰۰۶	مهرداد برادر فرس من : ۲۴۰۱ - ۲۴۲۵ تا ۲۴۲۷
میریاندرس : ۱۵۱۰	مهرداد آذری : ۲۶۲۵
میزا : (موزا)	مهرداد گرجی : ۲۶۲۰
میس : ۸۳۰ - ۸۳۱	مهرداد دختر مهر دادششم : ۲۱۴۶ - ۲۱۴۹
میستا : ۲۱۳۵	مهرن : (میژن)
میشل پافلاگونی : ۲۶۳۳	مهن تس : ۱۳۹۸
میلاذ : (مهرداد)	مه نیداس : ۱۳۷۹ - ۱۳۹۲ - ۱۶۸۲
میلت تا : ۴۴۱ - ۱۵۱۸	مه نیلوس : ۱۹۸۱
میلتوسیت : ۱۰۴۱	مهومان : ۸۹۸
میلتیاد : ۶۰۹ - ۶۵۶ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۴	میتای موشکی : ۱۹۴
۶۷۶ - ۶۸۰ - ۹۲۲ - ۹۲۴ - ۹۲۶ - ۹۳۵	میترا دات : ۲۳۴ - ۱۶۲۹ و رجوع به مهر داد شود
میلن : ۵۶۲	میترا دات (دختر) : ۲۱۴۶ - ۲۱۴۹
مین دار : ۹۷۷	میترا سن : ۱۴۴۲
مینرو : ۲۴۵ - ۷۲۳ - ۸۱۵ - ۸۵۹ - ۸۹۶	میترا دات : ۴۰۲ - ۹۴۷ و رجوع به مهر داد شود
۹۹۳ - ۱۲۴۶ - ۱۲۵۳ - ۱۲۵۸ - ۱۳۰۱	میترس : (مهر)
۱۳۲۱ - ۱۳۸۴ - ۱۷۵۹ - ۱۷۷۵ - ۱۸۲۵	میترو بازان : ۲۱۲۶
	میترو برزن : ۱۱۳۸ - ۱۱۴۵ - ۱۱۴۷ - ۱۲۵۳

می‌نردا بر نه آ، ۷۹۹ - ۸۰۰

مینوباد (می‌نوبازوس) ، ۲۶۳۰

مینس : ۵۰۹

می‌نوس : ۱۹۲۸

مینوی (مجتبی) : ۱۵۷۸

میو ، ۱۹۱۵

می‌یر (ادوارد) : ۳۴ - ۳۹ - ۶۱ - ۶۳ - ۶۴

۱۰۹ - ۱۳۲ - ۶۳۱ - ۶۷۵ - ۶۷۹ - ۱۵۷۵

ن

ناپلئون اول : ۴۱ - ۷۰۳ - ۸۱۶ - ۱۳۷۸ - ۸۸۸

۱۳۸۲ - ۲۲۹۶

ناپلئون سوم : ۵۷

ناپیر آسو ، ۱۳۵

ناحوم : ۱۸۱ - ۱۸۹ - ۴۰۱ و رجوع به نحمیا شود

نادرشاه : ۱۱۱ - ۱۵۲

ناساتی یا ، ۳۹ - ۱۵۹ - ۱۵۲۹

ناصر بن قلاوون : ۱۰۶

ناصرالدین شاه : ۲۰ - ۱۳ - ۲۰ - ۲۸ - ۳۰

۱۳۶ - ۱۲۴ - ۱۳

ناصر الملك : ۶ - ۲۵ - ۲۷ تا ۲۹ - ۳۴ -

۴۸ - ۴۹ - ۵۸ - ۷۱ - ۷۹ - ۸۰ -

۱۰۷ - ۱۱۶ -

ناظم الاسلام : ۵ - ۱۲ - ۱۶ - ۱۸ - ۲۰

۱۲۴ - ۱۲۲

نافرطاس : ۱۱۴۱ و رجوع به نفریت شود .

ناقاطا نیاس : ۱۱۴۱

نانا ، ۱۱۷

ناندا : ۲۰۵۷

ناهید : (المیاس)

ناهید ۳۰ - ۱۴۳ - ۲۵۲۹ و رجوع به اناهیتا شود .

نایب‌الصدر شیرازی : ۳

نبرزن : ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۷ - ۱۴۳۱

۱۴۳۴ تا ۱۴۴۳ - ۱۶۳۸ - ۱۶۴۲ - ۱۶۴۷

۱۶۴۸

نیو : ۱۱۹ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۹۱

نیویولا سس : ۱۸۶ تا ۱۸۹ - ۱۹۱ - ۳۷۸ - ۲۱۴

نیوکدنصر : ۱۹۲ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۴۰۲ - ۹۴۶

۹۸۸

نیونصر ، ۱۱۰ - ۱۲۶

نیونید : ۱۱۱ - ۱۸۶ تا ۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۸ -

۲۰۰ تا ۲۰۳ - ۲۲۴ - ۲۲۹ تا ۲۳۱ -

۲۶۳ تا ۲۶۵ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۸۶ - ۳۷۸

۳۸۲ تا ۳۸۵ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۹۱ تا ۳۹۴

۳۹۷ - ۴۷۱ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷

نیپتون : ۵۱۲ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۹۶ - ۱۳۳۹

۱۸۴۶ - ۱۹۲۸

نحمیا : (ناحوم) ۶۹۴ - ۹۰۷ - ۹۴۵ - ۹۵۰

۹۹۱ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۳

نخائو ، ۱۹۲ - ۵۷۱ - ۶۳۱

نخت‌بست‌ار او : ۵۰۵

ندی تبیر : (نی‌دین توپل)

نرام‌سین : ۱۱۱ - ۱۱۶

نرسه : (نرسی)

نرسی‌اشکانی : ۲۵۴۱ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۳ تا ۲۵۴۸

۲۵۴۹ - ۲۵۵۲ تا ۲۵۵۶ - ۲۵۶۷ - ۲۵۶۸

۲۵۷۰ تا ۲۵۷۲ - ۲۵۷۶ تا ۲۵۸۱

نرسی‌بارسی : ۲۶۲۶ - ۲۶۲۷

نرسی‌بن‌ایران‌شاه : ۲۵۶۲ - ۲۵۶۵

نرون : ۷۹۲ - ۲۴۳۱ تا ۲۴۳۳ - ۲۴۳۸ - ۲۴۳۹

۲۴۴۳ تا ۲۴۴۵ - ۲۴۴۷ تا ۲۴۵۵ - ۲۴۵۸

۲۴۵۹ - ۲۴۶۶ - ۲۴۷۴ - ۲۴۸۷

نریس : ۴۷

نسا : ۲۰۷۲

نسا دختر مهرداد : ۲۱۴۶ - ۲۱۴۹

نصر بن ناصر الدین (ابوالمظفر) : ۱۰۴

نصرة الدوله : ۶۰ و رجوع به فرمانفرما شود

۱۸۸۰-۱۸۷۸ - ۱۸۶۹ - ۱۸۶۵ - ۱۸۶۴
 ۱۹۲۰-۱۹۱۰ - ۱۹۰۷ - ۱۸۸۴ - ۱۸۸۳
 ۱۹۳۳-۱۹۳۲ - ۱۹۳۰ - ۱۹۲۳ - ۱۹۲۲
 ۱۹۵۶ - ۱۹۶۸ - ۲۰۱۱
 نه‌اوپ‌تولم : ۱۲۰۷ - ۱۲۱۲ - ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹
 ۱۹۹۱ - ۲۰۲۶ - ۲۰۳۷ - ۲۱۳۹
 نه‌رايد : ۷۷۴
 نى‌بور : ۴۴ - ۶۳ - ۶۷۷ - ۸۸۸ - ۱۸۸۶
 نيت : ۵۰۲ تا ۵۰۵ - ۹۲۸ - ۹۶۳ - ۲۰۹۷
 نى‌ت‌تيس : ۴۸۵ - ۵۰۷ - ۱۶۲۵
 نى‌توكريس : ۳۷۸ - ۳۹۲ - ۳۹۳
 نى‌دين‌توبل : ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۱۵۷۶
 نيرالدوله : ۲۲ - ۴۰
 نيرالملك : ۵۹ - ۷۶
 نيروين‌سابور : ۲۵۵۱
 نيسا : ۲۱۳۰
 نى‌سياس : ۱۲۶۱
 نى‌فراټ : ۱۲۴۸
 نى‌كاتور : (سلکوس اول)
 نى‌کارخيد : ۱۴۲۱
 نى‌کارک : ۱۰۵۲ - ۱۰۶۳
 نى‌كاتور : ۱۲۶۴ - ۱۳۰۷ - ۱۳۸۷ - ۱۴۴۳ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۳ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۳ - ۱۷۶۴
 ۱۹۶۹ - ۱۹۷۵ - ۱۹۸۳ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۹
 ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ - ۲۰۳۷ - ۲۰۳۸ - ۲۰۴۲
 ۲۰۵۵ - ۲۰۷۹ - ۲۰۹۵
 نى‌کايا : (نيکه)
 نيکلا : ۱۱۳ م
 نيکلامشقى : ۹۴۲ - ۲۲۳۹
 نيکلانوس : ۷۳ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۶۴
 نيکلسن : ۱۱۶ م - ۱۱۷ م
 نى‌کوزن : ۹۱۴ - ۹۱۶
 نى‌کوسترات : ۱۱۷۳ تا ۱۱۷۵ - ۱۷۴۶

نصرالله خان‌مشيرالدوله : ۲ - ۲ تا ۱۳۴ - ۱۵ -
 ۱۸ - ۱۹ - ۲۱ تا ۲۳ - ۲۵ - ۴۲ م
 ۱۲۲ م
 نصرالملک : ۵۱ م
 نصيرالدوله : ۴ - ۱۲۸ م
 نظام‌الدوله : ۱۰۵ م
 نظام‌السلطنه : ۷ - ۳۹ م
 نظام‌الملک : ۱۱۲ م
 نظامى : ۱۴۱ م
 نعمت‌الله : (شاه‌نعمت‌الله)
 نفريت (نفورود ، نافرطاس) : ۹۶۳ - ۱۱۳۲ - ۱۱۴۱
 نفيسى (سميد) : ۱۳۲ تا ۱۳۴ - ۱۳۸ م
 نکتانب‌اول : ۱۱۳۳ - ۱۱۳۴ - ۱۱۳۶ - ۱۱۴۰ - ۱۱۴۱ - ۱۲۱۴
 نکتانب‌دوم : ۱۱۴۱ - ۱۱۶۸ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۷
 نلدکه : ۷ - ۷۳ - ۱۰۱ - ۲۰۳ - ۲۰۶ - ۲۱۵
 ۲۲۱ - ۲۳۱ - ۲۸۰ - ۳۸۹ - ۳۹۱
 ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۶۱۱ - ۶۵۷ - ۶۸۷ - ۶۹۵
 ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۹۰۸ - ۹۱۱ - ۹۱۴ - ۹۳۷
 ۱۱۱۸ - ۱۱۲۲ - ۱۱۵۸ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۶
 ۱۱۷۱ - ۱۱۸۴ - ۱۴۲۸ - ۱۵۶۸
 نليفاتس : ۱۲۵۵
 نمرود : ۵۲
 نم‌زيس : ۱۲۱۷
 نمويت : ۲۶۲۷
 نوتس : (داريوش دوم)
 نوتون : ۶۷۰
 نوح : ۷ - ۳۰ - ۱۰۵ - ۲۲۶۸
 نورون‌دابات : ۵۳۱ - ۵۳۵
 نورى (شيخ‌فضل‌الله) : ۴۵ م
 نوذر : ۲۱۸
 نوکراتيس : ۵۱۶
 نه‌آرخ : ۸۶ - ۱۲۱۱ - ۱۷۸۱ - ۱۸۲۰ - ۱۸۲۲
 ۱۸۲۸ - ۱۸۴۶ - ۱۸۴۷ - ۱۸۵۱ - ۱۸۶۱

- نی کوماک (نیکوماخوس) : ۱۶۵۶ - تا ۱۶۵۹ -
 ۱۶۶۱ - ۱۶۶۵ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۵ - ۲۳۱۲
 نی کومد اول : ۲۱۵۱ - ۲۱۶۶ - ۲۲۰۰ - ۲۲۷۴
 نی کومد دوم : ۲۱۵۱ - ۲۱۶۸
 نی کومد سوم : ۲۱۳۰ - ۲۱۵۱ - ۲۱۷۰
 نیکه : ۲۵۸۲ - ۲۶۷۹ - ۲۶۹۰ - ۲۷۰۵
 نیکه دختر آن تی یاتر : ۱۹۸۶
 نیکر : (پسینیوس نیکر)
 نی مه زیس : ۲۶۵۹
 نین مار : ۱۱۵
 نینوس : ۷۹ - ۷۳۰ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ - ۲۲۶۸
- و
- واچه : ۲۶۱۶
 واریاس : ۲۱۶
 وارتان : (بردان)
 وارتان مامی گونی : ۹۸
 وارون : ۳۹ - ۱۵۹ - ۱۵۲۹
 واسموس : ۵۱
 واگارش : (بلاش)
 واگارشك : (والارشك)
 واگنر : ۲۲۵۱
 والارش : ۲۶۱۳ - ۲۶۲۰
 والارشك : ۹۴ - ۹۵ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۲ - ۲۵۸۴ تا
 ۲۵۸۷ - ۲۵۹۶ - ۲۵۹۷ - ۲۶۰۱ - ۲۶۰۸
 ۲۶۱۱ - ۲۶۱۹ - ۲۶۲۱ - ۲۶۳۷
 والربین : ۲۶۰۷
 والس : ۵۳۶
 واله : ۶۹۳
 وامبری : ۲۱۸۸
 وثوق الدوله : ۱۹۰ م - ۵۶ م تا ۶۵ م - ۶۷ م - ۶۹ م
 ۷۰ - ۱۱۸ م
 وثوق السلطنه دادور : ۵۹ م - ۶۳ م
 وحید دستگردی : ۵۵ م
- ورتانس : ۲۶۱۶
 ورثرغنا : ۱۵۹ - ۲۶۲۶ رجوع به بهرام شود.
 وردان : (بردان)
 ودران : (ورثرغنا)
 ورزدات : ۲۶۲۱
 ورگون تینوس : ۲۳۱۷
 ورمشاپوه : ۲۶۲۱
 ورهام شابوه : (بهرام شاه پور)
 وزیر افخم : ۴۲ م
 وسپازیان : ۸۰ - ۸۳ - ۲۴۵۴ تا ۲۴۵۷ - ۲۴۶۰ تا
 ۲۴۶۳ - ۲۵۵۱ - ۲۶۶۳
 وستا : (هستیایا)
 وشتنی : ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۳ - ۹۰۴
 وشمگیر : ۲۵۶۰
 ولتر : ۲۱۸۰
 ولگاش : (بلاش)
 ولگزس : ۲۶۲۰ و رجوع به بلاش شود
 ولییوس : ۲۳۸۴ - ۲۳۸۹
 ومیس : ۵۴۳
 وناسب مرهاب : ۲۵۹۰
 ون تس : ۲۶۱۹
 ون تی دیوس : ۲۳۴۵ تا ۲۳۴۷ - ۲۳۵۲
 ونن : ۲۳۸۳
 ونن اول : (اشك هفدهم)
 ونن دوم : (اشك بیست و یکم)
 ونوس : ۱۱۵۵
 وولسین : ۱۶۲۰
 وولکان : ۸۱۷
 وهشتیه : (وشتنی)
 وهوبراز : ۲۶۲۷
 وهوک : ۵۳۴ و رجوع به اخس شود
 وهومنه : (اومانوس)
 وهومیتیر : (مینوچهر)
 وهی یزدات : ۵۴۵ تا ۵۴۷ - ۱۵۷۷

هارپات : ۱۱۵۷
 هارپاگك : ۲۰۳ - ۲۳۴ تا ۲۴۰ - ۲۶۳ - ۲۷۷
 ۲۹۳ تا ۲۹۵ - ۳۷۴ - ۶۵۵
 هارپالوس : ۱۲۱۱ - ۱۲۴۷ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۲
 ۱۹۰۰ - ۱۹۷۶ - ۱۹۸۴
 هارموديس : ۱۴۰۸ - ۱۹۲۰
 هالوى : ۳۴
 هاماس تريس ، هاماشتر : (آمس تريس)
 هامان : ۸۹۹ تا ۹۰۲
 هاميلكار : ۷۶۶
 هاني بال : ۲۱۳۶ - ۲۲۸۱ - ۲۲۸۴ - ۲۲۹۶
 هايك (هايكا) : ۲۲۶۸ - ۲۵۸۴ - ۲۵۸۵ - ۲۶۰۸
 ۲۶۱۰
 هايك دوم ، ۲۲۶۸ تا ۲۲۷۰
 هخامنش : ۲۲۲۸ تا ۲۳۱ - ۷۱۰ - ۷۴۲ - ۷۸۷
 ۹۲۷ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۳ - ۱۵۵۱ - ۱۵۷۱
 ۱۵۷۶ - ۱۶۲۴ - ۱۶۲۹
 هخامنش (يسرداريوش) ۱۶۲۶
 هدايت (مخير السلطنه) : ۴ - ۱۰ م - ۱۹ م -
 ۲۱ م - ۲۳ م - ۲۸ م - ۵۹ م - ۶۲ تا ۶۶ م -
 ۷۰ م - ۷۹ م - ۸۰ م - ۹۰ م - ۹۲ م - ۹۳ م -
 ۱۱۸ م - ۱۱۹ م - ۱۲۹ م
 هدهه : (استر)
 هرا : ۲۷۰ - ۵۹۴
 هراس : ۲۳۸۰
 هراكل (هراكلس) : ۱۴۲ م - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۸
 ۵۸۲ - ۵۸۷ - ۷۹۸ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۳ -
 ۱۷۲۱ - ۲۶۷۹ - ۲۶۹۰
 هراكلس پراسكندر : ۱۹۵۴ - ۱۹۹۱ - ۱۹۹۱
 ۲۰۱۸ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۵
 هراكليد : ۱۰۹۸ - ۱۹۱۷
 هراكليوس : ۲۵۹۴
 هراكون : ۱۸۶۴
 هرتسفلد : ۱۲۷ م - ۱۵۶۶ - ۱۵۷۸ - ۱۵۹۵ -

وي تليوس : ۲۳۹۷ - ۲۳۹۸ - ۲۴۰۱ - ۲۴۰۳
 ۲۴۰۵ تا ۲۴۰۷
 ويجن ، (بيژن)
 ويدرن : ۵۳۴ - ۵۴۲
 وپرگي ليانوس : ۲۴۸۰
 ويزي گس : ۲۳۰۰
 ويس باخ : ۳۶ - ۵۳۹ - ۱۴۵۱ - ۱۴۵۳ - ۱۵۷۰
 ۱۵۷۴ - ۱۵۷۵
 ويس يار ، ۵۳۴
 ويشتابازونك : ۲۰۷
 ويشتاسپ : (گشتاسپ)
 ويشتاسپ ، (هيتاسپ)
 ويشتاسپ بدر داريوش : ۲۲۸ - ۲۳۰ - ۲۳۱ -
 ۵۳۷ - ۵۴۵ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۹۳ - ۷۸۲
 ۹۱۰ تا ۹۰۸ - ۹۲۲ - ۹۵۲ - ۱۴۵۱ - ۱۵۳۶
 ۱۵۵۰ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۶ - ۱۵۹۲
 ۱۵۹۶ - ۱۵۹۸ تا ۱۶۰۰ - ۱۶۰۴ - ۱۶۰۹
 تا ۱۶۱۳ - ۱۶۱۵ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶
 ويشتاسپ يسرداريوش : ۱۶۲۶ - ۱۶۳۰
 ويشتاسپ از نزديكان داريوش : ۱۶۳۷
 ويشتاسپ پسر خشايارشا : ۹۰۴ - ۱۶۲۷
 ويلسن (آرنولد) ، ۱۵۰۸ - ۱۸۸۶
 ديل كن ۲۱۵۹
 وين دفن : ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۴۸
 وين كمر : ۳۲ - ۳۹ - ۵۱ - ۶۲ تا ۶۴ - ۲۲۳ -
 ۳۸۹
 ويوان ، ۵۴۷

ه

هايك ، (هايك)
 هائوآن : ۱۱۹۲
 هابيل : ۱۱۱ م
 هادريان : ۲۱۷۵ - ۲۴۸۷ تا ۲۴۹۳ - ۲۴۹۵
 ۲۵۰۱ - ۲۶۳۵
 هادس : ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳

۲۳۶-۲۳۳ تا ۲۳۱ - ۲۲۹ تا ۲۲۷ - ۲۲۲
 ۲۶۴-۲۶۲ - ۲۶۲ - ۲۴۲ - ۲۴۰ - ۲۳۷
 ۲۷۵ - ۲۷۳ تا ۲۷۱ - ۲۶۹ تا ۲۶۷ - ۲۶۵
 ۲۸۵ تا ۲۸۳ - ۲۸۱ - ۲۸۰ - ۲۷۸ - ۲۷۶
 ۳۰۳-۲۹۶ - ۲۹۵ - ۲۹۳ تا ۲۹۰ - ۲۸۸
 ۳۸۲ تا ۳۸۰ - ۳۷۷ - ۳۷۴ - ۳۷۲ - ۳۶۶
 ۴۲۷-۴۰۸ - ۴۰۷ - ۳۹۴ تا ۳۹۲ - ۳۸۹
 ۴۵۴-۴۵۲ - ۴۴۷ - ۴۴۶ - ۴۴۰ تا ۴۳۸
 ۴۷۸ - ۴۷۴ - ۴۷۳ - ۴۷۱ - ۴۷۰ - ۴۶۵
 - ۴۸۹ تا ۴۸۶ - ۴۸۴ - ۴۸۳ - ۴۸۱ تا
 ۵۰۵ - ۵۰۲ - ۴۹۸ تا ۴۹۵ - ۴۹۲ - ۴۹۱
 ۵۲۵-۵۲۳ - ۵۲۰ - ۵۱۹ - ۵۱۶ - ۵۱۳ تا
 ۵۴۹-۵۳۷ تا ۵۳۴ - ۵۳۲ تا ۵۲۹ - ۵۲۶
 ۵۶۲ - ۵۵۹ - ۵۵۸ - ۵۵۵ تا ۵۵۳ - ۵۵۰
 ۵۷۹ تا ۵۷۲ - ۵۶۹ - ۵۶۷ تا ۵۶۵ - ۵۶۳
 ۵۸۹-۵۸۷ - ۵۸۶ - ۵۸۴ - ۵۸۲ - ۵۸۱
 ۵۹۹ - ۵۹۸ - ۵۹۶ - ۵۹۴ تا ۵۹۲ - ۵۹۰
 ۶۲۱ - ۶۱۸ تا ۶۱۱ - ۶۰۶ - ۶۰۵ - ۶۰۱
 ۶۳۳ - ۶۳۱ تا ۶۲۷ - ۶۲۵ - ۶۲۴ - ۶۲۲
 ۶۵۰ - ۶۴۸ تا ۶۴۱ - ۶۳۹ - ۶۳۸ - ۶۳۶ تا
 ۶۷۱ - ۶۶۹ تا ۶۶۷ - ۶۶۵ تا ۶۵۴ - ۶۵۲ تا
 ۶۹۸-۶۹۲ - ۶۹۱ - ۶۸۷ - ۶۸۵ تا ۶۷۳
 ۷۱۳-۷۱۱ - ۷۱۰ - ۷۰۴ تا ۷۰۱ - ۶۹۹
 ۷۲۷-۷۲۴ تا ۷۲۲ - ۷۲۰ - ۷۱۸ - ۷۱۶ تا
 ۷۴۷ - ۷۴۴ - ۷۴۳ - ۷۳۹ - ۷۳۷ - ۷۳۵ تا
 ۷۶۰ - ۷۵۷ تا ۷۵۵ - ۷۵۳ - ۷۵۲ - ۷۵۰ تا
 ۷۷۲-۷۷۰ - ۷۶۸ - ۷۶۶ - ۷۶۵ - ۷۶۲ تا
 ۷۸۵ - ۷۸۴ - ۷۸۲ تا ۷۷۸ - ۷۷۶ - ۷۷۳
 ۸۰۴ تا ۷۹۶ - ۷۹۳ - ۷۹۲ - ۷۹۰ - ۷۸۸
 ۸۱۹ تا ۸۱۶ - ۸۱۲ - ۸۱۰ - ۸۰۹ - ۸۰۶
 ۸۳۵-۸۳۰ تا ۸۲۷ - ۸۲۴ - ۸۲۲ - ۸۲۱
 ۸۴۸ - ۸۴۶ تا ۸۴۳ - ۸۴۱ تا ۸۳۸ - ۸۳۶
 ۸۷۰ تا ۸۶۲ - ۸۶۰ - ۸۵۸ تا ۸۵۲ - ۸۵۰ تا
 ۸۸۹ تا ۸۸۶ - ۸۸۳ - ۸۸۲ - ۸۷۷ تا ۸۷۲

۱۵۹۸ - ۱۶۲۰

هرسترات : ۱۲۶۳

هرکول : ۷۸۱-۷۷۷ - ۱۰۸۸ - ۱۰۸۱ - ۱۱۷۳ - ۱۲۱۳

۱۳۵۳-۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ - ۱۳۲۱ - ۱۲۲۵

۱۷۴۵-۱۷۴۳ - ۱۷۴۱ - ۱۷۳۴ - ۱۴۵۷

۱۷۹۳ - ۱۷۷۸ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۳ - ۱۷۶۲

۱۸۳۶-۱۸۲۱ - ۱۸۱۵ - ۱۸۰۷ - ۱۷۹۴

۱۹۲۲-۱۹۰۱ - ۱۸۵۰ - ۱۸۴۲ - ۱۸۳۸

۲۲۹۶ - ۱۹۳۸

هرمازس : (اهورمزد - هرمز)

هرمامیتر : ۷۳۹

هرمز : ۲۶۲۸-۲۶۰۸ - ۱۵۰۵ - ۱۲۹۶ - ۱۴۹

۲۶۸۷ - ۲۶۸۸ - ۲۶۹۲ و رجوع به

اهورمزد شود

هرمزاشکانی : ۲۵۴۸-۲۵۴۶ - ۲۵۴۲ - ۲۵۴۱

۲۵۶۸-۲۵۶۷ - ۲۵۵۶ تا ۲۵۵۱ - ۲۵۴۹

۲۵۸۰ - ۲۵۷۹ - ۲۵۷۶ - ۲۵۷۱ - ۲۵۷۰

هرمزان بن بلاش : ۲۵۶۵ - ۲۵۶۳ - ۲۵۶۲

هرمس : ۲۲۶۱ - ۱۹۴۸ - ۸۶۶ - ۶۲۰

هرموژن : ۱۱۱۵

هرموس : ۲۷۷

هرموسید : ۸۴۱

هرموکرات : ۱۲۰۹ و رجوع به تیموکرات شود

هرمولائوس : ۱۷۵۱ - ۱۷۴۹ - ۱۷۴۸ - ۱۷۴۶

تا ۱۷۵۵ - ۱۷۵۷

هرمیاس : ۲۰۸۰ - ۲۰۷۸ - ۱۱۸۰

هرموس : ۱۷۵۵

هرو : ۱۷۵۶

هروداس : ۱۱۰۲

هرودوت : ۷۷ - ۷۴ تا ۶۶ - ۵۴ - ۳۶ - ۲۲

- ۱۷۳ - ۱۷۱ - ۱۶۸ - ۱۴۹ - ۹۱ - ۷۸

۱۸۷-۱۸۶ - ۱۸۴ تا ۱۷۹ - ۱۷۷ - ۱۷۵

۲۰۳ تا ۲۰۰ - ۱۹۸ - ۱۹۵ - ۱۹۰ - ۱۸۹

۲۲۰ - ۲۱۷ تا ۲۱۵ - ۲۰۸ - ۲۰۶ - ۲۰۵

هفتواد : ۲۶۷۹
 هفتس : (هفایس تس)
 هفتس تون : ۵۶۷
 هفتس تیون : ۷۴۹ - ۱۲۴۶ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹
 ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۴۷ - ۱۳۹۲ - ۱۴۴۹
 ۱۶۲۹ - ۱۶۶۰ - ۱۶۷۰ - ۱۶۷۵ - ۱۶۸۲
 ۱۷۰۹ - ۱۷۱۶ - ۱۷۲۳ - ۱۷۵۸ - ۱۷۶۶
 ۱۷۸۰ - ۱۷۸۳ - ۱۷۸۶ - ۱۷۹۴ - ۱۸۰۰
 ۱۸۰۳ - ۱۸۰۴ - ۱۸۱۸ - ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۳
 ۱۸۳۵ - ۱۸۳۶ - ۱۸۴۶ - ۱۸۵۵ - ۱۸۵۶
 ۱۸۵۸ - ۱۸۶۹ - ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ - ۱۸۹۹
 ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۶ - ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ - ۱۹۱۶ -
 ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹ - ۱۹۳۲ - ۱۹۳۶ - ۱۹۴۴
 ۱۹۴۷ - ۱۹۶۸ - ۱۹۷۱ - ۲۰۵۴
 هکاتومنس : ۱۱۲۴
 هکاته : (هکاتیوس)
 هکاته (دوست اسکندر) : ۱۲۲۴ - ۱۲۲۶ - ۱۶۴۹
 ۱۶۷۸
 هکاتیوس : ۶۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۸۴ - ۲۸۰ -
 ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۵۲
 هکتور : ۱۳۵۱
 هکتور پسر یارمن یون : ۱۶۶۳
 هکل : ۳
 هلاکو خان : ۱۰۶
 هل دیت : ۵۴۷
 هل لانیس : ۱۷۳۱
 هلم : ۱۳۰۶
 هلن : ۶۶۰ - ۶۶۴
 هلی اکل : ۲۲۲۸ - ۲۲۶۰
 هلی کس : ۹۶۲
 هلیودور : ۲۰۸۹
 هلیوس : ۲۷۲۱
 هماشتر : (آمس تریس)
 همای : ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۹۰۳ - ۹۶۵ و رجوع به

۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۴ - ۹۰۳ تا ۹۰۷ - ۹۱۱
 ۹۲۷ - ۹۳۰ - ۹۳۳ - ۹۳۷ - ۹۶۲ - ۹۸۸
 ۱۱۲۷ - ۱۲۴۶ - ۱۲۹۸ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۸
 ۱۳۸۰ - ۱۳۹۷ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - ۱۴۵۰
 ۱۴۵۳ - ۱۴۶۰ - ۱۴۶۲ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵
 ۱۴۶۸ - ۱۴۷۰ تا ۱۴۸۱ - ۱۴۸۳ تا ۱۴۸۷
 ۱۴۸۹ - ۱۴۹۴ تا ۱۴۸۷ - ۱۵۰۰ - ۱۵۰۱
 ۱۵۰۵ تا ۱۵۰۹ - ۱۵۱۳ تا ۱۵۱۸ - ۱۵۱۹
 ۱۵۲۱ - ۱۵۲۵ تا ۱۵۴۷ - ۱۵۵۶
 ۱۵۵۸ - ۱۵۹۹ - ۱۶۸۳ - ۱۶۹۳ - ۱۷۰۲
 ۱۷۰۷ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ - ۱۹۱۸
 ۱۹۲۱ - ۱۹۲۳ - ۱۹۴۳ - ۱۹۷۰ - ۲۰۲۰
 ۲۱۰۹ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۱ - ۲۱۸۵ - ۲۱۹۰
 ۲۱۹۵ - ۲۱۹۶ - ۲۲۰۵ - ۲۲۱۲ - ۲۲۲۶
 ۲۲۴۹ - ۲۲۵۶ - ۲۲۵۷ - ۲۲۶۹ - ۲۴۵۹
 ۲۵۸۵ - ۲۶۰۶ - ۲۶۱۷ - ۲۶۳۰ - ۲۶۴۲
 ۲۶۴۷ - ۲۶۷۵ - ۲۶۹۳
 هرود آن تی یاس : ۲۴۰۶
 هرودیانوس : ۲۱۸۱ - ۲۴۸۶ - ۲۵۰۵ - ۲۵۰۹
 ۲۵۱۷ - ۲۵۱۹ - ۲۵۲۰ - ۲۵۲۳ تا ۲۵۲۷
 ۲۵۳۱ - ۲۵۳۲ - ۲۵۳۵ - ۲۶۵۷ - ۲۶۶۱
 ۲۶۶۴ - ۲۶۸۶ - ۲۶۸۹ - ۲۶۹۷ - ۲۶۹۹
 هرودمنس : ۱۲۷۶
 هرودی خراسانی : ۴۹۴
 هرود : ۷۱ - ۵۸۶
 هرزیسترات : ۸۴۶ - ۸۴۸ - ۸۶۵ - ۱۲۶۴
 هرساندر : ۶۵۲
 هرلوك : ۱۲۸۴ - ۱۳۴۶ - ۱۶۷۱ - ۱۶۷۲
 هرزیاس : ۸۴۶
 هسای : ۱۶۰۱
 هستانس : (استانس)
 هس تیا : ۲۹۷ - ۴۱۰ - ۵۸۷
 هشام کلبی : ۲۵۶۹ - ۲۵۷۰
 هفایس تس : ۴۰۶ - ۵۰۹

آمس تریس شود :
 همد آنا (همدانا) : ۹۰۰
 هم : (هومر)
 هممل : ۳۷-۳۹-۶۱-۲۲۷
 هوتانه : ۱۶۶۵-۱۶۲۵ تا ۱۶۲۷-۱۶۳۰
 هوتوم شنیدلر : (شنیدلر)
 هوراتاس : ۱۸۴۲
 هوزنیک : ۳۶ رجوع به از نیک شود
 هوسی : ۱۴۰-۱۴۱-۶۹۶-۸۵۳-۱۵۶۷
 ۱۶۰۱
 هر فر : ۱۶۴۳-۱۷۰۱-۱۹۱۵
 هولوفرن : ۲۱۲۴-۲۱۲۵-۲۱۲۷ تا ۲۱۲۹
 هومبر : ۷۱۸
 هومر : ۱۹-۷۱-۵۸۶-۶۶۱-۶۸۸-۷۲۳
 ۱۲۲۱-۱۵۴۶-۱۷۳۰-۱۷۵۵-۱۸۱۹
 ۲۰۷۱-۲۱۵۵-۲۱۵۷
 هون تینگ تون : ۱۴۹
 هووخ شتر : ۱۷۳-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۳ تا
 ۱۸۹-۱۹۳-۱۹۷ تا ۱۹۹-۲۰۱-۲۰۵
 ۲۰۷-۳۷۷-۵۴۲-۵۴۴-۱۳۹۷-۱۵۷۶
 ۱۵۷۷-۲۲۴۸-۲۲۷۰-۲۴۵۹
 هوورشه : (ارسس)
 هی برانتس : ۷۸۲-۱۶۲۶
 هیپسید : ۱۷۱۰
 هیپوسترآت : ۲۰۱۹
 هیپولیت : ۱۹۰۱
 هیپوماک : ۸۴۷
 هی بونیکوس : ۹۳۶
 هی بیاس : ۶۳۷ تا ۶۳۹-۶۴۴-۶۷۰ تا ۶۷۲
 ۶۷۴-۶۷۶-۶۷۸-۹۴۰
 هی جای : ۸۹۹
 هی دارن (هی دارنس) : ۵۲۱-۷۵۴-۷۷۹
 ۷۸۰-۸۲۳-۱۸۸۵ و رجوع به ایدرنس
 شود

هی داسپ : ۱۸۸۵
 هیرکانیوس : ۲۲۳۸-۲۳۴۳-۲۳۴۶
 هی رود : (ارداول)
 هیروس : ۲۳۳۷
 هیرون : ۱۹۲۲-۱۹۲۳
 هیرویاس : ۲۷۸
 هیستاسپ : ۴۵-۳۲۳-۳۳۹-۳۵۰-۳۵۷
 ۳۶۰-۳۷۰-۳۷۱-۴۲۲-۴۲۶-۴۳۳
 تا ۴۳۶-۴۵۰-۴۵۱-۶۳۹-۷۳۲-
 ۱۵۳۶ و رجوع به ویشتاسپ شود
 هیستیه : ۶۰۵-۶۰۹-۶۱۰-۶۲۰-۶۲۵
 ۶۳۸-۶۳۹-۶۴۱-۶۴۷-۶۵۲-۶۴۸
 ۶۵۳-۶۵۵-۷۰۹-۷۴۲-۱۴۸۸
 هی کسپوس : ۸۹۷
 هیک (هی جای) : ۸۹۹
 هی ام اس : ۱۶۲۶
 هی مر : ۲۲۴۴ تا ۲۲۴۷
 هیمه : ۶۵۰-۶۵۱
 هی نکس : ۳۲-۴۷
 هی پرامنس : ۹۷۴-۱۶۲۷
 هی یرون : ۹۱۳
 هی یرونیوموس : ۱۹۹۵-۲۰۴۲-۲۳۱۲

ی
 ی : ۶۶۰-۶۶۱
 یائیر : ۸۹۹
 یاتراگراس : ۶۴۲
 یازون : ۲۲۶۸ رجوع به زازن شود
 یاسائی : ۱۱۰ م
 یافث بن نوح : ۳۰-۶۱۷
 یاقوت حموی : ۱۰۱-۱۰۵-۱۰۶-۱۱۸۸
 ۱۵۶۷
 یاکلا : ۲۲۱۳
 یانزو : ۱۶۹
 یاوایاس : ۲۰۵۷

پیرم : ۳۱م

یحیی بن زکریا : ۲۵۴۵-۲۵۵۹ - ۲۵۶۰-۲۵۶۶

۲۵۶۹ - ۲۵۷۲ - ۲۵۷۷ - ۲۵۷۹

یحیی خان مشیرالدوله : ۱۳۶م

یزدگرد اول : ۱۰۲ - ۲۵۴۲ - ۲۶۲۶-۲۶۲۷

۲۶۳۸

یزدگرد دوم : ۹۸

یزدی (محمد) : ۳۴م

یشوع : ۹۴۷ تا ۹۵۰

یعقوب : ۱۸۱ - ۱۱۶۰ - ۱۵۵۵

یغمائی (حبیب) : ۱۳۷م

یوئه چی : ۶۱۴ - ۲۲۵۵ تا ۲۲۶۰ - ۲۲۶۳

۲۲۶۴

یوتایا : ۲۳۷۶ - ۲۶۲۵

یوستی (فردیناند) : ۶۱ - ۹۰۷-۹۰۸ - ۹۵۲

۹۵۳ - ۹۵۶ - ۹۶۰ - ۱۶۲۴ - ۲۱۲۹

۲۱۴۹ - ۲۲۷۷ - ۲۲۸۰ - ۲۴۱۳ - ۲۴۱۷

۲۴۲۳ - ۲۴۶۳ - ۲۴۶۹ - ۲۶۱۲ - ۲۶۲۵

۲۶۲۶

یوشیا : ۱۹۰ - ۱۹۲

یولاس : ۱۹۲۷ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳ - ۲۰۰۵ -

یولیوس (آلكساندر) : ۲۴۸۵

یولیوس سزار : ۷۱ - ۴۷۴ - ۱۸۷۹ - ۱۹۲۲ -

۲۲۹۴ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷ - ۲۲۹۹ - ۲۳۱۰

۲۳۱۵ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۴ - ۲۳۷۷ تا ۲۳۳۹

۲۳۴۱ تا ۲۳۷۷

یولیوس کابی تولینوس : ۲۴۹۳ - ۲۴۹۴-۲۴۹۷

۲۵۰۰ - ۲۵۰۳

یولیوس ماریالس : ۲۵۲۴

یو : (ی)

یون : ۷۴۱ - ۱۹۲۸

یویان : (ژوین)

یهودا : ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۴۵ - ۹۴۶ تا ۹۴۸ -

۱۱۶۱ تا ۱۱۶۳

یهو : ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۹۴۷

۱۱۶۰ تا ۱۱۶۲

یهوه صباوت : ۱۸۱ - ۳۹۹

یهویاقیم (یهویاکین) : ۱۹۲

فهرست قبایل و خاندان‌ها

آ	ت
آلاباند : ۸۳۱	آپگار : ۲۰۸۷
آلارودیان : ۷۳۷ - ۱۴۷۴	آناسی‌ها : ۲۲۵۷
آلازون : ۵۸۲ - ۵۸۳	آثرویات : ۱۳۷۹ - ۱۷۲۵ - ۱۸۷۰ - ۱۸۸۳
آلان : ۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۳۳۹ - ۲۴۵۷ تا ۲۴۶۱	۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۴ - ۲۶۲۳ - ۲۶۲۵
۲۴۶۴ - ۲۴۷۱ - ۲۴۹۰ - ۲۴۹۴	آخه : ۵۶۲ - ۷۵۳ - ۱۳۸۷
۴۴۹۵ - ۲۵۸۹ - ۲۶۱۶ - ۲۶۱۸	آدرایست : ۱۸۰۰ - ۱۸۰۳
آلبانی : ۹ - ۲۴۰۱	آدیرماخید : ۵۷۲
آلبویه : ۱۰۵	آذربانان : ۲۶۷۹
آلزیار : ۲۵۷۵	آرابیت : ۱۸۵۵ - ۱۸۷۰ - ۱۹۴۱
آلکمئونید : ۶۳۷ - ۶۷۴ - ۹۲۵	آراساک : ۱۷۶۶
آلواس : ۷۵۳	آردزرونیان : ۲۶۲۲
آله‌آد : ۷۰۴ - ۸۹۵	آرشارونی : ۲۶۲۲
آمادونی : ۲۶۰۷	آرگونوت : ۱۶۸۴
آمارد : ۱۵۷ - ۱۵۰۸ رجوع به مردها و ماردها شود .	آرودی : ۶۹۲
آمازون : ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۱۰۷۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹	آرماسپ : ۵۸۶ - ۶۳۶ - ۲۲۴۹
۱۷۲۲ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱	آس : (آلان)
آمبر : ۱۸۴۲	آسپاندیان : ۱۲۷۸
آمبروسیت : ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵	آسپیست : ۵۷۲
آمرد : (آمارد)	آسپیان : ۱۷۶۶ تا ۱۷۶۸
آمفیکتیون : ۷۸۴	آس‌کینیان : ۱۷۶۸ - ۱۷۷۰ - ۱۷۹۹ - ۱۹۴۰
آناپاست : ۱۳۸۷	۱۹۴۴
آندروفاز : ۵۸۳ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۲ - ۶۰۵	آسیانی : ۲۲۵۶
آنگلوساکسن : ۹	آشوتس : ۲۶۰۸
آنی : ۲۶۲۳	آگاتیرس : ۵۹۹ - ۶۰۲ - ۶۰۵ - ۲۴۵۸
آوس‌خیس : ۵۷۲	آگرویات : (آثرویات)
	آگریان : ۱۲۲۹ - ۱۲۴۷ - ۱۷۷۴

الف

آسید : ۸۲۶ - ۱۲۱۲ - ۱۲۱۳

الیان : ۲۸۷ تا ۲۸۹ - ۲۹۵ - ۳۴۷ - ۸۷۰

۱۴۷۱ - ۱۹۱۱

الید : ۱۲۶۲

انیاد : ۱۹۷۵

اورد : ۷۷۱

اپوسیل : ۱۷۲۰

ایکنت : ۲۱۵۱

ایگون : ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ - ۱۸۸۷

اتاریات : ۱۲۲۹

اتروسک : ۱۹ - ۳۶ - ۱۹۱۷ - ۲۴۵۱

اتولیان : ۱۹۷۵ - ۱۹۸۷ - ۲۱۵۵

اراتو : (اورارتو)

ارستیان : ۱۳۸۷

ازین : ۸۱۵

ازینت : ۷۹۰

اسادیان : ۱۸۳۳ - ۱۸۴۲

است : (آلان)

اسخریون : ۴۹۶

اسیهد پهلو : ۲۶۰۰ - ۲۶۰۱

اصحاب الکھف : ۲۵۴۵ - ۲۵۷۶ - ۲۵۷۹

افغان : ۶۳۴

افرسکیانیکه : ۹۸۸

اگل : ۱۴۷۳

اگینت : ۷۵۹

الی میان : ۱۹۰۷ - ۲۲۲۶

انباط : (نبطیها)

انت : ۶۲۰

انیان : ۷۵۳ - ۷۷۹

اوتیان : ۷۳۳ - ۱۴۷۴

اودریس : ۵۹۵ - ۱۸۸۱

اودومانت : ۷۴۹

اورادا : ۲۲۶۹

اورارتو : ۱۹۸ - ۷۳۵

اورگت : ۱۷۱۹

اوریت : ۱۸۷۰ - ۱۸۸۰ - ۱۸۸۴ - ۱۹۴۱

اوکسیان : ۱۳۷۹ - ۱۹۰۷ - ۲۰۰۹

اومان ماند : ۱۸۷ - ۳۸۵

ایرونی : (آلان)

ایریک : ۵۸۴

ایسوری : ۱۹۸۳

ب

باختریها : ۳۳۳

بازرنگی : ۲۵۲۹ - ۲۵۳۰

باسک : ۱۱

بیرین : ۲۱۵۰

بختیاری : ۲۶۰

برانخیدا : ۲۹۲ - ۶۴۲ - ۱۶۹۹ تا ۱۷۰۱

۱۷۲۱ - ۱۹۴۰ - ۲۰۳۷

بروتیان : ۱۹۱۷

برهنها : ۱۸۲۳

بریگ : ۱۹۴ - ۶۵۸ - ۷۷۱

بسها : ۷۴۸

بلهوونی : ۲۶۲۲

بنی ددان : ۴۴۴

بنی مدین : ۱۰۷

بوتین : ۷۷۱

بودین : ۱۷۵ - ۵۸۴ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۲

۶۰۴

بوسها : ۱۷۵

بهلیت : ۱۳۸۱

بی تی نیان : ۲۶۸ - ۷۳۵

بی دی : ۲۲۵۴ - ۲۲۵۵

پ

پانسیها : ۱۱۵

پادی : ۶۳۳

پارتاکن : ۱۷۵

پاری کانیان : ۷۳۳ - ۷۳۹

پارنیان : ۲۱۹۸

ترکمان : ۲۱۸۸ - ۲۵۸۲

ترمیل : ۷۴۱

تسپیانها : ۷۸۲

تلانتیان : ۱۲۳۰

تمنید : ۱۱۹۳

توبال : ۳۷

توتون : ۲۴۶۰

تور : ۱۵۷ - ۲۶۶

توکریانى : ۷۳۶

تونغوز : ۱۱ - ۲۲۵۳

تیان : ۲۹۴

تی بارنیاں : ۶۹۲ - ۷۳۶ - ۱۰۹۱ - ۱۴۷۴

تیریان : ۱۷۶۶

تیس ساگت ها : ۵۸۴ - ۶۰۴

ث

ثامانیان : ۱۴۷۴ - ۱۵۰۵ - ۲۱۸۵ - ۲۱۹۵

ثین : ۲۲۵۵

ح

حرونی : ۱۱۶۲

خ

خالدها : ۳۶۳ - ۳۷۷

خالیبیان : ۷۳۶

خورها : ۱۴۱۰ - ۱۴۱۲ - ۱۸۸۹ - ۱۹۱۷

د

دائیا : ۲۲۷

دادی کسها : ۷۳۳ - ۱۴۷۳

داردانیان : ۱۱۰۰

دارتیا : ۱۴۷۳

داس : ۹۲

داکی ها : ۲۴۵۸ - ۲۴۶۶ تا ۲۴۶۹

داهه : ۲۲۷ - ۴۵۴ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۱۷۱۰

۱۷۲۲ - ۱۷۲۷ - ۱۸۱۴ - ۲۱۰۶ - ۲۱۹۲

۲۲۵۶ - ۲۲۵۷ - ۲۳۹۲ - ۲۴۰۳ تا ۲۴۰۵

۲۴۱۴ - ۲۴۲۹ - ۲۴۳۰

پاساگاردیان : ۲۲۷ - ۲۳۰

پاسیل : ۲۵۸۹

پافلاگونی ها : ۲۴۴

پاک نیک : ۷۳۹ - ۱۴۷۳

پاگردونی : ۲۵۸۸ - ۲۶۲۲

پانتالیان : ۲۲۷ - ۱۴۷۳

پاوینان : ۶۲۱ - ۷۴۹ - ۷۷۱ - ۱۲۵۴ - ۱۳۸۲

پ ایل : ۷۴۹

پختو : ۷۳۳

پداسیان : ۲۹۵

پررب : ۷۵۳

پرست : ۱۸۴۲

پرسیان : ۱۸۱۲

پروپونتیدها : ۲۱۵۱

پری بنیان : ۲۱۲۷

پسیک : ۱۴۷۳

پسیل : ۵۷۳

پلاسک : ۶۲۶ - ۷۲۳ - ۷۴۱ - ۱۹۶۹

پهلوانی : (بل هوونی)

پی برها : ۷۴۹

پی سوری : ۲۲۵۷

پی سی دیان : ۹۹۷ - ۱۰۰۰ - ۱۰۳۲ - ۱۰۴۹

۱۰۶۱ - ۱۰۹۱ - ۱۱۰۰ - ۱۱۴۳ - ۱۱۴۵

۱۱۵۱ - ۱۹۸۳

ت

تاگوریها : ۲۴۵۸

تانار : ۹ - ۱۰ - ۲۲۶۰

تازی : ۲۵۹۲ - ۲۵۹۶

تاورها : ۶۰۲

تپورها : ۱۵۷ - ۶۹۱ - ۱۵۰۸ - ۲۲۱۶

تتالیان : ۲۵۹۵ - ۲۵۹۷

تترانی : ۱۰۳۸ - ۱۰۹۹

تراوس : ۶۱۹

ترزنیان : ۷۹۰

سامونتراس : ۱۷۳۱
 ساموید : ۱۱-۸
 ساورومات : ۵۸۴ - ۵۹۹
 ساهارونی : ۹۷
 ستروخات : ۱۷۵
 ستريمون : ۷۳۶
 ستيرن : ۷۹۰
 سرها : ۹۳ - ۲۱۱۸
 سکاها : ۲۹ - ۳۹ - ۴۰ - ۹۲ - ۱۳۰ - ۱۶۱ -
 ۱۷۳ - ۱۸۲ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۹۷ - ۱۹۸
 ۲۱۳ - ۲۱۷ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۴۲ - ۲۴۴
 ۲۶۷ - ۲۷۲ - ۳۳۰ - ۳۳۳ - ۳۳۹ - ۳۷۶
 ۴۲۶ - ۴۴۶ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۳ - ۴۷۴
 ۵۵۶ - ۵۶۱ - ۵۶۷ - ۵۶۹ - ۵۷۷ تا ۵۷۹
 ۵۸۱ تا ۵۹۰ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۸ تا
 ۶۰۷ - ۶۰۹ تا ۶۱۱ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۶
 ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۲۷ - ۶۶۷ - ۶۷۱ - ۶۷۳
 ۶۷۶ - ۶۸۴ - ۶۸۸ - ۶۹۰ - ۷۰۶ - ۷۰۸
 ۷۰۹ - ۷۱۴ - ۷۲۷ - ۷۲۹ - ۷۳۲ - ۷۳۲ - ۸۹۲ - ۹۲۸
 ۱۱۴۱ - ۱۱۹۲ - ۱۳۶۹ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶
 ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۴۳۵ - ۱۴۳۷ - ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۱ - ۱۵۷۵
 ۱۵۷۶ - ۱۶۱۳ - ۱۶۳۳ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۳
 ۱۶۵۶ - ۱۶۸۴ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۷
 تا ۱۷۱۰ - ۱۷۱۲ تا ۱۷۱۸ - ۱۷۲۲ - ۱۷۴۵
 ۱۷۵۸ - ۱۷۶۲ - ۱۷۸۱ - ۱۸۰۷ - ۱۸۱۴
 ۱۸۱۵ - ۱۸۸۹ - ۱۹۱۸ - ۱۹۴۲ - ۲۰۸۵
 ۲۱۳۷ - ۲۱۹۰ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۹ - ۲۲۰۵
 ۲۲۴۴ تا ۲۲۵۱ - ۲۲۵۶ - ۲۲۶۷ - ۲۲۷۵
 ۲۲۷۷ - ۲۲۸۲ - ۲۳۰۴ - ۲۳۰۸ - ۲۳۰۹
 ۲۳۳۰ - ۲۳۳۸ - ۲۳۳۹ - ۲۳۷۸ - ۲۳۷۹
 ۲۴۰۱ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۵ - ۲۴۳۰ - ۲۴۳۱
 ۲۴۳۹ - ۲۴۵۷ - ۲۴۵۹ - ۲۴۶۰ - ۲۴۱۸
 سک تير خودا : ۴۷۱

دبرها : ۷۴۹
 دراگوک : ۱۶۸۵
 درانگهها : (زرنگیان)
 دراوید : ۱۱
 دربيک : ۴۵۲ - ۴۵۴ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۲۲۵۶
 درنگيان : (زرنگیان)
 درويک ها : ۲۲۷ - ۲۲۸
 دروسيان : ۲۲۷
 دريانی : ۲۸۷ - ۲۹۵ - ۹۴۱
 دلپها : ۷۵۳ - ۷۷۱
 دیادک : ۱۹۶۶
 دیالمه : ۲۵۷۵
 ر
 رواقيون : ۷۸
 روف سيان : ۲۵۸۹
 ژ
 زرمين ها : ۱۲۲۹ - ۲۰۶۸ - ۲۳۹۵
 س
 سايا : (سيبها)
 ساپاردا : ۱۷۳
 ساتر : ۷۴۸ - ۷۴۹
 سارمانها : ۹۲ - ۶۰۰ تا ۶۰۴ - ۶۱۵ - ۶۱۷
 ۱۲۲۹ - ۱۷۰۸ - ۲۱۳۷ - ۲۲۸۲ - ۲۳۳۹
 ۲۴۰۱ - ۲۴۶۰ - ۲۴۷۸
 ساس : (سکاها)
 ساس پير : ۱۸۴ - ۶۹۲ - ۷۳۷ - ۱۴۷۴
 ساکها : ۳۹ - ۱۷۶۱ و رجوع به سکاها شود
 ساکردک : (سکاها)
 ساکوراکه : ۲۲۷۷
 ساکه سينيان : ۱۳۷۹
 ساگارتی : ۲۲۷ - ۷۳۹ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۷ - ۱۵۹۶
 ۲۱۸۷
 سامباست : ۱۸۴۳

قبیل : ۳۱۰
 قرقیزها : ۲۲۵۳
 قمساراکان : ۲۵۹۹ - ۲۶۰۱ - ۲۶۲۲ و رجوع
 به کمساراکان شود .
 ک
 کابالیان : ۷۳۶
 کاناوینیان : ۱۳۸۱
 کازیان : ۱۸۰۰ - ۱۸۰۳
 کادها : ۱۲۲۹
 کادوسیان : ۱۵۷ - ۲۰۰ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۷
 ۳۳۳ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۶
 ۴۲۹ - ۴۶۵ - ۶۹۱ - ۱۱۲۶ تا ۱۱۲۹ -
 ۱۱۳۹ - ۱۱۴۱ - ۱۱۸۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۶۸
 ۲۲۱۶ - ۲۶۲۴
 کاریانها : ۷۴۱
 کاسیها : ۳۹ - ۱۰۸ - ۱۲۴ - ۱۴۸ - ۱۵۷ -
 ۱۷۵ - ۱۳۱ - ۱۳۴ - ۱۶۹
 کافرها : ۱۱
 کالات : ۵۰۲
 کالمیک : ۲۲۵۳
 کاللیپید : ۵۸۲ - ۶۱۸
 کامساران : ۲۶۳۷ و رجوع به قمساریان شود
 کرداس : (کرداک)
 کرداک : (کردوخ)
 کردوخ : (کردوک)
 کردوک : ۹۸۹ - ۱۱۴۵ - ۱۵۴۴ - ۲۱۰۶
 کرسنزیان : ۶۱۹
 کسانتی : ۲۲۵۷
 کسپیها : ۱۴۷۳
 کششو : (کوسیها)
 کفن : ۷۳۰
 کلخها : ۹۲۸ - ۹۹۶ - ۱۴۷۵
 کمانی : ۱۰۹۳
 کوسی : ۱۳۲ - ۱۵۷ - ۶۴۳ - ۶۸۱ - ۶۸۲ -

سکلت : (سکاها)
 سکهومه ورك : ۴۷۱
 سکیث : (سکاها)
 سکیریت : ۳۲۰
 سلتها : ۱۲۲۹ - ۱۹۲۲
 سلکونی : ۲۶۰۷
 سلنها : ۲۲۵۳
 سنیت : ۲۳۲۸ - ۲۵۰۵
 سویان : (سیبها)
 سودرس : ۱۸۴۳
 سورنیان : ۲۵۹۹ - ۲۶۶۲
 سیب : ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷
 سیپیون : ۲۰۸۳
 سیت : (سکاها)
 سیناکیان : ۱۳۸۰
 سیگامیر : ۱۸۴۲
 سیگینها : ۶۲۰
 ش
 شامبات : ۲۲۶۸
 شیراک : ۲۶۲۲
 ط
 طخاریها : ۲۲۵۸ - ۲۲۵۹ - ۲۲۶۴ - ۲۲۷۷
 ع
 عمونیها : ۱۱۶۲
 ف
 فازیسیان : ۱۰۸۴
 فتیودیت : ۷۵۳ - ۱۳۸۷
 فلیاسیانها : ۸۵۹
 فوسیدیان : ۸۵۸
 فوط : ۴۴۴
 فونیان : ۲۱۱۸ - ۲۲۵۹ و رجوع به هون شود
 فینها : ۱۰ - ۱۱ - ۲۴۶۰
 ق
 قارنیان : ۲۵۹۹

لاسمونی‌ها : ۹۱۳ - ۱۱۳۵ - ۱۱۳۸

لاسونیان : ۷۳۶

لت‌ناگ : ۵۷۳

لکریان : ۷۵۳ - ۷۷۷ - ۱۳۸۷

لن‌کستیدها : ۱۱۹۳

لوکانیان (لی‌کا اوینان) : ۱۰۶۱ - ۱۹۱۷

م

مانیانان : ۶۴۳ - ۶۹۲ - ۷۳۴ - ۱۴۷۴

مأجوج : ۶۱۷

مارها (مردها) : ۲۰۰ - ۷۳۷ - ۱۴۷۴

۲۲۱۵ تا ۲۲۱۸ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۴ - ۲۲۳۱

۲۶۴۰ و رجوع به مردها شود

مارکومان : ۱۲۲۹

ماریاند : ۲۴۴ - ۲۶۸ - ۷۳۴ - ۲۱۵۱

ماسپیان : ۲۷۷

ما-اژتها : ۴۴۶ تا ۴۵۲ - ۴۷۰ - ۴۷۳ - ۴۷۱

۴۷۴ - ۵۰۱ - ۵۸۲ - ۵۸۶ - ۶۱۸ - ۷۱۳

۱۵۰۶ تا ۱۷۲۴ - ۱۷۲۴ - ۲۲۱۲ - ۲۲۴۹

۲۲۵۶ تا ۲۲۵۸ - ۲۶۰۶ - ۲۶۱۵ تا ۲۶۱۸

۲۶۴۱

ماساگ : ۱۷۶۹

ماسان : ۱۸۴۲

ماسریان : ۱۸۳۱

ماک : ۵۷۳

مالکرن : ۷۳۶ - ۱۰۸۶ - ۱۰۸۷ - ۱۴۷۴

ماگنتها : ۷۵۳ - ۱۴۷۱

ماله : ۷ - ۱۰

مالین : ۱۷۵۶

مامی‌گونی : ۲۵۹۴ - ۲۶۱۶ - ۲۶۲۲

مانتاگونی : ۲۶۰۸

مان‌تی‌نیان : ۸۶۱

م‌ان‌یان : ۷۳۵ - ۷۳۶

مائی : ۱۷۳

مرا : ۴۰

۷۳۱ - ۷۳۲ - ۱۳۰۱ - ۱۳۸۹ - ۱۹۰۱

۱۹۰۳ - ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ - ۱۹۱۷ - ۱۹۲۵

۱۹۴۴ - ۲۰۱۱ - ۲۰۷۸ - ۲۱۰۶

کوموخ : ۳۷

کیانیان : ۲۵۴۳ - ۲۵۵۰

کیرمیان : ۵۹۵

کیسی : (کوسی)

کیمیری : ۲۹ - ۳۹ - ۱۳۰ - ۱۸۲ - ۱۹۵ تا

۱۹۷ - ۳۷۶ - ۵۷۸ - ۵۸۲

کینان : (کیانیان)

ک

گاد : ۱۷۰۲ - ۱۸۶۶

گارامانت : ۵۷۳

گالات : ۱۹۱۱ و رجوع به گل شود

گالی : ۲۰۶۷ تا ۲۰۶۹ - ۲۱۳۴ - ۲۱۶۲

۲۲۰۰ - ۲۲۸۱ - ۲۲۹۴ - ۲۳۱۱ - ۲۳۳۲

۲۳۳۵ - ۲۳۷۷ - ۲۴۹۲ - ۲۵۸۵

گامارک : ۲۰۱۶

گامیرا : ۱۷۱

گاندريد : ۱۸۰۳ - ۱۸۰۵ - ۱۸۱۲ - ۱۹۷۳

گت : ۹۰ - ۹۲ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۶۰۲ - ۶۱۹

۱۲۲۸ - ۱۸۸۱ - ۲۶۲۲

گر : ۵۸۹

گرتوان : ۱۳۸۱

گرزیت : ۶۵۱

گرگانیه : (هیرکانیه)

گرمانیان : ۲۲۷

گگ (یا جوج)

گل : ۲۶۰۱

گوته‌ها : ۱۱۶ - ۱۲۵ - ۳۸۵ - ۳۸۷ - ۳۹۴

گیل : ۵۶۲ - ۵۶۳

گیلیکام : ۵۷۲

گیندان : ۵۷۳

ل

لاراندیان : ۱۹۸۳

مردھا : ۱۵۷ - ۲۲۷ - ۲۴۰ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۹

۱۴۲۶ - ۱۶۴۵ تا ۱۶۴۷ - ۱۷۱۹ - ۱۹۰۷

و رجوع به ماردھا شود

مرمریان : ۱۲۷۷

مرفیان : ۲۲۷

مرمنداھا : ۱۹۴ - ۱۹۵

مزی نك : (موزی نك)

مسخھا : ۶۹۲ - ۷۳۶ - ۱۴۷۴

مسك : ۲۴۳۶

مغھا : ۱۷۵ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۳۲۶ - ۳۶۷ - ۲۵۳۴

۲۵۳۵ - ۲۵۳۷ - ۲۵۷۴ - ۲۶۸۹

مغول : ۹ - ۱۱ - ۲۵۷۴

مكارھا : ۸۵۹

ملان خزن : ۵۸۳ - ۵۹۸ تا ۶۰۰ - ۶۰۲ - ۶۰۴

۶۰۵

ملس : ۱۲۱۲

مليان : ۷۵۳

مماسن : ۱۷۰۴ - ۱۷۰۵ - ۱۹۴۰

منچو : ۹ - ۲۲۵۵

مندسيان : ۱۱۳۲

موزی نك : ۷۳۶ - ۱۰۸۹ تا ۱۰۹۱ - ۱۴۷۴

مونسيكانھا : ۱۸۴۳

ميتانی : ۳۶ - ۳۷ - ۳۹ - ۵۰

می سيان : ۲۶۸ - ۱۰۴۹ - ۱۰۶۱ - ۱۱۰۰

۱۱۰۷

می کيان : ۷۳۳ - ۱۴۷۴

میگدنيان : ۱۰۷۳

مینديان : ۱۳۰۱

مین نی : ۲۲۶۹

ن

ناسامن : ۵۷۲ - ۵۷۳

نبطیھا : ۲۰۳۸ تا ۲۰۴۱

نورھا : ۵۸۳ - ۵۹۹ تا ۶۰۲ - ۶۰۵

نیپسی : ۵۹۵

و

واندال : ۹۰ - ۲۶۲۲

وركانيان : ۱۵۰۸

ونت : ۶۱۱

ه

ھايك : (هيت)

ھراکلی : ۱۹۴ - ۲۸۳

ھنت : ۱۲۸۵

ھوت تننت : ۱۱

ھوريت : (اوريت)

ھون : ۶۱۴ - ۲۲۵۵ تا ۲۲۵۷ - ۲۲۶۳ - ۲۵۹۱

۲۶۱۴ تا ۲۶۱۸

ھی پاخيان : ۷۴۰

ھی پیری : ۵۸۶ - ۵۸۷

ھیت : ۲۰ - ۳۹ - ۴۰ - ۵۰ - ۵۱ - ۱۲۰ - ۱۲۴

۱۲۷ - ۲۷۶ - ۳۷۶ - ۵۶۷ - ۹۴۴ - ۱۴۷۴

۱۵۲۹ - ۲۱۱۲ - ۲۱۲۲ - ۲۱۹۴ - ۲۲۷۰

ھیرکاني : ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۳۰ - ۲۴۵۹

ھیکسوس : ۱۱۸

ی

ینیان : ۳۴۷ - ۶۰۷ - ۶۰۹ - ۹۲۴ - ۹۴۱

یوئہچیھا : ۲۰۸۸

یھود : ۸ - ۳۹۷ - ۴۰۲ - ۸۹۹

فهرست اسامی کتب* و مجلات

- الف
- آبولونیوس تیانا : ۲۶۵۹
آثار الباقیه : ۱۰۴ - ۲۳۲ - ۴۷۸ - ۹۰۷ - ۹۵۴
۱۱۴۱ - ۱۱۸۸ - ۲۵۵۳
آثار پیغمبر دزدان : ۳۸
آرزو (کتاب) : ۱۲۱ م
آنا بازیس : ۸۵
آوستا : (اوستا)
آینده (مجله) : ۵۷ م
ابی گون : ۵۸۶
اخبار الطوال : ۱۰۲
ادیسه : ۱۹ - ۱۷۰۳ - ۲۰۷۱
از پرویز تا جنگیز : ۱۳۴ م
استر (کتاب) : ۲۱۷ - ۸۹۷
اسکندر نامه نظامی : ۱۴۰ م
اسناد محرمانه سیاسی : ۱۱۶ - ۱۱۷ م
اشعار جاویدان پارسی : ۱۳ م
اطلاعات ماهانه : ۲۵ - ۲۹ - ۳۱ - ۷۴ م
اکونومیکا : ۷۲ - ۱۴۸۲ - ۱۵۰۳
آغانی الکبیر : ۱۰۳
افهرید : ۱۹۳۳
افی زنی : ۵۹۹
امپراطوری روم : ۲۳۷۴
انساب الاشراف : ۱۰۱
انقلاب ایران : ۷ - ۹ - ۱۰ م - ۲۷ - ۴۱ م
- اورفه : ۲۶۵۸
آوری پید : ۱۲۱۱ - ۱۷۲۹ - ۱۷۳۱ - ۱۷۵۴
۱۹۱۸ - ۲۳۲۵ تا ۲۳۲۷ - ۲۶۹۶
اوستا : ۱۴۶ - ۱۵۶ - ۱۵۹ - ۱۶۱ - ۲۲۰ -
۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ - ۱۵۳۰ - ۱۵۴۸ - ۲۱۹۵
۲۱۹۶ - ۲۴۶۵ - ۲۵۴۳ - ۲۶۴۷ - ۲۶۹۱
۲۷۱۹
ایران باستان : ۱ - ۱۲۹ م - ۱۳۱ تا ۱۳۸ - ۱۳۸ م
۱۳۹ م - ۲۷۲۳
ایران باستانی : ۱۲۶ م تا ۱۳۰ م - ۱۳۲ م
ایران در جنگ بزرگ : ۵۲ - ۵۴ - ۵۵ - ۶۲ م
۱۱۵ - ۱۲۰ - ۱۲۱ م
ایران شهر : ۹۳ - ۲۴۵۹ - ۲۶۲۴
ایران قدیم : ۱ - ۱۲۹ م - ۱۳۰ م
ایلیاد و ادیسه : ۱۹ - ۶۶۱ - ۱۷۰۳
ایندیکا : ۲۰۶۶
- ب
- بازیکران عصر طلایی : ۸۴ - ۸۸ - ۹۸ م -
۱۰۰ م
باستانشناسی (مجله) : ۳ - ۱۴۳ م
البدع والتاریخ : ۱۰۴ - ۲۵۶۷
برسومه : ۲۶۰۹
بزاس : ۲۳۲۴
بستان السیاحه : ۳ م
البیان والتبیین : ۱۰۱

* نام کتب خارجی بصورت ترجمه آن که در کتاب ضبط بوده آمده است، نه نام اصلی کتاب.

بیدپای (داستان) : ۲۳۲۴

پ

پراگماتیک : ۷۷

پرسی کا : ۷۳ - ۹۳۴

پریپلوس : ۶۸

پنج کتاب کرونولوژی : ۸۸

پواتیک : ۷۰

ت

تاریخ احزاب سیاسی : ۲۳ - ۳۷ - ۵۶ تا ۵۸ م

۶۷ - ۷۷ - ۷۸ - ۸۳ تا ۸۵ م - ۹۰

تاریخ ارمنستان : ۲۲۰۲ - ۲۲۷۱

تاریخ الامم والملوک : ۱۰۱ - ۲۵۲۹

تاریخ انقلاب مشروطیت : ۱۹ م

تاریخ ایران : ۲۹ - ۲۲۷۶ - ۲۶۷۸

تاریخ بیداری ایران : ۳۵ - ۱۰۰ - ۱۱۰ م

تاریخ بیداری ایرانیان : ۲۵ - ۷ تا ۱۰ م - ۱۲

۱۴ - ۱۹ - ۲۱ - ۲۲ - ۱۲۲ - ۱۲۴ م

تاریخ بیست ساله ایران : (کودتای ۱۲۹۹)

تاریخ بیضاوی : ۲۵۷۹

تاریخ بیهقی : ۱۰۸ م

تاریخ پیدایش مشروطیت ایران : ۹۵

تاریخ حیوانات : ۲۲۴۰

تاریخ دارون : ۹۷

تاریخ الرسل والملوک : ۱۰۱ و رجوع به طبری شود

تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس : ۱۰ م

تاریخ روم : ۸۹

تاریخ سری : ۹۰

تاریخ سنی ملوک الارض : ۱۰۲ - ۹۰۷ - ۲۵۶۵

تاریخ شریف : ۱۱ م

تاریخ صنایع پرگام : ۲۱۵۰

تاریخ عمومی : (اسکار یگر در اشخاص)

تاریخ عهد قدیم : ۲۲۳۸

تاریخ کامل : رجوع به الکامل و ابن اثیر شود.

تاریخ کرمان : ۳ - ۱۳۶ - ۱۴۳ م

تاریخ گزیده : ۲۵۷۶ - ۲۵۷۸ و رجوع به مستوفی

شود

تاریخ مردوخ : ۴۹ م

تاریخ مشرق قدیم : ۳۸۸

تاریخ مشروطه ایران و ... : ۴۷ م

تاریخ مشروطیت ایران : ۱۱ - ۱۹ - ۲۲ - ۴۰ م

۴۴ م

تاریخ مغول : ۱۳۱ - ۱۳۴ م

تاریخ ناین : ۴ - ۴۵ م

تاریخ هیجده ساله آذربایجان : ۱۱۹ م

تاریخ یهود : ۲۳۸۱

تایمز (روزنامه) : ۸۱ م

تجارب الامم : ۱۰۵ - ۲۵۶۸

تحفة النظارفی غرائب الامصار : ۱۰۷

تفسیری بر حقوق جزا : ۱۳۵ م

تقویم البلدان : ۱۰۶

التنبیه والاشراف : ۱۰۳ - ۲۵۴۲ - ۲۵۵۲

توریه : ۴ - ۷ - ۸ - ۱۸ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۴ - ۳۶

۴۹ - ۵۲ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۳ - ۶۴ - ۸۱

۱۱۳ - ۱۳۱ - ۱۶۸ - ۱۷۰ تا ۱۷۳ - ۱۸۱

۱۸۲ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۲ تا ۱۹۴ - ۲۱۷

۲۸۶ - ۳۸۳ - ۳۹۵ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۴۰۳

۴۰۸ - ۴۴۴ - ۴۴۶ - ۴۷۴ - ۴۷۶ - ۴۷۸

۵۳۷ - ۶۱۷ - ۶۹۸ - ۷۳۵ - ۸۹۷ - ۸۹۹

۹۰۷ - ۹۵۶ - ۹۹۱ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۷ -

۱۴۶۵ - ۱۵۳۱ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۴ - ۲۰۷۰

۲۲۱۷ - ۲۲۶۸ - ۲۲۶۹

ج

جغرافیای مفصل ایران : ۲۱۸۴

جنگ درونی : (آپ بیان)

جهان نو : ۱۴ - ۱۳۶ م

ح

- حبل‌المتین : ۴۸-۱۰۲-۱۰۴ تا ۱۰۷ م
حبیب‌السیر : ۲۵۷۹
حقوق‌بین‌المللی : ۱۲۶ م
حقیقت (روزنامه) : ۷۸-۷۹ م
حیات‌یحیی : ۴۰-۴۱-۴۵-۴۹ م
۵۲-۵۵-۵۸-۷۳-۸۰-۸۲ م
۸۷-۸۸-۹۱-۹۸-۱۰۱ تا ۱۰۴ م
۱۱۰-۱۱۳ م
حیله‌های جنگی : ۲۱۷۹

خ

- خاطرات و خطرات : ۴-۹-۱۸-۲۲-۲۵ م
۷۸-۸۱-۹۲-۹۳ م
خالدایکا : ۷۶
خداینامه : ۲۵۴۲-۲۵۴۵
خس‌توی : ۸۸
خطابه‌تقی‌زاده : ۴۳ م
خوشه (مجله) : ۹۳ م

د

- داستانهای ایران قدیم : ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۰ م
دانشکده ادبیات (مجله) : ۱۳۳ م
در باب رودها (کتاب) : ۷۳
در باب کوهها (کتاب) : ۷۳
در رالتیجان : ۲۲۷۶-۲۳۳۲-۲۳۴۸-۲۳۸۰
۲۵۸۱-۲۵۸۲
الدره الیتمیه : ۱۰۰
دریانوردی بدور آسیا : ۷۳
دنیا (سالنامه) : ۳۴-۳۵-۴۳-۵۰-۵۲ م
۸۳ م
دیلمی‌تلگراف (روزنامه) : ۵۳
دین‌کرت : ۱۵۱۶
دیوان‌عارف : ۶۴ م

ذ

- ذوالقرنین یا کورش کبیر : ۱۴۴ م

ر

- راسدشون : ۲۶۰۹
رستاخیز ایران : ۸۱ م
روضات‌الجنان : ۱۰۳
روضه‌الصفاء : ۴-۲۵۷۷-۲۵۷۸
ریگ‌ودا : ۱۵۳-۱۵۴۸

ز

- زندگانی سیاسی احمد شاه : ۶۰-۶۸-۷۱ م
زندگانی من : ۵-۸-۱۳ تا ۱۸-۲۱-۲۳ م
۲۵-۳۰-۵۹-۶۱-۶۲-۶۹-۷۰ م
۷۲ م

س

- سوریه (کتاب) : ۲۲۷۱
سیاقه‌الجداول : ۲۵۵۴
سیرالملوک‌الفرس : ۹۹
سیرویدی : ۷۲-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۶۶-۲۹۶

ش

- شاهنامه : ۳-۱۱۸۸-۲۵۴۱-۲۵۴۹-۲۵۵۶
۲۵۵۷ و رجوع به فردوسی شود

ص

- صنایع ایران قدیم : ۲۷۲۰
صورالاقالیم : ۱۰۳

ض

- ضیافت حکماء : ۲۱۷۵

ط

- طرایق‌الحقایق : ۳
طوفان (روزنامه) : ۶۵ م

ع

- عقد‌العلی : ۹۰-۱۲۶ م
عوبدیا : ۱۷۳

غ

- غراخبار ملوک‌الفرس : ۹۰۷-۲۵۵۷

ف

فاستی هلهبی کس : ۲۱۵۳

فتوح البلدان : ۱۰۱

فکر آزادی : ۱۰

الفهرست : ۱۰۱ - ۱۰۲ و رجوع به ابن النديم شود

فیلیپیک : ۷۹

ق

قاموس کتاب مقدس : ۹۴۶

قانون بطلمیوس : ۹۵۱

ک

کارنامه اردشیر بابکان : ۱۲۱۲ - ۲۵۳۰

الکامل : ۱۰۵ - ۹۰۷ - ۲۵۶۸ - ۲۶۱۲ و رجوع به ابن اثیر شود

کانتیمپوری (روزنامه) : ۸۱ م

کتاب آبی : ۹ - ۱۱ - ۲۵ - ۲۹ م

کتاب آرزو : ۲۶

کشف الظنون : ۱۰۱

کلیله و دمنه : ۱۰۰ - ۲۳۲۴

کودتای ۱۲۹۹ : ۶۶ - ۶۷ - ۶۹ - ۷۳ - ۷۵

۷۷ - ۸۹ - ۹۱ - ۱۰۳ - ۱۰۷ - ۱۰۹

کورودی (سیرویدی)

کینگ : ۶۴

گ

گاتها : ۱۵۳۰

گزارش ایران : ۱۰ - ۲۱ - ۶۳ - ۶۴ - ۷۰ م

۷۷ - ۸۴ - ۹۰ - ۱۰۰ م

گیل گامش : ۵۳

م

المجست : ۱۱۰ - ۲۰۶۵ - ۲۱۷۷

مجمع آسیائی پادشاهی (مجله) : ۵۴۹

مجموعه معاهدات ایران بادل خارجه : ۱۳۶ م

مختصر الدول : ۱۰۶ - ۲۳۲ - ۴۷۸ - ۹۰۷

المختصر فی اخبار البشر : ۱۰۶

مرآت البلدان : ۱۴۴ م

مروج الذهب : ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۵۶ - ۱۶۳ - ۲۳۲

۴۷۸ - ۹۰۷ - ۹۴۵ - ۱۲۱۲ - ۲۵۵۰ تا ۲۵۵۲

المسالك والممالك : ۱۰۲ - ۱۰۳

معجم البلدان : ۱۰۶ - ۱۵۶ - ۱۴۳

مقامات حمیدی : ۹۰ م

مکاله سونتاکسیس : (المجست)

مهرداد (نمایشنامه) : ۲۱۴۷

می لهزیاک : ۲۳۲۳

ن

نامهای ایرانی : ۹۰۷

نامه خسروان : ۲۵۴۲ - ۲۵۴۵

نثر فارسی معاصر : ۱۳۳ م

نوبهار (روزنامه) : ۷۶ م

و

ودا : ۱۵۳ - ۱۵۹ - ۱۵۴۸

ه

الهند (ماللهند) : ۱۰۴

هیئت فنیقیه : ۵۷

هید : ۱۳۱۸

هیستوری کن : ۹۰ - ۹۱

ی

یادگار (مجله) : ۲۸ - ۱۱۵ - ۱۱۶ م

یغما (مجله) : ۴ م تا ۶ - ۱۰ - ۱۳ - ۱۴ م

۳۱ - ۱۲۴ م

یکصد و پنجاه سال سلطنت : ۵۵ م

فهرست بعض اصطلاحات خاص*

الف	آلاباند (شهر) : ۸۳۱
آارن (مجل) : ۱۶۹۳ - ۱۷۷۵ - ۱۷۸۰	آالیا (مجل) : ۲۹۴
آبیان (مجل) : ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳	آلکساندر و پولیس (مجل) : ۲۱۱۵
آبپولونی (شهر) : ۵۹۵	آماسیا (مجل) : ۲۱۲۳
آپستانه : ۱۵۰۹	آماتونت (مجل) : ۶۴۸
آپیس (گاو) ۴۹۷ تا ۴۹۹ - ۵۰۵ - ۵۱۸-۵۰۶	آن تردون (حشره) : ۱۶۴۴
۵۶۶ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۳ - ۱۳۵۳	آن خیالن (مجل) : ۱۲۹۱
آقوری (واحد) : ۲۶۸۲ - ۲۶۸۳	آندراک (مجل) : ۱۷۶۷
آثریات : ۲۵۳۰ - ۲۶۲۴ - ۲۶۲۸	آندروس (مجل) : ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۷ - ۱۳۲۹
آثریادی : ۵۴۰ - ۵۴۵	آن گارین : ۸۱۷
آارات (دولت) : ۱۲۹	آوگیل (مجل) : ۵۷۲
آراد (شهر) : ۱۱۶۷ - ۱۱۶۸	آینه اسکندر : ۱۹۱۶
آراق ملکوی : ۲۶۸۰	آپارخی : ۲۱۰۲
آرتمیزیوس (ماه) : ۱۲۴۹	آجی بی (بانک) : ۱۲۳ - ۳۹۱ - ۹۵۱
آرتی می نا (مجل) : ۱۵۱	آنلیانی (دولت) : ۲۰۶۹
آرژیر و سپید : ۱۳۸۷ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ -	آتوکران : ۲۶۸۳
۲۰۰۵ - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰	الحساء (مجل) : ۱۱۸
آرگس (جزیره) : ۸۸۵ - ۸۸۷ - ۲۰۶۳	ادوکنیش (ماه) : ۵۴۴ - ۱۴۹۸
آرگیشتی : ۴۸	ارتبه (واحد) : ۱۶۶ - ۴۳۸ - ۱۴۷۶ - ۱۴۹۸
آریستوکران : ۹۸۴	ارخمن (مجل) : ۷۷۷
آروتوس : (مجل) : ۲۰۳۶	ارناو : ۳۶-۳۷
آژما : ۱۴۱۶ - ۱۷۸۹ - ۱۸۹۰	ارخوانیش : ۳۷۵
آگی نانس (شمشیر) : ۷۲۸	ارسانگس : ۸۱۲
آگاریوی : ۱۴۹۲	ارش (واحد) : ۱۴۹۸
آگاو (مجل) : ۳۸۷	اسپرسا (واحد) : ۱۴۹۷

* برخی اسامی نیز که در فهرست کلی از قلم افتاده بود در اینجا اضافه شد .

- اسکوفور ، ۳۴۹
اشک ناز ، ۱۷۲
اکستر ، ۱۷۷۷ - ۱۷۷۸
الارو ، ۳۶
المیاد ، ۱۱۲
اممی (گیاه) ، ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳
انامک (ماه) ، ۵۴۰ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۷
۵۵۴ - ۱۴۹۹
انگسته (واحد) ، ۱۴۹۷
اور (محل) ، ۳۳
اوری مدون ، ۱۱۲۳
اولیگارشی ، ۹۴۰
ایپسوس (محل) ، ۲۲۱۴
ایلوت ، ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۸۵ - ۸۹۶
ایلیون (محل) ، ۲۰۹۹
ایمبروس (محل) ، ۱۱۱۸
ایندوس (محل) ، ۱۸۴۵
ایوبی (امراء) ، ۱۰۶
ب
بازی ، ۱۲۵
بازی لوس ، ۲۶۲۸
بازی لوس بازی لئون ، ۲۶۵۶
باغ یادیش (ماه) ، ۵۳۳ - ۱۴۹۸ - ۱۴۹۹
باکانال (جشن) ، ۴۶۹ - ۲۳۲۶
پاکانت ، ۱۸۶۷ - ۲۳۲۵
بغای بیش ، ۱۵۲۶
بور (اسب) ، ۱۴۱م
بوسفال (اسب) ، ۱۲۲۲ - ۱۶۴۶ - ۱۷۸۷ - ۱۷۹۲
بیس تاکس : (ویتاکسا)
پ
پاتری ثیان ، ۲۵۲۱
پاتسی ، ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۳
پاراخواتر (محل) ، ۱۹۰۸
پاسارگاد (محل) ، ۴۵۳ - ۴۷۲ - ۴۷۳
پاش (سلسله) ، ۱۲۵
پاکاوان (محراب) ، ۲۶۰۸
پاگاس جیک (کشور) ، ۲۶۱۷
پثوم بوتی (محل) ، ۱۲۱۲
پت ریوم (محل) ، ۱۵۲۹
پختو (زبان) ، ۲۲۶۶ و رجوع به پشتو شود
پتواوس (محل) ، ۸۳۰
پراسیان (دولت) ، ۲۰۵۷
پرتوریان ، ۲۴۵۱
پرثنها (واحد) ، ۱۴۹۷
پردیس ، ۴۶۱
پرسه اید (نژاد) ، ۲۴۴
پروقنسل ، ۲۲۸۲
پسیت تالی (محل) ، ۸۱۰ - ۸۱۶
پشتو (زبان) ، ۲۲۱
پلطر (واحد) ، ۱۶۶
پهریتاس (سگ) ، ۱۷۹۳
پوم (بازی) ، ۱۹۳۰
پومیه یوپولیس (محل) ، ۲۳۹۷
پی تانات ، ۸۵۲
پی نار (محل) ، ۱۳۲۱
ت
تارسوس (شهر) ، ۲۴۵۶
تارکودی مو ، ۴۹
تالان ، ۶۹ - ۲۶۶ - ۹۱۱ - ۹۳۹ - ۲۲۸۶
تانائیس (رود) ، ۱۹۷۲
تاھی یا (دولت) ، ۲۲۶۴
تثویاتر ، ۲۶۵۷
تثوس ، ۲۶۵۶
تثوکرسی ، ۲۴۷۲
تثوما ، ۲۶۴۷
ترینت (گیاه) ، ۹۹۳ - ۱۵۲۷
تروگلود (محل) ، ۲۰۷۴
تریبون ، ۲۲۹۸

تری دم (کشتی) : ۵۶۱ - ۹۲۶ - ۹۳۰ - ۹۳۵ -

۱۱۳۵

تلنار (کشتی) : ۱۰۵ م

توپارخس : ۲۶۲۸

تیکتا (جشن) : ۸۹۱

تیگران نرتا (شهر) : ۲۴۲۸ - ۲۴۴۲ - ۲۴۴۳

ث

ثای گرچیش (ماه) : ۱۴۹۹

ثور واهر (ماه) : ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۶ - ۱۴۹۹

ج

جام هرقل : ۱۹۱۴ - ۱۹۳۲

چ

چای گرسیس (ماه) : ۵۴۳

خ

خالد (نژاد) : ۳۶

خوتک دس : ۲۶۹۴

خیلی آرك : ۱۹۹۷ - ۲۰۵۴

د

دافنه (مجل) : ۵۷۱

دراخم : ۲۶۷۵ و رجوع به دریک شود

دریک (واحد) : ۳۲۸ - ۱۴۹۴ - ۲۶۰۸

دری فور : ۴۲۴ - ۱۲۹۶ - ۱۹۴۸

دزیوس (ماه) : ۱۲۴۹ - ۱۹۳۲

دکاسترات : ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

دم : ۲۱۱۱

دموایت : ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

دموتیک : ۴۲ - ۱۰۹

دیو : ۱۵۷

دهیو : ۲۶۴۷

دیفتری بازی لی کای : ۱۴۶۶

ر

رادی ناکه (روغن) : ۶۸۲

رامس سی (مجل) : ۵۰۶

رزت (سنگ) : ۴۲۱

رواقی (مذهب) : ۸۵ - ۸۶

رین تاسس (مرغ) : ۱۰۹۶

ز

زن تو : ۲۶۲۷

س

سانراپ : ۴۳۸ - ۲۶۵۰

سام بوکا : ۲۶۹۹

سانتور : ۱۹۱۳

سانکالا (مجل) : ۱۸۰۰ - ۱۸۰۲

سانسکریت (زبان) : ۱۵۴۷

سپیتم (واحد) : ۱۳۷۰

ستاتر (واحد) : ۱۶۶ - ۵۶۰

ستات مس (میهمانخانه) : ۱۴۹۰

ستاد (واحد) : ۱۶۶ - ۱۴۹۷

ستل نرم سین : ۵۶ - ۱۲۵

سرامیان (بازار) : ۹۹۹

سس ترث (واحد) : ۲۴۵۰

سلیمان (کوه) : ۱۴۴

سمر : ۵۰۳

سن زولین (قلعه) : ۴۲

سمیت تاس : ۱۹۷۳

سی تال : ۲۳۲۴

سی داریس (تاج) : ۱۲۹۸

سیرتا (مجل) : ۹۳۴

سیرگیس (مجل) : ۶۰۴

سیرن (موجود افسانه ای) : ۱۹۱۳

سینزیکوس (مجل) : ۲۱۴۱

سی کمر (درخت) : ۳۴

سیکل (واحد) : ۱۴۹۴

ش

شاپور (شهر) : ۱۲۶۵

شاراپیس : ۷۵

شن (واحد) : ۱۶۶

شنیس (واحد) : ۱۶۶

ط

طراخنه (سلسله) : ۲۵۵۷

غ

غار (درخت) : ۲۴۵۱

ف

فالانژ : ۳۵۷ تا ۳۵۹

فروراک : ۲۱۰۲

فریت کلرا : ۲۶۲۵ - ۲۶۲۷

فلسطین (مجل) : ۸۸-۸۹-۱۷۰

فیلاخ : ۲۶۲۸

ك

کاپریوس (رود) : ۲۴۲۹

کادوسه (عصا) : ۸۶۶-۸۶۷

کارانس : ۱۴۶۷

کارنی (عید) : ۷۷۸

کالیندیان (کشتی) : ۸۱۳-۸۱۴

کلارومن (مجل) : ۱۱۱۸

کنکر (واحد) : ۲۵۸۵

کوتیل (واحد) : ۱۶۶-۱۵۴۶

کورول (کرسی) : ۲۴۵۱

کیداریس (تاج) : ۱۴۶۳

کیس لو (ماه) : ۳۸۸

کی یف (شهر) : ۶۱۵

گ

گاما (واحد) : ۱۴۹۸

گرانیون (خانواده) : ۲۲۶۸

گرم پد (ماه) : ۵۳۳-۵۴۵-۵۴۶-۱۴۹۹

ل

لازید (سلسله) : ۲۱۵۳

لامائیسیم (مذهب) : ۲۲۵۳

لخ : ۳۰۶-۳۵۱-۱۰۶۵

لخاز : ۱۰۶۵

لیبرا (واحد) : ۲۶۸۳

لیکتور : ۲۳۲۱-۲۳۲۳

لیه (واحد) : ۱۳۷۸

م

مارات زواتردر : ۲۵۸۶

مازندر : ۲۶۰۱

ماستیگوفور : ۴۲۵

ماگوفونی (عید) : ۵۲۵-۵۳۱

مان (منه)

مدیمین (واحد) : ۱۶۶

مرا : ۴۰

مرات : ۵۸

مرغزن (مرگ زن، ماه) : ۵۴۸-۱۴۹۹

مرهشوان (ماه) : ۳۸۸-۳۹۲

مروایت : ۲۰

مگاس بازی لوس : ۲۶۲۸

ملکا : ۲۶۲۶

ملوفور : ۱۳۸۹

منه (واحد) : ۱۷۰-۱۷۲-۱۴۹۷-۱۴۹۸

موراتزان (سلسله) : ۲۵۸۶

موریاس (سلسله) : ۲۰۵۷

موز (ربا النوع) : ۱۲۴۱

میتز (کلا) : ۷۳۲

میز آفتاب : ۴۹۳-۴۹۵

میش مکن (چوب) : ۱۶۰۵-۱۶۰۷

مین (واحد) : ۱۶۶-۲۲۸۶

ن

ناباتا (سلسله) : ۴۰

ناخازار : ۲۶۱۶

نافه : ۲۶۴۷

نردبام (راه) : ۲۰۱۲

نرگال (مریخ) : ۱۸۹

نمان : ۲۶۴۷

نه نه (مجسمه) : ۱۳۸-۱۳۹

نی سین (سلسله) : ۱۱۷

و

وس دهیو : ۱۵۸۲-۱۵۸۴

ویتاکسا : ۲۶۴۶-۲۶۵۰

ویخن (ماه) : ۵۴۵-۵۴۷-۱۴۹۹

ویس : ۲۶۴۷

ویس پت : ۲۶۴۷

ه

هارماماکس (گردونه) : ۷۲۲-۱۴۶۵

هارمست : ۱۱۰۲-۱۱۱۳-۱۱۱۹

هثومه (گیاه) : ۹۹۳-۱۴۵۳ رجوع به تربنت شود

هتر : ۱۲۵۷-۱۷۱۶

هتر (زن بد عمل) : ۲۱۵۵

هکاتوم بیان (ماه) : ۱۴۴۵

هوزوارش : ۱۵۵۴

هوموتیم : ۲۹۷

هی یاس بیست : ۱۳۰۷-۱۶۴۵-۱۶۵۳-۱۸۲۰

هیپ پوسان تور : ۳۲۳

هیر و گلیف (خط) : ۴۱-۴۲-۱۶۱۵

هی یاسینت (عید) : ۸۳۵-۸۳۸

پایان اعلام ایران باستان